

مقام او نمي‌کاهد. دشتي با تألیف این کتاب نفیس خود که تقدیم فرهنگ اسلامي نموده، شایسته تقدیر است و این کتاب در حقیقت درس‌های علمي انتقادي است که به جهان ادبیات ارزاني داشته است ... این کتاب نفیس، روزنه و راهنمایی از سنجش ادبیات است. ادبیات فارسي و عربي را نیکو و سزاوار است، که جزء کتاب‌های درسي به شمار آید " (ص ۱۷۹۷).

۱-۳. اشاره به ارزش ترجمه محمد صادق نشأت از کتاب " قلمرو سعدي " (ص ۱۷۹۸).  
۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. " آفاق ادب سعدي‌الشيرازي " از علي دشتي، ترجمه محمد صادق نشأت.  
۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۲-۱. رويکرد مستقيم ندارد.

۴. **اشاره:** ۲-۱. این نوشته ترجمه بخشی از مقدمه‌ای است که دکتر يحيي خشاب بر کتاب " آفاق ادب سعدي‌الشيرازي " نوشته و گویای چگونگی قضاوت دانشمندان و ادبای عرب درباره این کتاب و نویسنده آن است. آنچه در این نوشته بیشتر رخ می‌نماید، اظهار دوستي نویسنده با علي دشتي است و همین علاقه او موجب شده، بیش از آنکه مطالب کتاب مورد نظر، بررسی و نقد و تحلیل شود، بر شخصیت علمي و اخلاقي علي دشتي تأکید گردد. این چنین است که می‌توان گفت این مقدمه، تنها، معرفی دشتي و کتاب قلمرو سعدي است نه قضاوت علمي و تحقيقي درباره آن.

**نقش واژه‌ها و ترکیبات در آثار سعدي ، دکتر محمود نشاط، مجموعه مقالات نخستین کنگره تحقیقات ایرانی، ج ۲، به کوشش غلامرضا ستوده، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، صص ۱۷۰-۱۴۶.**

۱. **مضامین اصلي:** ۱-۱. تأکید بر استادي سعدي در سخن و ذکر دلایل بلندمرتبه‌ای او: " آنچه سعدي را در مقدم صفوف شاعران و نویسندگان گرانقدر ایران قرار داده، استادي او در سخن سهل و ممتنع، حکمت و فلسفه عرفاني، شخصیت ممتاز و یگانه او، سادگی و زود فهمي اشعار او، تسلط وي بر عقاید و اخلاق و آداب فرق و فلسفه اسلامي، جامعه‌شناسي و غور در اخلاق طبقات مختلف مردم در دیار گوناگون، عشق و شور و جذب و حال، تسلط بر دقایق زبان و قواعد پارسي و عربي، بخصوص در لغت و دست‌چین کردن آن و نظایر آنهاست " (صص ۱۴۷-۱۴۶).

۱-۲. بررسی ویژگی‌های زیر در سخن سعدي: سادگی و بساطت، وسعت استعمال کلمات، واژه‌سازی و مضمون‌آفرینی، کاربرد لغات محلي، کاربرد لغات ترکی مغولي، استفاده از لغات و ترکیبات نادر، پرهیز از به کاربردن واژه‌های نامأنوس و ثقیل مگر در مواردی اندک، اضافات تشبیهی، جناس‌های تام و تضادها، سجع و قرینه‌سازی، استفاده مناسب از واژه‌ها و ترکیبات عربي، بهره‌وری از مضامین و اصطلاحات عرفاني، استفاده شایسته از اصطلاحات، مدح خویشتن، مطایبات و هزلیات با رعایت عفت کلام، پرهیز از به کار بردن واژه‌های نابجا و کلماتی که محل فصاحت هستند، بهره‌گیری از آیات و احادیث، داستان‌پردازی به نثر و نظم برای تأثیرگذاری بیشتر و ... " (صص ۱۷۰-۱۴۸).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** \* بجز واژه‌ها، ترکیبات و اصطلاحات فراوانی که از آثار مختلف سعدي مثال آورده شده است رويکردهای مستقیم دیگر در این مقاله عبارتند از: ۳-۱. غزلیات ۲۸ بار، بوستان ۲۲ بار، گلستان ۱۶ بار، قصاید ۱۰ بار و مثلثات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۲-۱. در این نوشته به گسترده‌گی و با استنادهای فراوان به آثار سعدي ویژگی‌های گوناگون سخن او بررسی شده است. هر چند در این مقاله سخن تازه‌ای درباره سعدي و آثار او بیان نشده، اما به عنوان نوشته‌ای که بسیاری از ویژگی‌های اصلي آثار سعدي را برشمرده و با استنادهای مکرر، آنها را بازنموده، ارزشمند است. چنانچه شگردهای هنري سعدي نیز کاویده می‌شد و سروده‌های سعدي از دید زیبایی‌شناسانه تحلیل و بررسی ژرف‌تری می‌شدند، بر ارزش این مقاله افزوده می‌شد.

۲-۲. نشانی مثال‌های شاهد و مأخذ مقاله مشخص نشده و از اشتباهات چاپی نیز برکنار نمانده است، از جمله: ص ۱۴۹، س ۱۰؛ مم (مهم) و ص ۱۵۱، س ۱۰؛ واژه‌سواي (واژه‌سازی) و ص ۱۵۲، س ۱۸؛ اگر حدیث (دگر حدیث) و ... .

**نکاتی چند از زندگانی سعدي ، علي اصغر حکمت، سعدي‌نامه، به اهتمام حبیب یغمایی، شرکت چاپ خودکار و ایران، اسفند ۱۳۱۶، صص ۵۱-۴۱.**

**چاپ‌های دیگر:** ۱. **مجله تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، صص ۶۶۷-۶۵۷. ۲. ما خود درباره سعدي چه می‌گوییم، علي سامي، برگرفته شده از کتاب " شیراز، شهر جاویدان "، ۱۳۶۲، صص ۲۶۸-۲۶۶. (بخشی از آن مقاله است).**

۱. **مضامین اصلي:** ۱-۱. بیان هدف: " من در اینجا از سال تولد یا وفات و محل اقامت یا انواع مسافرت شیخ بحث نمی‌کنم بلکه می‌خواهم نکته‌ای چند از زندگانی شیخ که از کلمات او استخراج شده و متضمن فایده اخلاقي است به سمع حضار محترم برسانم (ص ۱۴).

۱-۲. استفاده از برخی حکایات گلستان و بوستان، و ستایش سعدي به خاطر تحمل مشکلات و سختی‌های زندگی و حب وطن. نتیجه: " تقلید و پیروی از زندگانی این طلیه فقیه کاری است بسیار آسان ولی بسیار مشکل، مانند کلام او هم سهل است و هم ممتنع. " (ص ۴۲).

" سزاوار است که این چنین زندگانی سرمشق عمر و هدف هر دانشجوی علم پرست باشد تا بداند که سرمایه حقیقی به دانش است نه به مال. " (ص ۴۸).

۱-۳. بحث درباره زندگانی سعدي: " اگر دوره کودکی و عهد شباب را استاد سخن به کسب علوم و حکم به سرآورد و زمان کار و کوشش را چنانکه شایسته جوانی دانش طلب چون اوست به پایان رسانید، دوره پیری را نیز مانند بزرگان به مراقبت و تفکر زینت بخشید وقتی که بوی بهار طرب‌انگیز او را از انزوا بیرون می‌آورد با همه پیری و شکستگی، فصل گل او را نوجوان می‌ساخت ... (ص ۵۰).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي. (نشانی مأخذ مشخص نشده است)  
۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزلیات ۹ بار، بوستان ۸ بار، گلستان ۸ بار.

۴. **اشاره:** ۲-۱. این مقاله همان‌گونه که خود نویسنده اشاره کرده است، تنها برای پند و اندرز به جوانان با یادآوری زندگی پرمشقت و توفیق‌دار شیخ سعدي تنظیم شده است" و نکته تازه تحقيقي در آن نیست.  
۲-۲. نشانی ابیات شاهد مشخص نیست.

## نکاتی درباره گلستان و بوستان ، دکتر محمد خزانلی، مجموعه مقالات نخستین کنگره تحقیقات ایرانی، ج ۲، به کوشش غلامرضا ستوده، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، صص ۱۹۴-۱۸۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. مقایسه گلستان با کتاب‌های دیگر اخلاقی چون: اخلاق ناصری، کیمیای سعادت، نصیحةالملوک، و قابوسنامه و تأکید بر جامعیت، گستردگی و همه‌گانی بودن گلستان نسبت به آثار یاد شده (صص ۸۵-۱۸۲).
- ۱-۲. توضیح درباره مضامین عارفانه در آثار سعدی و مقایسه آن با مقامات حمیدی (صص ۱۸۷-۱۸۵) با این نتیجه‌گیری که: "محتویات مقامه به هیچ روی در برابر کلمات موجز و حکیمانه سعدی نیروی هم‌سنگی ندارد و در بازار گوهریان ارزی نیارد. دیگران هم که در این باب دفترها ساخته‌اند و مقالات و منظومه‌ها پرداخته‌اند، هیچ‌کدام نتوانسته‌اند حقیقت تصوف را چنانکه سعدی شناسانده است، معرفی کنند و جزئیات اندیشه و طریقه سیر و سلوک آنان را نشان دهند" (ص ۱۸۷).
- ۱-۳. تأکید بر مفهوم والای عشق در بوستان و گلستان و برتری شیوه بیان سعدی نسبت به سنایی، عطار، نظامی و قاضی حمیدالدین بلخی (صص ۱۸۹-۱۸۷).
- ۱-۴. توضیح درباره جامعیت گلستان و بوستان (صص ۱۹۱-۱۸۹).
- ۱-۵. توضیح درباره پیوند جمله‌ها و عبارت‌های گلستان (صص ۱۹۲-۱۹۱)، از جمله: "اجزای سخن در عین استقلال و گسستگی، با هم پیوستگی معنوی دارند. به صورت پراکنده می‌نمایند و به معنی جمعند. هر جزء مرکب از نثر و نظم است، باز میان قسمت‌های نثر و نظم رابطه برقرار است و در عین حال هر یک به جای خود مستقل و تمام است ... به طور کلی باید گفت، گلستان رشته‌های مروری است که هر کدام به تنهایی زیور اندامی هستند و مجموعه آنها پیکری را زیور می‌دهند" (ص ۱۹۲).
- ۱-۶. اشاره به افراد زیر به عنوان کسانی که سعدی در سخنان و سروده‌های خود از آثار آنان استفاده کرده است: متنبی، ابوالعلاء معری، جاحظ، ابوعلی مسکویه، غزالی، ابن‌قتیبه دینوری، ابوالفرج بن جوزی، سهروردی و ... (ص ۱۹۳).
- ۱-۷. توضیح درباره اصولی که در نوشتن می‌توان از گلستان آموخت (صص ۱۹۴-۱۹۳).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. بوستان ۲ بار، گلستان ۲ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته برخی از ویژگی‌های سخن سعدی بررسی و در مواردی هم با بعضی متون دیگر مقایسه شده است. اما سخن چندان تازه‌ای در آن دیده نمی‌شود.
۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. متن کامل دیوان شیخ سعدی شیرازی، به کوشش مظاهر مصفا، کانون معرفت تهران، ۱۳۴۰، ص ۲۷.
- ۵-۲. جهان‌بینی در نظر سعدی، محمد جناب‌زاده، سالنامه کشور ایران، سال بیست و هشتم، ۱۳۵۲، ص ۲۴۸، ۵-۲. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، ص ۲۸.

## نکاتی در سرگذشت سعدی ، محمد محیط طباطبایی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴ ، صص ۲۱۱-۱۸۵.

### چاپ‌های دیگر: ۱. کیهان فرهنگی (ویژه هشت صدمین سالگرد تولد سعدی)، شماره ۱۰، دی ۱۳۶۳، صص ۱۴-۱۰. ۲. مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، دکتر منصور رستگار فسایی، ۱۳۷۵، صص ۳۶۰-۳۴۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. گفتاری زیر عنوان "درآمد" که در واقع چکیده مقاله است. (صص ۱۸۸-۱۸۷).
- در این گفتار تولد سعدی حدود ۵۸۵ هجری و تخلص او نسبت خانوادگی‌اش دانسته شده است.
- ۱-۲. تأکید بر عرفان سعدی: "سعدی یکی از عرفای معروف عصر خود بوده که در سی سال پایان عمرش پیوسته مقصد و مراد صاحب‌دانی بوده که از اطراف ایران برای دیدار او به شیراز می‌آمده‌اند تا از محضر او کسب فیض و برکت کنند. کتاب بوستان او نظیر حدیقه سنایی، دستور نامه عرفانی است که از سعدی در روزگار به یادگار مانده است." (ص ۱۸۹).
- ۱-۳. اشاره به پژوهش‌هایی که تا زمان نگارش مقاله حاضر درباره زندگی سعدی انجام گرفته است (صص ۱۹۱-۱۹۰).
- ۱-۴. نقل قول از سیزده مرجع قدیم و جدید درباره اسم، لقب، کنیه و شهرت سعدی (صص ۱۹۳-۱۹۱). و نتیجه اینکه "از سابقه ارتباطی که در فهرست رجال غالباً میان لقب "شرف‌الدین" و اسم "محمد" دیده می‌شود. خود این نکته می‌تواند به خاطر خطور کند که شاید نام مشرف‌الدین ابو عبدالله هم محمد باشد. ولی تقدیم و تأخیر مصلح‌الدین و مشرف‌الدین در میان نام‌های پدر و پسر چنان ذهن را دستخوش تشویش و اختلال می‌کند که پژوهنده برای رفع آن ناگزیر می‌شود به ترجیح روایت اقدم که این فوطی در کتاب خود آورده است، تسلیم شود و سعدی را "مصلح‌الدین ابو محمد عبدالله ابن مشرف‌الدین ابو عبدالله بن مصلح‌بن مشرف بشناسد" (ص ۱۹۴).
- ۱-۵. توضیح درباره تخلص و نسبت سعدی و نقد سخن دیگران در این باره (صص ۱۹۵-۱۹۴).
- "ابن فوطی و حمدالله مستوفی و فصیح خوافی آن [تخلص سعدی] را مأخوذ از نام "سعد" پسر اتابک ابوبکر می‌دانند و بدان نیندیشیده‌اند که سعدی سال‌ها پیش از سعد دوم خود را در مسجد جامع کاشغر، سعدی می‌خوانده است. روایت سلم السموات که تخلص را مأخوذ از اسم سعد زنگی پدر اتابک ابوبکر گرفته است چون کار شاعری سعدی پس از خاتمه روزگار سعد زنگی فی‌الواقع آغاز شده، این انتساب به نظر قابل قبول نمی‌رسد و تخلص سعدی باید از نسبت خانوادگی او گرفته شده باشد که منسوب به سعدبن عباده خزرجی صحابی بوده است" (ص ۱۹۴).
- ۱-۶. بحث درباره عمر سعدی (صص ۲۰۴-۱۹۵).
- در آغاز این بخش بعد از ذکر هشت روایت از متون قدیم در تاریخ وفات سعدی، نتیجه گرفته شده: "تحقیق و تتبع در روایت‌ها و مواد منظوم و منثور راجع به تعیین تاریخ وفات شیخ روز ۲۷ از ماه ذی‌الحجه سال ۶۹۱ را بیشتر درخور قبول و اعتبار نشان می‌دهد (ص ۱۹۸) ... در روایات نه چندان قدیم، سال‌های عمر سعدی را از صد تا صدودو و صدوده و صدویست هم نوشته‌اند. طول عمری چنین برای کسی که در قبیله خود می‌توانسته پیر صدوپنجاه ساله را ببیند و وصف کند، یا برخی از گویندگان معاصر او مانند همام تا صدوهفده سال هم از نعمت حیات برخوردار باشند، اصولاً چیز خارق‌العاده و عجیبی نیست." (ص ۱۹۹).
- در ادامه این بخش برای اثبات دیر سالی سعدی و عمر بیش از صد سال او به ده مورد از نوشته‌های سعدی در بوستان و گلستان اشاره شده است. (صص ۲۰۳-۱۹۹).
- ۱-۷. گفتاری زیر عنوان "سعدی و ابن جوزی" با نقد و رد نظر آشتیانی (درباره ابن جوزی و تولد سعدی در ۶۱۵ هجری) و اشاره به یک ابن‌جوزی دیگر: "قضا را چند سال بعد ... به شام رفتم ... در اثنای توقف چند ساله دمشق ... توفیق شناسایی این شیخ اجل ابوالفرج، منظور سعدی را در دمشق یافتم. ضمن رسیدگی به سوابق ارتباط فرهنگی میان ایران و شام، به وجود خانواده‌ای از علمای ایران در دمشق برخوردیم که سرسلسله این خانواده نامدار فقیهی از مردم شیراز، به نام و شهرت ابوالفرج عبدالواحدبن محمد انصاری سعدی عبادی خزرجی شیرازی بوده

است ... افراد منسوب به خاندان این فقیه شیرازی که از سده پنجم تا هشتم هجری از فقهای برجسته دمشق بودند، همگی عبارت " سعدی شیرازی " را در سلسله نسبت خود به کار می‌بردند. از آن جمله، نیره ابوالفرج سرسلسله، فقیهی بوده که عنوان کامل او را در تاریخ شام چنین نوشته‌اند: " الناصح، ابوالفرج عبدالرحمن بن نجم‌الدین عبدالوهاب بن شیخ ابوالفرج جوزی، السعدي، العبادي، شیرازی الاصل، الدمشقي المعروف بابن الحنبلي ".

این ناصح ابوالفرج بن جوزی سعدی شیرازی، منظور سعدی شیرازی [ است ] بدین سان مشکل شخصیت " ابوالفرج بن جوزی " در تاریخ زندگی سعدی، چنانکه با مطلب گلستان منافعی نباشد، حل می‌شود بی‌آنکه شانه زیر بار قبول فرض دلخواه تولد سعدی در ۶۱۵ بهیم و برای قبول چنین بار خاطری، همه اشارات دیگر او در بوستان و گلستان از مقوله شاخ و برگ وهم و خیال سخن‌پرور بدانیم " (صص ۲۰۷-۲۰۵).

۱-۸. توضیح درباره مذهب سعدی اشاره به قلمرو نفوذ مذهب شافعی در محیط تربیت سعدی و توجه به برخی از سروده‌های سعدی در مدح و منقبت حضرت علی (ع) و بنی‌فاطمه (صص ۲۱۰-۲۰۷). نتیجه: " سعدی در سی سال آخر عمر در موضعی از تدین و تظاهر به مذهب و اعتقاد قرار داشت که می‌توانست جلب احترام طبقات شافعی و حنفی و شیعی و صوفی و متشرع را به خود و آثار خود بکند ... در این صورت نسبت نفاق و تظاهر و دورویی به شیخ، در این ابراز حمیت مسلمانی، پسندیده نیست. بلکه باید در تشخیص عواطف مذهبی، او را مسلمان مظهر کامل بلکه در این بیان مظهر همان انسان کامل شمرد. (ص ۲۱۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. مجمع‌الالفاظ ابن فوطی. ۲-۲. تاریخ گزیده مستوفی. ۲-۳. مزارات شیراز. ۲-۴. نفحات الانس جامی. ۲-۵. مجمل فصیحی، فصیح خوافی. ۲-۶. سلم السموات. ۲-۷. مونس الاحرار بدر جارمی. ۲-۸. تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی. ۲-۹. کلیات سعدی. ۲-۱۰. مقاله اقبال آشتیانی در روزنامه ایران، ۱۳۱۱. ۲-۱۱. برخی از نسخ خطی آثار سعدی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۷ بار، بوستان ۶ بار، غزلیات ۳ بار، قصاید ۱ بار، قصاید عربی ۱ بار، قطعات ۱ بار. ۴. اشاره: ۴-۱. بررسی سیر مراجعی که به سرگذشت سعدی پرداخته‌اند (صص ۱۹۱-۱۸۹) و نقد مراجع قدیم - بویژه درباره تخلص سعدی (صص ۱۹۵-۱۹۴) و نقد نوشته بعضی از سعدی پژوهان از جمله اقبال آشتیانی (صص ۲۰۷-۲۰۵) از نقاط ارزشمند این مقاله است.

۴-۲. تازگی بحث در تخلص سعدی - نسبت آن به طایفه سعدی در دمشق - و کشف " ابن جوزی " جدیدی که به قول نویسنده مقاله " منظور نظر سعدی بوده و بی‌خبری سعدی پژوهان از این امر موجب اشتباه آنان شده است " و برای نخستین بار در سرگذشت سعدی مطرح گردیده است، از مطالب جالب و در خور تأمل و توجه است. نویسنده مقاله در این باره می‌نویسد: " اشاره مجمل گلستان بدین امر [ ابوالفرج بن جوزی ] و بی‌خبری شیرازیان بعد از روزگار سعدی نسبت به وجود چنین خاندانی از همشهریان خود در دمشق، نخست پای ابوالفرج ابن جوزی بغدادی حنبلی متوفی در ۵۹۷ را که درک محضر او در بغداد برای سعدی دوازده ساله سخت دشوار بود و سپس نیره او ابوالفرج ابن جوزی دوم را که در زمان خلافت مستعصم، محتسب دارالخلافه، و بیست سال از سعدی در عمر جوان‌تر بوده به این داستان گشود، تا آنکه توفیق رفع این اشتباه چنانکه بر قلم رفت، نصیب شد " (ص ۲۰۸). ۴-۳. ذکر نشانی یکدست نیست و ذکر نشانی برخی از مراجع ناقص است (از جمله پاراگراف نخست از صفحه ۱۰۷ و شماره ۷ از همان صفحه).

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، صص ۲۴، ۳۶، ۳۷، ۶۰، ۱۹۷، ۵-۲. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۳۴۰، ۸۱۴، ۵-۳. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، ص ۱۷۲. ۵-۴. تأملی بر صناعت روایت در گلستان، حمید دباشی، مجله ایران‌شناسی، سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۰۰. ۵-۵. در جستجوی خود انگاره سعدی، فاطمه کشاورز، ترجمه افسانه منفرد، مجله چیستا، سال سیزدهم، شماره ۴ و ۵، دی و بهمن ۱۳۷۴، ص ۳۲۲.

نکاتی راجع به گلستان ، دکتر رضازاده شفق، سعدی‌نامه به اهتمام حبیب یغمایی، شرکت چاپ خودکار و ایران، ۱۳۱۶، صص ۷۰-۶۵.

چاپ‌های دیگر: ۱. مجله تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، صص ۶۸۱-۶۸۲. ۲. شناسایی سعدی، م.ر. هزار شیرازی، ۱۳۱۷، صص ۱۹۵-۱۹۱. ۳. روزنامه عصرآزادی، چاپ شیراز اول و سوم مرداد ۱۳۱۷. ۴. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویان، ۱۳۲۸، صص ۱۱۹-۱۱۲. ۵. ما خود درباره سعدی چه می‌گوییم، علی سامی، برگرفته شده از کتاب " شیراز، شهر جاویدان "، ۱۳۲۲، صص ۲۸۵-۲۸۲ (بخشی از آن مقاله است).

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. یادکرد اهمیت و ارزش گلستان و استفاده فراگیر آن در سده‌های مختلف (ص ۶۵). ۱-۲. ذکر دلیل سوء تعبیرها از گلستان: به دلیل اینکه گلستان کتاب اول درسی زبان فارسی بوده است " همین شروع کودکانه سبب شده که بسیاری از مردم عبارات و معانی گلستان را کج فهمیدند یا نفهمیده یاد گرفتند. " (ص ۶۵). " با این همه، اعجاز گلستان است که از مطالب آن هر کسی موافق دانش و بینش و سن و سال و مراتب احوال خود بهره‌مند می‌گردد و از خوشه الفاظ و معانی آن توشه‌ای می‌تواند ببرد " (ص ۶۶).

۱-۳. بیان چند ویژگی گلستان: اول: کمال در سجع. دوم: آوردن مسائل گوناگون مهم مربوط به جامعه بشر. سوم: استفاده استادانه و بسیار طبیعی و ظریف از قرآن، که با نمونه‌هایی آن را باز نموده است. چهارم: باز گفتن حقایق اصول زندگی با روشی شیرین، جذاب و متین. پنجم: بیان زیبای روح وحدت بشر و نفرت از نفاق و ستیزگی و خودکامی. (صص ۶۶-۷۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان. (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. گلستان ۱۳ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این مقاله اگر چه با مثال‌هایی بر زیبایی سخن سعدی تأکید شده است، اما زیبایی‌شناسی سخن سعدی شکافته نشده و به عبارتی دیگر هنر سعدی کالبد شکافانه نمایانده نشده و عوامل رستاخیز در کلام او روشن نگردیده است.

۴-۲. نشانی شواهد مثال و مأخذ مورد استفاده مشخص نشده است. ۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویانی، ۱۳۲۸، صص ۱۱۹-۱۱۳. ۵-۲. حکمت سعدی، کیخسرو هخامنشی، امیرکبیر، ۱۳۵۵ (چاپ دوم)، ص ۱۸.

نکته‌ای از شمع ، دکتر غلامحسین یوسفی، برگرفته شده از کتاب " روان‌های روشن "، انتشارات یزدان، ۱۳۶۳، صص ۱۷۲-۱۶۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به پیشینه مضمون شمع و پروانه و بررسی حکایت " شبی یاد دارم که چشمم نخفت ... " در بوستان (صص ۱۷۲-۱۶۵)، از جمله: " حکایت کوتاه سعدی در این زمینه، عمق و مفهومی خاص دارد و انسان را تکان می‌دهد و یا در

نظر بنده چنین می‌نماید. در این فقه، پروانه و شمع هر يك رمز و مظهری از منش و سیمای آدمی تواند بود (ص ۱۶۶). سعدی حساس و بیدار دل از هر ذره عالم رازی و نکته‌ای می‌شنود و حقیقت را " بی‌پرده از در و دیوار " در تجلی می‌بیند. بر اثر این پیوستگی و هم‌دلی و هم‌جوشی با طبیعت است که سعدی از پرتوافشانی شمع و پرواز شیفته‌وار پروانه به دور او، رازها کشف می‌کند، و حال آن که هزاران تن در روشنایی شمع شب‌ها نشسته‌اند، اما گویی نه شمع را دیده‌اند و نه پروانه را (ص ۱۶۸) ایجاز پرمعنی و شگفت‌انگیز سعدی در بیان مقایسه احوال پروانه و شمع، در ضمن جواب شمع، در خور توجه است ... بدیهی است خواننده ژرف‌بین، مانند خود سعدی، در پشت تصویر شمع، قیافه انسانی صمیم و مخلص و معتقد و جانباز را می‌بیند و عاشقی حقیقی و از اغیار بی‌نیاز، که شناختنی است و دوست‌داشتنی (ص ۱۶۹).

این جا عشق یادآور آن نکته‌ای تواند بود که عطار آن را " مغز کاینات " و " ذره‌ای عشق را از همه آفاق بهتر " می‌شمرد و مولوی آن را " اضطراب اسرار خدا " و " معراجی به سوی بام سلطان جمال " می‌دانست و زندگی عاری از چنین عشقی را به منزله مرگ می‌انگاشت... قبله‌گاه این عشق، کمال مطلق و ذات حق است ... " (ص ۱۷۰).

**۲. منابع اصلی:** در این نوشته کوتاه از منابع مختلفی بهره برده شده است که اصلی‌ترین آنها موارد زیر است: ۱-۲. کلیات سعدی. ۲-۲. کلیات شمس و مثنوی مولوی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۲. بوستان ۸ بار، گلستان ۲ بار، قصاید ۱ بار. **۴. اشاره:** ۱-۲. در این مقاله، حکایت " شبی یاد دارم که چشم نخفت ... " از بوستان سعدی بررسی و ویژگی‌های آن باز نموده شده است و در خلال آن به دیدگاه سعدی درباره مسئله عشق نگریسته شده است.

بهره‌گیری از منابع و مآخذ گوناگون، مقایسه حکایت مورد نظر با نمونه‌های همانند در آثار مختلف، رعایت ایجاز و پرهیز از انشاپردازی، از ویژگی‌های اصلی این نوشته است.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. دریا در کوزه، دکتر علی فاضل، کلک، شماره ۸، آبان ۱۳۶۹، صص ۱۰۶-۷۵.

**نکته‌ای از گلستان، یونس اندر دهان ماهی شد ، اسماعیل رفیعیان، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال ۲۲، شماره مسلسل ۹۲، بهار ۱۳۴۹، صص ۱۱۸-۱۱۹.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل بیت " قرص خورشید در سیاهی شد - یونس اندر دهان ماهی شد " و یادکرد نظر شارحان گلستان (دکتر محمد خزائلی، دکتر خطیب رهبر و سودی) درباره معنی بیت یاد شده و ترجیح نظر سودی بر دیگران.

" سودی می‌نویسد: منظور شدت خواب است ... تعبیر سودی به نظر منطقی‌تر می‌آید، بخصوص که مضمون آیات ۱۴۲ و ۱۴۴ سوره الصافات که در شکم ماهی شدن یونس از آن آیات گرفته شده است، حکایت از درنگ کردن و دیر ماندن دارد ... به عبارت اخری ظاهراً در دهان ماهی شدن یونس دلالت بر خواب سنگین (خواب مرگ) دارد" (صص ۱۱۸-۱۱۹).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. شرح گلستان، دکتر محمد خزائلی. ۲-۲. گلستان با معنی واژه‌ها و ... ، دکتر خلیل خطیب‌رهبر. ۲-۲. شرح گلستان، سودی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. گلستان ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۲. در این نوشته کوتاه با طرح چند نظر متفاوت درباره يك بیت از گلستان با ذکر نشانی مآخذ، نظر سودی بر دیگر نگره‌ها ترجیح داده شده است.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۲۴۴-۲۰۵. گزینه گلستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۱، صص ۱۳۹-۵۰۳. گزینه گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، صص ۱۰۷، ۱۶۴، ۳۳۱.

**نکته‌ای چند در گلستان و بوستان ، هاشم جاوید، نشر دانش، سال دهم، شماره اول، آذر و دی ۱۳۶۸، صص ۴۲-۳۹.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش و شایستگی بوستان و گلستان سعدی به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی (ص ۳۹). ۱-۲. پنج تذکر درباره متن و توضیحات دکتر یوسفی در گلستان مصحح او (صص ۴۰-۳۹).

- اشاره به درستی ضبط گلستان نورالله ایران‌پرست در عبارت: " همگان را راضی کردم مگر حسود را که راضی نمی‌شود الا به زوال نعمت من و اقبال دولت خداوندی به او " (ص ۳۹).

- توضیح درباره معنی " قسب و جنیب " معادل " غث و سمین " و اشاره به گستردگی معنی " آینه‌داری " و نیز توضیح درباره " نوش‌دارو " به معنی داروی بی‌مرگی " (صص ۴۰-۳۹).

۱-۳. سه تذکر درباره متن توضیحات دکتر یوسفی در بوستان مصحح او (صص ۴۲-۴۰).

- توضیح درباره معنی " فایق " در مصراع " مگو شهد شیرین شکر فایق است " (صص ۴۱-۴۰) با این پیشنهاد: "... پیشنهادم در برابر فایق، ترکیب " درمان‌بخش " یا " به‌ساز " است " (ص ۴۱).

- تأکید بر صحت ضبط " مشتري " به جای " جوهری " در بیت " که بودش نگینی در انگشتری - فرو مانده در قیمتش جوهری " (صص ۴۲-۴۱)، از جمله: " با انتخاب " جوهری " بسیاری از ظرایف شعری که در " مشتري " هست از دست می‌رود. استاد سخن

سر نازک‌کاری‌های دلپذیر دیگری داشته تا، به پاس زحمت خلق این مضمون، لذت کشف را نصیب خواننده کند و نشانند " جوهری " به جای " مشتري "، اجر این هم‌شهری سخن‌آفرین ما را یکسره ضایع می‌کند ... " (ص ۴۱).

- تأکید ترجیح ضبط " چو پلدا " به جای " پلیدی " در بیت " که در هند رفتم به کنجی فراز - چو دیدم چو پلدا سیاهی دراز " (ص ۴۲).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. ۲-۲. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. بوستان ۱۳ بار، گلستان ۷ بار، غزلیات ۵ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۲. در این نوشته ارزشمند هفت تذکر شایسته درباره متن و توضیحات گلستان و بوستان دکتر غلامحسین یوسفی داده شده است، که همه این تذکرات و توضیحات با دلیل و مستند به ذهن و زبان سعدی است.

از ویژگی‌های این نوشته موارد زیر برشمردنی است: استدلال لازم، پرهیز از انشاپردازی و درازگویی، توجه به زیبایی‌شناسی سخن سعدی، یادکرد نشانی مآخذ و شواهد و ... .

گفتنی است که آقای دکتر رضا انزابی‌نژاد نیز تقریباً همزمان با این مقاله، در مقاله‌ای که در مجله کیهان فرهنگی به چاپ رسیده است تغییر واژه " باو " را به " باد " در عبارت " همگان را راضی کردم... " تأیید کرده ولی به پیشنهاد خود در منابع دیگر

اشاره‌ای نکرده است. (رک. مقاله گلستان سعدی، رضا انزابی‌نژاد) در همین مجموعه.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. گزینه گلستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۱، صص ۱۳۹.

## نکته‌ای در بوستان سعدی (عذرا - انداختی)، رشید عیوضی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال بیست و ششم، شماره ۱۱۰، تابستان ۱۳۵۳، صص ۲۲۱-۲۱۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. طرح بیت زیر از بوستان سعدی و بیان نظرات مختلفی که برای توضیح این بیت اظهار شده است: "به دعوی چنان ناوک انداختی که عذرا به هر یک يك انداختی"

نویسنده در این بخش نظر محمدعلی فروغی، سودی، خزائلی، امیرخیزی، عبدالعظیم قریب و محمد قزوینی را در خصوص بیت بالا نقل و نقد کرده (صص ۲۱۷-۲۱۳) و نتیجه گرفته است که: "هیچ کدام از معانی یاد شده برای واژه "عذرا" در بیت مورد بحث مفهومی ندارد و "عذرا" هم که علامه قزوینی در یکی از نسخ خطی دیده بوده نه صحیح است و نه مفید معنی (ص ۲۱۶) ... مفهوم صحیح این بیت چیست و چرا شارحان در شرح آن راه به جایی نبرده‌اند؟ ... به نظر من ضبط صحیح مصراع دوم بیت مورد بحث همان است که مرحوم فروغی در متن آورده است [که عذرا به هر یک يك انداختی] و هیچ يك از ضبط‌های دیگر اعم از متن و نسخه بدل به هیچ روی درست نیست ... یکی دیگر از معانی واژه "عذرا" چنانکه در بعضی از فرهنگ‌ها آمده "آشکارا" است ... (ص ۲۱۸) من هم بر همان عقیده‌ام و بی‌هیچ تردید واژه "عذرا" را در آن بیت سعدی به معنی آشکارا "می‌دانم. اما واژه دوم که عدم توجه به معانی مختلف آن موجب اشتباه شارحان شده، فعل "انداختی" است. یکی از معانی "انداختن" در فرهنگ‌ها "افکندن" یاد شده است و "افکندن" به معنی "از پای در آوردن" هم هست ... پس با در نظر گرفتن این که بیت مورد بحث "عذرا" به معنی "آشکارا" و "انداختی" در معنی "از پا در آوردی" است، معنی بیت چنین خواهد بود: (پارشیخ و جنگاور سعدی) به (هنگام) دعوا چنان (با مهارت) تیر می‌انداخت که آشکارا به هر یک (تیر) يك (تن از دشمنان را) از پا در می‌آورد" (ص ۲۱).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، ۱۳۱۶. ۲-۲. بوستان، تهیه متن انتقادی، تحقیق و توضیح از رستم علی‌یف، ۱۳۴۵. ۲-۳. شرح بوستان سعدی، سودی، ترجمه دکتر اکبر بهروز، ۱۳۵۲. ۲-۴. بوستان با حواشی و تصحیح اسماعیل امیرخیزی، ۱۳۱۷. ۵، ۲. شرح بوستان، دکتر محمد خزائلی. ۲-۶. فرهنگ‌ها، از جمله برهان قاطع، فرهنگ رشیدی و ... ۷-۲. دیوان خاقانی، هفت‌پیکر نظامی، دیوان غزلیات و قصاید عطار.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. موضوع این مقاله یکی از ابیات بوستان است که ضبط و شرح آن از طرف صاحب‌نظران به گونه‌های مختلف بیان شده است. نگارنده مقاله با طرح این نظرات آنها را با ذکر دلایل نقد کرده و در پایان با طرح نظر خود در خصوص بیت یاد شده، از فرهنگ‌ها و متون دیگر پارسی (از جمله آثار نظامی، خاقانی و عطار) برای تأیید و تحکیم نظر خود - با ذکر نشانی دقیق مأخذ - سود جست است. این گونه از نوشته‌ها برای رسیدن به ضبط درست نسخه و دریافت مناسب مقصود، بسیار کارساز و سودمند است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. شعری از بوستان سعدی، حسین لسان، سخن، دوره بیست و پنجم، شماره دوم، تیر ۱۳۵۵، صص ۲۲۳-۲۲۷. ۵-۲. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۵ (چاپ پنجم)، صص ۲۵۲، ۵۵۳.

**نکته‌ای در زیبایی سخن سعدی، دکتر جعفر شعاریان (شعار)، نشریه مدرسه عالی علوم اراک، شماره ۱۰، ۱۳۵۲، صص ۲۳-۲۷.**

\* **این مقاله يك بار دیگر با عنوان "حذف در سخن سعدی" با اندکی اختلاف، در کتاب "مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی" (صص ۲۵۰-۲۲۹) چاپ شده است. برای آگاهی بیشتر، رگ. مقاله یاد شده در همین مجموعه.**

**نگاهی به اندیشه‌های اجتماعی و سجایای اخلاقی سعدی، سید محمد ثقفی، مشکوه، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۷۵، صص ۱۲۸-۱۱۱.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش والای سعدی و آثار او و ابهام در جزئیات زندگی‌اش. (ص ۱۱۱).

۱-۲. بیان برخی از سجایای اخلاقی سعدی از جمله "شهامت او در بیان حقایق و لحن عتاب‌آمیزش در برابر حاکمان و قدرتمندان زمان ... و ایمان مذهبی و اعتقاد راسخ به مبانی دینی، عشق به پیامبر و آل او، مهرورزی به خلق خدا ..." (صص ۱۱۳-۱۱۲).

۱-۳. بیان مضامین اشعار سعدی.

۱-۳-۱. خداپرستی و خضوع - "تأسی از حضرت علی (ع) در بیان توحید و خلق آثار بسیار زیبا و شکوهمند در موضوع توحید و ستایش ذات حق" (صص ۱۱۵-۱۱۳).

۱-۳-۲. ستایش شایستگان - "ستایش از انبیا و اولیای دین و بزرگداشت آنان از دیگر مزایای معنوی اشعار سعدی است" (ص ۱۱۵).

۱-۳-۳. بشردوستی و شفقت به هموع - "اندیشه‌های بشردوستانه سعدی که از فروغ انسانیت آکنده است، متأثر از اصول اخلاقی و تربیتی مکتبی است که از دیدگاه پیشوایان آن، جامعه انسانی به مثابه پیکره‌ای واحد است" (ص ۱۱۶).

۱-۳-۴. گرمی‌داشت عقل، علم و عمل - "از دیگر مضامین ارزنده معنوی موجود در اشعار سعدی، گرانمایگی عقل و علم و عمل از دیدگاه این شاعر فرزانه است" (ص ۱۱۷). ۵.

۱-۳-۵. عفت‌گرایی و نفس‌کشی - "سعدی نفس‌آماره را عامل اصلی سقوط آدمی و صفات خردمندی، پارسایی و پاکدامنی را منجی او از سیاه‌روزی می‌داند" (صص ۱۱۸-۱۱۷).

۱-۳-۶. آزادگی و علو اندیشه - "از مضامین آموزنده و تحسین برانگیز شعر سعدی که در جهان‌بینی و اندیشه‌هایش رنگی از عرفان اسلامی دیده می‌شود، آزادگی و علو طبع است" (ص ۱۱۸).

۱-۳-۷. استبداد ستیزی و مبارزه با ستم و ستمگر (صص ۱۲۰-۱۱۹).

۱-۳-۸. تفسیر زندگی با رمز و رازهایی از حکمت عملی - "با نگاهی گذرا به درونمایه اغلب اشعار و حکایات سعدی، معلوم می‌شود که وی علاوه بر داشتن طبعی خلاق و برخوردار از قدرت سخنوری و هنر شاعری، خردمندی فرزانه و معلمی راه‌شناس و آگاه از رمز و رازهای هستی بوده و به سهم خود کوشیده است تا اسرار حیات متعالی و هدفدار انسان را به صورت لطیف‌ترین تعبیرات تفسیر کند ... سعدی بحق معلم اخلاق بوده و در علوم دینی و حکمت عملی و عرفان و سیاست و شناخت اجتماع متبحر و استاد" (ص ۱۲۱).

۱-۴. بازتاب مسائل اجتماعی در اشعار سعدی - "وی یکی از معدود شاعران و نویسندگان و متفکرانی است که مسائل اجتماعی زمان خویش را با بیانی زیبا تصویر کرده است ... در آثار سعدی چه منظوم و چه منثور، از يك جامعه طبقاتی متشکل از ستمگران و ستمکشان، گرسنگان و سیران سخن به میان آمده است و مظلوم و مفاسد حکمرانان زمان و دردهای اجتماعی با شیوه‌ای بسیار عالی در این آثار مورد بررسی قرار گرفته است" (ص ۱۲۳).

۱-۵. ما حصل سخن - باري، ستايش سخن سعدي به شايستگي صورت‌پذير نيست ... با اين همه اعجاب که در زيبايي سخنانش احساس مي‌کنيم، لطف معانې‌اش اگر از آن بيش نباشد، کمتر نيست ... از معدود سخن‌سراياني است که به هيچ وجه لفاظي و فضل فروشي نکرده ... گلستان و بوستانش يك دوره حکمت عملي است ... (ص ۱۲۵) عشق سعدي بازيچه و هوي و هوس نيست، عشقي پاک و تمام است ... " (ص ۱۲۶).

**۲. منابع اصلي:** ۲-۱. کليات سعدي، محمدعلي فروغي.

۲-۲. متن کامل ديوان شيخ اجل سعدي شيرازي، دکتر مظاهر مصفا.

**۳. رويکرد به آثار سعدي:** ۲-۱. گلستان ۱۹ بار، قفايد ۱۱ بار، بوستان ۹ بار، غزليات ۳ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. با توجه به تأکيد سعدي بر مسائل اجتماعي، بررسی اين موضوع در آثار او براي شناخت کامل‌تر و درست‌تر او بسيار مفيد است. اما بيشتر آثاري که با اين منظور فراهم آمده‌اند، جز تکرار سخن همدیگر حرف تازه‌اي براي گفتن ندارند. اين مقاله نيز اگر چه به تفصيل و با استناد به آثار شيخ، موضوع مسائل اخلاقي را در آثار سعدي کاویده است، سخن تازه‌اي بر آنچه پيش از او گفته و نوشته‌اند نيفزوده است (براي آگاهي بيشتر، ر.ک. بخش مضامين اصلي مقاله‌هايي که با همين موضوع فراهم آمده است).

۴-۲. در بخش مآخذ مقاله آثاري فهرست شده‌اند که محل استفاده آنها در مقاله روشن نيست.

۴-۳. نشاني بسياري از مثال‌ها در بخش پي‌نوشت نيامده است، از جمله: ص ۱۱۲، س ۲ و ص ۱۱۶، س ۸-۶ و ص ۱۱۷، س ۱۹-۶ و ص ۱۱۹، س ۴-۱ و ۱۸-۱۰ و ... .

## نگاهي به چهره زن در ادب پارسي، م. لنگرودي، پيام زن، سال چهارم، شماره سوم، خرداد ۱۳۷۴، صص ۵۸-۵۴.

**۱. مضامين اصلي:** ۱-۱. توضيح درباره نگاه فردوسي و خاقاني به زن (صص ۵۷-۵۴).

۱-۲. توضيح درباره نگاه سعدي به زن: " در آثار سعدي، عنصر زن از دو جهت قابل مطالعه است. اول نگرش تغزلي و عاشقانه او که بيشتر در غزلياتش نمود دارد و دوم نگرش اخلاقي و اجتماعي‌اش که در بوستان و گلستان به چشم مي‌خورد. در نگاه تغزلي و عاشقانه، سعدي خود را در حد يك عاشق پاکباخته بر آستان معشوق، نشان مي‌دهد و در مخاطب هر آنچه مي‌بيند لطف است و جمال و دلبري ... (ص ۵۷).

در نگرش اخلاقي و اجتماعي سعدي، زني مطلوب است که خوبروي و مستور و نيک‌خوي باشد. سعدي در باب اخلاق زناشويي پيش از هر چيز متأثر از قرآن است ... (ص ۵۸).

**۲. منابع اصلي:** ۲-۱. کليات سعدي (نشاني مآخذ مشخص نشده است). ۲-۲. شاهنامه فردوسي و ديوان خاقاني.

**۳. رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزليات ۳ بار، بوستان ۲ بار، گلستان ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. موضوع اين نوشته که بخش نخست يك مقاله است، " چهره زن در ادب پارسي " است و در قسمت پاياني آن با نقل اشعاري از غزليات، بوستان و گلستان درباره نگاه سعدي به زن اشاره‌هايي کرده، اما سخن تازه‌اي در آن نيست.

## نگاهي جامعه‌شناختي به سعدي (قسمت اول)، دکتر جواد يوسفیان، اطلاعات علمي، سال دهم، شماره ۸، خرداد ۱۳۷۵، صص ۱۸-۱۴.

**۱. مضامين اصلي:** ۱-۱. بررسی اوضاع اجتماعي عصر سعدي، حمله وحشيانه و خانه‌برانداز مغول و عملکرد خوارزمشاهيان (ص ۱۴). ۱-۲. شرح حمله هلاکو به بغداد و کشتار عمومي در آن شهر (ص ۱۵).

۱-۳. شرح نتايج حمله مغول از قول برتراندراسل، ويل‌دورانت و نتیجه‌گيري خود نويسنده (ص ۱۶).

۱-۴. توضيح درباره زندگي سعدي و اشاره به عوامل سفرهاي او: " ... بي‌گمان عواملی که سعدي را به جهان‌گردی برانگیخته‌اند و او را به تحمل سختي‌هاي اين کار واداشته‌اند، يکي پرهيز از برخورد با تاتاران وحشي است و گزندی که ممکن بود به او برسانند و ديگر شوقي دروني است که در وي نسبت به ديدن آثار هستي اعم از مدنيت‌هاي انساني و نمودهاي طبيعي وجود داشته است " (ص ۱۶).

۱-۵. ذکر عواملی که فلسفه اجتماعي سعدي را پديد آورده‌اند. اين عوامل به نظر نويسنده عبارتند از: " بصيرتي که از مطالعات وسيع و عميق اين مرد و حشر و نشر او با خردمندان و شوریدگان خداپرست در دانشگاه نظاميه بغداد برپايش حاصل شده و ... ذخيره بزرگي از آرمایش‌هاي انساني و تنوعات فرهنگي که در طی سي سال سير و سفر به عمل آورده (ص ۱۶) و تيز هوشي، موهبت الهي و زبان يا ابزار سمبليک که در اختيار دارد و هيچ نفس ناطقه‌اي را بدان دسترسي نيست " (ص ۱۶).

۱-۶. بررسی اندیشه‌هاي اجتماعي سعدي و پاسخ به " کساني که بر سعدي خرده گرفته‌اند که وي در هنگامه تاخت و تاز مغول به ايران، زاد و بوم خود را ترک کرده و به سرزمين‌هاي ديگر کوچيده است تا از تعرض مصون بماند ": " بي‌گمان اين خرده‌گيري درباره سعدي که به بشریت عشق مي‌ورزد و فاجعه مغول را به قيامت مانند مي‌کند و بر اثر آن عميقاً اندوهگين مي‌شود، به هيچ روي وارد نيست ... [ او با آگاهي از وحشي‌گري‌هاي مغول ] حق داشت خود را مصون بدارد، زيرا با مصون ماندن وي، اصالت اخلاق و نبوغ فکري، و اخلاقيت قوم ايراني مهر تأييد خورد " (ص ۱۷).

۱-۷. بررسی اندیشه‌هاي سعدي درباره زندگي، جهان و هستي زير عنوان " ديد فلسفي ": " سعدي ... به اين نتيجه کلي مي‌رسد که زندگي زميني در خور تعلق خاطر نيست و خردمند کسی است که خود را براي نشئه جهان ديگر آماده گرداند و از حيات دشوار و پر قيد اين جهاني روي بر نابد ... (ص ۱۷). با اين همه وي يکسره دست رد به سينه زندگي زميني نمي‌زند و فقط تأسف او در اين است که اين مهلت بسيار اندک و زودگذر است ... گويي خلجان ناشي از کوتاهي عمر او را يك لحظه رها نمي‌کند و اين احساس در سراسر آثار پر اهميت او پيداست. " (ص ۱۸).

**۲. منابع اصلي:** ۲-۱. کليات سعدي، محمدعلي فروغي، انتشارات ققنوس، ۱۳۶۸. ۲-۲. تاريخ تمدن ويل‌دورانت، ج چهارم، ۲-۳. تکامل فنوداليسم در ايران، ج ۱، فرهاد يغمايي، انتشارات خوارزمي، ۱۳۵۸.

**۳. رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزليات ۲ بار، قفايد ۱ بار، گلستان ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. بخش اعظم اين مقاله در واقع مقدمه‌اي است بر اصل موضوع که در اين مقاله آغاز شده و بقيه در قسمت دوم مقاله (در شماره ۹ سال دهم مجله اطلاعات علمي، تير ماه ۱۳۷۵، صص ۴۹-۴۵) به چاپ رسيده است. نويسنده در اين قسمت بيشتر به تحليل اوضاع تاريخي اجتماعي زمان حمله مغول و نتايج آن پرداخته است.

۴-۲. نشاني دقيق نقل‌قول‌ها و مثال‌هاي شاهد بر ارزش مقاله افزوده است.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره "دید اجتماعی" سعدی: "سعدی يك متفكر رادیکال یا حداقل کسی که خواستار اصلاحات و تغییرات عمیق اجتماعی باشد، نیست. وی بر خلاف حافظ، هیچ‌گاه مدعی آن نمی‌شود که باید سقف فلک را شکافت و طرحی نو در انداخت و جهانی با راه و رسم جدید تأسیس کرد و به آفرینش انسانی با مختصات آرمانی دست زد. هر چند تلاش آدمی را در بهبود زندگی و مخصوصاً در عرصه اخلاق بی‌تأثیر نمی‌داند ... سعدی کما بیش باور دارد که طرح زندگی افراد آدمی از پیش ترسیم شده و انسان خردمند باید الزاماً این طرح را بپذیرد و دم از چون و چرا نزند ... تلاش ما در فراهم آوردن شرایط ترقی چندان سودمند نیست، بلکه صرفاً می‌توان دامن دولت را به مدد بخت یا اقبال گرفت ... " (ص ۴۵).

۱-۲. مقایسه برخی از اندیشه‌های اجتماعی سعدی با نظریه‌پردازانی چون پارسنز، کینگزلی دیویس و ادواردشیلز (ص ۴۵).  
۱-۳. ادامه شرح نظریات اجتماعی سعدی: "سعدی به اختلاف استعداد افراد آدمی و در نتیجه تفاوت موقعیت اجتماعی آنها نظر دارد ... سعدی به جامعه یکدست و بدون طبقه معتقد نیست و اساساً چنین ساخت متفاوتی را ناشی از مصلحتی آسمانی می‌شناسد. به عبارت دیگر اگر افرادی که به موجب حکمت و مشیت الهی دستخوش محرومیتند، این محرومیت از عرصه زندگی آنها زدوده شود، نظم اجتماعی به هم می‌خورد و جامعه را به فساد می‌کشاند." (ص ۴۶).

۱-۴. توضیح درباره نظرات سعدی در خصوص تغییرات اجتماعی: "سعدی هستی را در جریان تغییری درنگ‌ناپذیر می‌بیند و ... هر چند خود در برابر بیدادگر نمی‌ایستد و مردم را علیه دستگاه ستم نمی‌شوراند، اما به این اصل ایمان دارد که اولاً ظالم می‌رود و قاعده زشت از او باقی می‌ماند و ثانیاً در ازای کارهای بدش هم در این عالم و هم در نشئه دیگر به عذابی الیم دچار می‌آید." (ص ۴۶).

۱-۵. شرح "انسان دوستی سعدی": "اگر از دید جامعه‌شناسان کنونی به جهان‌بینی سعدی بنگریم، او را يك "تن‌واره‌گرای اجتماعی" (Social organicist) می‌پاییم. بدین ترتیب که همه افراد آدمی را اعضای يك واقعیتی به نام نوعشان می‌شمرد و برای هر يك حق زیستن و آزادی و ترقی قابل می‌شود ... " (ص ۴۷).

۱-۶. تأکید بر "مهرورزی سعدی": "سعدی به راستی به هستی عشق می‌ورزد و زندگی برای او مفهومی جز محبت و عشق ندارد ... دارای روح تشنه و ناآرامی است که جز با مشاهده و ادراک زیبایی آرام نمی‌گیرد ... (ص ۴۷). عرفان سعدی بر این پایه استوار است که البته باید کوشش کند تا شاید مورد عنایت واقع گردد. اما آنچه سالک را یاری می‌دهد تا شاید مقصود را در آغوش کشد ... فضل و مشیت اوست." (ص ۴۸).

۱-۷. تأکید بر ارزش سخن سعدی با عنوان "خلاقیت ذهنی و نثر و نظم" و طرح يك سؤال که: "چرا سعدی که خود و پدرانیش از عالمان دین بودند، از راه و رسم متعارف ارشاد دینی روی گردانید و به روش شاعری گرایید ... آیا مکانیسمی عرفانی محور تکاپوی این فرهنگ است و در صورت قبول این فرض، چنین مکانیسمی از چه عواملی نشئت گرفته است." (ص ۴۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، انتشارات ققنوس.

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. غزلیات ۳۹ بار، گلستان ۹ بار، بوستان ۸ بار، قصاید ۷ بار، قطعات ۳ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته در واقع بخش پایانی مقاله‌ای است که با همین نام در مجله اطلاعات علمی سال دهم (شماره ۸، خرداد ۱۳۷۵، صص ۱۸-۱۴) چاپ شده است نویسنده در این بخش با استناد به آثار سعدی به تشریح نظریات اجتماعی او پرداخته است و با توجه به تأکید سعدی به مسائل اجتماعی این گونه پژوهش‌ها برای شناخت او بسیار سودمند است، اما برای دریافت دقیق آرای سعدی در این مقاله جستجوی کاملی انجام نگرفته است. از جمله در مقاله آمده است: "سعدی کما بیش باور دارد که طرح زندگی افراد آدمی از پیش ترسیم شده و انسان خردمند باید الزاماً این طرح را بپذیرد و ... تلاش ما در فراهم آوردن شرایط ترقی چندان سودمند نیست ... " (ص ۴۵).

در حالی که در آثار سعدی نمونه‌های فراوانی را نیز می‌توان شاهد گرفت که در آنها سعدی افراد را در انتخاب عمل خوب یا بد مختار می‌داند، برای رعایت اختصار تنها از حکامه‌های سعدی سه نمونه را می‌بینیم:

راهی به سوی عاقبت خیر می‌رود راهی به سوء عاقبت اکنون مخیری

کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، امیر کبیر، ۱۳۶۳، ص ۷۵۵

گردون سنان قهر به باطل نمی‌زند الا کسی که خود بزند سینه بر سنان

همان، ص ۷۳۶

تو خواهی نیک و خواهی بد کن امروز ای پسر کاینجا عمل گر بد بود و نیک بر عامل رقم گردد

همان، ص ۷۱۱

۴-۲. در جایی دیگر از مقاله آمده است: " [ در نظر سعدی ] اگر افرادی که به موجب حکمت و مشیت الهی، دستخوش محرومیتند، این محرومیت از عرصه زندگی آنها زدوده شود، نظم زندگی اجتماعی به هم می‌خورد و جامعه را به فساد می‌کشاند " (ص ۴۶) و برای شاهد گفتار خود چند بیت از یکی از حکایت‌های باب سوم گلستان را مثال آورده‌اند.

گفتنی است که اولاً برای شاهد گرفتن از حکایت‌های بوستان یا گلستان باید دید آیا سخن گفته شده، نظر واقعی خود سعدی است یا اینکه از قول یکی از شخصیت‌های داستان نقل شده است. زیرا هر چه در گلستان یا بوستان آمده، لزوماً نظر خود سعدی نیست. از جمله بیت: "کس نتواند گرفت دامن ... " که نویسنده در صفحه ۴۵ مثال آورده‌اند از قول یکی از شخصیت‌های حکایت بیان شده، و فراوان است نظریه‌های متضادی که از قول شخصیت‌های متفاوت در يك حکایت بیان می‌شود و نمی‌توان آنها را شاهد بر افکار سعدی دانست. ثانیاً ابیاتی که انتخاب شده‌اند هرگز گواه این نظریه نیستند که اگر محرومیت افراد محروم زدوده شود نظم اجتماعی به هم می‌خورد و جامعه به فساد کشیده می‌شود، بلکه (با توجه به حکایت مذکور) سعدی برخی از افراد جامعه را به دلیل نهاد پست آنها، شایسته تکامل نمی‌داند و نگران اعتبار این چنین گدایان است.

۴-۳. واژه‌هایی چون "داروخانه" و "بارانی" را که نویسنده برای تأیید سخن از سعدی مثال آورده و گفته است "خواننده تصور می‌کند مربوط به عصر حاضر و از آن مردم تهران است" (ص ۴۸)، هم پیش از سعدی و هم بعد از او در سروده‌های دیگران نیز فراوان به کار رفته است و مشهورتر از همه این دو بیت از عطار و نظامی است:

به داروخانه پانصد مرد بودند که در هر روز بنظم می‌نمودند

(عطار)

ز بس تیر باران که آمد به جوش فکند ابر بارانی خود ز دوش

(نظامی)

۴-۴. نشانی مثال‌های شاهد ذکر نشده است.

۱. **مضامین اصلی:** \* این نوشته نقدي است بر مقاله " گلستان سعدي " از دکتر رضا انزابي نژاد.

۱-۱. اشاره به مقاله دکتر رضا انزابي نژاد که در آن، برخي از مطالب " گلستان به تصحيح و توضيح دکتر غلامحسین يوسفی " نقد و بررسی شده است و بررسی آن مقاله، از جمله: " در شماره دي ماه ۱۳۶۸ آن مجله ... مقاله‌اي به قلم فاضل محترم، آقای دکتر رضا انزابي نژاد مندرج بود که برخي از " استحضانات " مذکور در آن مقاله بجا و درست و بسياري از آن قطعاً نايجا و نادرست است ... " (ص ۲۸).

۱-۲. رد چهار مورد از اشکالاتي که دکتر انزابي نژاد بر گلستان دکتر يوسفی وارد کرده‌اند (صص ۲۹-۲۸).

۱-۳. توضيح و تذکر در خصوص دو مورد از نظراتي که دکتر انزابي نژاد درباره دو عبارت فارسي گلستان اظهار داشته‌اند (ص ۲۹).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. قرآن کریم. ۲-۲. مقاله " گلستان سعدي "، دکتر رضا انزابي نژاد، کیهان فرهنگی، سال ششم، شماره ۱۰، دي ۱۳۶۸.

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۹ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. پس از انتشار گلستان به تصحيح و توضيح دکتر غلامحسین يوسفی، مقاله‌هاي متعددي درباره این اثر ارزشمند، به نگارش درآمد، يکي از آن نوشته‌ها مقاله ارزشمند دکتر رضا انزابي نژاد است که بیش از ۵۰ مورد اظهار نظر را شامل است. دکتر احمد مهدوي دامغانی در این نوشته برخي از ایرادات مطرح شده در آن مقاله را با دليل و برهان و شاهد رد کرده است. این گونه از نوشته‌ها که برخورد اندیشه‌ها و نظرات صاحب‌نظران را در بر دارد، علاوه بر اینکه موجب ارتقای سطح علمي خوانندگان می‌شود به دریافت درست سخن سعدي نیز کمک می‌کند.

**نگرشي بر متون فرهنگي - گلستان سعدي ، حسين آهي، سروش، شماره ۱۵۵، شنبه ۹ مرداد ۱۳۶۱، صص ۴۸-۴۶.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاراتي به زندگي، مسافرت‌ها، تحصيلات و شخصیت ادبي سعدي (ص ۴۶).

۱-۲. تأکید بر ارزش‌هاي اخلاقي و اجتماعي و ادبي گلستان: " هنر استادي و شخصیت سعدي را در کتاب گلستان باید یافت و اگر این کتاب کم حجم و بزرگ پایه نبود، نثر فارسي از چنین ذخیره‌اي عظیم محروم می‌ماند ... گلستان اثری است کاملاً اخلاقي و اجتماعي ... گر چه سخن شیخ ما بذاته زیباست، لیکن روی " گلستان " را از آرایش‌هاي کلام بی‌بهره نگذاشته و " سجع " و " ترصیع " را بیش از صنایع دیگر در آن به کار برده است ... " (ص ۴۶).

۱-۳. بازنمود چند نمونه سجع و ترصیع در گلستان (صص ۴۷-۴۶).

۱-۴. نقل چند حکایت از گلستان (ص ۴۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدي، محمدعلي فروغي.

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۲۲ بار، بوستان ۶ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. با آنکه این نوشته برای مخاطبان عمومي مجله سروش خالي از فایده نیست، اما سخن تازه‌اي در آن مطرح نشده است و دانسته نیست برخي از مراجعي که در پایان مقاله به عنوان مراجع تحقیق فهرست شده برای چه بخشي از مقاله مورد نیاز بوده است، از جمله: شرح گلستان سو دي، شرح گلستان خزائلي، گلستان خطیب رهبر، گلستان فروغي.

**نمونه‌هايي از مضامین قرآن کریم در اشعار سعدي، سيد محمدباقر حجتی، مسجد، سال چهارم، شماره ۲۰، خرداد و تیر ۱۳۷۴، صص ۲۶-۱۹.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. شرح کوتاهی از زندگي و آثار سعدي و معرفي چند کتاب که درباره احوال و آثار او سخن گفته‌اند (ص ۱۹).

۱-۲. تأکید بر بهره‌گيري فراوان سعدي از قرآن کریم و محدود ساختن دامنه پژوهش در این مقاله به گلستان سعدي برای پرهیز از درازي سخن (ص ۲۰).

۱-۳. انتخاب برخي از اشعار موجود در گلستان که از مضامین قرآني تأثیر پذیرفته‌اند و بازنمود آنها با ذکر آیات - در این بخش تأثیرگذاري ۲۱ آیه قرآن کریم بر ۲۲ مورد از سروده‌هاي گلستان نمایش داده شده است (صص ۲۶-۲۰).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. قرآن کریم. ۲-۲. گلستان (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۲۳ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. بررسی و بازنمود صریح تأثیرپذيري‌هاي سعدي از قرآن و حدیث برای شناخت بیشتر او بی‌گمان سودمند است اما پیش از انتشار این نوشته نیز، کتاب‌ها و مقاله‌هاي زیادی به موضوع تأثیرپذيري سعدي از قرآن کریم پرداخته‌اند (رک. فهرست مقاله‌ها در همین مجموعه) و نویسندگان به پیشینه این پژوهش اشاره‌اي نداشته‌اند و با توجه به اینکه در این نوشته تنها به گلستان سعدي پرداخته شده است بهتر بود عنوان مقاله نیز به " نمونه‌هايي از مضامین قرآن کریم در گلستان " تغییر می‌یافت.

۴-۲. نشانی مثال‌هاي شاهد و مأخذ مورد استفاده مشخص نشده است.

**نوشته‌اي بی‌عنوان ، یادگار، سال دوم، شماره سوم، آبان ۱۳۲۴، صص ۶۵-۶۲.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. این نوشته در واقع پاسخ مجله یادگار به پرسش‌هاي خوانندگان است که با عنوان " ما و خوانندگان " به چاپ رسیده است و در این شماره از مجله به سه پرسش از خوانندگان پاسخ داده شده است. پرسش و پاسخ دوم مربوط به شعري از سعدي است: آقای علي‌نقي بهروزي درباره معني گاو دهل‌زن در بیت زیر توضیح خواسته‌اند:

جور رقیب و سرزنش اهل روزگار با ما همان حکایت گاو و دهل‌زن است

پاسخ مجله چنین است: " از فحوای کلام شیخ واضح است که او می‌گوید که جور رقیب و سرزنش اهل روزگار در ما مؤثر نیست و با ما همان می‌کند که دهل‌زن به گاو می‌کرد. اما با قلت وسایلي که در دست ما بود، علي‌العجاله در هیچ جا به چنین حکایتي برخوردیم، لیکن این مثل که: " شتر از بانگ دراي نمی‌ترسد " و " شتر نقره‌خانه از طبل و جرس نترسد " در زبان فارسي معمول بوده و این مثل درست همان معني را که شیخ در بیت فوق اراده کرده می‌رساند. و شاید هم در ایام شیخ، گاو را به جای شتر به کار می‌برده‌اند و نظیر این مثل در مورد گاو هم معمول بوده است .. " (صص ۶۴-۶۳).

- نقل بی‌بی از اسدي و حکایتي از مثنوي مولوي که در آن به مثل طبل و شتر اشاره شده است (ص ۶۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. امثال و حکم دهخدا.

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزلیات ۱ بار.



**۴. اشاره:** ۱-۴. در این نوشته کوتاه توضیحی درباره " حکایت گاو دهلزن " داده شده است. البته ضبط برخی از نسخه از جمله نسخه مرحوم فروغی " گاو دهلزن " بدون واو است که درست به نظر نمی‌رسد. گفتنی است که سردبیر وقت مجله یادگار آقای عباس اقبال بوده‌اند و لابد توضیح مذکور از ایشان است.

**نه بر حق گوی را گستاخ نامند - به حق در ذکر حق گستاخ سعدي است، پیمان یغمایی، ارمغان، دوره چهل و دوم، سال پنجاه و پنجم، شماره ۴، تیر ۱۳۵۲، صص ۲۸۲-۲۷۶.**

**۱. مضامین اصلی:** \* این نوشته پاسخی است به مقاله " تذکری به گستاخی آمیخته " از محمدعلی جمالزاده، مندرج در مجله ارمغان (شماره سوم، خرداد ۱۳۵۲).

۱-۱. اعتراض به مطالب مقاله یاد شده (تذکری به گستاخی ... )، از جمله درباره واژه گستاخی و سست دانستن بیت سعدي (صص ۲۷۶-۲۷۷).

۱-۲. هشت پاسخ به مطالب مقاله یاد شده، بویژه آنچه در عالم خواب به " یار دیرینه " الهام شده است (صص ۲۸۲-۲۷۸).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. مقاله " تذکری به گستاخی آمیخته "، محمدعلی جمالزاده، ارمغان، خرداد ۱۳۵۲.

**۳. رویکرد به آثار سعدي:** ۱-۳. گلستان ۲ بار، قصاید ۲ بار، بوستان ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. این نوشته همان گونه که در بخش مضامین اصلی اشاره شد پاسخی است به مقاله محمدعلی جمالزاده با نام " تذکری به گستاخی آمیخته ". و برخی از داورهای نویسنده از جمله مورد "الف" (نقد مصراع‌های پیشنهادی در عالم خواب!) و مورد "ب" (توضیح درباره واژه بغداد ) و مورد "و" (تواضع سعدي) به دور از حقیقت نیست.

هر چند بیت مورد نظر بیت سستی نیست، اما هرگز نمی‌توان مدعی شد که هر چه بر زبان سعدي تراویده در کمال است و هیچ گونه سخن سستی را نمی‌توان به او نسبت داد.

## و

**واقع‌گرایی سعدي ، محمدعلی جمالزاده، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۶۶۹-۶۴۹.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به ارزش سخن سعدي و تأسف از اینکه هنوز بسیاری از پژوهش‌های لازم درباره سعدي انجام نگرفته است و بیان دلیلی برای این مطلب که چرا آثار سعدي نسبت به رباعیات خیام کمتر ترجمه شده است (صص ۶۵۱-۶۴۹).

۱-۲. تأکید بر ویژگی " واقع‌گرایی " در آثار سعدي: " واقع‌بینی و واقع‌گرایی سعدي قولی است که جملگی برآند و گذشته از صفات فطری او که لابد تأثیر محیط و خانواده و اوضاع و احوال فارس و ایران در ایجاد آن کم نبوده است، آن همه سفر و سیاحت و امتزاج و اختلاط و گفت و شنود با انواع و اقسام طبقات گوناگون ملت‌ها و اقوام متعدد بر قوت و حدت آن مبلغی افزوده است، در وجود او ایجاد يك نوع واقع‌گرایی و تیزبینی و نکته‌سنجی استثنایی نبوده است که نظایر آن ... در میان فضلا و ارباب قلم و شعرا و عرفای ما بسیار کم دیده می‌شود ... در اینجا برای این که مقصود ما از واقع‌گرایی قدری بهتر به دست آید، نمونه‌هایی از گفته سعدي را می‌آوریم، هر چند نظایر این نمونه‌ها در " کلیات " به قدری زیاد است که شاید احتیاجی به نقل این چند نمونه هم در میان نباشد " (صص ۶۵۳-۶۵۲).

۱-۳. گفتاری زیر عنوان " سعدي و عشق و عشق‌بازي " و بررسی مفهوم عشق در نزد سعدي، از جمله: " روحش سرشار از عشق و صاحب‌دلی و آرزوی هم صحبتی جانانه بوده است و گاهی (بندرت) به آنچه دلخواهش بوده می‌رسیده و آواز رضایت خاطرش که لحن بهشتیان و فرشتگان را دارد به گوش می‌رسد و لذت‌بخش است و بیشتر اوقات فریاد رنج و شکوه و عذاب دل و جاننش که دل سنگ را می‌سوزاند، بلند است و حکایت از روزگارش دارد و از بی‌وفایی طرف و از هجر و جدایی و فراق می‌نالند. (صص ۶۵۵-۶۵۴).  
عوامل عشق‌بازي مردی چون سعدي خارج از عوالم معمولی است (ص ۶۵۷) و ما آدم‌های این دوره و زمان که چه بسا از آدمیت جز اسم و عنوانی نداریم و به تمام معنی سوادانیان عالم پندار شده‌ایم، درباره عشق (و آن هم عشق سعدي شیرازی) حق سخن‌راندن نداریم " (ص ۶۵۸).

۱-۴. گفتاری زیر عنوان " ضرورات " و بررسی سخنان سعدي و نظرات او با توجه به ضرورات موجود (صص ۶۶۳-۶۵۸)، نتیجه‌گیری اینکه: " سعدي بلاشک آدم واقع‌بینی است و سخنانش انکا بر تجربه علمی دارد و تا حرفش اساس استوار نداشته باشد، بر زبان و قلم جاری نمی‌سازد " (ص ۶۶۳).

۱-۵. یادکرد نمونه‌هایی از سخنان متناقض سعدي (صص ۶۶۹-۶۶۴) با یادآوری این مطلب که: " ما می‌دانیم که گفته‌اند: دنیا جمع اعداد است. یعنی گاهی سپیدی و سیاهی و صواب و ناصواب را با هم در يك جا جمع می‌آورد ... با مطالعه آثار سعدي خواننده گاهی خود را با سخنانی مواجه می‌بیند که در بدو امر ممکن است قدری در نظرش متضاد آید که شاید اگر درست توجه نماید نکات پنهانی که موجب چنین کیفیتی شده، دستگیرش گردد " (ص ۶۶۳).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدي:** ۱-۳. غزلیات ۳۷ بار، بوستان ۲۰ بار، گلستان ۱۸ بار، قصاید ۳ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. در این نوشته با یادکرد نمونه‌های بسیاری از سخنان سعدي (هشتاد مورد) بر واقع‌بینی و واقع‌گرایی او تأکید شده است و برخی از سخنان متناقض سعدي نیز، با همین موضوع توجیه شده است، ولی اگر چه نویسنده - شاید برای اظهار تواضع - بارها با تردید به داور پرداخته است، از جمله: " و چون اطمینان به قضاوت خود نداریم از روح پر فتوح حکیم خیرخواه شیراز پژوهش می‌طلبیم " (ص ۶۶۳). و " داور از عهده ما بیرون است. علی‌الخصوص که ممکن است رنگ گستاخی و بی‌ادبی به خود بگیرد (به

اشتباه نگیرد چاپ شده است) " (ص ۶۶۴). و " برای داوری چشم بینا و عقل رسا لازم است که خداوند به هر کس نداده است و از آن جمله راقم همین سطور است که حیران مانده است و عقلش به جایی نمی‌رسد " (ص ۶۶۵).  
۴-۲. برخی از عبارات مقاله از جنبه علمی آن کاسته است، از جمله: " بازخاطب به خویشتن می‌فرماید: سعدی ز کمند خوب‌رویان تا جان داری نمی‌توان رست خوشا به حالت، ای مرد بسیار عزیز و حق داری که بفرمای: حدیث عقل در ایام پادشاهی عشق چنان شده‌ست که فرمان حاکم معزول باز از فرا رسیدن معشوق صحبت می‌دارد و معلوم می‌شود منزل خلوت و دنجی داشته است که گفته: " که درآمد از درم آن دلفروز جان آرام " خوشا به احوالش که به آرزوی خود رسیده است ... " (ص ۶۵۶).  
۴-۳. مأخذ و نشانی نمونه‌های شاهد مشخص نشده است.

## و بوستان ، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، ۲۹ آبان تا ۶ آذر ۱۳۴۸، صص ۲۱-۲۰ و ۴۴.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره روش کار رستم علی‌یف در مقابله نسخه‌های خطی بوستان و انتقاد از آن شیوه، از جمله: " محقق روسی حداقل در هشت مورد از قاعده خود عدول کرده... در این هشت مورد، محقق روسی متن صحیح و اصیل بوستان را اختیار نموده و غیر از اینکه از طریقه و قاعده خود عدول کرده، ایرادی بر وی نیست، در حالی که ده‌ها مورد دیگر می‌توان نشان داد که پروفیسور علی‌یف، با کمال تعجب متن اصیل نسخه چیس‌تریپتی و پاریس و علی‌الخصوص نسخه تاجیکستان را که به قول وی " دستخوش تصرفات عمده و جزئی واقع نشده " کنار گذاشته و به جای آنها اشعار مشکوکی را انتخاب کرده است... در هر صورت بوستان چاپ علی‌یف با اشتباهاتی هم که در تهیه آن شده، بخوبی می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. زیرا همیشه تفاوت نسخه‌ها را در پاورقی یادداشت کرده... در حقیقت مقابله نسخه‌ها موضوعی است که سلیقه شخصی محقق نباید در آن دخالت داشته باشد و این قاعده‌ای است که شخص آقای علی‌یف بدو عنوان کرده و فوراً نیز آن را زیر پا گذاشته است " (ص ۲۰).  
۱-۲. بررسی و یادکرد بیست و یک مورد از بوستان چاپ علی‌یف که نگارنده آنها را با عنوان " چند نمونه از اشتباهات بوستان علی‌یف " توضیح داده است (صص ۲۱-۲۰ و ۴۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، چاپ رستم علی‌یف (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۲۹ بار، غزلیات ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این مقاله به نقد شیوه رستم علی‌یف در مقابله نسخه‌های بوستان پرداخته و نزدیک به سی مورد اشکال بر این نسخه چاپی وارد آورده است که در بیشتر این موارد حق با نگارنده مقاله است و ضبط نسخه‌های دیگری که در پاورقی چاپ علی‌یف آمده بر ضبط متن او ترجیح دارد. نگارنده در بخش پایانی مقاله می‌نویسد: " این موارد و موارد متعدد دیگری که پروفیسور علی‌یف متن اصیل و معتبر را کنار گذاشته و متون مشکوک را اختیار کرده، نشان می‌دهد که تصحیح اشتباهات منشیان قرون گذشته با علاقه و سلیقه شخصی نباید صورت بگیرد ... " (ص ۴۴).

این نوشته از نظر نقد آثار چاپ شده سعدی روشنگر و ارزشمند است. با این همه برخی از داوری‌های نویسنده مقاله در محل تأمل است، از جمله درباره ضبط بیت زیر از بوستان رستم علی‌یف:

زن خوب خوش‌طبع گنج است و بارها کن زن خوب ناسازگار  
می‌نویسد: " زن ناسازگار که البته پیدا می‌شود و زن خوب هم احتمالاً باید وجود داشته باشد، فقط معلوم نشد محقق روسی از زن خوبی که در عین حال ناسازگار هم باشد، چه معجونی منظور داشته است ... " (ص ۲۱). احتمالاً نگارنده به معنی واژه " خوب " در (معنی زیبا) که مورد نظر سعدی بوده و در متون گذشته هم کاربرد فراوان داشته، توجه نداشته است و گرنه بعید است خود ایشان هرگز زن خوب‌رویی ناسازگاری را ندیده باشند که در جلو بیت مورد نظر دو علامت تعجب و یک علامت سؤال نهاده‌اند.  
۴-۲. این مقاله از اشتباهات چاپی در امان نمانده است، از جمله: ص ۲۱، ستون اول، س ۶: بازی همت (بازوی همت) و ستون دوم، س ۱: مغز بیت (مغربی است) و س ۵: خدمت خلن (خدمت خلق) و ص ۴۴، س ۳: ضبط (ضبط) و ...

## وجوه مشترک تعلیم و تربیت در آثار اوحدی مراغه‌ای و سعدی، دکتر علی اوسط ابراهیمی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، [ سال ۲۴ - شماره ۱ و ۲ ]، ۱۳۷۵، صص ۳۴-۱۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. چکیده مقاله (صص ۱۹-۲۰).  
۱-۲. توضیح درباره اوجدالدین مراغه‌ای و آثار او (صص ۲۰-۲۲).  
۱-۳. بررسی وجوه مشترک و مختلف تعلیم و تربیت در آثار سعدی و اوحدی؛ از جمله: موضوعاتی چون دادگری و وظیفه حاکمان در اجرای عدالت، تکبر، رفتار با زنان و تربیت فرزندان، رعایت حال زیردستان، رفتار با دوستان، کسب علم و شرف علما (صص ۴۱-۲۲).  
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. دیوان اوحدی مراغه‌ای، امیرکبیر، ۱۳۴۰. ۲-۲. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، امیرکبیر، ۱۳۶۲.  
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲۲ بار، بوستان ۹ بار، قطعات ۴ بار، مثنویات ۳ بار، قصاید ۲ بار.  
۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته برخی از مشترکات و اختلافات در نظرگاه‌های اوحدی مراغه‌ای و سعدی کاویده و با یادکرد نمونه‌هایی بازنموده شده است. اما با توجه به اینکه همه موضوعات بررسی شده در حوزه تعلیم و تربیت نیست، بهتر بود عنوان مقاله نیز متناسب با متن باشد. این مقایسه هرچند ژرف نمی‌نماید اما از نظر بررسی تطبیقی، بویژه تازگی موضوع (مقایسه اوحدی و سعدی) خالی از فایده نیست.  
۴-۲. ذکر نمونه‌های فراوان با یادکرد نشانی بر ارزش مقاله افزوده است.

## وزن غزل‌های حافظ و مقایسه آن با اوران سعدی، محمدتقی صداقت‌کیش، کیهان فرهنگی، سال پنجم، شماره ۸، آبان ۱۳۶۷، صص ۸۱-۸۰.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل سخنانی از افلاطون، ارسطو، ابوعلی‌سینا، خواجه نصیرالدین طوسی و شمس قیس رازی درباره شعر و ارتباط آن با وزن، و نتیجه اینکه: " از نظر شعرشناسان و شاعران، وزن یکی از ارکان اصلی و به قول منطقیان از فصول ذاتی شعر است " (ص ۸۰).  
۱-۲. مقایسه کاربرد اوزان غزل‌های حافظ و سعدی: " سعدی در غزلیاتش در حدود ۵۰ وزن را به کار گرفته و حافظ حدود ۴۱ وزن را به کار برده است. این تفنن و توجه سعدی در انتخاب اوزان بیشتر نشان می‌دهد که در زمان وی آرامش نسبی بیشتری وجود داشته

است. ولی در عصر حافظ که دوره پریشانی‌ها و نابسامانی‌ها و اختلاف امرا است شاعر کمتر به این تفنن دست زده است ... کاربرد وزن هزج در شعر حافظ ۱۰ درصد کمتر است ... کاربرد وزن رمل ۱۸ درصد در شعر حافظ بیشتر شده (تقریباً دو برابر سعدی) ... کاربرد وزن مجتث ۳ درصد در شعر حافظ افزایش یافته ... وزن مضارع ۴ درصد در شعر حافظ بیشتر است ... وزن خفیف در شعر حافظ ۴ درصد کمتر دیده می‌شود ... وزن رجز نیز ۳/۵ درصد در شعر حافظ کمتر دیده می‌شود... (ص ۸۰). وزن‌های منسرح و سریع و متقارب که در غزل چندان زیبا نیستند در شعر حافظ بسیار کمتر به کار گرفته شده است... وزن‌های سالم (اصول وزن‌ها) بیشتر مورد توجه سعدی بوده ولی حافظ از فروع وزن‌ها استفاده کرده است " (ص ۸۱).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. دیوان حافظ (نشانی مأخذ مشخص نیست). ۲-۲. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نیست).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱۰ بار (بجز مواردی که برای فهرست درصد وزن‌ها مورد استفاده بوده است).

**۴. اشاره:** ۴-۱. بررسی و سنجش اوزان شعر سعدی و حافظ با ارائه آمار و درصد کاربرد این اوزان در جهت صحت سنجش - آن‌گونه که در این نوشته کوتاه انجام گرفته - کاری علمی و مفید است. اما برخی از قضاوت‌ها در این سنجش چندان علمی به نظر نمی‌رسد از جمله نویسنده از تنوع بیشتر اوزان در شعر سعدی نتیجه گرفته‌اند که: " سعدی در غزلیاتش در حدود ۵۰ وزن به کار گرفته و حافظ در حدود ۴۱ وزن را به کار برده است. این تفنن و توجه سعدی در انتخاب اوزان بیشتر نشان می‌دهد که در زمان وی آرامش نسبی بیشتری وجود داشته، ولی در عصر حافظ که دوره پریشانی‌ها و نابسامانی‌ها و اختلاف امرا است شاعر کمتر به تفنن دست زده است " (ص ۸۰).

باید توجه داشت در غزل فارسی بویژه در خصوص کسانی چون سعدی و مولوی و حافظ ایجاد وزن برای مضامین شاعرانه بیشتر یک امر درونی است نه بیرونی. همان‌گونه که در غزلیات مولوی (معاصر سعدی) تنوع اوزان بیشتر از سعدی و حافظ است. و به قول خود او

" خون چو می‌جوشد منش از شعر رنگی می‌زنم " یا " تا که هشیارم و بیدار یکی دم نزنم. " تلاطم، جوشش، غلیان و شعله‌وری درون این همه رنگارنگی را در وزن آفریده است و نه سکون و " آرامش نسبی " زمان. درونی بودن این موضوع (وزن شعر) درباره سعدی و حافظ نیز مسلم است.

۴-۲. برخی از درصدها نیز با آمار واقعی غزلیات سعدی اندکی متفاوت است. از جمله کاربرد اوزان مختلف بحر رمل را در غزلیات سعدی ۱۸/۸۸ درصد دانسته‌اند، در حالی که در حدود ۳۱ درصد از غزلیات سعدی در این بحر (و زحافات مختلف آن) سروده شده است (مثنی محذوف ۴۵ غزل، مثنی مخبون اصلم ۶۰ غزل، مثنی مخبون محذوف ۴۵ غزل، مسدس محذوف ۲۸ غزل، مثنی مخبون ۱۲ غزل، مثنی مشکول یا مخبون مکفوف ۲۱ غزل، مثنی سالم ۳ غزل و مسدس مخبون محذوف ۲ غزل).

اگر چه نویسنده، مأخذ مورد استفاده خود را معرفی نکرده‌اند اما آمار ارائه شده نشان می‌دهد که از کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی بهره‌مند بوده‌اند (برای آگاهی از آمار دقیق کاربرد اوزان غزلیات سعدی، حافظ و خواجه به تفکیک زحافات و تعداد آنها؛ رک. مقاله " تنوع اوزان در غزلیات خواجه، حافظ و سعدی " از روح‌الله هادی مندرج در مجله رشد ادب فارسی، سال هفتم، زمستان ۱۳۷۰، شماره ۲۷، صص ۶۳-۵۶).

**ولایت در آثار سعدی ، دکتر علی شیخ الاسلامی، ذکر جمیل سعدی، ج ۳، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۱-۱۳.**

**چاپ‌های دیگر: ۱. مجله " نامه توانیر"، دوره سوم، شماره سوم، آذر ۱۳۷۳، صص ۴۶-۴۴.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره معنی ولایت: " معنی و محتوای عمیق ولایت را در تعبیر و تعریف کوتاه " نظام حب و حضور دائم و پایدار" خلاصه کرده‌ام و معتقدم همه موارد استعمال این کلمه طیبیه حتی آنگاه که درباره مبدأ عالم "جنت عظمه" به کار می‌رود، از همین معنی مایه می‌گیرد. " (ص ۱۶).

۱-۲. توضیح انواع ولایت: (تکوینی، عامه، خاصه ...) و بیان مواردی از سخن سعدی که منطبق بر معنای ولایت است (صص ۲۱-۱۶): "جلوات عالی و ارجمند این نوع ولایت [ عامه ] در همه آثار سعدی بخصوص آنجا که سخن از زعامت و حکومت احسان و عدالت می‌رود، چنان متجلی است که باب اول و دوم بوستانش را به آن اختصاص می‌دهد ... در برابر ولایت عام، ولایت خاص است ... و تفصیل و ترجمان این ولایت را گذشته از جای‌جای آثار سعدی، سراسر باب سوم بوستان یعنی عشق و شور و مستی و باب دهم در مناجات و ختم کتاب کافی است. نکته‌ای که نباید ناگفته گذاشت این است که با آنکه سخن سعدی در شرح "ولایت خاص" در اوجی از احساس و اندیشه است که از انتساب هر نوع کشف و کرامت به این‌گونه اولیا ابا و امتناع ندارد، اما خاصیت خردگرایی سعدی چنان است که در همین موارد هم به توجیه کرامات و خوارق عادات پردازد و آنها را طبیعی و پذیرفتنی جلوه دهد. " (ص ۱۹).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. آثار سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. قرآن و حدیث (به نشانی منابع اشاره‌ای نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۸ بار، گلستان ۴ بار، غزلیات ۲ بار، قصاید ۱ بار، رسائل نثر ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. اگر ولایت را در معنای بسیار گسترده - آن‌گونه که نویسنده این مقاله بیان کرده‌اند - در نظر داشته باشیم، مثال‌های فراوانی را بویژه از غزل‌های سعدی می‌توان برای شاهد سخن ارائه کرد که در این مقاله مورد توجه نبوده‌اند. ۴-۲. نشانی مثال‌های شاهد ذکر نشده است.

۴-۳. نشانی آیات، احادیث و روایات ذکر نشده است.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. بحث درباره آثار سعدی... ، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۳، ص ۱۶.

**ویژگی‌های اخلاقی در شعر سعدی ، دکتر رضا مصطفوی، روزنامه کیهان، ۵ مرداد ۱۳۷۰، ص ۶.**

\* این نوشته قسمتی از بخش نخست مقاله‌ای است با عنوان " سعدی، معلم اخلاق " که در نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان (دوره اول، شماره ۱، بهار ۱۳۶۹، صص ۱۴۹-۱۲۴)، چاپ شده است. برای آگاهی بیشتر، رک. مقاله یاد شده، در همین مجموعه.

**هدف‌های جمعیت شیر و خورشید سرخ در سخنان سعدی، علی اصغر حکمت، سلسله سخنرانی‌های جمعیت، ۴- (۱۳۲۹). صص ۲۰-۱.**

**چاپ‌های دیگر: کتاب مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپ کاویان، ۱۳۲۸، صص ۲۰۱-۱۶۸.**

۱. **مضامین اصلی** ۱-۱. توضیح درباره تاریخچه ایجاد جمعیت شیر و خورشید سرخ (صص ۴-۱).
- ۱-۲. تأکید بر هماهنگی هدف‌های جمعیت شیر و خورشید با مبانی عالی اسلام (صص ۷-۴).
- ۱-۳. تطبیق هدف‌های جمعیت شیر و خورشید با سروده‌های سعدی در موضوعات احسان و نیکی، نصیحت به توانگران، احتراز از آزار به اینای نوع و افراد بشر، (صص ۸-۱۱).
- ۱-۴. توضیح درباره مثلثات سعدی و تأکید بر ارزش این اثر از نظر اخلاقی (ص ۱۱).
- ۱-۵. بررسی مفهوم واژه «آدمیت» در آثار سعدی (صص ۱۴-۱۲).
- ۱-۶. بررسی موضوع جنگ و صلح در آثار سعدی (صص ۱۷-۱۴).
- ۱-۷. تأکید بر وجود مفاهیمی چون «حمایت از ایتم، حمایت از حریق‌زدگان، حمایت از قحطی‌زدگان و حمایت از حیوانات» در آثار سعدی (صص ۳۰-۱۷).

**۲. منابع اصلی** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

**۳. رویکرد به آثار سعدی** ۳-۱. بوستان ۱۸، گلستان ۹ بار، غزلیات ۶ بار، قطعات ۳ بار، قصاید ۳ بار، مثلثات ۱ بار.

**۴. اشاره** ۴-۱. بررسی مفاهیم اجتماعی در آثار سعدی و تطبیق این مفاهیم با دستورالعمل‌های بنیادهایی چون جمعیت صلیب سرخ، شیر و خورشید و هلال احمر، برای شناخت یکی از ویژگی‌های شخصیتی سعدی سودمند است. آقای علی اصغر حکمت در این مقاله که در اصل به گونه سخنرانی ارائه شده است، به شایستگی برخی از این مفاهیم بلند را برای شنوندگان بررسی کرده است.

**هدیه‌ای از، و هدیه‌ای به استاد یوسفی، ب - خ [ بهاء‌الدین خرمشاهی ]، نشر دانش، سال دوم، شماره اول، آذر و دی ۱۳۶۰، صص ۷۲-۷۰.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش سخن سعدی و طرح دو نظر که یکی بوستان را بر گلستان و دیگری گلستان را بر بوستان ترجیح می‌دهد.
- ۱-۲. معرفی برخی از تصحیحات و توضیحات بوستان که پیش از تصحیح و توضیح بوستان دکتر غلامحسین یوسفی منتشر شده است (ص ۷۱).
- ۱-۳. توضیح درباره ارزش کار دکتر غلامحسین یوسفی در تصحیح و توضیح بوستان سعدی: " کار آقای دکتر یوسفی، کاری سنجیده و متوازن است، چه از نظر اتقان روش تصحیح و چه از نظر نحوه انعکاس نسخه بدل‌ها، توضیحات کوتاه و در مجموع نزدیک به دویست و پنجاه صفحه‌ای که در شرح مشکلات ابیات و روشن کردن ابهامات و اشارات و بیان مجملات متن افزوده‌اند، بسیار سودمند و به دور از قلم‌فرسایی‌های بی‌فایده است ... " (صص ۷۲-۷۱).
- ۱-۴. معرفی مطالب کتاب " فرخنده پیام " که مجموعه مقالات تحقیقی، علمی است و به عنوان یادگارنامه دکتر غلامحسین یوسفی به وسیله انتشارات دانشگاه مشهد در سال ۱۳۵۹ منتشر شده است.
- ۲. منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۵۹. ۲-۲. فرخنده پیام، یادگارنامه استاد دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۵۹.
- ۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.
- ۴. اشاره:** ۴-۱. در این نوشته پس از سخنی کوتاه درباره ارزش سخن سعدی دو کتاب (یاد شده در بخش مضامین اصلی) معرفی و تأیید شده است. اگرچه هر دو کتاب معرفی شده از آثار ارزشمندی است که منتشر شده، اما چنانچه این معرفی با نقد و بررسی آنها همراه بود، بر جنبه علمی نوشته می‌افزود.

**هشت‌صدمین سال ولادت سعدی، جلال متینی، ایران نامه - مجله تحقیقات ایران‌شناسی - سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۵۵۴-۵۴۷.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره تاریخچه برگزاری کنگره‌ها و مجالس بحث علمی در ایران، از جمله هزاره فردوسی (سال ۱۳۱۳ شمسی)، مراسم بزرگداشت سعدی (سال ۱۳۱۶ شمسی)، کنگره جهانی بزرگداشت سعدی و حافظ (۱۳۵۰ شمسی)، کنگره بزرگداشت هشت‌صدمین‌سال تولد سعدی (۱۳۶۳ شمسی) که بهانه تدوین این ویژه‌نامه بوده است (صص ۵۵۲-۵۴۷).
- ۱-۲. تأکید بر ارزش‌های والای اندیشه و سخن سعدی با استناد به سروده‌های او و اشاره‌ای به مقاله‌های چاپ شده در این شماره از مجله ایران‌نامه (صص ۵۵۴-۵۵۲): از جمله: " ما در برابر این ستاره تابناک ادب پارسی و در برابر این انسان بزرگ که در این روزها هشت‌صد سال از ولادت وی سپری گردیده است، سر تعظیم فرود می‌آوریم، و این شماره " ایران نامه " را ... بدین مناسبت منحصرأ به چاپ مقاله‌های تحقیقی درباره سعدی و آثار ارجمند او اختصاص داده‌ایم " (ص ۵۵۴).
- ۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
- ۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۴ بار، گلستان ۲ بار، قصاید ۲ بار، غزلیات ۱ بار.
- ۴. اشاره:** ۴-۱. این نوشته در واقع سرمقاله‌ای است که دبیر مجله ایران نامه بر شماره چهارم از سال سوم مجله (که ویژه‌نامه سعدی است) نگاشته و با تأکید بر ارزش سخن سعدی و لزوم برپایی مراسم بزرگداشت او، تاریخچه تشکیل مجالس و مراسم بزرگداشت سعدی را بازنموده است که بی‌گمان برای مخاطبان مجله خالی از لطف نیست.

**هفت‌صدمین سال تصنیف گلستان، دکتر نصر، سعدی‌نامه، به اهتمام حبیب یغمایی، چاپ خودکاروایران، اسفند ۱۳۶۱، صص ۱۸۹-۱۸۱.**

چاپ‌های دیگر: ۱. مجله تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، صص ۷۹۷-۸۰۵. ۲. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویان، ۱۳۲۸، صص ۸۲-۷۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. مقدمه‌ای طولانی در شعر و هنر (صص ۱۸۷-۱۸۱).

۱-۲. وصف عظمت سعدی: "سعدی در زبان فارسی یکی از بزرگ‌ترین نوایغ است و علت سخنان شیرین او همان تأثیرات است که در سیر آفاق و انفس و مجالست با اشخاص مختلف یافته و صحبت بسیاری از بزرگان را درک کرده." (ص ۱۸۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۷ بار، بوستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله بعد از يك مقدمه طولانی (دو برابر اصل مقاله) در سه صفحه به مسائل کلی و بدیهی مربوط به قدرت سعدی در سخن، اشاره دارد و از دیدگاه پژوهشی مطلب قابل عرضه‌ای ندارد. نام مقاله نیز با محتوای آن بی‌ارتباط است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویانی، ۱۳۲۸، صص ۷۲-۸۳. ۵-۲. متن کامل دیوان شیخ سعدی شیرازی، به کوشش مظاهر مصفا، کانون معرفت تهران، ۱۳۴۰، ص ۲۵.

هفت‌صدمین سال وفات سعدی، محمد محیط طباطبایی، یغما، سال ۲۲، شماره ۶، شهریور ۱۳۴۹، صص ۳۲۱-۳۳۰.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر مقام بلند سعدی، از جمله: "کسی که از حیث جمع مقام شاعری و نویسندگی و قدرت ادراک و احساس و کسب شهرت عمومی، در داخل و خارج وطن خود و تأثیر در زبان و زمان به پایه شیخ سعدی برسد، هنوز در میان بزرگان شعر و فکر و قلم کشور دیگری سراغ نکرده‌ایم (ص ۳۲۱). در تاریخ ادبیات منظوم و منثور زبان فارسی دري، اگر قرار باشد، يك تن قهرمان سخن برگزیده شود، قطعاً سعدی را باید برگزید" (ص ۳۲۲).

۱-۲. استناد به منابع قدیمی برای اثبات سال ۶۹۱ به عنوان وفات شیخ سعدی، از جمله منابع زیر: مونس‌الاحرار، مجمل فصیحی، تاریخ گزیده، تاریخ شیخ اویس‌ابلقانی، حوادث‌الجامعه (صص ۳۲۳-۳۲۴).

۱-۳. اشاره به نفوذ سعدی در افکار شخصیت‌های ادبی و علمی خارج از کشور با معرفی ترجمه‌هایی که از آثار سعدی انجام گرفته است (صص ۳۲۷-۳۲۵).

۱-۴. اشاره به مضمون و هدف کسانی که به مخالفت با سعدی و افکار او پرداخته‌اند (صص ۳۲۸-۳۲۹).

۱-۵. پیشنهاد برگزاری مراسمی در دانشگاه شیراز به عنوان هفت‌صدمین سال وفات سعدی (ص ۳۳۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. منابع قدیمی مندرج در ۱-۲ از همین مقاله (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۲ بار، گلستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. تنها سخن تازه‌ای که در این نوشته جنبه پژوهشی دارد، اثبات تاریخ وفات سعدی است بر اساس چند منبع قدیمی و بقیه تأکید بر مقام والاى سعدی و ضرورت زنده نگه داشتن نام و افکار اوست. این نوشته متن يك سخنرانی رادیویی بوده، که در فروردین سال ۱۳۴۹ در برنامه هفتگی مرزهای دانش اجرا شده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. دروغ مصلحت‌آمیز، غلامرضا کیانپور، یغما، آبان ۱۳۴۹، ص ۴۴۶.

هماهنگی در غزل‌های سعدی، عبدالعلی دستغیب، پیام آسمانی، دوره دوم، سال هشتم، شماره ۱۴۵، دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۴۶، صص ۴-۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر سادگی و هماهنگی غزل‌های سعدی: "غزل سعدی از دو ویژگی ممتاز که عبارت از سادگی و هماهنگی شکل ذهنی و شکل ظاهری باشد، سرشار است. آنچه در شعر سعدی بیشتر و در نثر کمتر دیده می‌شود و او را از شاعران دیگر ایرانی ممتاز می‌سازد، ترکیب هماهنگ یا هماهنگی در کلام اوست ... هماهنگی در شعر و غزلیات سعدی، مربوط به خاطر نظم اندیش اوست. سر تا سر غزل موقوف بیان يك حالت روانی است ... " (ص ۴). ۱-۲. نقل يك غزل از سعدی با مطلع "يك امشبی که در آغوش ... " برای بیان مقصود و تأکید بر پیوستگی، یکدستی و روانی و شیوایی این غزل، نتیجه اینکه: "غزلیات سعدی آن چنان تناسب و توازنی دارد که اگر کلمه‌ای از آن را حذف کنیم در ترکیب کلام خلل وارد می‌آید، و او در این مورد دقت بسیار نشان می‌دهد. هر غزل سعدی به تابلو نقاشی بسیار زیبایی مانده است که هر چند از اجزای متفاوت تشکیل شده، باز يك چیز واحد را نمایش می‌دهد" (ص ۵).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته کوتاه با استناد به ابیاتی از دو غزل بر هماهنگی و یکدستی غزل سعدی تأکید شده است، اگر چه سخن تازه‌ای در این نوشته کوتاه بیان نشده، اما تأکید بر این ویژگی اساسی شعر سعدی با یادکرد نمونه‌ای از غزلیات او خالی از فایده نیست.

۴-۲. نشانی شواهد مثال مشخص نشده است.

همه گویند ولی گفته سعدی دگر است، خلیل اسماعیل بیگ، روزنامه خبر، پنجشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۷۵ (نگاه پنجشنبه)، صص ۷-۸.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر روانی سخن و جوهر اندیشه در آثار سعدی با یادکرد نمونه‌هایی از آنها (ص ۷).

۱-۲. توضیح درباره هزلیات سعدی: "هزلیات چاپ شده در منشآت سعدی، علاوه بر اینکه کلیات بی‌نظیر وی را زیر سؤال برده، دست‌آویزی شده برای برداشت‌های نامعقول و نسبت‌های ناروا، از این رو لازم است هم در چاپ‌های بعدی حذف آنها مورد توجه کلی قرار گیرد و هم برای چاپ‌های موجود چاره‌ای اندیشیده شود و اجازه داده نشود تا گروهی فرصت‌طلب، یادداشت‌های خصوصی گویندگان و نویسندگان را به چاپ رسانده، از کیفیت کار آنان بکاهند ... " (ص ۷).

۱-۳. نقل غزلی درباره خانه منسوب به سعدی و اختلاف نظرها در آن باره (ص ۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۶ بار، بوستان ۳ بار، گلستان ۲ بار، قصاید ۱ بار.

**۴. اشاره: ۱-۲.** بخش نخست مقاله که درباره روانی سخن و وجود اندیشه در آثار سعدی است، برای خوانندگان عمومی مقاله سودمند است. اما نظر نگارنده مقاله درباره هزلیات سعدی قابل تأمل است؛ ایشان به جای اینکه درباره درستی یا نادرستی انتساب هزلیات به سعدی سخن گویند، معتقدند که باید بکلی آنها را حذف کرد و حتی برآنند که باید برای برخی از کلیات چاپ شده سعدی که هزلیات را نیز شامل است، فکری کرد (لابد همه آنها را باید سوزاند!).  
آیا بهتر نیست به جای حذف سلیقه‌ای برخی از آثار سعدی درباره کیفیت و صحت انتساب آنها به سعدی بررسی کرد و هر چه را از قلم سعدی تراویده است، از آثار خود او دانست و به کمک آنها شخصیت سعدی را واقعی‌تر معرفی کرد؟!

**همه گویند ولی گفته سعدی دگر است ، دکتر یوسف ایزدی، روزنامه اطلاعات، شنبه ۶ اسفند ۱۳۷۳، ص ۱۱.**

**۱. مضامین اصلی: ۱-۱.** تأکید بر ارزش‌های سخن سعدی و عظمت شخصیت او با انتقاد از کسانی که به دلیل نداشتن ذوق سلیم درباره سعدی داوری‌های نادرست کرده‌اند.  
**۲. منابع اصلی: ۲-۱.** ندارد.  
**۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱.** قصاید ۱ بار.  
**۴. اشاره: ۴-۱.** در این نوشته کوتاه، تنها بر عظمت سعدی و ارزش سخن او تأکید شده است و سخن تازه‌ای در بر ندارد. جز آنکه در پایان نوشته با اشاره به یکی از مقاله‌های ذکر جمیل سعدی (بدون مشخص کردن نام مقاله یا نویسنده آن) از اشعری دانستن سعدی در آن مقاله، انتقاد شده است. مقاله مورد اشاره از دکتر احمد احمدی است که با نام "سعدی و حسن و قبح افعال" در جلد اول کتاب ذکر جمیل سعدی به چاپ رسیده است.

**همه گویند ولی گفته سعدی دگر است (۱) ، دکتر محمود شفیعی، ارمغان، دوره چهل و هشتم، سال پنجاه و نهم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۵۶، صص ۶۱۲-۶۰۶.**

**۱. مضامین اصلی: ۱-۱.** تأکید بر ارزش سخن سعدی و جایگاه برتر او نسبت به شاعران و سخنوران دیگر (ص ۶۰۶).  
**۱-۲.** اعتراض به کسانی که بر سخن سعدی خرده می‌گیرند: "گاهی کسانی که با ادب فارسی بیگانه‌اند، از روی عدم دقت یا برای خودنمایی به مفاهیم کلام شیخ و موضوعات و مطالب او نایجا خرده می‌گیرند" (ص ۶۰۷).  
**۱-۳.** پاسخ‌گویی به برخی از خرده‌گیری‌ها. در این قسمت به شش مورد از ایرادات، بدون معرفی مرجع ایراد، پاسخ گفته‌اند (صص ۶۱۲-۶۰۸).  
**۲. منابع اصلی: ۲-۱.** کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
**۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱.** گلستان ۱۱ بار، غزلیات ۳ بار، بوستان ۱ بار، قصاید ۱ بار.  
**۴. اشاره: ۴-۱.** این نوشته بخش نخست از مقاله‌ای چهار قسمتی است. ر.ک. بخش پایانی مقاله.

**همه گویند ولی گفته سعدی دگر است (۲) ، دکتر محمود شفیعی، ارمغان، دوره چهل و هفتم، سال شصتم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۵۷، صص ۹۲-۸۵.**

**۱. مضامین اصلی: ۱-۱.** ادامه پاسخ‌گویی به خرده‌گیری‌هایی بر سعدی و آثارش با پاسخ به شش مورد از آنها (صص ۸۸-۸۵).  
**۱-۲.** گفتاری زیر عنوان "از سعدی چه می‌خواهیم" (صص ۹۰-۸۸) و توضیح درباره این که ما سعدی را حکیم، مبلغ مذهب، معلم اخلاق، مورخ، ریاضی‌دان و امثال اینها نمی‌دانیم. سعدی را شاعری بلند مرتبه، نابغه سخن‌سرایی و ستاره درخشان ادب فارسی می‌شناسیم (ص ۸۸). "ما از سعدی سخن نغز و شیوا می‌خواهیم و بس، چنانکه از عطار سبزی نمی‌خریم و از نقاش بخاری نمی‌خواهیم، سعدی از این حیث در حد کمال و قدرت است ... " (ص ۹۰).  
**۱-۳.** بازگفت پاسخ به یکی از خرده‌گیران حافظ (صص ۹۲-۹۱).  
**۲. منابع اصلی: ۲-۱.** کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
**۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱.** گلستان ۵ بار، قصاید ۲ بار، بوستان ۱ بار.  
**۴. اشاره: ۴-۱.** این نوشته بخش دوم از مقاله‌ای چهار قسمتی است. ر.ک. بخش پایانی مقاله.

**همه گویند ولی گفته سعدی دگر است (۲) ، دکتر محمود شفیعی، ارمغان، دوره چهل و هفتم، سال شصتم، شماره ۲، خرداد ۱۳۵۷، صص ۱۷۲-۱۶۷.**

**۱. مضامین اصلی: ۱-۱.** ادامه پاسخ‌گویی به خرده‌گیری‌هایی بر سعدی و آثارش با تأکید بر پاسخ‌های پیشین از جمله اینکه: "سعدی مداح نبود و برای گرفتن صلّه و انعام کسی را نمی‌ستود. مرثیه المستعصم بالله که بعضی را بهانه‌ای برای خرده‌گیری شده است، پس از قتل خلیفه و انقراض دولت عباسی سروده شده و صرفاً از روی عقیده بوده است" (ص ۱۶۷).  
**۱-۲.** اعتراض مجدد به کسانی که بر بزرگان ادب خرده می‌گیرند: "گاه دیده می‌شود که کسی به بهانه یا به عنوان تحقیق به بزرگان ادب چون فردوسی، سعدی، مولوی و حافظ خرده‌گیری می‌کند. می‌گوییم به فرض محال که گاه ایرادی احیاناً وارد باشد، چه نتیجه‌ای از آن حاصل می‌شود ... بهتر است که از این خودنمایی و حلق و خودخواهی‌های بی‌جا دست بردارند و کمتر آبروی خود را بریزند" (ص ۱۶۹).  
**۱-۳.** انتخاب و نقل سروده‌هایی از سعدی با عنوان "نمونه‌ای از سخنان نغز" (صص ۱۷۲-۱۶۹) دو بیت از قصاید، نوزده بیت از غزلیات، یک بیت از ترجیعات و چهارده عبارت از گلستان انتخاب شده است.  
**۲. منابع اصلی: ۲-۱.** کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).  
**۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱.** غزلیات ۱۷ بار، گلستان ۱۴ بار، قصاید ۴ بار، بوستان ۳ بار، ترجیعات ۱ بار.  
**۴. اشاره: ۴-۱.** این نوشته بخش سوم از مقاله‌ای چهار قسمتی است. ر.ک. بخش پایانی مقاله.

همه گویند ولی گفته سعدی دگر است (ع) ، دکتر محمود شفیعی، ارمغان، دوره چهل و هفتم، سال شصتم، شماره ۹-۱۲، آذر - اسفند ۱۳۵۷، صص ۵۱۲-۵۰۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به درگذشت شادروان وحیدزاده (نسیم) - مدیر وقت مجله ارمغان و بزرگداشت مقام او (صص ۵۰۳-۵۰۲).

۱-۲. اشاره به بخش‌های نخستین مقاله و تأکید بر ارزش سخن سعدی (ص ۵۰۳).

۱-۳. انتخاب و نقل نمونه‌هایی از ابیات بوستان با مضامین گوناگون، برای بیان ارزش معنایی سخنان سعدی (صص ۵۱۲-۵۰۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. بوستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. بوستان ۵۵ بار، غزلیات ۱ بار، گلستان ۱ بار، قصاید ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله که در چهار بخش و چهار شماره از مجله ارمغان به چاپ رسیده، در پی پاسخ‌گویی به برخی از خرده‌گیری‌هایی است که در پیوند با سعدی و آثار او مطرح شده است و مجموعاً به دوازده مورد از این ایرادات بدون یادکرد مرجع خرده‌گیری پاسخ گفته است.

پاسخ‌های نوشته شده معمولاً پاسخ‌هایی منطقی و پذیرفتنی و برای مخاطبان مقاله سودمند است، اما شیفتگی زیاد نگارنده مقاله به سعدی، موجب شده لحن او در داوری، لحنی غیرعلمی و همراه با عصبانیت باشد و جانب‌داری‌های او از سعدی، نیز، خالی از اغراق نیست، به عنوان مثال درباره منتقدین برخی از آثار بزرگان ادب نوشته‌اند: "در زمان ما گاهی دیده می‌شود که کسی به بهانه یا به عنوان تحقیق به بزرگان ادب چون فردوسی، سعدی، مولوی و حافظ خرده‌گیری می‌کند... این بزرگان افتخارات غیر قابل تردید ما هستند. پس بهتر که از این خودنمایی و حمق و خودخواهی‌های بی‌جا دست بردارند و کمتر آبروی خود را بریزند" (بخش سوم، ص ۱۶۹) و درباره گلستان سعدی نوشته‌اند: "گلستان از نظر ایجاز و مناسبات لطیف لفظی و معنوی در سرحد اعجاز است. چنانکه نه فقط نمی‌شود کلمه‌ای بر عباراتش افزود یا از آنها کاست، بلکه غالباً نمی‌توان لفظی را با مرادف و هم معنی خود هم عوض کرد" (بخش نخست، ص ۶). عظمت و اعجاز گلستان "قولی است که جملگی برآند"، اما عبارات بالا بی‌هیچ تردید به اغراق آمیخته و از جنبه علمی نوشته کاسته است.

در بخش پایانی مقاله، نویسنده با نقل ابیاتی از بوستان با مضامین مختلف اخلاقی و اجتماعی بر جنبه کاربردی این اثر ارزشمند پای فشرده است.

۴-۲. نشانی نمونه‌های شاهد از آثار سعدی مشخص نشده است.

همه گویند ولی گفته سعدی دگر است ، احمد مهدوی دامغانی، مجله ایران‌شناسی، سال سوم، شماره یک، بهار ۱۳۷۰، صص ۴۰-۲۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به ویژه‌نامه مجله ایران‌شناسی به مناسبت بزرگداشت مقام دکتر ذبیح‌الله صفا و گرامی‌داشت این عمل (صص ۲۸-۲۷).

۱-۲. اشاره به نوشته‌های دکتر حسینعلی محفوظ، دکتر مهدی محقق، دکتر جعفر مؤیدشیرازی و دکتر غلامحسین یوسفی درباره مضامین مشابه در آثار سعدی و شاعران پیش از او و توضیح درباره مقاله حاضر (صص ۳۰-۲۸)، از جمله: "آنچه به نظر خوانندگان فاضل می‌رسد، بخش بسیاری از مضامین و تعبیراتی است که حضرت شیخ در مقام اقتباس و تضمین و تلمیح و یا در مقام تحدی بلاغت خود و مجازات با گویندگان پیش از خود، از ایرانی و عرب، بیان فرموده است و یا آن که از باب "توارد خاطرن" عین مضمونی را که شاعری پیش از او سروده است، شیخ بهتر سروده (ص ۲۸). غرض نهایی از این مقاله، مقابله و مقایسه مضامین مذکور با یکدیگر و نمایاندن مقام والای غیرقابل قیاس سعدی با دیگران و اثبات همان فرموده خود اوست که: همه گویند ولی گفته سعدی دگر است" (ص ۲۹).

۱-۳. نقل یازده مورد از اشعار گلستان با یادکرد مضامین مشابه آن در سروده‌های شاعران عرب - دو نمونه آخر با سروده‌هایی از مولوی و عمادی شهریار مقایسه شده است (صص ۳۳-۳۰).

۱-۴. نقل دو مورد از بوستان، با یادکرد مضامین مشابه آنها در دو شعر عربی (صص ۳۴-۳۳).

۱-۵. نقل سی و شش بیت از غزلیات، با یادکرد مضامین مشابه آنها در اشعار عربی و اندکی در اشعار فارسی (صص ۴۰-۳۴).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی. ۲-۲. منابع مختلف شعر عربی.

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. غزلیات ۲۸ بار، گلستان ۱۲ بار، بوستان ۲ بار، قصاید ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. باز جست پیشینه مضامین آثار سعدی و مقایسه و سنجش آنها، برای شناخت درست سعدی، بسیار سودمند است. تاکنون نیز نوشته‌های متعددی با همین موضوع پدید آمده و در مقدمه مقاله حاضر نیز به برخی از آنها اشاره شده است. در این مقاله ارزشمند، برخی دیگر از این همانندی‌ها بازنموده شده و درباره برخی از آنها نیز به کوتاهی داوری شده است. چنانچه این نمونه‌های همگون از نظر خلاقیت ادبی و احتمال تأثیرپذیری، با تحلیل و بررسی همراه بودند بر ارزش نوشته افزوده می‌شد (مانند آنچه برای شماره ۱۶ و ۱۷ در ص ۲۵ نوشته شده است).

از ویژگی‌های دیگر این مقاله موارد زیر برشمردنی است: بهره‌وری از منابع گوناگون، همانندی مسلم نمونه‌های بیان شده، یادکرد نشانی بیت‌های مورد استشهاد.

۴-۲. در ص ۳۶، بیت زیر به اشتباه از "انوری ابیوردی" دانسته شده است، در حالی که بیت از سعدی است:

آنک عسلی دوخته دارد مگس نحل شهد لب شیرین تو زنبور میان را

(کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، ویراسته بهاء‌الدین خرمشاهی، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۴۱۸).

احتمالاً نویسنده مقاله، بیت زیر (از انوری) را در نظر داشته‌اند: گاه می‌دوخت یکی را به کتف بر عسلی گاه می‌بست یکی را به میان بر زنار (دیوان انوری، جلد اول، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، ص ۱۵۵، بیت آخر).

هنر در سخن سعدی ، دکتر جعفر شعار، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، اسفند ۱۳۶۴، صص ۳۴۰-۳۲۵.

چاپ‌های دیگر: ۱. یغمای سی و دوم (یادنامه حبیب یغمایی) گردآوری ایرج افشار با همکاری قدرت‌الله روشنی، انتشارات ایران، ۱۳۷۰، صص ۱۱۶-۱۱۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تعاریف مختلف هنر (صص ۲۳۸-۲۳۷).

۱-۲. کاربرد غالب "هنر" در آثار سعدی، همان است که ما آن را "فضیلت" می‌نامیم. (ص ۲۳۸).

- ۱-۳. " سعدي صدها بار واژه هنر را در شعر و نثر خود به کار برده، و اغلب از آن فضيلت را اراده کرده است." (ص ۳۴۰).
۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۵ بار، بوستان ۱ بار، غزلیات ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. مقاله بسیار کوتاه و ناقص است. اگر به قول خود نویسنده سعدي صدها بار واژه هنر را در شعر و نثر خود به کار برده، بهتر بود این مفهوم با نمونه‌های بیشتری کاویده می‌شد. در واقع سخن تازه‌ای در این نوشتار بیان نشده است.
- ۴-۲. نشانی منابع مورد استفاده ذکر شده اما نشانی مثال‌ها ذکر نشده است.

## ي

**یادداشت‌های حاشیه گلستان (۱) ، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، یغما، سال هشتم، شماره هفتم، مهر ۱۳۳۴، صص ۳۱۰-۳۰۶.**  
**چاپ‌های دیگر: ۱. کتاب " نه شرقي نه غربي - انساني "، امیرکبیر، ۱۳۵۳، صص ۲۳۱-۱۹۶.**

۱-۱. **مضامین اصلي:** ۱-۱. اشاره به گلستان سعدي به تصحيح و حواشي عبدالعظيم قريب گرکاني و مطالب نوشته حاضر که یادداشت‌های نگارنده در حواشي آن کتاب بوده است.

" این یادداشت‌ها که در طی سال‌ها مطالعه مکرر و مستمر، با مداد کم رنگ بر کناره‌ها و هامش‌های کتاب نوشته شده است، از هر دستي هست. گاه آنچه مصحح در توضیح لغتي یا عبارتي نوشته است، پسندم نیفتاده و برای تکمیل و اتمام آن در کتب ادب و لغت به تحقیق و جستجو پرداخته‌ام ... و گاه رای و عقیده شیخ یا تأویل و تعبیر جناب میرزا را نپسندیده‌ام و با هر دو بزرگوار به مناقشه برخاسته‌ام ... " (ص ۶۰۳).

۱-۲. توضیح درباره مضامین همانند گلستان با آثار دیگر: " اینک بعضی از نوادر و حکایات گلستان، مثل بسیاری از حکم و لطایف نویسندگان جهان با اقوال و آرای بعضی از قدما شباهت دارد، نه جای تعجب است و نه چیزی از عظمت مقام نویسنده و گوینده بزرگ می‌کاهد. در بعضی از آنها توارد سبب این شباهت را بیان می‌کند و در برخی هم می‌توان اشتراک مضامین را به سبب تداول معانی دانست، علی‌الخصوص در آنچه به امثال و حکم و مواظ و نصایح مربوط است ... اخذ معانی و مضامین قدما، از جانب شاعری که در آنها تصرف استادانه دارد، چیزی از قدر او نمی‌کاهد ... جستجو و تحقیق در اینکه استادان و هنرمندان بزرگ از این مأخذ و موارث، چگونه فایده گرفته‌اند و آنچه در مطاوی کتب گذشته یا از فحواي اقوال معاصران گرفته‌اند، به چه صورت در آورده‌اند و چه هیأتی بدان بخشیده‌اند، هم مایه قدرت طبع و قریحه آنها را بیشتر روشن می‌کند و هم راز ابداع و رمز ایجاد آثار ادبی را - تا اندازه‌ای - بیان می‌نماید ... " (صص ۳۰۷-۳۰۶).

۱-۳. توضیح درباره مطالب گلستان و تأکید بر صداقت سعدي در بیان واقعیت‌ها، از جمله: " گلستان برای خودش دنیایی است یا دست‌کم تصویری درست و زنده از دنیاست ... زیبایی در کنار زشتی و غم در برابر شادی است. و تناقض‌هایی که عیب‌جویان در آن یافته‌اند، تناقض‌هایی است که در کار دنیاست ... سعدي در توصیف و تصویر چنین دنیایی قدرت و مهارت عجیبی به خرج داده است و دنیایی که در گلستان ساخته است، هر چند تا اندازه‌ای خیالی است، تصویر درست دنیای واقعی است ... .

بیان گول‌ها و رسوایی‌هایی را که در این دنیا با احوال و اطوار انسان آمیخته است، بر سعدي عیب گرفته‌اند. گناه سعدي این است که نه بر گناه دیگران پرده می‌افکند و نه ضعف و خطای خود را انکار می‌کند... تفاوت سعدي با ملامت‌گران و رباکاران و دروغ‌گویان، این است که سخنش مثل " شکر پوست کنده " است. نه رویی دارد و نه ریایی ... راست و بی‌پرده اقرار می‌کند که زیبایی در هر جا و هر کس باشد، قوت پرهیزش را می‌شکند و دلش را به شور و هیجان می‌آورد... صفت بارز شیوه گلستان، سادگی و روشنی است ... سجع که آفت سادگی است ... به کلام او لطف و قوت بخشیده است و این بدان سبب است که سعدي خوب می‌تواند در هر چیز اندازه نگه دارد.

از نثرنویسان عرب به جاحظ نظر دارد و تا اندازه‌ای شیوه بلاغت او را پیروی می‌کند. این هم که جد و هزل و شور و شیرین را به هم می‌آمیزد، از نفوذ اسلوب جاحظ است ... در حقیقت مراعات این تناسب بین جد و هزل، گاه سبب می‌شود که بین حکایات و ابواب گلستان مناسبتی نباشد ... با این همه این بی‌ترتیبی کتاب، آن را از خشکی ملال‌انگیزی که لازمه کتاب‌های منظم و مرتب است، مصون داشته ... " (صص ۳۱۰-۳۰۷).

۱-۴. نقل دو یادداشت از یادداشت‌های حاشیه گلستان که بیانگر همگونی عبارتی از گلستان با دو بیت از حدیقه سنایی و دو بیت از گلستان با دو بیت از ابوالفتح بستنی است " (ص ۳۱۰).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. گلستان سعدي، عبدالعظيم قريب گرکاني، ۱۳۱۰.
۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۲۱ بار، بوستان ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته، بخش نخست مقاله است، برای اشاره، رک. بخش چهارم و پایانی مقاله.
۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. رک. بخش چهارم و پایانی مقاله.

**یادداشت‌های حاشیه گلستان (۲) ، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، یغما، سال هشتم، شماره هشتم، آبان ۱۳۳۴، صص ۳۴۸-۳۴۲.**

**چاپ‌های دیگر: ۱. کتاب " نه شرقي، نه غربي - انساني "، امیرکبیر، ۱۳۵۳، صص ۲۳۱-۱۹۶.**

۱-۱. **مضامین اصلي:** ۱-۱. ادامه بخش نخست مقاله و نقل یادداشت‌های حاشیه گلستان. در این بخش از مقاله، بیست و هفت مورد از عبارت‌ها و ابیات گلستان نوشته شده و سپس مضامین همانند و نظایر آن در منابع دیگر (پیش از سعدي) بازجسته شده است. این منابع عبارتند از: خسرو و شیرین و مخزن‌الاسرار نظامی، محاضرات راغب، عقداالعلی، زهرالادب، لباب‌الالباب، ربیع‌الابرار زمخشری، شاهنامه فردوسی، عقد الفرید، دیوان دقیقی، حدیقه سنایی، تاریخ بیهقی، دیوان خاقانی، مرزبان نامه، دیوان انوری، امثال و حکم دهخدا، دیوان ابوالعناهی، دیوان معزی، مثنوی مولوی، آثار خواجه عبدالله انصاری، لغت فرس و ... .



۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی، عبدالعظیم قریب گرکانی، ۱۳۱۰، ۲-۲. منابع مختلفی که در مضامین اصلی (۱-۱) بدانها اشاره شده است.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. گلستان ۲۷ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته، بخش دوم مقاله است، برای اشاره، ر.ک. بخش چهارم و پایانی مقاله.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. ر.ک. بخش چهارم و پایانی مقاله.

یادداشت‌های حاشیه گلستان (۳)، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، یغما، سال هشتم، شماره دهم، دی ۱۳۳۴، صص ۴۴۷-۴۴۰.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش دوم مقاله و نقل یادداشت‌های حاشیه گلستان، در این بخش از مقاله سی‌وشش مورد از عبارات و ابیات گلستان نوشته شده و سپس مضامین همانند و نظایر آن در منابع دیگر (پیش از سعدی) بازجسته شده است. این منابع عبارتند از: نهج‌البلاغه، زهرالاداب قیروانی، عقدالفرید، دیوان منسوب به حضرت علی(ع)، قابوسنامه، مجمع الامثال میدانی، دیوان ناصر خسرو، شاهنامه فردوسی، کشف‌المحجوب، احسن‌ماسمعت ابوالفتح بستنی، محاضرات راغب، لب‌الالباب، ویس و رامین، ربیع‌الابرار زمخشری، حدیقه سنایی، امثال و حکم دهخدا، فاب‌های ازوپ، کیمیای سعادت، قابوسنامه، دیوان ناصر خسرو، نظامی و ابوطاهر خسروانی، مروج‌الذهب، قرآن کریم، مرزبان‌نامه، رسائل خواجه عبدالله انصاری، تفسیر ابوالفتوح رازی و دیوان شهید بلخی (صص ۴۴۷-۴۴۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. بجز گلستان سعدی به تصحیح عبدالعظیم قریب گرکانی، از منابع گوناگون بهره برده شده که در بخش مضامین اصلی بدانها اشاره شده است، و به علت فراوانی آنها و برای پرهیز از درازای سخن از نقل مجدد آنها پرهیز می‌شود.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۳۶ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش سوم مقاله است، برای اشاره، ر.ک. بخش چهارم و پایانی مقاله.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. ر.ک. بخش چهارم و پایانی مقاله.

یادداشت‌های حاشیه گلستان (۴)، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، یغما، سال هشتم، شماره یازدهم، بهمن ۱۳۳۴، صص ۴۹۲-۴۸۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش سوم مقاله و نقل یادداشت‌های حاشیه گلستان، در صفحه اول این مقاله سه نمونه دیگر از اشعار گلستان با مضامین همانند آنها در منابع دیگر (پیش از سعدی) بازنموده شده است (ص ۴۸۷).

۱-۲. نقل هفده نمونه از اشعار و عبارات گلستان به همراه نظایر آنها در آثار نویسندگان و شاعران پس از سعدی که از گلستان تأثیر پذیرفته‌اند. این منابع عبارتند از: پریشان قآنی، گنجینه نشاط، اخلاق‌الاشراف عبید زاکانی، بهارستان جامی، منشآت قائم مقام، دیوان ابن یمن، دیوان مجمر اصفهانی، دیوان شیخ بهایی و فرهاد و شیرین وحشی بافقی (صص ۴۹۲-۴۸۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. بجز گلستان سعدی به تصحیح عبدالعظیم قریب گرکانی، از منابع گوناگون بهره برده شده که در مضامین اصلی بدانها اشاره شده است، و به علت فراوانی آنها و برای پرهیز از درازای سخن، از نقل مجدد آنها پرهیز می‌شود.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱۹ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته، شامل برخی از یادداشت‌های ارزشمند ادیب و محقق گرانمایه، آقای دکتر عبدالحسین زرین‌کوب است، که در حواشی گلستان (به تصحیح و حواشی عبدالعظیم قریب گرکانی) نوشته‌اند.

این بخش از یادداشت‌ها، به بازنمود همسانی‌ها و همگونی‌های برخی از عبارات و اشعار گلستان با منابع پیش از گلستان و پس از آن پرداخته است.

بازجست پیشینه حکایت‌ها و مضامین همانند با آثار سعدی و سنجش ادبی این نمونه‌های همسان، برای شناخت بیشتر شخصیت ادبی سعدی بسیار سودمند است. دکتر زرین‌کوب خود در این باره نوشته‌اند: "جستجو و تحقیق، در اینکه استادان و هنرمندان بزرگ از این مأخذ و موازین چگونه فایده گرفته‌اند و آنچه را از مطاوی کتب گذشته یا از فحواوی اقوال معاصران گرفته‌اند، به چه صورت در آورده‌اند، و چه هیأتی بدان بخشیده‌اند، هم مایه قدرت طبع و قریحه آنها را بیشتر روشن می‌کند و هم‌راز ابداع و رمز ایجاد آثار ادبی را - تا اندازه‌ای - بیان می‌نماید، و از همین روست که این بحث، در نقد ادبی، اهمیت بسیار دارد و در واقع آنچه امروز "ادبیات تطبیقی" یا "موازنه ادبی" نام دارد، نیز از فواید و نتایج این‌گونه تحقیقات به شمار می‌آید" (بخش نخست، ص ۳۰۷).

این یادداشت‌ها از نظر موضوعی در دو بخش تنظیم شده است، در بخش نخست مضامین همانند شصت و هشت مورد از عبارات و اشعار گلستان، در منابع پیش از سعدی یادداشت شده که البته برخی از آنها، از مضامین عمومی، مشترک و شایع است و مضمون گلستان را نمی‌توان قاطعانه، مأخوذ از آنها دانست (همان گونه که نگارنده نیز اشاره کرده‌اند) و تأثیرپذیری سعدی در برخی دیگر از نمونه‌های یادداشت شده مسلم است.

در بخش دوم که هفده مورد از مضامین همانند گلستان با آثار پس از آن بازنموده شده، تأثیرپذیری بیشتر این آثار از گلستان، بسیار روشن و مسلم است. و این خود نشانه‌ای دیگر از چیرگی بی‌گمان سعدی است.

هر چند این یادداشت‌ها به گونه‌ای فهرست‌وار نوشته شده‌اند و بجز اشاره‌هایی پراکنده تحلیل و بررسی چندانی در سنجش آنها صورت نپذیرفته، اما از نوشته‌های بسیار سودمندی است که به صورت گسترده، تأثیرپذیری‌ها و تأثیرگذاری‌های سعدی را در منابع گوناگون بازجسته است. و نشان دهنده احاطه علمی نگارنده بر متون مختلف و دقت او در این منابع است.

یادکرد نشانی نمونه‌های شاهد از گلستان و نشانی مأخذ مورد استفاده بر ارزش علمی و کاربردی مقاله افزوده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. با کاروان حله، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۵ (چاپ سوم)، ص ۳۲۹.

۵-۲. شرح گلستان، دکتر محمد خزائلی، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۳ (چاپ پنجم)، ص ۸، ۳-۵. کاغذ زر، دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات یزدان، ۱۳۶۳، ص ۲۳، ۴-۵. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۳۷، ۲۴۱، ۲۵۹، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۸، ۲۸۵، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۴۵، ۳۵۶، ۳۷۳، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۹۷، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۱۸، ۴۲۲، ۴۴۷، ۴۷۳، ۴۸۸، ۴۹۶، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۵۹، ۵-۵. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۶۴-۶۳، ۶۶، ۶-۵. انوشیروان و بوزرجمهر در گلستان سعدی، حمید دباشی، مجله ایران‌شناسی، سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۰، صص ۸۵-۹۷، ۷-۵. دامنی از گل - گزیده گلستان سعدی، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۰، ص ۴۷۳، ۸-۵. سخن‌دانی و زیبایی - غزلیات سعدی، زیر نظر محمد روایی، (برگ‌های زرین ادبیات فارسی ۳-)، انتشارات ناهید، ۱۳۷۱، ص: سیزده.

یادداشت‌های متفرقه (سمیلان در بیت سعدی)، محمد فرزانه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال بیست و دوم، شماره یک، بهار ۱۳۵۴، صص ۴۹۴-۴۹۱. چاپ‌های دیگر: ۱. مقالات فرزانه، تهران ۱۳۵۶، صص ۴۲۸-۴۲۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل بیت "سمیلان چو بر می‌نگیرد قدم... " از بوستان سعدی و نقد و رد نظر محمدعلی فروغی درباره واژه "سمیلان" که آن را به معنای "آب ولای ته حوض" نوشته‌اند. و تصحیح قیاسی سمیلان به "شملال" در معنی "شتر سریع‌السير" (صص ۴۹۳-۴۹۱). " ... اولاً لفظ سمیلان اگر صحیح باشد عربی است نه فارسی ... ثانیاً لفظ سمیلان به معنای آب و لای ته حوض (از ماده سمل که به همین معنی و به معنای متقارب با آن در لغت عرب مضبوط می‌باشد). نمی‌تواند [ درست باشد ] زیرا چنین وزنی در اوزان قیاسی ثلاثی مجرد نداریم و برخلاف قیاس هم در کتب لغت ظاهراً نیامده است. و ثالثاً لفظ سمیل هم به معنای مزبور علی‌الظاهر در لغت عرب نیست، تا گفته [ شود ] که ممکن است الف و نون سمیلان علامت جمع است که در فارسی به کار می‌رود ... " (ص ۴۹۳).

- نقل چهار ایراد بر معنی واژه سمیلان در بیت یاد شده، با این نتیجه‌گیری که: " لفظ سمیلان به خودی خود در هر جا و به هر معنی که باشد غلط است. و نمی‌توان با هیچ تأویل و توجیهی آن را صحیح دانست و لفظی که به معنای گل‌ولای ته حوض و معنای متقارب با آن آمده است و هر لفظ دیگری هم که از این ماده بر وجه صحیح به معنای گل‌ولای ته حوض در این بیت آورده شود، از حیث فصاحت و بلاغت و هنجار گفتار غلط و ناروا خواهد بود و بنابراین به طور حتم و جزم باید گفت این بیت سعدی با این صورت و معنای که به آن داده شده است، غلط صریح است و البته دست نساج و کتاب در آن راه یافته و آن را به این صورت ناهنجار در آورده است ... بعد از تأمل در صورت و معنای که ممکن است به شعر مورد بحث داد، برای این بنده مسلم و محقق گردید که لفظ "سمیلان" تحریفی است از کلمه "شملال" ... " (ص ۴۹۳).

تنها تصرفی که با این تصحیح در بیت مزبور باید نمود، تعویض مکانی لفظ "چو" است با کلمه شملال ... (چو شملال بر می‌نگیرد قدم - وجودی است بی‌منفعت چون عدم).

و البته شعر بر این وجه صحیح و متناسب با سابق و بحق است... " (ص ۴۹۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، محمدعلی فروغی، ۲-۲. اقرب‌الموارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. نگارنده اندیشمند این مقاله واژه "سمیلان" را در بیت "سمیلان چو بر می‌نگیرد قدم ... " و معنی آن را از قول محمدعلی فروغی، نقد و بررسی کرده و این واژه را تحریفی از شملال (= شتر سریع‌السير). دانسته است.

دلایلی که برای رد صورت واژه "سمیلان" و معنای آن در بیت مورد نظر، مطرح شده دلایلی درست و منطقی است، اما صحت تصحیح قیاسی آن واژه را نمی‌توان قطعی دانست.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. بوستان سعدی با شرح و حواشی، محمدعلی ناصح، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی‌علی‌شاه، ۱۳۷۴ (چاپ سوم)، ص ۳۷۷. ۵-۲. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۷۵ (چاپ پنجم)، ص ۳۰۷.

یادداشت‌هایی برای تحقیق در احوال سعدی بر اساس گلستان و بوستان، تقی‌زاده، مقالات تقی‌زاده، ج ۴، زیر نظر ایرج افشار، انتشارات شکوفان، ۱۳۵۳، صص ۲۶۳-۲۵۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. یادکرد چهل و چهار جمله و عبارت از گلستان، سی و شش مورد از ابیات بوستان و هفت مورد از قصاید سعدی که در آنها اشاره‌هایی تاریخی به زندگی سعدی شده، یا با استناد به آنها می‌توان درباره احوال سعدی و زندگی او، سخن گفت (صص ۲۶۳-۲۵۶).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۴۴ بار، بوستان ۳۶ بار، قصاید ۷ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته برگرفته از یادداشت‌هایی بوده است که تقی‌زاده گردآورده و احتمالاً در نظر داشته با استناد به آنها مطلبی درباره سعدی بنویسد.

اما به دلیل آنکه هیچ تحلیل و توضیحی در کنار این نمونه‌ها نیست و مأخذ مورد استفاده و مقصود نگارنده هم نامعین است، درباره آن نمی‌توان داوری مناسبی داشت.

یادداشتی بر کنگره سعدی، کیهان فرهنگی (ویژه هشت‌صدمین سالگرد تولد سعدی)، شماره ۱۰، دی ۱۳۶۳، صص ۱۵-۱۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به برگزاری کنگره بزرگداشت هشت‌صدمین سالگرد تولد سعدی از سوی یونسکو (۴ تا ۷ آذرماه سال ۱۳۶۳). با تأکید بر ارزش‌ها و دست‌آوردهای این کنگره و مراسم همانند (ص ۱۵).

۱-۲. اشاره به برخی از نواقص کنگره مذکور، از جمله: "تصمیم برگزاری این کنگره با پیشنهاد نمایندگان هند و پاکستان به یونسکو آغاز شده است. سؤال این است که آیا دیگران باید بیش از خود ما به فکر مفاخر و ارزش‌های فرهنگی ما باشند؟ ... " (ص ۱۶).

۱-۳. متن کامل برنامه کنگره مذکور (ص ۱۶).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته نقاط قوت و ضعف کنگره بزرگداشت هشت‌صدمین سالگرد تولد سعدی را بازنموده است، که ارزش مخصوص به خود را دارد.

یک بیت از سعدی، عباس اقبال آشتیانی، یادگار، سال پنجم، شماره اول و دوم، شهریور و مهر ۱۳۲۷، ص ۱۳۴.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. این نوشته کوتاه بخشی از نامه عباس اقبال آشتیانی است که در پاسخ به نامه آقای حاج محمد آقا نخجوانی نوشته شده و درباره واژه "بدان" در یک بیت از گلستان سعدی اظهار نظر کرده‌اند: "این بیت شیخ را که در شماره اخیر مجله هم درج شده بود: "با بدان آن به که کم گیری ستیز، آیا "با بدان" هم می‌شود خواند و کدام صحیح‌تر است؟" به عقیده ما همان "با بدان" که در اکثر نسخی که ما دیده‌ایم نیز به همین شکل آمده است باید صحیح‌تر باشد، چه در طی حکایت مردم‌آزار ابداً گفتگو از "دد" نیست بلکه تمام بحث بر سر شخص مردم‌آزاری است که سنگی بر سر صالحی زده ... به علاوه لغت "ستیز" و "ستیزه" برخلاف استعمال امروزی عامه که آن را به معنی جنگ و جدال می‌گیرند، در معنی اصلی و فصیح به معنی لجاج است... (ص ۱۳۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲ بار

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته کوتاه که بخشی از یک نامه است، شادروان اقبال آشتیانی نظر خود را درباره صورت یک واژه (بدان) و معنی واژه‌های دیگر (ستیز) در بیتی از گلستان اظهار داشته‌اند. اما به قول مرحوم دکتر غلامحسین یوسفی ذکر "ناخن درنده تیز" در مصراع اول بیشتر با ستیز (جنگ و جدال) و با بدان تناسب دارد ("گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، شهریور ۱۳۶۸، ص ۲۹۳).

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۲۹۳.

**یک نامه نامی از شیخ سعدی، وحید، ارمغان، سال پنجم، شماره ۲ و ۳، جوزا و سرطان (خرداد و تیر) ۱۳۰۲، صص ۱۱۵-۱۲۷.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش غیرقابل وصف مکتوبات سعدی: "کدام زبان تقریر و خامه تحریر را یارای آن است که از سده‌ها یکی و از بسیار اندکی بتواند محاسن و مکارم زبان‌گویا و خامه‌نویسای شیخ را شرح دهد ... (ص ۱۱۵).

۱-۲. نقل چند سطر از نامه‌ای منسوب به شیخ سعدی که خطاب به شمس‌الدین صاحب دیوان نوشته است، به نقل از کتاب گوهرستان (صص ۱۱۷-۱۱۶).

۱-۳. گفتاری زیر عنوان "شرح حال خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان و برادرش ... " با توضیح درباره شخصیت آنها، از جمله: "خواجه شمس‌الدین، شاعری گرانمایه و سایسی قوی رای و ادیبی بی‌مانند بوده است و آثار باقیه او که از دستبرد روزگار مصون مانده، بر این دعوی برهانی قاطع است ... (ص ۱۱۸).

۱-۳-۱. نقل رساله دوم از رسائل نثر سعدی در ملاقات شیخ با اباقخان (صص ۱۲۰-۱۱۸).

۱-۳-۲. نقل رساله "سؤال خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان" از سعدی (صص ۱۲۳-۱۲۰).

۱-۴. نقل سروده‌هایی از خواجه شمس‌الدین، برگرفته از آتشکده آذر بیگدلی (صص ۱۲۷-۱۲۳).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گوهرستان (نشانی مأخذ نوشته نشده است). ۲-۲. رسایل نثر سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۳. آتشکده آذر بیگدلی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. رسائل نثر ۳ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. عنوان این نوشته "یک نامه نامی از شیخ سعدی" است اما تنها به نقل چند سطر از آن نامه و چند سطر نیز درباره خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان بسنده شده است.

ارزش این نوشته در فضل تقدم آن است، که در سال‌های آغازین سده چهارده نگاشته شده و از نظر توجه به سعدی و شناسایی او و ممدوحانش، نکات جالب‌توجهی در بردارد. اما نامه‌ای که چند سطر از آن به نقل از گوهرستان در آغاز این مقاله آمده، و از سعدی دانسته شده، از نظر استنادی محل تأمل است، و در این نوشته نیز برای صحت انتساب آن به سعدی هیچ کوشش تاریخی و ادبی صورت نگرفته است.

**یک نسخه کهن از کلیات سعدی، دکتر جاوید (افغانستان)، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۴۶-۵۱.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی یک نسخه خطی: در گنجینه گران‌بهای کتابخانه سلطنتی افغانستان نسخه شاهانه و نفیسی از کلیات حضرت سعدی رحمه‌الله علیه هست که درست سی‌وپنج سال پس از وفات شیخ نوشته شده و یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های کلیات موجود شیخ در جهان است " (ص ۴۶).

۱-۲. بیان ویژگی‌های جزئی نسخه (صص ۴۶-۵۱).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. یک نسخه خطی کلیات سعدی موجود در افغانستان.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۴ بار، گلستان ۴ بار، قصاید ۴ بار، بوستان ۲ بار، مثلثات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. نویسنده با معرفی یک نسخه و بررسی ویژگی‌های آن بر قدمت و صحت نسخه تأکید کرده است. این مقاله از نظر نسخه‌شناسی آثار سعدی بسیار ارزشمند است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۲۰۷.

**یک نسخه کهن خطی کلیات سعدی، مهدی بیانی، مهر، سال هفتم، شماره ۷ و ۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۲۲، صص ۳۷۵-۳۷۳.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی یک نسخه خطی قدیم که مجموعه‌ای است از خمسه نظامی، کلیات سعدی و ده نامه ابن‌عماد، از جمله: "از اول و آخر این نسخه یک صفحه افتاده است و در هیچ موضع دیگر تاریخ تحریر ندارد ولی رسم‌الخط و کاغذ و مرکب نشان می‌دهد که بایستی تاریخ کتابت آن در حدود ۸۰۰ هجری باشد و شیوه خط می‌نماید که هنوز خط نستعلیق معلوم نشده و خط آن آمیخته‌ای است از نسخ و نستعلیق و درست شبیه به خطوطی است که در نیمه دوم قرن هشتم و نیمه اول قرن نهم متداول بوده است ... مطالعه توضیحاتی که دانشمند فقید، مرحوم فروغی و استاد محترم آقای عبدالعظیم قریب بر مقدمه گلستان چاپ خود درباره کیفیت نسخه‌های قدیم کلیات شیخ کرده‌اند، خواننده را به اهمیت نسخه حاضر آشنا می‌کند ... (صص ۳۷۴-۳۷۳).

۱-۲. نقل چند پاره عبارت گلستان از نسخه مذکور (ص ۳۷۵).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. نسخه خطی مشروح در ۱-۱.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۷ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته، معرفی کوتاه یک نسخه خطی با نقل چند عبارت از آن است که بدون نقد و بررسی انجام گرفته است و از نظر نسخه‌شناسی آثار سعدی خالی از فایده نیست.

یکی از مظاهر هنر سعدی (۱)، غلامحسین یوسفی، راهنمای کتاب، سال ششم، شماره سوم، خرداد ۱۳۴۲، صص ۱۶۶-۱۶۲.

چاپ‌های دیگر: ۱. نامه اهل خراسان، غلامحسین یوسفی، نشر زوار، ۱۳۴۶، صص ۹۶-۷۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیحاتی درباره زیبایی و زیباشناسی (صص ۱۶۳-۱۶۲).

۱-۲. تأکید بر "تناسب کردار و گفتار اشخاص داستان یا نمایشنامه با طبیعت و سرشت آنان" و اهمیت این موضوع در ارزش داستان با تکیه بر نظر برخی از اندیشمندان جهان (صص ۱۶۵-۱۶۳).

۱-۳. اشاره به حسن انتخاب مولوی در شخصیت‌های حکایت مرد بقال و طوطی و نیز اشاره به حکایت روباه و خروس در مرزبان نامه (صص ۱۶۶-۱۶۵).

۱-۴. تأکید بر دقت سعدی در حکایت‌پردازی‌ها به عنوان یکی از مظاهر هنر سعدی: "از این گونه حسن انتخاب طبایع و مناسب‌اندیشی و مناسب‌گویی در داستان‌ها و تمثیل‌های گلستان و بوستان سعدی فراوان دیده می‌شود. نویسنده درصدد است که برخی از آنها را به عنوان نمونه در کمال اختصار یادآور شود، تا لطافت و ذوق و هنر سعدی در این زمینه آشکار گردد. زیرا حسن تأثیر کلام دلنشین وی در داستان‌ها ثمره نکات باریک فراوان و تا حدی نیز به واسطه همین رعایت‌ها و هماهنگی‌هاست ..." (ص ۱۶۶).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. نظرات برخی از اندیشمندان جهان از جمله، ارسطو، هوراس، لاجوس آگری و ... ۲-۲. قابوسنامه، المعجم فی معاییر اشعارالعجم، مرزبان نامه، و مثنوی مولوی در حد مختصر.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. رویکرد مستقیم ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته، بخش نخست مقاله است. ر.ک. بخش پایانی مقاله.

یکی از مظاهر هنر سعدی (۲)، غلامحسین یوسفی، راهنمای کتاب، سال ششم، شماره چهارم و پنجم، تیر و مرداد ۱۳۴۲، صص ۳۶۸-۳۶۳.

چاپ‌های دیگر: ۱. نامه اهل خراسان، غلامحسین یوسفی، نشر زوار، ۱۳۴۶، صص ۹۶-۷۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. دنباله بخش نخست مقاله و نقل حکایت "پیرمردی حکایت کند که دختری خواسته بودم... " از باب ششم گلستان، با این نتیجه‌گیری: "گفت و گوی پیرمرد و دختر و گفتار و کردار هر یک در این داستان - که از صمیم دل و طبع و سن و خویشان حکایت می‌کند - نمونه‌ای از قدرت سعدی در نمایش طبایع گوناگون است" (ص ۳۶۴).

۱-۲. طرح حکایت بازرگان سودجوی که در جزیره کیش میزبان سعدی بوده است، از باب سوم گلستان (ص ۳۶۴).

۱-۳. نقل حکایت "سگی پای صحرانشینی گزید ..." از باب چهارم بوستان، با این نتیجه‌گیری: "برای آنکه زشتی انتقام نموده شود با سگ تلافی کردن و دندان به پای او بردن که از فکر ساده دخترک خردسال تراوش کرده خوب انتخاب و تصویر شده است" (ص ۳۶۴).

۱-۴. طرح سیزده حکایت دیگر از جمله: حکایت مردی که زن "صاحب جمال جوان" وی در گذشته و مادر زن فرتوت او به علت کابین در خانه او متمکن شده "از باب پنجم گلستان و حکایت "بازرگانی که او را هزار دینار خسارت افتاده بود" از باب چهارم گلستان و حکایت "یکی قطره باران ز ابری چکید ..." از باب چهارم بوستان و حکایت "بیرون آمدن با یزید بسطامی از حمام و ریخته شدن خاکستر بر سر او"، از باب چهارم بوستان و ... (صص ۳۶۸-۳۶۵).

با نتیجه‌گیری زیر: "از این نوع زیبایی‌ها که یکی از مظاهر درخشان هنر سعدی و نمودار ذوق لطیف جمال‌آفرین اوست در آثار وی که نظیر دریایی پهناور و گوهرخیز جلوه‌های آن گوناگون و شگفت‌انگیز است فراوان دیده می‌شود ..." (ص ۳۶۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان و بوستان سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۹ بار، بوستان ۸ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله که در دو بخش و در دو شماره مجله راهنمای کتاب به چاپ رسیده است با بررسی کوتاه برخی از حکایت‌های بوستان و گلستان نمونه‌هایی از گزینش درست شخصیت در این حکایت‌ها را بازنموده است. با آنکه این حکایت‌ها بسیار کوتاه و گذرا تحلیل شده‌اند و تنها به گوشه‌هایی از زیبایی‌شناسی آنها اشاره شده، اما این گونه از نگرش‌ها می‌تواند به عنوان نشان‌دهنده راهی برای بررسی عناصر زیبایی‌شناسی حکایت‌های سعدی به شمار آید و مخصوصاً با توجه به اینکه جنبه زیبایی‌شناسی سخن سعدی متأسفانه، چندان کاویده و بازنموده نشده است، این گونه نوشته‌ها به عنوان نوشته‌هایی آغازین در موضوع یاد شده ارزش ویژه خود را حفظ می‌کنند.

۴-۲. یادکرد نشانی نمونه‌های شاهد و نشانی نقل قول‌ها بر ارزش علمی مقاله افزوده است.

۴-۳. این مقاله نیز از اشتباهات چاپی در امان نمانده است، از جمله: بخش اول، ص ۱۶۵، س ۱۵: کرار (کردار) و بخش دوم، ص ۳۶۴، س ۱۲: بقیمت (بقیمت) و ص ۳۶۷، س ۶: هرروز (هر روز) و ص ۳۶۸، س ۲۱: الحجرالصلا (الحجر الصلد) و ص ۳۶۸، س ۲۴: نگاره

(نگارنده) و ...

# بخش دوم

## کتاب‌ها

آ

آثار سعدي در کتاب‌هاي درسي جمهوري اسلامي ايران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۳، ۱۶۲ صفحه، قطع: رحلي، شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. فهرست مندرجات (سه صفحه بدون شماره).
  - ۱-۲. غزل "اول دفتر به نام ايزد دانا ... (يك صفحه بدون شماره).
  - ۱-۳. پيش گفتار به قلم آقاي دكتر غلامعلي حداد عادل (صص ۳-۵).
- تأکيد بر ارزش آثار کهن، بويژه آثار سعدي و ضرورت توجه به اين آثار و وضعيت آثار سعدي در کتاب‌هاي درسي: "... حسن صورت و اصالت معني و تنوع دلپذير آثار سعدي، سبب شده است تا اين مجموعه براي زبان و ادبيات فارسي حکم پشتيباني استوار و پشتوانه‌اي ارزشمند را پيدا کند. مؤلفان و کارشناسان کتاب‌هاي درسي فارسي مدارس جمهوري اسلامي ايران، با وقوف بدین معني نمونه‌هاي فراواني از آثار سعدي را انتخاب کرده و به تناسب توان ذهني و مقتضيات سني دانش‌آموزان، در کتاب‌هاي سال‌ها و رشته‌هاي مختلف تحصيلي قرار داده‌اند" (ص ۱).
- توضيح درباره کتاب حاضر: "کتاب حاضر که آثار سعدي در کتاب‌هاي درسي جمهوري اسلامي ايران است، مجموعه نمونه‌هايي است که از سعدي، از سال ابتدائي گرفته تا پايان دوره تربيت معلم - که در حکم يك دوره دانشگاهي است - به ترتيب مراتب تحصيلي، انتخاب و درج شده است به مجموعه آثار سعدي کليه مقالات و اشعاري که از نويسندگان و شاعران ديگر در بيان مقام سعدي و تحليل و توصيف خصوصيات آثار او در کتاب‌هاي درسي آمده، نیز به صورتي مستقل اضافه شده است، تا کتابي کامل‌تر و پرفايدہ‌تر گردد ..." (صص ۲-۳).
- ۱-۴. مقالات و اشعار در بيان مقام سعدي و تحليل آثار او در کتاب‌هاي درسي (صص ۳۹-۵).
- ۱-۴-۱. گفتاري زير عنوان "شيخ اجل سعدي شيرازي"، نوشته دكتر اسماعيل حاکمي و محمد فاضل‌نيا مندرج در کتاب تاريخ ادبيات سال سوم دبیرستان، رشته فرهنگ و ادب، چاپ ۱۳۶۳، که به معرفي کوتاه سعدي و آثار مختلف او پرداخته و نمونه هايي از سروده‌هاي او با توضیحاتي درباره گلستان و مطالب آن را نیز در پي دارد (صص ۱۵-۷).
- ۱-۴-۲. تضمين ملك الشعرا بهار از غزل "مشنو اي دوست که غير از ...". به نقل از متون ادب فارسي سال سوم رشته فرهنگ و ادب (صص ۲۰-۱۶).
- ۱-۴-۳. گفتاري زير عنوان "جهان مطلوب سعدي در بوستان"، نوشته دكتر غلامحسين يوسفی (صص ۲۴-۲۱)، برگرفته از کتاب فارسي سال اول دبیرستان، چاپ ۱۳۶۳، صص ۴۷-۴۲ (رک. همين مقاله در بخش مقاله‌ها از همين مجموعه).
- ۱-۴-۴. گفتاري زير عنوان "بر حکمت سعدي نتوان خرده گرفتن"، نوشته احمد بهمنيار (صص ۲۸-۲۶)، برگرفته از کتاب متون ادب فارسي سال سوم رشته فرهنگ و ادب، چاپ ۱۳۶۳، ص ۱۱۹. رک. همين مقاله در بخش مقاله‌ها، از همين مجموعه.
- ۱-۴-۵. گفتاري زير عنوان "زبان سعدي و پيوند آن با زندگي"، نوشته دكتر محمدجعفر محجوب (صص ۳۴-۲۹)، برگرفته از کتاب متون ادب فارسي، سال چهارم، چاپ ۱۳۶۳، صص ۶۶-۶۱. رک. همين مقاله در بخش مقاله‌ها، از همين مجموعه.
- ۱-۴-۶. گفتاري زير عنوان "گلستان و بوستان"، نوشته دكتر عبدالحسين زرین‌کوب (صص ۳۹-۳۵)، برگرفته از کتاب برگزیده ادب فارسي، سال اول مراکز تربيت‌معلم، چاپ ۱۳۶۳، صص ۳۳-۲۹.
- ۱-۵. آثار سعدي در کتاب‌هاي فارسي دوره ابتدائي، سال‌هاي سوم و چهارم و پنجم، شامل چهار درس از بوستان و سه درس از گلستان (صص ۵۵-۴۱).

- ۱-۶. آثار سعدي در کتاب‌هاي فارسي دوره راهنمايي تحصيلي. شامل هفت درس از بوستان، سه درس از گلستان و دو درس از قصايد (صص ۷۸-۵۷).
- ۱-۷. آثار سعدي در کتاب‌هاي فارسي دبیرستان، رشته‌هاي عمومي. شامل شش درس از غزليات، شش درس از گلستان، دو درس از بوستان و يك درس از قصايد (صص ۱۱۶-۷۹).
- ۱-۸. آثار سعدي در کتاب‌هاي متون ادب فارسي دبیرستان، رشته فرهنگ و ادب. شامل چهار درس از غزليات، چهار درس از گلستان، سه درس از بوستان، يك درس از قصايد (صص ۱۴۹-۱۱۷).
- ۱-۹. آثار سعدي در متون ادب فارسي مراکز تربيت‌معلم. شامل سه درس از بوستان و يك درس از گلستان (صص ۱۶۳-۱۵۱).
- ۲. منابع اصلي:** ۲-۱. کتاب‌هاي درسي دوره‌هاي مختلف تحصيلي.
- ۳. رويکرد به آثار سعدي:** \* بجز بخش نخست کتاب که به مقاله‌هاي اختصاص یافته که درباره سعدي نگاشته شده و ما در بخش مقاله‌ها رويکرد هر کدام را در همان مقاله نوشته‌ايم. رويکردهاي زير به چشم مي‌خورد: ۳-۱. گلستان ۱۱۵ بار، بوستان ۲۴ بار، غزليات ۱۲ بار، قصايد ۲ بار.
- ۴. اشاره:** ۴-۱. اين کتاب که به مناسبت هشت‌صدمين سال تولد سعدي در سال ۱۳۶۳ از طرف وزارت آموزش و پرورش به گونه‌اي نفيس چاپ و منتشر شده، در بردارنده
۱. کليه مطالبي است که درباره سعدي نوشته شده و در کتاب‌هاي درسي دوره‌هاي مختلف تحصيلي راه يافته.
۲. بخش‌هايي از آثار سعدي است (گلستان، بوستان، غزليات و قصايد) که در کتاب‌هاي ياد شده چاپ شده است.
- افزون بر ويژگي‌هايي که در مقدمه کتاب براي استفاده اين کتاب برشمرده شده است، با گردآوري آثار مختلف مربوط به سعدي در اين کتاب به راحتی مي‌توان ميزان توجه دست اندرکاران نظام آموزش و پرورش را به اين آثار باز شناخت. نقل توضيحات مربوط به هر درس نيز بر ارزش کاربردي اين کتاب افزوده است.
- به نظر مي‌رسد اگر قطع کتاب به صورت معمولي (وزيري يا رقيقي) بود با هدف چاپ و محتوای کتاب سازگارتر مي‌نمود.
- ۵. تأثيرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. آثار سعدي در کتاب‌هاي درسي جمهوري اسلامي ايران، کيهان فرهنگي (ويژه هشت‌صدمين سالگرد تولد سعدي)، شماره ۱۰، دي ۱۳۶۳، صص ۳۵-۳۴.
- آرامگاه شيخ اجل استاد سخن سعدي شيرازي ، انجمن آثار ملي ايران، ۱۳۳۰، ۴۴ صفحه، قطع، رقيقي، شمارگان: نامعلوم.**
- ۱. مضامين اصلي:** ۱-۱. ذکر تاريخچه انجمن آثار ملي و معرفي اعضاي آن انجمن در تهران و شيراز (صص ۴-۱).
- ۱-۲. بيان چگونگي آغاز ساخت بنا و راه آرامگاه سعدي و نحوه تهيه اعتبار و اجراي آن (صص ۹-۴).
- ۱-۳. شرح وضع ساختمان آرامگاه و بعضي از اطلاعات فني آن (صص ۲۳-۱۰)، از جمله: "مساحت محوطه آرامگاه فعلا ۷۷۰۰ مترمربع است که ۲۶۱ مترمربع آن زير ساختمان اصلي آرامگاه و ۱۴۱ مترمربع زير ساختمان تالار پذيرايي و عمارت مستحفظ آرامگاه واقع بوده ... دو حوض کاشي‌کاري شمالي و جنوبي در دو طرف محوطه ورودي آرامگاه يك حوض مستطيل شرقي و غربي در مقابل ايوان اصلي بنا واقع گشته ... ساختمان اصلي آرامگاه که در دامنه کوه پهنديژ (فهنديژ) در چهار كيلومتری شمال‌شرقي شيراز قرار گرفته از بناي اصلي آرامگاه با دو ايوان عمود بر يکديگر تشکيل شده و مدفن افصح‌المتکلمين ابو عبدالله مشرف‌الدين مصلح سعدي شيرازي در ميان بناي اصلي آرامگاه قرار گرفته ..." (صص ۱۲-۱۰).
- ۱-۴. توضيح درباره ساخت، نصب و مشخصات مجسمه سعدي که به دست ابوالحسن صديقي پرداخته شده است (صص ۲۶-۲۴).
- ۱-۵. معرفي بعضي از منابع و مآخذ تاريخي که در آنها مطلبي درباره آرامگاه سعدي آمده است: کتاب‌هاي "تحفه‌النظار في غرايب‌الامصار"، "شدالازار"، "تذکره‌الشعرا"، "اتشکده"، "رياض‌العارفين"، "آثار عجم" و "فارس‌نامه‌ناصري" (صص ۳۶-۳۱).
- ۱-۶. يك قصيده از روحاني وصال و يك قصيده از دکتر لطفعلي صورتگر، درباره آرامگاه سعدي (صص ۴۴-۳۸).
- ۲. منابع اصلي:** بجز مواردی که در شماره ۱-۵ بدان اشاره شد به مآخذ ديگري اشاره نشده است.
- ۳. رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزليات ۲ بار، قصايد ۳ بار، قطعات ۱ بار، گلستان ۱ بار، بوستان ۱ بار.
- ۴. اشاره:** ۴-۱. اين کتاب در واقع جزوه‌اي است که انجمن آثار ملي شيراز براي شرح چگونگي ساخت بناي آرامگاه سعدي و قردراني از کساني که در اين اقدام تأثيري داشته‌اند فراهم آورده و به چاپ رسانده است. تشریح مشخصات فني آرامگاه سعدي (صص ۱۴-۱۰) از قسمت‌هاي مفيد اين نوشته است.
- ۵. تأثيرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. مننبي و سعدي، حسين‌علي محفوظ، ۱۳۳۶، صص ۳۰۴-۲۹۸. ۵-۲. مکتب سعدي، کشاورز صدر، چاپخانه کاوياني، ۱۳۳۸، ص ۲۲۱. ۵-۳. سعدي را بشناسيد، علي‌نقي بهروزي، کتاب‌فروشي معرفت شيراز، ۱۳۵۵، ص: ب.

## الف

از سعدي تا آراگون - تأثير ادبيات فارسي در فرانسه، جواد حديدي، مرکز نشر دانشگاهي، تهران، ۱۳۷۳، ۵۷۴ صفحه، قطع، وزيري، شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه.

- ۱. مضامين اصلي:** ۱-۱. فهرست مطالب (صص: پنج وشش). ۱-۲. پيش‌گفتار: ۱-۲-۱. توضيح درباره تاريخچه ادبيات تطبيقي در جهان (صص ۴-۱).
- ۱-۲-۲. توضيح درباره چگونگي آغاز نگاشتن کتاب حاضر و اشاره به پيشينه پژوهش‌هايي که در موضوع آشنايي فرانسويان با شرفيان نوشته شده و نيز اشاره به مطالب کتاب (صص ۹-۵)، از جمله: "کتاب حاضر دادوستد فرهنگي ايران و فرانسه را در مدت چهار قرن در برمي‌گيرد و به دوره‌اي مشخص يا شاعري معين اختصاص نيافته است ... مآخذ اصلي نگارنده، در همه موارد، آثار نويسندگان

فرانسوی و سخنوران ایرانی بوده که آنها را مقابله کرده و به محک آزمایش گذاشته است (ص ۷) ... بدین گونه خواننده می تواند مراحل تحول مبادلات فرهنگی میان ایران و فرانسه را به آسانی دنبال کند و دوشادوش و همراه نویسندگان فرانسوی در گلزار ادب فارسی روانه گردد ... (ص ۸).

۱-۳-۱. بخش اول - ایران سرزمین داستان‌های دل‌انگیز.

۱-۳-۱. فصل اول - آغاز آشنایی؛ توضیح درباره چگونگی آشنایی اولیه مسیحیان غرب با ایران و ادامه این آشنایی‌ها تا دوره صفویه، و بررسی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران با غرب بویژه فرانسه در این دوره‌ها. با اشاره به ترجمه گلستان به زبان فرانسه وسیله آندره دوریه در سال ۱۶۳۴ و ترجمه انوار سہیلی به زبان فرانسه وسیله داوود سعید در سال ۱۶۴۴ (صص ۲۹-۱۲).

۱-۳-۲. فصل دوم - جهانگردی؛ بررسی سفرها و سفرنامه‌های جهانگردان غربی که به ایران سفر کرده‌اند، از جمله سفرنامه تاورنیه و سیاحت‌نامه شاردن (صص ۵۲-۲۰).

۱-۳-۳. فصل سوم - نمایشنامه‌های کلاسیک؛ بررسی نمایشنامه‌های کلاسیک فرانسوی که موضوع یا شخصیت‌های آن نمایشنامه‌ها، بزرگان و سرداران ایرانی هستند. از جمله نمایشنامه‌های پی‌یر کرنی، راسین، دانشه، کینو، کره بیون و ولتر (صص ۷۱-۵۳).

۱-۳-۴. فصل چهارم - پیوندهای ادبی، اشاره به اوضاع سیاسی اجتماعی فرانسه در اواخر قرن هفدهم و تأثیرپذیری و استفاده لافونتن از انوار سہیلی و گلستان سعیدی (صص ۷۴-۷۲).

- بررسی برخی از داستان‌های لافونتن که مستقیماً از گلستان سعیدی اقتباس شده و شاعر هیچ مطلب تازه‌ای بر اصل آنها نیفزوده، جز این که گاه، پس از شرح داستان، در بسط نتیجه اخلاقی و اجتماعی آن داد سخن داده است. "و مقایسه این داستان‌ها با حکایت‌های گلستان (صص ۷۶-۷۴).

- بررسی برخی از داستان‌های لافونتن که به گونه‌ای مختلط از کلیله و دمنه و گلستان تأثیر پذیرفته است (صص ۸۲-۷۶).

- معرفی "فرهنگ خاوری" اثر بارتمی‌دویل به عنوان نخستین دایرةالمعارف دنیای اسلام به زبان فرانسوی (صص ۸۴-۸۲).

- بررسی تأثیرپذیری‌ها و بزرگ‌داشت‌های "آنتوان بودرون دوسنسه، ولتر، دیدرو، سن‌لامبر، آبه بلانشه لوبایی، فلوریان و کوپه‌دوسن - دونا، از سعیدی و گلستان او - در این بخش تأثیر بیش از سی حکایت از حکایت‌های سعیدی، در سخنان نویسندگان یاد شده فرانسه، باز نموده شده است (صص ۹۸-۸۴). نتیجه اینکه: "اینان [نویسندگان فرانسوی] هر یک به شیوه خود از او [سعیدی] پیروی می‌کردند یکی حکایات اخلاقی و پندآمیز او را برمی‌گزید، دیگری از داستان‌های انتقادآمیزش بهره می‌گرفت، برخی نیز جنبه‌های گوناگون آنها را مورد استفاده قرار می‌دادند. آشنایی آنان با شاعران بزرگ ایرانی به موازات دگرگونی‌های اجتماعی‌اشان تحول می‌یافت. در قرن هفدهم سعیدی اخلاق‌دان و داستان‌پرداز بود که کنجکاوای آنان را برمی‌انگیخت و در "عصر روشنگری" جنبه‌های انتقادی حکایات او ... (ص ۹۸).

۱-۳-۵. فصل پنجم - داستان‌های هند و ایرانی؛ بررسی برخی از نوشته‌های فرانسوی که از داستان‌های هند و ایرانی الهام گرفته‌اند (صص ۱۱۲-۹۹).

۱-۳-۶. فصل ششم - چگونه می‌توان ایرانی بود؛ تجزیه و تحلیل مبسوط "نامه‌های ایرانی" اثر مونتسکیو و تأثیر آن در جامعه فرانسه و نویسندگان آن دیار (صص ۱۴۳-۱۱۲)، نتیجه اینکه: "در واقع پیشامدهای سیاسی و رواج نامه‌های ایرانی عواملی بود که متفکراً خاطر مردم فرانسه را به ایرانیان مشغول می‌داشت. رمان مونتیسکو نام ایرانیان را بر سر زبان‌ها انداخت و پیشامدهای سیاسی تأثیر آن را در ادبیات فرانسه استمرار بخشید. ... رواج "نامه‌های ایرانی" موجب شد که سبکی جدید در ادبیات فرانسه پدید آید و شیوه رمان‌نویسی به صورت مکاتبه مد روز گردد ... (ص ۱۴۰).

۱-۳-۷. فصل هفتم - داستان‌های فلسفی، توضیح درباره زندگی ولتر و بررسی اثر معروف او به نام "صادق" یا "سرنوشت" با اشاره به تأثیرپذیری او از سعیدی تا حدی که این اثر را با نام مستعار "سعیدی" منتشر می‌کند (صص ۱۷۶-۱۴۵).

"ولتر، نمایی از همه این افکار را در آثار سعیدی باز می‌یافت، زیرا که او قرن‌ها پیش گفته بود - مصلحت آن می‌بینم که ملک قناعت را حراست کنی و ترک ریاست گویی - این گونه سخنان در روح آزاده ولتر کارگر افتاده و ارادات او را به سازنده گلستان و سراینده بوستان بیشتر کرده بود، تا جایی که مضمون برخی از اشعار اخلاقی و اجتماعی او را نیز به شعر فرانسه در آورده بود ... از این رو صادق یا سرنوشت را با نام مستعار سعیدی منتشر کرد و آن را به پیشگاه ملکه‌ای جوان و زیبا، که ولتر او را "ملکه شرعه" می‌نامد و هرگز وجود نداشته است، تقدیم داشت (ص ۱۵۲) ... ستایش ولتر از سعیدی و انتساب داستان صادق به او نشانه‌ای از این همبستگی عمیق فکری بود. اما ولتر به این مقدار اکتفا نکرد، بلکه مضمون برخی از حوادث فرعی داستان خود را نیز از او گرفت ... (ص ۱۷۴).

- بررسی رمان "ساده لوح" اثر ولتر (صص ۱۸۴-۱۷۷).

- بررسی داستان "سپید و سیاه" اثر ولتر (صص ۱۸۹-۱۸۴).

۱-۳-۸. فصل هشتم - داستان‌های استعاری، بررسی اوضاع اجتماعی و فرهنگی فرانسه در قرن هیجدهم و تأکید "روسو" بر انحطاط اخلاقی جامعه بر اثر پیشرفت علم و تأثیر این نظریه در جامعه فرانسه (صص ۱۹۵-۱۹۰).

- بررسی آماری سفرنامه‌ها و کتاب‌هایی که درباره تاریخ ایران، از سال ۱۷۱۱ تا ۱۷۲۲ در فرانسه منتشر شده است (صص ۱۹۹-۱۹۵).

نتیجه اینکه: "انتشار و رواج این گونه کتاب‌ها که گاه با کنایه و ایهام، اوضاع اجتماعی و سیاسی فرانسه را نیز مورد بررسی و انتقاد قرار می‌داد، خود موجب پیدایش نوع دیگری از آثار ادبی گردید که می‌توان آنها را "داستان‌های استعاری" نامید (ص ۱۹۸) در بسیاری از این داستان‌ها ... طرح مشترکی به کار رفته است: نامی از نویسنده به کار برده نشده، بیشتر قهرمانان ایرانی هستند و برحسب موارد مختلف از میان شاهان و بزرگان یا شخصیت‌های تاریخی دیگر برگزیده شده‌اند، از رنگ محلی و خصوصیات بومی نشانی نیست، حوادث مربوط به درباریان و بزرگان فرانسوی است، اما در پایان، راهنمایی آمده که هویت قهرمانان و اشخاص داستان را آشکار سازد" (ص ۱۹۹).

- بررسی برخی از داستان‌هایی که به گونه‌ای استعاری پرداخته شده‌اند (صص ۲۱۱-۲۰۰).

۱-۴-۱. بخش دوم - ایران، سرزمین عطر و گل و زیبایی.

۱-۴-۱. فصل اول - پیدایش و گسترش ایران‌شناسی. - توضیح درباره انقلاب فرانسه و اقدامات فرهنگی پس از آن، از جمله تأسیس "مدرسه زبان‌های شرقی" و بازگشایی "مدرسه جوانان مترجم" (صص ۲۱۸-۲۱۴).

- یادکرد نام دانش‌آموختگان "مدرسه زبان‌های شرقی" و نوشته‌ها و ترجمه‌های آنها از متون فارسی و تاریخ ایران (صص ۲۴۰-۲۱۸).

- بررسی برخی از سفرنامه‌های فرانسویان که درباره ایران نوشته‌اند (صص ۲۴۴-۲۴۰).

- تأکید بر تأثیر نهضت ایران‌شناسی در ادبیات فرانسه (صص ۲۴۶-۲۴۴).

۱-۴-۲. فصل دوم - فردوسی، سراینده سرود آزادی، بررسی گسترده تأثیر شاهنامه فردوسی در ادبیات فرانسه از راه ترجمه این اثر جهانی با توضیح درباره نوشته‌های کسانلی چون لوئی لانگلس، والنورگ، زولمل، ژان‌ژاک امپیر، سنت - بوو، کاترمر، لامارتین، ویکتور هوگو، ارنست‌رنان، آدولف آوریل، منزلینگ، ابل‌بونار درباره فردوسی و شاهنامه (صص ۲۹۰-۲۴۷).

۱-۴-۳. فصل سوم - در گلستان سعیدی

- اشاره به ترجمه‌های گلستان به زبان فرانسه از جمله ترجمه آبه‌گودن، تانکوانی، سلمه و دوفرمری (صص ۲۹۲-۲۹۱).

- بررسی برخی از آثار نویسندگان و شاعران فرانسوی که از سعدی تأثیر پذیرفته‌اند، از جمله:
- نمایشنامه "گلستان یا محلل سمرقند" از پواسن دولا شابوسی‌یر (صص ۲۹۷-۲۹۳).
- "شرفیات" از "ویکتور هوگو" و "سار سفید" از آلفرد دوموسه (صص ۳۰۰-۲۹۸).
- "قطعه شعری" از آلفرد دوموسه (صص ۳۰۱-۳۰۰).
- "سار سفید" از دبور و المور (صص ۳۰۲-۳۰۱).
- "گل‌های اصفهان" از لوکنت دولیل (صص ۳۰۳-۳۰۲).

- توضیح درباره "سعدی کارنو" رئیس‌جمهور موفق فرانسه و بررسی وجه تسمیه او؛ از جمله: "... سعدی کارنو به ریاست‌جمهوری فرانسه انتخاب شد و نام شاعر شیرین‌سخن شیراز را بیش از پیش بر سر زبان‌ها انداخت، زیرا که برای نخستین بار در جهان رهبر کشوری بزرگ نام سعدی بر خود می‌نهاد ... او در ۱۸۸۷ با اکثریت قاطع آرای به ریاست‌جمهوری فرانسه انتخاب شد ... هم اکنون خیابان‌های متعددی در شهرهای بزرگ فرانسه به نام او، سعدی کارنو، نامیده می‌شود. شاید بسیاری از فرانسویان امروز ندانند که چرا یکی از برجسته‌ترین رهبران کشورشان سعدی نامیده می‌شده است. او خود داستان را چنین نقل کرده است:

نیای وی لازار کارنو، به سعدی عشق می‌ورزید و تحت تأثیر آنچه در گلستان در سیرت پادشاهان و اخلاق درویشان خوانده بود، افکار آزادی‌خواهانه داشت. از این رو بسیار زود به انقلابیون پیوست و دوشادوش رویسپیر و دانتون به مبارزه پرداخت ... در جنگ‌های پس از انقلاب نیز مسؤولیت‌های خطیری بر عهده گرفت و در همه آنها موفق شد، تا آنجا که او را "کارنوی کبیر" و "طراح پیروزی" نامیدند ... لازار کارنو به یاد شاعر شیراز، فرزند مهتر خود را که در گیرودار حوادث بعد از انقلاب به دنیا آمده بود، سعدی نامید. ولی وی مدت کوتاهی پیش نزیست و در کودکی در گذشت. کارنو فرزند دوم خود را نیز سعدی نامید. او هم در جوانی ... درگذشت. هیپولیت برادر کهنتر او ... به پیروی از پدر و به یاد برادر، نخستین فرزند خود را سعدی نامید و این سعدی همان کسی است که در ۱۸۸۷ به ریاست‌جمهوری فرانسه برگزیده شد ... (صص ۳۰۵-۳۰۳).

- اشاره به تأثیرپذیری "مادام رولان" از افکار سعدی در نگارش "داستان‌های شرقی" (صص ۳۰۶-۳۰۵).
- اشاره به برخی دیگر از آثار فرانسوی که از نوشته‌های سعدی الهام گرفته یا تحت تأثیر آنها بوده‌اند، از جمله:
- "اشعار خانه و مدرسه" از اوژن مانوئل (ص ۳۰۷).
- چکامه بلند "اندره مابلسور" (صص ۳۰۸-۳۰۷).
- نوشته‌ای از میریام هاری که درباره آرامگاه سعدی است (صص ۳۰۹-۳۰۸).
- سفرنامه "بی‌بسکو" (صص ۳۱۰-۳۰۹).
- چکامه "باغ دلگشا" از کنتس دونوای (صص ۳۱۱-۳۱۰).
- رمان "باغی بر ساحل رود اورونت" از موریس بارس (صص ۳۱۸-۳۱۳).
- داستان‌های مندرج در اشعار تقویم سال، از برادران تارو (صص ۳۲۰-۳۱۸).
- داستان‌های "در گلستان سعدی"، "حصار گل‌ها"، "راه سعدی"، "بوستان غرق در گل"، "گلزار سعدی"، "بوستان سعدی" و "قصه‌های لافوتن‌من" از گی یو دوسه (صص ۳۲۵-۳۲۰).
- مجموعه اشعار "گل‌های شب" از ژان کبس (صص ۳۲۷-۳۲۵).
- چکامه بلندی که لوئی آراگون در وصف "الزا" سروده است (صص ۳۲۹-۳۲۷).

۴-۱-۴-۱. فصل چهارم - در مکتب حافظ  
- توضیح درباره ترجمه‌هایی که از غزلیات حافظ به زبان فرانسه انجام گرفته است، از جمله ترجمه کسانی چون ویلیام جونز، آرتورگی روزه‌لسکو، هانری ماسه و ونسان مونتینی و بررسی دلایل بی‌توفیقی این مترجمان در برگرداندن غزلیات حافظ به زبان فرانسوی (صص ۳۳۱-۳۳۰).

- معرفی شاعران فرانسوی که در سروده‌های خود از حافظ تأثیر پذیرفته‌اند، با بررسی برخی از این سروده‌ها، از جمله آندره شنیه، ویکتور هوگو، برادران تارو، ژان لاهور، ارمان رنو، کلینگسور، آندره ژید (صص ۳۵۷-۳۳۳).

۴-۱-۴-۵. فصل پنجم - خیام، شاعر اندیشه‌ها.  
- تأکید بر شهرت و عظمت خیام در اروپا و آمریکا (صص ۳۵۹-۳۵۸).

- بررسی نگره‌های "ژان باتیست نیکلا" مترجم رباعیات خیام به فرانسه - درباره خیام و مقایسه آن با با نگره‌های فیتز جرالد - مترجم رباعیات خیام به انگلیسی - و بازتاب این نظریات در اندیشمندان فرانسوی (صص ۳۶۳-۳۵۹).

- بررسی آثار فرانسویانی که از خیام تأثیر پذیرفته یا او را بزرگ داشته‌اند، کسانی چون: توفیل گوتیه، موریس بوشور، ژان لاهور، ارمان رنو، آندره ژید (صص ۳۸۸-۳۶۳).

- بررسی نظرات اندیشمندان فرانسوی که درباره خیام اظهار نظر کرده و برخی از آنها رباعیات او را ترجمه کرده‌اند یا از او الهام گرفته‌اند، کسانی چون شارل گرولو، فرنان هانری، ژرژ سالمون، پرنسس بی‌بسکو، ژان - مارک برنار، کلود آنه، فرانتس توسن، پی یر ساله، الکساندر آرنو، کبس، امیل ذیرون، گی یو دوسه، دوکارماگو، و شاپلن (صص ۴۱۹-۳۸۸).

۴-۱-۴-۶. فصل ششم - دروازه‌های آب

بررسی افکار و آثار "هانری دومونترلان" شاعر و نویسنده خلاق فرانسوی و باز نمود تأثیرپذیری‌های او از شاعران ایرانی، بویژه سعدی شیرازی با نقل نمونه‌هایی از این تأثیرپذیری‌ها و همانندی‌های او با سعدی (صص ۴۴۲-۴۲۰)، از جمله: "مونترلان در ۱۹۲۵، یک سال پس از آشنایی با آثار سعدی و دیگر شاعران ایرانی، راه سفری دراز به اسپانیا و مراکش و الجزایر و لیبی در پیش گرفت، این سفر هفت سال به طول انجامید ... در وصف شاعران ایرانی می‌گفت: "مدتها در مراکش و تونس و طرابلس حتی اروپا و در الجزایر - با ساده‌دلی تمام - می‌کوشیدم بسان شاعران ایرانی زندگی کنم و راه و روش آنان را در پیش گیرم ... آیا نمی‌توان میان این مسافرت هفت ساله برای دست یافتن به "دنیا پریشان"، از یک سو، و سفر دور و دراز سعدی از شیراز به بغداد و سپس به دیگر شهرهای غرب آسیا، از سوی دیگر، مشابهت و رابطه‌ای برقرار کرد؟ و آیا نمی‌توان پنداشت که شاعر جوان فرانسوی خواسته باشد نصیحت سعدی را به کار بندد که می‌گفت: "فواید سفر بسیار است، از نزهت ... تأثیر سعدی در مونترلان بیش از دیگر شاعران ایرانی بوده است ..." (ص ۴۲۸).

۴-۱-۴-۷. فصل هفتم - پرواز به سوی سیمرغ

- توضیح درباره پیشرفت علوم تجربی و پیدایش تمایل به علوم تجربی در میان نویسندگان غربی و واکنش برخی از شاعران و نویسندگان دیگر در برابر علم‌گرایی با رویکرد به امور درونی و عرفانی و الهام از متون عرفان ایرانی. نویسندگان و شاعرانی چون هوگو، ارمان رنو، موریس بوشور، ژان لاهور، موریس بارس و لوئی آراگون (صص ۴۹۲-۴۴۳).

۱-۵. فرجام - بازنویسی چکیده‌ای از مطالب کتاب و تأکید بر استفاده نویسندگان و شاعران فرانسوی از ادبیات ایران و بررسی دلایل این استقبال و استفاده با یادکرد همانندی‌های دو ملت ایران و فرانسه (صص ۵۰۱-۴۹۳).

۱-۶. فهرست منابع فارسی (صص ۵۰۷-۵۰۲). ۱-۷. فهرست منابع اروپایی (صص ۵۳۴-۵۰۸).

۱-۸. فهرست اعلام (صص ۵۶۱-۵۳۵).

۱-۹. فهرست تحلیلی مطالب (صص ۵۷۴-۵۳۵).



- ۱-۱۰. تصاویری از: یک ایرانی در پاریس، ژان راسین، ولتر، ژان ژاک روسو، دنیس دیدرو، ویکتور هوگو، آندره ژید و لوئی آرگون (بی شماره).
- ۲. منابع اصلی:** ۱-۲. این کتاب از نظر فهرست منابع و مآخذ، یکی از غنی‌ترین کتاب‌هایی است که در این مجموعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. نویسنده با بهره‌وری از بیش از ۸۰ اثر فارسی و بیش از ۴۵۰ اثر غیر فارسی، کتاب خود را به گونه‌ای شایسته مستند کرده است. به دلیل فراوانی این منابع از یادکرد آنها خودداری می‌شود. برای آگاهی بیشتر رک. صص ۵۲۴-۵۰۲ کتاب.
- ۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۲. گلستان ۶۷ بار، بوستان ۱۰ بار.
- ۴. اشاره:** ۱-۴. این کتاب ارزنده‌ترین کتابی است که با استناد به منابع و مآخذ فراوان و به گونه‌ای علمی ضمن بررسی اوضاع اجتماعی، ادبی فرانسه در سده‌های اخیر، تأثیرپذیری و استفاده نویسندگان و شاعران بزرگ فرانسه را از ادبیات فارسی بازنموده است. از ویژگی‌های دیگر این کتاب موارد زیر برشمردنی است:
- تجزیه و تحلیل روابط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دو ملت فرانسه و ایران به منظور بازیافت نخستین پیوندها و ارتباطات این دو ملت در فصل‌های آغازین کتاب. این تحلیل بویژه در فصل چهارم از بخش اول (فصل پیوندهای ادبی، صص ۹۸-۷۲) بسیار منطقی، مستند و روشن بیان شده است، آن گاه که دلایل توجه نویسندگان و شاعران فرانسوی به برخی از متون ادب فارسی بررسی شده، بر ارزش تحلیلی کتاب افزوده شده است، برای نمونه تنها یک مورد را بازنگری می‌کنیم:
  - "در واقع آن دسته از حکایات سعدی که جنبه انتقادی شدید داشت، مانند حکایت "درویش و پادشاه ستمگر"، و یا از محافظه‌کاری در جامعه‌ای آشفته حاکی بود، مانند حکایت روباهی که "افتان و خیزان" می‌گریخت، بیشتر توجه شاعران این دوره را جلب می‌کرد، و این مقتضای روز بود، زیرا فرانسویان سال‌های بحرانی پس از انقلاب را سپری می‌کردند، سال‌هایی که سوء تفاهم‌ها و عقده‌های دیرینه می‌توانست خطرناک بزرگ، حتی برای بی‌گناهان پدید آورد" (ص ۹۶).
  - در بخش "در گلستان سعدی" (صص ۲۲۹-۲۹۱)، نگارنده به گونه‌ای گسترده، شاعران و نویسندگان فرانسوی را که در آثار خود به گونه‌ای از سعدی متأثر شده‌اند، با بررسی ارزش آثار آنها و نقل نمونه‌هایی، بررسی کرده است. اگر چه پیش از انتشار این کتاب درباره تأثیر سعدی در ادبیات فرانسه مقاله‌هایی نگاشته شده (که برخی از آنها در صص ۶-۷، پیش‌گفتار کتاب آمده است). اما این کتاب گسترده‌تر و جامع‌تر از همه نوشته‌های یاد شده این تأثیرات را بررسی کرده و بازنموده است. البته به برخی از آنها در تمام کتاب هیچ اشاره‌ای نشده است.
  - نقد و بررسی برخی از نگره‌های صاحب‌نظران نیز بر ارزش تحلیلی کتاب افزوده است از آن جمله دو نمونه را باز می‌نگریم: "فرانسویان به ترجمه نیکلا" از رباعیات خیام که تحت‌اللفظی و رهاورد سفری دراز در ایران بود، اعتماد بیشتری داشتند و خیام او را خیام واقعی پنداشتند و بر آن شدند که ظاهر رباعیات را با آنچه نیکلا در تفسیر آنها گفته بود، سازش دهند. بدین‌گونه گروهی از بزرگ‌ترین منتقدان فرانسوی گمراه شدند و در داوری خود اشتباه کردند. یکی از آنان ارنست رنان بود که هر چند خیام را همال‌گوت و هاینریش هاینه و "مظهر نبوغ سرشار آریایی" می‌دانست، باز معتقد بود که وی برای احتراز از تکفیر به خفت نیرنگ و ریا تن داده و لباس دروغین زهد و تقوا بر تن کرده است... (ص ۳۶۲) "... آراگون در آغاز کتاب خود، این داستان را از قول سعدی آورده و به گلستان ارجاع داده و شعر را از ظهیر (شاید ظهیر فاریابی) دانسته است. اما نه در گلستان چنین داستانی هست و نه در دیوان ظهیر چنان شعری... (ص ۳۲۸).
  - وجود فهرست‌های مختلف پایان کتاب، بویژه فهرست تحلیلی مطالب (صص ۵۷۴-۵۶۲) بر ارزش کاربردی آن افزوده است. استفاده فراوان از منابع و مآخذ (بیش از ۸۰ مآخذ فارسی و بیش از ۴۵۰ مآخذ اروپایی) بر ارزش علمی کتاب افزوده است.
  - حروف‌چینی خوب، چاپ شایسته و کم غلط و تبویب مناسب از دیگر ویژگی‌های ارزشمند این کتاب است.
- ۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. از سعدی تا آراگون، ع. روح‌بخشان، نامه فرهنگستان سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۴، صص ۱۴۷-۱۴۵ (معرفی کتاب یاد شده است).

## ب

- بدایع ، لوکاس کینگ، به کوشش تقی ارانی، شرکت کایوانی برلن، ۱۳۰۴، ۲۵۲ صفحه، قطع: رقعی، شمارگان: نامعلوم (چاپ دوم، ۱۳۵۸ به همت انتشارات امیرکبیر بدون تغییر و با همان حروف‌چینی پیشین).**
- ۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. شرح حال لوکاس کینگ (ص ۲).
- ۱-۲. مقدمه به قلم تقی ارانی.
- اشاره به برخی از تحقیقاتی که درباره زندگی و آثار سعدی انجام گرفته است، از جمله نوشته‌های هانری ماسه، ادوارد براون و هرمان اته (ص ۳).
- نگاهی گذرا به زندگی سعدی و توضیح درباره تاریخچه چاپ آثار او (صص ۶-۳).
- توضیح درباره غزلیات سعدی، با اشاره به اقدام لوکاس کینگ در انتشار طبیات و بدایع (صص ۶-۷).
- معرفی نسخه‌های خطی و چاپی مورد استفاده در کتاب حاضر (صص ۸-۷).
- ۱-۳. متن بدایع سعدی، شامل ۱۹۰ غزل، با یادکرد نسخه‌بدلها و نشانی مآخذ آنها در پاورقی (صص ۲۴۳-۱، شماره جدید).
- ۲. منابع اصلی:** ۱-۲. چند نسخه خطی و چاپی از کلیات و غزلیات سعدی.
- ۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. کتاب، متن بدایع سعدی است.
- ۴. اشاره:** ۱-۴. در این کتاب ارزشمند برای نخستین بار بدایع سعدی، به روش نوین، با مقابله چهارده نسخه (هفت نسخه خطی و هفت نسخه چاپی) سامان یافته است. نقل نسخه‌بدلها در پاورقی با یادکرد مآخذ هر کدام و تعیین بحر هر غزل با رسم علامت تقطیعی آن، بر ارزش علمی و کاربردی این کتاب افزوده است. شایسته بود درباره شیوه مقابله نسخه‌ها و مشخصات نسخه اساس نیز در مقدمه کتاب توضیح داده شود. گفتنی است تاکنون متأسفانه هنوز غزلیات سعدی به شیوه انتقادی و با مقابله نسخه‌های مختلف که نشانی مآخذ نسخه‌بدلها نیز مشخص شود، چاپ نشده و کار لوکاس کینگ در گونه خود همچنان منحصر به فرد مانده است. بنابر نوشته تقی ارانی، لوکاس کینگ، که مدتی در هند، عهده‌دار خدمات دولت انگلستان بود، علاوه بر آشنایی با زبان‌های مختلف شرقی، در سال ۱۹۰۵ میلادی استاد زبان فارسی و عربی در دوبلن شد و افزون بر تألیفات دیگرش، طبیات و بدایع سعدی را

با مقابله نسخه‌های مختلف منتشر کرد (طبیات را با شیوه‌های همانند بدایع، در سال ۱۹۲۰، در کلکته انتشار داد). او چند ماه پیش از تمام شدن چاپ بدایع، دنیای فانی را بدرود گفته بود.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. مقدمه غزلیات سعدی، محمدعلی فروغی، ۱۳۱۸. ۵-۲. سعدی‌نامه، دکتر محمود کامیار، رنگین کمان، شماره ۷۷، پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۳۴۸، ص ۲۰. ۵-۳. سعدی شاعر جهانی، خواندنی‌های تاریخی، شماره پنجم، اسفند ۱۳۶۳، صص ۸۲-۸۰ (این نوشته بخشی از مقدمه کتاب مورد نظر است). ۵-۴. تاریخ ادبیات ایران، از فردوسی تا سعدی، ادوارد براون، ترجمه غلامحسین صدری افشار، انتشارات مروارید، ۱۳۶۶ (چاپ سوم)، ص ۲۷۶. ۵-۵. غزل‌های سعدی، ویرایش میرجلال‌الدین کزازی، نشر مرکز، ۱۳۷۶ (چاپ دوم)، سرآغاز کتاب (صفحه بدون شماره).

**برگزیده‌ای از غزل‌های سعدی، سلیم نیساری، به خط ابراهیم زرین‌قلم، نشریه شماره ۳۴، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، تهران، مهر ۱۳۵۰، ۶۸ صفحه، قطع: جیبی، شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. پیش‌گفتار (صص ۳-۵)، تأکید بر ارزش، شیوایی و رواج غزل‌های سعدی و توضیح درباره روش گزینش غزل‌ها. ۱-۲. فهرست غزل‌ها (صص ۷-۱۰).

۱-۳. متن غزل‌های برگزیده شده (صص ۶۰-۱۳) در این بخش گزیده‌ای از ۴۷ غزل آمده است.

۱-۴. ترانه‌ها (صص ۶۸-۶۱) در این بخش ابیاتی از غزل‌های مختلف انتخاب، تلفیق و در قالب سه "ترانه" تنظیم شده است.

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. تمام کتاب مربوط به غزلیات سعدی است.

**۴. اشاره:** ۴-۱. در این کتاب ۴۷ غزل از غزلیات سعدی انتخاب شده و با حذف برخی از ابیات غزل‌ها به چاپ رسیده است. در مقدمه کتاب، درباره چگونگی غزل‌ها، آمده است: "طبیعی است که همه ۷۰۰ غزل سعدی از نظر معنا و لفظ در یک سطح نمی‌باشد ... نمی‌توان گفت که تنها همین ۴۷ غزلی که در این دفتر درج گردیده است، بهترین غزل‌های سعدی می‌باشد. شاید مناسب‌تر آن است که گفته شود این غزل‌ها از جمله مشهورترین غزل‌های سعدی است ... سه ترانه‌ای که در بخش دوم این دفتر درج شده است به همین صورت در دیوان سعدی مضبوط نیست. در واقع این ترانه‌ها تلفیقی از ابیات منتخب غزل‌های سعدی است." (صص ۵-۴).

۴-۲. با آنکه در مقدمه کتاب نوشته شده است: "در این دفتر ۴۷ غزل از نسخه چاپی تصحیح شده به وسیله مرحوم محمدعلی فروغی برگزیده شده است." اما متن کتاب در برخی موارد از نظر نگارشی و در برخی موارد از نظر ضبط واژه با نسخه فروغی تفاوت دارد، از جمله: ص ۱۲، ب ۵؛ نه بیند روی زیبا را (فروغی: بینند روی زیبا را) و ص ۱۴، ب ۹؛ کرم عمر نماند (فروغی: گرم عمر نماند) و ص ۲۲، ب ۲؛ با کاروان صبح (فروغی: یا کاروان صبح) و ص ۲۶، ب ۲؛ بیدار بود ز آب (فروغی: بیدار بود از آب) و ص ۳۹، ب ۱؛ که داد دل بستانم (فروغی: که داد خود بستانم) و ص ۴۹، ب ۲؛ حکایتی است به (فروغی: حکایت است به) و ...

**برگزیده‌ای از گلستان سعدی، با معنی واژه‌ها و شرح ابیات دشوار، (شاهکارهای ادبیات فارسی - ۳۸)، به کوشش کاوه گوهرین، امیرکبیر، ۱۳۶۹ (چاپ چهارم)، ۶۲ صفحه، قطع: رقعی، شمارگان: ۱۶۵۰۰ نسخه. چاپ اول، ۱۳۶۲، چاپ دوم، ۱۳۶۳، چاپ سوم، ۱۳۶۵، (با چاپ چهارم هیچ تفاوتی ندارد).**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. مقدمه ناشر (صص ۷-۸): تأکید بر ارزش آثار ادبی گذشته و توجه به آن و همچنین انگیزه و شیوه عمل در "مجموعه شاهکارهای ادبیات فارسی".

۱-۲. معرفی کوتاه نسخه‌هایی که برای تهیه و تدوین گزیده حاضر از آنها استفاده شده است (ص ۹). این نسخه‌ها عبارتند از:

۱. گلستان سعدی، تصحیح متن علمی و انتقادی، رستم موسی‌علی‌یف، مسکو ۱۹۵۹.

۲. گلستان سعدی، به کوشش سعید نفیسی، ۱۳۴۱.

۳. گلستان سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، ۱۳۵۷.

۴. گلستان سعدی، مقدمه و حواشی از عبدالعظیم قریب، ۱۳۴۴.

۱-۳. پیش‌گفتار (صص ۱۳-۱۱).

۱-۳-۱. توضیحی کوتاه درباره زندگی و سفرهای سعدی (صص ۱۲-۱۱).

۱-۳-۲. توضیح درباره گلستان سعدی (صص ۱۳-۱۲)، از جمله: "گلستان، به یقین، یکی از درخشان‌ترین و استادانه‌ترین نمونه‌های نثر پارسی است، پس از گذشت قرون متمادی هنوز اثری که از حیث تکنیک و محتوا، یارای برابری با آن را داشته باشد، خلق نشده است ... گلستان را می‌توان اثری سیاسی، اجتماعی و اخلاقی نام نهاد (ص ۱۲) زیبایی سبک نگارش گلستان، آن‌چنان در پهنه ادب سرزمین ما به جلوه‌گری پرداخته که بسیاری را به دام تقلید از آن کشانده است" (ص ۱۳).

۱-۴. متن گزیده گلستان با توضیح واژه‌ها و بیت‌ها در پاورقی.

۱-۴-۱. مقدمه گلستان (صص ۲۰-۱۵).

۱-۴-۲. باب اول (صص ۳۰-۲۱).

۱-۴-۳. باب دوم (صص ۳۷-۳۱).

۱-۴-۴. باب سوم (صص ۴۲-۳۸).

۱-۴-۵. باب چهارم (صص ۴۵-۴۳).

۱-۴-۶. باب پنجم (صص ۵۰-۴۶).

۱-۴-۷. باب ششم (صص ۵۳-۵۱).

۱-۴-۸. باب هفتم (صص ۵۷-۵۴).

۱-۴-۹. باب هشتم (صص ۶۲-۵۸).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. سعدی، رستم‌موسی‌علی‌یف، مسکو، ۱۹۵۹. ۲-۲. گلستان سعدی، سعید نفیسی، ۱۳۴۱. ۲-۳. گلستان سعدی، محمدعلی فروغی، ۱۳۵۷. ۲-۴. گلستان سعدی، عبدالعظیم قریب، ۱۳۴۴.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. تمام کتاب گزیده و شرح گلستان است.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این کتاب که در مجموعه شاهکارهای ادبیات فارسی چاپ شده، گزیده‌ای است از متن گلستان که با معنی واژه‌ها و بیت‌ها به شکل خوب و تقریباً بدون غلط چاپی فراهم آمده است. با این همه برخی از ترکیبات و عبارات (متناسب با سطح توضیحات)، نیاز به توضیح دارد از جمله: ص ۲۳، س ۲؛ فعل "به‌جای آورد" در معنی فهمید و درک کرد و ص ۲۳، س ۱۱؛ "که دارد پرده پندار درپیش" و ص ۵۶، س ۵؛ "حکومت بردن به داور" و ...

- برخی از توضیحات هم ناقص است و با توجه به مخاطبان کتاب، بایستی سامان می‌یافت از جمله: ص ۴۱، س ۵: "طبل غازی"، "طبل جنگ" معنی شده است در حالی که غازی در معنی جنگاور است و نه جنگ و ص ۳۲، س ۱۴: "نماز را هم قضا کن"، "نماز را هم بگذار معنی شده است، در حالی که باید "نماز را هم مجدداً بگذار" معنی می‌شد و ...

**برگزیده حکایات گلستان، با شرح ابیات و واژه‌های دشوار، (گذری در متون ادب اسلامی - ۱)، علیرضا رضوی کرونوی، کانون فرهنگ و هنر اسلامی، تهران، ۱۳۶۳، ۶۶ صفحه، قطع، رقعی، شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. فهرست مطالب (ص ۳).
- ۱-۲. مطلبی زیر عنوان "مروری بر زندگی شیخ سعدی" (صص ۵-۴). در این بخش اشاره‌ای کلی به زندگی سعدی شده و درباره مطالب کتاب توضیحی کوتاه داده شده است.
- ۱-۳. نوشته‌ای کوتاه از دکتر جلیل تجلیل درباره اهمیت و ارزش مطالعه گلستان و بویژه گزیده حاضر (صص ۶-۷).
- ۱-۴. نوشته‌ای کوتاه از اسماعیل حاکمی، درباره ویژگی‌ها و ارزش آثار سعدی (صص ۸-۹).
- ۱-۵. گزیده حکایت‌های گلستان با توضیحات مختصری در پاورقی صفحه‌ها.
- ۱-۵-۱. باب اول (صص ۲۲-۱۰)، انتخاب ۱۲ حکایت از باب اول.
- ۱-۵-۲. باب دوم (صص ۲۱-۲۳)، انتخاب ۱۰ حکایت از باب دوم.
- ۱-۵-۳. باب سوم (صص ۴۲-۳۲)، انتخاب ۱۱ حکایت از باب سوم.
- ۱-۵-۴. باب چهارم (صص ۴۸-۴۳)، انتخاب ۸ حکایت از باب چهارم.
- ۱-۵-۵. باب ششم (صص ۵۰-۴۹)، انتخاب ۲ حکایت از باب ششم.
- ۱-۵-۶. باب هفتم (صص ۵۵-۵۱)، انتخاب ۵ حکایت از باب هفتم.
- ۱-۵-۷. باب هشتم (صص ۶۳-۵۶)، انتخاب ۱۲ قطعه از عبارات و سروده‌های باب هشتم.

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، محمدعلی فروغی، امیرکبیر، ۲-۲. نسخه‌های دیگری از گلستان سعدی، از جمله: گلستان به کوشش سعید نفیسی، شرح دکتر محمدخزائی و توضیحات دکتر خطیب‌رهر، ۲-۱. تمام کتاب گزیده گلستان است.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. این کتاب گزیده ساده‌ای است از گلستان که برای نوجوانان و جوانان فراهم آمده است و بر نمونه‌های همانند خود برتری ویژه‌ای ندارد. عنوان کتاب "گزیده حکایات گلستان با شرح ابیات و واژه‌های دشوار" است، درباره برخی از واژه‌ها و عبارات‌های ساده توضیح داده شده، اما در مقابل، برخی از عبارات و واژه‌های دشوارتر بدون معنی رها شده است، از جمله: ص ۲۴ واژه‌های ساده‌ای چون "قناعت"، "منت" و "طبع" معنی شده، ولی درباره عبارت "در پستی مردن" (ص ۷) هیچ توضیحی داده نشده است. یا: در ص ۲۸ واژه‌هایی چون "امرای عرب"، "قوت" و "توشه" معنی شده ولی درباره معنی ترکیب "نقره خام" (س ۱۵) هیچ توضیحی داده نشده است. یا در ص ۵۱ واژه "کودن" معنی شده ولی واژه "صیقل" (س ۱۰) و ترکیب "دریای هفت‌گانه" (س ۱۲) بدون توضیح رها شده است. یا در ص ۵۳ واژه‌های "فرومایه" و "بوریاپاف" معنی شده، اما درباره معنی فعل "حکومت بردن (به داور)" توضیحی داده نشده است و ...

۴-۲. اگر از شیوه کهنه رسم‌الخط کتاب - مواردی چون: ص ۲۴ س ۸: بترکستانست (به ترکستان است) و ص ۵۴ س ۳: بروزیست (به روزی است) - هم چشم‌پوشی شود، اما گفتنی است که به کارگیری علامت‌های ویرایشی و سجاوندی با توجه به مخاطبین کتاب، که نوجوانان هستند، برای متن کتاب بسیار لازم است. و از این امکان ویرایشی بسیار اندک استفاده شده است.

۴-۳. متن این کتاب نیز از اشتباهات چاپی در امان نمانده است، مواردی چون: ص ۸، س ۸: (بیت اضافی است) و ص ۱۷، س آخر (جمله مشوش و بی‌ارتباط است) ص ۵۴، پاورقی شماره ۲۱ و ۲۰: (اشتباه و جابه‌جا نوشته شده است) و ص ۵۸، س ۳: بیلقان (بیلقان) و ص ۵۹، س ۱: نفسیت (نفیس است) و ص ۶۰، س ۱۰: (تشدید الّا بی‌وجه است) و ...

۴-۴. شایسته بود در مقدمه کتاب مشخص می‌شد متن کتاب از روی چه نسخه‌ای نوشته شده است.

**برگزیده و شرح آثار سعدی، پرویز اتابکی، نشر فرزانه، ۱۳۷۴، ۲۶۸ صفحه (۱۴+۲۵۴)، قطع، رقعی، شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. شرح کوتاه زندگی سعدی: تولد، نام، تخلص، تحصیلات و مسافرت‌ها ... (صص: پنج و شش).
- ۱-۲. توضیح درباره آثار سعدی: گلستان، بوستان و غزلیات با اشاراتی به ویژگی‌های این آثار (صص: شش تا ده).
- ۱-۳. اشاره به روش کار در توضیحات کتاب (صص: ده و یازده).
- ۱-۴. کتاب‌نامه متن و مقدمه کتاب (ص: دوازده).
- ۱-۵. فهرست مطالب (صص: سیزده و چهارده).
- ۱-۶. متن گزیده و توضیحات (صص ۲۳۳-۱).
- ۱-۶-۱. گزیده گلستان و توضیحات آن (صص ۷۱-۱).
- ۱-۶-۲. گزیده بوستان و توضیحات آن (صص ۱۳۱-۷۲).
- ۱-۶-۳. گزیده قصاید و توضیحات آن (صص ۱۴۰-۱۳۲).
- ۱-۶-۴. گزیده ترجیعات و توضیحات آن (صص ۱۴۲-۱۴۱).
- ۱-۶-۵. گزیده غزلیات و توضیحات آن (صص ۲۳۶-۱۴۳).
- ۱-۶-۶. گزیده قطعات و توضیحات آن (صص ۲۲۹-۲۲۷).
- ۱-۶-۷. گزیده رباعیات و توضیحات آن (صص ۲۳۳-۲۳۰).
- ۱-۷. نمایه: فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبا (صص ۲۵۴-۲۳۵).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، ویراسته بهاء‌الدین خرمشاهی، ۱۳۶۴. ۲-۲. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۸. ۲-۳. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۵۹. ۲-۴. دیوان غزلیات استاد سخن سعدی شیرازی، دکتر خلیل خطیب‌رهر، ۱۳۶۶. ۲-۵. لغت‌نامه دهخدا.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. متن کتاب گزیده‌ای است از گلستان، بوستان، غزلیات، قصاید، ترجیعات، قطعات و رباعیات سعدی.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این کتاب حاصل تلاشی است که با هدف بهره‌وری همگانی از آثار سعدی صورت پذیرفته است. پشت جلد کتاب در این باره نوشته شده است: "مجموعه ادب جوان، شامل برگزیده و شرح متون نظم و نثر ... است که برای نوجوانان و جوانان و تمام دوستداران ادب فارسی، که به علت دشواری متون، از لذت بهره‌مندی از آنها محروم مانده‌اند، تدوین شده است ..." و این خود از

اقدامات شایسته‌ای است که برای گسترش متون ارجمند گذشته در فرهنگ مردم انجام می‌گیرد. به همین منظور، کتاب دارای قطع، چاپ و حروف مناسب است. بیشتر آثار سعدي را نیز در بر دارد. توضیحات ارزشمندی که در پایان هر بخش آمده و نمایه پایانی، بر ارزش کاربردی کتاب افزوده است.

۴-۲. افزون بر معنی واژه‌ها، برای برخی از کلمه‌ها، اصطلاحات و ترکیبات، توضیح گسترده‌تری داده شده و گاهی این توضیحات با نقل آرای دیگران نیز همراه است که برای دریافت درست‌تر مقصود، خواننده را یاری می‌کند، موارد زیر از آن جمله است: ص ۱۰ (قصب‌الجیب)، ص ۱۶ (را)، ص ۲۰ (اسب تازی - هر بیشه گمان مبر...)، ص ۲۶ (بني آدم اعضاي ...)، ص ۱۲۳ (الا اي که عمرت ...)، ص ۱۲۶ (مدایح سعدي)، ص ۱۵۷ (روندگان غسل) و ... اما بعضی از این توضیحات با آنکه خود به خود ارزشمندی اما نه متناسب با مخاطبان کتاب و نه متناسب با سایر توضیحات هستند و موجب افزایش حجم کتاب شده است، موارد زیر از آن جمله است: ص ۲۶ (درباره مسجد جامع دمشق)، صص ۳۲، ۳۳ (درباره خصیب) و ص ۳۴ (درباره محتسب، بویژه شرح وظایف آن) و ص ۵۴ (درباره غور) و صص ۵۹، ۶۰ (درباره دیدار معشوق) و صص ۸۹، ۹۰ (درباره "خجند" و مشاهیر آن) و ...

۴-۳. سطح توضیحات یکسان نیست، در برخی مواضع واژه‌ها یا ترکیبات ساده توضیح داده شده اما مواردی که نیاز به توضیح داشته رها شده است، برای نمونه: در ص ۱۸، واژه "حقیر" (= کوچک، خرد) معنی شده، اما فعل "به جای آورد" (= دریافت، فهمید) معنی نشده است. در ص ۶۲، واژه "بالین" (= بالای سر) و فعل "مزدیابی" (= ثواب‌یابی) معنی شده، ولی ترکیب "خوان الوان عمر" و واژه "شامیان" معنی نشده است. در ص ۸۴، با توجه به اینکه مصراع "مرا با تو دانی سر دوستی است" توضیح داده شده، مصراع "خدا دوست را گر بدرند پوست" نیاز به توضیح دارد. در ص ۱۰۰، واژه "حقیر" (= ناچیز) و "در خور خویش" (= متناسب با خود) معنی شده، ولی مصراع "که مهرش گریبان جان می‌کشد" معنی نشده است. در ص ۱۲۷، برای توضیح مصراع "که نتواند او راه نادیده برد" تنها نوشته‌اند: "یافتن راه" و ...

۴-۴. برخی از نظرات نگارنده نیز در محل تأمل است، موارد زیر از آن جمله است: در ص پنج نوشته‌اند: "... اما در تخلص او به "سعدي" تقریباً همه متفق‌القولند که تخلص را از نام "اتابك سعدي بن زنگي بن مودود سلغري" از اتابکان فارس که ممدوح او بوده گرفته است." در حالی که اولاً در این قول همه متفق نیستند و سه قول مشهور در وجه تخلص سعدي وجود دارد، که آن را برگرفته از این سه نام می‌دانند:

۱. سعدي بن زنگي بن مودود

۲. سعدي بن ابی‌بکر بن سعد بن زنگي

۳. خاندان بني سعد.

ثانیاً علامه محمد قزوینی با تأیید قول صاحب تاریخ گزیده و مزارات شیراز، تخلص سعدي را با ذکر دلیل از "سعد بن ابی‌بکر بن سعد بن زنگي" می‌داند نه از "سعد بن زنگي بن مودود" (رک. بخش مقاله‌ها، مقاله "ممدوحین سعدي، محمد قزوینی، سعدي‌نامه").

محمد محیط طباطبایی نیز افزون بر مقدماتی که بر بوستان و گلستان نوشته‌اند، در مقاله‌ای زیر عنوان "چرا سعدي را سعدي خوانده‌اند" با رد دو قول پیشین و با ذکر دلایلی تخلص او را از خاندان بني سعد دانسته‌اند (رک. بخش مقاله‌ها، مقاله "چرا سعدي را سعدي خوانده‌اند، محمد محیط طباطبایی، مجله وحید، دوره نهم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۵۰").

جالب‌تر این است که نگارنده در ص ۱۱، دچار اشتباهی فاحش‌تر شده‌اند. و تخلص سعدي را از کسی دانسته‌اند که هرگز پذیرفتنی نیست. و خلاف قول پیشین ایشان هم هست، در آنجا در توضیح "ابوبکر سعدي بن زنگي (ششمین پادشاه سلغري) نوشته‌اند: "تخلص ادبي سعدي نیز از نام او گرفته شده است ...".

- در ص ۱۱، ش ۲۱: می‌سفتم در معنی "سوراخ می‌کردم" شایسته است نه "سوراخی می‌کردم".

- در ص ۱۳، درباره کفاره نوشته‌اند: "صدقه دادن یا نماز گزاردن یا روزه گرفتن یا بنده آزاد کردنی است که بدان گناه را به زیر خاکستر فراموشی سپارند ... جمله "گناه را به زیر خاکستر فراموشی سپارند" مناسب مخاطبان کتاب (جوانان و نوجوانان) نیست. زیرا این جمله اصولاً وافی به مقصود نیست. با کفاره قرار است گناه آمرزیده شود نه فراموش شود و آن هم "به زیر خاکستر فراموشی". در ص ۴۱، در توضیح متعبد نوشته‌اند: "بسیار عبادت کننده، خشکه عابد". البته معنی اخیر ضرورت متعبد نیست.

- در ص ۱۲۲، در مصراع "مسماز کوهسار به نطع زمین بدوخت" گذشته از غلط چاپی مسماز به صورت "مثمرا"، نطع را تنها به "سفره و سفره چرمین" معنی کرده‌اند، در حالی که باید درباره نطع زمین و تمام بیت توضیح بایسته‌ای داده می‌شد و ...

۴-۵. متن این کتاب نیز متناسبانه از غلط‌های فراوان چاپی در امان نمانده است، موارد زیر برخی از آن جمله است: ص ۱۳، س ۱۹: سخت گفتن (سخن گفتن) و ص ۱۷، س ۲: عدد ۲ مربوط به پاورقی، از روی واژه "سایر" افتاده است. ص ۵۰، س ۴: حرکت، فتحه سین در "مسکنت" اشتباه است. ص ۵۸، س ۱: سبکتیکین (سبکتین) و ص ۷۵، س ۱۲: شیندم (شیندم) و ص ۹۳، س ۱۵: اعداد داخل پرانتز نابسامان است. ص ۱۰۷: در پاورقی عدد ۸ از قلم افتاده است. ص ۱۲۵، س ۱۴: مشهود (مشهور) و س ۱۶: بیکفنی (بیکفنی) و ص ۱۲۲، س ۱۷: مثمرا (مسماز) و ص ۱۳۶، س ۲۴: ملک بانان را را شاید (ملك بانان را شاید) و ص ۱۳۷، توضیح شماره ۲۱ از قلم افتاده است. ص ۱۴۱، س ۸: اوفتاد (ا وفتاده) و ص ۱۵۵، س ۱۸: صاحب (صاحب) و ص ۱۶۰، س ۶: به وجود (به جود) و ص ۱۷۷، س ۹: دفاغ (دفاع) و ص ۲۲۸، س ۲: ندار (ندارد) و ص ۲۳۲، س ۱: سوادى (سوداي) و ...

**بوستان ، به خط اسماعیل نژاد فرد لرستاني، انتشارات علمي، تاريخ ؟، ۲۱۲ صفحه، قطع: وزيري، شمارگان: ۴۴۰۰ نسخه.**

۱. **مضامین اصلي:** ۱-۱. متن بوستان با خط نستعلیق (صص ۳۱۲-۳).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. بوستان سعدي، فروغی، شوریده و ناصری.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. تمام کتاب متن بوستان است.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این کتاب نه مقدمه دارد، نه تاریخ انتشار، و نه هیچ توضیح دیگر و به همین دلیل از نظر تحقیقی هیچ برجستگی ویژه‌ای ندارد.

**بوستان سعدي ، محمدعلي فروغی، با مقدمه اقبال آشتیانی، انتشارات جاويدان، ۱۳۷۴ (چاپ دوم)، ۲۶۳ صفحه، قطع: رقعي، شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه.**

۱. **مضامین اصلي:** ۱-۱. فهرست حکایت‌های بوستان (صص: پنج تا دوازده).

۱-۲. مقاله "زمان تولد و اوایل زندگانی سعدي" از عباس اقبال آشتیانی (صص: سیزده تا سی‌ویک). این مقاله در سال ۱۳۱۶ به نگارش درآمده و در مجموعه "سعدي‌نامه" به چاپ رسیده است (رک. بخش مقاله‌ها، مقاله یاد شده).

۱-۳. متن بوستان (صص ۲۵۹-۱).

۱-۴. فهرست برخی از واژه‌های بوستان به همراه معنی (صص ۲۶۲-۲۶۰).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان، محمدعلی فروغی. ۲-۲. مقاله "زمان تولد و اوایل زندگانی سعدی"، عباس اقبال، سعدی‌نامه.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. کتاب، متن تمام بوستان است.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این کتاب هیچ برجستگی ویژه‌ای ندارد. و در کیفیت آن کافی است گفته شود ناشر در چاپ کتاب چنان شتاب داشته‌اند که بر روی جلد نوشته شده، "بوستان با مقدمه محمدعلی فروغی" ولی در متن کتاب به جای مقدمه فروغی مقدمه اقبال به چاپ رسیده است.

**بوستان سعدی، محمدعلی فروغی، به خط علی منظوری و عباس منظوری، انتشارات اقبال، ۱۳۷۱ (چاپ ششم)، ۲۱۸ صفحه، قطع: رحلی، شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. یادداشتی کوتاه با امضای جواد اقبال درباره کتاب حاضر: "کتاب حاضر که زمان محمدعلی فروغی در سال ۱۳۱۹ به وسیله استاد فقید شادروان علی منظوری زیر نظر فروغی به رشته تحریر در آمده ولی متأسفانه ناتمام و اوایل آن از بین رفته بود، حدود ده یازده سال قبل آقای عباس منظوری کسری‌های کتاب پدر را با دقت نوشته و در نتیجه نسخه تکمیل و پس از تصحیح و مقابله مجدد با نسخه اصل آماده چاپ گردید ... " (صفحه بدون شماره).

۱-۲. فهرست بوستان سعدی (صفحه بدون شماره).

۱-۳. متن بوستان سعدی (صص ۱-۳۱۰).

۱-۴. فهرست برخی از واژه‌های بوستان با معنی آنها (دو صفحه بدون شماره).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، محمدعلی فروغی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. کتاب متن کامل بوستان است.

۴. **اشاره:** ۴-۱. متن این کتاب که به خط نستعلیق نوشته شده، همان متن چاپ فروغی است و افزون بر خط زیبای آن و چند تابلوی نقاشی و خوشنویسی شده، برجستگی ویژه‌ای ندارد.

**بوستان سعدی، مطبعه تبریز، ۱۳۱۱، ۲۰۲ صفحه، قطع: رقعی، شمارگان: نامعلوم.**

۱. **مضامین اصلی:**

۱-۱. متن بوستان سعدی (صص ۱-۲۰۳).

۱-۲. معرفی کوتاه سعدی زیر عنوان "مختصر حال مؤلف" (ص: دو صفحه بی‌شماره).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. کتاب، متن بوستان سعدی است.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این کتاب که در سال ۱۳۱۱ مطابق دستور شورای عالی معارف وقت برای دانش‌آموزان "سیکل اول متوسطه" منتشر شده است، به جهت قدمت و بی‌دقتی ناشر بر از غلط‌های گوناگون است، و جز تقدم آن بر برخی دیگر از چاپ‌های بوستان فضلی ندارد. ناشر در پایان کتاب نوشته است: "چون در تصحیح کتاب عجله شد، لذا در آتیه جبران خواهد شد".

**بوستان سعدی، از روی نسخه تصحیح شده محمدعلی فروغی، انتشارات ققنوس، ۱۳۶۶ (چاپ دوم)، ۳۲۸ صفحه (۶+۲۲۷+۹۵)، قطع: وزیری، شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. فهرست (هفت صفحه بدون شماره).

۱-۲. توضیحی درباره بوستان سعدی، مقایسه‌ای بین تصوف سعدی و عطار با نقل سروده‌ای از سعدی و سروده‌ای از عطار و توضیح درباره کتاب حاضر (صص یک تا شش).

۱-۳. مقدمه محمدعلی فروغی بر بوستان (۱۹۹-۲۰۴).

۱-۴. متن بوستان بر اساس نسخه مرحوم فروغی (صص ۴۲۶-۲۰۵).

۱-۵. ضمایم.

۱-۵-۱. کشف‌الایات (صص: دو تا هفتادویک).

۱-۵-۲. معانی پاره‌ای از لغات مشکل (صص: هفتاد و سه تا نود).

۱-۵-۳. فهرست نام‌های خاص (صص: نودویک تا نودوینج).

۱-۵-۴. چهار تابلو نقاشی، بر اساس حکایت‌های بوستان (چهار صفحه بدون شماره).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، محمدعلی فروغی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. کتاب متن کامل بوستان است.

۴. **اشاره:** ۴-۱. متن این کتاب مطابق با چاپ بوستان فروغی است و ویژگی این کتاب که ارزش کاربردی دارد، ضمایم پایانی آن است که فهرست‌های مختلفی را در بردارد. و برجستگی ویژه‌ای ندارد. دیگر اینکه شماره صفحه‌های کتاب نیز سامان شایسته‌ای ندارد.

**بوستان سعدی، باب چهارم (در تواضع)، حواشی و توضیحات از دکتر محمد استعلامی، امیرکبیر (شاهکارهای ادبیات فارسی - ۱۵)، ۱۳۴۷ (چاپ دوم)، ۲۰ صفحه، قطع: رقعی، شمارگان: نامعلوم. چاپ پنجم: ۱۳۵۳، چاپ ششم: ۱۳۵۶، چاپ هفتم: ۱۳۶۲، چاپ هشتم: ۱۳۶۵.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره‌ای کوتاه به شرح زندگانی سعدی و آثار او (صص ۳-۴).

۱-۲. متن باب چهارم بوستان با توضیح برخی از واژه‌ها و بیت‌ها در زیرنویس صفحه (صص ۲۸-۵).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. تمام کتاب از متن بوستان است.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این کتاب متن و توضیح باب چهارم بوستان (در تواضع) است که آقای دکتر محمد استعلامی آن را سامان داده‌اند و انتشارات امیرکبیر به عنوان پانزدهمین مجموعه از سلسله "شاهکارهای ادبیات فارسی" چاپ و منتشر کرده است. در پاورقی نیز درباره برخی از واژه‌ها و ابیات توضیح داده شده، اما به آرایه‌ها و ترفندهای شاعرانه اشاره‌ای نشده است. همچنین شایسته بود مأخذ

متن بوستان در این کتاب مشخص شود. با آنکه برخی از واژه‌ها و مصراع‌های ساده معنی شده، مواردی نیز شایسته توضیح است که بدون شرح رها شده است، از جمله: ص ۱۱، ب ۱۸: مصراع "چو عالم نباشی کم از مستمع" و ص ۴، ب ۷: مصراع "صدف در کنارش به جان پرورید" متناسب با روش این کتاب، نیاز به توضیح دارد. برخی از توضیحات در محل تأمل است، از جمله: ص ۷، ب ۶: (به ناراستی دامن آلوده‌ای به ناداشتی دوده اندوه‌ای) درباره معنی مصراع دوم نوشته‌اند: "دودمانش به فقر آلوده بود" این معنی با مفهوم حکایت سازگاری ندارد. دکتر یوسفی در معنی این مصراع نوشته‌اند: "ناداشتی: اینجا بی‌شرمی، بی‌حیایی، بی‌همه‌چیزی، بی‌اعتقادی، (فرهنگ فارسی) یعنی آن مرد به واسطه بی‌شرمی و بی‌اعتقادی، خانواده (دوده) خود را لکه‌دار و بدنام کرده بود" (بوستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، چاپ پنجم، دی ماه ۱۳۷۵، ص ۳۲۴). دکتر خزایی هم در این باره نوشته‌اند: "مراد این است که با نداشتن عبادت و عمل نیک به دوده سیاه گناهان، بی‌مایگی خود را آلوده بود." (شرح بوستان، دکتر محمد خزایی، انتشارات جاویدان، چاپ نهم، ۱۳۷۲، ص ۲۴۱).

در معنی بیت ۷:

(چو دستت رسد مغز دشمن برآر که فرصت فرو شوید از دل غبار)

نوشته‌اند: "یعنی چون فرصت مناسبی به دست‌آید و بر دشمن چیره شوی، دیگر دلتنگ نخواهی بود". این معنی نیز با بیت و مفهوم کلی مطلب سازگاری لازم را ندارد. دکتر یوسفی معنی مصراع دوم این بیت را به درستی باز نموده‌اند: "زیرا جستن وقت مناسب (و گذشت زمان) غبار کینه را از دل می‌شوید و خیال انتقام از یاد می‌رود." (بوستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، ص ۳۲۹)

- اشتباهات چاپی کتاب بسیار اندک است، اما نگارش آن گاهی یکدستی لازم را ندارد. مثلاً ص ۱۶، س ۱۹ دو ترکیب همانند به دو گونه مختلف نوشته شده: "که نامند و ناموس و زرق‌اند و بد" نام و زرق به دو گونه متفاوت به ضمیر پیوسته‌اند و ...

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. بوستان سعدی، جمشید سروشیار، راهنمای کتاب، سال یازدهم، شماره نهم، دی ماه ۱۳۴۷، صص ۵۲۱-۵۲۲. گامی چند با شارحان بوستان در گلگشت سعدی، رضا انزابی‌نژاد، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۷، شماره مسلسل ۱۱۴، تابستان ۱۳۵۴، ص ۳۰۲.

**بوستان سعدی، پس از مقابله هفت نسخه خطی و ده نسخه چاپی، نورالله ایران‌پرست، دانش، سعدی، ۱۳۵۲، ۴۰۹ صفحه، قطع: وزیری، شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه. چاپ دوم: ۱۳۵۶، چاپ سوم: با تجدید نظر ۱۳۶۴.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. پیش‌گفتار، توضیح درباره تصحیح متون و اشاره به زندگی و اندیشه سعدی (ص: الف تا ت). "یک نسخه قدیم را اساس قرار دادن و اشاره به چند نسخه دیگر، چنان که ناشران تاکنون معمول داشته‌اند، در نیمه دوم قرن بیست که انسان به ماه پا گذاشته است، بسنده به نظر نمی‌رسد. کسی که خواست متنی را به علاقه‌مندان پیش‌کش کند، موظف است که نسخه معتبر به دست آورده و منتشر سازد و بکوشد تا غلط چاپ در آن راه نیابد. نسخه معتبر آن است که به دست مؤلف نوشته و یا مؤلف آن را دیده و درستی آن را تأیید کرده باشد. اگر ناشر خواست که از نسخه‌های موجود متنی فراهم کند، باید زحمت کشیده آن را به نوشتار مؤلف نزدیک سازد ..." (ص: الف).

۱-۲. معرفی مختصر هشت نسخه چاپی و خطی به عنوان نسخه‌های مقابله شده (ص: ت).

۱-۳. متن بوستان با توضیح واژه‌ها، اصطلاحات و ترکیبات در پاورقی (صص ۴۰۰-۳).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. بوستان، محمدعلی فروغی، ۱۳۱۶. ۲-۲. بوستان، اسماعیل امیرخیزی، ۱۳۱۷. ۳-۲. بوستان، عبدالعظیم قریب، ۱۳۴۶. ۴-۲. شرح بوستان، دکتر محمد خزائی، ۱۳۴۶. ۵-۲. بوستان، رستم علی‌یف، ۱۳۴۸. ۶-۲. نسخه‌های خطی بوستان که در ص: ت کتاب معرفی شده است. ۷-۲. فرهنگ‌های لغت.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. کتاب متن تمام بوستان و توضیحات آن است.

**۴. اشاره:** ۱-۴. این کتاب دومین کتاب از آثار سعدی است که آقای نورالله ایران‌پرست با مقابله نسخه‌های خطی و چاپی سامان داده و منتشر کرده‌اند. بنابر آنچه در ص: ت نگاشته شده، دو نسخه از نسخه‌های خطی مورد استفاده بدون تاریخ است و تاریخ یک نسخه در اواخر سده ده و تاریخ بقیه در سال‌های سده سیزده هجری است. نسخه‌های چاپی فروغی، امیرخیزی، قریب، خزائی و علی‌یف نیز از جمله نسخه‌هایی است که به عنوان نسخه‌های مورد استفاده معرفی شده‌اند.

مقابله هفده نسخه، برای سامان دادن یک نسخه، چنانچه به درستی انجام گیرد، کاری پر زحمت و درخور حوصله است. اما متأسفانه در این کتاب نسخه‌بدل‌ها مشخص نشده و دانسته نیست مصحح محترم تا چه میزان در مقابله نسخه‌ها دقت کرده باشند. و ضروری‌ترین مطلب یعنی شیوه کار مشخص نشده است. معلوم نیست اساس کتاب بر کدام نسخه بوده و یا کدام نسخه از نظر مصحح اعتبار بیشتری داشته است. این بنده، دیباچه بوستان این کتاب را با چاپ فروغی مقایسه کردم و مجموعاً به ۲۷ مورد اختلاف برخوردیم (سه مورد جابه‌جایی بیت و مصراع، دو مورد بیت اضافی، یک مورد بیت حذف شده و ۲۱ مورد تغییر واژه) و این در حالی است که در فهرست نسخه‌بدل‌های بوستان (به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی) اختلاف ضبط در ۱۰۷ بیت نشان داده شده است. که برخی از این بیت‌ها، خود چند مورد اختلاف ضبط دارند. شیوه انتخاب نسخه‌بدل‌ها دانسته نیست و در موارد متعددی ترجیح ضبط این چاپ، جای تأمل و تردید دارد، موارد زیر از آن جمله است:

فروغی:

محیط است علم ملك بر بسیط قیاس تو بر وي نگردد محیط

ایران‌پرست:

محیط است علم فلك بر بسیط قیاس تو بر وي نگردد محیط

فروغی:

نخستین ابوبکر پیر مرید عمر پنجه بر پیچ دیو مرید

ایران‌پرست:

نخستین ابوبکر میر مرید عمر پنجه بر پنج دیو مرید

فروغی:

الا ای خردمند فرخنده خوی خردمند نشنیده‌ام عیب‌جوی ایران پرست:

الا ای خردمند فرخنده خوی هنرمند نشنیده‌ام عیب‌جوی

فروغی:

درود ملك بر روان تو باد بر اصحاب و بر پیروان تو باد

ایران‌پرست:

درود ملك بر روان تو باد بر اعقاب و بر پیروان تو باد

بسیاری از توضیحات پاورقی کتاب نیز در محل تأمل است، موارد زیر (از دیباچه) برخی از آن جمله است:

- ص ۷، پ ۱: در توضیح مصراع "محیط است علم فلک بر بسیط نوشته‌اند: "علم فلک بر بسیط محیط است = علم پروردگار زمین را فرا گرفته است".

چنانچه هر دو واژه "فلک" اشتباه چاپی (به جای ملك) نباشد، معلوم نیست چگونه می‌توان فلک را به معنی خداوند دانست. در همین پاورقی "کنه" را به معنی گوهر واصل نوشته‌اند.

- ص ۷، پ ۵: در توضیح "مرکب" در مصراع "نه هر جای مرکب توان تاختن" نوشته‌اند: "آنچه بر آن سوار شوند. در اینجا اسب اراده شده است. جمله اخیر بی‌هیچ ضرورتی نوشته شده است، مرکب می‌تواند اسب و غیر آن باشد.

- در ص ۱۶، پ ۱۳ در توضیح بیت "عجب نیست این فرع از آن اصل پاک - که جاننش بر اوج است و جسمش به خاک" نوشته‌اند: "جاننش بر او و جسمش به خاک جست" این اشتباه از آنجا ناشی شده است که دو واژه "اوج" و "است" به شیوه نگارش قدیم متصل نوشته شده (که جاننش بر او جست و جسمش به خاک) و همین امر موجب گمراهی برخی از شارحان بوستان، از جمله نگارنده این کتاب شده است. سعدی می‌گوید: جان او (روح سعد زنگی) به آسمان‌ها رفته و جسمش در خاک خفته است.

- سطح توضیحات پاورقی یکدست نیست، برای نمونه:

- در ص ۴، واژه ساده "غنی" (= بی‌نیاز) توضیح داده شده است ولی واژه "ادیم" (ب ۴) توضیح داده نشده است.

- در ص ۷، پ ۸: در توضیح بیت:

"یکی باز را دیده بر دوخته است یکی دیده‌ها باز و پرسوخته است" تنها نوشته‌اند: "دیده‌ها باز + پرسوخته: صفت ترکیبی است". در حالی که باید درباره باز و چشم بستن باز و جناس دو "باز" توضیح داده می‌شد، تا معنی بیت برای مخاطب عمومی کتاب روشن شود. این در حالی است که در همین صفحه (پ ۶) در معنی مصراع ساده "ببندند بر وی در بازگشت" نوشته‌اند: "در بازگشت بر وی ببندند = در بازگشت بر وی بسته شود".

- در ص ۱۰، واژه‌های ساده مخلوق (= آفریده)، رفیع (= بلند)، که (= زیرا)، ثنا (= ستایش) و ... معنی شده‌اند، اما درباره ترکیب "پنجه بر پنج" یا بهتر از آن (پنجه بر پیچ) در بیت دوم - هیچ توضیحی داده نشده است و ...

- ۲-۴. در چاپ سوم کتاب (۱۳۶۴) که با تجدید نظر انجام پذیرفته است. مصحح بر روی جلد کتاب نوشته‌اند: "پس از مقابله هفت نسخه خطی و ده نسخه چاپی از مداخله کاتبان و ناشران پیشین ویراسته بد آنچه سعدی روی کاغذ آورد نزدیک به اعراب و معنای واژه‌ها". اولاً معلوم نیست بنابر چه ضرورتی این متن بلند و پریشان در زیر عنوان و بر روی جلد کتاب نوشته شده است؟ ثانیاً دانسته نیست، نگارنده به چه دلیلی به این اطمینان رسیده‌اند که متن ویراسته ایشان عبارت است از "آنچه سعدی روی کاغذ آورد".

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین، یوسفی، خوارزمی، ۱۳۵۹، در تصحیح تمام بوستان از این کتاب استفاده شده است. ۲-۵. حسن روزافزون بوستان، سعید حمیدیان، نشر دانش، سال دوم، شماره ۶، خرداد و تیر ۱۳۶۱، ص ۳۴.

## بوستان سعدی، با شرح اشعار و حواشی، محمدعلی ناصح (به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر)، انتشارات صفی‌علی شاه، ۱۳۷۴ (چاپ سوم)، ۹۰۵ صفحه (۸۷۹+۲۶)، قطع: وزیری، شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه. چاپ اول: ۱۳۵۴

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. پیش‌گفتار - توضیحی کوتاه از دکتر خلیل خطیب رهبر درباره چاپ دوم کتاب حاضر و سروده‌ای از جلال‌الدین همایمی درباره محمدعلی ناصح و شرح بوستان او (بدون شماره صفحه).

۱-۲. دیباچه - گفتاری به قلم دکتر نصرت‌الله کاسمی، دبیر کل بنیاد نیکوکاری نوریانی (صص: الف تا ک).

۱-۲-۱. توضیح درباره مشکل دیباچه نگاری بر بوستان سعدی به دلیل سهل و ممتنع بودن آن (ص: الف).

۱-۲-۲. توضیح درباره شخصیت سعدی و ارزش‌های ادبی، تربیتی و اجتماعی آثار او و از آن جمله بوستان (صص: ب تا ح).

"هفت‌صد سال تمام است که قوام و نظام شعر و نثر پارسی و قالب محکم فصاحت و بلاغت زبان و ادب ایرانی، بر ضابطه اصیل و قویم آثار منظوم و منثور سعدی استوار می‌باشد ... پس بدین شرح و بیان، برای شاعری مانند سعدی، دیگر سخن از این در میان نیست که از کجا برخاسته و در چه سالی می‌زیسته و با چه کسانی معاهد و معاصر بوده ... (ص: ه) بوستان کتابی است فاخر و جامع و کامل و شامل که از لحاظ فصاحت و بلاغت لفظ و نبالت و فخامت معنی با هیچ یک از کتاب‌های ادبی ایران و حتی با دیگر آثار ادبی سعدی نیز قابل قیاس نیست (ص: ح).

۱-۲-۳. چکامه‌ای از نصرت‌الله کاسمی در وصف سعدی و سخن او (صص: یا تا ب).

۱-۲-۴. اشاره به فعالیت‌های ادبی "بنیاد نیکوکاری نوریانی" و انگیزه آن بنیاد در انتشار کتاب بوستان سعدی (ص: یه).

۱-۲-۵. معرفی محمدعلی ناصح و آثار او (صص: به تا یج).

۱-۲-۶. معرفی مختصر کتاب حاضر که شامل سه قسمت است:

"۱. متن بوستان که با مقابله با اغلب نسخ موجود فراهم آمده ولی از ذکر نسخه بدل‌ها و تبدیل به احسن‌ها در حاشیه چشم پوشیده است...

۲. شرح ابیات که به گونه برگرداندن شعر به نثر درآمده، البته نثری فصیح و بلیغ و پخته که برآستی در خور شعر است...

۳. شرح و بسط و توضیح و تبیین نوادر لغات و جملات پیچیده و معقود و مبهمات و مجهولات و اشارات به واقعات و اماکن و اشخاص تاریخی. شاید حق این بود که طبق رسم متداول و متعارف هر یک از این سه قسمت ... به صورت مستقل قرار می‌گرفت ... ولی آقای ناصح این روش را نپسندیدند و بر تحفظ نظر خود که همان طرز تدریس بوستان، به شکل تقریر به شاگردان، در محضر تدریس است ... ارجح و اصلح و انساب دانستند ... (صص: یح تا یط).

۱-۳. گفتاری از شارح کتاب زیر عنوان "سراغاز" و توضیح کوتاهی درباره انگیزه تألیف کتاب به همراه چکامه‌ای از ایشان در وصف سعدی (صص: کب تا کز).

۱-۴. متن بوستان به همراه شرح ابیات و حواشی آن (صص ۸۴۸-۱).

۱-۵. فهرست عام اعلام (صص ۸۷۱-۸۴۹).

۱-۶. فهرست حکایت‌های بوستان و مصراع‌های نخستین آن (صص ۸۷۹-۸۷۳).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. قرآن کریم. ۲-۲. نسخه‌هایی از بوستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۳. فرهنگ‌های لغت، از جمله: لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ نفیسی، منتهی‌الآرب، لغت فرس، المنجد، فقه‌اللغه و ... ۲-۴. دیوان‌های شعر از جمله: حافظ، انوری، خاقانی، مولوی، سنایی، فردوسی، ناصرخسرو، نظامی و ...

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۲. همه کتاب متن بوستان و شرح و توضیحات آن است.

**۴. اشاره:** ۱-۴. در این کتاب ارزشمند همه متن بوستان به نثر درآمده و درباره برخی از واژه‌ها و نام‌ها توضیحات ارزنده‌ای داده شده است.

- استفاده از نسخه‌های مختلف برای تصحیح متن و توضیح بیت‌ها، استنادهای فراوان به سروده‌های شاعران دیگر، اشاره‌های متعدد به اقتباس‌های قرآنی و وجود فهرست اعلام و فهرست حکایت‌ها از دیگر ویژگی‌های سودمند این کتاب است.

- اگرچه نسخه‌های مورد استفاده معرفی نشده و نشانی نسخه بدل‌ها در مواضع مورد اشاره، مشخص نگردیده است، اما نقد ضبط برخی از واژه‌ها در نسخ مختلف و ترجیح صورتی از آن دگرسانی‌ها با توضیح مختصری در آن باره، بر ارزش کار افزوده است، از آن جمله است: ص ۱۳، س ۱ و ۱۴، س ۱۵ و ۱۶، س ۲۴ و ۲۵، س ۳ و ۴، س ۵۲، س ۱۶ و ۱۷، س ۵۸، س ۸ و ۷، س ۸۲ و ۸۳، س ۸ و ۸۴، س ۱۰۵ و ۱۰۰، س ۱۷-۲۰ و ۱۸۱، س ۱۹ و ۱۶۹، س ۱۹ و ۲۷۰، س ۱۰ و ۷۰۷، س ۱۳ و ۷۲۱، س ۶ و ...

- یکی دیگر از ویژگی‌های ارزنده این کتاب این است که شارح در مواردی که در موضوعی تردید داشته یا مقصود شاعر را دریافت نکرده به جای توجیه غلط یا گذاشتن بدون اشاره، با صراحت بیان کرده که آن مطلب را نفهمیده است و این موضوع، بویژه برای نوقلم‌ها بسیار مفید است، به عنوان مثال در ص ۶۱، س ۱۴، درباره بیت "بیفشان و بشمار و فارغ نشین ... نوشته‌اند:" معنی مناسب بیفشان را ندانستم و احتمالی بعید می‌رود می‌فشان درست [ باشد ] ...". در ص ۴۰۱، س ۱۵ درباره نقش "الله بس" نوشته‌اند: "... و نمی‌دانیم تراز خلعت عین این دو کلمه یا "حسبی الله" بوده است ...". و در ص ۷۶۱، س ۹ درباره حکایت بت سومنات نوشته‌اند: "برخی این حکایت را معجول می‌شمارند و بنده این موضوع را به درستی نمی‌دانم ...". در ص ۶۸۴، س ۱۰ درباره مصرع "چه ماند به نادان نواخته" نوشته‌اند: "در این بیت مقصود از نادان نواخته را چنانکه باید ندانستم".

۴-۲. این کتاب با همه ارزش‌های کاربردی، ایراداتی هم دارد که موارد زیر از آن جمله است:

۴-۲-۱. نسخه‌های مورد استفاده متن مشخص نشده است.

۴-۲-۲. توضیحات، بویژه در آغاز کتاب سامان شایسته‌ای ندارد و به دلیل آنکه از علائم ویرایشی و سجاوندی نیز بسیار کم استفاده شده، متن توضیحات پریشان‌تر می‌نماید. قسمتی از آغاز این کتاب در چهارده بخش و چهارده شماره از ماهنامه وحید چاپ شده است و چون در آنجا توضیحات هر بیت زیر همان بیت نوشته شده دریافت آن بسیار ساده‌تر است. برای نمونه می‌توان سطر پنج تا هفت از ص ۶ این کتاب را با شماره چهارم ماهنامه وحید ص ۱۳، مقایسه کرد.

۴-۲-۳. شایسته بود آقای دکتر خلیل خطیب‌رهر در چاپ سوم این کتاب (۱۳۷۴ ش) که بیست سال از زمان چاپ نخست آن هم گذشته بوده است، دست کم از نظر علائم سجاوندی و شیوه نگارشی تجدید نظری می‌فرمودند.

۴-۲-۴. برخی از توضیحات نسبت به بیت یا واژه مورد نظر مشکل‌تر است، برای نمونه: در ص ۴۸، س ۹: "کرکس" را "دژکاک" و ص ۳۴۵، س ۱۲: "صبر" را "سقمونیا" و ص ۷۲۰، س ۱۸: "سرما" را "زهریر" و ص ۶۹۹، س ۳: "جور و سرزنش" را "بیغاره" و ص ۵۵۹، س ۱۶: "جوشن" را "پشیزه" و ص ۱۰۰، س ۶، "دوک" را "ماشوره" معنی کرده‌اند و ص ۲۱۶، س ۳-۵، در معنی بیت "به گمراه گفتن نکو می‌روی جفایی تمام است و جوری قوی"

نوشته‌اند: "اگر به شخصی که در سیل ضلالت گام برمی‌دارد، بگویی که راهی مستقیم در پیش گرفته‌ای و نگویی "این ره که تو می‌روی به ترکستان است" وی را اغراء به جهل کرده‌ای و ...". و در ص ۴۷۷، س ۱، در توضیح بیت "شکرخنده‌ای انگین می‌فروخت - که دل‌ها ز شیرینی‌اش می‌بسوخت" نوشته‌اند: "نوشین تبسمی که در ضمیر هواداران آتش عشق می‌افروخت و دل‌ها به شعله محبت می‌سوخت ...". و ص ۵۶۴، س ۷، در توضیح مصرع "گر افتد به یک لقمه در معده پیچ ...". نوشته‌اند: "اگر به خوردن یک نواله امعای کسی به هم برپیچد ...". و ...

۴-۲-۵. در موارد متعدد واژه‌هایی ساده و معمولی یا ابیاتی که از نثر عادی ساده‌ترند، و هیچ نیازی به توضیح ندارند، توضیح داده شده‌اند، مثلاً: در ص ۵، س ۲۰، "پادشاهان" را "شاهان نگاه‌دار و پاس دارنده کشور" و در ص ۳۸۹، س ۵، "بلبل" را "هزارستان، هزار آوا، عندلیب، زندواف" معنی کرده‌اند و در ص ۲۸۱، س ۱۴ در معنی بیت یکی در بیابان سگی تشنه یافت برون از رمق در حیانتش نیافت نوشته‌اند:

"شخصی در صحراپی دور از آب و گیاه، سگی را تشنه و خشک دهان دید و دانست که جانور بیچاره از عطش نیم‌جان و در کار مردن است". و در ص ۳۰۵، س ۱، در معنی بیت "ندانم که گفت این حکایت به من که بوده‌ست فرماندهی در "یمن" نوشته‌اند:

"به یاد ندارم که این داستان را از که شنیدم، حکمرانی در یمن می‌زیست ...". و در ص ۵۶۷، س ۷ در معنی بیت "فرو کوفت پیری پسر را به چوب بگفت ای پدر بی‌گناهم مکوب"

نوشته‌اند: "مردی سالخورد به زخم چوب فرزند خود را سخت کوفت و آسیب رساند. پسر گفت: بابا مرا گناه ناکرده چندین میازار" و ... و این در حالی است که موارد زیادی نسبت به این موارد نیاز به توضیح داشته، ولی بدون توضیح رها شده است، از جمله: ب ۱۹۶ (فزل ارسلان)، ب ۴۸۲ (دارا)، ب ۱۲۲۶ (دیو سپید)، ب ۲۵۷۸ (مغفر) و ...

البته برخی از توضیحات، با آنکه اضافی است و موجب افزایش حجم کتاب شده است، حاوی مطالب ارزشمندی است که برآگاهی خواننده می‌افزاید موارد زیر از آن جمله است: صص ۳۰۸-۳۰۹، صص ۳۵۹-۳۶۱، صص ۳۹۴-۳۹۷، صص ۴۲۳-۴۱۹، صص ۴۲۸-۴۳۳، صص ۴۹۳-۴۹۱، صص ۵۰۸-۵۰۷، صص ۵۱۷-۵۱۵، صص ۵۴۷-۵۴۴ و ...

۴-۲-۶. برخی از نظرات نگارنده، در محل تأمل است، از آن جمله: ص ۲۲، س ۱۶ در بخشی از توضیح دو بیت:

دردد ملک بر روان تو باد بر اصحاب و بر پیروان تو باد  
نخستین ابوبکر پیر مرید عمر پنجه بر پیچ دیو مرید ...

نوشته‌اند: "در این بیت ظاهراً از "عمر" به مناسبت همنامی وی با شیخ شهاب‌الدین عارف معروف خلیفه ثانی اراده شده است ...". در این موضع از کلام و در این بیت هیچ نشانه‌ای برای انصراف ذهن به شیخ شهاب‌الدین سهروردی وجود ندارد. در این باره حسین‌علی محفوظ نوشته‌اند: "یادآور این روایت: لقی ابلیس عمرین الخطاب فصارعه، فصرعه عمر: ابلیس با عمر روبرو شد و با هم دست به گریبان شدند، عمر بر او غلبه کرد" (المتنبی و سعدی، ص ۱۴۵ - به نقل از بوستان سعدی، به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، چاپ پنجم، دی ۱۳۷۵، ص ۲۱۶). ص ۱۹۴ در معنی مصرع "که بر لاجوردی طبق بیضه‌ای" نوشته‌اند: چون تخم شترمرغی بر صحنه لاجوردی معلوم نیست "شترمرغ" از کجای مصرع بیرون آمده است! در ص ۹۵ در توضیح بیت "ملک در سخن گفتنش خیره ماند - سردست فرماندهی بر فشان" نوشته‌اند: "پادشاه از گفتار وی حیران گشت و به شگفت آمد و از خشم و سخن آمرانه و درشت گفتن دست برداشت و به نرمی گفت ...". با توجه به دو بیت بعد از این بیت

"که مجرم به زرق و زبان‌آوری ز جرمی که دارد نگردد بری ..."

و با توجه به موضع سخن، در بیت یاد شده خبر از خشم پادشاه و دستور دادن او از سر عصیانیت و ناراحتی است، نه نرمی و آرامش. در ص ۳۷۷، تصحیح "سمیلان" به "چو ثهلان" و در ص ۳۷۸ توضیح مصرع "ز سلطان به سلطان خیر می‌برند" و در ص ۴۰۵ توضیح مصرع "به دف برزدندش به دیوانگی" در ص ۷۱۳، توضیح "ستایش خداوند بخشنده را" و ... نیز قابل تأمل است.

۴-۲-۷. در بسیاری از بیت‌های بوستان شگردهای شاعرانه و آرایه‌های بدیعی و بلاغی زیبایی وجود دارد که در این شرح مانند شرح دیگر توجه‌ای به این ویژگی از سخن سعدی نشده است.



۲-۴-۸. چاپ سوم این کتاب نیز از اشتباهات چاپی در امان نمانده است، موارد زیر از آن جمله است: ص ۲۸، س ۲: سخنسیت (سخنی است) و ص ۲۵۴، س ۲: روا می‌دار (روا می‌دارد) و ص ۳۷۷، س ۱۲: تندرست (تندرو است) و ص ۲۷۴، س ۱۷: کردد (کرده بود) و ص ۷۹۸، س ۶: زمانی (زنانی) و ...

۲-۹. نشانی نمونه‌های شاهد و نقل قول‌ها و برخی از آیات مورد استناد مشخص نشده است.

۲-۳. شارح در یک مورد بر عقیده سعدی خرده گرفته و از او انتقاد کرده است، و این خرده‌گیری مربوط به حکایت "یکی مشکلی برد پیش علی ..." است. در ص ۲۵۶ در این باره نوشته‌اند: "در این منظومه، نغزگوی شیراز به صراحت به حضرت شاه اولیا نسبت خطا داده است و نگارنده در این مقام از ذکر عقاید علمای خاصه که به براهین بسیار عقلی و نقلی به وجوب عصمت در قول و فعل برائمه اهل بیت طهارت قائلند، صرف نظر کرده، گوید: تصور خطا درباره پیشوای اولیا خود محض خطا و به قول دانشمندان سنت و جماعت نیز باطل و نارواست... هر چند قاضی نورالله شوشتری کوشیده است که سخن شیخ سخن‌سنج را توجیهی وجیه کند، سعی او بی‌فایده مانده است. از اینها گذشته وصف "عدوبند کشور گشای" برای پادشاهان و فرماندهان دنیا شایسته است و به هیچ‌گونه درخور مقام ولایت مطلقه یا امارت مؤمنان نمی‌باشد..." (ص ۵۲۸).

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها** ۵-۱. معنی بیتی از بوستان شیخ اجل سعدی شیرازی، غلامعلی حقیقی‌راد، گوهر، سال چهارم، شماره ۱۰، دی ۱۳۵۵، ص ۸۸۵. ۵-۲. دیباچه بر بوستان [ ۱ ]، نصرالله کاسمی، گوهر، سال پنجم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۵۶، صص ۹۱-۸۵ (بخش نخست دیباچه است که مجدداً چاپ شده است) و شماره ۳، خرداد ۵۶، صص ۱۷۷-۱۷۳ (بخش دوم دیباچه است که مجدداً چاپ شده است). ۵-۳. معنی بیتی از بوستان شیخ اجل سعدی شیرازی، غلامعلی حقیقی‌راد، گوهر، سال پنجم، شماره ۵، مرداد ۱۳۵۶، ص ۴۱۴. ۵-۴. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۵۹، در تصحیح متن بوستان از این اثر استفاده شده است. ۵-۵. دستور زبان سعدی، نورالله ایزدپرست، دانش، ۱۳۵۹، ص: هشت. ۵-۶. هدیه‌ای از، هدیه‌ای به استاد یوسفی، بهاءالدین خرمشاهی، نشر دانش، سال دوم، شماره اول، آذر و دی ۱۳۶۰، ص ۷۱. ۵-۷. حسن روزافزون بوستان، سعید حمیدیان، نشر دانش، سال دوم، شماره ۶، خرداد و تیر ۱۳۶۱، ص ۳۴. ۵-۸. بوستان سعدی پس از مقابله ...، نورالله ایران‌پرست، دانش، سعدی، ۱۳۶۴ (چاپ سوم)، ص: چهار، هفت، هشت، نه، ده، یازده، دوازده. ۵-۹. مشرف‌الدین مصلح‌بن عبدالله سعدی شیرازی در چین، جان خوئین، ذکر جمیل سعدی، ج ۱، ۱۳۶۴، ص ۳۴۵. ۵-۱۰. سعدی‌شناسی، دکتر امیر اسماعیل آذر، نشر میترا، ۱۳۷۵، ص ۱۷۰. ۵-۱۱. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، ص ۱۹۹.

**بوستان سعدی ، با ترجمه احوال از دایرةالمعارف دکتر غلامحسین مصاحب، به خط مصطفی اشرفی، انتشارات پیام محراب، ۱۳۱۷، ۴۰۵ صفحه، قطع: وزیری، شمارگان: ۲۵۰۰.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل متن مربوط به سعدی از دایرةالمعارف مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب (رک. بخش مقاله‌ها).

۱-۲. متن بوستان با خط نستعلیق از مصطفی اشرفی (صص ۱-۳۷۶).

۱-۳. فهرست برخی از واژه‌ها همراه با معنی (صص ۴۰۵-۳۷۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. مشخص نشده است.

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. کتاب متن تمام بوستان است.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این کتاب با خط نستعلیق مصطفی اشرفی و تشعیر به چاپ رسیده است و فرهنگ واژگانی پایان کتاب استفاده آن را برای عموم آسان‌تر کرده است، اما از نظر تحقیقی برجستگی ویژه‌ای ندارد، حتی بایسته‌ترین موضوع که مأخذ کتاب است، مشخص نشده است.

**بوستان سعدی ، به اهتمام اسماعیل شاهرودی (بیدار)، خوشنویسی غلامعلی محبی‌نژاد، انتشارات فخر رازی، ۱۳۷۲، ۲۴۷ صفحه، قطع: وزیری، شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. مقدمه (صص ۳-۸).

- توضیح درباره نام، تاریخ تولد، تحصیلات، مسافرت‌ها و آثار سعدی.

۱-۲. متن بوستان به خط نستعلیق (صص ۹-۳۲۳).

۱-۳. برخی از لغات و اصطلاحات بوستان با معنی آن (صص ۳۲۴-۳۴۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان، عبدالعظیم قریب. ۲-۲. بوستان، محمدعلی فروغی.

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. کتاب متن تمام بوستان است.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در مقدمه کتاب سخن تازه‌ای نیست و متن کتاب هم برجستگی ویژه‌ای ندارد.

**بوستان سعدی ، به اهتمام محمدعلی فروغی، چاپخانه و کتاب‌فروشی بروخیم، ۱۳۱۶، ۲۷۲ صفحه (۲۶۴+۸)، قطع: رفعی، شمارگان: نامعلوم.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. مقدمه (صص: ۱ تا ج).

۱-۱-۱. اشاره به ارزش بوستان و شرح روش کار در کتاب حاضر: "... در ترتیب این نسخه هم تقریباً، همان روش تنظیم گلستان را به کار برده‌ایم؛ با این تفاوت که چون بوستان مانند گلستان در دست و پای همه کس نیفتاده و مقید به قیود شعری بوده است، کمتر دستخوش تحریف و تصرفات عمدی گردیده است و به این واسطه مجبور نبودیم یک نسخه را اصل و مینا قرار دهیم و نسخه‌بدل‌ها از نسخه‌های مخصوص برای آن اختیار نماییم، نسخه‌های متعدد از قدیم و متوسط و جدید در پیش گذاشتیم و از سه چهار نسخه که کهنه‌تر از همه بودند متابعت کردیم، و اختلافاتی را که قابل ذکر دانستیم، در ذیل صفحات آوردیم، و آنچه از ذوق و سلیقه خود تصرف جایز دانستیم این بود که در نسخه‌های کهنه موجود، آنچه را با ذوق خود موافق‌تر یافتیم، متن قرار دادیم و باقی را در نسخه‌بدل‌ها یاد کردیم، جز در جاهایی که مورد اتفاق یا اکثریت نسخه‌های کهنه معتبر بود که در آن موارد، ذوق خود را حکم نساخته، از آن نسخه‌ها کاملاً متابعت نمودیم..." (صص: ب تا ج).

۱-۱-۲. معرفی برخی از نسخه‌هایی که برای تهیه و تنظیم کتاب مورد استفاده بوده است، از آن جمله است: "نسخه متعلق به لردگرینوی (تاریخ کتابت: ۷۳۰ هجری)، کلیات متعلق به آقای دکتر محمدحسین لقمان ادهم (تاریخ کتابت: ۷۱۸ هجری)، نسخه کتابخانه هند انگلستان که در لندن عکس‌برداری شده است (تاریخ کتابت: ۷۲۸ هجری) کلیات سعدی متعلق به کتابخانه آقای حاج‌حسین آقا ملک (تاریخ کتابت معلوم نیست)، کلیات آقای عبدالحسین بحرانی که به وسیله وزارت معارف به آرامگاه سعدی اهدا کرده‌اند (تاریخ کتابت معلوم نیست)، کلیات آقای صادق انصاری (تاریخ کتابت: ۷۹۴ هجری) و .. (صص: د تا ز).

۱-۱-۳. توضیحی درباره اختلاف نسخ بوستان: "از مراجعه دقیق به این نسخه‌ها، چنین استنباط می‌شود که در آغاز که شیخ اجل بوستان را سروده، نسخه‌هایی از آن استنساخ کرده‌اند و انتشار یافته، سپس خود او در این کتاب تجدید نظر فرموده و بعضی از اشعار و کلمات را تغییر و تبدیل داده است، و چنین می‌نماید که نسخه‌های قدیمی معتبر که در دست ماست ... از روی دو نسخه اصلی استنساخ شده، با فرض این که نسخه دوم بوستان، پس از تجدید نظر شیخ بزرگوار انتشار یافته باشد، و نسخه لردگرینوی و نسخه آقای دکتر لغمان ادهم، نماینده این دو تحریر بوستان می‌توانند بود و اگر آن‌ها را اصل و در دو طرف قرار دهیم، بیشتر نسخه‌های دیگر با یکی از این دو نسخه موافقت دارند ..." (ص: ز).

۱-۲. متن بوستان با نقل توضیح نسخه‌بدها در پاورقی (صص ۱-۲۴۷).

۱-۳. فهرست تعدادی از واژه‌های دشوار به همراه معنی آنها (صص ۲۴۹-۲۴۸).

۱-۴. توضیح کوتاه درباره نه بیت از ابیات بوستان (ص ۲۵۰).

۱-۵. فهرست نام‌های خاص (صص ۲۵۱-۲۵۶).

۱-۶. فهرست حکایت‌های بوستان (۲۶۲-۲۵۷).

۱-۷. فهرست باب‌های بوستان با بیان تعداد ابیات هر باب و جمع بیت‌های بوستان (ص ۲۶۳).

۱-۸. فهرست برخی از غلط‌های چاپی (ص ۳۶۴).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. تعدادی از نسخ خطی بوستان و کلیات سعدی.

**۲. رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. کتاب متن کامل بوستان است.

**۴. اشاره:** ۴-۱. کتاب بوستان دومین کتابی است که پس از گلستان، به وسیله مرحوم محمدعلی فروغی با مقابله نسخه‌های مختلف خطی و چاپی، سامان یافته و منتشر شده است. این کتاب نیز مانند دیگر تصحیحات مرحوم فروغی از آثار سعدی، همواره مورد استفاده سعدی‌خوانان و سعدی‌پژوهان بوده است.

بازیافت نسخه‌های خطی کهن، بررسی اعتبار آنها برای دستیابی به متنی که هرچه بیشتر به نوشته اصلی سعدی نزدیک شود، از زرمندترین اقدامات در مسیر سعدی‌پژوهی است. این چاپ با آنکه از عیب و نقص خالی نیست، کاربردی‌ترین و شایع‌ترین نسخه بوستان است که تاکنون به چاپ رسیده و اغلب پژوهش‌های انجام گرفته مربوط به بوستان، از همین کتاب بهره‌مند بوده‌اند.

بی‌گمان امتیاز تقدم این کتاب بر تصحیحات دیگر بوستان همواره محفوظ خواهد بود. معرفی نسخه‌های خطی مورد استفاده و ارزیابی برخی از این نسخه‌ها، بر ارزش مقدمه کتاب افزوده است. اما دخالت ذوق مصحح در انتخاب نسخه‌بدها موجب شده که از ارزش علمی این کار کاسته شود و نبود نام و نشانی مراجع نسخه‌بدها در پاورقی، این اشکال را تشدید کرده است.

۴-۲. متن این کتاب از غلط‌های چاپی در امان نمانده است. و شمار این غلط‌ها پیش از آن است که در صفحه پایانی کتاب یادآوری شده است، موارد زیر برخی از آن جمله است که در فهرست غلطنامه نیامده است: ص ۲۴، س ۱۳: نقبشندت (نفش‌بندت) و ص ۳۳، س ۱۰: پایانم (پایانم) و ص ۷۲، س ۹: از زران فروشان (از ارزان‌فروشان) و ص ۱۴۶، س ۱۴: فرمایش (فرمایش) و ص ۱۴۸، س ۱۷: خرد (خورد) و ص ۱۶۸، س ۶: کبی (کن) و ص ۲۴۷، س ۵: مزجانشان (مزجاتشان) و ... ۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. اغلب کسانی که تاکنون در پیوند با بوستان سعدی، اثری آفریده‌اند، از نسخه محمدعلی فروغی بهره‌مند بوده‌اند. به دلیل تأثیر گسترده این کتاب، استثنائاً از یادکرد موارد، چشم می‌پوشیم.

**بوستان سعدی، به اهتمام و تصحیح و حواشی عبدالعظیم قریب، چاپخانه مجلس، دی ماه ۱۳۲۸، ۲۰۷ صفحه، قطع، رفعی، شمارگان: نامعلوم.**

**۱. مضامین اصلی:** \* کتاب از سه قسمت تشکیل شده است: مقدمه مصحح (۷۰ صفحه)، متن بوستان (۲۲۰ صفحه) و حواشی و تعلیقات (۱۷ صفحه).

۱-۱. مقدمه مصحح.

۱-۱-۱. توضیح در باره مقام بلند و اندیشه‌های بدیع سعدی (ص: ب و ج).

۱-۱-۲. معرفی سعدی از جمله نام، نام پدر، تولد، زندگی، تحصیلات، مسافرت‌ها، مرگ (ص: ج تا ه).

۱-۱-۳. توضیح درباره بوستان: "سعدی نتایج تجارب و معلومات خویش را در امور سیاست و اجتماع و کشور و لشکر در مثنوی بوستان آورده و بهترین قوانین و دستورها و نظامات را برای تکامل و ترقی نوع بشر و پیشرفت امور کشور در ضمن عباراتی بلیغ و شیوا بیان نموده (ص: و) و در مسائلی چون امور زیر داد سخن داده است:

در باب عدل و تدبیر و رای، نکوهش تملق، رعایت احوال رعایا، کیفرکارگزاران ستمکار، امنیت راه‌ها و دفع راه‌زنان، نگهداری و خوشرفتاری و آسایش بازارگان و مهمان و سیاح، رعایت خدمت گزاران قدیم و پیران، انتخاب عمال، ستایش تحمل و بردباری، رعایت احوال زندانیان، خوشرفتاری با کهنتران و زبردستان، مدارا با دشمن و هوشیاری در مقابل توطئه او، مشورت با پیران، آداب جنگ، تشویق لشکریان با شهادت، مراعات اسیران، احسان و مساعدت با بی‌بویان، سود رساندن به دیگران، تواضع، عزت نفس، سخن نیکو گفتن، مذمت سخن‌چینی، آموزش پیشه و صنعت ... (ص: و تا ل).

۱-۱-۴. بیان کیفیت مدیحه‌های سعدی: "سعدی مایل و راغب به مدح سلاطین و بزرگان نبوده چنانکه خود در اوایل بوستان بدین نکته اشاره می‌کند:

"مرا طبع از این نوع خواهان نبود سر مدحت پادشاهان نبود"

و برای آنکه بتواند حقایق و مصالح را بگوید به ضرورت گاهی به مدح می‌پردازد." (ص: لا).

۱-۱-۵. بررسی و ذکر بعضی از صنایع و محسنات بدیعی که در بوستان به کار رفته است، از جمله: "ترصیع، موازنه، ازدواج، انواع جناس، اشتقاق، حشو ملیح، قلب، حسن تعلیل، مراعات‌النظیر، ایهام‌التناسب، تفریق، تقسیم، تعدید، تنسیق الصفات، ارسال المثل، لفونشر، التفات، تضاد، ذوق‌افیتین، تشبیه، استعاره، اغراق و مبالغه، توصیف ... (ص: لب تا مه).

۱-۱-۶. توضیح درباره نام "بوستان"، باب‌های آن، تاریخ نظم و ترجمه‌ها و تصحیح‌های بوستان (ص: مه تا مو).

۱-۱-۷. بیان "سبب طبع کتاب بوستان به اهتمام نگارنده" و ذکر مهم‌ترین دلایل تغییرات و تحریفات و تصرفات متن بوستان، از جمله: بی‌سوادگی کتاب و نساخ، تصرفات ارباب ذوق و ادب مطابق سلیقه و میل خویش، مسامحه نویسندگان در نگذاشتن نقطه‌ها و علامت‌ها، ویژگی خط برخی از حروف فارسی، امکان تصرفات و تغییرات خود سعدی (ص: مه تا من).

۱-۱-۸. معرفی نسخه خطی مورد استفاده و بیان نمونه‌هایی از اختلافات آن با نسخه فروغی، در این بخش ۹۳ مورد از اختلافات نسخه‌های دیگر با نسخه اساس این تصحیح، باز نموده شده است (ص: مط تا سن).

۱-۱-۹. توضیح درباره روش تصحیح. در این بخش ۹ نسخه که در تصحیح متن مورد استفاده بوده معرفی شده است (ص: سج تا ع).

۱-۲. متن بوستان در ۲۲۰ صفحه با توضیح برخی از واژه‌ها در زیرنویس هر صفحه.

۱-۳. بعضی حواشی و تعلیقات. در این بخش ۳۲ نفر از کسانی که در بوستان از آن‌ها نامی برده شده است، معرفی شده‌اند (صص ۲۲۵-۲۲۱).

۱-۴. يك مثنوي ۳۹ بيتي بر وزن بوستان از نگارنده (عبدالعظيم قريبي)، در اندرز به جوانان (صص ۲۳۸-۲۳۶).

**۲. منابع اصلي:** ۲-۱. يك نسخه خطي قديمي كه تاريخ كتابت آن ۱۲۰۹ هـ.ق. است. ۲-۲. كليات خطي متعلق به كتابخانه فروزانفر. ۲-۳. كليات خطي كه تاريخ كتابت آن ۹۵۴ هـ.ق. است. ۲-۴. كلياتي كه سال ۱۲۴۶ هـ.ق. نگاشته شده. ۲-۵. يك كليات كهنه و قديم كه اول و آخر آن افتاده است. ۲-۶. بوستاني كه با خمسه نظامي در يك مجلد است با تاريخ كتابت ۸۴۸ هـ.ق. ۲-۷. بوستاني با خط نستعليق كه تاريخ كتابت آن ۹۴۸ هـ.ق. است. ۲-۸. بوستان طبع بمبئي. ۲-۹. بوستان به تصحيح محمدعلي فروغي. ۲-۱۰. بوستان طبع آقاي سيدمحمدجلالي ناييني.

**۳. رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. كتاب، متن تمام بوستان است.

**۴. اشاره:** ۴-۱. از اينكه يك نسخه قديمي - كه بنا بر ادعاي كاتب وتأيد و تأكيد مصحح - از روي دستخط سعدي نوشته، تصحيح و چاپ شده است، عملي ارزشمند است.

۴-۲. مطالب مقدمه كتاب گاهي به اطناپ كشيده شده است و مطالبی از قبيل موارد زیر تنها حجم كتاب را افزايش داده است: "آري مردم چاپلوس و متملق و پايه‌سراي و هرزه‌دراي به حقيقت از آزادگي و فتوت و مرددي و مروت دورند و از عزت نفس و شرافت و بزرگ‌منشي و مناعت كه بايد هر انسان حقيقي بدین خصال ستوده متحلي باشد محروم و مهجور، و چه بسيار ضرر و خطر در نتيجه گرفتار دروغ و سخنان گزاف بي‌فروغ اين دونان و فرومايگان بي‌حقيقت نالايق و دوروي ناراست منافق به كشور و مردم كشور رسیده" (ص: ح) يا "بايد بازارگانان و اهل حرفه و تجارت با مهرباني و رأفت و مردمي و نيکويي رفتار نموده و اسباب آسايش و رفاهيت آنان را فراهم کرد و دريبي آزار و ايذاء ايشان نبود و ..." (ص: ط).

۴-۳. مصحح درباره ارزش و صحت ضبط نسخه اساس خودنويسد:

"بوستان مزبور كاملاً دقت و نظر نگارنده را جلب نمود و هرچه بيشتر به مطالعه و مقابله و مقايسه با نسخ كهنه و مورد اعتماد پرداختم بيشتر بر درستي و صحت ادعاي كاتب نسخه معتقد شدم ... و اختلافاتي هم كه با نسخه هاي معتبر و محل اعتماد داشت، غالباً بهتر و به ذوق نزديك‌تر و مناسب‌تر به نظر مي‌آمد" (ص: مح) بعد از اين سخن ۹۳ مورد از اختلافات اين نسخه با نسخه فروغي را بازنموده است، كه در بسياري از آنها ضبط نسخه فروغي درست‌تر مي‌نمايد، از جمله:

ضبط فروغي:

الا تا نيچي سر از عدل وراي كه مردم ز دست نيچند پاي

قريب:

مپيچ اي پسر سر تواز عدل وراي ... (ص: نب).

\*\*\*

ضبط فروغي:

بهل تا به دندان گزد پشت دست تنوري چنين گرم و ناني نيست

نسخه قريب:

بهل تا به دندان برد پشت دست تنوري چنين گرم ناني نيست

(ص: نه)

\*\*\*

ضبط فروغي:

من از بينوايي نيم روي زرد غم بينوايان رخم زرد كرد

نسخه قريب:

من از بينوايان نيم روي زرد غم بينوايان مرا خسته كرد

(ص: نه)

همچنين است "مگو جاهي از ... (ص: نو) و "حكايبت كنند از... (ص: نو) و "تو حاصل نكردي ... (ص: نط) و "مزن بر سپاهي ... (ص: نط) و "درون فروماندگان ... (ص: س) و "نگه كرد باز ... (ص: سب) و "يكي بد كه شيرين ... (ص: سج) و ... ۴-۴. اشكال اساسي اين تصحيح ذكر نكردن نسخه بدلهاست، البته متأسفانه تا كنون بيشتر تصحيحات آثار سعدي، همين مشكل را داشته‌اند. مصحح خود مي‌نويسد:

"چون غرض و مقصود ما بيشتر از طبع اين كتاب استفاده دانش‌آموزان مدارس است از ذكر نسخه بدلها خودداري نموديم" (ص: ع).

۴-۵. نشاني مآخذ تعليقات كتاب بسيار ناقص است و اغلب مآخذ ذكر نشده است.

۴-۶. اغلاط چاپي و نگارشي فراواني در كتاب ديده مي‌شود كه به بيست مورد از آنها در صفحه غلطنامه اشاره شده است.

**۵. تأييرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. ارتباط افكار خواجه و مولانا (۳)، دكتور سيد حسن سادات ناصري، وحيد، سال ششم، شماره ۱۰، آبان ۱۳۴۸، ص ۹۸۷. ۵-۲. بوستان سعدي، پس از مقابله ... ، نورالله ايران‌پرست، دانش سعدي، ۱۳۵۲، در ص: ت به عنوان يكي از نسخه‌هاي مقابله شده معرفي شده است. ۵-۳. عذرا - انداختي، رشيد عيوضي، نشرية دانشكده ادبيات و علوم انساني تبريز، سال ۲۶، شماره مسلسل ۱۱۰، تابستان ۱۳۵۳، ص ۲۱۵. ۵-۴. اتابك ابوبكر سعد بن زنگي(۳)، دكتور سيد حسن سادات ناصري، گوهر، سال چهارم، شماره ۶، شهريور ۱۳۵۵، صص ۴۸۹-۴۸۵. ۵-۵. معني بيتي از بوستان شيخ اجل سعدي شيرازي، غلامعلي حقيقي‌راد، گوهر، ۱۳۵۶، شماره ۵، ص ۴۱۲. ۵-۶. بوستان سعدي تصحيح و توضيح دكتور غلامحسين يوسفی، خوارزمي، ۱۳۵۹، در تصحيح متن بوستان از اين كتاب بهره برده شده است. ۵-۷. حسن روزافزون بوستان، سعيد حميديان، نشر دانش، سال دوم، شماره ۶، خرداد و تير ۱۳۶۱، ص ۳۴. ۵-۸. شرح بوستان، دكتور محمد خزائلي، انتشارات جاويدان، ۱۳۶۲ (چاپ چهارم)، ص: بيست و نه. ۵-۹. جلوه‌هاي عرفان در آثار منظوم سعدي، اسماعيل حاكمي، ذكر جميل سعدي، ج ۱، ۱۳۶۴، صص ۳۰۲-۲۹۱. ۵-۱۰. سعدي، شاعر جامع و مأخذ چند حكايات از بوستان، دكتور محمد دامادي، ذكر جميل سعدي، ج ۱، ۱۳۶۴، صص ۳۶۸-۲۴۷. ۵-۱۱. بوستان سعدي پس از مقابله ... ، نورالله ايران‌پرست، دانش، سعدي، ۱۳۶۵ (چاپ سوم)، ص: چهار: شش، ده و سراسر كتاب. ۵-۱۲. گزيده قسايد سعدي، انتخاب و شرح دكتور جعفر شعار، با مقدمه دكتور حسن انوري، انتشارات علمي، ۱۳۶۹، ص ۷۲.

**بوستان سعدي ، به خط عباس مستوفي‌الممالكي، ويرايش و نگارش ديپاچه: منوچهر آدميت، انتشارات آتليه هنر، بي‌تاريخ، ۲۴۲ صفحه، قطع: رحلي، شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه.**

**۱. مضامين اصلي:** ۱-۱. پيش‌گفتار ناشر. (دو صفحه بدون شماره).

۱-۱-۱. اشاره به ارزش آثار سعدي و نفوذ آن در اثر ترجمه‌هاي مكرر در كشورهاي ديگر.

۱-۱-۲. توضيح درباره انگيزه انتشار كتاب حاضر.

۱-۲. مقدمه كتاب به قلم منوچهر آدميت (هشت صفحه بدون شماره).

۱-۲-۱. توضیح درباره نام، نسب، تخلص، تولد، مسافرت‌ها و تحصیلات سعدی.

۱-۲-۲. اشاره به آثار مختلف سعدی و توضیح درباره گلستان و بوستان و ارزش ادبی و اجتماعی این دو اثر.

۱-۳. متن بوستان سعدی به خط عباس مستوفی‌الممالکی (صص ۱-۳۴۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. بوستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. کتاب، متن کامل بوستان است.

۴. اشاره: ۴-۱. این کتاب با خط زیبای نستعلیق نوشته شده و با کاغذ عالی به گونه‌ای نفیس و شایسته به چاپ رسیده است.

تشعیر و نقاشی صادق صدوقی نیز بر زیبایی کتاب افزوده است.

مقدمه کتاب که به قلم منوچهر آدمیت به نگارش درآمده، با آنکه سخن تازه‌ای را شامل نیست، اما با بهره‌گیری از نوشته‌ها و نظرات گوناگون و انشای مناسب، گزارش جامع و سودمندی از زندگی و آثار سعدی را ارائه داده است. با این همه، شایسته بود، مأخذ متن کتاب نیز معرفی می‌شد، که اشاره‌ای هم بدان نشده است. انتشارات آتلیه هنر، گلستان سعدی را نیز به همین گونه هنری چاپ کرده است.

**بوستان سعدی (سعدی‌نامه) ، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۵ (چاپ پنجم)، ۶۲۰ صفحه، قطع: وزیری، شمارگان: ۱۱۰۰۰ نسخه. چاپ اول: ۱۳۵۹، چاپ دوم با تجدید نظر و حروفچینی ۱۳۶۳ ، چاپ سوم، چهارم و پنجم به ترتیب ۱۳۶۸، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۵.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. فهرست مندرجات (صص ۵-۹).

۱-۲. پیش‌گفتار، توضیحی درباره چاپ دوم، از جمله: "این چاپ از بوستان به صورتی مرغوب‌تر فراهم آمده، به علاوه در برخی موارد شامل تجدید نظرها و افزودگی‌هایی است. دوستان دانشمند آقایان ... از سر لطف، درج‌هایی پیشنهادهایی سودمند کرده بودند که در این چاپ تا حد امکان رعایت شده است. نکته دیگر آن که فهرست اعلام کتاب کامل شده و علاوه بر متن اعلام مندرج در توضیحات را هم در برگرفته، و نیز کشف‌الایات بوستان ... بر این چاپ افزوده گشته است" (ص ۱۰). ۱-۳. مقدمه چاپ اول؛ توضیح درباره روش کار در بخش‌های مختلف کتاب. معرفی کوتاه ده نسخه خطی مورد استفاده در تصحیح متن بوستان، قدیمی‌ترین این نسخه‌ها نسخه خطی کلیات سعدی متعلق به گرینوی بوده که تاریخ تحریر آن ماه صفر سال ۷۲۰ ه.ق. است و به عنوان نسخه اساس استفاده شده است (صص ۱۲-۱۴). معرفی بوستان‌های چاپی مورد استفاده (ص ۱۵).

۱-۴. جهان مطلوب سعدی در بوستان (صص ۱۷-۲۰).

این گفتار پیشتر از این با همین عنوان و با اندکی اختلاف در کتاب‌مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، ۱۳۵۰، انتشارات دانشگاه پهلوی، (صص ۴۲۹-۴۰۶) چاپ شده است. (رک. بخش مقاله‌ها). اختلافاتی که این گفتار با مقاله چاپ شده در کتاب مذکور دارد اختلافاتی جزئی از قبیل موارد زیر است. ص ۱۸، س ۱۹: خدا معبود و محبوب است (خدا معشوق است). ص ۱۸ بعد از سطر ۲۰ یک پاراگراف در مورد مستی و شور حذف شده است و جمله‌بندی پاراگراف بعدی نیز اندکی متفاوت است. ص ۱۹، س ۶: "خدا به تعبیر سعدی، دوستی ... (خدای سعدی دوستی...) ص ۱۹، س ۹: "به نظر سعدی پیری که از بهر خوش‌آیند مردم در طاعت باشد نه از بهر خدا ... (در نظر سعدی، پیری که از بهر مردم در اطاعت باشد ... (ص ۱۹، س ۲۸: بعد از "می‌شمارد" یک بیت اضافه دارد و اینجا حذف شده است. ص ۲۲، بعد از س ۱۵: جمله‌ای از علی دشتی را نقل و تأیید کرده که اینجا حذف شده است. ص ۲۵، س ۱۲: "مردود می‌گردد" (دوزخی می‌گردد) ص ۲۵، س ۱۳: "مردی" (فقیهی) ص ۲۵، س ۱۴: "سزاوار نمی‌نماید" (ناپسند است) ص ۲۶، س ۲۲: "در بوستان سعدی، احسان و نیکوکاری بسیار شریف است و والا ... (در نظر سعدی، احسان و نیکوکاری از هر عبادتی شریف‌تر است و والا ... (ارزش و فضیلت" (ارزش و شرف) و ...

۱-۵. متن مصحح بوستان (صص ۲۰۰-۳۳) شامل ۴۰۱۱ بیت که بر اساس ده نسخه خطی و تعدادی از نسخ چاپی سامان یافته است. "چاپ حاضر بر اساس نسخه گ [ گرینوی ] است و نسخه‌های دیگر در تصحیح به عنوان نسخه بدل مورد استفاده واقع شده است" (ص ۱۵).

۱-۶. تعلیقات:

۱-۶-۱. توضیحات (صص ۴۱۹-۲۰۳). در این بخش درباره واژه‌ها، ترکیبات و ابیاتی که از نظر مصحح نیاز به شرح و توضیح داشته‌اند، توضیح داده شده است.

نویسنده در مقدمه کتاب در این باره نوشته‌اند: "در این قسمت مقصود آن بوده که لغات، ترکیبات، اصطلاحات، نکات مربوط به قرآن‌کریم و احادیث، اشارات تاریخی، بیت‌های مبهم و هرچه محتاج به توضیح باشد، شرح گردد اما بنای این توضیحات بر کمال اختصار است و سادگی ... موضوعی دیگر که در این بخش مورد نظر بوده ذکر منابع بسیاری از افکار و سخنان سعدی از قرآن‌کریم و احادیث نبوی و معارف اسلامی و احیاناً سوابق حکایات و نکات دیگر است. اشاره به این‌گونه مطالب از آن روی بوده است که خواننده اولاً با منابع اندیشه و فرهنگ غنی سعدی آشنا شود، ثانیاً هنگام تأمل در شعر سعدی و آن منابع اصلی، نحوه اقتباس و پروراندن مطلب و شیوه بیان شاعر مورد توجه و نظر قرار گیرد. در توضیحات بوستان هر جا آیات شریفه قرآن، احادیث نبوی، امثال و حکم و ابیاتی به عربی نقل شده، ترجمه آنها به فارسی نیز همراه است تا درک آنها برای دانشجویان آسان باشد." (صص ۱۲-۱۳).

۱-۶-۲. شرح نسخه بدل‌ها (صص ۴۹۹-۴۲۰). در این بخش اختلاف متن نسخه‌های مورد استفاده مصحح (خطی و چاپی) به ترتیب ابیات نمایانده شده است. مصحح در این باره در مقدمه کتاب نوشته‌اند: "در این قسمت گاه علاوه بر ضبط کلمات یا ابیات در نسخه‌های خطی، ضبط چاپ‌های معتبر نیز، برای مزید فایده، آمده است. بعلاوه، در صورت ضرورت، دلیل اختیار هر یک از وجوه هم بیان گشته است ... در تصحیح بوستان از ده نسخه خطی به شرح زیر استفاده شده که مشخصات آنها به اختصار از این قرار است: گ: نسخه خطی کلیات سعدی متعلق به "گرینوی" که نخست در لندن بوده، بعد دست به دست شده و اکنون در کتابخانه بنیاد بودمر bodemere در ژنو نگهداری می‌شود. تاریخ تحریر این نسخه ماه صفر سال ۷۲۰ ه.ق. است و نسخه‌ای است کامل و معتبر که در این چاپ نسخه اساس قرار گرفته است.

ه. نسخه خطی کلیات سعدی کتابخانه دیوان هند در لندن که تاریخ تحریرش اول رجب ۷۲۸ ه. است و بر ورق ۳۱۰ (ر) آن نوشته شده: "منقول من خط الشیخ‌العارف ... السعدی".

آ: نسخه خطی کلیات سعدی متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۰۴۱۲، تاریخ تحریر آن ماه صفر ۷۶۶ ه. است. این نسخه نامنظم و آشفته است.

پ: نسخه خطی کلیات سعدی کتابخانه ملی پاریس به شماره Supplement Pers ۱۷۷۸. که تاریخ تحریرش دهه آخر جمادی‌الاولی ۷۶۷ ه. است.

م: نسخه خطی بوستان، کتابخانه مجلس، تهران، قرن هشتم هجری.

د: نسخه خطی کلیات سعدی کتابخانه فرهنگستان علوم تاجیکستان شوروی در شهر دوشنبه به شماره ۵۰۳. این نسخه در چند جا تاریخ دارد از این قرار: در پایان بدایع ۶۳۰، پایان گلستان ۶۵۳ و در پایان قطعات و رباعیات ۶۶۹ که اصالت آنها محل تأمل است. آقای رستم‌علی‌اوف تاریخ تحریر نسخه را بین ۶۹۱ تا ۷۲۶ (یا ۷۰۰) حدس زده و آن را نسخه اساس چاپ خود قرار داده است. پا: نسخه خطی کلیات سعدی کتابخانه ملی پاریس به شماره ۱۷۹۶. Supplement pers. بلوشه اشاره کرده است که یکی از مالکان نسخه در برگ ۲۷۳ (پ) نوشته که این نسخه به سال ۶۶۴ ه.ق. در دارالفیض شیراز استنساخ شده. در نسخه عکسی این تاریخ دیده نمی‌شود. بلوشه نیز به فرایندی در صحت آن تأمل و تردید کرده است. چ: نسخه خطی بوستان از کلیات سعدی کتابخانه چستریتی به شماره ۱۰۹ که به تاریخ‌های مختلف مربوط است. تاریخ تحریر قسمت عمده آن بعد از ۶۸۳ ه.ق. و تاریخ تحریر چند برگ آن حدود ۷۲۰ تا ۷۳۰ ه.ق. است. پر: نسخه خطی کلیات سعدی کتابخانه ملی پاریس به شماره ۱۸۱۶ Ducaurroy Supplement Pers ۱، تاریخ تحریرش ظاهراً ۷۸۶ ه.ق. است.

ر: نسخه خطی دیگری از بوستان احتمالاً مربوط به اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری، متعلق به آقای دکتر ریاحی. بدیهی است در نسخه‌های خطی کلیات سعدی مذکور در فوق، متن بوستان مورد نظر بوده است و الا نسخه‌های خطی قدیم و معتبر دیگری از آثار سعدی موجود است مثل نسخه توپینگن که تاریخ ۷۰۶ ه.ق. دارد و نسخه مرحوم دانش بزرگ‌نیا که تاریخ تحریرش ۷۲۱ ه.ق. است و به خط همان کاتب نسخه "گ" است ولی چون متن بوستان را فاقد است به کار نیامده است. علاوه بر اینها در تصحیح متن بوستان نسخه خط میر عماد معروف (به تاریخ ۱۰۱۲ ه.ق) که گراور شده (به نشانی "می") و چاپ‌های معتبر مورد نظر بوده که از برخی از آنها به نشانه‌های زیر یاد شده است:

ف: چاپ محمدعلی فروغی، تهران ۱۳۱۶. ق: چاپ عبدالعظیم قریب، تهران ۱۳۲۸. گر: چاپ و شرح‌گراف Ch. H. Graf وین ۱۸۵۸ م. ا: چاپ اسماعیل امیرخیزی، طبع دوم، تبریز ۱۳۱۲. ع: چاپ رستم‌علی‌یف، ن: چاپ و شرح محمدعلی ناصح، تهران ۱۳۵۴. د: دانش: چاپ نورالله ایران‌پرست، تهران ۱۳۵۲. از شرح گراف، بهار بوستان (تیکچند بهار، چاپ چهارم، لکهنو ۱۹۲۷)، شرح سودی (ترجمه دکتر اکبر بهروز، دو جلد، تهران، ۱۳۵۲)، شرح محمدعلی‌ناصر، شرح بوستان دکتر محمد خزائلی، چاپ تهران و توضیحات مذکور در چاپ‌های مختلف هم استفاده شده است. ترجمه بوستان به زبان‌های دیگر نیز مورد مراجعه بوده است از آن جمله: ترجمه فرانسوی باریبه‌دومنار Barbier de Meynard. C. A. پاریس ۱۸۸۰؛ ترجمه انگلیسی کلارک Wiberforce Clarke. H. لندن ۱۸۷۹؛ ترجمه انگلیسی ویکنز Wickens. M. G. تورنتو ۱۹۷۴.

۱-۶-۳. فهرست لغات و ترکیبات (صص ۵۲۷-۵۰۰). در این بخش، واژه‌ها و ترکیبات موجود در متن بوستان به ترتیب الفبایی و با ذکر نشانی بیت‌ها فهرست شده‌اند.

۱-۶-۴. فهرست اعلام (صص ۵۴۹-۵۲۸). در این بخش اعلام سراسر کتاب (متن بوستان و بخش توضیحات) به ترتیب حروف الفبا و با ذکر نشانی صفحه کتاب، فهرست شده است.

۱-۶-۵. فهرست مآخذ (صص ۵۵۴-۵۰۰). در این بخش بیش از صد مآخذ به عنوان مآخذ استفاده شده در کتاب با ذکر مشخصات کامل آنها فهرست شده است. ۷ مورد از این مآخذ فارسی نیست.

۱-۶-۶. کشف‌الابیات (صص ۶۱۲-۵۵۵). در این بخش تمام ابیات بوستان بر اساس حروف نخستین آنها به ترتیب الفبایی فهرست شده‌اند.

۱-۶-۷. تصحیح و استدرک (صص ۶۱۸-۶۱۳). در این بخش علاوه بر تصحیح برخی از غلط‌های چاپی، توضیحاتی نیز برای برخی از بیت‌ها و واژه‌ها افزوده شده است. نویسنده در پاورقی نخستین صفحه "تصحیح و استدرک" در این باره نوشته‌اند: "پس از انتشار چاپ دوم بوستان سعدی، علاوه بر برخی اصلاحات چاپی، نکاتی به نظر رسید یا برخی دوستان پیشنهاد کردند که ذکر آنها سودمند می‌نمود با تشکر از ایشان در این‌جا درج شد." (صص ۶۱۳).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. قرآن کریم. ۲-۲. نهج‌البلاغه. ۲-۳. بوستان سعدی، به کوشش اسماعیل امیرخیزی، چاپ دوم، تبریز ۱۳۱۲. ۲-۴. بوستان سعدی، تصحیح نورالله ایران‌پرست، تهران، دانش ۱۳۵۲. ۲-۵. بوستان سعدی، با شرح اشعار و حواشی، محمدعلی ناصح، تهران، انتشارات نوریانی، ۱۳۵۴. ۲-۶. بوستان سعدی، تصحیح عبدالعظیم قریب، تهران، ۱۳۲۸. ۲-۷. بوستان سعدی، تصحیح و شرح گراف، وین، ۱۸۵۸ م. ۲-۸. بهار بوستان، تیکچند بهار، چاپ چهارم، لکهنو ۱۹۲۷ م. ۲-۹. بهار عجم، لاله تیکچند بهار، هند ۱۲۹۶ ه.ق. ۲-۱۰. سعدی‌نامه یا بوستان، تصحیح رستم‌علی‌یف، تهران ۱۳۴۷. ۲-۱۱. شرح بوستان، دکتر محمد خزائلی، تهران بی‌تاریخ. ۲-۱۲. شرح سودی بر بوستان، ترجمه دکتر اکبر بهروز، دو جلد، تهران ۱۳۵۲. ۲-۱۳. کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، وزارت فرهنگ، ۱۳۲۰. ۲-۱۴. المثنوی و سعدی، دکتر حسین‌علی محفوظ، تهران ۱۳۷۷ ه.ق. ۲-۱۵. ده نسخه خطی که مشخصات آن در بخش ۱-۶-۲ (مربوط به همین کتاب) شرح داده شد. ۲-۱۶. فرهنگ‌های مختلف از جمله دهخدا، معین، نفیسی و ...

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. تمام متن بوستان، در بخش توضیحات، برای تأیید برخی از گفته‌ها به آثار دیگر سعدی نیز گاهی استناد جسته شده است.

**۴. اشاره:** این کتاب به دلیل روشمندی و داشتن فهرست‌های مختلف، برای استفاده بسیار سودمند است: در بخش نسخه بدل‌ها (صص ۴۹۹-۴۲۰) اختلاف ضبط ابیات در نسخه‌های مورد استفاده، به ترتیب ابیات نشان داده شده و اختلاف ضبط در نسخه‌های چاپی بوستان هم بر این بدل‌ها افزوده شده است. فهرست لغات و ترکیبات (صص ۵۳۷-۵۰۰)، فهرست اعلام (صص ۵۴۹-۵۲۸)، کشف‌الابیات (صص ۶۱۲-۵۵۵) بر ارزش کاربردی این شرح افزوده و آن را برای استفاده دانشجویان و پژوهشگران آسان‌تر کرده است.

۴-۲. ذکر دقیق نشانی نقل‌قول‌ها از ویژگی‌های بخش توضیحات است. در این بخش، اگر از بیتی مشهور هم استفاده شده، نشانی کامل آن نیز افزوده شده است. مثلاً در آخرین سطر ص ۲۱۱ بیت مشهور از مولوی نقل شده و نشانی آن (مثنوی، چاپ نیکلسون، ۳-۲۳۶) ذکر گردیده، همچنین است ص ۳۲۵، س ۲۱ که بیت مشهور ظهیر فاریابی، (نه کرسی فلک نهد اندیشه ...) با نشانی کامل (دیوان ظهیر فاریابی، چاپ تقی بینش، مشهد ۱۳۳۷، ص ۱۱۲) نقل شده است ... استناد مکرر با مآخذ به ذکر نشانی نقل‌قول‌ها نشان دهنده امانت‌داری نویسنده و سلامت روش کار اوست، از جمله بیش از ۸۰ بار تنها به کتاب مثنوی و سعدی از حسین‌علی محفوظ استناد جسته شده (صص ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۵۱، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۵، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۶، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۶، ۳۲۲، ۳۲۷، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۳، ۳۵۰، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۸، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۵، ۳۹۷، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۷).

۴-۳. برای پرهیز از تکرار و جلوگیری از افزایش حجم کتاب، هر واژه یا اصطلاح که یک بار توضیح داده شده، در ابیات پس از آن چنانچه لازم بوده است به نشانی پیشین ارجاع داده شده است. مثلاً تنها در ص ۴۱۷ کتاب ۱۶ بار این اتفاق افتاده است.

۴-۴. از دیگر امتیازات این شرح، ترجمه همه ابیات، امثال، آیات، احادیث و ... عربی است که متناسب با هدف شرح (استفاده دانشجویی) صورت پذیرفته است.

۵-۶. مصحح متن کتاب را بر اساس ضبط يك نسخه (گريوني) ترتيب داده و از اعمال ضبط نسخه‌هاي ديگر در متن - كه در بسياري از موارد درست‌تر از متن اساس بوده - پرهيز کرده است و در ترجيح ضبط نسخه بدل‌هاي ديگر نسبت به نسخه اساس در بسياري از موارد سكوت کرده است. به همين دليل اين نسخه نيز نسخه‌اي پيراسته و مطابق با ذهن و زبان سعدي نيست. از جمله:

۶-۶. با همه كوششي كه براي اصلاح غلط‌هاي كتاب به عمل آمده، باز هم كتاب از اين نظر خالي از اشكال نيست، براي نمونه ص ۹۲، ب ۱۴۴۷ هم‌رهمند به جاي هم‌رهند و ص ۲۳۸، س ۲۶ در بيت گلستان "خرف" به جاي "خرف" چاپ شده و در فهرست "اعلام‌بويكر" از قلم افتاده و براي نشاني "بويكر" در بيت:

برآمد همي بانگ شادي چو رعد چو شيراز در عهد بويكر سعد  
جلو ابويكر (ص ۵۲۸) نوشته شده است و ...

درباره اين اثر ارزشمند (امتيازات و اشكالات آن) مقاله‌هاي متعددي نوشته شده است كه براي پرهيز از درازي سخن از تكرار مكررات پرهيز مي‌شود. رك. تأثيرات و پاسخ‌ها در زير:

**۵. تأثيرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. هديه‌اي از، هديه‌اي به استاد يوسفي، بهاء‌الدين خرمشاهي، نشر دانش، سال دوم، شماره اول، آذر و دي ۱۳۶۰، ص ۷۱. ۵-۲. نگرشي بر متون فرهنگي - گلستان سعدي، حسين آهي، سروش، شماره ۱۵۵، شنبه ۹ مرداد ۱۳۶۱، صص ۶۸-۶۷. ۵-۳. تعهد و مسؤوليت در شعر سعدي، سيد محمد ترابي، روزنامه كيهان، پنجشنبه ۲۹ آذر ۱۳۶۳، ص ۷. ۵-۴. كاغذ زر، دكتور غلامحسين يوسفي، انتشارات يزدان، ۱۳۶۳، ص ۳۴. ۵-۵. بوستان سعدي پس از مقابله ...، نورالله ايران‌پرست، دانش، سعدي، ۱۳۶۴ (چاپ سوم)، ص چهار، پنج، هشت، ده و يازده. ۵-۶. جلوه‌هاي عرفان در آثار منظوم سعدي، اسماعيل حاكمي، ذكر جميل سعدي، ج ۱، ۱۳۶۴، صص ۲۹۱-۲۰۲. ۵-۷. زبان سعدي و پيوند آن با زندگي، ايران‌نامه (مجله تحقيقات ايران‌شناسي) سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۵۸۷-۶۲۳. ۵-۸. سعدي آموزگار فناعت، محمدمهدي ركني، ذكر جميل سعدي، ج ۲، ۱۳۶۴، ص ۱۷۴. ۵-۹. سعدي و خانه و خانواده، احمد احمدي بيرجندي، ذكر جميل سعدي، ج ۱، ۱۳۶۴، صص ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹. ۵-۱۰. سيرتي در بوستان، دكتور ايرج وامقي، نشر دانش، سال ششم، شماره اول، آذر و دي ۱۳۶۴، صص ۱۰-۱۱. عدالت در بوستان سعدي، دكتور محمد علوي مقدم، ذكر جميل سعدي، ج ۳، ۱۳۶۴، صص ۹۱-۵۷. ۵-۱۲. مقامه‌اي منظوم به زبان فارسي، جلال متيني، ايران‌نامه (مجله تحقيقات ايران‌شناسي - آمريكا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۷۲۱-۷۱۹. ۵-۱۳. نفوذ بوستان در شاهنامه، جلال خالقي مطلق، ايران‌نامه (مجله تحقيقات ايران‌شناسي)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، ص ۶۲۴. ۵-۱۴. واقع‌گرايي سعدي، سيدمحمدعلي جمالزاده، ايران‌نامه (مجله تحقيقات ايران‌شناسي)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۶۵۱-۶۵۰. ۵-۱۵. برگزيده‌ها - سعدي و عالمان دين، ايران‌نامه، سال چهارم، شماره ۳، ۱۳۶۵، صص ۴۹۷-۴۹۱. ۵-۱۶. سعدي شيرازي و هوگوي فرانسوي، مهدي آستانه‌اي، آينده، سال دوازدهم، شماره ۳-۱، فروردين - خرداد ۱۳۶۵، صص ۶۲-۵۷. ۵-۱۷. مواظ و حكم سعدي در بوستان و گلستان، دكتور ابراهيم شكورزاده، انتشارات آستان قدس رضوي، ۱۳۶۵، ص ۱۶ و در سراسر كتاب. ۵-۱۸. مآخذ چند داستان از بوستان، ابراهيم قيصري، نامواره دكتور محمود افشار جلد چهارم، تهران ۱۳۶۷، ص ۲۳۱۱. ۵-۱۹. اين گلستان هميشه خوش باشد، دكتور محمدجعفر ياحقي، نشر دانش، آذر و دي ۱۳۶۸، ص ۲۸. ۵-۲۰. گلستان سعدي، به تصحيح و توضيح دكتور غلامحسين يوسفي، خوارزمي، ۱۳۶۸، صص ۳۰، ۴۰۹. ۵-۲۱. نكته‌اي چند از گلستان و بوستان، هاشم جاويد، نشر دانش، سال دهم، شماره اول، آذر و دي ۱۳۶۸، ص ۳۹. ۵-۲۲. تحقيق درباره سعدي، هانري ماسه، ترجمه دكتور غلامحسين يوسفي و دكتور محمدحسن مهدي‌ارديبيلي، توس، ۱۳۶۹ (چاپ دوم)، مثال‌هاي بوستان در اين كتاب از نسخه يوسفي و فروغي انتخاب شده است. ۵-۲۳. تكامل يك تصوير - در حاشيه حكايه‌اي از بوستان سعدي، دكتور محمدرضا شفيعي كدكني، مجله دانشكده ادبيات و علوم انساني دانشگاه فردوسي مشهد، سال بيست و سوم، شماره سوم و چهارم، پاييز و زمستان ۱۳۶۹، ص ۲۴۷. ۵-۲۴. حاشيه‌اي بر بيتي از بوستان و گلستان، دكتور سيد جعفر شهيدي، كلك، شماره ۸، آبان ۱۳۶۹، صص ۷۴-۷۲. ۵-۲۵. سعدي معلم اخلاق، دكتور رضا مصطفوي، نشریه دانشكده ادبيات و علوم انساني، دانشگاه شهيد باهنر كرمان، دوره اول، شماره ۱، بهار ۱۳۶۹، صص ۱۴۹-۱۲۴. ۵-۲۶. بزرگواري، دكتور غلامحسين يوسفي، چشمه روشن، انتشارات علمي، ۱۳۷۰، صص ۲۳۲، ۲۳۴. ۵-۲۷. بوستان شيخ شيراز، سعدي، حسين استاد ولي، انتشارات قدياني، ۱۳۷۰ (چاپ پنجم)، در سراسر كتاب از اين اثر استفاده شده است. ۵-۲۸. دامني از گل - گزيده گلستان سعدي، انتخاب و توضيح دكتور غلامحسين يوسفي، انتشارات سخن، ۱۳۷۰، ص ۶۸. ۵-۲۹. ادبيات كلاسيك فارسي، آرتورجان آربري، ترجمه دكتور اسدالله آزاد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۱، صص ۲۱۷-۱۹۷. ۴۲۹، ۴۷۷. ۵-۳۰. بوستان سعدي - با ترجمه احوال از دايره‌المعارف دكتور غلامحسين مصاحب، به خط مصطفي اشرفي، انتشارات پيام محراب، ۱۳۷۱، ص ۳۹۴. ذيل (سميلان). ۵-۳۱. تبغ پند در نيام مدح، عبدالرضا مدرسزاده، روزنامه اطلاعات، شنبه ۱۲ دي ۱۳۷۱، ص ۶. ۵-۳۲. در آرزوي خوبي و زيبايي - گزيده بوستان سعدي، انتخاب و توضيح دكتور غلامحسين يوسفي، انتشارات سخن، ۱۳۷۱ (چاپ دوم)، اين كتاب، گزيده‌اي است از متن كامل بوستان، به تصحيح نامبرده. ۵-۳۳. گزيده گلستان سعدي، مقدمه و شرح دكتور حسن انوري، انتشارات علمي، ۱۳۷۱، ص ۳۲۲. ۵-۳۴. از چالش سعدي تا ساختار زباني و بياني شاهنامه، دكتور نصرالله امامي، مجله دانشگاه شهيد بهشتي، پژوهشنامه دانشكده ادبيات و علوم انساني، شماره ۱۳-۱۲، بهار و تابستان ۱۳۷۲، صص ۷۷-۵۸. ۵-۳۵. گزينه بوستان سعدي، انتخاب و شرح دكتور حسن انوري، نشر قطره، ۱۳۷۲، متن اين گزينه از كتاب فوق است و از شرح آن نيز استفاده شده است. ۵-۳۶. استغفار در آينه شعر و شخصيت سعدي، عبدالرضا مدرسزاده، روزنامه اطلاعات، شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۷۳، ص ۶. ۵-۳۷. پرتوي از دقايق بلاغي قرآن كريم در آثار سعدي، ميرجليل اكرمي، نشریه دانشكده ادبيات و علوم انساني تبريز، سال ۳۷، شماره يك، بهار ۱۳۷۳، صص ۶، ۸، ۹، ۱۷، ۱۸، ۲۱. ۵-۳۸. سعدي، ضياء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، (مرجع نمونه‌هاي بوستان در تمام كتاب از بوستان دكتور يوسفي است). ۵-۳۹. برگزيده و شرح آثار سعدي، پرويز اتابكي، نشر فرزاد، ۱۳۷۴، ص: هفت و هشت و در تمام كتاب. ۵-۴۰. حد همين است...، محمد حقوقي، كلك، شماره ۷۰-۶۶، آبان - دي ۱۳۷۴، صص ۲۸۰، ۲۸۱. ۵-۴۱. غزليات شيخ شيراز، سعدي، مقدمه و شرح بهاء‌الدين اسكندري، انتشارات قدياني، ۱۳۷۴، ص ۷۶۶. ۵-۴۲. مواظ و حكم سعدي در گلستان و بوستان ...، غلامرضا سوالوني، انتشارات آستان قدس رضوي، ۱۳۷۴، ص ۵ و در سراسر كتاب. ۵-۴۳. سعدي‌شناسي، دكتور امير اسماعيل آذر، نشریه ميترا، ۱۳۷۵، صص ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۵۵، ۲۸۲. ۵-۴۴. شيخ مصلح الدين سعدي [ از مجموعه شاعران بزرگ ايران - ۲ ]، فيروز اسماعيل زاده، مؤسسه كتاب همراه، ۱۳۷۵، ص ۱۴. ۵-۴۵. عطر عطار در بوستان و گلستان سعدي، دكتور رضا اشرفزاده، از كتاب قصه طوطي جان (هفت مقاله پيرامون مقايسه داستان‌هاي عطار با مولوي و سعدي)، نشر صالح، ۱۳۷۵، صص ۷۹-۶۶. ۵-۴۶. گزيده بوستان سعدي، انتخاب و شرح دكتور حسن انوري، نشر قطره، ۱۳۷۵، در سراسر كتاب (متن و شرح) از اين اثر استفاده شده است. ۵-۴۷. نگاهی به اندیشه‌هاي اجتماعي و سجاياي اخلاقي سعدي، سيد محمد ثقفی، مشکوة، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۷۵، صص ۱۲۸-۱۱۱. ۵-۴۸. بازياقت غزلي غوغايي پس از سعدي، دكتور جعفر مؤيد شيرازي، كيهان فرهنگي، سال سيزدهم، شماره ۱۳۶، فروردين و ارديبهشت ۱۳۷۵، ص ۲۲.

**بوستان شيخ اجل سعدي ، از انتشارات كميسيون ملي يونسكو در ايران ، ۱۳۶۳ ، ۲۴۳ صفحه ، قطع : وزيري ، شمارگان : ۴۰۰۰ نسخه .**

## ۱. مضامین اصلی: ۱-۱. مقدمه‌ای به قلم دکتر حسین رزمجو (صص: یک تا نه).

- توضیح درباره سال تولد، تحصیلات و مسافرت‌های سعدی (صص: یک تا دو).

- توضیح درباره آثار سعدی، از جمله:

"... گلستان سعدی زیباترین و آموزنده‌ترین اثر منثور فارسی است که به شیوه‌ای هنرمندانه آمیخته به شعر و توأم با حکایات و تمثیلات جالب در هشت باب نگاشته شده (ص: دو) گلستان سعدی، تصویری از دنیای واقعیت‌هاست. در این کتاب چهره اخلاقی و روحی انسان‌ها آن چنان که هستند، نه آن چنان که باید باشند، استادانه نگارگری شده و زشتی‌ها و زیبایی‌های موجود در جوامع بشری و تناقضات و تضادهایی که در جهان‌بینی و طرز تفکر و دلبستگی‌های طبقات و افراد مختلف وجود دارد، موشکافانه تفسیر گردیده ... اما بوستان او که زاده خیال و جهان آرمانی و مطلوب سعدی است، آکنده از نیکی و پاکی و ایمان و صفاست. در این گلزار حقیقت و معنی، انسان آن گونه که باید باشد رخ می‌نماید... گلستان و بوستان یک دوره کامل از حکمت عملی است (ص: سه).

اما اوج هنر و اعتلای ذوق سعدی را در غزلیات او باید جستجو کرد ... از جمله سجایای اخلاقی سعدی که آن را در کمتر شاعر و نویسندگانی می‌توان یافت، شهامت او در بیان حقایق و لحن عتاب‌آمیزش در برابر حاکمان و قدرتمندان زمان و دنیاداران از خدا بی‌خبر و زاهدنماهای بی‌بصر است ..."

سعدی نسبت به خلق جهان که - همه یکسره نهال خدایند - مشفق و مهربان است. او مبشر صلح و بشر دوستی است ... (صص: چهار و پنج).

- توضیح درباره کتاب حاضر: "چاپ کتاب حاضر که شامل متن فارسی و ترجمه انگلیسی بوستان سعدی است، از جمله اقداماتی است که به مناسبت برگزاری این کنگره [ کنگره بزرگداشت هشتادمین سال تولد سعدی ] از طرف کمیسیون ملی یونسکو در ایران انجام یافته و به دست‌اندرکاران ادب فارسی تقدیم شده است... متن فارسی بوستان حاضر اخذ شده از نسخه مصحح فروغی است... و اخیراً توسط فاضل محترم آقای بهاء‌الدین خرمشاهی مجدداً تصحیح و تنقیح شده... متن انگلیسی این مجموعه نیز ترجمه ایران‌شناس معروف آقای "ج - ام - ویکنز"، استاد دانشگاه تورنتو کاناداست که به تصدیق صاحب‌نظران، یکی از بهترین و کم‌نظیرترین، ترجمه‌هایی است که تا کنون در مورد ترجمه بوستان سعدی به زبان‌های خارجی انجام یافته است ... (صص: هفت و هشت)."

۱-۲. فهرست مطالب (ص: یازده).

۱-۳. متن بوستان بر اساس نسخه مرحوم فروغی (صص ۱-۱۹۹).

۱-۴. ترجمه انگلیسی مقدمه دکتر حسین رزمجو (صص I - XII).

۱-۵. متن بوستان به زبان انگلیسی (صص ۱-۲۴۴).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، ویراسته بهاء‌الدین خرمشاهی. ۲-۲. ترجمه بوستان، به انگلیسی، ج - ام - ویکنز.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. کتاب متن تمام بوستان و ترجمه آن به زبان انگلیسی است.

۴. اشاره: ۴-۱. این کتاب از اقدامات ارزنده‌ای است که به مناسبت هشتادمین سال تولد سعدی به همت کمیسیون ملی یونسکو در ایران با هیأتی شایسته و چاپی مناسب به دو زبان فارسی و انگلیسی تدوین و منتشر است.

ترجمه ارزشمند استاد ج - ام - ویکنز که متن کامل بوستان را شامل است، ارزش کاربردی این کتاب را بالا برده است. در مقدمه کتاب درباره این ترجمه آمده است:

"متن انگلیسی این مجموعه نیز ترجمه ایران‌شناس معروف، آقای "ج - ام - ویکنز"، استاد دانشگاه تورنتو کاناداست که به تصدیق صاحب‌نظران، یکی از بهترین و کم‌نظیرترین ترجمه‌هایی است که تاکنون ... انجام یافته است.

در این برگردان، مترجم غیر از نسخه مصحح فروغی که مبنای اصلی کار او بوده، از ترجمه‌های آلمانی و ترکی بوستان اثر کارل هانریش، گراف و سروری و نسخه خطی از بوستان به زبان هندی نیز استفاده کرده است ... (ص: هشت).

**بوستان شیخ شیراز سعدی ، حسین استاد ولی (تصحیح متن و شرح لغات)، ۱۳۷۰ (چاپ پنجم)، ۴۵۶ صفحه، قطع: پالتویی، شمارگان: ۱۱۰۰۰ نسخه. چاپ اول: بهار ۱۳۶۹، چاپ دوم: پاییز ۱۳۶۹، چاپ سوم: بهار ۱۳۷۰، چاپ چهارم: تابستان ۱۳۷۰.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. پیش‌گفتار مصحح (صص ۷-۸) - اشاره به انگیزه چاپ این کتاب و شیوه عمل در آن: "روش تصحیح متن و شرح لغات همان است که در مقدمه "گلستان" آورده‌ام. به علاوه آنکه در شرح لغات از شرح آقای دکتر غلامحسین یوسفی نیز بهره برده‌ام" (ص ۸).

- در مقدمه گلستان یاد شده، نگارنده به استفاده از متن کلیات، تصحیح محمدعلی فروغی و شرح دکتر محمد خزایلی اشاره کرده‌اند.

۱-۲. متن بوستان سعدی با برخی توضیحات در پاورقی صفحه‌ها (صص ۹-۴۵۶).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، ویراسته بهاء‌الدین خرمشاهی. ۲-۲. گلستان سعدی، شرح دکتر محمد خزایلی. ۲-۳. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. کتاب، متن تمام بوستان است.

۴. اشاره: ۴-۱. چاپ متون ادبی گذشته، به صورتی ساده، با شرح و توضیح مختصر، برای استفاده بهتر عمومی از اقدامات بایسته فرهنگی است. این کتاب نیز با همین منظور فراهم آمده است - اگر این کتاب از دیدگاه علمی و پژوهشی، اثری در خور توجه نباشد، اما از نظر استفاده عمومی خالی از فایده نیست.

نگارنده کتاب با استفاده از آثار دیگران، از جمله کلیات سعدی به تصحیح محمدعلی فروغی شرح بوستان دکتر محمد خزایلی و توضیحات دکتر یوسفی بر بوستان، متن بوستان را به گونه‌ای سامان داده است که برای استفاده عمومی مناسب‌تر باشد.

پندنامه سعدي، خط ميرخاني، کتابفروشي رحبي، تاريخ انتشار: نامعلوم (تاريخ کتابت: ۱۳۳۳ ش)، ۹۶ صفحه، قطع: حبيبي، شمارگان: نامعلوم.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. گزينش ۳۰ مورد از غزليات و ۲۳ مورد از قصايد سعدي با مضاميني چون "توحيد خداوند متعال، نعت نبي، نعت وصي، دعا، تسليم و رضا، مقام درويشي، مزد طاعت، رضا به قسمت، عشق و محبت، مقام صبر، تعليم و تربيت، بي وفائي دنيا، مقام آدميت، دل به دنيا بستن، کبر و ناز و عبرت، شرف مرد، سفر آخرت و..." (صص ۶۴-۱) برخي از غزليات و قصايد به صورت کامل و برخي به صورت گزيده نوشته شده است.

۱-۲. گزينش ۵۴ مورد از قطعات سعدي با مضاميني چون: توحيد، صبر بر ستم، مداح طماع، مناجات، فضيلت راستي، مهرباني با ناکسان، صفت بي ادبان، رزق مقسوم، تحذير، تاديب، تنبيه و... (صص ۷۶-۶۵).

۱-۳. گزينش ۲۳ مورد از مثنويات سعدي با مضاميني چون: ستايش پيغمبر، دوستان مجاز، اخلاق، افسوس، مذمت حرص، شکرانه قدرت، عبرت، پند و اندرز، تنبيه و تعليم، پند و... (صص ۸۸-۸۲).

۱-۴. گزينش ۱۳ مورد از مفردات سعدي (ص ۸۹).

۱-۵. گزينش ۳ مورد از مثنويات با عنوان "حکايات" (صص ۹۴-۹۰).

۱-۶. گزينش ۱ حکايت از بوستان (صص ۹۶-۹۵).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. کليات سعدي (نشاني مأخذ مشخص نشده است).

۳. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. قطعات ۵۴ بار، غزليات ۳۰ بار، مثنويات ۲۶ بار، رباعيات ۲۴ بار، قصايد ۲۳ بار، مفردات ۱۳ بار، بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. اين کتاب همان گونه که از نام آن (پندنامه) پيداست، به منظور بيان نمونه هايي از آثار سعدي با موضوعاتي چون توحيد، توکل، ديانت، شکر نعمت، عزت نفس، درويشي، دوستي، تربيت فرزند و... براي موعظه و پند فراهم آمده است و با خط زيباي حسن بن سيد مرتضي ميرخاني در سال ۱۳۳۳ قمری نگاشته شده است. از اين رو اگر چه جنبه پژوهشي ندارد، براي استفاده عمومي خالي از فايده نيست.

ت

تحقيق درباره سعدي، هانري ماسه، ترجمه دکتر غلامحسين يوسفی و دکتر محمدحسين مهدوي اردبيلي، انتشارات توس، ۱۳۶۹ (چاپ دوم)، ۴۴۲ صفحه، قطع: وزيري: شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه. چاپ اول: ۱۳۶۳.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. فهرست مندرجات (صص ۴-۳).

۱-۲. مقدمه:

توضيحات مترجمان درباره کتاب: "هانري ماسه اين کتاب را گویا به عنوان رساله دکتری خود نوشته و در سال ۱۹۱۹ در پاریس منتشر کرده است ... (ص ۵) وقتي هانري ماسه کتاب خود را منتشر مي کرد، هنوز تحقيق مستقلی با اين وسعت در زبان هاي اروپايي درباره سعدي صورت نگرفته بود ... مؤلف چنين انگاشته است که اشارات متعدد شاعر در برخي ابیات و حکايات گلستان و بوستان به نام جاها و اشخاص و نیز مسافرتها و بعضي مشاهدات و تجربه ها که از دیدار خود به قلم آورده نمودار گوشه هايي از زندگي اوست و واقعيت دارد (ص ۶) اين اثر از جمله پژوهش هاي معدودي است، که داراي جنبه ادبي و نقد است ... نکته هايي انتقادي که در خلال اين گونه مباحث طرح شده نمودار طرز نگرش پژوهنده اي است از يك حوزه فرهنگي ديگر درباره شاعر و نويسنده اي شرقي ... کليات مورد استفاده او چاپ کلکته بوده ... (ص ۷) از ديگر مزايای کتاب حاضر جنبه هاي تطبيقي آن است و مقايسه برخي از افکار و عواطف شاعرانه سعدي با نويسندگان و شاعران اروپايي ... از جمله مباحثي که در چنين تحقيقي جاي آن خالي مي نمايد، اشاره به تأثر سعدي است از شيوه و سبک سخن و مضامين پيشينيان ... (ص ۸).

۱-۳. - توضيح کوتاه مؤلف درباره انگيزه تأليف کتاب با عنوان يادآوري (ص ۱۰).

۱-۴. بخش اول شخصيت:

۱-۴-۱. فصل اول زندگاني سعدي: (با توضيحي درباره اوضاع اجتماعي و جنگ ها و آشوب هاي زمان سعدي) "اطلاعاتي که از زمان سعدي در دست داريم در واقع بسيار کم است: غير از دو يا سه شرح حال کم و بيش معمولي، بهترين منابع مربوط، مطالب جزئي جسته و گريخته اي است که خود او در آثارش آورده (ص ۱۴) نويسندگان شرح حال او را از ابتدا به سه بخش تقسيم کرده اند: سال هاي جواني و تحصيل، سال هاي جهان گردی، و سال هاي پيري و آرامش. الف: کودکی و جواني سعدي، با شرح تاريخ دوران سعدي: بنا بر عقیده اي که مورد قبول عموم است. سعدي در شيراز، مرکز ايالت فارس در حوالي سال ۱۱۸۴ م. ۵۸۰- ه. به دنيا آمد و نام او مصلح الدين يا بنا به قولی شرف الدين عبدالله يا مشرف الدين عبدالله گذاشتند (ص ۱۷). هنگام تولد سعدي حکمران شيراز، اتابک مظفرالدين تکه، سومين پادشاه از اتابکان فارس بود (ص ۲۰). درباره خانواده سعدي اطلاعات ما بسيار اندک است. بنا بر روايت تذکره دولتشاه پدر شاعر، عبدالله، در خدمت سعدبن زنگي بوده و لقب "سعدي" را از براي خود برگزيده بود. اما بيشتر احتمال دارد که خود شاعر به عنوان حق شناسي تخلص "سعدي" را انتخاب کرده باشد ... چگونگي سال هاي خردسالي اش در بوستان آمده است و از آن مي توان فهميد که پدرش از کارکنان ساده ديوان اما در رفاه بود (ص ۲۲). سعدي خيلي زود به طاعت و عبادت گرايش پيدا کرده است ... شاعر پدر و مادر خود را در کودکی از دست داده (ص ۲۴) پس از مرگ پدر و محروم شدن از تربيت وي ... در شيراز تنها ماند. اما اتابک، سعد مردی نبود که فرزند خدمتگزار پيشين خود را در سختي رها کند ... (ص ۲۶).

هنگامي که سعدي از براي تحصيل به نظاميه آمد، مدرسه، از گذشته اي پرافتخار برخوردار بود (ص ۳۱). پي بردن به اين که استادان و همدرسان سعدي در بغداد چه کسانی بودند، نسبتاً دشوار است. خود شاعر در بوستان از دو تن از استادان خود، ابن جوزي و



سهروردي نام مي برد (ص ۳۳). از دوران غزالي در مدرسه نظاميه، عرفان غلبه داشت. نهضت مخالف "فلسفه اصالت عقل" از نيم قرن به اين طرف، از شرق تا غرب قلمرو اسلامي عموميت پيدا مي کرده (ص ۳۶). در نظاميه آموزش بر طبق سنت فرقه شافعي تنظيم شده بود (ص ۳۷)، سعدي در آن هنگام بر سر د و راهه زندگي قرار گرفته بود که آيا بر طبق ميل باطني خود به شعر و شاعري بگرايد و يا تحصيلات ديني را ادامه دهد (ص ۳۸). شرح سفرهاي سعدي و نظر مستشرقين در اين باره (صص ۵۸-۳۸). ب: سالهاي مسافرت.

- توضيح درباره مسير حرکت سعدي و مکانهاي مورد بازدید او (صص ۱۰۱-۵۸).

"نمي توان منکر شد که شرح سعدي از بعضي از اين سفرها حاصل تخیل او مي نمايد. برعکس بدون دليل قاطع، طرد کردن يا مجعول پنداشتن سفرهايي که سعدي به آنها اشاره کرده است، دشوار است. مثلاً در مورد سفر هندوستان، محتمل است که سعدي به عمد درباره رویدادهاي داخل معبد مبالغه کرده باشد. اما از طرف ديگر هيچ چيزي به ما اجازه نمي دهد تايد کنیم که سعدي اين معبد را ندیده است ... (ص ۵۹) مي توان تصور کرد که سعدي سفرهاي خود را به عزيمت مجدد به سمت مشرق آغاز کرد، نه به طرف ترکستان، منتهي جهت مسافرتش به سمت جنوبي تر بود (ص ۶۰). پس از رسيدن به باميان سعدي مي توانست از شيب مقابل هندوکش پايين برود ... راه غزنه را پيش گيرد تا به سند برسد (ص ۶۴). عملاً در نوشته هاي سعدي و يا در گفته هاي شرح حال نويسان وي هيچ سندی وجود ندارد که از روي آن بتوان خط سير و منازل توقف او را از باميان تا هندوستان ترسيم کرد، از باميان به غزنه رفته است ... بعد به سند رسیده و به وسيله اي مسير رودخانه را پيموده تا به مصب آن برسد و از آنجا به سومنات رهسپار شود" (ص ۶۵).

- توضيح درباره سومنات و بررسی حکايت بت سومنات در بوستان (صص ۷۲-۶۶). "اگر به خاطر بياوريم که سعدي به طرف جنوب هندوستان رفته است، احتمال دارد که مسافرتش از راه دريا ادامه یافته است (ص ۷۳) سعدي حکايت مي کند که در جزيره کيش با بزرگانگي توانگر و ياره سرا روبرو شده است (ص ۷۴) به آساني مي توانست از کيش به زادگاه خود برود اما به نظر نمي رسد که اين راه را پيش گرفته باشد. برعکس، بعد از اقامت در جزيره کيش احتمالاً راه سفر را دوباره پيش گرفته است ... از خليج فارس تا مکه راه دريا راحت ترين راه ها بود (ص ۷۵) منطقي تر آن است که فرض کنیم سعدي از کشتي هايي که جزيره العرب را دور مي زده اند استفاده کرده باشد (ص ۷۶) ممکن است تصور شود که سعدي از براي ديدار حبشه، زيارت خود را به تعويق انداخته است (ص ۷۷) احتمال دارد که سعدي ميل نداشت واقعه طرابلس تکرار شود و با اين سبب با شتاب به سواحل عربي نقل مکان کرد ... در يمن توقف کرد (ص ۷۸) موقع سفر به سوي شهر مقدس مکه بر اثر لطف مناظره يا جاذبه زني از ساکنان شهر صنعا، در آن جا درنگ کرده است. وي درباره چگونگي ازدواج جديد خود سخني نمي گويد (ص ۷۹) طفل سعدي بر اثر مرضي که شاعر ناگفته مي گذارد، ناگهان درگذشت. امکان ندارد سعدي نخست در عدن از ک شتي پياده شده باشد تا مستقيماً از راه زميني به صنعا برود و بعد به حبشه سفر کند (ص ۸۵) از صنعا تا مکه ... سعدي راه نجد را انتخاب کرد و يك بار ديگر مناطق مقدس را زيارت نمود و سپس در جده آمد و آن جا سوار کشتي شد تا از بحرا حمر بگذرد و در آن طرف دريا به عيذاب برسد (ص ۸۱). بي گمان سعدي در مصر اقامت گزيده ... تعيين مدت اقامت سعدي در مصر ممکن نيست (ص ۸۴) ... ما مي توانيم سفر او را به مغرب در اين ايام [ زمان جنگ هاي صليبي ] تصور کنیم (ص ۸۵) سعدي مي توانست يا از راه قاهره به مغرب برود يا از طريق اسکندريه. محتمل است که وي از خط سير اخير صرف نظر نکرده باشد ... برآورد مدت اقامت سعدي در افريقيه نيز ادعائي بي مورد است (ص ۸۹) سپس از راه دريا در طول ساحل سفر کرد تا به فلسطين رسيد. کمتر احتمال مي رود که سعدي از زيارت بيت المقدس ... صرف نظر کرده باشد (ص ۹۰) به نظر مي رسد که سعدي بيت المقدس و نيز بناهاي جاويدان آن را زيارت کرده باشد ... پيش از بازگشت سعدي به شيراز، شامات که بسيار نزديک بود بايست بار ديگر توجه او را جلب کرده باشد ... سعدي به سوي دمشق رهسپار شد و در طول ساحل سفر کرد اما به احتمال قوي به طي دره اردن از طريق طبريه ادامه داد (ص ۹۲) سعدي در دمشق علاوه بر امنيت، فرصت مطالعه و بحث با دانشمندان را نيز به دست آورد (ص ۹۳) از بندر اسکندرون، در غرب طرسوس و سلسله جبال توروس در کيليكيه، عزيمت کرد. سپس مسير انحناي رودخانه فزل ايرماق کنوني را پيش گرفت تا، بين شهرهاي سامسون و سينوپ، به درياي سياه برسد. (ص ۹۵) سعدي در مراجعت کدام مسير را برگزيده است؟ سؤالي است بسيار باريک و بجا ... باز سعدي يك بار ديگر درازترين راه را پيش گرفته است " در خاک بيلقان برسيدم به عابدي " (ص ۹۸) پس سعدي به اين انحراف طولاني مسير تن در داد و به ترتيب از قرمان، ارمنستان و قفقاز گذشت و سرانجام در ناحيه آذربايجان وارد ايران شد (ص ۹۹) به احتمال زياد وي از راه اردبيل از آذربايجان، و از طريق زنجان و سلطانيه از جبال گذشت و به سمت شرق رهسپار شد ... " (ص ۱۰۱). ج: دوران کهولت شرح زندگي سعدي پس از بازگشت از سفر: (صص ۱۰۹-۱۰۲).

"سرانجام، در حالي که قلب سعدي مي تپيد، شيراز جلو چشمان او نمايان شد (ص ۱۰۲). تا اين زمان سعدي فقط اشعاري به صورت مجزا سروده بود؛ در طي دو سال دو شاهکار شعر اخلاقي او يعني بوستان در ۶۵۰ هـ. ق. خاتمه يافت و گلستان که سال بعد به اتمام رسيد و اين دو کتاب نام سعدي را جاودان کرد (ص ۱۰۳). سعدي اين همت را داشت که غالباً در تار و پود حله مديحه رشته اي از اندرز اخلاقي نيز درج کند (ص ۱۰۴). ابوبکر ششمين اتابک سلغريان واقعاً در خور ستايش سعدي بود (ص ۱۰۵). سرانجام، سعدي به آسايش و آرامش رسيد. بنا به نوشته جامي، نويسنده شرح حال او، در خانقاهي واقع در بيرون شهر و نزديک بقعه شيخ عبدالله بن خفيف سکني گزيده و از آن جا بيرون نمي آمد و با مردم بسيار کم مراوده داشت (ص ۱۰۶) رجال بزرگ با اشتياق به ديدارش مي رفتند و سعدي خود را در حمايت اتابکي دوستاندار ادب مي ديد" (ص ۱۰۷).

- شرح اوضاع اجتماعي زمان سعدي، حملات مغول، و انقراض عباسيان با تسخير بغداد و شرح وضعيت حکومت هاي محلي اتابکان و بررسی زندگي سعدي در اين زمان (صص ۱۲۰-۱۰۸).

- توضيح درباره دوره آخر زندگي سعدي، از جمله:

"بالاخره وضع ناآرام فارس، سعدي را به انزوا واداشته بود و خود شاعر نيز علاقه اي نداشت که از آن گوشه نشيني دست بردارد. مع هذا، ممکن است براي آن که به دربار تيريز برود، يك بار اين انزوا را ترک گفته باشد (ص ۱۲۱). رفته رفته سعدي، با وجود مقامی نسبتاً روحاني، شاعري رسمي مي شود (ص ۱۲۳). با در نظر گرفتن سن سعدي مسافرت به تيريز را مشکل بتوان پذيرفت (ص ۱۲۴). تاريخ وفات سعدي موضوعي بسيار مبهم و بحث انگيز است، زيرا شرح حال نويسان ايراني درباره دو تاريخ وفات به دو دسته تقسيم شده اند. بعضي هفدهم ذوالحجه ۶۹۰ هـ. ق. را و ديگران شوال ۶۹۱ هـ. ق. را تاريخ وفات شاعر مي دانند (ص ۱۲۸). سعدي در بحبويه اشتها از دنيا رفت و شهريتي پايدار از خود به جا نهاد ... ديري نگذشت که مرفد او زيارتگاه شد" (ص ۱۲۹).

- اشاره اي به نظر جهانگردان درباره آرامگاه سعدي (صص ۱۳۱-۱۳۰).

۲-۴-۱. فصل دوم کلیات، چاپ کلکته (صص ۱۶۴-۱۳۲).

- توضيح درباره کلیات سعدي، چاپ کلکته با بررسی برخي از آثار سعدي از جمله خيثات و مضحکات و قصايد عربي ...: "بنا به عقیده اي که عموماً مورد قبول است، کلیات سعدي که در دو جلد بزرگ در کلکته به چاپ رسیده است، نمودار تطبيق و تنظيم علي بن احمد ابوبکر بيستون است ... تقريباً نيم قرن پس از وفات سعدي، براي نخستين بار کلیات او را گردآوری کرد ... وي در سال ۷۳۶ هـ. ق. مجموع قصيده ها و غزل هاي شيخ را به ترتيب حروف الفبا مبني بر حرف اول هر يك مرتب کرد، سپس نه سال بعد، اين ترتيب را بر هم زد و اشعار را بر حسب حرف آخر ابیات [ روي ] تنظيم نمود (ص ۱۳۲). هيچ وسيله اي وجود ندارد که بتوان حتي به تقريب و تخمين، كيفيت تحول شعري سعدي را مطالعه و بررسی کرد. پس بايد کلیات شيخ را يك جا و به صورت يك پارچه مورد مطالعه قرار داد (ص ۱۳۳).

تا زمان انتشار چاپ کلکته (۱۷۹۱ م. - ۱۲۰۵ ه. ق.). سعدی را در اروپا فقط از روی گلستان و بوستان می‌شناختند ... چاپ کلکته مشتمل بر چهارده کتاب منظوم است و نیز چند رساله به نثر و گلستان و یک دفتر مطایبات (که هر دو نثر آمیخته با شعر است) نیز بر آن چهارده کتاب افزوده شده است" (ص ۱۳۴). اشاره‌ای به محتوای رساله‌های مضحکات و خیثات (صص ۱۳۹-۱۲۸).

بررسی برخی از نظرات درباره اشعار عربی سعدی (صص ۱۴۱-۱۴۰). اشاره‌ای به ملعمات سعدی (صص ۱۴۲-۱۴۳). اشاره به غزلی چند زبانه از سعدی (این غزل در کلیات چاپ فروغی نیست): "در صفحه ۶۳، چاپ کلکته غزلی چند زبانه وجود دارد که موضوعش هوس‌بازی معشوق است. باخر شرق‌شناس، این غزل را بررسی کرده، موفق شده است، هویت هر یک از ابیات را مشخص نماید. یازده بیت اول فارسی است و ابیات بعدی به ترتیب ترکی شرقی، یک زبان مغولی (مغولچه) که در واقع همان زبان ترکی است، عربی، کردی، گویش ایچ، گویش کازرون، ترکی آسیای صغیر، لری، گویش‌های کاشان، کرمان، اصفهان، قزوین، خراسان، زبان هندی، گویش شیرازی و زنگی. پس اگر زبان فارسی ادبی را کنار بگذاریم، در این چند بیت شانزده گویش گرد آمده است (ص ۱۴۴). سراینده اشعار چند زبانه‌ای که در بالا بحث شد، بی‌گمان سعدی است و سرودن این گونه اشعار دلیل این نیست که سعدی حتماً با همه گویش‌هایی که به کار رفته آشنایی داشته است" (ص ۱۴۵).

- توضیح درباره قصاید سعدی (صص ۱۴۷-۱۴۶). "برخی از آنها کاملاً غنایی است و برخی نیز روح اخلاقی دارد و سرانجام، بقیه نیز در مدح است. عموماً در قصاید، عنصر غنایی کمتر از عنصر تعلیمی است (ص ۱۴۶). اشعاری که قسمت مرثی را تشکیل می‌دهد، نیز نسبتاً متنوع می‌نماید" (ص ۱۴۷).

- توضیح درباره غزلیات (صص ۱۵۲-۱۴۸). "اشعاری که بر اثر آنها شاعر به سائقة الهام، آزادانه سخن می‌گوید، غزل‌های واقعی است که بر طبق چاپ کلکته در چهار مجموعه مندرج است ... به عقیده هم‌وطنان سعدی، بهترین اشعار غنایی وی در این چهار مجموعه درج است (ص ۱۴۸). عنوان نخستین مجموعه غزلیات طبیات است که ۳۹۹ غزل دارد... و در ۲۵ بحر متفاوت سروده شده است (ص ۱۴۹). عنوان دومین مجموعه غزل، بدایع است که ۱۹۲ غزل دارد (ص ۱۵۰). سومین کتاب غزل مجموعه خواتیم است و شامل ۶۳ غزل است ... خواتیم در اوج تکامل غزل‌سرایی سعدی قرار دارد (ص ۱۵۱). چهارمین مجموعه به نام غزلیات قدیم از نظر محتوا کم‌اهمیت‌تر است" (ص ۱۵۲).

اشاره‌ای کوتاه به رباعیات، مفردات و مقطعات (صص ۱۵۳-۱۵۲).  
- توضیح درباره صاحبیه [ در چاپ فروغی صاحبیه و مقطعات به هم آمیخته شده زیر عنوان قطعات در قسمت مواظ جمع گشته است ] نقل عبارتی از "باخر" برگرفته از مقدمه‌ای که او بر صاحب نامه (صاحبیه) نوشته: "صاحب نامه شیوه‌ای برای نوشتن یادداشت‌های روزانه شاعرانه است که در آن نباید یکدست بودن محتوا و توالی قطعات مستقل را انتظار داشت" (ص ۱۵۵).  
- توضیح درباره بوستان و شروع آن (صص ۱۶۰-۱۵۶). "بوستان در سال ۶۵۵ به پایان رسید و شاهکار سعدی است. شارحان ترک تصور می‌کنند که از روی بعضی قطعات بوستان، می‌توان استنباط کرد که کتاب در دمشق تصنیف شده است نه در ایران (ص ۱۵۶). این کتاب یک حماسه است، زیرا بوستان در حقیقت با حکایاتی که دارد یک حماسه اخلاقی است ... در بوستان یک جریان عرفانی بسیار قوی‌تری وجود دارد (ص ۱۵۹). برای شرق شناسان بوستان بیش از گلستان استعداد شرح و تفسیر دارد" (ص ۱۶۰).  
- توضیح درباره گلستان و مقایسه آن با بوستان (صص ۱۶۴-۱۶۰).

"اهمیت گلستان که یک سال بعد از بوستان نوشته شده است، کمتر است. بر روی هم گلستان نوعی بوستان منتهی فاقد جنبه عرفانی آن است (ص ۱۶۰) گلستان [ از نظر زمانی ] نسبتاً سریع‌تر نوشته شده است (ص ۱۶۱) دو باب گلستان (پنجم و ششم) و خیثات، لکه‌ای در کلیات سعدی محسوب می‌شود ... بر روی هم اگر بوستان و گلستان یک اساس مشترک دارند، در صورت (فرم) و اندیشه با هم متفاوتند" (ص ۱۶۴).

۱-۵. بخش دوم: اندیشه‌ور.

۱-۵-۱. فصل اول: مرد اجتماعی (صص ۲۰۷-۱۷۰):

- توضیح درباره مسائل اخلاقی، تربیتی و اجتماعی در آثار سعدی، از جمله: "پایه اخلاق اجتماعی سعدی وارستگی است، برای این که بشر به نیک‌بختی برسد پیوسته باید بکوشد تا خود را نه تنها در برابر نفس خویش بلکه از دیگران نیز مستغنی سازد (ص ۱۷۵). از برای حفظ وارستگی همیشه باید به قناعت روی آورد (ص ۱۷۸). رعایت و احتیاط به طور مؤثر موجب حفظ آزادی شخصی است یعنی نمی‌گذارد شهوت بر انسان غالب آید (ص ۱۸۳) پیش از سخن گفتن نه تنها باید اندیشه کرد، بلکه باید مهلت داد تا طرف سخن خود را به پایان برساند. اسرار را باید برای خود در دل محفوظ داشت (ص ۱۸۵). سعدی به وضوح طرفدار پادشاهی و نظم است (ص ۱۸۷) امیر باید مواظب باشد که هرگز از تسلط بر نفس غفلت نرزد ... برای این که همیشه جمعیت خاطر داشته باشد، باید قناعت پیشه کند (ص ۱۸۸) اگر عدالت در میان نباشد کرم‌پیشگی از بین خواهد رفت ... انسان نه تنها باید در حق نیک‌خواهان نیکی کند، بلکه اگر موقع را مناسب یابد، با بداندیشان نیز باید خوبی روا دارد (ص ۱۸۹). از جمله وظایفی که سعدی جای جای در اشعارش از برای فرمانروا توصیف می‌کند می‌توان چهار مقوله را ... بیان کرد: الف: وظیفه در برابر رعایا. ب: وظیفه در برابر دستگاه حکومت. ج: وظیفه در برابر دشمنان ملک. د: وظیفه در برابر خداوند" (ص ۱۹۰).

۱-۵-۲. فصل دوم مرد شریف: (صص ۲۲۲-۲۰۸)

- توضیح درباره رساله کریم‌ا و آثار دیگر سعدی که متضمن مسائل اخلاقی است: "علاوه بر آثار سعدی که در کلیات چاپ کلکته مندرج است، از قرن پانزدهم میلادی [ نهم هجری ] رساله‌ای نیز که گرایش اخلاقی دارد و به عنوان پند نامه یا کریم‌ا (بنا به نخستین کلمه رساله). مشهور است، به وی نسبت داده‌اند. به این رساله ... گاهی با نظر بی‌اعتنایی می‌نگرند. مع‌هذا رساله درخور شأن سعدی است: بی‌آن که از سبک عالی ادبی رساله سخنی بگویم، باید یادآوری کنیم که در این رساله مبانی اخلاقی مطرح است که به فلسفه اخلاقی شاعر شیراز بسیار شبیه است" (صص ۲۰۹-۲۰۸).

- شرح موضوعات اخلاقی موجود در کریم‌ا از جمله مناجات خدا، پاکدامنی، عدالت، کرم، تواضع، پرهیز از تکبر و دروغ و حرص و جهل (صص ۲۱۲-۲۰۹).

- ذکر فضایی که در کلیات سعدی بر آنها تأکید شده است و توضیح درباره آنها با استناد به آثار سعدی، از جمله: شهامت واقعی و رادردی، نیکویی، بخشایش، صدقه اخلاقی، همدردی با مصائب دیگران و ... از جمله: "انسان به همان نسبت سزاوار نیکی است که خود درباره دیگران نیکی کرده است (ص ۲۱۳) کسی که چیزی ندارد تا به عنوان صدقه به اطرافیان خود بدهد، صدقه اخلاقی باقی است، یعنی همدلی و همدردی (ص ۲۱۴) دل هرگز نمی‌میرد، به شرط آنکه تمامی آن به روح انسانی معطوف نگردد (ص ۲۱۶). قناعت و رضایت به سرنوشت اصولاً وسیله‌ای واقعی است که بشر با پاک‌ی و خوش‌ی زندگی کند ... این حقیقت را سعدی هنگامی بیان می‌کند که بشر را در برابر هم‌نوعان خود قرار می‌دهد (ص ۲۱۷) راه راست این است که درباره دیگران سماحت و سعه صدر داشته باشیم و به همان نسبت، در مورد خویشتن سخت‌گیری کنیم (ص ۲۲۰) سعدی که اهل تحمیل عقیده نیست مکتب کمال اخلاقی را ... در دو یا سه بخش از کلیات خود متمرکز کرده است ..." (ص ۲۲۲).

۱-۵-۳. فصل سوم: مرد خدا (صص ۲۴۷-۲۲۱):

- توضیح درباره شخصیت عرفانی و معنوی سعدی، از جمله: "سعدی، طی سال‌های تحصیل در نظامیه بغداد، تحت تأثیر فراوان عارفان معروف، بخصوص سهروردی قرار داشت. اما وی فقط از نفوذ عارفان متأثر نبود. سایه امام محمد غزالی بزرگ، هنوز بر مدرسه نظامیه حکومت داشت (ص ۲۲۳) وقتی مطالبی را که نقشه معین و بدون تعیین روش تحقیق در کلیات سعدی پراکنده است، گرد

آوریم، می‌توانیم خط مشی را که غزالی ترسیم کرده است در کلیات سعدی، دقیقاً ببینیم. به نظر سعدی اخلاق، درست به عرفان منتهی می‌شود (ص ۲۲۴) منتهی سعدی تقریباً تمامی این اخلاق را از عقل سلیم خود و با تکیه بر تجربه و نیز چند شعار مقبول مردم به دست آورده است، در مقابل، عرفان وی، کاملاً خاص خود او نیست؛ این عرفان، با تعدیلی که گذشت سال‌های عمر در آن پیش آورده است، همان درس‌های بغداد بود، اما سعدی بر اثر نبوغ خود عرفانی را که دور از دسترس و در آسمان جا گرفته بود به ترتیبی بر روی زمین آورد، وی کوشید تا این عرفان را در دسترس اشخاص عادی قرار دهد ... اگر از يك نظر، منطق الطیر و مثنوی معنوی، حماسه‌های عرفان عالی در اسلام است می‌توان بوستان را حماسه عرفان متوسط نامید" (ص ۲۲۵).

- مقایسه افکار صوفیانه سعدی با دیگران: "بر روی هم اخلاق دینی سعدی مانند اخلاق اجتماعی او اصولاً عملی است. سعدی در کلیات خود از آخرین دست آوردهای صوفیان، که در برابر صورت‌های مختلف اعتقادات دینی تعصب نمی‌ورزند و خیر و شر را از لحاظ نظری با هم مساوی می‌گیرند، کلمه‌ای به قلم نمی‌آورد. در بسیاری از موارد دیگر نیز سعدی به وضوح از صوفیان جدا می‌شود. سعدی برای نام و آوازه نیک اهمیت کامل قائل است و حال آن که مولوی به آن وقعی نمی‌نهد. سعدی عشق بشری را قبول دارد در حالی که عطار در منطق الطیر این عشق را با تحقیر رد می‌کند ... (ص ۲۴۴). سعدی عرفان را فقط برای معنویت بخشیدن به اندیشه‌های اخلاقی که تجربه‌اش به او تلقین کرده است، به کار می‌برد" (ص ۲۴۵).

۱-۶-۱. بخش سوم هنرمند

۱-۶-۱. فصل اول: روش ترکیب کلام (صص ۲۶۲-۲۵۲): "شیوه اصلی ترکیب کلام سعدی چنین به نظر می‌آید: نخست يك حقیقت اخلاقی را بیان می‌کند، سپس آن را با يك سلسله تمثیل‌ها به نوعی مجسم می‌سازد (ص ۲۵۲). کلیات سعدی توالی پیوسته اندیشه و تصویر است (ص ۲۵۲) سعدی، درست مانند رمانتیک‌های فرانسوی، شیوه تضاد را به کار می‌برد و می‌داند که چگونه تأثیر جملات کوتاه و دقیق را که گاهی نسبتاً موفق است، بیشتر سازد. شیوه دیگر سعدی این است که اندیشه‌ای را مطرح می‌کند و دلایل موافق و مخالف را با هم بیان می‌کند... اما در مورد اشخاص داستان، سعدی با شیوه‌ای که رایج قرون وسطی از آن به مشام می‌رسد، نه تنها افراد بشر و زنده‌ها را به سخن می‌آورد، بلکه حیوانات و حتی اشیاء را نیز به حرف زدن وامی‌دارد" (ص ۲۵۵).

- اشاره به منابع فکری سعدی در حکایت‌های گلستان و بوستان (صص ۲۶۱-۲۵۵). انتقاد از برخی حکایت‌های گلستان و بوستان از نظر نظم منطقی و محتوای آنها. (صص ۲۶۲-۲۶۱).

۱-۶-۲. فصل دوم مایه‌های مهم شاعرانه (صص ۲۷۹-۲۶۴):

- انتقاد از برخی آثار سعدی از جمله، "سعدی فقط يك بار بر اثر تحریک عیب‌جویی پراکنده‌گویی، بر خلاف نبوغ جلیلی خود گام برداشت و در شیپور شعر قهرمانی در بوستان دمید ... و کاملاً درک می‌کرد که سرودن این نوع شعر حماسی کار او نیست. قصاید رسمی و مدایح سعدی نیز که بیشتر به لحن واحدی سروده شده است و اکثر کسالت‌آور است، دیگر امروز بجز نتایج تاریخی متضمن فایده‌ای دیگر نیست. عیب دیگری که در اشعار غنایی سعدی دیده می‌شود، این است که در آنها پیوسته به موضوعات اخلاقی اشاره می‌کند" (ص ۲۶۵).

- اشاره به برخی از ویژگی‌های سروده‌های سعدی (صص ۲۷۹-۲۶۶). ۱-۶-۳. فصل سوم: نظاره جهان (صص ۳۰۲-۲۸۰): "اگر کلیات سعدی را با دقت بیشتر بخوانند ... این احساس به خواننده دست می‌دهد که اگر سعدی از نظر شاعری بر روی هم در حماسه به فردوسی، در غزل به حافظ و در عرفان به مولوی نمی‌رسد، در عوض، در نظاره نکته‌بینانه زندگانی مردم عصر خویش از همه آنان بالاتر است ... با خواندن آثار سعدی خصوصیات، عادات و رسوم به دست می‌آید که برشمردن آنها ممکن نیست. اما چون این خصوصیات را دسته‌بندی کنیم، تقریباً، بی‌نیاز از هر مقدمه، نوعی جدول مشخصات شهر کوچک شیراز به دست می‌آید" (ص ۲۸۱).

- شرح وضع اجتماعی دوره سعدی با ذکر جزئیات آن به گونه‌ای خیالی با استناد به آثار سعدی (صص ۳۰۲-۲۸۱) و نتیجه اینکه: "بی‌گمان اطلاعات چندی که سعدی در خصوص زندگی عمومی زمان خود به دست می‌دهد صرف نظرکردنی نیست، اما نباید فراموش کرد که سعدی پیش از هر چیز شاعر است و ارزش وی را نباید با واحد اندیشه سنجید، بلکه آن را باید از روی جهانی بودن سعدی برآورد کرد: سعدی احساسات خاص زمان خود را خیلی بیش از افکار با شیوه‌های متفاوت به درشتی یا به نرمی بیان می‌کند. چون بیان این احساسات تقریباً همیشه با تصویرها توأم است، پس باید وسایل بیان شاعرانه وی را مورد مطالعه قرار دهیم" (ص ۳۰۲).

۱-۶-۴. فصل چهارم: وسایل بیان (صص ۳۳۱-۳۰۲): الف: سبک: توضیح درباره سبک سخن سعدی، از جمله: "اگر از سبک سعدی چند مورد ضعف را حذف کنیم، این سبک از حد کمال چندان دور نخواهد بود و به واسطه همین کمال سبک می‌توان بعضی از قطعات دیوان را نیز که عاری از معنی و حاوی افکاری پیش پا افتاده است تحمل کرد (ص ۳۰۴). تصویرها و صور خیال، رکن وسایل بیان او را تشکیل می‌دهد و مطالعه سبک سعدی بر روی هم همان مطالعه صور خیال است ... تمام لذت سبک سعدی از پیوند اندیشه‌ها با هم سرچشمه می‌گیرد و این لذت به اندازه‌ای عالی است که حتی ترجمه نیز آن را از بین نمی‌برد ... اندیشه و تصویر چنان با هم آمیخته است که خواننده از خود می‌پرسد آیا امکان دارد که اندیشه‌ای بدون تصویر ملموس به مغز سعدی خطور کرده باشد؟ (ص ۳۰۵) در گفتار سعدی اگر تصویر بر اندیشه اخلاقی متکی نباشد، نیروی خود را از دست می‌دهد ... سعدی در انتخاب تصویرها همواره دقت لازم را مبذول نمی‌دارد. گاهی درباره يك اندیشه، در حکایتی واحد، دو تصویر کاملاً متفاوت به کار می‌برد... یا این که در حکایت‌های مختلف، برای موضوعی واحد تصویرهایی متفاوت به کار می‌برد که اگر آنها را گرد آورند عدم انسجامی دیده می‌شود" (صص ۳۰۷-۳۰۶).

- نقد برخی از تصویرها در سروده‌های سعدی (صص ۳۱۱-۳۰۵).

- شرح منابع الهام سعدی در تشبیهات و استعاره‌ها (صص ۳۲۳-۳۱۲).

"نخستین منبع، طبیعت و مظاهر گوناگون آن است: آفتاب، ماه، شب، ابرها، آب‌ها و ... (ص ۳۱۲). استعاره‌هایی که در آنها از مضامین مربوط به حیوانات مدد گرفته شده است، تنوع بیشتری دارد یا لاقلاً فراوان‌تر است (ص ۳۱۷). سرانجام باید دانست که سعدی از اشیا و نیز از اعضای بدن انسان استعاره بیشتر از تشبیه ساخته است (ص ۳۱۹). سعدی به معنی تام کلمه شاعر محض نیست، بلکه فقط شاعر اخلاقی است: گاهی تصویرهایی ملموس طرح می‌کند تا خوانندگان خود را نسبت به "اندیشه" حساس‌تر سازد، اندیشه‌ای که خود آن را بسیار روشن درک کرده است: گاهی نیز برای واقعیت بخشیدن به اندیشه‌ای که به دشواری از اعماق روح او سر بر آورده است، از تصویر یاری می‌جوید (ص ۳۲۱). اندیشه کاملاً عریان و تقریباً عاری از تصویر بندرت و به صورت غیرمترقب در شعر سعدی پدیدار می‌شود" (ص ۳۲۳).

ب: زبان و اوزان عروضی: " [ زبان سعدی ] کاملاً همان زبان ادبی اصیل (کلاسیک) محض است؛ اگر ادیبان در زبان سعدی سرمشقی می‌بینند، در عوض زبان شناسان آنچه را لازم دارند در آن نمی‌یابند" (ص ۳۲۳). بررسی برخی از ویژگی‌های زبانی در آثار سعدی (صص ۳۲۷-۳۲۴).

"در مورد اوزان عروضی، سعدی در سرتاسر دیوان خویش همه بحر شناخته شده عصر خود را به کار برده است (ص ۳۲۷). سعدی همواره قواعد عروضی را مراعات نمی‌کند: گاهی قصیده و غزل را يك جا گرد می‌آورد. مثلاً دو بیت نخستین قصیده‌ای (مواعظ ۳۱) هم از برای مقطع قصیده‌ای مناسب است و هم از برای مطلع غزلی ... در بسیاری از رباعیات سعدی، هر چهار مصراع قافیه دارد اما در گلستان که ملمعی از شعر و نثر است، گاهی وی يك قطعه نثر مسجع می‌افزاید. شعر سعدی با همه هنر او همیشه از نقص مصون نمانده است. اما آن را با وارد کردن کلمات زاید پوشانده است" (ص ۳۲۸).

۱-۷. نتیجه (صص ۳۴۸ - ۳۳۳)، سعدی از ساختمان جسمی خود طبیعتاً کم سخن گفته و تنها به تعیین علامت مشخصه‌ای که به ظاهر همان لاغری است بسنده کرده است (ص ۳۳۳). دارای عقلی سلیم بوده، در مقابل چنین به نظر می‌رسد که معلومات علمی وی چندان وسعتی نداشته است ... کمیگر ... معتقد است که سعدی علاوه بر مسافرت‌های دور و دراز که انجام داده، همه زبان‌های مشرق زمین و حتی زبان لاتینی را نیز می‌دانسته است (ص ۳۳۳). به نظر می‌رسد که به پزشکی چندان عقیده‌ای نداشت ... در مقابل به هنر، کاملاً عشق می‌ورزید ... به نظر می‌رسد زن‌ها را چندان دوست نمی‌داشته و نمی‌توانسته ازدواج‌های بدفرجام خود را فراموش کند (ص ۳۲۴).

اساس خلیفات سعدی، وی را مردی شریف و خشنود نشان می‌دهد... از دروغ وحشت داشت ... از زهد فروشی می‌گریخت ... در چشم او پست‌ترین عیوب، غیبت بود ... هرگز هوا و هوس مال و منال را در دل نداشت (ص ۳۲۵). در بوستان در کنار اشعار تفاخرآمیز، ابیاتی حاکی از فروتنی و تواضع درج است که در دل خواننده می‌نشیند (ص ۳۲۷). بهترین دلیل ایمان سعدی به دین اصیل همان ناراحتی است که وی نسبت به همه غیرمسلمانان ابراز می‌دارد (ص ۳۲۸) سعدی تابع شریعت بود و این عدم تسامح جزئی نباید موجب شود که سعه صدر و وسعت اندیشه‌ای که در کلیات او منتشر است فراموش گردد (ص ۳۴۰). اگر مثوی کسل‌کننده سنایی (حدیقه الحقیقه) را کنار بگذاریم در حقیقت سعدی نخستین کسی است که اخلاق را به صورتی شاعرانه تعلیم داده است" (ص ۳۴۱). برطبق اظهار نظر درست گارسن دوتاسی: "سعدی یگانه نویسنده ایرانی است که در اروپا محبوبیت یافته است" (ص ۳۴۴). اشاره به مقلدان گلستان و بوستان و رویکرد نویسندگان غربی و شرقی به آثار سعدی (صص ۳۴۸-۳۴۰). " [ ما غربیان ] وقتی آثار شاعران بزرگ ایران را می‌خوانیم، با وجود همه نبوغ آنان، فکری ناآشنا در آنها می‌یابیم. در آثار سعدی حتی با خواندن ترجمه آنها، این تباین از بین می‌رود. با خواندن کتاب‌های سعدی این پیوستگی دائم و معتدل عقل و تخیل، این فلسفه عقل سلیم، و این اخلاق کاملاً عملی که با سبکی بسیار هموار بیان شده است، مشاهده می‌گردد. "زنان" که همیشه بسایردان بود وقتی می‌گفت "سعدی به واقع یکی از ماست" اشتباه نمی‌کرد." (ص ۳۴۵). بی‌گمان انتظار نمی‌رود که اروپاییان شعرهای غنایی سعدی را که به پای انوری [ ! ] و حافظ و خاقانی [ ! ] نمی‌رسد با لذت بخوانند" (ص ۳۴۸).

۱-۸. کتاب‌شناسی مربوط به سعدی (صص ۴۱۶-۳۴۹): چاپ‌های کلیات سعدی (صص ۲۵۲-۲۵۱) در این بخش ۲۱ نمونه چاپ از کلیات سعدی به ترتیب تاریخ چاپ معرفی شده است. چاپ‌های گلستان (صص ۲۵۹-۲۵۴) در این بخش ۶۴ نمونه چاپ از گلستان به ترتیب تاریخ چاپ و ۶ نمونه چاپ بدون تاریخ معرفی شده است. چاپ‌های بوستان و گلستان (صص ۳۶۳-۳۶۰) در این بخش ۲۱ نمونه چاپ از بوستان به ترتیب تاریخ چاپ و ۳ نمونه چاپ بدون تاریخ معرفی شده است. شرح‌های بوستان و گلستان (صص ۳۶۶ - ۳۶۴). در این بخش به نقل حاجی خلیفه در کشف‌الطنون ۴ شرح بوستان و ۱۰ شرح گلستان معرفی شده است. علاوه بر آن ۱۴ نمونه از شرح مختلف بوستان و گلستان به ترتیب تاریخ چاپ معرفی شده است. چاپ قطعاتی از آثار سعدی (صص ۳۷۰-۳۶۷) در این بخش ۲۷ نمونه از کتاب‌های چاپ شده (در خارج از ایران)، که در آنها قطعاتی از آثار سعدی موجود است معرفی شده است. چاپ‌ها و ترجمه‌های رساله‌ها (صص ۳۷۲-۳۷۱) در این بخش ۶ رساله که به ترجمه آثار سعدی پرداخته‌اند معرفی شده است. چاپ‌های و ترجمه‌های پندنامه [ کریم ]، (صص ۳۷۵-۳۷۳) در این بخش ۲۱ نمونه از آثار چاپ شده که ترجمه پندنامه سعدی است به ترتیب تاریخ چاپ و ۲ نمونه از این آثار که بدون تاریخ بوده، معرفی شده است. ترجمه‌های گلستان (صص ۳۸۴-۳۷۶) در این بخش ۵۴ ترجمه از گلستان به ترتیب تاریخ چاپ معرفی شده است. ترجمه‌های بوستان (صص ۳۸۸-۳۸۵) در این بخش ۱۷ ترجمه بوستان، به ترتیب تاریخ چاپ معرفی شده است. ترجمه قطعاتی از آثار سعدی (صص ۳۹۶-۳۸۹). در این بخش ۴۶ اثر چاپ شده که در آنها قطعاتی از کلیات یا گلستان و بوستان سعدی ترجمه شده، به ترتیب تاریخ چاپ معرفی شده است. شرح حال سعدی در آثار شرقی (صص ۳۹۸-۳۹۷) در این بخش ۷ کتاب که در آنها به شرح حال سعدی پرداخته شده، معرفی شده است. سعدی و شرق شناسان (صص ۴۰۷-۳۹۹) در این بخش ۹۲ نوشته از نویسندگان غربی که در آنها درباره سعدی یا آثار او اظهار نظر و یاد شده، به ترتیب تاریخ چاپ معرفی شده است.

پیوست: سعدی شناسان و نویسندگان اروپایی (صص ۴۱۶-۴۰۸) در این بخش ۲۱ اثر از نویسندگان و شاعران اروپایی که در آنها از سعدی یاد شده یا از او تأثیر پذیرفته شده معرفی شده است.

۱-۹. فهرست اعلام (صص ۴۴۲-۴۱۷).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. کلیات سعدی، چاپ سنگی، کلکته ۱۲۰۵ تا ۱۲۱۱ ه. ق. ۲-۲. ترجمه گلستان از ش. دفرمری، پاریس، ۱۸۵۸.

۲-۳. ترجمه بوستان از ا. س. باریه دومنار، پاریس، ۱۸۸۰. ۴-۲. بوستان سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، ۱۳۵۹. ۲-۵. کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی. ۶-۲. تاریخ ادبیات، دکتر ذبیح‌الله صفا. ۷-۲. تاریخ ادبیات، ادوارد براون. ۸-۲. سفرنامه ابن جبیر. ۹-۲. سفرنامه ابن بطوطه. ۱۰-۲. معجم البلدان یا قوت حموی. ۱۱-۲. ترجمه آلمانی گلستان از گراف. ۱۲-۲. آثاری که در بخش کتاب‌شناسی سعدی معرفی شده و نزدیک به ۴۵۰ اثر می‌شود.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۲. بوستان ۴۳۴ بار، گلستان ۳۷۴ بار، قطعات ۷۸ بار، (در متن اصلی نشانی قطعه‌ها از صاحبیه یا صاحب نامه بر اساس کلیات چاپ سنگی کلکته داده شده. متن فروغی صاحبیه ندارد و اشعار صاحبیه جزو قطعات آمده است)، قصاید ۷۴ بار، غزلیات ۴۶ بار، رباعیات ۲۸ بار، کریم ۲۱ بار، مثنویات ۱۷ بار، مفردات ۸ بار، رسائل نثر ۵ بار، ترجیعات ۵ بار، مثلثات ۱ بار، قصاید عربی ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. این کتاب که بنا به گفته مترجمان آن (ص ۵) به عنوان رساله دکتری نوشته و در سال ۱۹۱۹ در پاریس منتشر شده است، یکی از پژوهش‌های ارزشمندی است که برای شناسایی سعدی به مردم غرب در اوایل قرن بیستم انجام گرفته است. از ویژگی‌های ارزشمند کتاب، موارد زیر را می‌توان برشمرد: بخش کتاب‌شناسی سعدی (صص ۴۱۶-۳۴۹)، از سودمندترین بخش‌های کتاب است در این بخش نزدیک به ۴۵۰ اثر معرفی شده که برخی از آنها با توضیح نیز همراه شده و این نخستین پژوهش کتاب‌شناسی سعدی است که صورت گرفته است. در فصل سوم از بخش سوم کتاب: نظاره جهان (صص ۳۰۲-۲۸۰) مؤلف بر اساس آثار سعدی، وضع اجتماعی دوره سعدی را با ورود به جزئیات، به گونه‌ای خیالی ترسیم کرده است. این فصل نیز نمایانگر هوشیاری مؤلف و قدرت تالیف و پرداخت او بر بنیاد حکایت‌های آثار سعدی است.

در بسیاری از صفحه‌های کتاب، مؤلف سخن سعدی را با سخن نویسندگان و شاعران غربی مقایسه کرده است. این سنجش‌ها و مقایسه‌ها که به ارزش علمی کتاب افزوده، برای بررسی‌های تطبیقی نیز سودمند است. از جمله کسانی که با سعدی سنجیده شده‌اند می‌توان از لافونتن، مونتسکیو، لوکنت دلیل کوپه، لوکرس، ویکتور هوگو، هردیا، نیچه، هوراس، لامارتین، دوسویینه، کرنی، ویرزیل، اوید، ترانس، مولیر و ... نام برد. ر. ک. صص ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۰، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۶۵، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۵۲، ۲۶۳، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۵، ۳۳۶، ۳۴۶ و ...

مؤلف برخی از داورها را درباره سعدی نقد و رد کرده است، این نقد و بررسی نیز به ارزش علمی کتاب افزوده، از جمله در صص ۱۴۱-۱۴۰ می‌نویسد: "روکرت شرق شناس، سرشار از اطمینان و گرمی، بی‌مقدمه اظهار نظر می‌کند: قصاید عربی و ملمعات سعدی ارزشی ندارد، بخصوص متن این اشعار بسیار بد تنظیم شده است. بی‌اغراق می‌توان گفت که بندرت یک سطر درست و یک کلمه صحیح در آنها یافت می‌شود ... خود شاعر نیز نه بهتر از این می‌دانسته و نه بهتر از این می‌خواسته است. جای این پرسش است که روکرت بر چه مبنایی تأکید می‌کند که "شاعر نه خود بهتر از این می‌دانسته و نه بهتر از این می‌خواسته است؟ در صورتی

که وی چند سطر پیش از این قضاوت، گفته بود که می‌توان گفت که متن دیوان سعدی به دست ما نرسیده است. "... سعدی بر زبان عربی مسلط بود. برای کسی که نخواهد به قصاید عربی سعدی واقعی نهد، ابیات عربی که در گلستان پراکنده است، دلیل تسلط سعدی بر زبان عربی است". همچنین رک. صص ۴۲-۴۰.

در بخش "سال‌های مسافرت (صص ۵۸-۱۰۱)" مؤلف با استفاده از منابع تاریخی، جغرافیایی و آثار سعدی، مسیر حرکت را با استدلال به گونه‌ای مبسوط حدس زده است و تعیین این مسیر حرکت با این استدلال و به این گستردگی برای نخستین بار انجام گرفته است. البته ممکن است همه این حدسیات منطبق بر واقعیت نباشد ولی با هوشمندی و دقت، بررسی و ترسیم شده است. در ص ۲۸ تا ۵۸ کتاب نیز درباره مسافرت‌ها و سال‌های مسافرت سعدی سخن رانده شده که بهتر بود عنوان "سال‌های مسافرت" از ص ۵۸ به پیش از آن و حدود ص ۲۸ منتقل می‌شد. اما این کتاب با همه ارزش‌ها بویژه فضل تقدم بر تحقیقات دیگر، از اشتباه و نقص خالی نیست، از جمله:

- با اینکه برخی از نکته‌گیری‌های نویسنده بر حکایت‌های سعدی بی‌وجه نیست، (صص ۲۶۳-۲۶۱) اما بسیاری از داورهای او نادرست است و برخی از آنها نشانگر ناآشنایی او، به عنوان یک پژوهشگر غربی با روح و ژرفای زبان و ادب فارسی است. مثلاً در ص ۲۰۶ می‌نویسد: "سعدی در انتخاب تصویرها همواره دقت لازم را مبذول نمی‌دارد، گاهی درباره یک اندیشه، در حکایتی واحد، دو تصویر کاملاً متفاوت به کار می‌برد. مثلاً در گلستان می‌گوید: یکی را گفتند عالم بی‌عمل به چه ماند؟ گفت: به زنبور بی‌عسل. در همان صفحه باز می‌گوید: "عالم بی‌عمل درخت بی‌بر است ...". این دو تصویر، در واقع دو تشبیه برای تأکید یک موضوع است، و نه تنها نشان بی‌دقتی سعدی نیست، که اتفاقاً نشانه دقت او در تأکید منظور خود است. یا اینکه در ص ۲۰۹ می‌نویسد: "نی قلم نیز وسیله بروز این سلیقه بد شده است، مثلاً این بیت بوستان که تا حدی بچگانه است. اما به یقین فردی شرقی در آن حد اعلای ظرافت را کشف می‌کند:

" قلم سر سلطان چه نیکو زهفت که تا کارد بر سر نبودش نگفت "

اولاً، صورت خیالی و تصویر این بیت به هر زبانی که باشد کاملاً شاعرانه است، ثانیاً، مگر سعدی در قرن هشتم برای اروپاییان قرن بیستم شعر می‌گفت که مؤلف خواسته است سعدی را بر این مسند محاکمه کند؟! در ص ۲۱۲ می‌نویسد: "بعضی از این استعاره‌ها مبهم است مانند "بادسنج" یعنی یاهوسرا [ که چند از مقالات آن بادسنج ] . برخی پیچیده‌تر و بنابراین سنگین است مانند افروختن چراغ بلاغت با روغن فکر". که با توجه به پیشینه این دو تصویر در ادب فارسی نه نمونه نخست مبهم است و نه نمونه دوم سنگین. در ص ۲۲۸ می‌نویسد: "سعدی همواره قواعد عروضی را مراعات نمی‌کند؛ گاهی قصیده و غزل را یک جا گرد می‌آورد. مثلاً دو بیت نخست قصیده‌ای (مواعظ ۲۱) هم از برای مقطع قصیده‌ای مناسب است و هم از برای مطلع غزلی ... در بسیاری از رباعیات سعدی هر چهار مصراع قافیه دارد. اما در گلستان که ملمعی از شعر و نثر است گاهی وی یک قطعه نثر مسجع را (بخصوص در پایان دیباچه). می‌افزاید ... " این گفته‌ها نه ارتباطی با قواعد عروضی دارد و نه نشان‌دهنده اینکه "سعدی قواعد عروضی را مراعات نمی‌کند" به علاوه جمله پایانی عبارت نیز ناسامان است. مؤلف در همین قسمت در صص ۳۲۹ و ۳۳۰ نیز اظهار نظرهای غیر قابل قبولی مطرح کرده است که مترجمین محترم در پاورقی برخی از آنها را مردود دانسته‌اند. در ص ۲۴۸ می‌نویسد: "بی‌گمان انتظار نمی‌رود که اروپاییان شعرهای غنایی سعدی را که به پای انوری و حافظ و خاقانی نمی‌رسد با لذت بخوانند". این هم یک داور عجیب و غریب که برای نخستین بار مطرح می‌شود و غزل‌های سعدی از غزل‌های خاقانی و انوری هم فروتر می‌نشیند!

برای پرهیز از درازی سخن تنها به ذکر برخی از صفحه‌های کتاب که در آنها نمونه‌های دیگری از داورهای خلاف واقع صورت گرفته، بسنده می‌شود، خوشبختانه در برخی از این موارد مترجمین در پاورقی به اشکال متن اشاره کرده‌اند: صص ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۶، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۴۸.

تأییدی که نویسنده در ص ۲۰۸ در مورد ارزش رساله کریم‌ا دارد بی‌وجه است. زیرا به عنوان مثال تنها سستی بیت آخر ص ۲۱۰ و بیت اول ص ۲۱۲، می‌تواند ما را در انتساب رساله به سعدی دچار تردید کند.

در این کتاب نویسنده دچار تناقض‌گویی‌هایی نیز شده است: از جمله در صص ۲۴۵-۲۴۶ در انتقاد از سعدی می‌نویسد: "اخلاق سعدی از ایثار بی‌نصیب است و لزوم انتقام را می‌پذیرد، و در حالی که مسیحیت دروغ را حتی اگر از برای جلوگیری از بدی هم باشد ممنوع می‌سازد، سعدی تردیدی به خود راه نمی‌دهد که بگوید: دروغی مصلحت‌آمیز به که راستی فتنه‌انگیز" و در ص ۳۲۵ می‌نویسد: "سعدی شخصی جدی بود ... از دروغ وحشت داشت" و از قول سعدی می‌نویسد: "دروغ گفتن به ضربت لازم ماند که اگر نیز جراحی درست شود نشان بماند". یا در ص ۲۴ س ۶ می‌نویسد: "بی‌گمان شاعر پدر و مادر خود را در کودکی از دست داده ... و در همان صفحه س ۱۶ می‌نویسد: "به تحقیق پدر سعدی تا سن نوجوانی شاعر، در تربیت وی دخالت داشت است".

- شاید هانری ماسه تنها کسی باشد که بوستان را یک اثر حماسی خوانده است: "این کتاب یک حماسه است" (ص ۱۵۸). اما از اصل کتاب که بگذریم، ترجمه این کتاب اگر چه بدون داشتن متن اصلی نمی‌توان درباره آن داور شایسته‌ای کرد با نثری سالم و ساده پرداخته شده و مترجمین کتاب بویژه در یافتن ابیات و عبارات ترجمه شده در کلیات سعدی و ذکر اصل سخن سعدی با یاد کرد نشانی آن در کلیات (به تصحیح فروغی) و بوستان (به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی) دقت ویژه‌ای داشته‌اند و این کار به شایستگی انجام پذیرفته است.

گذشته از مقدمه ارزشمند و نقادانه کتاب برخی از توضیحاتی که توسط مترجمان در پاورقی آمده، بسیار سودمند است. از جمله صص ۲۰، ۳۳، ۵۲، ۵۱، ۱۸۹، ۶۵، ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۸۷، ۲۹۲، ۲۹۶، ۲۹۹، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۴۷. با همه دقتی که در ویرایش متن کتاب انجام گرفته، موارد اندکی نیز از قلم افتاده است، از جمله: ص ۱۵۹ پاورقی شماره ۸۵ ارتباطی با جمله متن ندارد و یا ص ۲۹۲ نشانی بیت‌های پنجم و ششم مشخص نشده است و ...

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. بدایع سعدی، لوکاس کینگ، به کوشش تقی ارانی، ۱۳۰۴، کابونی، برلین، صص ۲-۳. ۵-۲. گلستان سعدی، عبدالعظیم قریب گرکانی، چاپخانه علمی، ۱۳۱۰، صص: کب و کج و لا. ۵-۳. سخنان سعدی درباره خود [ ۱ ]، سعید نفیسی، مهر، سال پنجم، شماره ۱، خرداد ۱۳۱۶، صص ۴۵-۵. سعدی‌نامه یا بوستان سعدی، تصحیح و حاشیه نگاری محمدرضا جلالی نائینی و مقدمه محمد محیط طباطبایی، کتاب‌فروشی و چاپخانه اقبال، آبان ۱۳۱۷، صص ۲۲-۵. شناسایی سعدی، مر. هزار شیرازی، ۱۳۱۷، صص ۶-۵. مقام سعدی در ادبیات فرانسه (۳)، جلال ستاری، مهر، سال یازدهم، شماره ۶، شهریور ۱۳۴۴، صص ۲۵۲-۷. مقام سعدی در ادبیات فرانسه (۴)، جلال ستاری، مهر، سال یازدهم، شماره ۷، مهر ۱۳۴۴، صص ۸-۵. مقام سعدی در ادبیات فرانسه (۵)، جلال ستاری، مهر، سال یازدهم، شماره ۹، آذر ۱۳۴۴، صص ۵۷۴-۵۷۱. ۵-۹. سعدی دکنی، دکتر محمود کامیار، رنگین کمان، شماره ۲۱، شنبه ۲۳ شهریور ۱۳۴۷، صص ۲۵-۱۰. هفت صدمین سال وفات سعدی، محمد محیط طباطبایی، یغما، سال ۲۳، شماره ۶، شهریور ۱۳۴۹، صص ۱۱-۵. بحثی مقدماتی در باب کتاب‌شناسی سعدی و حافظ، ایرج افشار، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، ۱۳۵۲، صص ۲-۱۲. ۵-۱۲. چند نکته درباره سعدی و حافظ، محمدتقی دانش‌پژوه، مقالاتی درباره شعر و زندگی سعدی، ۱۳۵۲، صص ۲۰۳-۱۲. حکمت سعدی، کیخسرو هخامنشی، امیرکبیر، ۱۳۵۵ (چاپ دوم)، صص ۱۸، ۱۴-۵. سعدی در اروپا، عبدالحسین زرین‌کوب، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، زمستان ۱۳۶۲ (چاپ چهارم)، صص ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۵-۵. شرح گلستان، دکتر محمد خزائلی، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۳ (چاپ پنجم)، صص ۸، ۵، ۵۷، ۵۹، ۷۴، ۵۵۹، ۱۶-۵. کاغذ زر، دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات یزدان، ۱۳۶۳، صص ۲-۱۷. ۵-۱۷. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۲۵، ۲۳۴، ۴۹۱، ۵-۱۸. دریا در کوزه، دکتر علی فاضل، کلک، شماره ۸، آبان ۱۳۶۹، صص ۱۰۶-۷۵. ۵-۱۹. شاعری اندیشه ور، کلک،

شماره ۴، تیر ۱۳۶۹، ص ۹. ۲۰-۵. از دیدن تا سرودن، قدمعلی سرامی، تحقیقات اسلامی، دوره ششم، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۰، صص ۳۸۳، ۳۹۳.

۲۱-۵. بزرگواری، دکتر غلامحسین یوسفی، چشمه روشن، علمی، ۱۳۷۰، صص ۲۴۶-۲۳۰. ۲۲-۵. دامنی از گل گزیده گلستان سعدی، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۰، صص ۲۱، ۶۸. ۲۲-۵. ادبیات کلاسیک فارسی، آرتور جان آربری، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۱، ص ۱۹۸. ۲۴-۵. در آرزوی خوبی و زیبایی گزیده بوستان سعدی، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۲، صص ۲۲، ۲۳. ۲۵-۵. سودی بسنوی، نخستین شارح حافظ و سعدی در اروپا، دکتر ابوالقاسم رادفر، پژوهشگران، شماره ۷، ۱۳۷۲-۶۷، صص ۱۹-۱۸. ۲۶-۵. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۲، ص ۱۶۲. ۲۷-۵. گلستان ژاپنی، ترجمه هاشم رجبزاده، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۲، صص ۲۲-۲۱. ۲۸-۵. تأملی بر صناعت روایت در گلستان، حمید دباشی، مجله ایران شناسی، سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۰۰. ۲۹-۵. از سعدی تا آراگون، جواد حدیدی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳، ص ۴۲۷. ۳۰-۵. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، صص ۲۵، ۴۴، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۹۴. ۳۱-۵. مبان و زمینه‌های مردم‌شناسی در گلستان سعدی، دکتر سید احمد حسینی کازرونی، فصلنامه جمعیت، شماره ۸ و ۹، تابستان و پاییز ۱۳۷۳، صص ۷۱-۷۰. ۳۲-۵. زندگی و رنج‌های سعدی، خسرو معتضد، شرکت توسعه کتابخانه‌های ایران، ۱۳۷۵ (چاپ سوم)، در فهرست منابع ص ۳۳۰ از این کتاب نام برده شده است. ۳۳-۵. سعدی‌شناسی، دکتر امیر اسماعیل آذر، نشر میترا، ۱۳۷۵، ص ۱۱۸. ۳۴-۵. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۴۰، ۴۲، ۱۹۹. ۳۵-۵. سعدی و خسرو، وزیرالحسن عابدی، نشر پیچکیچز لمیتد (لاهور پاکستان)، چاپ اول، بدون تاریخ، ص ۱۲.

## تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی، محمدکریم آزادی، راهگشا، ۱۳۷۳، ۱۲۰ صفحه، قطع: وزیری، شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه.

### ۱. مضامین اصلی: ۱-۱. فهرست مطالب (صص ۴-۲).

۱-۲. مقدمه ناشر (ص ۵).

۱-۳. فصل اول مقدمه.

۱-۳-۱. توضیح درباره انگیزه فراهم کردن کتاب و هدف‌های آن به شرح زیر: "الف. شناخت و معرفی سعدی به عنوان یک مری، و آشنایی با آرا و عقاید تربیتی وی. ب. معرفی آرای یکی از مریبان دست پرورده مکتب انسان‌ساز اسلام. ج. بازگشت به منابع فرهنگ اصیل اسلامی ... به منظور بازسازی نظام آموزشی کشور" (صص ۷-۸).

۱-۳-۲. بیان اهمیت و لزوم تحقیق در سه فصل "ضرورت اجتماعی"، "ضرورت تاریخی"، "ضرورت علمی" (صص ۱۰-۹).

۱-۳-۳. توضیح درباره روش و منابع تحقیق (صص ۱۲-۱۱).

۱-۴. فصل دوم سابقه بررسی آرای تربیتی سعدی، در این بخش به نظرات نویسندگان زیر اشاره شده است: الطاف حسین حالی در کتاب "حیات سعدی" (ص ۱۴). هزار شیرازی در کتاب "شناسایی سعدی" (صص ۱۵-۱۴). علی دشتی در کتاب "قلمرو سعدی" (صص ۱۷-۱۵). صدرالدین محلاتی شیرازی در کتاب "مکتب عرفان سعدی" (صص ۱۹-۱۷). بدیع‌الله دبیری‌نژاد، در مقاله "تصوف در نظر سعدی" (صص ۲۰-۱۹). ناصرالدین شاه حسینی در مقاله "حکمت عملی از نظر سعدی" (ص ۲۰). کیخسرو هخامنشی در کتاب "حکمت سعدی" (صص ۲۱-۲۰) محمد جناب‌زاده در کتاب "تعلیم و تربیت از نظر سعدی" (صص ۲۳-۲۱). عیسی صدیق در کتاب "تاریخ فرهنگ ایران" (صص ۲۴-۲۳).

۱-۵. فصل سوم منابع اندیشه‌های سعدی.

۱-۵-۱. تأثیر قرآن بر سعدی. بیان پنج نمونه از اشعار و عبارات گلستان و یک نمونه از اشعار بوستان و ذکر مطابقت آنها با چهار حدیث (صص ۲۷-۲۳).

۱-۵-۲. تأثیر حدیث بر سعدی. بیان دو نمونه از اشعار و عبارات گلستان و یک نمونه از اشعار بوستان و ذکر مطابقت آنها با چهار حدیث (صص ۳۵-۳۳).

۱-۵-۳. تأثیر نهج‌البلاغه بر سعدی. بیان شش نمونه از اشعار و عبارات گلستان و سه نمونه از اشعار بوستان و ذکر مطابقت آنها با هشت مورد از سخنان حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه (صص ۳۹-۳۵).

۱-۵-۴. تأثیر عرفان بر سعدی. تأکید بر باورهای عرفانی سعدی و بیان پنج نمونه از اشعار بوستان، چهار نمونه از اشعار و عبارات گلستان و یک نمونه از قصاید سعدی که در آنها اشارات عرفانی یا توجه به عرفا دیده می‌شود (صص ۴۳-۳۹).

۱-۵-۵. تأثیر منابع دیگر فرهنگی بر سعدی (صص ۵۲-۴۲). در این بخش ابتدا شش نمونه از اشعار و عبارات گلستان و دو نمونه از اشعار بوستان با هشت نمونه از عبارات قابوسنامه مقایسه شده (صص ۴۶-۴۳) و سپس شش نمونه از عبارات و اشعار گلستان و یک نمونه از اشعار بوستان با چهار نمونه از عبارات غزالی مقایسه گردیده است (صص ۵۱-۴۸) و در پایان اشاره شده است که: "سعدی علاوه بر استفاده از آثار غزالی و قابوسنامه از منابع دیگری چون رساله قشیریه، شاهنامه فردوسی، لب‌الباب عوفی، حقیقه‌الحقیقه سنایی، اخلاق ناصری و ... استفاده کرده است." (ص ۵۱).

۱-۶. فصل چهارم، هدف‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی (صص ۶۸-۵۷). "در این فصل بر عمده‌ترین ویژگی‌های انسان مطلوب از نظر سعدی تکیه می‌کنیم و ویژگی‌های دیگری را که احتمالاً با محتوای تعلیم و تربیت همبستگی بیشتری داشته باشند، در فصول آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد ... هدف تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی تربیت عالم متدین، مزکی و متواضع است ... با چنین توصیفی از انسان مطلوب و ایده‌آل، سعدی موارد زیر را پیشنهاد می‌کند:

"۱. تواضع: از دیدگاه سعدی، تواضع از مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت است" (ص ۵۹).

"۲. مبارزه با نفس اماره ... سعدی معتقد است که اطاعت از نفس اماره، عنان حکومت بر آن را از انسان می‌گیرد و خود بر او حاکم می‌شود ... سعدی توصیه می‌کند که هوشمندان را شایسته نیست تا اطاعت نفس اماره کنند و موجبات غرق شدن خود را در ورطه خواری و ذلت فراهم آورند." (ص ۵۹).

"۳. اخلاص ... سعدی همه جا صداقت و یکرنگی و ثبات شخصیت را تأکید می‌نهد و تلون و تزلزل شخصیت را نامطلوب معرفی می‌کند." (ص ۶۰).

"۴. حفظ زبان و دوری از غیبت و بدگویی سعدی. سخن‌چینان فتنه‌انگیز و غیبت‌کنندگان مفسده جو را به دلیل اینکه اینان موجب دو به هم زنی و ایجاد دشمنی و اختلال در روابط انسانی می‌گردند مورد نکوهش قرار می‌دهد ..." (ص ۶۰).

"۵. دوری از حسادت. سعدی حسادت را یک بیماری درونی و شخصیتی می‌داند که افراد کوتاه بین و تنگ‌دل بدان مبتلا هستند ... و هشدار می‌دهد که نکند بدین بیماری مبتلا شویم ..." (ص ۶۱).

"۶. سعه صدر. انسان مطلوب سعدی کسی است که علاوه بر ویژگی‌های دیگر، تحمل دیگران را نیز داشته باشد." (ص ۶۲).

"۷. نوع دوستی ... از نظر سعدی کسی که فاقد خصیصه دوستی است، فاقد انسانیت است. او انسان‌ها را مانند اعضای یک پیکر می‌داند که خلل در یک عضو، تعادل تمام پیکر را در هم می‌ریزد" (ص ۶۴).

"۸. خدمت به خلق. خدمت صادقانه به خلق خدا از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان ایده‌آل سعدی است ... عبادت را تنها در نماز و تسبیح و سجاده نمی‌داند، بلکه تزکیه نفس، اخلاق نیکو و خدمت صادقانه به خلق خدا را نیز از بهترین عبادات تلقی می‌کند." (ص ۶۴).

"از دیدگاه سعدی کلید اصلاح جامعه اصلاح زمامداران است ... رواج فساد در حکومت و لشکریان و قضاوت موجب فساد اجتماعی می‌گردد ... سعدی معتقد است که دانشمندان و علما نیز در اجتماع نقش الگو و اسوه را، برای افراد جامعه، باید داشته باشند ..." (صص ۶۷-۶۶).

۱-۷. فصل پنجم - روش‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی (صص ۸۶-۶۹).

۱-۷-۱. "روش مناظره: از مهم‌ترین روش‌هایی است که سعدی در تعلیم و تربیت به کار گرفته است ... سعدی روش بحث و مناظره را نه به عنوان تحمیل افکار بر دیگران، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای تصحیح خود و دیگران و یا به عبارت دیگر، به منظور تثبیت معلومات پیشنهاد می‌کند." (صص ۷۱-۶۹).

۱-۷-۲. "روش داستان‌سرایی: نقل حکایت و داستان از عمده‌ترین روش‌هایی است که سعدی در آموزش از آن سود جسته است. گلستان و بوستان، در حقیقت مجموعه‌ای از داستان‌ها هستند که عمده‌ترین مطالب اجتماعی، اخلاقی و تربیتی در قالب "حکایت" بیان شده‌اند ... این داستان‌ها وسیله بیان واقعیات و حقایق زندگی می‌باشند (ص ۷۱).

۱-۷-۳. "روش نصیحت ... سعدی با استفاده از همین روش، حاکمان و فرمانروایان را پند و اندرز می‌دهد و آنان را ضمن دعوت به حق از تکبر و خودخواهی و طغیان بر حذر می‌دارد (ص ۷۲). " ... سعدی معتقد است که نصیحت دشمن را نباید پذیرفت ... بهتر است که به سخن او گوش داد اما بر خلاف آن عمل کرد." (ص ۷۳).

۱-۷-۴. "روش تشویق و تنبیه: سعدی علی‌رغم اینکه معلم را به خلق و خوی ملایم و آرامش اخلاقی دعوت می‌نماید، اما تنبیه و سخت‌گیری را هم در تعلیم و تربیت مؤثر می‌داند ... معتقد است که در آموزش و پرورش کودک باید سخت‌گیر و جدی بود و از نازپروردن او سخت دوری نمود. در عین حال مریی وظیفه دارد کارهای مثبت کودک را تأیید کند و در او ایجاد امیدواری نماید (ص ۷۴) ... همان طوری که سعدی بر روی سخت‌گیری و تنبیه و جدیت به منظور اصلاح رفتار تکیه می‌کند، همچنین بر روی آرامش، نرمی و خلق و خوی پسندیده نیز تأکید می‌ورزد و استفاده از محبت و نرمش را در امر پرورش افراد مفید می‌داند ... درشتی بی‌حد نامعقول و نرمی بی‌حصر نامطلوب است (صص ۷۵-۷۴).

۱-۷-۵. "روش سیر در آفاق: سیر و سیاحت به صورت یک روش تحقیقی و آموزشی، از نظر سعدی در چنان حدی از اهمیت برخوردار بود که با وجود مشکلات آن زمان و نبودن وسایل نقلیه سریع به اقصا نقاط دنیا مسافرت نمود ... سعدی این تجربه را آن چنان سودمند یافته که دیگران را نیز به استفاده از این روش سخت تشویق و تحریض می‌کند." (ص ۷۶).

۱-۷-۶. "روش سؤالی: سعدی متعلمان را تشویق می‌کند که هر آنچه را که نمی‌دانند، از طریق سؤال و پرسش به دست آورند ... و پرسش را از اهل فن باید کرد ..." (ص ۷۷).

۱-۷-۷. "روش عقلانی: روش عقلانی از دیدگاه سعدی یکی از مهم‌ترین روش‌های تعلیم و تربیت است ... آبادانی مملکت و موفقیت دولت را رهین راهنمایی‌های خردمندان و اهل اندیشه می‌داند و بنابراین در مسأله مهم تعلیم و تربیت و سایر امور زندگی توصیه می‌کند از نیروی تعقل و اندیشه این دانشمندان، که به کمال و تقوی نیز آراسته باشند به نحو احسن استفاده شود." (صص ۸۰-۷۹).

۱-۷-۸. "روش اعتراف: از دیدگاه سعدی اعتراف به گناه و یا توبه از روش‌هایی است که می‌تواند منجر به اصلاح رفتار گردد ... تعریف و تمجیدهای دیگران نباید سبب شوند که فرد از ضعف‌های خود چشم‌پوشد و در نتیجه از اصلاح رفتار خویش غافل بماند (ص ۸۱).

۱-۷-۹. "روش عرفانی ... سعدی روش عرفانی را خاص کسانی می‌داند که در ذکر خدا مستغرقند، از پیروی نفس و یا هوی و هوس به دورند ... از نظر او این روش فراگیر و همگانی نیست ... با کسی که تجربه عرفانی نداشته باشد، نمی‌توان از آن سخن گفت." (صص ۸۳-۸۲).

۱-۸. فصل ششم محتوای تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی (صص ۱۰۰-۸۷).

۱-۸-۱. جهانی‌بینی سعدی و تأثیر آن در آرای تربیتی او: "سعدی متفکری است متدین، مسلمانی است محقق، سیاحی است کنجکاو، و عالمی است متواضع، انسانی است قانع و عابدی است آینده‌نگر، علاوه بر آن، او هنرمندی ظریف طبع است، شاعری زبردست، نویسنده‌ای چیره‌دست که در صحنه بزرگ گیتی واقع‌بینانه به مسائل نگرینسته و با تحصیل و تفکر اظهار نظر نموده است ... یکی از امتیازات و صفات برجسته سعدی آن است که خود را در دام مقاصد پست و مقام‌های سیاسی زودگذر زمان گرفتار نمی‌کند و به همین دلیل است که وی با کمال آزادی سیاستمداران را مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهد و زبان به نصیحت آنان می‌گشاید ... (ص ۸۸) سعدی انسان را از کوشش‌های بیهوده و برخلاف قوانین و مقررات حاکم بر طبیعت بر حذر می‌دارد، انسان را در تأثیرگذاری بر طبیعت در حدودی معین و مشخص تشویق می‌کند ... به نظر سعدی کوشش و فعالیت‌های انسان در این جهان باید بر شناخت قوانین لایزال الهی مبتنی باشد، در عین حال انسان تا حدی مختار است که آنچه را که بخواهد بجوید، و اراده و اختیار و به طور کلی همه استعدادها و خاوندی خود را در جهت کشف این قوانین، که کمال مادی و معنوی او را تضمین می‌کند، به کار گیرد ..." (ص ۸۹).

۱-۸-۲. "ویژگی‌های محتوای تربیتی: برخی از محققان بر آنند که سعدی درباره برنامه و یا مواد و محتوای درسی مطالبی ارائه نداده است، [ در حالی که ] در آثار ارزشمند سعدی علاوه بر ذکر هنر و پیشه، اشارت صریح و روشنی به چشم می‌خورد که عنایت او را به محتوای آموزش و تعلیم و تربیت به ثبوت می‌رساند به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. کسب علم و معرفت ... آنچه موجب آگاهی و علم (در مقابل جهل و نادانی)، سبب کسب معرفت و شناخت (فهم و ادراک) و موجب تشخیص و قضاوت صحیح (حکمت) در انسان شود، می‌تواند محتوای نظام تربیتی مورد علاقه او را نیز تشکیل می‌دهند (صص ۹۳-۹۲).

۲. تأکید بر مهارت‌ها و تخصص‌ها ... از نظر سعدی توفیق و کامیابی یک جامعه تا اندازه‌ای منوط بدین است که به تخصص‌ها اهمیت داده شود و از تجارب و مهارت‌ها در حد لازم استفاده گردد و گرنه امید عافیت نخواهد بود (صص ۹۴-۹۳).

۳. جامعیت برنامه آموزشی ... سعدی مؤمن به خدا و جهان غیب است و برای دانشی ارزش قائل است که با تزکیه و تقوا همراه باشد. همچنین از ایمانی سخن به میان می‌آورد که با علم و آگاهی همراه باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که او از برنامه‌ای دفاع می‌کند که این هر دو عنصر در آن گنجانیده شده باشد ... به همان اندازه که علم بی‌ایمان را مورد تقبیح قرار می‌دهد، به همان اندازه نیز ایمان بی‌علم و جهل همراه با ایمان را سرزنش می‌کند ... (صص ۹۵-۹۴).

۴. تلفیق نظر و عمل ... تعلیم و تربیت باید ترکیبی از تئوری و عمل باشد، علم طرح و نقشه را ارائه می‌دهد و عمل بدان تجسم می‌بخشد. ارزش علم به عمل وابسته است و عمل آگاهانه نشانه هدایت می‌باشد. ارزش عالم در کاربرد گفته‌ها و نظریات اوست (صص ۹۶-۹۵).

۵. تنظیم تجارب آموزشی بر طبق استعدادها ... در دیدگاه سعدی در تعلیم و تربیت، باید از تجارب قبلی و محتویات ذهنی متعلمان در تفهیم و یادگیری مطالب تازه استفاده نمود و مسائلی که مطرح می‌شوند نباید بیگانه از تجارب قبلی فرد باشند" (ص ۹۶).



۸-۲. بیان برخی از اشارات دیگری که سعدی در رابطه با محتوای تعلیم و تربیت داشته است، از جمله: "پایه و اساس آرای تربیتی سعدی را باید در "بایدها و نبایدها" جستجو کرد. بایدها و نبایدها همان نظام اخلاقی‌اند که سعدی از آنان به عنوان ارزش‌های مذهبی، سنت‌های دینی و عرف اجتماعی که حفظ حرمت فرد، خانواده و جامعه انسانی، را سبب می‌گردند نام می‌برد ... سعدی علاوه بر علوم شرعی و اخلاقی، از روش‌ها و علوم دیگری همچون ادبیات، سیاست، فلسفه و عرفان و جز اینها سخن به میان آورده و متاع علمی مترتب بر آنها را گوشزد کرده است ... در حکایات سعدی از علوم دیگری همچون پزشکی، دامپزشکی، هیأت و نجوم هم سخن به میان آمده است ... بالاخره هنر و پیشه است که سعدی به طور اخص بر آن تکیه کرده و مکرراً از اهمیت و ارزش آن سخن رانده است" (صص ۹۸-۹۷).

۱-۹. فصل هفتم تأثیر تربیت از دیدگاه سعدی: "وقتی که سعدی از تأثیر محیط تعلیم و تربیت سخن می‌گوید، تصور می‌شود که ایشان منکر توارث و استعداد ذاتی است و برعکس هنگامی که از فطرت و سرشت و استعدادهاي ذاتي انسان سخن می‌راند، چنین استنباط می‌شود که سعدی سخت توارث‌گراست، و توجه به محیط ندارد، اما حقیقت چیز دیگری است. سعدی تا سر حد امکان اثرات محیط تربیتی را بررسی کرده و به حدی در آن غور نموده است که خواننده اشتباهاً او را "محیط‌گرا" می‌نامد، از طرفی تأثیر توارث و استعداد ذاتی را چنان دقیق بررسی می‌کند که تعمق اندیشه وی خواننده را به این اشتباه و می‌دارد که سعدی را طرفدار توارث بخواند ... سعدی نه تنها محیط و توارث، بلکه عوامل مهم دیگری از قبیل تفاوتی‌های فردی، رغبت، تمایلات و خواسته‌های فردی، نیازها و تجربیات گذشته و ... را عمیقاً مؤثر دانسته و هرگز يك عامل را به تنهایی در تعلیم و تربیت مؤثر نمی‌داند، بلکه مجموعه آنها را مد نظر دارد ... (صص ۱۰۲-۱۰۱).

۱-۹-۱. "تأثیر محیط در تعلیم و تربیت ... سعدی نقش محیط در تعلیم و تربیت را عمیقاً مورد توجه قرار داده و آن را به باغچه‌ای تشبیه می‌کند که از گل، گل می‌سازد ... به حدی برای محیط مناسب تربیت اهمیت قائل می‌شود که تأکید دارد که اگر محیط سالم و متناسب فراهم گردد، بعید نیست که هویت عوض شود و آنچه پست و پلید است، در اثر محیط، عزیز و شایسته گردد ... سعدی را اعتقاد بر این است که اگر پاک‌سیرتان را در محیط فاسد و چنانچه مفسدین را در محیط سالم قرار دهند، تغییر سیرت داده و تحت تأثیر محیط تربیتی خود قرار خواهند گرفت (ص ۱۰۳).

۱-۹-۲. تأثیر توارث در تعلیم و تربیت: "سعدی نقش توارث و استعداد ذاتی را در تربیت چنان مهم دانسته که جنس ناقابل را تربیت‌پذیر نمی‌داند." (ص ۱۰۴).

۱-۹-۳. مقایسه و نتیجه‌گیری از تأثیر محیط و توارث: "بالاخره سعدی محیط‌گراست یا توارث‌گرا؟ ... قطعاً سعدی تأثیر محیط را در تعلیم و تربیت مهم می‌داند و آن را به رسمیت می‌شناسد و آلا چه لزومی داشت که این همه از عمر خویش را در مسافرت‌های علمی بگذراند و از اقصای نقاط دنیا تعلیم بگیرد. در عین حال سعدی انسان را ماده مطلق تصور نکرده که به هر قالبی بخواهند در بیاید. بر این اساس توصیه می‌کند که آنهایی که تربیت‌پذیرند و دارای زمینه ذهنی هستند باید تربیت شوند و با آنان که همه چیز را به سخره می‌گیرند و کبر و خودخواهی و یا تجرشان موجب عدم تأثیر در آنان می‌شود، بیهوده زحمت نکشید (صص ۱۰۶-۱۰۵) ... سعدی به همان اندازه که روی محیط تکیه دارد، روی استعداد ذاتی و گوهر انسانی و خواست تربیت شونده نیز تکیه می‌کند ... سعدی استعداد ذاتی و محیط را در تعلیم و تربیت در مقابل هم قرار نمی‌دهد، بلکه تأکید دارد برای تربیت انسان می‌بایست این دو با هم هماهنگ شوند" (ص ۱۰۷).

۱-۹-۴. تأثیر اختلاف فردی و تفاوت استعدادها در تعلیم و تربیت: "از دیدگاه سعدی، انسان‌ها دارای اختلافات فاحشی در امر یادگیری هستند و مطالبی که گفته می‌شود ممکن است برای یکی قابل درک و برای دیگری مبهم و حتی گمراه کننده باشد." (ص ۱۰۸).

۱-۹-۵. تأثیر تجربه در تعلیم و تربیت:

۱-۹-۵-۱. تجربه به مفهوم پختگی و ورزیدگی: "از دیدگاه سعدی تجربه (کاردانی) و تخصص و مهارت در امر تعلیم و تربیت لازمه موفقیت و کاری بس عقلایی است بنابراین در امور آموزشی می‌بایست مصدر امر افراد مجرب و کارشناس باشند" (ص ۱۰۹).

۱-۹-۵-۲. تجربه به مفهوم تمرین و آزمایش عملی (همراه با تئوری): "سعدی علمی را مؤثر می‌داند که به محک آزمایش در آید، او برای علم بدون تجربه و آزمایش ارزش قائل نیست." (ص ۱۱۱).

۱-۹-۵-۳. تجربه به مفهوم سابقه ذهنی، علائق، خواسته‌ها و رغبت و تمایلات متعلم: "از دیدگاه سعدی در امر تعلیم و تربیت باید از تجربیات قبلی و محتویات ذهنی متکلم و شنونده جهت تفهیم و یادگیری مطالب جدید استفاده نمود ... توجه به تفاوت تجربیات و تمایلات گوناگون در متعلم و شنونده و شناخت آنها به وسیله معلم موجب می‌شود که از ارائه مطالبی که موجب سوء تفاهم می‌گردد جلوگیری شود و بر عکس در ارائه مطالبی که با تمایلات و علائق متعلم تناسب بیشتری دارد مبادرت شود و موجب تسهیل، تفهیم و تفاهم گردد." (ص ۱۱۱).

۱-۹-۶. "تأثیر زمان در تعلیم و تربیت: "دوران مختلف زندگی انسان و نقش آنها در تأثیرپذیری در تعلیم و تربیت: دوران کودکی از دیدگاه سعدی دوران واقعی تربیت و نقش‌پذیری است ... دوران کودکی مرحله اطاعت از مربی و زمان زحمت برای آموختن است که نتیجه این زحمات در بزرگی آشکار می‌شود. در حقیقت آموزش و زحمت در این مرحله، سرمایه‌گذاری برای دوران بزرگسالی است (ص ۱۱۲) ... از دیدگاه سعدی دوران جوانی، دوران شور و عشق، قدرتمندی و لذت است ... مسائل تعلیم و تربیت می‌بایست در دوران جوانی، با احساسات و تمایلات و خواسته‌های جوانان مناسبت داشته باشد ... دوران پیری، دوران ضعف و ناتوانی و در عین حال زمان پختگی و تجربه است." (ص ۱۱۳).

۱-۱۰. "نتیجه‌گیری ... برای درک آرای تربیتی سعدی، باید اولاً به خط فکری سعدی توجه کرد، ثانیاً چون در مناظرات و حکایات، شخصیت‌های گوناگونی صحبت می‌کنند، لذا باید دنبال گفته شخصیتی در داستان‌ها گشت که سعدی گفتار او را تأیید می‌کند و یا به دنبال نتیجه‌گیری داستان‌ها، گرایش سعدی را در ختم حکایت، مشاهده نمود ... سعدی نه محیط‌گرای مطلق است و نه توارث‌گرای مطلق ... علاوه بر محیط و توارث عوامل دیگری را نیز در تعلیم و تربیت مؤثر می‌داند ..." (ص ۱۱۴).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. قرآن کریم. ۲-۲. نهج البلاغه. ۲-۳. کلیات سعدی، تصحیح محمد علی فروغی. ۲-۴. تعلیم و تربیت از نظر سعدی، محمد جناب‌زاده، کیهان ۱۳۱۷. ۲-۵. مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، دکتر منصور رستگار، شیراز ۱۳۵۲ در این مجموعه از مقاله‌های "تصوف در نظر سعدی از بدیع‌الله دبیری‌نژاد" و "حکمت عملی از نظر سعدی از ناصرالدین شاه حسینی" استفاده شده است. ۲-۶. قلمرو سعدی، علی دشتی، کیهان ۱۳۲۸. ۲-۷. شناسایی سعدی، هزار شیرازی، شیراز ۱۳۱۷. ۲-۸. مکتب عرفان سعدی، صدرالدین محلاتی، دانشگاه شیراز، ۱۳۴۶. ۲-۹. حکمت سعدی، کیخسرو هخامنشی. ۲-۱۰. کیمیای سعادت، نصیحة الملوك و احیاء علوم‌الدین غزالی. ۲-۱۱. قابوس‌نامه، عنصرالمعالی کیک‌اوسوس‌بن و شمس‌مگیر. ۲-۱۲. تأثیر قرآن و حدیث بر آثار سعدی، جعفر مؤید شیرازی، گوهر، بهمن و اسفند ۱۳۵۴.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۱۳ بار، بوستان ۷۶ بار، قصاید ۲ بار، رباعیات ۱ بار، غزلیات ۱ بار.  
**۴. اشاره:** ۴-۱. این کتاب دومین کتاب مستقلی است که با موضوع "تعلیم و تربیت در آثار سعدی" منتشر شده است. نخستین کتاب با نام "تعلیم و تربیت از نظر سعدی"، نوشته محمد جناب‌زاده، در سال ۱۳۱۷ از سوی انتشارات کیهان منتشر شده (که بر این کتاب نیز تأثیر گذاشته است). افزون بر این تا کنون مقالات متعددی نیز با همین موضوع نگاشته شده است. با توجه به اینکه سعدی خود، آشکارا به موضوع تعلیم و تربیت و بهسازی رفتارهای اجتماعی عنایت و تأکید داشته و اصول رفتارهای اجتماعی را در قالبی هنرمندانه و دلنشین بیان داشته است، تبیین و بررسی آرای تربیتی و تعلیمی او از پژوهش‌های مفید فرهنگی است. نویسنده کتاب



"تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی" با بررسی و نقد آرای نویسندگان پیشین در این موضوع (صص ۲۴-۱۴) یک بار دیگر نظرات و دستورهای تربیتی سعدی را دسته‌بندی و تحلیل کرده است و در سراسر کتاب، همواره سخنان خود را به عبارات و سروده‌های سعدی (رک. ۱-۳) مستند نموده و بر ارزش پژوهشی نوشته خود افزوده است.

۴-۲. یادکرد دقیق نشانی نقل قول‌ها و نمونه‌های شاهد از ویژگی‌های دیگر این کتاب است.

۴-۳. در فصل سوم کتاب، نویسنده به "منابع اندیشه‌های سعدی" پرداخته که در چهار بخش نخست این فصل سخن تازه‌ای عنوان نشده است. تأثیر قرآن، حدیث، نهج‌البلاغه و عرفان بر سعدی که به اختصار بیان شده، پیش از این نیز بارها توسط پژوهندگان بررسی و نمایانده شده است. اما در بخش "تأثیر منابع فرهنگی دیگر بر سعدی" نویسنده در بازنمود برخی از تشابهات سخن سعدی و غزالی (صص ۵۱-۴۸) موفق بوده است. با این حال نمونه‌هایی که برای اثبات تأثیرپذیری سعدی از قابوسنامه بیان شده، نمونه‌هایی قابل استناد نیست: در ص ۴۴ نوشته‌اند: "یکی از منابع مهم تربیتی که سعدی را تحت تأثیر قرار داده، کتاب معروف قابوسنامه می‌باشد توجه شما را به شباهت بعضی از نکات تربیتی قابوسنامه با افکار سعدی جلب می‌کنم تا بر میزان تأثیرپذیری سعدی از قابوسنامه آشنا شویم." و سپس مضامین مشابهی را با موضوعات زیر در آثار سعدی و عنصرالمعالی یافته و آن را دلیل بر تأثیرپذیری سعدی از عنصرالمعالی دانسته: "پرهیز از نصیحت، به کسی که پندپذیر نیست، اهمیت دادن به شخصیت علمی و هنری هر فرد به جای اصل و نسب و روابط خانوادگی او، رعایت اعتدال در رفتار و ... " (صص ۴۶-۴۴). در حالی که این موضوعات، از مضامین کلی و همیشگی است و پیش از سعدی و پس از او در آثار اغلب اندیشمندان سخنور (ایرانی و غیرایرانی) مشاهده می‌شود و بازنمود این اندیشه‌های همانند، برای اثبات تأثیرپذیری سعدی از عنصرالمعالی نمونه‌های مناسبی نیستند.

۴-۴. تکرار برخی از مطالب، از جمله: "اعتدال سعدی در موضوع محیط و توارث، آموزش علم توأم با عمل، تعلیم و تربیت بر اساس تجربیات و استعداد افراد ..." (صص ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۱ و ...) بر حجم کتاب افزوده است.

نویسنده تأکید داشته است که: "شیخ اجل علاوه بر محیط و توارث، عوامل دیگری را نیز در تعلیم و تربیت مؤثر می‌داند از قبیل جوهره، هویت شخصی، خواسته، تمایلات، تجربه، زمان و ..." (ص ۱۱۴). در صورتی که موارد برشمرده شده نیز هر کدام به نوعی به همان محیط یا وراثت مربوط می‌شوند.

۴-۵. اشتباهات فراوان چاپی نیز از موارد ضعف این کتاب است، از جمله: ص ۲۰، س ۱۰: حکمت عملی از سعدی (حکمت عملی از نظر سعدی) و ص ۲۱، س ۲۲: تجربه (تجزیه) و ص ۲۲، س ۱۶: گر فرشته‌ای نشیند با (گر نشیند فرشته‌ای با) و ص ۲۴، س ۱۹: بسده (بسند) و ص ۲۹، س ۱۹: عامی‌نادران (عام نادان) و ص ۳۰، س ۴: ما ... نصیحت کردم ... بردم (ما نصیحت ... کردیم ... بردیم) و ص ۳۱، س ۱۵: بزرگوار ... همام (بزرگوار ... همان) و ص ۴۵، س ۵ و ۶: پیامبر ... که گل از (پیامبر ... گل از) و ص ۵۰، س ۳: از مصائب دیگران (از مصائب دیگران) و نیز در ص ۳۹، س ۲۲ و ص ۴۴، س ۱۱ و ص ۴۹، س ۱۱ و ۱۲ و ص ۶۰، س ۶ و ص ۶۲، س ۱۸ و ص ۶۳، س ۲ و ص ۸۰، س ۲۳ و ص ۸۱، س ۱۸ و ص ۸۲، س ۱۲ و ص ۸۹، س ۳۱ و ص ۹۰، س ۱۶ و ۱۷ و ص ۱۰۱، س ۴ و ص ۱۰۴، س ۵ و ص ۱۰۷، س ۲۳ اشتباهاتی است که برای رعایت اختصار تنها به ذکر نشانی بسنده شد.

**تعلیم و تربیت در نظر سعدی، محمد جناب‌زاده، چاپخانه سیروس، مهر ۱۳۱۷، ۱۶۴ صفحه، قطع: رقعی، شمارگان: نامعلوم.**

**۱. مضامین اصلی: ۱-۱. فهرست نگاشته‌ها و یک غزل از طبیات با مطلع**  
اول دفتر به نام ایزد دانا صانع و بخشنده وحی توانا  
(صص: الف و ب و ج)

۱-۲. مقدمه‌ای کوتاه در مورد دانش و انسان و شرح کوتاه زندگی سعدی. (صص ۱-۳).

۱-۳. بررسی مطالب گلستان از نظر تربیت و اخلاق و تقسیم آن به هشت بخش.

۱-۳-۱. بخش نخستین، توارث و روش پرورش: "استعداد موهبت طبیعی است و از طریق وراثت تقویت می‌شود. تربیت نمی‌تواند ایجاد استعداد نماید و دانش‌آموز را توانا در کسب معرفت نماید. آثار وراثت در معاشرت تغییرپذیر نیست ولیکن این نظر در بخش‌های دیگر گلستان ضعیف شده. سعدی با آنکه در تأثیر تربیت عقیده به اصالت داشته معذالک تحصیل دانش را برای همه لازم شمرده و در طلب علم تأکید بلیغ نموده است" (صص ۶-۴).

۱-۳-۲. بخش دوم، دانش و کوشش: "سعدی از حکمای الهی است و بنیان دانش و سخن را بر اصل خداشناسی استوار می‌داند (ص ۷). تربیت نفس و تقویت ملکات روحانی و پاک نمودن آئینه فکر و روح از عوارض و ریاضت شرط توفیق است (ص ۸). در تربیت اطفال، اعم از مراحل دینی و مدنی، سعدی توازن تعلیم را با استعداد و درجه رشد جسمانی لازم می‌داند." (ص ۱۳).

۱-۳-۳. بخش سوم، در اخلاق: "بوستان سعدی یک دفتر جامع و کامل اخلاق است و در گلستان نیز در تمام ابواب اشاراتی در این موضوع دارد (ص ۱۲). مطالعه سطحی گلستان و بوستان موبد این نظر است که سعدی بر اساس تصوف خواسته است قوایم اخلاق را پرورش دهد ولیکن دقت در معانی نشان می‌دهد که این فرض خطاست و سعدی تمام نیازمندی‌های بشر را بر اصل حوایج مادی و روحی در میزان و نسبت طبیعی مطالعه نموده و هیچ‌گاه غافل از این فکر نبوده است که زندگانی جامع مساعی و توانایی مادی و فضایل نفسانی است" (ص ۱۴). "رکن اعظم مسائل اخلاقی در گلستان و بوستان آداب سخن گفتن و خاموشی است و در نیکوکاری، نوازش مهمان، راز پوشیدن، حقیقت‌شناسی، تحمل و صبر، عاطفه انسانیت، درستی، تواضع و فروتنی قطعات نغز دارد. دوری از معاشرت با نادان، بد اندیشی و سخن‌چینی و دروغ گفتن را مذموم [می‌داند] و با دلایل حسی و عقلی زبان این عادت زشت را نشان می‌دهد." (ص ۱۶).

۱-۳-۴. بخش چهارم تصوف در نظر سعدی:

۱-۳-۴-۱. "از مطالعه بوستان و بعضی حکایات گلستان می‌توان استدلال نمود که سعدی معتقد به تصوف بوده و مشرب عرفان را پسندیده است ... ولیکن درحقیقت سعدی را نمی‌توان در زمره عام معنی تصوف قرار داد ... تعلیم عرفانی صوفی تا آنجا مورد پسند سعدی است که در تعدیل اخلاق اجتماع نافع شود ولیکن به طور کلی تابع عقاید عرفانی نشده." (ص ۲۶).

۱-۳-۴-۲. بررسی اجمالی سیرت‌تصوف: "پیدایش آن [تصوف] برخلاف گمان بعضی از محققین، در قرون وسطی نیست و سرچشمه آن را می‌توان در تاریخ‌های باستانی پیدا نمود (ص ۲۸). تصوف در ایران قدر و منزلتی خاص پیدا نمود و با تمدن اسلامی توأم گردید. یعنی ترجمه کتب یونانی که سرچشمه این تفکر بوده است وارد معارف دینی شد و شعب مختلفه فلسفی موضوع بحث قرار گرفت و چون از یک طرف روح ملی در ایران باقی بود راه مقاومت و مخاصمتی پیدا کرد و خواست بر ضد استیلای خلفای عباسی ایستادگی کند، آن وقت طریقت را لباس مناسبی یافت. حوادث تاریخی هم به قوت تصوف کمک کرد. پیدایش مغول و ستیزهای متوالی و غارتگری‌ها یک شکست روحی و مادی و اخلاقی دیگری وارد ساخت و بنابراین در همه جا پرورش عرفان زمینه‌های مساعدی پیدا کرد ... اساس عرفان مبنی بر ترک تعلق و رهایی از قید قوای مادی است، اعتقاد به وحدت وجود، قناعت و عزلت، تحقیر منطق و استدلال، دمر زدن از عشق و مهر و محبت و تکامل عالم روحانی شاه بیت تصوف است." (صص ۲۸-۳۰).

۱-۳-۴-۳. "ما نسبت به طرز تحقیق مادیون به طور کامل تسلیم نمی‌شویم. ممکن است علل اقتصادی و تحول اجتماعی در ترقی و یا انحطاط دین و عرفان کمک کند ولی به طور کلی عقاید روحانی مولود اوضاع مادی نیست." (ص ۳۰).

۴-۳-۱. اشاره به تصوف در هند و یونان و عرفان بودا و زردشت و اینکه ابو سعید ابوالخیر، محی‌الدین عربی، عطار و مولوی سرآمد صوفیان دوره اسلامی، تا زمان سعدی هستند (صص ۴۱-۳۱).

۴-۳-۱. "سعدی از نظر اجتماعی به موازین اخلاقی تصوف اهمیت بسزایی می‌دهد (ص ۴۲).

عزلت و کناره‌گیری از اجتماع را برخلاف عرفا دوست ندارد و معاشرت را برای تهذیب عقول لازم می‌شمارد ... تصوف در نظر سعدی صفای باطن و جمعیت خاطر و تهذیب و پاک‌ی اخلاق است (ص ۴۲) او در اخلاق مقاومت منفی را دوست داشته است دین و دانش، سعی و عمل، ریاضت بدنی و روحی را در تمام موارد تأکید نموده و البته اشعار عرفانی که در محبت و عشق سروده، مولود نبوغ شاعری و تجلیات ذوقی او است که با عرفان نیز دمساز است." (ص ۵۲).

۴-۳-۱. بخش پنجم در مسافرت و اقتصاد.

۴-۳-۱. تأکید بر فایده‌های مسافرت (صص ۵۳-۵۲):

۴-۳-۱. اشاره به سفرهای سعدی: "سعدی بیشتر دوره زندگانی خویش را در سفر گذرانده و از حکما و دانایان دانش آموخته است" (ص ۵۴).

۴-۳-۱. طرح حکایت "مشت زن" و یادآوری و تأکید سعدی بر فواید سفر (صص ۵۷-۵۴).

۴-۳-۱. اشاره به اقتصاد و تعادل در نظر سعدی: "سعدی هیچ‌گاه زندگانی اتکالی را دوست ندارد و همواره از کلمه قناعت هم تعادل مساعی مادی و اخلاقی را خواسته است (ص ۵۸). سعدی فضایل اخلاقی را در کار و بی‌نیازی می‌داند و میل دارد انسان علو روح را با بذل همت و مجاهدت حفظ نماید تا ناچار به کسب کمک از دیگران نشود (ص ۶۰). به عقیده سعدی دارای یکی از مقدمات سعادت است ولی البته حقیقت سعادت نیست. ثروت اگر با فضل و دانش همراه نباشد مایه نکت و بی‌نوابی است." (ص ۶۱).

۴-۳-۱. بخش ششم عشق و خانواده: "سعدی در بیان انواع عشق و آثار آن در زندگانی شاهکارهای ادبی زیادی در بوستان دارد و در عشق و جوانی با آنکه دچار هیجان‌ها و ذوق زیبایی و جمال بوده و نغمه شورانگیز لطایف و بدایع را از پرده‌های پراهنگ روح شاعریش خود شنیده، میل شدید داشته که عشق طبیعی و زناشویی به وسیله تربیت عقلی راهنمایی شود و اراده و زمام اختیار را دستخوش عواطف و احساسات قرار ندهد (ص ۶۴). محبت جنسی باید از آرایش‌های پست و هوس باختن پاک باشد (ص ۶۸). سعدی در پاس حق مادر پرده‌های نافذ را در قطعه‌های ادبی در برابر چشم گذارده و در تجسم مهر و محبت مادری کمال سخن را گفته است." (ص ۷۰).

۴-۳-۱. بخش هفتم، در پرورش افکار بدیع:

۴-۳-۱. سعدی در آغوش طبیعت: "سعدی در زندگانی خشک و جامد نبوده و هر نوع دانش و هنری را که بر بینش انسان بیفزاید دوست داشته و آثار گذشتگان را تا درجه موجود خواه در کتاب اجتماع و خواه در یاد داشت‌ها مطالعه نموده (ص ۷۴) در عصر سعدی سیر علوم یکنواخت و محدود بوده و به همین جهت این حکیم اجتماعی خواسته است از این حصار در بسته، اینای بشر را بیرون آورد و با بدایع خلقت و طبیعت آشنا سازد (ص ۷۵). سعدی با قطعات ادبی تفکرات انسانی را با عواطف جاذب به سوی زیبایی‌های جهان می‌کشد و ما را با طبیعت از روی حقیقت آشنا می‌سازد (ص ۷۸).

۴-۳-۱. سعدی در اجتماع: تعلیم و تربیت از نظر روان‌شناسی توارث و شخصیت: "از نظر سعدی کمال علمی و عملی در این است که تعلیم و تربیت بر موازین اخلاق در حدود نیازهای بشری استوار گردد و به تدریج پرورش مراتب کمال انسانی را بر صفات ملکوتی بالا آورد. برای حصول این منظور سعدی دین و حکمت و اخلاق را به هم آمیخته، یعنی دیانت را برای عروج به مقام حقیقی انسانی و کسب فیض از انوار آسمانی از راه عبادت و ریاضت نفسانی بر حقیقت خداپرستی ستایش می‌کند و به وسیله حکمت می‌خواهد فکر و عقل بشری را پرورش دهد. و تمام این مزیای را موقوف به کسب دانش و بینش و هنر می‌داند." (ص ۸۶).

"سعدی در تأثیر محیط و نفوذ آن در غرایز انسانی عقیده مند است و به همین جهت اخلاق را در تعلیم محور تربیت قرار داده است ... وظیفه‌شناسی را یکی از علائم روشن فضیلت و شخصیت می‌داند ... در نظر او معاشرت با مردان دانشمند روح را پرورش می‌دهد ... برای این که مایع حسد و عیب‌گویی در روان انسان رشد نکند به تعلیم و تربیت دوره کودکی اهمیت وافر می‌دهد." (صص ۱۰۳-۹۷).

- نظر سعدی درباره بهداشت غذایی و طب نفسانی و رفتارهای اجتماعی (صص ۱۱۸-۱۰۸).

بدایع افکار شامل موارد زیر: "قدر و منزلت استاد را همه وقت باید شناخت، بار کج به منزل نمی‌رسد. سرنوشت مولود عمل است، درست‌ی و راستی، میهن‌پرستی، خانه داری و اقتصاد، عاطفه در اقتصاد، پیشه‌وری و خوشرویی، درس عبرت آموختن از بدرفتاری‌ها، عاقبت غرور و بلندپروازی، خودپرستی و تهی‌مغزی و تحمل مشکلات ..." (صص ۱۲۲-۱۱۸).

بدایع آثار: "هر کتابی را یک بار، دو بار خواندید دیگر مرور بدان بی‌لطف و کسالت‌آور است لیکن آثار سعدی را از اوان کودکی تا پایان پیری برای همه وقت می‌توان مطالعه نمود ... گلستان نمایشگاهی است که هر لحظه پرده‌هایش عوض می‌شود و در هر نظر بدایع و دقایق تازه نمایان می‌گردد." (صص ۱۲۳-۱۲۲).

ارائه نمونه‌هایی از آثار سعدی با عناوین زیر: "در وصف یزدان، سپاس خداوند متعال، در راه خداشناسی، در وصف بهار، توصیف بوستان، سعدی در اوج اشتها، سبب تألیف کتاب، اثر آمیزش، شب توفانی و عشق در جوانی، وصف خوبان و ... (صص ۱۵۱-۱۳۲).

۴-۳-۱. بخش هشتم، اندرزهای حکیمانه: "اندرزهای او [ سعدی ] چکیده حقیقت و فلسفه دقیق زندگانی و محصول آزمایش‌ها و تجربه‌های طولانی است (ص ۱۵۳). عواطف شاعرانه سعدی و تخیلات زیبای او حد عالی شعر و ادب و موسیقی است. هر قطعه او یک پرده بدیع از اسرار روح و عشق است." (ص ۱۵۴). بیان صد اندرز از جمله‌ها، سروده‌ها و عبارتهای سعدی (صص ۱۶۴-۱۵۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (مأخذ مورد استفاده مشخص نشده است).

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. گلستان ۲۴۸ بار، بوستان ۱۱۱ بار، غزلیات ۲۶ بار، قصاید ۱۳ بار.

۴. اشاره: موارد زیر را می‌توان از ویژگی‌های مثبت و منفی این کتاب برشمرد: ۴-۱. استفاده فراوان از آثار سعدی برای تأیید گفتار (در طول ۱۶۴ صفحه کتاب ۲۹۸ بار، به طور مستقیم به آثار سعدی استناد جسته شده است).

۴-۲. توجه به مسائل تازه تربیتی و روان‌شناسی و سنجش افکار سعدی با آنها. اگرچه به تضادها و تناقض‌های موجود در گلستان به جز دو اشاره کوتاه (در ص ۵ و ۱۵۳) توجه‌ای نشده است.

۴-۳. اشتباهات فراوانی چاپی (که در غلطنامه کتاب تنها به ۲۴ مورد از آنها اشاره شده است) از جمله در صفحه‌های ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ غزل‌هایی آمده و بالای آن نوشته شده: "بوستان".

۴-۴. عدم یکدستی روش، به عنوان نمونه در ص ۱۳۱ حکایتی از گلستان آمده و واژه‌های آن در کنار همان واژه داخل دو کمان معنی شده، در صورتی که این روش درج‌های دیگر کتاب اعمال نشده است.

۴-۵. ناهماهنگی فهرست نگاشته‌ها با مطالب کتاب، از جمله عنوان "چه کتاب‌هایی را باید خواند" در فهرست نگاشته‌ها صفحه ۷۰ و در متن کتاب صفحه ۷۴ است. یا عناوینی چون بدایع افکار (ص ۱۱۸) و بدایع آثار (ص ۱۳۲) در فهرست نگاشته‌ها نیامده از صفحه ۱۱۸ تا ۱۳۲ کتاب بیش از ده عنوان ذکر شده که تنها یکی دو مورد آن در فهرست نگاشته‌ها آمده است.

۴-۶. نشانی آثار مورد استفاده مشخص نشده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. منتیبی و سعدی، حسین‌علی محفوظ، ۱۳۳۶، صص ۲۹۹، ۳۱۱، ۵-۲. در هر اثر هنری است [ ۱ ]،

محمد جناب‌زاده، ارمغان، سال پنجاه و سوم، دوره چهلیم، شماره ۵، مرداد ۱۳۵۰، صص ۳۲۸-۳۲۷، ۵-۳. جهان بینی در نظر سعدی [ ۱ ]، محمد جناب‌زاده، سالنامه کشور ایران، سال بیست و هشتم، ۱۳۵۲، ص ۱۴۷، ۵-۴. حکمت سعدی کیخسرو هخامنشی،

## تکوین غزل و نقش سعدی، دکتر محمود عبادیان، انتشارات هوش و ابتکار، ۱۳۷۲، ۱۶۱ صفحه، قطع: رقعی، شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. فهرست مطالب (صص ۵-۷).
- ۱-۲. بازنویسی عبارتی از سفرنامه ابن بطوطه که گویای آوازخوانی کشتی‌نشینان چینی است با اشعار سعدی (ص ۸).
- ۱-۳. فصل اول - شعر غنایی: زمینه و شکل‌های آن در فرهنگ ایران (صص ۹-۲۳).
- ۱-۳-۱. پیوند میان شعر حماسی و روایی و غنایی (صص ۱۰-۱۴).
- تأکید بر تقدم اشعار حماسی و روایی بر اشعار غنایی، از جمله: "تقدم زمانی و ادبی شعر حماسی یا روایی بر شعر غنایی، طبیعی می‌نماید ... یکی از خصوصیت‌های عام شعر فارسی، حرکت از عنصر حماسی و روایی به سوی عنصر غنایی است (ص ۱۱) خصیصه غنایی نیرومند شعر فارسی، برخی از پژوهشگران ادبیات فارسی را بر آن داشته است که شعر حماسی و روایی فارسی را متأخر بر غنایی بدانند؛ آنها به رنگ غنایی سروده‌های زرتشت (گات‌ها) استناد می‌جویند. اما بررسی نشان می‌دهد که این سروده‌ها مسبق بر آثار حماسی و روایی از دست رفته است" (ص ۱۲).
- ۱-۳-۲. یادکرد برخی از سروده‌های آغازین در عنوان "نخستین نشانه‌های شعر غنایی فارسی." (صص ۱۵-۱۶).
- ۱-۳-۳. بررسی علمی و تاریخی زمینه‌های اجتماعی و فردی شعر غنایی در ایران (صص ۱۶-۱۸).
- ۱-۳-۴. بررسی نخستین شکل‌های شعر غنایی فارسی و تحلیل درونی این قالب‌ها، بویژه شکل رباعی و همچنین پیوند احتمالی رباعی، قطعه و قصیده در دوره اول (صص ۱۸-۲۰).
- ۱-۴. فصل دوم درباره غزل (صص ۲۵-۶۲).
- ۱-۴-۱. بررسی شکل غزل و پیشینه آن و رد نظری که غزل را شکل تطور یافته تغزل و نسیب در قصیده می‌داند: "باید گفت که شکل غزل بر نسیب قصیده نسبتاً مطول و خود قصیده در شعر فارسی قدمت دارد، زیرا در زمان تکوین نخستین شکل‌های شعر غنایی فارسی، هنوز نشانی از قصیده‌ای که به نسیب زینت یافته باشد، در میان نیست." (ص ۲۸).
- ۱-۴-۲. توضیح درباره تغزل و غزل و همانندی‌ها، تفاوت‌ها، و روند آنها به سوی هم (صص ۲۸-۳۱).
- ۱-۴-۳. بررسی زمینه‌های اجتماعی و انگیزه‌های ورود مفاهیم اجتماعی در غزل فارسی (صص ۳۱-۳۹)، نتیجه اینکه: "با توجه به اینکه در غزل فارسی نوعی عشق نامجاز توصیف شده و این عشق نوعی زمینه اجتماعی عینی داشته است، آنگاه می‌توان گفت که غزل فارسی، موضوع‌هایی را می‌سروده که جنبه اجتماعی داشته و بازتاب برخی از مناسبات اجتماعی بوده است، به عبارت دیگر موضوع‌های غزل فارسی صرفاً زاینده تأثرات ذهنی شاعر نیست." (ص ۳۹).
- ۱-۴-۵. توصیف عشق نامجاز در شعر غنایی اروپا با یادکرد نمونه‌هایی از دانته، جاکامودالنتینو و پترارکا و هم‌رنگی آنها با غزل فارسی (صص ۴۰-۴۲).
- ۱-۴-۶. بررسی مقام اجتماعی غزل در فرهنگ ایران و شعر فارسی و نقد نظر کسانی که رونق غزل را به عنوان یک ضعف اجتماعی و رکود روح سلحشوری مردم ایران دانسته‌اند (صص ۴۲-۵۱) از جمله: "این استدلال که تصوف، باعث رواج تغزل شده و این دو، زمینه فکری شکست ایرانیان در مقابل مغول‌ها بوده است، پایگاه عینی و تاریخی مستحکم ندارد. بعید می‌نماید که موعظه‌های ابوسعید، منطق‌الطیر و مثنوی یا دیوان شمس، روح سلحشوری را از مردم ایران گرفته باشند ... سبب نزولی جامعه ایران و در نتیجه تضعیف روح سلحشوری را باید در فساد روابط اجتماعی و دستگاه حکومت و خلافت عباسی و فروپاشی مدیریت ملوک‌الطوایفی در آن زمان ریشه‌یابی کرد ... رواج غزل به عنوان یکی از شکل‌های پربار شعر غنایی فارسی در حقیقت مبین پیشرفت فرهنگ اجتماعی مردم و گسترش احساس فردیت در شهروندان بوده است (ص ۴۷).
- حرکت شعر فارسی از حماسی به روایی و سرانجام به غنایی، در واقع نشان حرکت روحیه و ذوق ایرانی از اسطوره و افسانه به وصف واقعیت احساس و عاطفه اجتماعی مردم است" (ص ۵۰).
- ۱-۴-۷. بررسی تطور و تحول شکل‌های مختلف شعر غنایی و موضوع‌های اصلی غزل (صص ۵۱-۵۶)، از جمله: "عناصر غنایی از همان آغاز در شعر فارسی خودنمایی می‌کرد. نخستین تجلی آن در شاهنامه فردوسی و سپس در تغزل و نسیب قصیده بود، تا اینکه سرانجام شکل مناسب و برآزنده نهایی خود را در غزل یافت ... غزل فارسی، از همان آغاز با قالب و موضوع‌هایی ساده، ولی متناسب و مشابه غزل در سده‌های بعد، شکل گرفته است. (ص ۵۲) نگاهی به نخستین غزل‌ها ما را با موضوع‌هایی آشنا می‌سازد که در کانون موضوع‌های غزل فارسی به طور کلی قرار دارد. برخی از آنها عبارتند از فراق و اشتیاق دیدار یار، آرزوی وصال، غم دوری، وصف زیبایی یار، سوگند دوستی و وفاداری و مانند آن (ص ۵۳). رونق شعر غنایی، خاصه غزل فارسی معرف دورانی است که صفت مشخص آن رشد فردیت افراد جامعه و نیاز به بیان برداشت فرد از روابط عاطفی انسان در جامعه و دیگر امور واقع است" (ص ۵۴).
- توضیح درباره عوامل ورود مضامین عرفانی در غزل فارسی (صص ۵۶-۵۸).
- ۱-۵. فصل سوم - غزل سعدی (صص ۶۳-۱۲۸).
- ۱-۵-۱. چهره غزل پیش از سعدی و در روزگار او: توضیح درباره ورود مفاهیم عرفانی شعر فارسی، تأکید بر پیشوایی سنایی در غزل، یادکرد برخی از مضامین تازه در غزل سنایی و تحول و تکامل غزل به دست او، بویژه پیچیدگی تصاویر، نمادین شدن برخی از مفاهیم و خصلت تمثیلی یافتن و عرفانی شدن بیشتر آنها و پی‌گیری ویژگی‌های تازه غزل در سروده‌های عطار، عراقی و مولوی (صص ۶۱-۷۱).
- ۱-۵-۲. تأکید بر اوج عرفانی غزل در سروده‌های مولوی: "غزل عارفانه در دیوان شمس به نقطه اوج خود می‌رسد، اوج هنری و شاعرانه. غزل عرفانی در شعر مولانا از بسیاری خصوصیت‌های بیگانه با تعین و تشخیصی که تصویر ادبی ایجاد می‌کند، رها می‌گردد ... در غزل مولوی می‌توان شاهد اعتلای عشق گیتیانه به عرفانی بود ... تصویرهای تمثیلی و ابهام‌آمیز سنایی و عطار در غزل وی سیقل می‌یابند و جای خود را به نمادهای عرفانی می‌دهند ..." (ص ۷۱).
- ۱-۵-۳. بررسی کاوشگرانه و تحلیل صور خیال در سروده‌های عرفانی (صص ۷۵-۷۱).
- ۱-۵-۴. اشاره‌ای به چگونگی غزل انوری، از جمله: "غزل انوری بیشتر حاصل تأمل شاعر بر احساس عاطفی میان عاشق و معشوق است تا اینکه نمایشگر تجربه شخص خود او بوده باشد ... بیشتر غزل‌های او غزل تأملی است ... و در این رهگذر روشی ناشناخته پیش گرفت ..." (صص ۷۷-۷۵).
- ۱-۵-۵. شرح تکامل غزل از آغاز تا زمان سعدی (صص ۷۷-۸۰)، از جمله: "سیر غزل به موضوع‌ها و اندیشه‌های عرفانی، یکی از مسیرهایی بود که غزل در راه تکامل خود می‌پیمود و دوران چیرگی اندیشه‌های عرفانی بر غزل عرفانی در واقع یکی از منزل‌هایی بود که حرکت شعر غنایی در گذار خود داشت. عرفان به شعر غنایی خاصه غزل زرفای اندیشه و تنوع موضوع و مطلب داد ... هم‌زمان با رشد غزل عرفانی، غزل آغازین و غیر عرفانی نیز رشد و تحول یافت (ص ۷۸) ... مقایسه غزل آغازین با غزل انوری یک تفاوت اساسی

را که غزل قرن ششم به آن رسید، نشان می‌دهد. اساس این تفاوت در توصیف اجتماعی شدن احساس و عشقی است که در غزل، از انوری به بعد آمده است ... تنها از غزل انوری بدین سوست که غزل چنان مایه‌هایی می‌یابد که بتواند بیانگر احساس و عشقی شود که ارضای جمعی الفا کرده است. یا پیامی جمعی یا اجتماعی به همراه دارد. غزل انوری دارای چنین خصلتی است" (ص ۷۹).

۱-۵-۶. توضیح درباره غزل سعدی و سنجش آن با غزل‌های دیگر و جایگاه آن در سیر غزل سرایی (صص ۸۹-۸۰)، از جمله: "غزل سعدی کیفیت‌های هنری اصیل و زنده‌ای دارد که سیر غزل در طی دو سده و اندکی سال بدان دست یافته است، احساس و عشقی است که با تار و پود خصیصه‌های نوع انسان آمیخته شده است. زیبایی توصیف شده در غزل سعدی، زیبایی آرمانی است که خصوصیت انسانی فراگیر دارد؛ این عشق و زیبایی، مبشر دوستی و آرمان‌خواهی انسان اجتماعی و در عین حال فردیت‌یافته ایرانی است (ص ۸۱). آنچه غزل سعدی را از دیگر غزل‌ها متمایز می‌کند، پروراندن موضوع، در آوردن آن، به شکلی نو و پرداخت شاعرانه آن است." (ص ۸۲).

- تحلیل معناشناسی برخی از غزل‌های سعدی، نتیجه آنکه: "شاعر موضوعی آشنا را به کمک اندیشه‌ها و تصویرهای هنری به یک اثر زنده ادبی در آورده و مصالح ساختمان آن را از صفات انسانی و پدیده‌های طبیعت گرفته است. شخصیت انسانی و همگانی دادن به احساس عاطفی، برجسته کردن زمینه معنوی احساسی که آدمی از کمال و جمال دارد و پرداختن آن به شیوه‌ای که هم جنبه فردیت و هم مقام آرمانی عشق و زیبایی ملحوظ گردد، از جمله کیفیت‌هایی است که هنر سعدی به غزل بخشیده است (ص ۸۴).

سعدی شاعری است اندیشه‌ور و به نقش عنصر تعمیم در هنر آگاهی دارد. به همین سبب نکات و موضوع‌هایی که در غزل او پرورده و پرداخته می‌شوند، قطع نظر از آنکه تاریخی، اساطیری یا اندیشه‌ای باشند، به این صفت آراسته می‌گردند (ص ۸۶). غزل سعدی را می‌توان به فرآیندی تشبیه کرد که مطلب در بستر آن بازنمایی شده، با دیگر جنبه‌های مورد نظر پیوند می‌یابد و شناخته می‌شود و سرانجام با غنایی که در این رهگذر یافته است، آیین پیامی می‌گردد که شاعر القای آن را در نظر داشته است (ص ۸۷) غزل سعدی نوعی چکامه منسجم است، در آن موضوع در قالب اندیشه و تصویرهایی که به آن تجسم حسی می‌دهند وصف می‌شود. اندیشه یا مطلب مورد نظر شاعر در آن بازنمایی می‌شود و تطور و تکامل می‌یابد ... " (ص ۸۹).

۱-۵-۷. تبیین وحدت موضوع و کثرت اندیشه در غزل سعدی (صص ۹۲-۸۹).

در غزل سعدی یک کل اندیشه‌ای است، اجرای این کل به بیت‌های غزل مضمون می‌دهند. بیت‌ها (یعنی اندیشه‌های تصویر شده در آنها) مطلب را بازنمایی می‌کنند، می‌گسترانند و به کمک تصویرها، تجسم‌پذیر می‌سازند، تا مقصودی را که شاعر از به میان آوردن موضوع در سر دارد، تفهیم کنند. این اندیشه‌ها دارای آغاز، حرکت و فرجامند و در مجموع خود یک کلیت شاعرانه (هنری) را بیان می‌کنند (ص ۹۰) البته باید یادآور شد که کیفیت و روشنی و وحدت موضوع در غزل‌های سعدی متفاوت است، در برخی به صراحت دیده می‌شود، حال آنکه در بعضی سرراست نیست" (ص ۹۱).

۱-۵-۸. تأکید بر وحدت مضمون در غزل سعدی (صص ۹۶-۹۲). "مضمون غزل‌های سعدی از سادگی مضمون شعر غنایی آغازین و از ابهام مضمونی غزل عرفانی میراست. از هر غزل سعدی همواره یک مضمون مشخص می‌تراود ... مضمون در غزل سعدی با بیت اول یا می‌گیرد و در یکایک بیت‌های بعدی رشد می‌یابد و غنی‌تر می‌گردد و در بیت‌های پایانی به صورت فکرتی ناشی از کل غزل احساس می‌شود (ص ۹۴) بررسی غزل‌های سعدی نشان می‌دهد که هم موضوع آنها و هم مضمونی که از تطور اندیشه و تصویرشان در بیت‌ها حاصل می‌شود واحد است ... وحدت شکل و مضمون یکی از خصوصیت‌های منحصر به فرد غزل سعدی است" (ص ۹۵).

۱-۵-۹. بررسی موضوع‌های غزل سعدی (صص ۹۹-۹۶). "موضوع‌هایی که سعدی در غزل می‌سراید، همان موضوع‌های شعر غنایی فارسی است (ص ۹۶) سعدی موضوع‌های شعر غنایی و غزل فارسی را با روحی به کلی متفاوت و تازه سروده است، این روح جنبه اخلاقی و اجتماعی مطلب‌های غزل اوست" (ص ۹۸).

۱-۵-۱۰. تأکید بر خصلت اجتماعی موضوع و مضمون در غزل سعدی (صص ۱۰۳-۹۹). "هر موضوع، هر اندازه هم که فردی و خرد باشد، وقتی مهر فریحه و هنر او را به خود می‌گیرد، اعتبار فراگیر انسانی و اجتماعی می‌یابد. فردی‌ترین اندیشه‌های غزل او با زندگانی احساسی و عاطفی مردم، پیوند ناگسستنی دارد (ص ۱۰۱). غزل سعدی به دو لحاظ از خصلت نیرومند اجتماعی برخوردار است: از یک سو سروده‌هایش به عنوان شعر و هنر خلاق از احساس فردیت اجتماعی مایه گرفته‌اند و از سوی دیگر رنگ دریافت همگانی از زیبایی و کمال دارند (ص ۱۰۲). سعدی یکی از شاعران نادر ایران است که به واقعیت و عینیت مناسبات اجتماعی زمان خود توجه دارد و جنبه‌های مثبت و حکمت‌آمیز آن را برجسته کرده است" (ص ۱۰۳).

۱-۵-۱۱. بررسی کیفیت یکتای غزل سعدی در شعر غنایی فارسی (صص ۱۰۵-۱۰۳). "سعدی عناصری از شعر تغزلی را با خصلت تعمیمی غزل انوری درآمیخت و آن را شیفتگی برای جمال و کمال که بیش از همه در غزل عرفانی خاصه در غزل‌های مولانا جلال‌الدین جلوه کرده غنی ساخت و غزل را به محتوا و مضمونی سرود که شاعران پیشین و نیز پس از وی سروده‌اند (ص ۱۰۴) زیبایی‌شناسی و کمال‌شناسی سعدی، با توجه به این دو گرایش، یعنی توصیف تغزلی و عرفانی جمال و کمال بهتر نمایان می‌گردد ... طبیعی است که سعدی غزل‌های بسیاری با موضوع‌های مکتب‌ها و گرایش‌های شناخته شعر فارسی نیز سروده است، در این گونه سروده‌ها می‌توان موضوع‌ها و اندیشه‌های عرفانی، فلسفی و اندیشه‌های خیامی‌وار یافت ... " (ص ۱۰۵).

۱-۵-۱۲. توضیح درباره سرچشمه اندیشه اجتماعی سعدی [ در کتاب این عنوان به صورت "سرچشمه اندیشه‌های غنایی سعدی" آمده است ] : "سعدی یکی از اندیشمندان و شاعران انگشت‌شمار فارسی است که برای واقعیت عینی و مناسبات اجتماعی ارج قائل است و آن را سرآغاز فعالیت شاعرانه خود قرار می‌دهد. او یک شاعر اندیشه‌ور اجتماعی است و اذعان و احترام به دستاوردهای سنتی زندگانی را از فضیلت‌های انسان می‌شمارد ... احترام به ارزش‌ها و سنت‌های زمانه را نباید با سازش با هر واقعیتی و یا با محافظه‌کاری یکسان شمرد" (ص ۱۰۸).

۱-۵-۱۳. بررسی نگرش نقادانه در غزل سعدی (صص ۱۱۴-۱۱۰). "سعدی از زندگی و مشکلات آن دور نبوده و نسبت به نارسایی‌ها و نابسندگی‌های آن نگرش نقادانه داشته است ... نقد سعدی بر زندگی نقدی مخرب نیست، بلکه سازنده است، با او نقد کاستی‌ها و ناروایی‌ها را ضمن توصیف اعتلایی مطلب بیان می‌کند. نقد او توأم با سازندگی خلاق است. چنین نقدی از انتقاد کلی و یکدست ریشه‌ای‌تر و مؤثرتر است، گویایی و رسایی و استحکام دارد (ص ۱۱۰). سعدی بندرت از بدی انتقاد می‌کند، خاصه در غزل، او مجرب و کارآزموده است و می‌داند که اثر تربیتی برجسته کردن امر نیک، بسیار بیشتر از نقد کاستی‌ها و زشتی‌هاست. به جای افشا کردن کوتاه‌بینی، بلند همتی را می‌ستاید (ص ۱۱۱). در غزل سعدی عشق و زیبایی رنگ یک جانبه ندارد نه مقید به خصلت صرفاً تغزلی است و نه در بند عرفان، هم نقد آن است و هم نقد این، و ضمناً هم این است و هم آن و نه این است و نه آن." (ص ۱۱۲).

۱-۵-۱۴. توضیح درباره زبان و سبک بیان در غزل سعدی با یادکرد گفته‌هایی از دیگر صاحب نظران چون محمدعلی فروغی، زین‌العابدین مؤتمن و میرزا یف (صص ۱۱۹-۱۱۵) و نتیجه اینکه: "روانی و سادگی و ظرافت خصوصیت بیشتر سروده‌های شعر غنایی فارسی است، قصیده‌سرایان عصر غزنوی آثاری روان، ساده و شیوا سروده‌اند و ظرافت و روانی شعر نظامی‌گنجوی مشهور است، یا این همه، رسایی و روانی و شیوایی شعر سعدی متمایز است (ص ۱۱۶). زبان گفتار سعدی زبان غنی و سرشار از تصویر فارسی روزانه است و بسیاری از عناصر فرهنگ عامه را به همراه دارد. افزون بر این او از سنت نیک ساده‌سرایی شاعران پارسی‌گو بهره جسته است (ص ۱۱۷). واحد هنری معنادار در غزل سعدی، در بیشتر موارد مصرع است، نه تمام بیت، بدین‌گونه دو جزء یک بیت غزل در نزد او، نسبتاً آزادند و بیت غزل سعدی در مقایسه با شاعران سلف وی به بیشترین بار معنایی و هنری رسیده است. بیت‌های غزل او، ارزش یک کل اندیشه‌ای جامع را دارا هستند" (ص ۱۱۸).

۱۵-۱. بازنمایی گونه‌های تصویر در غزل‌های سعدی و خصلت‌های آنها (صص ۱۲۲-۱۲۰). "تصویر در غزل سعدی تشبیه یا استعاره‌ای است که مطلب یا اندیشه کلی غزل را بازنمایی می‌کند و به تنگ شدن آن در بیت‌های چندگانه غزل یاری می‌رساند ... نخستین ویژگی تصویرهای سعدی آن است که رنگ تمثیلی ندارند (ص ۱۲۰). تصویرهای سعدی طبیعی و بی‌تکلفند، آنها چنان با زبان غیرتصویری همگونند که گاهی مرز میان تصویر و غیرتصویر چندان مرئی نمی‌نماید" (ص ۱۲۲).

۱۶-۱-۵. بررسی بعضی عناصر طبیعت و اجتماع به عنوان مأخذ برخی از تصویرها در غزل سعدی (صص ۱۲۷-۱۲۲).

۱۷-۱-۵. بررسی شیوه تشبیه، انواع تصویرها، نوع استعاره‌ها و نقش تصویرها در غزل سعدی (صص ۱۲۷-۱۲۱).

۱-۶. فصل چهارم سعدی و ادبیات جهانی (صص ۱۵۹-۱۲۹).

۱-۶-۱. توضیح درباره خصلت انسانی جهان گستر غزل سعدی (صص ۱۴۹-۱۴۰)، از جمله: "هنر سعدی از چند لحاظ جنبه همه انسانی دارد و به اعتبار آنها با شعر غنایی جهانی پیوند می‌یابد. یکی از این جنبه‌ها، خصلت عینی و اجتماعی و در همان حال فردیت یافته هنر اوست (ص ۱۴۱) خاستگاه یکی از خصیصه‌های انسانی جهان‌گستر شعر سعدی در آن است که او مبشر وحدت، دوستی و اخلاق نظری (بوستان) و عملی (گلستان) بوده است" (ص ۱۴۲).

- اشاره به شباهت‌های گو - فنگ چینی، سونت اروپایی و غزل فارسی (صص ۱۴۹-۱۴۳)، از جمله: "نگاهی به سونت‌های دانتیه و پترارک و مقایسه این دو با غزل فارسی گواه آن است که از یکی سو سونت ایتالیایی از دانتیه به پترارک سیر تکاملی پیموده و موضوع و مطلب آن رنگ زندگی خاکی گرفته است، از دیگر سو روش و بینش پترارک به روش سعدی نزدیک‌تر است تا به دیگر غزل‌سرایان فارسی" (ص ۱۴۸).

۱-۶-۲. بررسی ساخت درونی سونت و غزل، مقایسه سونتی از پترارک با غزل سعدی (صص ۱۵۲-۱۵۰).

۱-۶-۳. بررسی سیر غزل پس از سعدی و سیر سونت پس از پترارک (صص ۱۵۹-۱۵۲).

۲. منابع اصلی: ۱- کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، ۱۳۶۳، ۲-۲. سیر غزل در شعر فارسی، سیروس شمیسا، ۱۳۶۳، ۳-۲. تحول شعر فارسی، زین العابدین مؤتمن، ۱۳۳۹، ۴-۲. دیوان سنایی، محمدتقی مدرس رضوی، ۱۳۵۴، ۵-۲. دیوان انوری، مدرس رضوی، ۱۳۶۴، ۶-۲. دیوان عطار، مقدمه و حواشی م. درویش، ۱۳۶۳، ۷-۲. کلیات عراقی، سعید نفیسی، ۱۳۳۸، ۸-۲. کلیات شمس، بدیع‌الزمان فروزانفر، ۱۳۶۳، ۹-۲.

" Francesco petrarca" canzoniere, testo critico e introduzione di Giafraneo contini ,Annotazioni di Daniele ponchiroli ۱۹۹۶ ,

## ۳. رویکرد به آثار سعدی:

۳-۱. غزلیات ۱۰۶ بار، گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. این کتاب با رعایت اصول علمی و تحقیقی و دیدی ژرف‌نگرانه به نثری شیوا پرداخته شده است. از جمله ویژگی‌های این کتاب موارد زیر برشمردنی است:

- تحلیل علمی، منطقی و تاریخی درباره چگونگی پیدایش شعر غنایی و روایی (از جمله ص ۱۶).
- نقد و رد نظر کسانی که غزل را شکل تطور یافته نسبی و تغزل قصیده می‌دانند (ص ۲۸).
- نقد و رد نظر کسانی که درباره رشد غزل (در مسیر عرفانی شدن آن) بدگمان و منفی‌نگرند (صص ۴۵-۴۴).
- بررسی ظریف و موشکافانه سروده‌های سنایی به عنوان سرآغاز غزل فارسی، برای نمودن تحول غزل. (صص ۶۷-۶۴).
- بررسی کاوشگرانه صور خیال در سروده‌های عرفانی و تفاوت آن با اشعار غنایی (صص ۷۴-۷۰).
- تحلیل معناشناسی هنری برخی از سروده‌های سعدی در غزل، با توصیف ویژگی‌های جزئی آن به جای کلی‌گویی‌های معمول (صص ۸۰-۸۱).

برای نمونه یکی از این کاوش‌ها را بازنگری می‌کنیم: (در بررسی غزل "بخت باز آید از آن در ...") "سعدی زیبایی را با صفات و تصویرهایی می‌سنجید که تعیین‌های خود زیبایی نیستند، بلکه اثرات تجلی آنند، آنها مضاف نیستند، بلکه نتایج هستند که وجود زیبایی به همراه دارد. بخت و دولت در بیت اول چنین صفاتی‌اند. بخت و دولت با رنج و بردباری به کف می‌آیند، شاعر از این امر برای توصیف و توجیه کمیابی زیبایی مدد گرفته است (بیت دوم). خاطره غمی که از رنج در راه زیبایی به جای می‌ماند، در بیت سوم جبران می‌پذیرد؛ شاعر از دلفریبی و شادایی که زیبایی به همراه دارد سخن می‌گوید. آنچه در بیت‌های چهارم و پنجم تصویر شده است. در بیت‌های بعد، شمول و تعمیم می‌یابد، دریافت شاعر از زیبایی رنگ همگانی به خود می‌گیرد، شاعر به آن اعتلا و معنویت می‌بخشد. دو بیت آخر بیانگر اصلی است که در غزل‌های سعدی اغلب به تصویرهای گوناگون وصف شده است: ضرورت وجود زیبایی و طبیعی بودن خرسندی که از دیدار آن به آدمی دست می‌دهد. غزل سعدی نوعی چکامه منسجم است، در آن موضوع در قالب اندیشه و تصویرهایی که به آن تجسم می‌دهند وصف می‌شود ... " (صص ۸۹-۸۸).

- بررسی پیوند طولی غزل با تحلیل زیباشناسی معنایی، که در نوع خود از تازگی نگاه برخوردار است. برای نمونه درباره غزل " آمد که بوی ... " نوشته‌اند: "موضوع این غزل اصالت زیبایی یا زیبایی اصل است، اندیشه مرکزی آن تفاوت اصل و بدل است، معمولاً اندیشه مرکزی مبین مضمون فکری چکامه است. در این غزل اندیشه اصل و بدل در بیت‌ها تنگ می‌شود و تعیین‌های تصویری به خود می‌گیرد، همچون تفاوت بوی گل با گلاب، زهد و صداقت و غیره که تا بیت پنجم پیش می‌رود؛ این بیت چنان می‌نماید که موضوعی نو که نقش تکمیلی داشته و با موضوع اصلی نیز ناهمگون نیست، جای اولی را می‌گیرد. با کمی دقت می‌توان متوجه خویشاوندی این دو موضوع شد: آنچه در بیت‌های نخستین معرف جنبه اصالت مورد نظر در غزل است، در بیت پنجم جای خود را به فتنه‌انگیزی که ضمناً موضوع تکمیلی است می‌دهد؛ بیت‌های بعد خویشاوندی یا زمینه واحد این دو موضوع را آشکارتر می‌کند ... " (صص ۹۲-۹۱).

۲-۴. نویسنده در بخش نخست مقاله (فصل اول و دوم) از نوشته‌های دیگران بهره بیشتری برده است، از جمله "سیر غزل در شعر فارسی" از دکتر سیروس شمیسا و "تحول شعر فارسی" از زین‌العابدین مؤتمن و ... اما در بخش دوم که اختصاصاً درباره سعدی است، علاوه بر تازگی نگاه، زمینه‌هایی برای تحلیل پایسته و شایسته‌تری از غزلیات سعدی فراهم آورده است.

۳-۴. کاستی‌های این کتاب در مقابل ارزش‌های آن کم است و می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عنوان "سرچشمه اندیشه‌های غنایی سعدی" (ص ۱۰۷) با مطالب زیر عنوان سازگاری و پیوند پایسته را ندارد، زیرا مطالب زیر این عنوان درباره اندیشه‌های اجتماعی سعدی و سرچشمه‌های آن است.

- ابتدای صفحه ۱۱۶ افتادگی چاپی دارد، عبارت مرحوم فروغی چنین است: "سعدی سلطان مسلم ملک سخن و تسلطش در بیان از همه کس بیشتر است. کلام در دست او مانند موم است ...".

- نشانی برخی از بیت‌ها از قلم افتاده است، از جمله ص ۱۴۹ بیت آخر و ص ۱۵۲ بیت دوم و سوم. شماره ۱۷ برای نشانی بیت اول نیز نادرست است. زیرا در بخش یادداشت‌ها شماره ۱۷ مربوط به ابیاتی از خواجو است. موارد زیر برخی دیگر از اشتباهات چاپی است: ص ۳۰، س ۲۳؛ در ذهن انجمن (در ذهن انجمن) و ص ۶۶، س ۹؛ براوان از بشر (برون از بشر) و ص ۶۸، س ۱۷؛ تشنه‌تر باشد (تشنه‌تر باشد) و ص ۱۵۸، س ۱؛ بعد از می‌نخواهم (بعد از تو می‌نخواهم) و ...

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۱-۵. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، صص ۲۶، ۱۹۴.

جهان‌بینی در نظر سعدي (۱) ، محمد جناب‌زاده، سالنامه کشور ایران، سال بیست و هشتم، ۱۳۵۲، صص ۲۵۶-۱۴۵.

جهان‌بینی در نظر سعدي (۲) ، محمد جناب‌زاده، سالنامه کشور ایران، سال بیست‌ونهم، ۱۳۵۲، صص ۱۲۹-۲۴۸.

\* این دو نوشته که در سالنامه کشور ایران به چاپ رسیده با همان مشخصات و با همان شماره صفحه سالنامه به صورت دفتر مستقل نیز منتشر شده است و برخی این دو نوشته را به عنوان کتاب مستقل به شمار آورده‌اند. به همین دلیل عنوان این دو نوشته را در فهرست کتاب‌ها نیز آوردم. برای آگاهی بیشتر، رک. جهان‌بینی در نظر سعدي، محمد جناب‌زاده، ... در بخش مقاله‌ها در همین مجموعه.

**حکایت‌های گلستان سعدی ، محمد محمدی اشتهاردی، انتشارات نبوی، ۱۳۷۴، ۲۷۲ صفحه، قطع: رقعی، شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه.**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. فهرست مطالب (صص ۱۴-۵).
- ۱-۲. گفتاری زیر عنوان "سخن ناشر" (صص ۱۷-۱۵)، توضیح درباره عظمت سعدی و ارزش مضامین آثار او، بویژه گلستان، اشاره به هدف تألیف کتاب حاضر: "این اثر که توسط استاد توانا، حجة الاسلام محمد محمدی اشتهاردی به رشته تحریر درآمده است، کوششی است در جهت همگانی کردن استفاده از این گنجینه گران بها از معارف و حکم و شناسایی جهاتی که استاد سخن سعدی (علیه الرحمه) در ترسیم آن به بهترین نحو و با ایجازی حیرت آور دست‌یازید ... (ص ۱۷).
- ۱-۳. پیش‌گفتار (صص ۲۷-۱۹).
- توضیح درباره نام، لقب، تاریخ تولد، کودکی، تحصیلات، مسافرت‌ها، وجه تخلص و آثار سعدی (صص ۲۹-۱۹).
- توضیح درباره گلستان، باب‌ها و مضامین آن با نقل عبارتهایی از دکتر فوزی عطری و دکتر خلیل خطیب‌رهبر (صص ۳۳-۳۰).
- توضیح درباره کتاب حاضر و روش بازنویسی حکایت‌ها (صص ۳۷-۳۳)، از جمله:
  ۱. ما در این کتاب، نثر حکایت‌های گلستان را به قلم روان روز در آورده‌ایم و اشعار فارسی آن را به همان قالب خود حفظ نموده‌ایم، و به توضیح اشعاری که فهم معنی آن مشکل بود، در پاورقی پرداخته‌ایم.
  ۲. در بسیاری از موارد نثر، نیاز به توضیح بود که آن را در بین دو گروه در متن و یا بدون گروه، در پاورقی آورده‌ایم.
  ۳. گاهی در متن حکایت‌ها، اشعار عربی وجود داشت که از ذکر آنها خودداری شد، با توجه به اینکه معنی آنها در اشعار یا در نثر آمده است.
  ۴. برای توضیح، از شرح گلستان سعدی، تألیف آقای دکتر خلیل خطیب، بهره فراوان برده‌ایم.
  ۵. در مواردی اندک، از ذکر چند حکایت به عللی، از جمله بدمؤزی ظاهری آن و یا به علت اینکه مقصود ما را در راستای هدف از تنظیم این کتاب (نصیحت و عبرت) تأمین نمی‌کرد، خودداری شد.
  ۶. ... تنها حکایت‌های گلستان سعدی، در این کتاب، بازنویسی شده، نه مثال‌ها یا نضایح و مطالب دیگر این کتاب که جنبه حکایت ندارند" (صص ۳۶-۳۵).
- ۱-۴. بازنویسی ۱۸۰ حکایت از باب‌های مختلف گلستان (صص ۳۷۳-۳۹).
۱. **منابع اصلی:** ۲-۱. شرح گلستان سعدی، دکتر خلیل خطیب‌رهبر.
۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. متن کتاب بازنویسی حکایت‌های گلستان است.
۴. **اشاره:** ۴-۱. تلاش برای عمومی کردن متون ارزشمند گذشته، با هدف بهره‌وری همگانی، از اقدامات شایسته‌ای است که برای ایجاد پیوند با منابع فرهنگی و ادبی گذشته، صورت می‌پذیرد. این کتاب با همین منظور سامان یافته است و مؤلف محترم پیرو برخی از تألیفات پیشین خود این بار به بازنویسی حکایت‌های گلستان پرداخته است. اما با قبول این که بسیاری نیز از این کتاب بهره برده‌اند، آیا نثر ساده و شیوای گلستان به بازنویسی به گونه‌ای که در این کتاب انجام گرفته نیازی دارد؟ شیخ سعدی، با توانمندی شگرف خویش معنای مورد نظرش را به گونه‌ای در ظرف حروف ریخته است که بیشتر آن حکایت‌ها برای عموم مردم نیز دریافتنی است و تنها برخی از واژه‌ها و ترکیبات نیاز به توضیح دارد.
- این گونه از بازنویسی‌ها، درک معنای ارزشمند کلام سعدی را آسان‌تر می‌کند، اما خواننده را از درک زیبایی‌های هنرمندانه الفاظ سعدی محروم می‌نماید. در مورد گلستان، شاید بهتر باشد با حفظ عین نثر تنها به توضیح نکته‌های ضروری پرداخت. بویژه آنکه برخی از جمله‌بندی‌های کتاب حاضر نیاز به سامان بهتری دارند، از آن جمله است:
  - "ناآرامی او باعث شد که آسایش شاه را بر هم زد ... (ص ۵۴، س ۵).
  - "کشنتی‌گیری در فن کشنتی‌گیری قهرمان کشنتی بود و سیصد و شصت رمز پیروزی در کشنتی بر حریف را می‌دانست". با تکرار ۴ بار لفظ کشنتی (ص ۸۴، س ۱۴ و ۱۵).
  - "... با شکستن پاره‌نانی از سفره ما با ما همدم گردند" اگر قرار بر ساده کردن نثر است، "شکستن پاره نان" چه نوع ساده‌کردنی است؟ (ص ۱۸۴، س ۱۴).
- ۴-۲. برخی از توضیحات مؤلف نیز در محل تأمل است، از آن جمله است:
  - ص ۹۰ در بازنویسی جمله "شیدای گیسوان بافت که من علویم" نوشته‌اند: "شیدای بر زلف سرش، گیسوهایی بافت [ و خود را به شکل علویان (فرزندان علی) در آورد ... ]".
  - اولاً دانسته نیست قید "سر" برای "زلف" چه ضرورتی دارد. "زلف سرش (!)" انگار زلف پا هم داریم!
  - ثانیاً چرا "بر زلف سرش گیسوهایی بافت" مگر اشکال دارد کسی گیسوهایش (که همان زلف‌های اوست) بیافد؟
  - ص ۲۰۶، در معنی مصراع "اگر خود هفت سبغ از بر بخوانی ..." نوشته‌اند: "اگر تو همه قرآن را [ به هفت قرائت ] از بر بخوانی ... باز دانسته نیست "هفت قرائت" را از کدام واژه مصراع گرفته‌اند. "هفت سبغ" البته به معنی هفت هفتم (تمام) قرآن است ...
  - ص ۲۰۷، در توضیح بیت " ز دیدن نتوانم که دیده بر بندم - و گر مقابله بینم که تیر می‌آید" نوشته‌اند: "ای زیباروی آن‌چنان به تو پرداخته‌ام، که از خودم در خاطر چیزی به یاد نمانده است، از دیدارت نمی‌توانم چشم بپوشم، و اگر رو در رو تو را بنگرم تیر (عشق) به سوی من روان است". سعدی به سادگی می‌گوید: حتی اگر از رویه تو تیر هم ببارد من نمی‌توانم از دیدن تو چشم بپوشم.
  - ۴-۳. متن این کتاب نیز از اشتباهات چاپی در امان نمانده است، از آن جمله است: ص ۵۶، س ۱۶: حذر بکنید (گذر بکنید) و ص ۸۳، س ۵: بول (قبول) و ص ۱۱۵، س ۱۳: اگر مرا (گر مرا) و ص ۱۲۸، س ۱۴: سروش (سرود) و ص ۱۳۴، س ۲: یز حلق (بر حلقش) و ص ۱۵۹، س ۶: نزد (نزدیک) و ص ۲۰۵، س ۲: وی (وین) و ...

#### ۱. مضامين اصلي: ۱-۱. پيش‌گفتار:

۱-۱-۱. توضیح درباره مسائل اخلاقي در جامعه‌ها و تأکید بر ارزش بررسی آثار اندیشه‌گران و سخنوران در مسائل اجتماعي، نتیجه: "پژوهش در سخنان سعدي نه تنها از لحاظ پي‌بردن به ویژگی‌هاي اخلاقي گذشته بلکه از جهت شناسايي مسائل اخلاقي کنوني جامعه نیز اهميت دارد." (ص ۱۱).

۱-۱-۲. اگر چه سخن سعدي شهرت فراگیر داشته است اما "به مضمون و محتوای اندیشه و باورهای او و ارزیابی تحلیل‌آمیز آن تا دوران اخیر در کشور ما کمتر توجه شده است." (ص ۱۳).

۱-۱-۳. اشاره به دو نظر افراطی و تفریطی درباره سعدي، نتیجه: "شاید تنها ماسه، خاورشناس فرانسوي، که بررسی تا اندازه‌ای فراگیر درباره سعدي انجام داده، در این باره نظری به واقعیت نزدیک‌تر دارد." (ص ۱۸).

۱-۱-۴. اشاره به برخی از آثاری که درباره سعدي نوشته شده است: "پس از سعدي‌نامه کتاب و نوشته‌هاي چندي درباره سعدي چاپ شده که در برخی تعمق بیشتری نسبت به اندیشه و باورهای وی انجام گرفته است از این لحاظ کتاب‌هاي "تعلیم و تربیت در نظر سعدي" نوشته محمد جناب‌زاده، "مکتب سعدي" اثر کشاورز صدر و "قلمرو سعدي" اثر علي دشتي شایان توجه است. به علاوه قلمرو سعدي به‌طورکلی میان همه نوشته‌ها و نامه‌هایی که تاکنون درباره سعدي پرداخته‌اند جای ویژه دارد" (ص ۲۰).

۱-۱-۵. توضیح درباره کتاب حاضر: "در این نوشته پیرامون برگرفت‌ها و باورهای کسان زیادی، چه در کنار و چه در برابر آنها، به چون و چرا پرداخته و خواسته‌ایم درستی برخی از آنها را بر خواننده نمایانده، نادرستی برخی دیگر را روشن سازیم" (ص ۲۰).

۱-۲. بخش یکم - دوران سعدي و جهان‌بینی او:

۱-۲-۱. شرایط اجتماعي و ایدئولوژیکي دوران سعدي. این بخش با ذکر گفتار کسانی چون، آبري، عیسی صدیق، عباس اقبال و ملک‌الشعرا بهار درباره سعدي آغاز می‌شود و با اشاره به سه دوره زندگی سعدي (دوره کودکی و نوجواني، دوره مسافرت‌ها و جهانگردی‌ها، دوره بازگشت به شیراز) درباره دوران سعدي می‌نویسد: "ایران در دوران سعدي یا سده هفتم هجری، چون جزئی از قلمرو اسلام یکی از سیاه‌ترین دوران‌های فتوئالیته را به سر برده است (ص ۲۸). آموزش علوم طبیعی و فلسفه راکد شده ... تجر و جمود ایدئولوژیک زمان، راه را بر هرگونه پرواز اندیشه و جنب و جوش و تلاش آفریننده می‌بندد." (ص ۲۹).

زیربنای اجتماعي ایران در سده‌های میانه و "روبنای اجتماعي ایران پس از اسلام" از مباحث مطرح شده در این بخش است که به صورت کامل شرح ویژگی‌های جامعه فتوئالی است (صص ۲۸-۳۱). سعدي و تصوف ذکر عبارتی از "دونالدسن" و تحلیل اجتماعي تصوف و عرفان در سده‌های اول اسلامي، نتیجه: "عرفان و تصوف بر سعدي اثر گذاشته و درون او را پالوده، اما تباهی و انحراف تصوف در دوران سعدي موجب شده است که عرفان و اشراق سرپای جان و خرد او را فرا نگیرد و اگر در عرفان مثل مولوی نمی‌شود به این خاطر است که "مولوی از کودکی مقیم شامات گردید هنگامی که هنوز آینه اندیشه‌اش نقشی نگرفته بود و گذشته از آن پدرش عارف بود، ولی سعدي در خانواده‌ای از پیشوایان دینی پرورش یافته و پس از سال‌های بلوغ و رشد تمام به شامات می‌رود ... (ص ۵۱) و سعدي از آن "رجال و علمایی" نیست که برای درمان رنج و درد خویش به عرفان و کنج خانقاه‌ها پناه برد. درد او درد مردم است و می‌خواهد تا آنجا که در قوه دارد در راه کاستن رنج آنان بکوشد. از این رو شاید آنچه بیش از همه چیز سعدي را از صوفي‌گری روگردان می‌سازد درخودفرورفتگی و تکی‌روی آن باشد که در این دوران به صورت عامل چیره درآمده است" (ص ۵۲).

سعدي نقطه عطف غزل‌سرایی است: "آن را [ غزل را ] در برابر قصیده که به پیروی از ادب تازیان مهم‌ترین نوع نظم در آن زمان می‌بوده می‌گذارد و مایه شکستن بازار این یکی می‌گردد. این یک انقلاب هنری به معنای واقعی است ... وی از این رو به این کار بزرگ دست می‌زند که از قصیده‌سرایی که محتوای بنیادی آن چالپوسی و خوش آمدگویی است روگردان است" (صص ۵۴ و ۵۵).

۱-۲-۲. برخی ویژگی‌های جهان‌بینی سعدي - الف: قضا و قدری‌گری - از آنجا که پرورش سعدي در کودکی و دانش‌اندوزی وی در جوانی (در نظامیه بغداد) بر مبنای آموزش‌های غالب اشاعره و تلقین اندیشه و باور پیرامون انجام می‌گیرد، طبیعی است که این اصول و احکام یکی از دو ستون جهان‌بینی وی می‌گردد." (ص ۵۷). ب: "مساهاله و گذشت - برخی آموزش‌های تصوف که گاهی متضاد و متغایر با اصول و احکام اشاعره بوده بر سعدي تأثیر گذاشته و از شدت تعصب‌های وی کاسته" (ص ۵۸). ج: واقع‌بینی - تفکر اشعری‌گری و صوفي‌گری هر دو در ایام سعدي باعث ایجاد فاصله از واقع‌بینی شده است، ولی "تأثیر مخالف تصوف بر جهان‌بینی سعدي گذشته از افزایش شور و شوق و جلا دادن نازکی طبع در نزدیک ساختن وی به خلق و آشنا کردن او به دردها و خواسته‌های آنان نیز نمایان می‌شود، که خود بر واقع‌بینی‌اش در مسائل زندگی فردی و اجتماعي می‌افزاید" (ص ۵۹). د: دوگانگی - "هر کس نوشته‌های او را [ سعدي را ] یکی دو بار ورق زده، کمی در آنها ژرف گردیده باشد، کم و بیش به این تضادها پی می‌برد" (ص ۶۲).

"در نزد سعدي دو گونه تضاد بنیادی به چشم می‌خورد: یکی فلسفي و دیگری اجتماعي ... دوگانگی فلسفي وی در مسأله قضا و قدر نمایان می‌شود، گاهی به پیروی از منطق اشاعره بر آن است که سرنوشت انسان از روز نخست تعیین شده و تغییرناپذیر است ... و در موارد دیگر بر خلاف این نظر انسان‌ها را به کار و کوشش فرا می‌خواند ... و دوگانگی نظریات اجتماعي او آنجا نمودار می‌گردد که گاهی "زبردستان" را اندرز می‌دهد و از زبردستان پشتیبانی می‌کند ... و در جای دیگر "رعیت" را به خرسندی از خدمتگزاری فرا می‌خواند ... دوگانگی نخستین سعدي ... از آموزش‌های اشاعره سرچشمه می‌گیرد و دوگانگی دوم او بازتابی از تضاد اجتماعي زمان اوست" (ص ۶۸).

ه: میانه روی و سازشکاری - سعدي ... سخنگوی سود و اندیشه طبقات میانه دوران خویش است و تزلزل و دودلی چون ویژگی جدایی‌ناپذیر این طبقات در نوشته‌های او نیز انعکاس دارد. در مسائل نظری و اصول کلی به پیروی از "تربیت مدرسه و محیط اجتماعي سخنگوی منافع زبردستان و بهره‌کشان" است ... ولی در عمل و مسائل زندگی روزانه، سعدي همه جا غمخوار محرومان و زبردستان است و از آنان دفاع می‌کند.

مباحث دیگری که زیر این عنوان مطرح شده، همان مباحث پیشین است که با عنوان "دوگانگی" بدان پرداخته شد (صص ۷۰-۶۸).

۱-۳. بخش دوم: با عنوان "حکمت سعدي وجهت آن".

۱-۳-۱. حکمت عملي: نقد آرای خرده گیرانه براون، کسروی و دشتي. نتیجه: "در گذشته کمال حکمت سعدي بیرون از پرگار جدال بوده و بسیاری آن را بی‌معارضه و خرده‌ناپذیر دانسته‌اند، اگر هم کسانی بر پاره‌ای از سخنان سعدي خرده داشته‌اند، آن را آشکار نساخته‌اند، نخستین بار شاید ادوارد براون این سنت را شکسته و بر خدشه‌داری اخلاقیات سعدي انگشت نهاده است. پس از وی تنی چند آن را دنبال کرده‌اند و شگفت اینکه هم‌میهنان پیر شیراز در این راه از دیگران تندتر رفته‌اند" (ص ۷۵). "خرده ادوارد براون متوجه "همه رنگی" اصول اخلاقي سعدي است. او گلستان را "ماکیاولیست‌ترین" نوشته پارسی می‌شمارد. چون که گویا برای "والاترین تا پست‌ترین نهادها" رهنمون‌هایی دارد ... این خرده کلی و گزافه‌آمیز براون گرچه بر تجربه و تحلیل و استدلال و دستاویز بایسته استوار نیست، متضمن واقعیتی است که آن تضادها و تناقض‌گویی‌های سعدي است و از این هم فراتر نمی‌رود. ولی شادروان کسروی که از دیدگاه متافیزیک ایده‌آلیستی متحجر خود به ادب و سخنوری نگاه می‌کند با دست‌آویزی به پاره‌ای از سخنان سست و با دید امروزی ناپذیرفتنی سعدي بر سراسر کار سترگ او قلم بطلان کشیده، به اصطلاح فرنگیان کودک را نیز با آب تشت بیرون می‌ریزد ...



رادیكاليسم بي‌شكيب و تنگ‌دلانه‌اي كه در اين داوري درست و دور از انصاف كسروي به چشم مي‌خورد زاييده شرايط پرتلاطم دوران زندگي او است" (ص ۷۶).

"دشتي نيز با نتيجه‌گيري‌هاي ضعيف و متناقض، بدون ريشه‌يابي اجتماعي از حكايات گلستان خرده گرفته است" (صص ۷۸-۷۷).  
۱-۳-۲. دين و دنيا در حكمت سعدي: "برخي از محققان، حكمت عملي سعدي را در زمره اخلاق‌هاي ديني درآورده‌اند. گويي پير شيراز در نوشته‌هاي اخلاقي خود تنها دستورها و مقررات ديني را در سرگذشت‌ها، نكته‌ها و كلمات قصار باز گفته است. نوشته كساني چون دكتر محفوظ، اديب عراقي و علي دشتي گويي چنين داوري است." (ص ۸۳).

"اگر سعدي در عقايد شرعي خود محصور مانده بود و پهنه اندیشه‌اش از مرز بينش طلاب تازه به دوران رسیده فراتر نمي‌رفت، چگونه مي‌توانست آنچه غزلياتي را بسازد." (ص ۹۲).

از مجموع هجده باب بوستان و گلستان دو باب واپسين بوستان عنوان‌هايي از مقوله اخلاق ديني دارند: باب نهم در توبه و راه ثواب و باب دهم در مناجات و ختم كتاب. ولي محتوای این دو باب نیز دست کم به همان اندازه زميني است که آسماني. خواست اجتماعي عمده سعدي دفاع از منافع زبردستان در برابر ستم زبردستان است و آموزش‌هاي ديني را بيشتر براي تحذير فرمانروايان از ستم بر رعيت به كار مي‌برد" (ص ۱۰۱).

۱-۳-۳. پيروي از دو آيين كهن: بحث اين قسمت با سخن دكتر محفوظ در مورد تأثيرپذيري سعدي از متني و نقد آن سخن آغاز مي‌شود. نتيجه: سعدي "آفريندگي هنري خود را در راه زنده نگه داشتن و به اوج نوين رسانيدن دو آيين بزرگ و كهن ايران به كار گماشت ... يكي از آن دو آيين، زبان پارسي است ... و آيين كهن ديگري كه سعدي از آن پيروي کرده پند و اندرز است" (صص ۱۰۷-۱۰۶).

بيان اندرزه‌هايي از "اوشنر"، اشاره به اندرزنانه‌هاي دوره ساساني و تأکید بر اینکه کلیل و دمنه، قابوسنامه، مرزبان نامه و ... واسطه‌هاي تأثيرپذيري سعدي از متون كهن هستند (صص ۱۱۶-۱۰۷).

۱-۳-۴. فضيلت عمده: از لحاظ سعدي فضيلت عمده نيوكواري است. اما از آنجا كه سعدي به بررسي نظري مسائل اخلاقي نپرداخته، در سراسر نوشته‌هاي او جايي نمي‌يابيم كه فضيلت‌ها را در برابر هم گذاشته و با تجزيه و تحليل آنها نتيجه گرفته باشد كه نيوكواري بهترين فضيلت است (ص ۱۱۹). و دليل بنيادي بر آنكه فضيلت عمده از لحاظ سعدي نيكو كاري است به طور كلي محتوای همه نوشته‌هاي اوست نه وجود بابي يا بيتي در آن باره (ص ۱۲۰).

۱-۴. بخش سوم - سايه روشن‌هاي حكمت عملي سعدي:

۱-۴-۱. دوگانگي در نكته نظرهاي اخلاقي سعدي: "يكي از اين ويژگي‌ها تناقض و تضادي است كه در برخي نكته نظرهاي اجتماعي اخلاقي سعدي به چشم مي‌خورد و اين چيزي است كه گاهي بر آموزش‌هاي اخلاقي او سايه افكنده، معيار او را در آريزايي نيكي و بدّي از روشني و دقت مي‌اندازد" (ص ۱۲۶). "از ميان خرده‌هايي كه در فصل گلستان "قلمرو سعدي" بر نكته نظرهاي اخلاقي سخنور شيراز گرفته شده، دو مورد آن بجا است، يكي مربوط به سرگذشتي است از بوستان درباره نيك‌مردي كه دلش بر ناكامي دزدّي در دستبرد زدن به خانه‌اي مي‌سوزد ... و مورد ديگر حكايتي است از باب چهارم گلستان... "در عقد بيع سرايي متردد بودم ... نمايان‌ترين شكل پست شمردن ديگران بر پايه تبعيض ديني ... در نزد سعدي در بيت يادشده‌اش "آب چاه نصراني" نمودار شده است. اين بيت در عين حال تزلزل و تضادي را كه گاهي در معيار اخلاقي سعدي پيش مي‌آيد آشكارتر نشان مي‌دهد" (ص ۱۳۱).

دوگانگي در سپهرهاي مختلف - اين دوگانگي وابسته به جهان‌بيني سعدي است كه به صورت تضاد ميان بينش و استنباط نظري وي از قضا و قدر از يك سو و نكته نظرهاي عملي او درباره مسائل زندگي روزانه از سوي ديگر پديد شده و ريشه و بنياد دوگانگي و تضادهاي اخلاقي‌اش را تشكيل مي‌دهد" (ص ۱۳۱).

"گاهي نكته نظرهاي حكمت عملي او كه از منطق زندگي اين جهاني ريشه مي‌گيرند يا برخي آموزش‌هاي عرفان و فلسفه بر اصول نظري او تأثير کرده، مابه پيدايش تضاد و تزلزل در سپهر نظريات او مي‌گردند" (ص ۱۳۳).

حد آگاهي سعدي بر تضاد خويش - تضادهاي آشكاري كه در گفته‌هاي اجتماعي سعدي است "معنايش آگاهي او بر هر دو روي يك پديده نيست، بلكه نشان‌دهنده ناآگاهي وي بر نادرستي يكي از اين دو نظر از يك سو و ناسازگاري اين دو با هم از سوي ديگراست. يعني اين تضاد و تلفيق بيش ازآنكه نمايشگر پختگي و آزمودگي سعدي باشد گواه بر وجود عناصري از ناپختگي و ناآگاهي در جهان‌بيني اوست" (ص ۱۴۳).

۱-۴-۲. آدمي‌گري از دید سعدي و آدم دوستي او: نقل و نقد عبارتي از مرحوم فروغي در "سعدي‌نامه" كه در آن گفته شده: "سعدي ... كمال مظهر انسانيت است و ... ايرانيت در وجود سعدي به كمال رسیده است "چنانچه كساني را به طور مطلق كمال مظهر انسانيت بدانيم در واقع رشد و تكامل تاريخي ويژگي‌هاي اخلاقي را درجريان صدها و هزاران سال انكار کرده‌ايم" (ص ۱۵۰). البته "در زمينه مفهوم آدمي‌گري، سعدي از حد زمان خود در مي‌گذرد و صدها سال بر آن پيشي مي‌گيرد (ص ۱۵۲) از لحاظ سعدي نيوكواري آن است كه هر كسي بنا به موقعيت اجتماعي و به‌اندازه توانايي خويش گامي به سود و براي بهبود ديگران و جامعه بردارد. (ص ۱۵۲) نزد سعدي در مورد دادگري نيز چون مظهري از آدمي‌گري هيچ گونه حومرزي از ديده‌گاه دين و ايمان در ميان نيست" (ص ۱۵۷).

۱-۴-۳-۱. ذكر نمونه‌هايي از كلييات سعدي، در مورد فضيلت عمده از نظر شيخ، و نتيجه اينكه: "سه بيتي كه به واسطه فشردهگي اندیشه و كوتاهي و روشني سخن مي‌توان آن را فرمول آدم‌دوستي سعدي و آدمي‌گري از دید او ناميد [ اين سه بيت است ] :

بني آدم اعضاي يك پيكرند كه درآفرينش ز يك گوهرند

چو عضوي به درد آورد روزگار دگرعضوها را نماند قرار

تو كز محنت ديگران بي‌غمي نشايد كه نامت نهند آدمي (ص ۱۷۶)

۱-۴-۳-۲. انتقاد از آثار رضازاده شفق و علي دشتي كه در مورد بيت سوم اين سه بيتي خاموش مانده و اظهار نظر نكرده‌اند (ص ۱۷۸).

۱-۴-۳. سعدي و ديگران: طرح و نقد سخن نويسنده "قلمرو سعدي" در مورد مقايسه سعدي با كساني چون اسماعيل و ماكياولي و ارسطو، و غيرمنطقي دانستن آن مقايسه از چند جهت (صص ۱۸۳-۱۷۹). طرح نظريات خواجه نصيرالدين طوسي و ارسطو و بيان وجوه اشتراك و افتراق سعدي با طوسي و ارسطو در جهان‌بيني اجتماعي اخلاقي آنها (صص ۲۰۲-۱۸۴).

۱-۴-۴. سعدي در "قلمرو دشتي"

۱-۴-۴-۱. ستايش از علي دشتي به خاطر پديدآوردن كتاب "قلمرو سعدي": "ده يازده فصل اين اثر انباشته از مطالب بسيار بديع و نغز است كه مسائل ادبي زيادي را از راه مقايسه سعدي با سخنوران ديگر و تجزيه و تحليل مستدل و منطقي سخن آنان با پرتو نويني روشن کرده و هر كس بخواهد ديد گسترده‌تري درباره چگونگي تحول و تطور غزل در دوران سعدي و ساير ويژگي‌هاي سخن او و به طور كلي نظم پارسي داشته باشد، ناگزير از خواندن و تعمق در آن است" (ص ۲۰۳).

۱-۴-۴-۲. بررسي تناقض‌گويي‌هاي دشتي در كتاب "قلمرو سعدي": "در هم آميختگي عوامل ذهني و عيني در جهان‌بيني دشتي و تناقضي كه به تبع آن پديد مي‌آيد، پديده‌اي استثنائي تنها در مورد او نيست و بيش و كم در همه جهان‌بيني‌هاي درون‌گرا و ايده‌آليستي به چشم مي‌خورد. به هر حال اين التقاط و تناقض، چنانكه خواهيم ديد درشيوه بررسي و نتيجه‌گيري‌هاي مشخص او نيز انعكاس دارد" (ص ۲۰۵).

۳-۴-۱. نقد گفته‌های دشتی و بیان تناقضات آن و بیش از هر چیز تأکید بر اینکه دشتی از جاده انصاف خارج شده و نتیجه‌گیری درست‌تری از حکایات نکرده است و مطابق ذوق شخصی خود، آنها را دریافت داشته و بیان کرده است (صص ۲۱۴-۲۰۵).  
۴-۴-۱. انتقاد از "دشتی" به خاطر خرده‌گیری‌اش نسبت به نامه علامه قزوینی درباره غزلی از سعدی و تأکید بر دقت و جدیت علمی قزوینی (صص ۲۱۵-۲۱۴).

۵-۴-۱. اشاره به گفتار دشتی در باره "جبر سعدی" و ارائه و نقد نمونه‌هایی از تناقضات موجود در این بخش از سخن دشتی: "اگر آقای دشتی از یک حکم کلی که خود آن را طرح کرده بی‌درنگ نتیجه‌ای خلاف آن می‌گیرد، این امر معنایی جز تناقض‌گویی نمی‌تواند داشته باشد (ص ۲۲۰) این تناقض‌گویی مظهری از پراگماتیسم دشتی است و پرسش و تکرار آن به تعبیرهای دیگر جز برگرداندن سر سخن به برآورد مورد نظر او از سعدی نقشی ندارد" (ص ۲۲۵).

۶-۴-۱. انتقاد از حکم علی دشتی در مورد غنایی یا عرفانی بودن غزل‌های سعدی: "گذشته از غزل‌هایی که تماماً یا بخش بزرگ‌تر آنها عرفانی است سعدی غزل‌هایی نیز سروده است که مضمون‌های دو پهلوئی بزمی و عرفانی دارد" (ص ۲۲۰).

اگر دشتی مفاهیم عرفانی را در غزل‌های سعدی به ندرت دیده ناگزیر باید دلیلی داشته باشد که متأسفانه برخوانندگان قلمرو سعدی آشکار نساخته است" (ص ۲۲۲).

۷-۴-۱. طرح برخی از دیگر جمله‌های متناقضی که دشتی در مورد گلستان نوشته و بررسی تناقضات آنها (صص ۲۴۴-۲۳۴).  
۸-۴-۱. بیان نظر کلی درباره نوشته دشتی: "نگرانی دشتی را از اینکه محبوبیت کم مانند سعدی موجب و مایه پذیرفتن و به کار بستن خودبه خود و ناآگاهانه برخی نکته نظرهای ناروایی او از سوی دوست‌دارانش گردد، به خوبی می‌توان فهمید و کوشش وی در راه نمایاندن این ناروایی‌ها و خراشیدن و زدودن رنگ و روغن‌هایی که برخی منابع بر سیمای او کشیده‌اند، ستودنی است. چیزی که مایه تأسف است آن که وی در تب و تاب کوشش خود در این راه در موارد زیادی میزان این خراشیدن و زدودن را از دست داده و خطوط سیمای سعدی را نیز خراشیده و مسخ کرده است (ص ۲۴۵).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. کلیات سعدی، با مقدمه عباس اقبال آشتیانی. ۲-۲. کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی. ۲-۳. بوستان سعدی، چایکین، مسکو (متن روسی). ۲-۴. سعدی نامه، به اهتمام حبیب یغمایی، ۱۳۱۶: مقاله‌های محمدعلی فروغی (ص ۶۲۲)، فخرالدین شادمان (ص ۶۷۴)، احمد بهمینیار (ص ۶۵۲)، رضازاده شفق (ص ۶۸۲)، جلال‌الدین همایی (ص ۱۷۷)، علامه قزوینی (صص ۷۱ و ۷۰)، بدیع‌الزمان فروزانفر (ص ۶۹۲)، رشید یاسمی (ص ۲۰۹). ۲-۵. مکتب سعدی، کشاورز صدر. ۲-۶. تعلیم و تربیت در نظر سعدی، محمد جناب‌زاده. ۲-۷. شناسایی سعدی، هزار شیرازی. ۲-۸. متنبی و سعدی، حسین‌علی محفوظ. ۲-۹. سخن سعدی، قاسم توپسرکانی. ۲-۱۰. تاریخ ادبیات ایران، ادوارد براون. ۲-۱۱. تاریخ ادبیات ایران، رضازاده شفق. ۲-۱۲. تاریخ ادبیات پارسی، هرمان اته. ۲-۱۳. اخلاق ناصری، خواجه نصیرالدین طوسی. ۲-۱۴. پیش‌گفتار بر برگردانده گلستان به انگلیسی، ر. امرسون. ۲-۱۵. قلمرو سعدی، علی دشتی. ۲-۱۶. A Classical persian literature Arberry

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. بوستان ۵۵ بار، گلستان ۵۴ بار، رسائل نثر ۱۹ بار، غزلیات ۱۵ بار، قصاید ۱۲ بار، مثنویات ۷ بار، قطعات ۳ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. کیخسرو هخامنشی در هیچ کدام از بخش‌های سه گانه کتاب، به آرایه‌ها و زیبایی‌های کلامی و صورت شعر سعدی توجه‌ای نکرده است و در همه کتاب جنبه معنایی و محتوایی آثار سعدی کاویده شده است.

۲-۴. از موارد قوت و جنبه‌های ارزشمند این کتاب نقد و تحلیل بسیاری از نظرات و نوشته‌های مربوط به سعدی است که با ذکر دقیق نشانی‌های نقل قول‌ها بیان شده. کتاب‌های "مکتب سعدی" از کشاورز صدر، "تعلیم و تربیت در نظر سعدی" از محمد جناب‌زاده، "شناسایی سعدی" از هزار شیرازی، "متنبی و سعدی"، از حسین‌علی محفوظ، "سخن سعدی" از قاسم توپسرکانی و "قلمرو سعدی" از علی دشتی و هشت مقاله از مقاله‌های مجموعه "سعدی نامه، به اهتمام حبیب یغمایی" از جمله نوشته‌هایی هستند که در این کتاب بخشی از مطالب آنها نقد و بررسی شده است. در بیش از یک چهارم کتاب تنها به نقد نظرات آقای علی دشتی در کتاب "قلمرو سعدی" پرداخته شده است (علاوه بر اینکه در بخش‌های مختلف کتاب حکمت سعدی نظرات دشتی نقد شده است، تنها در قسمت پایانی کتاب، پنجاه صفحه - صص ۲۵۳-۲۰۲- منحصراً به نقد کتاب "قلمرو سعدی" اختصاص یافته است). برای نقد کتاب قلمرو سعدی، عین جمله‌ها و عبارات آن کتاب ذکر شده و تناقض‌های موجود به خوبی و روشنی یافته و بیان شده است. اما باید گفت اگرچه در گفتار دشتی تناقض‌های آشکاری وجود دارد، آقای هخامنشی به دلیل اصرار زیادی که برای نمایاندن این تناقض‌گویی‌ها داشته‌اند، گاهی از طریق عدل خارج شده‌اند، به عنوان نمونه دشتی خود چند بار یادآوری کرده است که سعدی در آینه آثار خود یک چهره واحد ندارد: گاهی متشرع، گاهی صوفی، گاهی عاشق، گاهی زاهد و گاهی ... است. آنگاه برای نشان دادن هر یک از چهره‌های گوناگون سعدی به بخشی از آثار او توجه کرده و آنها را برای اثبات نظر خویش در مورد تلون شخصیت سعدی، مثال آورده است. آقای هخامنشی گاهی از همین گفته‌ها و مثال‌های متنوع و ناساز استفاده کرده، بر آنها انگشت نهاده و نتیجه گرفته است که دشتی همواره دچار پریشان‌گویی و تناقض‌بافی است.

۳-۴. در بخش "شرایط اجتماعی و ایدئولوژی دوران سعدی" تمام تحلیل‌های تاریخی اجتماعی نویسنده، براساس ویژگی‌های جامعه فنودالی و حاکمیت بورژوازی است، از جمله: "ایران در دوران سعدی یا سده هفتم هجری، چون جزئی از قلمرو اسلام، یکی از سیاه‌ترین دوران‌های فنودالیته را به سر برده است" (ص ۲۸). و "زیربنای اجتماعی ایران در دوران سعدی فنودالیسم است که مشخصه اساسی آن تولید خرده کالای کشاورزی مبنی بر کار کشاورزان محروم از حقوق اجتماعی و وابسته به زمین می‌باشد" (ص ۳۱).

۴-۴. اشتیاق فراوان هخامنشی به انتقاد از سخنان دشتی، باعث شده است که گاهی (و از جمله در صفحه‌های ۲۳۷ تا ۲۴۱ در مورد شاهد و شاهدبازی) خود را ناچار به پاسخ‌گویی‌های بی‌مورد بداند و تنها به حجم نوشته خود بیفزاید. او می‌نویسد: "دلبستگی سعدی به "شاهد پسر" نه از روی انجام یک غریزه حیوانی است، بلکه "به حکم آن که حلقی داشت طیب الادا و خلقی کالبدرازا بدا" [بوده است] (ص ۲۳۷).

باید از آقای هخامنشی پرسید، آیا با این گونه از داور می‌توان این حکایت نکوهیده را تطهیر کرد و حق را به جانب سعدی داد؟  
۵-۴. اگر از غلط‌های چاپی موجود در کتاب هم چشم‌پوشیم، یک‌دست نبودن نثر کتاب، باز از نقاط ضعف آن به شمار می‌رود. نویسنده در برخی از قسمت‌های کتاب (از جمله در پیش‌گفتار) به بهانه سره‌نویسی پارسی، برخی از واژه‌های معمول زبان را از جمله واژه‌هایی چون: مسائل، امکان، ماهیت و ... برداشته و به جای آنها واژه‌های ناشناختی چون: "پرسیده‌ها"، "شوند"، "چہست" و ... را نهاده است. اما در همان عبارات واژه‌های اروپایی از جمله دیالکتیک، استاتیک، فنودالیته و ایده‌آلستی و ... بی‌هیچ کوششی، بی‌جایگزین، رها شده‌اند، به یک جمله بنگرید: "برای بررسی بیشتر در زمینه پرسیده‌ها (مسائل) علمی و ادبی و ایدئولوژیک دوران‌های گذشته باید با برخوردی انتقادآمیز از دیدگاه رئالیسم، تحلیل و بررسی عینی انجام گیرد" (ص ۱۶). آیا برای یک فارسی زبان واژه "مسائل" آشناتر و خودی‌تر است یا واژه "ایدئولوژیک" و "رئالیسم"؟!

۶-۴. انشاپردازی‌های درازدامن بعضی از قسمت‌ها [از جمله پایان بخش دوم فضیلت عمده (صص ۱۲۴-۱۱۷) و قسمتی از بخش سوم سعدی و دیگران (صص ۲۰۲-۱۷۹)] با روش کار در قسمت‌های دیگر کتاب ناساز است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. سعدی و فردوسی، دکتر منصور رستگار فسایی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، ۱۳۶۴، ص ۱۲۲. ۵-۲. تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی، محمدکریم آزادی، راهگشا، ۱۳۷۳، صص ۲۰۶-۲۰۳. ۵-۳. سعدی‌شناسی، دکتر امیر اسماعیل آذر، نشر میترا،

## حیات سعدی، الطاف حسین حالی، ترجمه سید نصرالله سروش، بنگاه دانش، ۱۳۱۶، ۱۴۱ صفحه، قطع: رقعی، شمارگان: نامعلوم.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اهْدای ترجمه کتاب به آقای سید محمدعلی داعی (داعی الاسلام) مؤلف فرهنگ نظام (ص: پیش از آغاز کتاب).

۱-۲. غلطنامه (م: پیش از آغاز کتاب)، در این غلطنامه ۷۴ مورد از غلط‌های چاپی به ترتیب صفحه‌های کتاب یادآوری شده است.

۱-۳. فهرست مندرجات (ص: ۱ - ب).

۱-۴. دیباچه مترجم (ص: ج) در این نوشته کوتاه با یادکرد انگیزه ترجمه، مؤلف کتاب نیز معرفی شده است: "مرحوم حسین حالی دانشمند نامی و شاعر ملی هندوستان در اواخر قرن سیزدهم هجری می‌زیسته ... از جمله تألیفات وی همین کتاب مستطاب است ..."

۱-۵. مقدمه و تقریظ، به قلم احمد بهمنیار (صص: د - م):

۱-۵-۱. بیان تاریخچه زبان فارسی در هندوستان (صص: د - ی).

۱-۵-۲. توضیح درباره الطاف حسین حالی و کتاب حیات سعدی (صص: ی م)، از جمله: "این شاعر و نویسنده نامی در شرح حال و وصف آثار یگانه استاد سخن، سعدی شیرازی رساله‌ای مفید و جامع تألیف کرده و چنانچه خود در مقدمه گوید به تمام مأخذها و منابع شرقی و غربی که بدان دسترسی داشته است، مراجعه و از همه بالاتر آثار خود شیخ اجل را به دقت مطالعه نموده ... رساله او هم از جنبه تاریخی و هم از جنبه ادبی یکی از مؤلفات سودمند به شمار می‌رود. این رساله ظاهراً نخستین تألیفی است که در هندوستان به نام سعدی انتشار یافته و اتفاقاً ترجمه آن هم نخستین رساله فارسی است که در شرح حال و وصف آثار شیخ اجل نشر می‌شود ... جای بسی تعجب است که شش قرن و نیم از عصر سعدی می‌گذرد و عالم علم و ادب فارسی به وجود کتابی که دانشمندی ایرانی درباره سعدی و آثار او نوشته باشد مزین نشده است ..."

۱-۶. دیباچه (صص: ن - ص).

۱-۶-۱. توضیح کلی درباره تذکرها و شیوه بیان و اهمیت آنها (صص: ن - س).

۱-۶-۲. شرح شیوه پژوهش در کتاب "حیات سعدی": "نظر به اهمیت مقام و شهرت شیخ سعدی شیرازی، نگارنده در صد برآمد که شرح حال او را به تفصیل بنویسد و برای این مقصود تذکرها را که در دسترس بود، همچنین کتاب "سرگوروسلی" را تحت مطالعه درآورد و در همه آنها کم و بیش نقل قول یکدیگر را یافت و جز مختصر تعریفی از کلام شیخ، مطالبی که عظمت و اهمیت مقام آن جناب را رساند دیده نشد ... نگارنده مقصود را به وسیله دیگر انجام داد و علاوه بر استفاده از تذکرها، مطالب بسیار از کلام خود شیخ استنباط کرد و ... در دیباچه علی‌بن احمد جامع کلیات نکات مفیده چند یافت و همچنین کتب انگلیسی که در این موضوع نوشته شده بود، کمک بسیار به پیشرفت مقصود نگارنده نمود" (ص: ع).

۱-۶-۳. توضیحی کوتاه درباره فارس و شیراز (صص: ف - ص).

۱-۷. ذکر نام و نسب و ولادت و ایام کودکی شیخ: "اسمش شرف‌الدین مصلح لقب و تخلص سعدی است. سال تولدش را ۵۸۹ هجری نوشته‌اند ولی حقیقت این است که چندین سال قبل از تاریخ مذکور، یعنی در عهد اتابک مظفرالدین تکه‌بن زنگی متولد شده است (ص ۱) از بعض کلمات شیخ این طور بر می‌آید که در طفولیت یتیم شده و در تحت نظر مادرش بوده و در ایام جوانی مادرش زنده بوده است."

- توضیح درباره تحصیلات شیخ و مدارس علمیه زمان و استادان او (صص ۱۰-۲) از جمله: "اگر چه پدر شیخ مرد فاضل و عالم نبوده ... ولی شیخ ... در جوانی از محضر علما و ادبای شیراز و اطراف آن استفاده نموده (ص ۲) در آن عصر مدارس متعدد در مراکز اسلامی [ اسلامی ] بر پا بود ... و مشهورترین آنها نظامیه بغداد بود (ص ۳) شیخ چون در نظامیه شروع به تحصیل نمود، وظیفه‌ای برایش مقرر شد. از جمله استادان معروف شیخ علامه ابوالفرج عبدالرحمن ابن جوزی ملقب به جمال‌الدین است که در حدیث و تفسیر آثار متعدد دارد - گویند علامه مذکور وصیت نمود آب غسلش را از تراشه‌های قلم که در حجره خود جمع کرده بود گرم کنند - به وصیت او عمل شد و مقداری تراشه زیاد آمد (ص ۴) سعدی از طفولیت میل مفرط به فقر و درویشی داشته و زمان تحصیل در مجالس وجد و سماع شرکت می‌کرده (ص ۵) بعد از خارج شدن از نظامیه، مدت مدید در آسیا و آفریقا سیاحت کرد" (ص ۷).

۱-۸. بررسی سفرهای سعدی و نقد نظر برخی از نویسندگان در این باره (صص ۱۶-۱۰): "سرگوروسلی، سواي ابن بطوطه سیاح دیگر مشرقی را نمی‌شناسد که بیش از شیخ سیاحت کرده باشد ... نیز می‌نویسد که شیخ چهار مرتبه به هندوستان آمده ... به نظر نگارنده این مطلب به کلی اشتباه است (ص ۱۰). شیخ آذری در جواهرالاسرار می‌نویسد که شیخ برای ملاقات امیرخسرو از شیراز به هندوستان آمد، ولی حواله‌ای نمی‌دهد که ثابت شود ... آنچه واضح است، این است که در مشرق خراسان، ترکستان و تاتار را دیده و در بلخ و کاشغر و غیره اقامت گزیده، در جنوب تا سومنات آمده و در مراجعت از راه دریا به عربستان رفته است. در شمال و مغرب عراق عجم، آذربایجان، عراق عرب - شام، فلسطین و آسیای صغیر را چندین مرتبه سفر کرده و اصفهان، تبریز، بصره، کوفه، واسط، بیت‌المقدس، طرابلس‌الشرق، دمشق، دیار بکر، و شهرهای اقصای روم را دیده است و مغرب، عربستان و آفریقا را بارها گشته و در مراجعت از هند، یمن، صنعا و حجاز و اسکندریه و مصر و حبشه را بازدید کرده است (ص ۱۲) از وقایعی که در بوستان و گلستان راجع به شیخ آمده، اتفاقی که در سومنات افتاده، بسیار قابل توجه است ... شاید اصل واقعه یعنی رفتن به بتخانه سومنات و پرستش بت و کسی را از ترس جان به چاهی انداختن صحیح باشد و صورت داستان به خود گرفته باشد ... (صص ۱۵-۱۴).

۱-۹. بررسی وضع شیخ پس از بازگشت به شیراز (صص ۲۷-۱۶). "اتابک سعدین زنگی در اواخر قرن ششم به تخت سلطنت جلوس کرد و در ۶۲۳ هجری وفات یافت و بازگشت شیخ به شیراز باید پس از این تاریخ باشد (ص ۱۶) ظاهراً پس از رسیدن به شیراز از لباس زهد و تقوی به در آمد (ص ۱۷) قصد شیخ تنویر افکار و انتقاد مفسدین و نصیحت مصادر امور و تعلیم و تنبیه حکام و برجیدن اسباب ریاکاری بود و پیشرفت مقاصد وی در لباس علما و وعاظ امکان نداشت و شاید به همین مناسبت (چنانکه در دیباچه گلستان می‌نویسد) به دربار ابوبکر کمتر رفت و آمد می‌نمود و زیادتیر ارادت و رفت و آمد با سعدین ابوبکر داشت ... اندرز دادن به امرا و آگاه ساختن آنان از مفاسد امور کاری بود بسیار سخت و خطرناک و در آن وقت ادای چنین وظیفه سنگینی را شیخ به عهده گرفت و موفق گردید ... (ص ۱۸). امرا و حکام آن عهد به کلام شیخ بی‌اندازه عقیده داشتند و نصایح تلخ وی را چون شهد شیرین می‌دانستند ... گر چه غالب اعیان و ارکان سلطنت ارادتمندان شیخ بودند، خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان که شیخ مجموعه صاحبیه را به نام وی ترتیب داده و برادرش علاء‌الدین که اولین مورخ فتوحات مغول و نویسنده تاریخ جهانگشا است، نسبت به شیخ خلوص ارادت داشتند (ص ۲۱).

- اشاره‌ای به شرح حال خواجه شمس‌الدین و برادرش علاء‌الدین جوینی و ارادت آنها و حکام دیگر به سعدی (صص ۲۵-۲۱).

- ذکر تاریخ درگذشت سعدی و مدت عمر او: " شیخ در سنه ۶۹۱ هجری در شیراز هنگامی که سلطنت اتابکان زوال یافته و تاتارها حکومت داشتند وفات نمود ... راجع به عمر شیخ تذکره نویسها اختلاف رای دارند: یکی ۱۰۲ و دیگری ۱۱۰ و بعضی ۱۲۰ نوشته اند. در نظر نگارنده قول آخری صحیح است. زیرا که بنا به حکایتی از بوستان در جوانی از شیراز خارج شد و در بغداد تا مدتی شاگرد ابن جوزی بود. وفات ابن جوزی در ۵۹۷ هجری و وفات شیخ در ۹۴ سال بعد واقع گردید. پس اگر تمام عمر شیخ را ۱۰۲ سال فرض کنیم، لازم می آید که در ایام نه سالگی شیخ تحصیلات خود را نزد ابن جوزی به اتمام رسانده است و اگر ۱۱۰ فرض کنیم معنی اش این می شود که در هفده سالگی فارغ التحصیل شده و در شیرخوارگی از شیراز خارج شده است و چنین نیست" (ص ۲۶).

۱۰-۱. اشاره ای به وضع مقبره شیخ از قول " سرگور او سلی" (ص ۲۷).  
- اشاره به شهرت شاعری شیخ در حیاتش و نقل قولی از سرگور او سلی درباره ارتباط سعدی و نزاری قهستانی (صص ۲۸-۳۰) و نتیجه گیری اینکه: "از این حکایت [ رفت و آمد سعدی و نزاری ]، مفهوم می شود که شیخ علاوه بر شهرت شاعری و ادب تعصب مذهبی نیز نداشته است. فرقه اسماعیلیه در آن عهد معروف به ملاحظه و منفور مسلمانان بودند" (ص ۳۰).  
۱۱-۱. بررسی "آرای دیگران نسبت به کلام شیخ" از جمله جامی، امیر خسرو دهلوی، خواجه مجدالدین همگر ... و مقایسه سعدی با شکسپیر (صص ۳۵-۳۰).

۱۲-۱. یادکرد فهرست آثار سعدی و اظهار نظر درباره پندنامه: "در بین کتب فوق تنها رساله پندنامه محل تردید است. به دلیل اینکه اولاً در نسخ قدیم کلیات، مثنوی مذکور یافته نمی شود و دلیل دوم اینکه اشعار این مثنوی نسبت به اشعار دیگر شیخ کم مایه تر به نظر می نماید. عقیده نگارنده این است که مثنوی مزبور نیز از آثار اولیه شیخ است و اگر کم مایه تر از اشعار دیگر وی است، بایستی از آثار اولیه شیخ دانست ... اگر این مثنوی در نسخ قدیم کلیات دیده نمی شود، می توان گفت که به علی بن احمد نرسیده و بعدها یکی از عاشقان کلام شیخ آن را به دست آورده و بر کلیات افزوده است" (صص ۳۶-۳۵).  
۱۳-۱. معرفی آثار سعدی.

۱۳-۱. گلستان و بوستان. "مقایسه این دو کتاب با یکدیگر کاری است مشکل چون تقریباً محاسن هر دو برابر است ... [ البته ] نظیر بوستان را در مطبوعات فارسی می توان پیدا کرد ولی مانند گلستان را احدی نتوانسته است بنویسد و معلوم نیست بعدها کسی چنین موفقیتی حاصل کند (ص ۳۷) مقبولیت گلستان در اثر فصاحت و بلاغت و حسن بیان و لطف ادبی آن است. گلستان بیش از کلیه آثار ادبی فارسی به السنه خارجه ترجمه و مورد استفاده اهل عالم گردیده است" (ص ۳۰۹).  
- معرفی ترجمه های گلستان از قول دایرة المعارف بریتانیا و ترجمه هایی که در هندوستان از گلستان انجام گرفته است (صص ۴۲-۴۰).

اشاره به شیوه نثر فارسی پیش از سعدی و مقایسه گلستان با آن نثرها (صص ۴۴-۴۳):  
"باری قبل از شیخ نثر قابلی به وجود نیامده بود که بتوان گفت شیخ از آن تقلید کرده است. حق این است که موجد و مخترع این روش خود اوست و بر او ختم است. (ص ۴۴) کتب چند به طرز گلستان نوشته شده است که سه تایی آنها در نظر نگارنده قابل توجه است: اول بهارستان جامی، دوم خارستان مجدخوافی، سوم پریشان قانی شیرازی" (ص ۴۵).  
- مقایسه گلستان سعدی و بهارستان جامی با مقابله دو مضمون همانند (صص ۴۹-۴۶).  
- مقایسه گلستان سعدی و خارستان مجدخوافی با مقابله یک مضمون همانند (صص ۵۱-۵۰).  
- مقایسه گلستان سعدی و پریشان قانی با مقابله دو مضمون همانند (صص ۵۵-۵۱).  
- یاد کرد ۱۱۶ عبارت یا سروده از گلستان که به شکل ضرب المثل در آمده اند (صص ۵۹-۵۵).

- توضیح درباره ارزش بوستان: "مقبولیت بوستان کم از گلستان نیست ... در زبان فارسی چهار مثنوی شهرت و مرغوبیت عامه یافته است: شاهنامه، اسکندرنامه، مثنوی مولوی و بوستان. از حیث فصاحت و بلاغت اسکندرنامه نظامی و بوستان سعدی متشابهند، شاهنامه و مثنوی مولوی به واسطه اهمیت معانی مانند یکدیگرند سعدی و نظامی توجه بسیار به فصاحت و استحکام و درستی کلام و آمیزش و ترکیبات لغوی داشته اند، در صورتی که فردوسی و مولوی به ادای مطلب، بیشتر می پرداخته اند ... بوستان و اسکندرنامه به جهاتی که ذکر شد به یکدیگر شبیهند، ولی تفاوت نیز بین آن دو هست نظامی در سرودن اسکندرنامه از مبالغه های شاعرانه، استعارات عجیب و تنوع تمثیلات خودداری نکرده و مطالب را با تمهید خاص و مقدمه های مفصل شروع کرده، در صورتی که شیخ در بوستان با نهایت سادگی و شیرینی، الفاظ و ترکیبات پسندیده و تخیلات عام فهم و تعدیل مبالغه و حسن ترتیب و لطف ادا و اهمیت تمثیل و کنایات ظریفه به کار برده است ..." (صص ۶۱-۶۰).

- مقایسه اسکندرنامه نظامی و بوستان سعدی با مقابله مضمون های همانند در آن دو مثنوی (صص ۶۵-۶۱).  
- مقایسه مثنوی خرابات شیخ علی حزین و بوستان سعدی با مقابله مضمون های همانند در آن دو مثنوی (صص ۶۹-۶۵).

بررسی دلایل مقبولیت گلستان و بوستان (صص ۹۵-۶۹). "اغلب تصور می کنند نکات علمی و اخلاقی این دو کتاب سبب شده است که مورد پسند عامه واقع گردد. ولی به عقیده نگارنده سبب، روش خوب نگارش است. کتب بسیار در فارسی نوشته شده و کمتر مصنف و مؤلف این گونه کتب پیدا می شود که از گلستان و بوستان استفاده نکرده باشد. کتابی در فارسی مانند این دو مقبول و مرغوب نشده، از این رو معلوم می شود که نه تنها نفس مضامین بلکه حسن ادا نیز نظر عامه را جلب می کند. البته مضامین نیز در شهرت و مقبولیت، اثر دارند و در اینجا نظر نگارنده بیشتر متوجه حسن معنی و سبک و روش بیان شیخ است. بیان عوامل مقبولیت گلستان و بوستان: خالی بودن از بعضی مطالب رکبک (ص ۶۹)، مبالغه و اغراق طبیعی (ص ۶۹)، سادگی عبارت با وجود صنایع لفظی و معنوی (ص ۷۷)، آمیختگی با ظرافت در عین موعظه (ص ۷۹)، بیرون آوردن نکات دقیق از حملات معمولی برای اینکه به ذهن خواننده بنشیند (ص ۸۴)، حسن تأویل و استدلال های لطیف (ص ۸۶) تعریف بی نظیر از طبیعت و صنعت خداوندی (ص ۸۷)، استدلال اصول اخلاقی بر قوانین قدرت (ص ۸۹)، بیان آزادانه و محققانه نصایح بدون تجاوز از حدود شرع (ص ۹۱)، بیان عیوب فرقه ها و جماعات (ص ۹۲)، بیان حکایت هایی که از سرگذشت خود شیخ است (ص ۹۲)، پرهیز از مباحث دور از ذهن به منظور ترغیب به کار نیک (ص ۹۳).

اشاره به انتقادهایی که بر بعضی از گفته های سعدی وارد آمده است و پاسخ به آنها (صص ۷۳-۷۰) نتیجه اینکه: "خرده بینی هایی که بر این دو کتاب شده، عوض اینکه از قدر و قیمت آن بکاهد، سبب عظمت و مرغوبیت بیشتری شده است. این دو کتاب شش صد و پنجاه سال است که در دست متعلمین و امروز نیز که زمان انتقاد و نکته چینی است، جزء مهم در تعلیم و تربیت اهالی مشرق زمین است" (ص ۷۳). اشاره به برخی از عباراتی که به قول مؤلف "تا اندازه ای از حد شرم و حیا تجاوز کرده است" (صص ۸۴-۸۰).

۱۳-۲. غزلیات (صص ۱۰۷-۹۵). "غزل به ترتیبی که در دواوین شعرای فارسی وارد و دیده می شود ظاهراً از شیخ آغاز شده است، زیرا دیوان های غزلیات شعرای قبل از او مانند خاقانی و غیره مجموعه قصاید نامرتب و پراکنده ای بیش نیست ... در طبیات و بدایع که در جوانی و پیری سروده، نسبت به دو دیوان دیگر [ غزلیات قدیم و خواتیم ] روانی و صفای افکار و حسن بیان آشکار است. اغلب تذکره نویسها دیوان شیخ را نمکدان شعرا نامیده اند" (ص ۹۵).

- وجوه مقبولیت غزل های سعدی - "اول: اینکه بحر و وزن مخصوص اختیار کرده، که برای تغزل و تغنی بسیار مناسب است (ص ۹۶). دوم: در غزلیات شیخ آن عشق و محبت که از سایر سخنان وی آشکار است، زیادتر جلوه گر است (ص ۹۷). سوم: استماع اشعار شیخ موقع و محل خاصی در نظر مجسم می نماید، آنچه از چشم دیده یا به دلش اثر کرده، می گوید (ص ۹۸). چهارم: بعضی اوقات که حالات مخصوصی به او دست داده با تمثیل ذکر می کند، که سبب شیرینی و دلربایی بیشتر می گردد (ص ۹۸). پنجم: با وجود

سادگی يك نوع لطافت در غزلیات او پیداست که در غزلیات قدما نیست، مطالب ساده را چنان حلای کرده، با پیرایه‌های زیبا بیان می‌کند که نظیر آن را نمی‌توان یافت (ص ۹۹). ششم: امتیاز غزلیات شیخ بر قدما آن است که تصوف و عشق حقیقی را در پیرایه عشق مجازی ادا می‌کند، صفات و شئون شاهد مطلق را در زلف و خط و خال و لب و دندان می‌آورد. عرفا و مشایخ را رند و باده‌خوار و پیر خرابات و غیره نام می‌برد و ... (ص ۱۰۰).

۳-۱-۱۳. قصاید و غیره (صص ۱۱۵-۱۰۷). "در این مجموعه قصاید، مرثیه‌ها و ترجیع‌بندها و ملمعات و قطعات سعدي جمع شده است و از مجموعه غزلیات کوچک‌تر است شیخ در قصیده شهرت زیادی نیافت. شاید مناعت طبع وی را از مدیحه‌سرایی باز می‌داشت، یا اینکه زمان را برای سرآیدن قصیده مقتضی نمی‌دانست. با وجود این دارای چند قصیده است که سبکش در این زمینه از دیگران متغایر است (ص ۱۰۷).

شیخ نه به واسطه عدم توانایی، بلکه به جهت مناعت طبع و پرهیز از مبالغه بی‌جا این طریق ناپسندیده [ مدح اغراق آمیز ] را اختیار نکرد. قصایدش را نیز با بیان شیرین و ساده‌بی‌تکلف که مخصوص خودش است، سرود. قصاید و ترجیع‌بندهای او وسیله‌ای بود برای پند و نصیحت به حکام وقت از روی خلوص نه برای خوشآمد و امید صله. اول چند شعر در مدح که باز از حد خود تجاوز نمی‌کند گفته، بعد شروع به نصیحت می‌کند" (ص ۱۱۰).

۴-۱-۱۳. صاحبیه (صص ۱۲۶-۱۱۶): "این مجموعه اشعار متفرقه شیخ است که قریب يك صد صفحه می‌شود و مشتمل بر رباعیات، مفردات، ملمعات، مثنویات و غیره است. به مناسبت نام خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان که از معتقدین شیخ بوده، این مجموعه موسوم به صاحبیه شده است. در اشعار آن چیز قابل ذکر نیست. مضامین اشعار اکثر مینوی بر پند و اندرز و تا حدی حسن و عشق است" (ص ۱۱۶).

- یاد کرد نمونه‌هایی از قطعات، رباعیات و مفردات (صص ۱۲۶-۱۱۶).

۵-۱-۱۳. مطایبات و هزلیات (صص ۱۲۸-۱۲۶). "آخرین قسمت کلیات شیخ که بالغ بر سی صفحه می‌شود. در حقیقت این [ مطایبات و هزلیات ] لک‌های است بر آینه کلمات شیخ و منافی فضل و کمال و بزرگواری اوست ... در آن شیخ تقدس را کنار گذاشته و بی‌باکانه و آزادانه، هر چه توانسته به فحش و هزل پرداخته است. به طوری که از گمان دور است که این لغویات و اشعار پوچ بی‌هوده از کسی باشد که تراوش فکرش گلستان و بوستان است ... شکمی نیست که حس ظرافت در نهاد شیخ غالب بود و وقتی این حس زیاد از حد تقویت شد به هزل و فحش می‌رسد ... [ بنابر عبارت عربی آغاز هزلیات ] اگر شهزاده عیاش بی‌کفایتی، شهرت ظرافت و بذله‌سنجی شیخ را شنیده و به خیال اینکه مجموعه هزل و فحش برای مجالس سرور و عیاشی خود فراهم سازد، شیخ را به سرودن این هفوات مجبور کرده باشد تعجبی ندارد، به علاوه چون در این مجموعه افکار لطیف مخصوص شیخ کم دیده می‌شود، می‌توان حدس زد که وی به میل خاطر این مجموعه را مرتب نکرده، بلکه با نفرت و کراهت و از روی اجبار بوده است ... معلوم می‌گردد، شیخ در ایام جوانی که دوره بی‌پروایی و بی‌باکی است این اشعار را گفته و هر کس در دوره شباب این گونه بی‌باکی‌ها را بروز می‌دهد ... آشکار می‌گردد که این مجموعه قبل از ترتیب گلستان گفته شده، زیرا که اشعار چندی که نسبتاً هزلش کمتر است در گلستان دیده می‌شود" (صص ۱۲۸-۱۲۶).

۶-۱-۱۳. قصاید عربی و مقطعات (صص ۱۳۰-۱۲۹): "در کلیات شیخ، قریب بیست صفحه قصاید و قطعات عربی موجود است. به علاوه در ملمعات اشعار و مصراع‌های عربی زیاد است ... قسمت زیادی از عمر شیخ در ممالک عرب صرف شد و زبان عربی مثل زبان مادری وی گردید علاوه بر آن از کلام فارسی و عربی‌اش مشهود است که پس از تحصیل توجهنش بیشتر به علوم دین و تصوف و ادب بوده است. اگر چه کلام عربی وی نسبتاً کم است، ولی مطبوع و مانند اشعار يك ادیب ماهر است، با این همه در عربی ادعای شاعری نمی‌کند ... کلام عربی شیخ هر قدر و هر طور باشد، غنیمت است و مقام شاعری وی را چند مرتبه بالا می‌برد." (ص ۱۲۹).

۱۴-۱. خاتمه "خلاصه احوال و مرتبه شاعری شیخ. شیخ قوی‌البینه و تندرست و زحمت‌کش بوده، ده‌الی دوازده مرتبه با پای پیاده حج بیت‌الله نموده ... قریب يك صد و بیست سال عمر کرد نه تنها پیاده، بلکه اغلب با پای برهنه مسافرت می‌کرد ... مدت مدیدی در بیت‌المقدس و نواحی آن به سفایبی اشتغال داشت. مذهب وی چنانکه از کلامش هویداست تسنن بوده، اما مانند اغلب از اکابر تصوف نسبت به وی نیز گمان تشیع می‌رود ... قاضی نورالله شوشتری در مجالس‌المؤمنین وی را شیعه نام برده است ... خوشبختانه وی تعصب مذهبی نداشته و به همین جهت نزد تمام طبقات و فرق عزیز است (ص ۱۲۱) شیخ از محاضر علما و ادبای بزرگ استفاده کرد. به هر شهری وارد شد، فیض حضور دانشمندان و مرشدها و مشایخ آنجا را یافت (ص ۱۲۳) در قرن هفتم قریب چهارصد نفر از علما و محققین عالی‌قدر می‌زیستند، که شیخ حضور اکثر آنها رسیده و از خرمن فضلشان خوشه چیده (ص ۱۳۴) شیخ در نثر علاوه بر آوردن الفاظ دلکش و مطبوع حقایق و وقایع را نیز بیان می‌کند و این خاصیت جز در گلستان، در کتاب دیگری دیده نمی‌شود (ص ۱۳۶) شیخ نیز مانند شعرای دیگر در تغزل و اشعار عاشقانه معشوق را امردان ساده رخ قرار داده است. این امر به طوری که در وهله اول به نظر می‌رسد قبیح و مذموم نیست در شاعری فارسی و در پی آن شاعری اردو هم این طریقه از اول جاری بود که شاعر مرد باشد یا زن، رند باشد یا صوفی، عاشق خدا باشد یا عاشق بنده خدا، عاشق مرد باشد یا زن، یا اصلاً عاشق نباشد باید خود را عاشق نشان دهد و معشوق نیز مانند وی باشد رسم شاعری هندی آن است که در هر صورت گوینده ابیات زن است و مخاطب که معشوق باشد مرد. در عربی شاعر مرد و معشوق زن فرض می‌شود. پس اگر شاعری از سه زبان هندی و فارسی و عربی واقف باشد و بخواهد شعر بگوید، در آن سه زبان باید مطابق دستور هر زبان در تغزل خود را گاهی مرد و معشوق را زن و گاهی خود را مرد و معشوق هر دورا مرد فرض کند (ص ۱۳۷).

بعضی تصور می‌کنند تعبیر و تأویل کلام شعرا راجع به خط و خال و شراب و شاهد به عشق حقیقی و رموز عرفان و تصوف جعلی است ولی هر کس از فن شاعری اطلاع حاصل نمود حقیقت را خواهد دانست و یقین خواهد کرد که افکار بزرگان بالاتر از خط و خال و قامت بوده است - کنایه از صراحت بهتر و لطیف‌تر است ..." (ص ۱۳۸)

۲. منابع اصلی: ۱-۲. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. نوشته سرگوروسلی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۱-۳. گلستان ۱۸۴ بار، غزلیات ۴۵ بار، بوستان ۴۲ بار، رباعیات ۲۸ بار، مفردات ۲۰ بار، قطعات ۱۷ بار، قصاید ۸ بار، هزلیات ۵ بار، شعر عربی ۳ بار، ترجیع‌بند ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. الطاف حسین حالی کتاب "حیات سعدي" را در پایان سده سیزدهم در هندوستان به زبان اردو نوشته و آقای سیدنصرالله سروش آن را در سال ۱۳۱۶ به نثر ساده فارسی برگردانده است. ارزشمندترین ویژگی این کتاب و ترجمه آن فضل تقدم آن در سیر سعدي پژوهی است. احمد بهمنیار در مقدمه ترجمه این کتاب نوشته‌اند: "این رساله ظاهراً نخستین تألیفی است که در هندوستان به نام سعدي انتشار یافته و اتفاقاً ترجمه آن هم نخستین رساله فارسی است که در شرح حال و وصف آثار شیخ اجل نشر می‌شود." (ص: ک). تازگی سخن و استفاده از منابع مختلف نقد و بررسی برخی از آرا، از دیگر ویژگی‌های این رساله است. مؤلف کتاب درباره انگیزه و شیوه پژوهش خود نوشته‌اند: "نظر به اهمیت مقام و شهرت شیخ سعدي شیرازی، نگارنده در صدد برآمد که شرح حال او را به تفصیل بنویسد و برای این مقصود تذکره‌هایی را که در دسترس بود و همچنین کتاب "سرگوروسلی" را تحت مطالعه در آورد در همه آنها کم و بیش نقل قول یکدیگر را یافت و جز مختصر تعریفی از کلام شیخ مطالبی که عظمت و اهمیت مقام آن جناب را رساند، دیده نشد. ملاحظه این وضع حقیقتاً یأس‌آور بود ولی نگارنده مقصود را به وسیله‌ای دیگر انجام داد و علاوه بر استفاده از تذکره‌ها، مطالب بسیار از کلام خود شیخ استنباط کرد ..." (ص: ع). همان‌گونه که گفته شد مؤلف کتاب بارها به نقد

نگرش دیگران پرداخته است، از جمله: "سرگور او سلی نقل قول محقق معروف فرانسوی "امگارسن دی تیسسی" را از مجله اشیا تیک جرنل سنه ۱۸۴۳ می‌کند که سعدی اولین کسی است که در زبان ریخته [ زبانی که لغاتش مرکب از هندی و فارسی است ] شعر گفته، اما این مطلب یک مغالطه‌ای است که نه تنها محقق فرانسوی مذکور بلکه اکثر تذکره‌نویس‌ها نموده‌اند. مطلب این است که شاعری متخلص به سعدی در آن زمانی که زبان ریخته شروع شد، در دکن بود و حدس می‌زنند که چهارصد سال قبل می‌زیسته و اولین شاعر در زبان ریخته سعدی دکنی است ... " (صص ۸-۹). همچنین درباره ملاقات امیر خسرو و سعدی نوشته‌اند: "ملاقات سعدی با امیر خسرو را نیز نمی‌شود ثابت و باور کرد و اکثر تذکره‌نویس‌ها این اشتباه را کرده‌اند، شیخ آذری در جواهرالاسرار می‌نویسد که شیخ برای ملاقات امیر خسرو از شیراز به هندوستان آمد ولی حواله‌ای نمی‌دهد که ثابت شود. عهد سعدی را وقتی با زمان امیر خسرو مقابله کنیم، معلوم می‌شود که ملاقات مذکور به کلی بی‌مآخذ است. امیر خسرو در سنه ۶۵۱ هجری متولد شده و در آن زمان شیخ متجاوز از هفتاد سال داشته است. اگر به فرض محال شهرت شاعری امیر خسرو در ۲۵ سالگی به ایران رسیده باشد، آن وقت شیخ قریب به صد سال عمر داشته، پس چگونه می‌توان قیاس کرد که شیخ سعدی صد ساله ... برای ملاقات یک شاعر ۲۵ ساله از ایران به هندوستان برود ... " (ص ۱۱) همچنین است ص ۴، در مورد سفر سعدی به بیت‌الله به همراه گیلانی و ... البته هر چند نویسنده کتاب از سخنان بی‌سند دیگران انتقاد کرده، اما خود او گاهی نظریات بی‌دلیلی را بیان داشته: از جمله در ص ۱۲ بدون ارائه سند نوشته‌اند: " [ سعدی ] چهارده سفر حج بیت‌الله رفته "در صورتی که در ص ۱۳۱ نوشته‌اند: "ده الهی دوازده مرتبه با پای پیاده حج بیت‌الله نمود". همچنین در ص ۲ درباره پدر سعدی نوشته‌اند: "پدر شیخ مرد فاضل و عالم نبوده و از زمان کودکی شیخ را بیش از تحصیل علم به زهد و تقوی و عبادت ترغیب می‌شده، اما این ترغیب دلیل بر این نیست که پدرش فاضل و عالم نبوده و او را به تحصیل علم کمتر از تقوی تشویق می‌کرده است، در هر حال به تصریح خودش "همه قبیله او عالمان دین بودند".

۴-۲. مآخذ بسیاری از نوشته‌ها در این کتاب معلوم نیست، از جمله: ص ۲ (مطلب مربوط به قطب‌الدین شیرازی) و ص ۳۱ (مطلب مربوط به مجد همگر) و صص ۳۲ و ۳۳ (خواب دیدن یکی از مشایخ معاصر سعدی) و ص ۲۶ (قطعه شعر ماده تاریخ وفات سعدی) و ص ۴ (حکایت جالب وصیت ابن جوزی و ...). نویسنده بارها از گفته‌های "سرگور او سلی" نقل کرده (از جمله: صص ۱، ۴، ۸، ۱۰، ۲۵، ۳۶، ۳۹، ۳۴ و ۳۷ و ...) و مآخذ خود را نموده است، تنها در ص ۲۹ می‌نویسد: "سرگور او سلی در کتاب مجالس‌العشاق حکایتی نقل می‌کند ...".

۴-۳. نقد و بررسی و مقایسه گلستان سعدی با بهارستان جامی، خارستان خوافی، پریشان قآنی و نیز سنجش بوستان سعدی با اسکندرنامه نظامی و خرابات شیخ علی حزین (صص ۴۶-۵۴ و ۶۹-۷۱) از دیدگاه نقد تطبیقی بویژه با توجه به قدمت این نوشته از ویژگی‌های ارزشمند این کتاب است.

۴-۴. برخی از داوری‌های نویسنده نیز در محل تأمل است، از جمله: در ص ۳۷ در مقایسه گلستان و بوستان می‌نویسد: "... از بعضی جهات گلستان بر بوستان مزیت دارد و نظیر بوستان را در مطبوعات فارسی می‌توان پیدا کرد ولی مانند گلستان را احادی نتوانسته است بنویسد و معلوم نیست بعدها کسی چنین موفقیتی حاصل نماید". چنانچه نظر نویسنده در این داوری به صورت گلستان و بوستان باشد، هر دو کتاب نمونه‌هایی همانند در ادب فارسی دارند و چنانچه منظور او معنا و ارزش ادبی و هنری این دو اثر باشد هر دو به قول همه صاحب‌نظران بی‌نظیرند و از این دیدگاه تقوفاً بر هم ندارند.

- در ص ۲۵ نوشته‌اند: "وقتی ایدایی به برادر شیخ وارد شد و شیخ بوسیله ابوعبدالله خفیف، مرشد وقت، به ملک عادل، شمس‌الدین، حاکم شیراز، شکایت نمود ... " و در سه سطر پس از آن در پاورقی نوشته‌اند: "ابن بزرگوار [ ابوعبدالله خفیف ] از مشاهیر صوفیه قرن چهارم هجری است".

- در ص ۸۰ نوشته‌اند: "... در بعضی موارد الفاظی از قلمش [ قلم سعدی ] رد شده که تا اندازه‌ای از حد شرم و حیا تجاوز کرده است ... چند حکایت از این نوع به طور مثال ذکر می‌شود "سپس پنج حکایت (دو حکایت از بوستان و سه حکایت از گلستان) را مثال آورده‌اند که حکایت اول (مهمان پیری بودم ...) و حکایت سوم (مرا حاجتی شانه ...) و حکایت پنجم (ملک صالح از پادشاهان شام ...) نه تنها هیچ‌گونه "تجاوز" از حد شرم و حیا ندارند، بلکه حکایاتی با مضامین شایع و ارزشمند هستند.

- در ص ۸۹ نیز منظور از مورد هشتم (س ۱۳) روشن نیست و مثال‌های ارائه شده هم با آن عبارات سازگاری ندارند.

- در ص ۱۲۸ نوشته‌اند: "اشکار می‌گردد که این مجموعه [ مطایبات و هزلیات ] قبل از گلستان گفته شده زیرا که اشعار چندی که نسبتاً هزلش کمتر است در گلستان دیده می‌شود".

این داوری نیز در محل اشکال است و دلیل بیان شده وجه درستی بر تقدم نگارش هزلیات نیست. زیرا ممکن است برعکس آنچه مؤلف کتاب پنداشته‌اند، ابیات موجود در هزلیات از گلستان گرفته شده باشد.

۴-۵. نگارش و رسم‌الخط کتاب نیز به دلیل قدمت آن، کهنه است. از جمله ص ۱: عمرشرا (عمرش را)، ص ۵۵: هر عیب که سلطان به پسندد (پسندد)، ص ۷۷: تا وقتی با غور نه بینم (بینم)، ص ۱۱۱: تو روشن آینه (آینه‌ای) و ... .

اغلاط چاپی کتاب هم کم نیست. به هفتاد و چهار مورد آن در آغاز کتاب اشاره شده، اما غلط‌های چاپی بیش از آن مقدار است، از جمله: ص ۸، س ۱۲: جامعه بعلبک (جامع بعلبک) و ص ۱۰۶، س ۱۶: حقائق (حقایق) و ص ۱۰۶، س ۹: ترجیح‌بند (ترجیع‌بند) و ... - عنوان "مقایسه گلستان و پریشان" به اشتباه در ص ۵۲ نوشته شده و باید به ص ۵۱ منتقل شود. زیرا از سطر سوم ص ۵۱ بحث مقایسه قآنی و سعدی آغاز شده است ... .

۴-۶. مترجم کتاب که آن را به نثری ساده و روشن برگردانده‌اند، در برخی از موارد نظر مؤلف را نقد کرده و بر ارزش کتاب افزوده‌اند، از جمله: ص ۸ پاورقی ۱ (در موارد "زند" و ص ۳۰ پاورقی ۱ (در مورد تعصب) و ... .

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. تعلیم و تربیت در نظر سعدی، محمد جناب‌زاده، چاپخانه سیروس، ۱۳۱۷، ص ۱۵۵-۲. سعدی‌نامه یا بوستان سعدی، تصحیح و حاشیه‌نگاری محمدرضا جلالی نائینی و مقدمه محمد محیط طباطبایی، کتاب‌فروشی و چاپخانه اقبال، آبان ۱۳۱۷، ص ۲۲-۳. متنی و سعدی، حسینی‌علی محفوظ، ۱۳۳۶، صص ۲۹۹، ۳۱۱-۴. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویانی، ۱۳۳۸، صص ۲۴، ۲۱۶، ۲۳۰، ۲۴۵-۵. سعدی شیرازی، محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۲، انتشارات کتابخانه خیام، ۱۳۳۹، ص ۱۵۱-۶. داروخانه سعدی، دکتر محمود کامیار، رنگین کمان، شماره ۳۳، پنجشنبه ۱۴ آذر ۱۳۴۷، ص ۳۶-۷. سعدی دکنی، دکتر محمود کامیار، رنگین کمان، شماره ۲۱، شنبه ۲۳، شهریور ۱۳۴۷، صص ۳۵، ۲۸-۸. قفس با سین، دکتر محمود کامیار، رنگین کمان، شماره ۱، شنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۴۷، ص ۱۸-۹. سعدی تو هم سخنی بگو، دکتر محمود کامیار، رنگین کمان، شماره ۶۱، پنجشنبه ۱۲ تیر ۱۳۴۸، ص ۳۲.

۵-۱۰. هفت‌صدمین سال وفات سعدی، محمد محیط طباطبایی، یغما، سال ۲۳، شماره ۶، شهریور ۱۳۴۹، ص ۳۲۸-۱۱. بررسی و مقایسه غزلیات سعدی و حافظ، دکتر محمد ریاض، هلال، ج ۱۹، شماره مسلسل ۱۱۴، مرداد ۱۳۵۰، صص ۱۶، ۲۱-۱۲. سخنی از سعدی، محمدشرف چودهری، هلال، ج ۱۹، شماره ۶، شماره مسلسل ۱۱۶، مهر ۱۳۵۰، صص ۲۸-۲۵-۱۳. جهان‌بینی در نظر سعدی [ ۱ ]، محمد جناب‌زاده، سال‌نامه کشور ایران، سال بیست و هشتم، ۱۳۵۲، صص ۲۵۲-۲۵۰-۱۴. رواج بازار شعر و شاعری دنیاله قسمت هشتم سید محمدعلی جمال‌زاده، ارمغان، دوره چهل و دوم، سال پنجاه و پنجم، شماره ۱، فروردین ۱۳۵۲، ص ۷-۱۵. از سعدی چه می‌دانیم، دکتر جعفر مؤید شیرازی، خرد و کوشش، دوره ششم، بهار ۱۳۵۴، صص ۲۸-۳۶-۱۶. شناختی تازه از سعدی ... ، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات نوید، ۱۳۶۲، ص ۲۰۹-۱۷. قصاید فارسی سعدی، دکتر غلام

مجتبی انصاری، ایندوایرانیکا، ۳۶، ۱۹۸۳ (۱۳۶۲)، صص ۲۶-۲۷، ۱۸-۵. ساختمان آرامگاه سعدی، علی سامی، کتاب "شیراز، شهر جاویدان"، انتشارات نوید، ۱۳۶۳ (چاپ سوم)، صص ۱۹-۵، ۲۲۹. ستایش سخنوران باختر زمین از سعدی، علی سامی، کتاب "شیراز، شهر جاویدان"، انتشارات نوید، ۱۳۶۳ (چاپ سوم)، صص ۲۰-۵، ۲۵۰. شعرالعجم یا تاریخ شعرا و ادبیات در ایران، شبلی نعمانی هندی، ترجمه سیدمحمدتقی فخر داعی، ج ۲، ۱۳۶۳ (چاپ دوم)، صص ۱۹-۲۱، ۵. تاریخ ادبیات ایران، از فردوسی تا سعدی، ادوارد براون، ترجمه غلامحسین صدری افشار، انتشارات مروارید، ۱۳۶۶ (چاپ سوم)، صص ۲۶-۵، ۲۷۴. نظری به احادیث و اخبار در آثار سعدی، ناصر باقری بیدهندي، مشکوة، زمستان ۱۳۶۸، صص ۱۵۲، ۱۶۴، ۲۳-۵. گزیده غزلیات سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، چاپ و انتشارات علمی(مجموعه ادب فارسی ۱۵)، دی ۱۳۶۹، صص ۶۸، ۲۴، ۵-۲۴. گزیده گلستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، مقدمه دکتر حسن انوری، چاپ و انتشارات علمی، دی ۱۳۶۹، صص ۳۲، ۶۷، ۷۳، ۲۵-۵. گزیده قصاید سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، صص ۱۹، ۲۴، ۶۱، ۲۶-۵. تعلیم و تربیت از دیدگاه، سعدی، محمد کریم آزادی، راهگشا، ۱۳۷۲، صص ۱۳، ۱۴، ۲۷-۵. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، صص ۲۷، ۱۹۴، ۲۸-۵. سعدی‌شناسی، دکتر امیر اسماعیل آذر، نشر میترا، ۱۳۷۵، صص ۱۴، ۲۸، ۳۹، ۲۵۳، ۲۹-۵. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر فطره، ۱۳۷۵، صص ۱۱، ۱۷، ۲۴، ۱۹۷، ۳۰-۵. حیات سعدی نخستین کتاب در شرح حال و وصف و نقد آثار شیخ سعدی شیرازی، منظورالحق، صص ۳۶-۳۲.



**دامنی از گل، گزیده گلستان سعدی، (از میراث ادب فارسی ۲)، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۰، ۴۷۲ صفحه، قطع: رقعی، شمارگان: ۵۵۰۰ نسخه.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. گفتاری زیر عنوان "یادداشت ناشر" با توضیح درباره انگیزه و هدف انتشار مجموعه "از میراث ادب فارسی" (صص ۴-۳).

۱-۲. فهرست مندرجات (صص ۱۶-۵).

۱-۳. مقدمه توضیح درباره متن کامل گلستان به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی و گزیده حاضر (صص ۱۹-۱۷)، از جمله: "گزیده گلستان شامل مهم‌ترین قسمت‌های کتاب است، بر اساس متن مصحح قبلی، پیش از متن، پیش گفتاری کوتاه با عنوان "تفرج در گلستان" درج شده که خواننده را با برخی ویژگی‌های اثر و ارزش آن تا حدودی آشنا می‌کند، سپس گزیده متن قرار دارد با نشانه‌ها و حرکات لازم و نقطه‌گذاری به صورتی پاکیزه و روشن، بدون زیرنویس و شرح نسخه بدله‌ها. در قسمت بعد، درباره همه کلمات و ترکیبات و اصطلاحات و عبارات و نکات نیازمند توضیح، به ترتیب شماره صفحات و سطور، شرحی مختصر و ساده آمده است که با رجوع به آنها هر نکته برای خوانندگان روشن خواهد شد ... " (ص ۱۸).

۱-۴. گفتاری زیر عنوان "تفرج در گلستان" (صص ۲۴-۲۰).

- اشاره به شهرت جهان‌گیر سعدی و ترجمه‌های مختلف گلستان، تأکید بر ارزش ادبی و اجتماعی این اثر ارزشمند و اینکه: "همه اینها حاکی از آن است که گزیده‌ای از گلستان سعدی برای استفاده همگان، پنجره‌ای تواند بود دل‌گشا به منظور راه یافتن به باغ باصفای دیگر آثار سعدی و آشنا شدن با او که از بنیان‌های مهم فرهنگ ایران است (ص ۲۱). در گلستان انسان با دنیایی سر و کار دارد محسوس و واقعی، نه فقط با عالم نگارین و خیال‌آمیز برخی اخلاق‌نویسان که غالباً لمس‌نشده‌ای است و دور از دسترس، از این رو خواننده با واقعیات گوناگون رویه رو می‌شود... بی‌گمان گزیده گلستان به واسطه تنوع حکایات و حالات مختلف آنها برای خوانندگان جاذبه‌ای خاص تواند داشت. حکایاتی که گاه بسیار کوتاه و در دو سطر است و گاه چند صفحه را در بر می‌گیرد. به علاوه نثر آهنگین، گوش نواز و بسیار زیبایی سعدی که قرن‌هاست ذوق فارسی‌زبانان، از آن مترنم است و موسیقی پاره‌هایی از آن حتی به موزونی شعر است، بر کشش و گیرایی کتاب می‌افزاید ... (ص ۲۲). از لحاظ گزینش و زدودگی کلمات و حسن ترکیب و لطف بیان، قدرت قریحه سعدی، شگفت‌آور است. به حدی که هر اندیشه معروف و معهود را می‌تواند به چنان کسوتی زیبا درآورد که پرتأثیر و پایدار بماند" (ص ۲۳).

۱-۵. متن برگزیده هشت باب گلستان (صص ۱۸۲-۲۵).

۱-۶. توضیحات واژه‌ها، ترکیب‌ها، ابیات و ... (صص ۴۶۶-۱۸۳).

۱-۷. فهرست مراجع (صص ۴۷۳-۴۶۷).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. این کتاب گزیده‌ای است از متن کامل "گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸"، برای آگاهی از منابع اصلی رک. کتاب یاد شده در همین مجموعه.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. تمام کتاب، گزیده و شرح گلستان است.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این کتاب گزیده‌ای است از متن کامل "گلستان سعدی" تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی "که در سال ۱۳۶۸ به دست انتشارات خوارزمی به چاپ رسیده است. رک. کتاب یاد شده در همین مجموعه.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. تأملی بر صناعت روایت در گلستان، حمید دباشی، مجله ایران‌شناسی، سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۳، ص ۱۰۱.

**در آرزوی خوبی و زیبایی، گزیده بوستان سعدی، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۲ (چاپ دوم)، ۵۷۲ صفحه، قطع: رقعی، شمارگان: ۵۵۰۰ نسخه.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. گفتاری زیر عنوان " یادداشت ناشر " و توضیح درباره انگیزه و روش گزیده‌های مجموعه "از میراث ادب فارسی" (صص ۳-۴).

۱-۲. فهرست مندرجات (صص ۵-۱۲).

۱-۳. مقدمه (صص ۱۲-۱۵).

- اشاره به متن کامل بوستان که به تصحیح و توضیح نگارنده در سال ۱۳۶۸ منتشر شده است و توضیح کوتاه درباره کتاب حاضر، از جمله: "گزیده بوستان، حاوی مهم‌ترین قسمت‌های کتاب است، بر اساس متن مصحح قبلی ... و سرآغازی است برای آشنایی با این اثر پر ارزش سعدی. پژوهش‌گران و جویندگان متن کامل بوستان و تبعات مربوط به آن نیز چاپ انتشارات خوارزمی را به تصحیح و توضیح بنده در اختیار خواهند داشت ..." (ص ۱۴).

۱-۴. گفتاری زیر عنوان "سیری در بوستان سعدی" (صص ۱۷-۲۳).

- توضیح درباره مضامین بوستان، با اشاره به مقاله "جهان مطلوب سعدی" که در مقدمه متن کامل بوستان نیز آمده است: "... بر روی هم جهانی که سعدی در بوستان می‌جوید، عالم ایمان به خداست و نیکی و صفا، راستی و پاکی، روشنی و حقیقت. این جهان برای ما آرزو و تصویری می‌آفریند از عالم، چنان که مطلوب و پسندیده است و در دل‌ها این شوق را پدید می‌آورد که در راه ساختن جهانی بهتر و انسانی‌تر باید کوشید.

سعدی در مقام هنرمندی بزرگ و روان‌شناس، بسیاری نکات باریک و اندیشه‌های بلند را در لباس حکایات دلپذیر عرضه داشته است. و این خصیصه موجب آمده که آرای جدی و استوار او به صورتی مطبوع در نظر خواننده جلوه می‌نماید و در او تأثیر می‌کند ..." (ص ۱۸).

- اشاره به نظر امرسون، سرادوین آرنولد، همپتن و ... درباره سعدی. "علاوه بر معانی و مفاهیم که در بوستان در اوج اعتلاست درخشش زبان و بیان بسیار فصیح و رسا و دلکش سعدی را در این اثر بزرگ نباید فراموش کرد. زبان بوستان آن چنان نرم و ساده و روان است که نه فقط اجزای کلام نظیر واژگان نثر است، بلکه در بسیاری از موارد شعر به نثری موزون می‌ماند ... (ص ۱۹). سادگی زبان و گواریایی و سبک روحی بیان و سرعت القای سخنان در بوستان به حدی است که گاه خواننده متوجه عمق اندیشه و اهمیت و عظمت آن نمی‌شود ... (ص ۲۱).

در مغرب زمین، باریه دو منار در مقدمه بر ترجمه بوستان به زبان فرانسه، ظرافت هوراس، سهولت بیان زیبایی اوید، حضور ذهن طنزآمیز رابله و سادگی اندیشه لافونتن را در سعدی جمع می‌بیند و هانری ماسه که بوستان را شاهکار سعدی و حماسه‌ای اخلاقی خوانده است محبوبیت سعدی را در اروپا ناشی از نوعی تجانس وی با نبوغ غربی تعبیر می‌کند ..." (ص ۲۳).

۱-۵. گزیده بوستان (صص ۲۷-۲۷۵) مشتمل بر ۲۸۳۰ بیت.

۱-۶. توضیحات (صص ۲۷۷-۵۶۷).

۱-۷. فهرست مراجع (صص ۵۷۲-۵۶۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ر.ک. منابع اصلی کتاب "بوستان سعدی (سعدی نامه)، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی ..."، در همین مجموعه.

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. این کتاب، گزیده‌ای است از متن بوستان.

۴. اشاره: ۴-۱. گزینش بخش‌هایی از متون گذشته و توضیح موارد لازم، برای استفاده عمومی‌تر از این متون، از اقدامات شایسته‌ای است که در چند دهه اخیر به گونه‌های مختلف انجام پذیرفته است. مجموعه "از میراث ادب فارسی" نیز با همین انگیزه به وجود آمده است. و این کتاب در نوع خود یکی از ارزشمندترین کتاب‌هایی است که منتشر شده است.

دکتر غلامحسین یوسفی که پیشتر از این متن کامل بوستان را تصحیح و با توضیحات ارزنده‌ای منتشر کرده بود. با حذف برخی از ابیات و بعضی از توضیحات، آن را به شکل گزیده‌ای مناسب، برای استفاده عمومی‌تر سامان داده‌اند. برای آگاهی بیشتر ر.ک. کتاب یاد شده در همین مجموعه. یادآوری می‌نماید که تعداد ابیات در متن کامل بوستان یاد شده ۴۰۱۱ بیت و در متن کتاب حاضر ۲۸۳۰ بیت است.

## دستور زبان سعدی ، نورالله‌ایزدپرست، دانش، ۱۳۵۹، ۲۴۶ صفحه (۲۱۷+۲۹)، قطع: وزیری: شمارگان: نامعلوم.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. فهرست مندرجات (صص ۱-۷).

۱-۲. پیش‌گفتار (صص: یک تا بیست و دو).

۱-۲-۱. اشاره به مفهوم ادب و توضیح درباره عظمت سعدی در کلام و تأکید بر ضرورت استفاده از آثار او، با اشاره به اشکالاتی که در کتابت نسخ خطی پدید آمده است (صص: یک تا پنج).

۱-۲-۲. اشاره به گلستان به تصحیح و توضیح عبدالعظیم قریب، محمدعلی فروغی، شوریده شیرازی، محمدعلی ناصح، دکتر خلیل خطیب رهبر، نسخه‌ای که خط آن از یاقوت مستعصمی دانسته شده و بوستان علی‌یف و اشکالات این نسخه‌ها در ضبط برخی از واژه‌ها و توضیحات آن (صص: پنج تا ده).

۱-۲-۳. نقل برخی از عبارات سعدی و ذکر معانی آن از فرهنگ‌های لغت و اشاراتی به دستورنویسی و توضیح دستوری برخی از واژه‌ها و عبارتهای سعدی (صص: ده تا بیست و دو).

۱-۳. دستور زبان سعدی.

۱-۳-۱. بخش یک - جمله، نقل ابیات مختلفی از سعدی و اشاره به برخی از ویژگی‌های دستوری آن (صص ۱-۳۹).

۱-۳-۲. بخش دو - اسم اشاره به انواع اسم‌ها (آلت، اشاره، جمع، جنس، خاص، زمان، عام، مصدری، مصغر، معنی، مکان، تشدید، مصدر، و ...) و ذکر نمونه‌های فراوان از آثار سعدی (صص ۴۰-۱۹۲). ۱-۳-۳. بخش سه - حرف؛ اشاره به انواع حروف (از، ان، انه، ای، با و ...) با ذکر نمونه‌های فراوان از آثار سعدی (صص ۲۵۳-۱۹۳).

۱-۳-۴. بخش چهار - صفت، اشاره به انواع صفت (ابهام، پرسش، تشبیه، جامد، فاعلی، مرکب و ...) با ذکر نمونه‌های فراوان از آثار سعدی (صص ۲۷۳-۲۵۴).

۱-۳-۵. بخش پنج - ضمیر، اشاره به انواع ضمیر (پیوسته فاعلی، پیوسته مفعولی، جدا فاعلی و مشترک) با ذکر نمونه‌های فراوان از آثار سعدی (صص ۲۸۱-۲۷۴).

۱-۳-۶. بخش شش - عدد، اشاره به انواع عدد (اصلی، ترتیبی، توزیعی، کسری و نامعلوم) با ذکر نمونه‌هایی از آثار سعدی (صص ۲۸۴-۲۸۲).

۱-۳-۷. بخش هفت - فعل، اشاره به انواع فعل (امری، خبری، آینده، حال و ...) با ذکر نمونه‌های متعدد از آثار سعدی (صص ۳۰۷-۲۸۵).

۱-۳-۸. بخش هشت - قید، اشاره به انواع قید (آرزو، چگونگی، زمان، سبب و ...) با ذکر نمونه‌های متعدد از آثار سعدی (صص ۳۱۵-۳۰۸).

۱-۴. فهرست کتاب‌های دستور زبان فارسی (صص ۳۱۷-۳۱۶).



۱. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. دستورهایی مختلف زبان فارسی.  
 ۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. در این کتاب، به فراوانی، به گونه‌های مختلف از آثار سعدی استفاده شده است. که برخی در قالب بیت، بعضی جمله و بعضی واژه است. به همین دلیل تعداد رویکردها در این کتاب (استثنائاً) شمارش نشد.  
 ۴. اشاره: ۲-۱. این کتاب تنها کتابی است که به گونه‌ای مستقل و گسترده درباره دستور زبان سعدی نوشته شده و از سخنان سعدی به فراوانی برای شاهد مثال بهره جسته شده است. اما متأسفانه آشفتگی و پریشانی جمله‌ها و عبارات در مقدمه و متن کتاب چنان زیاد است که حتی نقد و بررسی آن را نیز مشکل می‌کند. مؤلف در بخش‌های هشت‌گانه کتاب با اشاره به برخی اصطلاحات دستوری، مثال‌هایی را از سخنان سعدی بدون ذکر نشانی مأخذ برای آن مورد بیان می‌کند. اما چنانچه سخنان سعدی از نظر دستوری کاویده می‌شدند و ویژگی‌های دستوری آنها بازنموده می‌شد، عنوان کتاب (دستور زبان سعدی) عنوانی درست می‌نمود. می‌توان گفت تنها ارزش اصلی این کتاب مثال‌های فراوانی است که مؤلف برای اصطلاحات دستوری از سخنان سعدی باز یافته و گرد آورده است.

**دیوان غزلیات استاد سخن سعدی شیراز، با شرح ابیات و ...، ج اول، دکتر خلیل خطیب رهبر، انتشارات سعدی، زمستان ۱۳۶۸ (چاپ سوم)، ۵۷۱ صفحه (۵۲۸+۴۲)، قطع: وزیری، شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. فهرست مطالب (صص: پنج تا هیجده).  
 ۱-۲. پیش‌گفتار (صص: نوزده تا بیست و یک)، اشاره به سوابق علمی و آموزشی نگارنده، گرامی‌داشت یاد استاد محمدعلی ناصح، اشاره‌ای کوتاه به شیوه شرح ابیات (که همان شیوه شرح نگارنده در غزلیات حافظ است). معرفی نسخه‌های مورد استفاده و نقل توضیحاتی از مقدمه محمد علی فروغی بر غزلیات سعدی، برای آگاهی از روش عملکرد در تنظیم غزلیات.  
 ۱-۳. گفتاری زیر عنوان "مختصری از احوال استاد سخن" (صص: بیست و سه تا بیست و هفت). با اشاراتی درباره کودکی، تحصیلات، اوضاع اجتماعی، مسافرت‌ها، استادان، آثار، معاصران، ممدوحین و وفات سعدی.  
 ۱-۴. گفتاری زیر عنوان "غزلیات سعدی" (صص: بیست‌وننه تا چهل‌وسه):  
 - یادکرد برخی از ویژگی‌هایی که "پژوهندگان سخن‌سنج، قبول خاطر و لطف گفتار استاد سخن [سعدی] را مرهون آن چند ویژگی می‌دانند" همراه با نمونه‌هایی از ابیات غزل‌ها:  
 ۱-۴-۱. "طبع لطیف و ذوق بی‌مانند و استعداد شگرف سعدی که بخشش ایزدی است" (ص بیست و نه).  
 ۱-۴-۲. "در گزینش لفظ برای بیان معنی، کمال ذوق و حسن سلیقه و دقت را به کار برده و ساده‌ترین و رساترین واژه‌ها را در نسج کلام آورده است ..." (ص: سی).  
 ۱-۴-۳. "از تقلید و تکرار معانی و مضامین پیشینیان روی برتافته و با نیروی ابتکار و ابداع، به آوردن مضمون‌های نو در قالب الفاظ فصیح پرداخته و ..." (ص: سی و یک).  
 ۱-۴-۴. "ایجاز مغل و اطناب ممل در غزل‌های سعدی دیده نمی‌شود" (ص: سی و دو).  
 ۱-۴-۵. "سعدی به صراحت سخن می‌سراید و از تعقید لفظی و معنوی نشانی در شعر او دیده نمی‌شود" (ص: سی و سه).  
 ۱-۴-۶. "در آوردن آرایش‌های لفظی و معنوی اعتدال را رعایت می‌کرد" (ص: سی و چهار).  
 ۱-۴-۷. "سعدی در همه عمر عاشقی شوریده و سوخته جان بود که با بیدلان جهان، همزبانی و همدلی نشان داده است" (ص: سی و پنج).  
 ۱-۴-۸. "شیوه سهل و ممتنع" (ص: سی و شش).  
 ۱-۴-۹. "سعدی عشق و عرفان را در قالب غزل به هم می‌آمیزد و با کیمیای ذوق لطیف ترکیبی پدید می‌آورد که مقبول خاص و عام می‌افتد" (ص: سی و هفت).  
 ۱-۴-۱۰. غزل‌سرایی سعدی، سبک عراقی را که مبنی بر جمال لفظ و کمال معنی و رعایت تناسب میان دو رکن کلام است، به اوج رساند و از قید ابهام و صنعت‌پردازی‌های متکلفانه رهایی بخشید" (ص: سی و هشت).  
 ۱-۴-۱۱. "غزل به اعجاز طبع سعدی، بر سایر انواع کلام منظوم، بویژه قصیده، برتری یافت" (ص: سی و نه).  
 ۱-۴-۱۲. "آوردن تخلص در پایان غزل که در حقیقت امضای گوینده به شمار می‌آید، از روزگارسعدی و هم به همت وی متداول شده است" (ص: چهل).  
 ۱-۴-۱۳. سعدی با احاطه بر اوزان عروضی فارسی و عربی برای سرودن غزل حسن انتخابی شایسته کرده و مطبوع‌ترین وزن‌های عروضی که با ذوق فارسی‌زبانان سازگاری دارد، برگزیده است" (ص: چهل).  
 ۱-۴-۱۴. "سعدی در ضمن غزل‌های دل‌انگیز خود، هر جا سیاق سخن اقتضا داشته، به ایراد مثلی پرداخته و بر زیبایی کلام افزوده است و از این راه بسیاری از مثل‌ها را زنده نگاه داشته" (ص: چهل و یک).  
 ۱-۴-۱۵. نقل عباراتی از "تاریخ ادبیات در ایران" از دکتر ذبیح‌الله صفا، درباره سبک سخن سعدی (ص: چهل و دو).  
 ۱-۵. متن غزلیات سعدی و شرح و توضیح ابیات آن، از غزل "اول دفتر به نام ایزد دانا..." "تا غزل" شمع بخواهد نشست، باز نشین ای غلام..." مجموعاً ۳۶۰ غزل (صص ۱-۵۲۸).  
 ۲. منابع اصلی: ۲-۱. قرآن مجید. ۲-۲. غزلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی. ۲-۳. کلیات سعدی، چاپ سنگی، تهران ۱۳۹۶.  
 ۲-۴. کلیات سعدی، تصحیح شوریده شیرازی، چاپ افست، تهران، ۱۳۶۱. ۲-۵. غزل‌های سعدی، به کوشش نورالله ایران‌پرست، تهران ۱۳۶۲. ۲-۶. فرهنگ‌های لغت، از جمله: آندراج، برهان قاطع، دایرة‌المعارف فارسی مصاحب، المنجد، لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ معین و ... ۲-۷. دیوان‌های برخی از شاعران از جمله حافظ، خاقانی، منوچهری، انوری، ناصرخسرو، رودکی و ...  
 ۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. همه کتاب، متن غزلیات سعدی و شرح و توضیح درباره آنهاست.  
 ۴. اشاره: ۲-۱. این کتاب جلد اول از غزلیات سعدی به شرح و توضیح دکتر خلیل خطیب‌رهبر است. ر.ک. جلد دوم.  
 ۵. تأثیرات و پاسخ‌ها ۵-۱. ر.ک. جلد دوم.

**دیوان غزلیات استاد سخن سعدی شیراز، با شرح ابیات و ...، ج دوم، دکتر خلیل خطیب رهبر، انتشارات سعدی، زمستان ۱۳۶۸ (چاپ سوم)، ۵۹۶ صفحه (۵۸۰+۱۶)، قطع: وزیری، شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. فهرست مصراع اول غزل‌ها و فهرست‌های ضمیمه (صص: پنج تا شانزده).  
 ۱-۲. متن غزلیات سعدی و شرح و توضیح ابیات آن؛ از غزل "ماه چنین کس ندید خوش سخن و کش خرام ..." تا غزل "ندانم از من خسته جگر چه می‌خواهی ..." مجموعاً ۲۷۷ غزل - (صص ۵۲۹-۹۲۸) و غزلیات مشتمل بر بند و اندرز، از غزل "تا و حمد بی‌پایان خدا را ..." تا غزل "مبارک ساعتی باشد که با منظور بنشین ..." - مجموعاً ۵۹ غزل - (صص ۱۰۲۸-۹۲۹).

۱-۳. فهرست‌های ضمیمه (صص ۱۱۰۹-۱۰۲۹). ۱-۳-۱. فهرست آیات و احادیث و اخبار (صص ۱۰۳۲-۱۰۳۱). ۱-۳-۲. فهرست امثال و حکم در این بخش مجموعاً ۱۰۷۳ بیت به عنوان امثال و حکم فهرست شده است (صص ۱۰۸۶-۱۰۳۲). ۱-۳-۳. فهرست برخی قاعده‌های دستوری (صص ۱۱۰۰-۱۰۸۷). ۱-۳-۴. فهرست برخی مأخذ (صص ۱۱۰۲-۱۱۰۱). ۱-۳-۵. فهرست عام اعلام (صص ۱۱۰۹-۱۱۰۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ر.ک. بخش منابع اصلی، جلد اول.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. همه کتاب متن غزلیات سعدی و شرح و توضیح درباره آنهاست.

۴. اشاره: ۴-۱. در این کتاب ارزشمند که به گونه یک جلدی و دو جلدی چاپ و منتشر شده، برای نخستین بار همه غزلیات سعدی به شیوه شرح‌های دیگر نگارنده بر متون گذشته، بیت به بیت، شرح و توضیح داده شده است و این فضل تقدم همواره برای این شارح محفوظ است. علاوه بر این، موارد زیر نیز از ویژگی‌های ارزشمند این کتاب است: تعیین وزن کامل عروضی تمام غزل‌ها و بازنمود وزن هر غزل در آغاز شرح آن.

بررسی بسیاری از نکات دستوری که تنها "فهرست برخی از قاعده‌های دستوری" در بخش فهرست‌ها چهارده صفحه را به خود اختصاص داده است (صص ۱۱۰۰-۱۰۸۷).

- بهره‌وری مکرر از آیات، احادیث، امثال و حکم، اشعار شاعران دیگر و ... در شرح و توضیحات.

- بازیافت بسیاری از بیت‌هایی که گونه مثل دارند (۱۰۷۳ بیت) و تنظیم آنها در یک فهرست الفبایی مفصل در پنجاه و چهار صفحه (صص ۱۰۸۶-۱۰۳۳).

- تنظیم فهرست عام اعلام که ارزش کاربردی ویژه خود را دارد (صص ۱۱۰۹-۱۱۰۳).

- استفاده از برخی نسخه‌های دیگر برای دستیابی به صورت صحیح برخی از واژه‌ها، از جمله: درص ۱۹، ش ۱، درباره مصراع "ساقی بیار آن جام می- مطرب بز آن ساز را" نوشته‌اند: "در نسخه بدل "بساز"، به جای "بزن" آمده که بر متن ترجیح دارد، هم از نظر لفظی، هم از نظر معنوی". و در ص ۱۲۸، ش ۸، درباره مصراع "چو گوی در همه عالم به جان بگردیم" نوشته‌اند: "در نسخه بدل "به سر" به جای "به جان" آمده که صحیح می‌نماید". همچنین است: ص ۳۱۱، ش ۵ و ص ۳۹۵، ش ۶ و ص ۵۵۱، ش ۷ و ص ۵۹۸، ش ۱ و ص ۶۱۲، ش ۳ و ص ۸۷۹، ش ۹ و ص ۹۳۰، ش ۱۳ و ص ۹۵۲، ش ۵ و ...

در ص ۵۸۵، ش ۱، درباره مصراع "همچو پروانه که می‌سوزم و در پروازم" نوشته‌اند: به نظر می‌رسد که "در پروازم" مصحف "در می‌سازم" باشد که با سیاق معنی سازگارتر است. "و در ص ۹۴۷، ش ۸، درباره مصراع "انصاف راه خود ز سر صدق داد نه" نوشته‌اند: "نه: ظاهراً مصحف "ده" [ است ] .

- گفتارهای آغازین کتاب، بویژه بخش "غزلیات سعدی" (صص: بیست‌ونه تا چهل‌وسه)، در شناخت بیشتر سعدی، برای مخاطبان ویژه کتاب که اغلب دانشجو هستند خالی از فایده نیست.

۴-۲. با این همه، برخی از توضیحات نگارنده در محل تأمل است، مثلاً ص ۱۱۳ درباره بیت

عاشقی می‌گفت و خوش خوش می‌گریست جان بیاساید که جانان قاتل است  
"در توضیح "خوش خوش" نوشته‌اند: "به زاری زار و سخت، قید وصف و روش". با توجه به مصراع دوم "جان بیاساید ... خوش خوش

گریستن، گریستن است همراه با شوق و خوشحالی، نه زاری و سختی.  
در ص ۵۲۲ درباره بیت

"نگاه می‌کنم از پیش رایت خورشید که می‌برد به افق پرچم سیاه ظلام  
"توضیحی نوشته‌اند که خود نیاز به توضیح دارد زیرا "توبه خانه" را "زاویه" و "رایت خورشید" را "درفش مهر" معنی کرده‌اند، در حالی که برای خواننده معنی "توبه خانه" دریافتنی‌تر است و "درفش مهر جهانتاب" هم از "رایت خورشید" روشن‌تر نیست. همچنین درباره مصراع پیشین (چو بلبل سحری برگرفت نوبت بام) نوشته‌اند: "چون مرغ سحر نوبت اول از پنج نوبت نقاره کوفتن را آغاز کرد ... اولاً برای خواننده معمولی که نیاز به توضیح بیت داشته باشد، "نوبت نقاره کوفتن" خود نیاز بیشتری به توضیح دارد و ثانیاً به دلیل ترکیب "نوبت بام"، زیبا نمی‌نماید که "نقاره کوفتن" را به مرغ سحر نسبت بدهیم. در ص ۱۰۴ در معنی مصراع "شریت از دست دلارام چه شیرین و چه تلخ ..." نوشته‌اند: "نوشیدنی لب تو از کف یار دلجوی خواه شیرین و خواه تلخ ... که علاوه بر تعقید موجود در جمله، که از خود مصراع مشکل‌تر شده، معلوم نیست واژه "لب" را از کجای مصراع یاد شده می‌توان دریافت. همچنین است: ص ۵۹۱، ش ۹، توضیح مصراع "چون دوست یگانه شد با غیر نیامیزم و ... .

- بسیاری از اضافه‌ها که در معنی اقترانی به کار رفته‌اند در این کتاب به معنی اضافه استعاری یا تشبیهی دانسته شده است، از جمله: ص ۱۱، ش ۷، "انگشت تحیر" در مصراع "سر انگشت تحیر بگزد عقل به دندان" و ص ۵۳۰، ش ۴؛ "چشم امید" در مصراع "چشم امیدم به راه تا که بیارد پیام" و ص ۳۳۵، ش ۴، "پای نشاط" در مصراع "بساط سبزه لگدکوب شد به پای نشاط" و ... .  
۴-۳. برخی از بیت‌هایی که بدون توضیح رها شده‌اند، نسبت به برخی از موارد همانند نیاز به توضیح دارند، از جمله: ص ۴۹۶، ب ۴ و ص ۸۶۹، ب ۷ و ص ۹۵۹، ب ۴ و ... .

۴-۴. شیوه نگارش غزلیات، شیوه‌ای امروزی نیست و شایسته‌تر بود برای رعایت حال مخاطبان کتاب، شیوه‌ای ساده‌تر به کار گرفته شود، برای نمونه "غمزه‌ای، نشسته‌ای، رشته‌ای و ... را به شکل "غمزه، نشسته و رشته و ..." نوشته‌اند و این شیوه نگارش بویژه هنگامی که کلمات مورد نظر قافیه واقع شده‌اند، علاوه بر نادرستی شکل آنها، در پیدا کردن غزل بر اساس قافیه نیز اشکال ایجاد می‌کنند (ر.ک. غزل‌های ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۶ و ...). همچنین در نگارش امروزی ترکیب‌هایی چون: "ای غلام"، "در این وقت"، "آن سماع است" را به صورت پیوسته نوشتن پسندیده نیست: "کس از این نمک ندارد که تو ایغلام داری" (ص ۸۲۷) و ... یا: "با چون تو حریفی یچنین جای درینوقت" (ص ۱۲۰) یا "که نه امشب آنسماعست که دف خلاص یابد" (ص ۸۶۲) و ... .

۴-۵. با آنکه برخی شواهد شعری با ذکر نشانی نوشته شده‌اند، اما یادکرد نشانی‌ها هماهنگ و یکدست نیست و اغلب بدون نشانی آمده‌اند، مثلاً در توضیحات نخستین غزل (ص ۲) نشانی توضیح شماره ۱۳ و ۱۸ به دو گونه متفاوت نوشته شده است. مورد اول نوشته شده "یادآور این عبارت گلستان است ..." (بدون ذکر نشانی مأخذ) و مورد دوم نوشته شده "ص ۱۹۴ گلستان، به کوشش نگارنده". یا در توضیحات غزل شماره ۲ (ص ۵) و در توضیح شماره ۵ آمده است: "حافظ فرماید: دردم از یار ... ولی در توضیح شماره ۹ آمده است: "نگاه کنید به صفحه ۴۹ دیوان غزلیات حافظ، به کوشش نگارنده ...".

۴-۶. شگردهای شاعرانه و آرایه‌های پنهان و آشکاری که سعدی به استفاده از آنها در کلام خود همواره رستخیز بر پا می‌کند، در غزلیات او نسبت به آثار دیگرش به فراوانی دیده می‌شود. اما مناسبانه تاکنون آن گونه که شایسته است زیبایی‌شناسی شعر سعدی کاویده نشده، در این کتاب هم به این ویژگی از سخن سعدی توجهی بایسته نشده است و تنها به برخی از جناس‌ها و تضادها و ... اشاره‌هایی ناقص شده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گزیده غزلیات سعدی (مجموعه ادب فارسی ۱۵)، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، دی ۱۳۶۹، صص ۲۶۴، ۲۸۷، ۳۰۸، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۸، ۵-۲. تنوع اوزان در غزلیات خواجه، حافظ و سعدی، روح‌الله هادی، رشد آموزش و ادب فارسی، سال هفتم، شماره مسلسل ۲۷، زمستان ۱۳۷۰، صص ۵۶-۶۳، ۵-۳. برگزیده و شرح آثار سعدی، پرویز اتابکی، نشر فرزاد، ۱۳۷۴، ص: دوازده و بخش غزلیات، صص ۱۹۸-۱۴۲، ۵-۴. غزلیات شیخ شیراز، سعدی، مقدمه و شرح بهاء‌الدین اسکندری،

## ذ

**ذکر جمیل سعدي ، مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشتصدمین سالگرد تولد شیخ اجل سعدي عليهالرحمه، جلد اول، کمیسیون ملي یونسکو و وزارت ارشاد اسلامي، ۱۳۶۴، ۲۷۵ صفحه، قطع: وزیری، شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه.**

۱-۱. **مضامین اصلي:** ۱-۱. پیش‌گفتار (صص ۶-۵) پیش‌گفتار این کتاب را آقای حسین رزمجو به عنوان، مسؤؤل برگزاری کنگره بزرگداشت سعدي نگاشته‌اند و توضیح کوتاهی است درباره جلد اول مجموعه مقالات کنگره مذکور.  
۱-۲. فهرست مندرجات (ص ۷).

۱-۳. پیام حجةالاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهور وقت (صص ۱۴-۹)، در قسمتی از این پیام آمده است: "برگزاری کنگره بزرگداشت شاعر و نویسنده بزرگ پارسی، مصلح‌الدین سعدي شیرازی از جمله شایسته‌ترین اقدامات در عرصه ادب و فرهنگ انقلابی روزگار است. تجلیل سعدي، تنها تجلیل شعر و نثر شیوا نیست، تجلیل اخلاق و حکمت و معرفت بلیغ و رسا نیز هست ... شرف سعدي بر بسیاری از سرایندهگان پارسی از آن است که قدر سخن را نشکسته و آن را دست مایه تقرب و ارتزاق نساخته است (ص ۱۱). شعر و نثر فاخر این جهان‌پدیده انسان‌شناس صادق، همواره پیامی را با خود حمل کرده است ... شیوه سخن بی‌تکلف و شفاف او نیز امتیاز دیگر این آموزگار بزرگ مردمی و محبت است. کلام او چون جوی آب زلالی، ذره ذره جان مستمع را سیراب می‌کند و بی‌هیچ غبار تصنع، بر دل او می‌نشیند ... این کنگره باید گوشه‌های ناشناخته شخصیت سعدي و درخشندگی هنر او را بشناساند ... (ص ۱۲). حمایت از آفرینش‌های شعری و هنری در نظام جمهوری اسلامی، چیزی الهام گرفته از قرآن و روش پیامبر خدا و پیشوایان معصوم علیهم السلام است. و انقلاب اسلامی در محتوای خود جانبدار و حق‌گزار هنر و ادبیات است" (ص ۱۳).

۱-۴. پیام احمد مختار امبو، مدیر وقت یونسکو، در این پیام کوتاه که چند سطر بیش نیست از مقام والای سعدي تجلیل شده است (ص ۱۷).

۱-۵. سخنرانی دکتر ایرج فاضل وزیر وقت فرهنگ و آموزش عالی و رئیس کمیته عالی مشورتی یونسکو در ایران، (صص ۲۳-۱۹):  
- تأکید بر تقویت مسائل فرهنگی، بزرگداشت مقام والای سعدي و تشکر از همه دست‌اندرکاران کنگره: "سعدي قرن‌هاست که فقط به شیراز و ایران تعلق ندارد، بلکه از بزرگان فرهنگ جهانی و جامعه بشری است. در میان بزرگان علم و ادب کشور ما که بیرون مرزهای ایران شهرت و عزت یافته‌اند، شاید کمتر کسی باشد که تا به امروز به مقام بلند شیخ اجل سعدي شیرازی رسیده باشد ... (ص ۲۲).

۱-۶. سخنرانی دکتر حسین رزمجو، مسؤؤل برگزاری کنگره سعدي و سرپرست وقت کمیسیون ملي یونسکو در ایران (صص ۲۴-۲۵).  
۱-۶-۱. تشکر و تجلیل از شرکت کنندگان و دست‌اندرکاران (صص ۲۸-۲۷).

۱-۶-۲. توضیح درباره مقام ادبی سعدي: "آثار باقیمانده از سعدي، بهترین گواه بر این واقعیت است که او نه تنها شاعر و نویسنده‌ای است توانا و کم‌نظیر، بلکه فرزانه‌ای است خردمند، که در علوم دینی و اخلاقی و حکمت عملی و عرفان و سیاست و شناخت اجتماع متبحر و صاحب‌نظر است و استادی او خصوصاً در این می‌باشد که قادر است از تمامی این اطلاعات وسیع و متنوع در بیان مواعظ و نگارش داستان‌ها و تمثیل‌های آموزنده و سرودن غزلیات پرشور و مثنوی‌ها و قصاید نغز و بدیع سود جوید و آنها را با زبانی ساده و شیرین و به شیوه‌ای سهل و ممتنع که قابل استفاده همگان باشد، بیان کند (صص ۲۹-۲۸).

شهامت ادبی شیخ اجل در بیان حقایق و لحن عتاب‌آمیزش در برابر حاکمان و قدرتمندان زمان و دنیاداران بی‌بصر از خدا بی‌خبر، از جمله ویژگی‌های اخلاقی اوست که آن را در کمتر شاعر و نویسنده‌ای می‌توان یافت (ص ۳۰). ایمان مذهبی و اعتقاد راسخ سعدي به مبانی دینی، از اشعاری که در ستایش خداوند و در بزرگداشت نبی اکرم (ص) سروده است به روشنی پیداست."  
۱-۶-۳. توضیح درباره نحوه شکل‌گیری کنگره و اقداماتی که در طول کنگره انجام می‌گیرد و فعالیت‌های جنبی کنگره (صص ۳۴-۳۲).  
۱-۷. قطعنامه کنگره (صص ۳۸-۳۷).

۱-۸. مقالات به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی نویسندگان از حرف "آ" تا "د". (چون در بخش مقاله‌ها همه این مقاله‌ها بررسی شده‌اند. در اینجا تنها به ذکر فهرست آنها بسنده می‌شود):

۱-۸-۱. تأثیر تربیت از دیدگاه سعدي، دکتر محمد کریم آزادی (صص ۵۷-۴۱).  
۱-۸-۲. بهداشت از دیدگاه سعدي، دکتر سیاوش آگاه پزشکی (صص ۷۵-۵۹).  
۱-۸-۳. سعدي و حسن و قبح افعال، دکتر احمد احمدی (صص ۹۲-۷۷).  
۱-۸-۴. خانه و خانواده در آثار سعدي، احمد احمدی بیرجندی (صص ۱۱۱-۹۳).  
۱-۸-۵. سعدي و اقبال لاهوری، دکتر نسرین اختر (صص ۱۲۴-۱۱۳). ۱-۸-۶. سعدي، آموزگار قرون، محمدعلی امامی (صص ۱۴۶-۱۲۵).

۱-۸-۷. زمانه سعدي در ایران و ژاپن، امیکو اکادا (صص ۱۵۶-۱۴۷). ۱-۸-۸. شیخ سعدي و تصور او از يك جامعه آرمانی (مدینه فاضله)، پرفسور نورالحسن انصاری (صص ۱۹۴-۱۵۷).

۱-۸-۹. مقام سعدي در ادبیات غرب، مهین اولیایی (صص ۲۰۱-۱۹۵).  
۱-۸-۱۰. سعدي در چکسلواکی، پورفسور جری بچکا (صص ۲۱۰-۲۰۳).

۱-۸-۱۱. چهره سعدي و سخنان حکیمانه او در گلستان، دکتر امین عبدالمجید بدوی (صص ۲۴۸-۲۱۱).  
۱-۸-۱۲. سعدي و معرفت کردگار، دکتر جلیل تجلیل (صص ۲۵۷-۲۴۹).

۱-۸-۱۳. تلاقی حکمت و ادب در آثار منظوم سعدي، محمدتقی جعفری تبریزی (صص ۲۹۰-۲۵۹).

۱-۸-۱۴. جلوه‌های عرفان در آثار منظوم سعدی، دکتر اسماعیل حاکمی (صص ۳۰۲-۲۹۱).

۱-۸-۱۵. حق سعدی به گردن حافظ، بهاء‌الدین خرمشاهی (صص ۳۲۴-۳۰۳).

۱-۸-۱۶. مشرف‌الدین مصلح‌بن عبدالله سعدی شیرازی در چین، جان‌خوین (صص ۳۴۵-۳۳۵).

۱-۸-۱۷. سعدی، شاعر جامع و مأخذ چند حکایت بوستان، دکتر محمد دامادی (صص ۳۶۸-۳۴۷).

۱-۸-۱۸. کشورداری و سیاست در نگارش سعدی، محمدتقی دانش‌پژوه (صص ۳۷۵-۳۶۹).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. منابع اصلی هر مقاله زیر آن مقاله (در بخش مقاله‌ها) نوشته شده است.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** - رویکرد هر مقاله به آثار سعدی، زیر آن مقاله (در بخش مقاله‌ها) نوشته شده است. و در دیگر بخش‌های کتاب (پیش‌گفتار، پیام‌ها و سخنرانی‌ها و ...) رویکرد به آثار سعدی به این قرار است: ۱-۲. غزلیات ۹ بار، گلستان ۶ بار، قصاید ۲ بار، بوستان ۲ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. مطلب مربوط به هر مقاله زیر آن مقاله (در بخش مقاله‌ها) نوشته شده است. اما بجز آنچه درباره مقاله‌ها نوشته شده، باید گفت این کتاب با حروف چینی و صحافی خوب به شکلی شایسته فراهم آمده است و تعداد غلط‌های چاپی آن نیز بسیار اندک است. برای رعایت حجم مناسب کتاب، تنها هیجده مقاله از مقاله‌های ارائه شده به کنگره مذکور در این جلد به چاپ رسیده است (به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی نویسندگان مقاله از "آ" تا "د").

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. تأثیرات و پاسخ‌های مربوط به هر مقاله در زیر آن مقاله (در بخش مقاله‌ها) نوشته شده است و تأثیرات کلی کتاب در بخش "تأثیرات و پاسخ‌ها" جلد سوم آمده است.

**ذکر جمیل سعدی ، مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشت‌صدمین سالگرد تولد شیخ اجل سعدی علیه‌الرحمه، جلد دوم، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، ۲۷۵ صفحه، قطع: وزیری، شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. فهرست مندرجات (ص ۷).

۱-۲. مقالات، به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی نویسندگان از "د" تا "ش" (چون در بخش مقاله‌ها همه این مقاله‌ها بررسی شده‌اند، در اینجا تنها به ذکر فهرست آنها بسنده می‌شود):

۱-۲-۱. سعدی شاعر اخلاق، دکتر رضادآوری (صص ۲۳-۱۱).

۱-۲-۲. تأثیر قرآن و حدیث در آثار سعدی، حکیمه دبیران (صص ۳۹-۲۵).

۱-۲-۳. چند نظر تربیتی و اخلاقی و مذهبی سعدی، دکتر بدیع‌الله دبیرنژاد. (صص ۵۱-۴۱).

۱-۲-۴. سعدی و فردوسی، دکتر منصور رستگار (صص ۱۲۹-۵۳).

۱-۲-۵. سعدی و فلسفه زندگی، دکتر حیدر رقابی (صص ۱۶۲-۱۳۱). ۱-۲-۶. سعدی آموزگار قناعت، محمدمهدی رکنی (صص ۱۷۴-۱۶۳).

۱-۲-۷. سه قرن ونیم سعدی‌شناسی در غرب از روی ترجمه‌های گلستان و بوستان، دکتر عبدالغفور روان‌فرهادی، (صص ۱۹۶-۱۷۵).

۱-۲-۸. سخنوری زیرکانه در قلمرو سعدی، دکتر برات زنجانی (صص ۲۰۸-۱۹۷).

۱-۲-۹. تأثیر متون فرهنگ اسلامی بویژه قرآن در آثار شیخ سعدی، عمید زنجانی (صص ۲۲۷-۲۰۹).

۱-۲-۱۰. آیین در اشعار فرخی، سعدی، حافظ همراه با پیشنهادی در زمینه بررسی آماری تطبیقی، رویکارو زیپولی، (صص ۲۵۶-۲۳۹).

۱-۲-۱۱. تعمیم صنعت طباق یا استفاده از عکس و نقض و عدم تقارن در شعر سعدی، دکتر عبدالکریم سروش (صص ۲۶۵-۲۵۷).

۱-۲-۱۲. درباره‌گاه خاطر سعدی، محمود شاه‌رخی، جذبه (صص ۳۰۶-۲۶۷).

۱-۲-۱۳. "عارف معارف" تضمین مخمسی از یکی از غزلیات سعدی که توسط محمود شاه‌رخی، انجام گرفته است (صص ۳۰۸-۳۰۷).

۱-۲-۱۴. کهن‌ترین نسخه دیوان سعدی و راه استفاده از آن، محمدجواد شریعت (صص ۳۱۹-۳۰۹).

۱-۲-۱۵. تربیت از نظر سعدی، دکتر علی شریعتمداری (صص ۳۳۳-۳۲۱).

۱-۲-۱۶. هنر در سخن سعدی، دکتر جعفر شعار (صص ۳۴۰-۳۳۵).

۱-۲-۱۷. سعدی و امور اجتماعی، دکتر رضا شعبانی (صص ۳۶۳-۳۴۱).

۱-۲-۱۸. مدیحه‌های سعدی، دکتر سید جعفر شهیدی (صص ۳۷۵-۳۶۵).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۱. منابع اصلی هر مقاله زیر آن مقاله (در بخش مقاله‌ها) نوشته شده است.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. رویکرد هر مقاله به آثار سعدی، زیر آن مقاله (در بخش مقاله‌ها) نوشته شده است.

**۴. اشاره:** ۱-۴. مطلب مربوط به هر مقاله زیر آن مقاله (در بخش مقاله‌ها) نوشته شده است.

۱-۴-۲. این کتاب با حروف چینی و صحافی خوب به شکلی شایسته فراهم آمده است و تعداد غلط‌های چاپی آن نیز بسیار اندک است. برای رعایت حجم مناسب کتاب، تنها هفده مقاله از مقاله‌های ارائه شده به کنگره مذکور در این جلد به چاپ رسیده است (به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی نویسندگان مقاله از "د" تا "ش"). در صفحه ۳۰۸-۳۰۷ تضمین مخمسی از محمود شاه‌رخی (جذبه) به چاپ رسیده است. با توجه به اینکه این سروده در جلد سوم (صص ۴۴۶-۴۴۰) نیز به چاپ رسیده است، چاپ آن در بین مقاله‌ها با نظم موجود در کتاب ناساز است.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. تأثیرات و پاسخ‌های مربوط به هر مقاله در زیر آن مقاله (در بخش مقاله‌ها) نوشته شده است و تأثیرات کلی کتاب در بخش "تأثیرات و پاسخ‌ها" جلد سوم آمده است.

**ذکر جمیل سعدی ، مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشت‌صدمین سالگرد تولد شیخ اجل سعدی علیه‌الرحمه، جلد سوم، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، ۴۷۷ صفحه، قطع: وزیری، شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. فهرست مندرجات (صص ۹-۷).

۱-۲. مقالات، به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی نویسندگان از "ش" تا "ی" (چون در بخش مقاله‌ها همه این مقاله‌ها بررسی شده‌اند، در اینجا تنها به ذکر فهرست آنها بسنده می‌شود):

۱-۲-۱. ولایت در آثار سعدی، دکتر علی‌اشرف اسلامی (صص ۲۱-۱۳).

۱-۲-۲. شهادت ادبی سعدی، دکتر زبیده صدیقی (صص ۲۳-۲۲).

۱-۲-۳. غزلیات ناشناخته سعدی، دکتر سیدامیرحسین عابدی (صص ۴۲-۲۵).

- ۱-۲-۴. غزل فارسی و شکل‌های غنایی مشابه آن در شعر جهانی، محمود عبادیان (صص ۵۶-۴۳).
- ۱-۲-۵. عدالت در بوستان سعدی، دکتر محمد علوی مقدم (صص ۹۱-۵۷).
- ۱-۲-۶. مآخذ اندیشه‌های سعدی: روزبهان بقلی شیرازی، محمدغفرانی جهرمی (صص ۱۱۲-۹۳).
- ۱-۲-۷. متن سخنرانی آقای دکتر جروم رایت کلینتون، (صص ۱۲۷-۱۱۳).
- ۱-۲-۸. شیخ سعدی از دیدگاه خود او، فوشه کور (صص ۱۴۱-۱۲۹).
- ۱-۲-۹. پژوهشی در روایات و مضامین سعدی، دکتر حسین لسان (صص ۱۷۳-۱۴۳).
- ۱-۲-۱۰. میزان تأثر سعدی از متنی، دکتر مهدی محقق (صص ۱۸۴-۱۷۵).
- ۱-۲-۱۱. نکاتی در سرگذشت سعدی، محمدمحیط طباطبایی (صص ۲۱۱-۱۸۵).
- ۱-۲-۱۲. جنبه‌های معنوی سخن سعدی، دکتر علی محمد مزده (صص ۲۲۷-۲۱۳).
- ۱-۲-۱۳. آیین مدیریت در نظر سعدی، منوچهر مظفریان (صص ۲۴۱-۲۲۹).
- ۱-۲-۱۴. سعدی و فرهنگ مردم، دکتر محمد مهدی ناصح (صص ۲۷۴-۲۴۳).
- ۱-۲-۱۵. سعدی و زبان عربی در آیین گلستان، دکتر رضا هادی‌زاده (صص ۲۹۴-۲۷۵).
- ۱-۲-۱۶. مقام سعدی در حیات مدنی تاجیکستان، رحیم هاشم تاجیکستانی (صص ۲۹۸-۲۹۵).
- ۱-۲-۱۷. جلوه‌های شاعرانه قصص اسلامی در شعر سعدی، دکتر جعفر یاحقی (صص ۳۱۶-۲۹۹).
- ۱-۲-۱۸. اهمیت آثار سعدی در امپراطوری عثمانی و دوران جمهوریت ترکیه، تحسین یازیچی (صص ۳۲۸-۳۱۷).
- ۱-۲-۱۹. تأثیر قرآن در آثار سعدی، دکتر محمدحسین یاسایی (صص ۳۴۱-۳۲۹).
- ۱-۲-۲۰. مقایسه افکار متنی و سعدی، دکتر امیرمحمود انوار (صص ۴۰۳-۳۴۵).
- ۱-۲-۲۱. مقایسه‌ای میان "گلستان" و "اخلاق ناصری" در شیوه آموزش فضایل اخلاقی، دکتر غلامعلی حداد عادل (صص ۴۱۵-۴۰۵).
- ۱-۲. متن اشعاری که در کنگره بزرگداشت سعدی ارائه گردیده است. به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی سراینندگان شعر (الف - ی).

- ۱-۳-۱. بوی عشق، قصیده‌ای از محمدعلی امامی (صص ۴۲۰-۴۱۹).
- ۱-۳-۲. سحرلال، ترجیع‌بندی از دکتر امیرمحمود انوار (صص ۴۲۲-۴۲۱).
- ۱-۳-۳. بزم سخن، قصیده‌ای از علی باقرزاده، بقا (صص ۴۲۶-۴۲۳).
- ۱-۳-۴. کوثر سعدی و خوان کرامت سعدی، دو غزل از محمدحسین بهجتی، شفق (ص ۴۲۷).
- ۱-۳-۵. زبان دل، سخنور شد، قصیده‌ای از حمزه پاداش نیک (صص ۴۲۹-۴۲۸).
- ۱-۳-۶. هفت اقلیم، ترکیب بندی از محمدخلیل جمالی (صص ۴۳۳-۴۳۰).
- ۱-۳-۷. حکیم امت، آموزگار بشر، سعدی، ترکیب‌بندی از خلیل خلیلی (صص ۴۳۶-۴۳۴).
- ۱-۳-۸. بزن به پای خرد پای در گلستانش، قصیده‌ای از احد ده‌بزرگی (صص ۴۳۹-۴۳۷).
- ۱-۳-۹. نسیم بوستان، تضمین مخمسی از محمود شاه‌رخی (صص ۴۴۱-۴۴۰).
- ۱-۳-۱۰. خیر مقدم به بزرگان ادب، قطعه‌ای از احمد شریعتی، بیدار (صص ۴۴۳-۴۴۲).
- ۱-۳-۱۱. روحی بزرگ، غزلی از شریفی (ص ۴۴۴).
- ۱-۳-۱۲. افسر سخنگویان، قطعه‌ای از عبدالعلی فصحتی (صص ۴۴۶-۴۴۵).
- ۱-۳-۱۳. معمار کاخ سخن، قصیده‌ای از غلامرضا قدسی (صص ۴۵۰-۴۴۷).
- ۱-۳-۱۴. سعدی، سلیمان سریر شعر، دو بیت پیوسته‌ای از سپیده کاشانی (صص ۴۵۲-۴۵۱).
- ۱-۳-۱۵. جهان سعدی، قصیده‌ای از محمود گلشن کردستانی (صص ۴۵۶-۴۵۴).
- ۱-۳-۱۶. مفرخ جهان سعدی، قصیده‌ای از حسین لاهوتی، صفا (صص ۴۵۸-۴۵۷).
- ۱-۳-۱۷. شاعر آزاده، قصیده‌ای از سید مرتضی محمدنژاد (صص ۴۶۱-۴۵۹).
- ۱-۳-۱۸. جشن آذر، غزلی از محمد محیط طباطبایی (صص ۴۶۳-۴۶۲).
- ۱-۳-۱۹. شاعر بزرگ جهان، قصیده‌ای از نصرالله مردانی، ناصر (صص ۴۶۶-۴۶۴).
- ۱-۳-۲۰. سعدی، قصیده‌ای از دکتر علی‌محمد مزده (صص ۴۶۹-۴۶۷).
- ۱-۳-۲۱. پیغام آشنا، تضمین مخمسی از عباس مشفق کاشانی (صص ۴۷۱-۴۷۰).
- ۱-۳-۲۲. گل همیشه بهار سخنوری، سعدی است، قصیده‌ای از علی موسوی گرمارودی (صص ۴۷۵-۴۷۳).
- ۱-۳-۲۳. تضمین غزلی از شیخ اجل سعدی، تضمین مخمسی از اسماعیل یغمایی (صص ۴۷۷-۴۷۶).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. منابع اصلی هر مقاله زیر آن مقاله (در بخش مقاله‌ها) نوشته شده است.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. رویکرد هر مقاله به آثار سعدی، زیر آن مقاله (در بخش مقاله‌ها) نوشته شده است.

**۴. اشاره:** ۴-۱. مطلب مربوط به هر مقاله زیر آن مقاله (در بخش مقاله‌ها) نوشته شده است.

۴-۲. این کتاب با حروف چینی و صحافی خوب به شکلی شایسته فراهم آمده است و تعداد غلط‌های چاپی آن نیز بسیار اندک است. تنها صفحه‌های ۱۱۳-۱۲۷ (متن سخنرانی رایت کلینتون) بر خلاف دیگر صفحه‌های کتاب نامنظم است و دو مقاله پایانی کتاب نیز خارج از نظم الفبایی موجود در کتاب است.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** تأثیرات و پاسخ‌های هر مقاله در بخش مربوط به آن مقاله آمده است و اشاره‌های کلی به جلدهای سه گانه ذکر "جمیل سعدی" نیز در آثار زیر مشهود است: ۱-۵. گزینه بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۲، ص ۱۶۲. ۲-۵. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، صص ۲۶، ۱۹۵. ۳-۵. غزلیات شیخ شیراز سعدی، مقدمه و شرح بهاء‌الدین اسکندری، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۴، صص ۲۹، ۷۶۶. ۴-۵. زندگی و رنجهای سعدی، خسرو معتضد، شرکت توسعه کتابخانه‌های ایران، ۱۳۷۵ (چاپ سوم)، در فهرست منابع ص ۳۲۹، از این کتاب نام برده شده است. ۵-۵. شیخ مصلح‌الدین سعدی [ از مجموعه شاعران بزرگ ایران ۲ ]، فیروز اسماعیل زاده، موسسه کتاب همراه، ۱۳۷۵، ص ۷۶. ۶-۵. گلستان سعدی، با ترجمه ادوارد رهاانسک، محمود حکیمی، نشر قو، ۱۳۷۵، صص ۸، ۹.

**رساله صاحبيه، از شيخ اجل سعدي شيرازي در نصيحت ارباب مملکت، به اهتمام مجتبي مينو، ۵۲ صفحه، قطع: وزيری، ناشر و سال نشر و شمارگان: نامعلوم.**

\* تمام متن این کتاب که شامل نسخه‌ای از صاحبيه و عکس صفحات آن نسخه خطي است با همین نام در شماره اول از سال دهم مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی به چاپ رسیده است و ما در مجموعه مقاله‌ها آن را بررسی کرده‌ایم. ر.ک. بخش مقاله‌ها، مقاله یاد شده. این کتاب همان مقاله یاد شده است که بدون هیچ تغییری، به هیأت يك کتاب در آمده است. تنها تفاوت آن با مقاله مورد نظر انتقال توضیحات از پاورقی به پی نوشت است.

**زندگی و رنج‌های سعدي، خسرو معتمد، شرکت توسعه کتابخانه‌های ایران، ۱۳۷۵ (چاپ سوم)، ۲۲۰ صفحه، قطع: وزيری، شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه.**

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. فهرست مطالب (صص ۳-۵).
- ۱-۲. پرداخت داستاني براي تبیین اوضاع اجتماعي زمان سعدي:
- ۱-۲-۱. کارواني به سوي شيراز (صص ۶-۱۷) شرح ورود کارواني به شيراز در سال ۵۸۰ قمری. "خواجه مشرف‌الدین عبدالله" (پدر سعدي) نیز از جمله کاروانیان است. در پایان این بخش به رفتار خشونت‌آمیز درباریان اتابک محمدبن ایلدگز با مردم اشاراتی شده است.
- ۱-۲-۲. صاحب دیوان در قفس شیر (صص ۱۷-۲۵) توضیح درباره مقدمات اعدام صاحب دیوان امین‌الدوله و ارتباط او با خواجه مشرف‌الدین.
- ۱-۲-۳. داستان بر دار کشیدن صاحب دیوان در میدان "سوق‌الامیر" و تأثیر عمیق مشرف‌الدین از این واقعه تلخ (صص ۲۵-۳۵). در همین بخش درباره تولد سعدي و اوضاع خانوادگی اش نوشته شده: "زدیک سحر نوزاد [ سعدي ] به دنیا آمد و اولین جیغ او مفران بود با هنگامی که مؤذنان، بانگ الله‌اکبر سر داده بودند ... طفلی که دنیا آمد پسر بود. و پدر خواجه مشرف‌الدین عبدالله که آن شب در خانه پسرش حاضر بود نام نوه خویش را مصلح‌الدین محمد گذارد. همسر مشرف‌الدین زن زیبایی بود که برادر او ضیاء‌الدین مسعودبن مصلح طیب کازرونی، از پزشکان تراز اول فارس به شمار می‌رفت ... پدر خواجه مشرف‌الدین عبدالله، فقیه مصلح‌الدین بن مشرف‌الدین شيرازي نام داشت و از قبیله بني سعد بود. یعنی قبیله عربي که در عربستان می‌زیستند. فقیه مصلح‌الدین بن مشرف‌الدین شيرازي از نوادگان "سعدین عباده خزرجي انصاري صحابي" مشهور به سعد غیور بود ... (صص ۲۰-۲۹).
- ۱-۲-۴. شرح دستگیری خواجه مشرف‌الدین عبدالله، به دست مأموران دولتي و انتقال او به زندان قصر صمصام‌الدوله، مشاهده صحنه‌های بسیار وحشتناک شکنجه و کشتار در زندان، تهدید مشرف‌الدین وسیله اتابک و آزادی او با وساطت فتنه خاتون به شرط خرید انگشتری الماس (صص ۳۵-۵۶).
- ۱-۲-۵. شرح دستگیری مجدد مشرف‌الدین و حبس هفده ماهه او؛ درگذشت اتابک جهان پهلوان محمدبن ایلدگز، بر تخت نشستن اتابک مظفرالدین تکه و التفات و محبت حاکم جدید نسبت به مشرف‌الدین و بازگشت او به شغل پیشین خود در دیوان (صص ۶۹-۵۶).
- ۱-۲-۶. دوران کودکی سعدي - توضیح درباره اوضاع اجتماعي دوران کودکی سعدي، ارتباط پدر سعدي با "سعدالدین زنگی"، خاطرات سعدي در مکتب خانه و کوچه و بازار، عبرت‌آموزی سعدي از وقایع زندگی و مرگ پدرش در سن دوازده سالگی او و حمایت سعدالدین زنگی از او پس از مرگ پدرش (صص ۹۷-۶۹) از جمله نکات تاریخي زندگی سعدي در این بخش می‌خوانیم: "در سال ۵۹۰ هجری، یعنی زمانی که مصلح‌الدین نه ساله شده بود، اتابک تکه پس از بیست سال سلطنت درگذشت و عموزاده وی، اتابک قطب‌الدین طغرلبن سنقرین مودود، به جای او بر تخت نشست (ص ۸۷) مصلح‌الدین بیش از دوازده سال نداشت که پدر خود را از دست داد و مرگ پدر برای آن کودک که تازه وارد سنین نوجواني می‌شد، آنچنان دردناک بود که به مدت پنج روز از خوردن غذا بازماند و در این مدت هر چه می‌کوشیدند او را وادار به خوردن لقمه‌ای خوراک کنند، نتوانستند" (ص ۸۸).
- ۱-۲-۷. نخستین سفر سعدي - تأکید بر پیوند صمیمی و محبت‌آمیز سعدبن زنگی با مصلح‌الدین (سعدي) با نقل خاطراتی از این ارتباطات و انتخاب تخلص سعدي برای او وسیله سعدالدین زنگی، دیدارها و ارتباطات مهرآمیز و عاشقانه سعدي و سفیه دختری که در مکتب خانه همدرس او بود، پیشنهاد سعدبن زنگی برای مسافرت به بغداد و تحصیل در نظامیه آن شهر، اضافه کردن نام "عبدالله" به مصلح‌الدین از سوی پدرزرگش و وداع سعدي با خانواده و دوستانش به قصد سفر به بغداد (صص ۱۱۰-۹۷).
- ۱-۲-۸. خاطرات سال‌های اول اقامت سعدي در بغداد، دیدار او با دوست قدیمی‌اش، بهاء‌الدین نیشابوری جاسوس اتابکی، طغان و هشدار طغان به سعدي در خصوص ارتباطش با منیرالزمان، دختر معزالدین خلیفه، و توضیح سعدي درباره عشق پر سوزش به منیرالزمان و شرط سنگین خانواده منیرالزمان برای کابین او (صص ۱۳۶-۱۱۰).
- ۱-۲-۹. شیوع بیماری وبا در بغداد و با خبر شدن سعدي از کشته شدن اتابک طغرلبن سنقرین مودود و به سلطنت رسیدن ابوشجاع مظفرالدین سعدبن زنگی، حامی سعدي، تمایل خانواده منیرالزمان به ازدواج او با سعدي، اقامت پانزده روزه سعدي در قصر ثریا، سرای منیرالزمان (صص ۱۴۵-۱۳۶).
- ۱-۲-۱۰. پی بردن سعدي به هدف خانواده منیرالزمان و قصد خود او از ازدواج با سعدي و انصراف از این ازدواج (صص ۱۵۷-۱۴۵).
- ۱-۲-۱۱. شرح عروج رومی و فکری سعدي و تبدیل عشق او به يك عشق اجتماعي و تحصیل علم، پیشرفت سعدي در دانش‌اندوزی و رسیدن به مقام معیدي در نظامیه، تلمذ در نزد استادانی چون شیخ شهاب‌الدین و ابوالفرج بن جوزی و ... (صص ۱۶۴-۱۵۷)، از جمله: "پس از غزالی اساتیدی چون شیخ عبدالقادر گیلانی و ضیاء‌الدین ابونجیب سهروردی، این مسلک [ عرفان ] را رواج دادند و

هنگامی که مصلح‌الدین عبدالله سعدی در مدرسه نظامیه درس می‌خواند، شیخ شهاب‌الدین سهروردی این مشی را ادامه می‌داد و مصلح‌الدین سعدی تحت تأثیر آن پیر طریقت قرار گرفت ... یکی از کارهای آن شیخ این بود که مصلح‌الدین و عده‌ای دیگر از شاگردان را با خود به ساحل دجله می‌برد و در آنجا بر کرجی‌ای که گاهی تا بیست تن می‌توانستند در آن بنشینند، سوار می‌کرد و ضمن حرکت کرجی در رود دجله به گفتن درس می‌پرداخت ... استاد دیگر مصلح‌الدین مردی بود به نام ابن‌جوزی ... (ص ۱۶۱).

۱۲-۲-۱. شرح نخستین سفر حج سعدی که از سال ۵۹۴ آغاز و تا سال ۶۰۵ یعنی نه سال به طول انجامید، وصف اعراب بادیه‌نشین، سفر سعدی به جزیره کیش، و اقامت شبانه او در خانه "نجم‌الدین شیرازی" و شرح مذاکرات آنها (صص ۱۸۱-۱۷۱).

۱۲-۲-۱. شرح بازگشت سعدی به شیراز در سال ۶۰۶، به درخواست اتابک بن زنگی، وصف شخصیت ترکان خاتون همسر اتابک سعد بن زنگی، اشاره به روابط خوارزمشاه با خلیفه عباسی الناصرالدین بالله، درخواست سعد بن زنگی از سعدی برای سفر به خوارزم، به منظور دریافت اهداف خوارزمشاه و نیت او، سفر سعدی به خوارزم و شرح خاطرات او در طول مسیر مسافرت (صص ۲۱۱-۱۸۱).

۱۲-۲-۱. شرح ورود سعدی به خوارزم، ملاقات او با سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه، توجه و احترام سلطان محمد نسبت به سعدی و دادن هدایایی به او، برگزاری نشست‌های مختلف با سعدی و پرسش‌های متعدد از او درباره اوضاع اجتماعی بغداد و فارس، هشدار شدید سعدی به سلطان محمد در خصوص فساد و ظلم درباریان خوارزمشاه نسبت به مردم و عصیانیت خوارزمشاه از شنیدن حقایقی که بر زبان سعدی جاری می‌شده است. درخواست سلطان محمد از سعدی برای سرودن اشعاری که در خلوت به کار سلطان آید و یادکرد ایباتی از بوستان به عنوان اشعاری که سعدی برای سلطان محمد خوارزمشاه سروده و او دستور داده که آنها را با خط زر نوشته بر در دربار نصب کنند... (صص ۲۲۵-۲۱۱).

۱۵-۲-۱. شرح دیدار سعدی با ترکان خاتون در قصر او و مشاهده تکبر، غرور و قساوت قلبی و درنده خویی ترکان خاتون، اعتراض سعدی به جنایات او و تهدید سعدی از سوی ترکان خاتون، برگشت سعدی به شیراز پس از آزادی کنیزان و غلامانی که خوارزمشاه به او بخشیده بود، ارسال اشعاری برای خوارزمشاه حاوی نصایح و سرزنش‌های شدید و خشم خوارزمشاه از شنیدن سروده‌های ملامت‌آمیز سعدی (صص ۲۲۶-۲۲۱).

۱۶-۲-۱. شرح بازگشت سعدی به بغداد و تدریس در نظامیه به عنوان "معد" و سپس "محدث"، سفر سعدی به دمشق و تدریس در آنجا، بازگشت مجدد به شیراز و تدریس در نظامیه شیراز، اتحادالنصرالدین خلیفه با حسن نو مسلمان، رهبر اسماعیلیه، لشکرکشی سلطان محمد خوارزمشاه به عراق عجم و فارس و بین‌النهرین، ازدواج سعدی با سروناز دختر عمه‌زاده ترکان خاتون (همسر اتابک سعد بن زنگی و نه مادر محمد خوارزمشاه)، مذاکرات ابوبکر پسر سعد بن زنگی با سعدی درباره حمله خوارزمشاه، شکست سعد بن زنگی در برابر سلطان محمد خوارزمشاه و بخشیدن سعد بن زنگی با شش شرط، به فرمان خوارزمشاه. یکی از این شرطها تسلیم سعدی به ترکان خاتون مادرخوارزمشاه بوده است (صص ۲۵۸-۲۴۱).

۱۷-۲-۱. شرح هجوم مأموران خوارزمشاه به خانه سعدی و فرار سعدی از شیراز و عزیمت به عراق و شام، حرکت سپاه خوارزم به سمت بغداد برای شکست الناصرالدین خلیفه و انصراف و بازگشت آنها به دلیل سرمای جانفرسا. واقعه شهر اترار و قتل و تجاوز فرستادگان مغول وسیله غایران، حمله مغول به ایران و تسخیر شهرهای ایران و کشتار وحشیانه مردم (صص ۲۶۹-۲۶۳).

۱۸-۲-۱. شرح رویارویی سعدی با طغان، جاسوس اتابک زنگی، و شنیدن خبرهای عجیبی از طغان درباره حمله مغول، شکست خوارزمشاه و ویران شدن شهرهای آباد ایران از جمله خوارزم، جانشینی ابوبکرین سعد بن زنگی به جای پدرش، بازگشت سعدی به شیراز و اقامت شش ماهه او در این شهر، مسافرت‌های سعدی به همراه همسر و فرزندش به دمشق، پیوستن خانواده همسر سعدی به آنها در دمشق، مسافرت سعدی به یمن، حبشه، صناعا، مکه، بغداد، بیت‌المقدس، مصر و بازگشت به دمشق و تدریس در مدارس آن شهر و برگشت به شیراز به همراه خانواده (صص ۲۷۷-۲۶۹).

۱۹-۲-۱. شرح سفر مجدد سعدی به دمشق و بیت‌المقدس و عزم سفر به طرابلس، اسارت چند ماهه سعدی در طرابلس و وادار شدن او به کار گل و بالاخره آزادی او به دست یکی از بازرگانان حلب (صص ۲۷۷-۲۶۹).

۲۰-۲-۱. شرح ورود سعدی به حلب به همراه خواجه بصیرالدین، بازرگان حلبی که او را از قید فرنگ رها کرده بود، اقامت چندین ماهه سعدی در منزل خواجه بصیرالدین، ازدواج ناخواسته او با خیزران، دختر خواجه بصیرالدین، بدخویی و ناسازگاری همسر جدید سعدی و جدایی سعدی از او با پرداخت مبلغ کابین او (صص ۳۱۵-۳۰۵).

۲۱-۲-۱. شرح بازگشت سعدی به شیراز در سن پنجاه و یک سالگی و مسافرت‌های مجدد سعدی به جزیره کیش و از آنجا به هند و بتخانه سومنات و نقل واقعه مشهور "بت سومنات" از بوستان (صص ۳۲۳-۳۱۶).

۲۲-۲-۱. شرح بازگشت نهایی سعدی به شیراز در سال ۶۵۵ هجری، و اقامت او تا پایان عمر در زادگاه خود و تدوین بوستان و گلستان، محبوبیت و شهرت سعدی در شیراز، روابط مهرآمیز او با مظفرالدین ابوبکرین سعد زنگی و بهره‌مندی صاحبان ذوق از سخنان او (صص ۳۲۸-۳۲۳).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. کلیات سعدی، با مقدمه عباس اقبال آشتیانی. ۲-۲. ذکر جمیل سعدی، مجموعه مقالات بزرگداشت هشتادمین سال تولد سعدی، ۱۳۶۴. ۲-۳. تاریخ مغول، عباس آشتیانی. ۲-۴. تحقیق درباره سعدی، هانری ماسه، ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی و دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، ۱۳۶۴.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۲. بجز استفاده‌های غیرمستقیم که به فراوانی در سراسر کتاب وجود دارد، غزلیات ۱۴ بار، قطعات ۱۲ بار، گلستان ۱۲ بار، بوستان ۱۱ بار، رباعیات ۲ بار، قصاید ۱ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. این کتاب تنها کتابی است که تا کنون به گونه‌ای داستانی و خیال‌پردازانه درباره زندگی سعدی پرداخته شده است. نویسنده تلاش کرده با بهره‌گیری از سخنان سعدی، زندگی و خاطرات او را ترسیم کند. هرچند بسیاری از وقایع نوشته شده در این کتاب نتیجه ذهن خیال‌پرداز نویسنده است و مستند تاریخی ندارد، اما شیوه پرداخت به گونه‌ای است که برای بسیاری از مخاطبان کتاب جذاب و قابل استفاده است. شایسته‌تر بود نویسنده در مقدمه‌ای به شیوه کار خود اشاره‌ای می‌کرد تا خواننده این اثر را به عنوان یک سند تاریخی نپندارد.

۲-۴. ورود به جزئیات در ذکر وقایع نوشته را گرم‌تر و زنده‌تر کرده است. به عنوان مثال در ص ۷۸ می‌خوانیم: "هر غروبگاه مادر مصلح‌الدین طفل خود را در بر می‌گرفت و از پلکان چوبی در وسط خانه به پشت بام بالا می‌رفت، و در آنجا او را به زمین گذاشته، جاروی بلند دست می‌گرفت وسط پشت بام را به شدت جارو می‌کشید و آن جارو کشیدن باعث می‌شد که حشرات موذی از پشت بام به زیر ریخته شوند. زبیده آنگاه سه حصیر بر پشت بام می‌گسترده و روی آن را با گلیمی فرش می‌کرد و شش بستر متعلق به خود و شوهر و فرزندان را پهن می‌کرد و مصلح‌الدین خردسال بر روی آن بسترها غلت می‌زد و به بازی می‌پرداخت. خواهران مصلح‌الدین هر یک کوزه آب و سید میوه به دست از پلکان بالا می‌آمدند و ...". همچنین است ص ۸۹، س ۲ تا ۱۰ و ص ۹۲ دو پاراگراف آخر و صص ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۲۵، ۱۴۹ و ... اما بر خلاف پندار نویسنده، بسیاری از صاحب‌نظران تولد سعدی را بعد از سال ۶۰۰ هجری دانسته‌اند و چنانچه تولد سعدی آن‌گونه که نگارنده پنداشته است در ۵۸۰ هجری اتفاق نیفتاده باشد، همه این وقایع تاریخی که با ورود به جزئیات پرداخته شده و با اوضاع تاریخی زمان گره زده شده، بی‌اساس خواهد بود. مواردی مانند عبارات زیر:

"در سال ۵۹۰ هجری یعنی زمانی که مصلح‌الدین نه ساله شده بود، اتابک تکه پس از بیست سال سلطنت درگذشت ... (ص ۸۷) شش سال بود در بغداد به سر می‌برد ... اکنون جوانی بود ۲۰ ساله، با قامتی بلند و کشیده، ریشی کرک مانند، چشمانی جذاب ...

(ص ۱۱۷) تحصیلات اولیه سعدي از سال ۵۹۴ که وارد بغداد شد تا سال ۶۰۵ يعني به مدت نه سال به طول انجاميد ... (ص ۱۶۵) اتابک سعدبن زنگي همسري داشت به نام ترکان‌خاتون که از سياسي‌ترين و لايق‌ترين بانوان ايران در آن دوران بود و در سال ۶۰۶ که مصلح‌الدين سعدي به شيراز آمد از سن آن زن چهل و هشت سال مي‌گذشت (ص ۱۸۲) و همچنين ص ۲۴۹ و ۳۱۵ و ... .

۴-۳. توضيحات طولاني برخي از وقايع موجب درازي سخن و افزايش حجم کتاب شده است، به عنوان مثال دوازده صفحه تنها درباره انصراف سعدي از ازدواج با منيرالزمان پرداخته شده (صص ۱۵۷-۱۴۵) در حالي که اصلاً ارتباط سعدي با چنين دخري خيال پردازانه ساخته شده است.

برخي از حکايت‌هاي گلستان يا بوستان نيز به گونه‌اي گسترده بازنويسي شده است، مثلاً حکايت ۱۷ از باب هفتم گلستان (سالي از بلخ باميانم ...) که در گلستان مصحح دکتر غلامحسين يوسفی کمتر از يك صفحه است (چاپ اول، ص ۱۶۱) در اين کتاب در ۸ صفحه بازآفريني شده است (صص ۲۰۷-۱۹۹) و حکايت ۲۰ از باب دوم گلستان (از صحبت ياران دمشقم ...) که در گلستان مصحح دکتر يوسفی کمتر از يك صفحه است (چاپ اول، ص ۹۹) در اين کتاب در ۳۹ صفحه (صص ۳۱۵-۲۷۶) بازآفريني شده است و ... .

۴-۴. ساخت برخي از داستان‌ها نيز جالب است، از جمله درباره روش تدريس شيخ شهاب‌الدين سهروردي به استناد "دو اندرز فرمود بر روي آب "نوشته‌اند: "روش شيخ شهاب‌الدين سهروردي در درس دادن جالب و بديع بود و يکي از کارهاي آن شيخ اين بود که مصلح‌الدين و عده‌اي ديگر از شاگردان را با خود به ساحل دجله مي‌برد و در آنجا بر کرجي‌اي که گاهي تا بيست تن مي‌توانستند در آن بنشينند، سوار مي‌کرد و ضمن حرکت کرجي در رود دجله به گفتن درس مي‌پرداخت ... " (ص ۱۶۱).

۴-۵. اين کتاب نيز از اشتباهات چاپي (هرچند اندک)، بر کنار نمانده است، از جمله: ص ۱۱۰، س ۶: مرا ياد آنجاست (مرا يار آنجاست)، ص ۱۱۹، س آخر: خلان (فلان)، ص ۱۹۹، س ۷: انشيار (دانشيار)، ص ۳۱۸، س ۸، خبازه (جنازه)، ص ۱۴۵، س ۱۶: ده‌ها خواستگاران (ده‌ها خواستگار) و ص ۱۸۷، س ۲۳: سودابه همسر افراسياب (سودابه همسر کاووس) و ... .

۴-۶. نشاني شواهد مثال مشخص نشده است.

## س

**سخن داني و زيبايي غزليات سعدي ، زير نظر محمد روايي ، (برگ‌هاي زرين ادبيات فارسي - ۳)، انتشارات ناهيد، ۱۳۷۱، ۴۹۳ صفحه (۴۷۹+۱۴)، قطع: پالتويي، شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه.**

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. گفتاري زير عنوان "سخن داني و زيبايي"، توضيح درباره ارزش والاي سخن سعدي و تأکيد بر زيبايي‌هاي آن با يادکرد چند نمونه از آرايه‌هاي بديعي در سروده‌هاي سعدي (صص: پنج تا دوازده)، از آن جمله است: "اگر امروز کسي بخواهد کتاب جامعي در صنايع ادبي تأليف کند، زيباترين و رساترين نمونه‌ها و امثله را بايد از کليات شيخ استخراج نمايد (ص: شش). هيچ صنعتي در شعر سعدي تصنع و تکلف به وجود نياورده و همه به طور طبيعي و آرام در شعر جاي گرفته است (ص: هشت). ارزش سعدي در قافيه‌پردازي و صنايع لفظي نيست. او کمال هستي را به شعر در مي‌آورد و به قولي مسایل روزمره خاكي را با قله هستي پيوند مي‌دهد ... " (ص: ده).

- معرفي کوتاه آثار سعدي و چند کتاب براي مطالعه درباره سعدي (صص: دوازده تا چهارده).

۱-۲. متن غزليات سعدي (صص ۴۷۹-۱).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. غزليات سعدي، محمدعلي فروغي.

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. کتاب متن غزليات سعدي است.

۴. **اشاره:** ۴-۱. اين کتاب از روي نسخه مرحوم محمدعلي فروغي نوشته شده و جز در رسم‌الخط، تفاوت ديگري با متن فروغي ندارد.

**سخن سعدي ، قاسم تويسرکاني، شرکت طبع کتاب، ۱۳۱۸ (بنا بر مقدمه کتاب)، ۸۳ صفحه، قطع: رقعي، شمارگان: نامعلوم.**

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. مقدمه: بيان روش مباحث کتاب و تأکيد بر ارزش سخن سعدي (ص ۱).

۱-۲. مختصري از زندگي سعدي: تاريخ تولد و وفات و سفرهاي سعدي (ص ۲).

۱-۳. توضيح درباره وجه تخلص سعدي: "تذکره‌نويسان در وجه تخلص شيخ به سعدي اختلاف کرده‌اند، بعضي نسبت اين تخلص را به سعدبن زنگي سر سلسله اتابکان فارس دانسته و برخي آن را به نام سعدبن ابي‌بکر بن سعدبن زنگي منسوب دانسته‌اند... محققيني که قول دوم را اختيار نموده‌اند ، احتمال اول را با دلایلي مردود دانسته‌اند (ص ۳)... در وجه تخلص سعدي بدین نام، اگر بخواهيم اين کلمه را به يکي از دو سلسله اتابکان منسوب بداريم در هر حال خالي از اشکال نيست، چه نسبت آن را به سعد اول بدهيم و چه به سعد دوم. بنا بر اين مي‌توان احتمال داد که تخلص وي از نام هيچ يك از دو سعد گرفته نشده و به نام ديگري يا سعد وصفي منتسب بوده باشد." (ص ۴).

۱-۴. توضيح مختصري درباره رسائل نثر سعدي: رساله اول: "عبارت‌هاي اين رساله بسيار تکلف‌آمیز و ملال‌انگيز است" (ص ۵). رساله دوم: "عبارت‌هاي اين رساله مانند عبارت‌هاي رساله اول چندان پيچيده و ناسليس نيست، بلکه در بعضي موارد بسيار سرشار و شيرين آمده." (ص ۶). رساله سوم: "در پاسخ به پنج سؤال صاحب ديوان است... اين سؤالات به اندازه‌اي سخي است که هيچ‌گاه احتمال تبادل آن بين صاحب ديوان و شيخ نمي‌رود." (ص ۷). رساله چهارم: "در عقل و عشق است و نمونه‌اي است از آثار جامعيت شيخ بين مشرب بحث و تحقيق و مذاق عرفان و سلوک." (ص ۷). رساله پنجم: "اين رساله مؤلف از سه رساله است:

۱. در نصيحت ملوک

۲. در ملاقات شيخ با آقاخان در تبريز



۳. در نصیحت سلطان انکیانو، صحت انتساب دو رساله اول و سوم (از رساله پنجم) به شیخ مورد تردید است، ولی بر خلاف آن نیز دلیل متقنی نداریم. اما رساله دوم که شرحی است از خود شیخ راجع به کیفیت تجلیل و تعظیم جوینیان نسبت به او در حضور انکیانو، مفاد آن با خضوع و تذلل که شیخ در قصاید خود، نسبت به ایشان نموده، سازش ندارد. از این رو باید در صحت انتساب آن قصاید به وی خدشه کرد یا این رساله را از آثار جعل ارادتمندان غالی او دانست. (ص ۸) رساله ششم: "در این رساله اثر مهمی منسوب به شیخ دیده نمی شود." (ص ۹).

"روی هم رفته این چند رساله، علاوه بر عدم ثبوت انتساب آنها به شیخ، ارزش ادبی هم ندارد و از لحاظ انشا مهم نیست." (ص ۹).

۱-۵. بحثی درباره گلستان:

۱-۵-۱. "چنانکه خود شیخ اشاره می کند این کتاب را در سال ۶۵۶ به نام سعدین ابی بکر ابن سعدزنگی تألیف کرده است. ولی چنانکه از مطالعه مجموع آن به دست می آید، چنین نیست که شیخ تمام مطالب کتاب را در همان سال پرداخته و انشا کرده باشد، بلکه مواد این کتاب را از پیش ساخته و پرداخته فراهم داشته و چون به صورت یادداشت‌هایی پراکنده و بی‌نظم بوده در این سال به نظم و ترتیب و تویب آن همت گماشته و آن متفرقات را به صورت کتابی مدون در آورده است. از جمله قراین این مطلب این است که با اینکه شیخ کتاب خود را به هشت باب تقسیم نموده، بسیاری از حکایاتی که در این ابواب آورده است با عنوان باب تناسب ندارد" (صص ۱۰-۱۱).

۱-۵-۲. ذکر شش حکایت از گلستان، برای بیان بی‌ارتباطی موضوع حکایت‌ها با عنوان باب‌ها (صص ۱۲-۱۱).

۱-۵-۳. بیان کیفیت فصل‌بندی باب‌های گلستان: "فصل‌بندی و تویب که شیخ در گلستان به کار برده اسلوبی است مبتکر ولی غیرطبیعی، چه بعضی از ابواب آن راجع به عادات و آداب جاریه طبقات و اصناف مردمان است، مانند باب اول "در سیرت پادشاهان" و باب دوم "در اخلاق درویشان" و برخی راجع به اخلاق فاضله. ولی روی هم رفته، هدف شیخ در بیشتر حکایت‌هایی که در گلستان، در هر یک از این ابواب آورده و عطف و تذکیر و اعتبار است." (ص ۱۵).

۱-۵-۴. داستان‌پردازی در گلستان: "در حکایت‌های گلستان، از لحاظ فن داستان‌پردازی مهارتی به کار نرفته، که هر گاه مفاد آن را به زبانی دیگر نقل کنیم چنان جالب باشد که در قالب الفاظ شیرین و تعبیرات فصیح و شیوای خود شیخ." (ص ۱۶).

۱-۵-۵. مطالب گلستان و اشخاص و قهرمان‌های حکایت آن: "در بسیاری از حکایت‌های گلستان، قهرمان‌های داستان اشخاص ناشناسی هستند که پیش‌آمدهای عبرت‌انگیز برای آنها رخ داده (ص ۱۸) و برخی از آنها راجع به سرگذشت‌های خود اوست (ص ۱۹) و معدودی از آن حکایات قضایای تاریخی است (ص ۱۹). چنانکه از داستان مسلم شدن مصر برای هارون‌الرشید و بخشیدن هارون‌الرشید آن را به یکی از غلامان سپاه خود، خصیب نام، برمی آید، اطلاعات تاریخی شیخ کامل نبوده و پیداست که در ذکر این گونه حکایت‌ها به اعتبار تاریخی آن نظر نداشته است" (ص ۲۰).

۱-۵-۶. مبانی تعلیمات شیخ در گلستان: "تعلیمات گلستان تنها مبتنی بر مبانی اخلاقی مخصوص شیخ که مولود فکر و عقیده شخصی خود او باشد نیست. همچنین در این کتاب بر این ملتزم نبوده که مانند بیشتر علمای تربیتی آن اعصار پایه مواظ و نصایح و تعلیمات خویش را اصول اخلاقی دینی قرار بدهد. بلکه تعلیمات او در این کتاب اجتماعی است... این اثر نفیس از بهترین آیین‌های ادبی است که نمایش اوضاع اجتماعی و اخلاقی آن عصر را به طور کامل می‌دهد (ص ۲۲). شیخ مانند یک نفر روان‌شناس اجتماعی درست در احوال و خصایص روحی طبقات مختلف توده ایرانی آن زمان غور و بررسی نموده و حال آنها را به بیانی شاعرانه و آمیخته به بند و اندرز، بیان می‌کند. از این رو می‌توان گفت شیخ را مکتبی است تربیتی که اساس آن را بر روی اصول روان‌شناسی نهاده است" (ص ۲۵).

۱-۵-۷. اسلوب سخن سعدی در گلستان: "تا زمان شیخ، در نثر فارسی اثری به فصاحت و بلاغت و شیوایی سخنان وی در گلستان، پدید نیامده (ص ۲۶) نثر گلستان با تمام مزایای لفظی و صنایع بدیعی که در آن به کار رفته به اندازه‌ای طبیعی و روان و دور از تکلف است که گویا این اسلوب خود بحری است از شعر که از طبع روان و سرشار شیخ تراوش کرده است... تا حدود قرن ششم هنوز این اسلوب در فارسی رواجی چندان نداشت که به وسیله ادوات و حروف زاید یا تأکیدی کلمات را سنگین کنند و یا به حذف حروف، کلمات را برای انسجام عبارت و یا برای تفنن در نثر سبک نمایند. این اسلوب شعری تقریباً در قرن ششم در نثر فارسی رواج یافت و در قرن هفتم در میان نویسندگان و سخنوران بزرگ آن عصر، بیشتر معمول گردید" (صص ۲۷-۲۸).

۱-۵-۸. آمیختگی عبارت‌های پارسی و تازی در گلستان: "نویسندگان توانا مانند عطاملک و شیخ سعدی و دیگران از استادان سخن، جمله‌های تازی را چنان به فارسی در آمیختند که جزء لاینفک عبارت شده و بیرون بردن آن از عبارت، مایه اخلال ترکیب لفظ و فهم معنا گردد. مخصوصاً شیخ چنان در آمیختن این دو زبان با یکدیگر افراط کرده که بی‌هیچ گونه علت (مانند قصور زبان فارسی از بیان مراد یا رعایت نکته‌ای از محاسن بدیعی از قبیل سجع یا جناس یا ترصیع) جمله‌هایی از عربی در عبارت فارسی آورده است (ص ۳۰). با همه این خصوصیات، عبارات گلستان مانند آب روان و فهمیدن معانی آن به اندازه‌ای آسان است که تمام طبقات فارسی‌زبانان می‌توانند از آن مستفید شوند" (ص ۳۱).

۱-۵-۹. فن مناظره در گلستان: "از فنونی که شیخ در گلستان به کار برده و از دلایل قدرت و توانایی وی در سخنوری است فن مناظره است که در داستان توانگر و درویش آورده، این هنر را می‌توان از بدایع ابتکارات شیخ در زبان فارسی شمرد" (ص ۳۳).

۱-۶. سعدی‌نامه یا بوستان:

۱-۶-۱. "کتاب بوستان یکی از بهترین آثار شیخ است. درباره حکایات و اشعار این کتاب، می‌توان حدس زد که پیش از آمدن به شیراز، شیخ بسیاری از آن را متفرقاً منظوم ساخته و در این تاریخ آن متفرقات را به فصول دهگانه تویب نموده و به صورت کتابی مدون در آورده... حکایات این کتاب مانند حکایت‌های گلستان، از باب تمثیل آمده و شیخ در پرداختن آنها پای بند حقیقت داشتن حکایت نبوده است، بلکه بیشتر آن را از خود ساخته و به صورت داستان تاریخی یا نقل قول پرداخته است. از لحاظ داستان‌پردازی نیز این کتاب مانند گلستان است، یعنی منظور از حکایت‌های آن این است که سخن‌های پندآمیز و اندرزهای حکیمانه خود را به عنوان حکایت از زبان دیگری از عرفا و یا وزرا یا پیران آزموده نقل نماید... از این رو در حکایت‌های بوستان نیز از لحاظ داستان‌پردازی هنر به کار نرفته و از این نظر لطفی ندارد، بلکه تنها بلاغت معانی و شیرینی الفاظ و فصاحت و ایجاز آن است که مایه اشتها ابیات بوستان و امتیاز آن در میان خاص و عام گشته است" (صص ۳۶-۳۴).

۱-۶-۲. مبادی اخلاقی بوستان "در مبادی اخلاقی این کتاب، نیز مانند گلستان عقاید و افکار و احساسات عصری حکومت دارد و علت آن همان اجتماعی بودن شیخ است... ولی تفاوت کلی که بین این کتاب و کتاب گلستان در میان هست، این است که به تناسب اینکه این کتاب برای ابوبکر بن سعد که مردی درویش نواز و زاهد دوست بوده، تألیف یافته و کتاب گلستان به نام فرزند جوان او سعد، تدوین شده، جنبه دینی در این کتاب غلبه دارد و بیشتر مطالب آن مبنی بر احساسات مذهبی است. علاوه بر این، مطالب آن بیشتر به صراحت و به لحن جد ادا شده است، بر خلاف گلستان که جنبه ذوقی آن غالب است و گاهی مطالب آن را به صورت هزل و مطایبه بیان کرده است (ص ۳۷). امتیاز بوستان علاوه بر اسلوب خاص تألیف آن، کمال فصاحت و بلاغت آن است، که این کتاب را در ردیف مثنوی‌های درجه اول زبان فارسی در آورده است"

۱-۷. بحث درباره غزل‌های شیخ:

۱-۷-۱. "از بهترین آثار شیخ که مایه شهرت و نام‌برداری وی در سخنوری و شیرین زبانی گشته، همانا غزل‌های نغز و شیرین او است که فن غزل در فارسی بدان کمال یافت" (ص ۴۲).

- ۷-۲-۱. بیان چند دلیل برای اثبات این موضوع که تقسیم‌بندی غزل‌ها به طبیات، بدایع، غزلیات قدیم و خواتیم، کار خود سعدي بوده است (صص ۴۲-۴۳). نتیجه اینکه "اختلاف این چهار دیوان با یکدیگر، هرچند خیلی محسوس نیست که به نخستین نظر ظاهر شود ولی به دقت می‌توان یافت که غزل‌های طبیات و بدایع که از آثار اواسط دوران عمر وی بوده بر غزل‌های دو دیوان دیگر (غزلیات قدیم و خواتیم) مزیت دارد، چنانکه طبیات را نیز به دقت می‌توان بر بدایع برتری داد" (ص ۴۵).
- ۷-۳-۱. تشریح مزایای غزل‌های سعدي و مقایسه آن با غزل‌های حافظ: "در مقایسه غزل‌های شیخ و خواجه مشکل است که بتوان بین آن دو تفاضل قائل شده، یکی را بر دیگری ترجیح بدهیم. زیرا هر یک از آن دو چه از حیث لحن و اسلوب عبارت و چه از حیث معنی و طرز تخیل، از یکدیگر متمایزند و هر یک را در خصایص لفظی و معنوی مزایایی است که آن دیگری فاقد آن است" (ص ۴۶).
- ۷-۴-۱. سنجش غزل‌های سعدي و حافظ از لحاظ موضوع: "غزل‌های خواجه بیشتر در وصف باده و جام است و غزل‌های شیخ بیشتر در وصف شاهد و شمع، گویا شیخ بیشتر اهل دل بوده و به دلبران دلبستگی داشته است و خواجه اهل حال بوده و به سرمستی باده توحید به پیرمغان یا پیر میکده سر سپرده." (ص ۴۷).
- ۷-۵-۱. لحن تغزلات شیخ و خواجه از لحاظ ادب" تغزلات خواجه نسبت به معشوقش بیشتر تجلیل‌آمیز است ... ولی تغزلات شیخ نسبت به محبوب بیشتر تشبیب‌آمیز است." (صص ۴۸-۴۹).
- ۷-۶-۱. لحن غزل‌های سعدي و حافظ از لحاظ عرفان: "خواجه را در ستایش محبوب و عشق‌ورزی درباره او لحنی خاص که قابل تأویل به معانی عالی عرفانی می‌باشد و عشق وی به اصطلاح عارفان به عشق حقیقی شبیه‌تر است، ولی شیخ با آنکه داعیه آن را در سر داشته، مقام محبوب خود را در غزل گاهی چنان تنزل داده که گویا شاهد بازاری را می‌ستاید (ص ۵۰). به اصطلاح اهل سلوک باید گفت: شیخ در مدارج طلب و سلوک به مقام صبر رسیده و خواجه از این مرحله هم گذشته، به مقام رضا که برتر از آن است رسیده است (ص ۵۲). خواجه بیشتر تخیلات شاعرانه و خاطرات عرفانی خود را از زبان پیر مغان و پیر خرابات و بلبل و ترسا و هاتف غیب نقل می‌کند و گویا درست به گفته خود از عالم غیب وحی می‌گیرد (ص ۵۳). ولی شیخ مشاهدات خود را خوب وصف کرده و جمال دلربایی محبوب را نیکو ستوده. می‌توان گفت شیخ به عالم شهود توجه داشته و خواجه از عالم غیب کمک می‌گرفته (ص ۵۴). خواجه در باوجودی اسرار خلقت و راز آفرینش مانند خیام فکر می‌کرده و هم بسان او گاهی در این وادی سرگردان شده اما شیخ بی‌آنکه در بیابان حیرت سرگردان شود به مقصود رسیده و شاهد مطلوب را در آغوش گرفته است (ص ۵۶).
- ۷-۷-۱. رندی و قلندری در غزل‌های خواجه و شیخ: "شیخ سعدي پارسی‌ی و رندی، زهد و فقاہت، ادب و شاعری را به هم در آمیخته و خود را به یک پهلوان نشان نداده است. چه او گاه واعظ است، گاه مرشد، و یک دم درویش است و دیگر دم فقیه و یک جا ادیب است و در جای دیگر عارف. اما خواجه یک پهلوان خود را در رویش و قلندر وانموده و رندی و درویشی را شعار با افتخار خویش ساخته و چار تکبیر زده یکسره بر هر چه که هست." (ص ۵۸).
- ۷-۸-۱. غزل‌های سعدي و حافظ از لحاظ ادبی: "تشبیهات دقیق و لطیفه‌های گوناگون در غزل‌های شیخ خیلی بیشتر است تا در غزل‌های خواجه (ص ۵۹). دیگر از ممیزات غزل‌های خواجه و شیخ هم‌آهنگ بودن کلمات و جمله‌های عبارات غزل‌های خواجه است که آن را از لحاظ موسیقی ا رزشی خاص بخشیده است و آهنگ طرب‌انگیز غزل‌های خواجه در گوش موسیقی‌دانان دل‌انگیزتر آید." (ص ۶۰).
- ۷-۹-۱. نتیجه سنجش غزل‌های سعدي و حافظ: "پایه غزل‌های خواجه مخصوصاً در معانی عرفانی از اشعار شیخ بلندتر است ولی از نظر ادب غزل‌های شیخ بر آن برتری دارد." (صص ۶۱-۶۰).
- ۸-۱. ترجیح بند شیخ و خواجه: "یکی از مواردی که پایه سخن‌سرایی شیخ را نسبت به خواجه خوب می‌توان سنجید ترجیح‌بند اوست، که خواجه به استقبال وی نظیر آن را ساخته. در مقایسه ترجیح‌بند سعدي و حافظ، ملاحظه می‌شود که این اثر سعدي از هر جهت بر ترجیح‌بند حافظ ترجیح دارد و وسعت ذهن و نیروی تخیل شیخ و تنگی حوصله خواجه در این مورد نیز معلوم می‌گردد." (ص ۶۲).
- ۹-۱. علل فزونی شهرت اشعار خواجه بر غزل‌های شیخ: الف: یکی اینکه غزل‌های خواجه مانند غزل‌های شیخ به اسلوب غزل مذکر در تغزل و تشبیب به شاهدان (به معنای مردان و ساده رویان) مصرح نیست و گذشته از اینکه بسیاری از آنها صریح در معانی عرفانی است، بیشتر آنها نیز قابل تأویل به معانی عالی عرفانی می‌باشد. ب: رنبن و آهنگ خاصی که در غزل‌های خواجه وجود دارد. ج: سادگی و روانی غزل‌های خواجه د: لسان الغیب بودن خواجه و اعتقاد مردم به کرامت‌های وی" (صص ۶۳-۶۴).
- ۱۰-۱. بحثی درباره قصاید شیخ: "این فن از شعر در عصر مغول رو به انحطاط نهاده بود و طبع غنی و همت بلند و مقام شیخوخت سعدي نیز از تملق و چاپلوسی و ستایشگری ابا داشته و آن را با درویشی و آزادگی خویش منافی می‌دید؛ از این رو قصاید شیخ بسیار کم است." (ص ۷۳). شیخ هر چند در فن قصیده‌سرایی نیز قدرت خویش را در ملک سخن ثابت کرده است، ولی قصاید او در فصاحت و بلاغت و استحکام به پایه آثار چکامه سرایان معروف و درجه اول زبان فارسی مانند انوری و خاقانی نمی‌رسد. او را در مرثیه نیز قصایدی چند است که بسیار جانسوز و دل‌گداز سروده و هر چند شماره آن کم است ولی تسلط شیخ را بر این فن ثابت می‌کند و روی هم رفته قصاید رثایی او بهتر از قصایدی است که در مدح سروده." (ص ۷۶).
- ۱۱-۱. سخنی کوتاه درباره ملمعات و قصاید عربی شیخ: "آنچه به تازی سروده از حیث جودت و فصاحت با آثار شعری درجه دوم عرب برابری می‌کند." (ص ۷۹).
- ۱۲-۱. سخنی کوتاه درباره "دیوان صاحبیه": "معلوم نیست که تسمیه این دیوان، به نام صاحبیه، از خود شیخ است که آن را به نام صاحب دیوان (علاءالدین جوینی) جمع و تألیف کرده و یا پس از وی جامع کلیات شیخ آن را بدین نام نامیده است. این مجموعه بر خلاف دیگر دیوان‌های شیخ هیچ‌گونه نظم و ترتیبی حتی بر حسب حروف آخر قوافی هم ندارد، در این دیوان اشعار سنگین و سبک و پست و بلند به هم در آمیخته است." (صص ۸۱-۸۰).
- ۱۳-۱. بحثی درباره مطایبات و هزلیات: "مطالب آن به اندازه‌ای از نزاکت ادبی بیرون است که نویسندگان نتوانسته‌اند آن را به مقام تقوی و شیخوخت و ادب شیخ وفق دهند. ناچار بعضی در این باره به پوزش و برخی به تیرنه شیخ از آن آثار پرداخته‌اند ... اما با مطالعه دقیق در روحیه شیخ و طبع متفنن و قریحه خاص وی می‌توان حکم قطعی کرد که این گونه آثار نیز در خلال احوال گوناگون که بر وی می‌گذشته از طبع روان و خاطر جوان او تراوش می‌کرده است." (ص ۸۲).
۲. منابع اصلی: ۱-۲. کلیات سعدي، تصحیح شوریده، چاپ بمبئی.
۳. رویکرد به آثار سعدي: ۱-۲. غزلیات ۲۷ بار، گلستان ۲۱ بار، قصاید ۱۲ بار، بوستان ۱۲ بار، رسائل نثر ۶ بار، مثلثات ۱ بار، قصاید عربی ۱ بار، ترجیعات ۱ بار.
۴. اشاره: ۱-۴. این کتاب در واقع به معرفی مختصر کلیه آثار سعدي پرداخته است که برخی از آنها مانند گلستان و بوستان و غزلیات با شرحی مفصل و بقیه آثار به گونه‌ای مختصر معرفی شده‌اند. از ویژگی‌های ارزشمند کتاب این است که نویسنده ضمن معرفی آثار سعدي به نقد و تحلیل آنها نیز پرداخته و برخی از اشکالات موجود در این آثار را باز نموده است (از جمله رک. ص ۵، ۷، ۸، ۹ و ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۲۰، ۲۵، ۷۶).
- ۴-۲. نپرداختن به نثری توصیفی و انشایی و رعایت ایجاز نسبی از ویژگی‌های دیگر این نوشته است.

۴-۳. نویسنده، گلستان و بوستان سعدي را از دیدگاه داستان‌پردازی بررسی کرده و بر آنها اشکال گرفته که: "در حکایت‌های گلستان از لحاظ فن داستان‌نویسی مهارتی به کار نرفته" (ص ۱۶) و "در حکایت‌های بوستان نیز از لحاظ داستان‌پردازی هنر به کار نرفته و از این نظر لطفی ندارد." (ص ۳۶).

اما باید دانست: اولاً سعدي در پرداختن حکایت‌های بوستان و گلستان هرگز قصد و ادعای داستان‌پردازی نداشته و خود را ملزم به رعایت اصولی به نام اصول داستان‌نویسی نمی‌دانسته است و ثانیاً داستان و داستان‌پردازی در متون کهن با شرایط و ویژگی‌های مطرح در فن داستان‌نویسی معاصر، متفاوت است و در تحلیل حکایت‌های بوستان و گلستان نباید از این اصول غافل بود.

۴-۴. در مقایسه غزل‌های سعدي و حافظ، یکی از وجوه اختلاف آنها را این چنین بیان می‌دارد: "شیخ به آرزوی وصال محبوب در سوز و گداز است و آنجا که دم از عشق می‌زند، گاهی آن را رنجی دشوار دانسته، بدان تن می‌دهد ... ولی خواجه به همان سوز و گداز خوشدل است و به عشق محبوب خود را کامیاب می‌داند. از این رو غزل‌های نغز و لطیف شیخ بیشتر شکایت‌آمیز است ولی تغزلات خواجه حماسی ..." (ص ۵۱).

در صورتی که اگر غزل‌های سعدي و حافظ از این دیدگاه بررسی دقیق شوند، موارد خلاف ادعای بالا، این قدر فراوان است که این وجه افتراق رنگ می‌بازد و بی‌مورد می‌نماید. هم چنین در وجوه دیگر تفاوت غزل‌های سعدي و حافظ می‌نویسد: "دیگر از تفاوت‌هایی که در میان غزل‌های شیخ و خواجه ملاحظه می‌شود، این است که تشبیهات دقیق و لطیفه‌های گوناگون در غزل‌های شیخ خیلی بیشتر است تا غزل‌های خواجه، بلکه یکتا چیزی که پیروان سبک وی در غزل‌سرایی از آن پیروی کرده‌اند همین لطیفه‌پردازی‌ها و باریک‌اندیشی‌های خاص اوست ... ولی در غزل‌های خواجه این گونه نازک‌کاری‌ها و لطیفه‌پردازی‌ها کمتر به کار رفته است." (ص ۵۹). اگر ویژگی مشهور "سهل و ممتنع" آثار سعدي را هم فراموش کنیم، چنانچه شبکه‌های خیال را در غزلیات سعدي و حافظ بررسی کنیم بی‌گمان صور خیال در غزل‌های حافظ را پیچیده‌تر و دارای لایه‌های عمیق‌تری خواهیم یافت، هر چند که صورت‌های خیالی سعدي گسترده‌ترند.

۴-۵. اشتباهات فراوان چاپی که به برخی از آنها در غلطنامه کتاب اشاره شده است، نداشتن نشانی نقل قول‌ها و شواهد مثال، نشان‌دهنده این است که کتاب با یک روش درست علمی تألیف نیافته است. مثال: "یکی از استادان معاصر ... متذکر می‌شود." (ص ۱۲). "یا یکی از استادان معاصر آوردن همین گونه بدله‌ها و لطیفه‌ها را دلیل آن دانسته که ..." (ص ۲۰) یا "چنان که یکی از استادان معاصر متذکر شده ..." (ص ۳۵) یا "یکی از استادان معاصر برای تنزیه شیخ ..." (ص ۸۲) و هیچ کدام از این استادان معاصر معرفی نشده‌اند و محل نقل قول نیز مشخص نیست.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. متنبی و سعدي، حسین علی محفوظ، ۱۳۳۶، صص ۳۰۰، ۳۱۸، ۲-۵. مکتب سعدي، کشاورز صدر، چاپخانه کاویانی، ۱۳۲۸، صص ۲۱۹، ۳-۵. تصوف در نظر سعدي، بدیع‌الله دبیری‌نژاد، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدي، ۱۳۵۲، صص ۱۹۲، ۴-۵. امانت سعدي، دکتر جعفر مؤید شیرازی، گوهر، سال دوم، شماره سوم، خرداد ۱۳۵۲، صص ۲۳۰، ۵-۵. مقام سعدي در شعر تازی و راهی امن برای آثار عربی سعدي، دکتر جعفر مؤید شیرازی، گوهر، سال دوم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۵۳، صص ۶۹۷، ۶-۵. حکمت سعدي، کیخسرو هخامنشی، امیرکبیر، ۱۳۵۵ (چاپ دوم)، صص ۶۸، ۷-۵. شناختی تازه از سعدي ...، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات نوید، ۱۳۶۲، صص ۲۱۰، ۸-۵. سعدي معلم اخلاق، دکتر رضا مصطفوی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره اول، شماره ۱، بهار ۱۳۶۹، صص ۱۴۸.

## سرگذشت شیخ بزرگوار سعدي، محمدحسن شیخ جابری انصاری، اصفهان، ۱۳۱۶، ۶۲ صفحه، قطع: رقعی، شمارگان: نامعلوم.

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به انگیزه تألیف کتاب که به مناسبت جشن هفت‌صدمین سال تألیف گلستان صورت پذیرفته است (ص ۴).

۱-۲. یادکرد تاریخ تولد، مدت زندگی و وفات سعدي از قول تذکره نویسان (صص ۵-۷).

۱-۳. بررسی مسافرت‌ها، تحصیلات، سیما، مذهب و ... سعدي (صص ۱۶-۸).

۱-۴. نقل برخی از اقوالی که درباره سعدي بر زبان عامه مردم جاری است (صص ۲۰-۱۶).

۱-۵. تأکید بر ارزش غزل‌های سعدي، از جمله: "غزل‌های شیخ که فن چهارصد ساله پارسی‌گویان را رونقی دیگر داد مشتمل بر حکیمانه و عارفانه و مطربانه و مرقصانه است ... پیداست تا چه پایه در عشق و علم حقیقی طی بیان معرفت نموده. متصوفه در راه یگانه‌پرستی و سیر وادی بی‌پایان عشق، او را سالک مجذوب می‌خوانند و خواجه را مجذوب سالک" (ص ۲۱).

۱-۶. داورى درباره قصاید سعدي و مدیحه‌های او (صص ۲۶-۲۲)؛ از جمله: "حکامه‌های شیخ اگر در مبالغه و غلوی که شیوه مدیحه‌سرایی بوده، کوتاه آمده، در پند و اندرز ممدوحین، سخن را به پایه بلند رسانیده و مقام خود را بالاتر از آن دانسته که گزاف و اغراق را در نظمش آورد (ص ۲۳). باری قصایدش همه نصایح است و به دستور (جادلهم بالتي هي احسن) دنیاپرستان را به نیک‌اندیشی و رفتار سره می‌خواند و آن را به راه عاطفه و احسان به مردمان می‌راند و تهذیب اخلافتان را به گفتارهای چرب و شیرین دلربا می‌نماید" (ص ۲۴).

۱-۷. معرفی برخی از ترجمه‌هایی که از آثار سعدي به زبان‌های مختلف انجام گرفته به نقل از دایرة‌المعارف بستانی (صص ۲۹-۲۷).

۱-۸. یادکرد سبب عبارت از گلستان سعدي با مضمون پند و اندرز (صص ۳۱-۳۰).

۱-۹. یادکرد صد نمونه از سروده‌های سعدي که گونه ضرب‌المثل یافته است (صص ۳۹-۳۳).

۱-۱۰. یادکرد بیش از پنجاه نمونه از سروده‌های سعدي و شعر شاعران عرب که همانندی مضمونی دارند. شاعرانی چون: عبدالله بن معتز، متنبی، قاضی ارجانی، ابوتمام، ابوفراس، مجنون، ابن‌سعید اندلسی، جریر و ... (صص ۴۹-۳۹).

۱-۱۱. نقد هفده مورد از نظرات عبدالعظیم قریب در گلستان مصحح او بدون ذکر نام قریب زیر عنوان "نقد بر نقد" (صص ۵۸-۴۹).

۱-۱۲. نقل چند مورد از نظرات "جان تی پلتس" و "جیمز راس" درباره سعدي (صص ۵۹-۵۸).

۱-۱۳. مقایسه سعدي و حافظ از جمله: "دوستی پرسید: شیخ بهتر گفته یا خواجه". گفتمش: "گفته‌های خواجه مست می‌نماید و فرموده‌های شیخ به هوش می‌آورد. و من دیوان خواجه را روی همه کتب نهاده‌ام، مبادا سوز عشق درونش زیانه کشیده، کتابخانه‌ام را آتش زند. و کلیات شیخ را زیر همه دواوین گذارده، تا روغن معطر و شکر مکررش، به چربی و شیرینی چون باغلوای تازه و تر، جمله کنیم را از میان نبرد ..." (ص ۵۹).

۱-۱۴. توضیحاتی درباره شعر حافظ (صص ۶۳-۶۰).

۱-۱۵. غلطنامه (ص ۶۴).

**۲. منابع اصلی:** ۱-۲. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. گلستان، به تصحیح و مقدمه عبدالعظیم قریب، ۲-۳. فارسی‌نامه ناصری.

**۳. رویکرد به آثار سعدي:** ۱-۳. گلستان ۱۳۱ بار، بوستان ۲ بار، غزلیات ۳۹ بار، قصاید ۱۵ بار، قطعات ۱۴ بار، رباعیات ۳ بار، اشعار عربی ۳ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۲. نخستین ارزش این کتاب در تقدم آن است نسبت به کتاب‌های دیگری که درباره سعدی نوشته شده است. مطالب این کتاب مختصر را که در سال ۱۳۱۶ در اصفهان منتشر شده می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: در بخش نخست با استفاده از تذکرها به بررسی تاریخچه زندگی سعدی پرداخته و در بخش دوم سخن سعدی بررسی شده است. در بخش نخست داستان‌های زیادی که بر ساخته خیال عوام است راه یافته است، از جمله: "صص ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰ و ...". در این بخش خود نگارنده نیز برای برخی از نظرات خود دلایل غریبی اظهار داشته، از جمله درباره کوسه بودن و تاس بودن سعدی می‌نویسد: "معروف است وقتی با یکی از علما سرگرم مناظره بوده، عالم در جواب او به برهان و دلیل درمانده، به پرخاش گفته: من به قدر موی سر تو درس خوانده‌ام. سعدی فوراً کلاه از سر بر گرفته و گفته فضیلت آخوند صاحب معلوم شد و گذشته از مدارک نقلی دلیل تضمینی هم بر کوسج بودنش از باب جدال سعدی با مدعی می‌توان یافت که گوید: "زنخش گرفتم، گریبانم درید" و نمی‌گوید: "ریشم را گرفت" (صص ۱۱-۱۰). همچنین است مطلبی که در ص ۱۶ درباره ملاقات سعدی و مولوی نوشته است.

اما بخش دوم کتاب بویژه صفحات ۳۹ تا ۴۹ کتاب که بسیاری از سروده‌های شاعران عرب را با سروده‌های همانند سعدی برابر نهاده و سنجیده به عنوان یکی از نخستین پژوهش‌های تطبیقی اشعار سعدی، از ارزش فراوانی برخوردار است. نقد نظرات عبدالعظیم قریب در گلستان مصحح او (صص ۵۸-۴۹) نیز بر ارزش تحقیقی و علمی این کتاب افزوده است. هر چند مؤلف از عبدالعظیم قریب نامی نبرده است.

۲-۲. شیوه کهنه نگارش، نداشتن نشانی مآخذ و برخی نظرات غیر مستند و وجود غلط‌های چاپی از دیگر ویژگی‌های این کتاب است.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. سرگذشت شیخ بزرگوار سعدی، ارمغان، سال هیجدهم، شماره ۱۰-۹، آذر و دی ۱۳۱۶، صص ۷۱۷-۷۱۶، معرفی کتاب یاد شده است. ۲-۵. متن‌بی و سعدی، حسین‌علی محفوظ، ۱۳۳۶، صص ۳۰۰، ۳۱۸، ۳-۵. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویانی، ۱۳۳۸، ص ۲۱۷. ۴-۵. قصب‌الجیب، سید محمود نشاط، وحید، سال چهارم، شماره مسلسل ۴۸، آذر ۱۳۴۶، صص ۱۰۸۴-۱۰۸۰.

**سعدی، ضیاء موحد، طرح نو از مجموعه بنیان‌گذاران فرهنگ امروز (ویژه فرهنگ ایران و اسلام)، ۱۳۷۳، ۲۰۲ صفحه، قطع: رفعی، شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره‌ای کوتاه درباره هدف انتشارات "مجموعه بنیان‌گذاران فرهنگ امروز (ویژه فرهنگ ایران و اسلام)" به امضای احمد مسجد جامعی (ص ۵).

۱-۲. سپاسگزاری از کسانی که با نویسنده همکاری کرده‌اند (ص ۶).

۱-۳. فهرست مطالب (ص ۷).

۱-۴. کوتاه‌نوشت‌ها - علائم اختصاری - (ص ۹).

۱-۵. درآمد، توضیح درباره ویژگی هنر کلامی، نظر سعدی درباره سخن، اشاره به هدف نوشتن کتاب و مطالب و فصل‌های مختلف آن (صص ۲۰-۱۱)، از جمله: "هدف اصلی از این نوشته، تأملاتی در باب سعدی شاعر بوده است، یعنی کسی که هنرنمایی کلامی می‌کند، سعدی به عنوان شاعر سهل و ممتنع‌گو، شاعر زبان‌آفرین، شاعری که بزرگ‌ترین سهم را در پروراندن و گستراندن زبان فارسی دارد و نه سعدی به عنوان عالم علم اخلاق، یا عارف منسوب به فلان سلسله، یا فیلسوف متعلق به بهمان مکتب فلسفی ... در این نوشته به مطالبی هم که به حوزه اخلاق و عقیده و مشرب فکری سعدی متعلق است اشاره‌هایی کرده‌ایم، بدون آن که به تفصیل مباحثی آرای او را شرح دهیم (ص ۱۵) سهمی که سعدی در حفظ و اشاعه زبان فارسی دارد با هیچ شاعر دیگر ایران، مگر فردوسی، قابل قیاس نیست. سعدی در شعر به گونه‌ای معاصر ماست که بسیاری از شاعران ایران نیستند ... (ص ۲۰). ۱-۶. فصل اول - افصح‌المتکلمین (صص ۲۱-۲۱).

۱-۶-۱. اشاره به شیوه آشنایی نویسنده با آثار سعدی و توضیح درباره لقب "افصح‌المتکلمین" سعدی: "افصح‌المتکلمین، لقب ثانوی و لقب خاص سعدی است. این غیر از لقب‌های رسمی و تشریفاتی است که به اقتضای منصب دولتی یا مقام مدرسی و خانقاهی به افراد می‌داده‌اند ... لقبی است متفاوت از همه اینها، لقبی که هنر سعدی به او بخشیده است. در شناسنامه سعدی از این لقب که بگذریم، تکلیف هیچ چیز دیگر روشن نیست" (صص ۲۴-۲۳).

۱-۶-۲. معرفی کوتاه نه کتاب که درباره سعدی نگاشته شده و اظهار تأسف از کم توجهی پژوهشگران ما به سعدی و حجم اندک آثاری که درباره سعدی نوشته شده است (صص ۲۷-۲۵).

۱-۶-۳. اشاره به ویژگی "سهل و ممتنع" بودن سخن سعدی به عنوان دلیلی برای رویکرد ضعیف پژوهشگران ما به سعدی و آثار او (صص ۲۱-۲۸).

۱-۷. فصل دوم - تولد و وفات (صص ۴۵-۳۴).

۱-۷-۱. اشاره به سال تألیف بوستان و گلستان و نقل چند شاهد از گلستان و بوستان که برخی از سعدی پژوهان با استناد به آن شواهد تاریخ‌های متفاوتی را برای تولد سعدی تصور کرده‌اند و نقد این نظرات (ص ۳۳)، از جمله: "دو طرف دعوی به آثار سعدی استناد می‌کنند و به دو نتیجه متفاوت می‌رسند و ناچار هر طرف چاره‌ای جز این نمی‌بیند که مستندات دیگری یعنی بخشی از گفته‌های سعدی را بی‌اعتبار و غیرواقعی جلوه دهد. در واقع هر دو طرف فراموش می‌کنند که بوستان و گلستان اثر هنری هستند و از اثر هنری، به این سادگی، نمی‌توان زندگی‌نامه هنرمند را بیرون کشید ... (ص ۳۷).

۱-۷-۲. استناد به برخی از نظراتی که درباره زندگی بعضی از نویسندگان خارجی بیان شده و نقد آن نظرات برای اثبات این مطلب که نمی‌توان بر آثار هنری به عنوان مستندات مسلم تاریخی تکیه کرد و تأکید بر این موضوع که آثار کلاسیک و از آن جمله آثار سعدی بیشتر از آن که نمایانگر "من" شخصی باشند، بیانگر سنت گذشته هستند (صص ۴۴-۳۹).

۱-۷-۳. توضیح درباره سال وفات سعدی با اشاره به نظر علامه قزوینی و تقی‌زاده (صص ۴۵-۴۴)، نتیجه اینکه: "قزوینی هم مانند دیگران به وفات سعدی در سال ۶۹۱ ق. رضایت داده است و از قرار معلوم در این مورد می‌توان مدعی اجماع بود و سال تولد سعدی را هم به پیروی از اکثریت، ۶۰۶ ق. قرار داد" (ص ۴۵).

۱-۸. فصل سوم - زمانه سعدی (صص ۶۹-۴۶).

۱-۸-۱. اشاره‌هایی به وحشی‌گری‌های مغول در هجوم خانمان‌سوزشان در قرن هفتم (صص ۵۰-۴۶).

۱-۸-۲. بررسی زندگی سعدی با توجه به اوضاع اجتماعی زمان:

- حکومت اتابک سعدین زنگی (ص ۵۳).

- توضیح درباره نظامیه‌ها و نظامیه بغداد، با تأکید بر تأثیرپذیری گسترده سعدی از غزالی (صص ۵۶-۵۴)، از جمله: "از آثار سعدی تأثیر امام محمد غزالی، بیش از آن است که به چشم می‌آید و به گمان من بررسی خاستگاه عقاید و افکار سعدی، بدون بررسی آثار غزالی تمام نیست، کاری که هنوز انجام نشده است" (ص ۵۶).

- یادکرد برخی از همانندی‌ها و اختلافات سعدی و غزالی (صص ۵۹-۵۶).

- اشاره‌ای کوتاه به ارتباط سعدی با سهروردی و ابوالفرح بن جوزی با نقد نظر علامه قزوینی و محیط طباطبایی (صص ۶۰-۵۹).

۱-۸-۳. توضیح درباره زندگی و شعر سعدی پس از مسافرت‌ها و بازگشت به شیراز، از جمله سروده‌های او درباره فتح بغداد و کشته شدن خلیفه عباسی، المستعصم بالله و همچنین درباره ابوبکر بن سعد، سعد بن ابوبکر بن سعد، ترکان خان و ... و نیز سه قصیده محکم و سر تا پا موعظه و اندرز او خطاب به امیر انکیانو (صص ۶۹-۶۱).

۱-۹-۱. فصل چهارم - سعدی، شاعر ناصح (صص ۷۰-۸۹).

۱-۹-۱. تقسیم آثار سعدی (به اعتبار موضوع) در دو گروه: "آثاری که مایه آنها پند و اندرز و آموزش‌های اخلاقی است و آثاری که تغزلی و غنایی و عاشقانه است" (ص ۷۰).

۱-۹-۲. توضیح درباره "شعر آموزشی و پند و اندرز" در ادبیات جهان، با اشاره به برخی از نگره‌های نظریه‌پردازان در آن باره و نگاهی به پیشینه این موضوع در ادبیات فارسی (صص ۷۹-۷۱).

۱-۹-۳. بررسی سروده‌های "پندآموز سعدی" و لحن‌ها و شگردهای گوناگون آن (صص ۷۹-۸۹) و نتیجه آنکه: "در مجموع می‌توان گفت که لحن سعدی در قصیده‌هایش خطاب‌ی، آمرانه و تند است، اما در بوستان آرام، پدران و مهربان، ولی در هر دو صورت مطمئن، روشن و صریح و خالی از تمنا و التماس و ضعف" (ص ۸۲).

۱-۱۰-۱. فصل پنجم - سعدی عاشق (صص ۹۰-۱۱۴).

۱-۱۰-۱. غزل‌های عاشقانه: توضیح درباره شعر غنایی و تعریف غزل و بررسی چگونگی غزل‌های سعدی (صص ۹۲-۹۰)، از جمله: "در شعر سنتی ما واحد شکل و معنی اغلب بیت است، نه تمام یک شعر یا غزل. اما سعدی از شاعران انگشت شماری است که غزل‌های عاشقانه او اغلب از مطلع تا به مقطع عاشقانه می‌ماند و، برخلاف حافظ، به موضوع‌های دیگر نمی‌پردازد. اما این همه مطلب نیست. غزل عاشقانه سعدی، بیان عشق انسانی و زمینی و ملموس است که در عین سرشاری از شور و احساس، والا و فاخر است" (ص ۹۱). - مقایسه غزل‌های سعدی و حافظ (صص ۹۶-۹۴). نتیجه اینکه: "پس از سعدی، دیگر در هیچ غزل عاشقانه، آن عشق انسانی و محسوس و آن گستاخی و شور و سیلان کلام دیده نمی‌شود ..." (ص ۹۹۶).

- بررسی سیر غزل در شعر فارسی تا سعدی (صص ۹۹-۱۰۲).

۱-۱۰-۲. غزل‌های عارفانه (صص ۱۱۰-۱۰۲). تقسیم غزل‌های سعدی به سه دسته عاشقانه، عارفانه و پندآموز و توضیح درباره مسئله کلامی فلسفی و باورهای اشعری گونه که بر غزل‌های سعدی سایه افکنده است، از جمله: "عرفان اشعری در سرتاسر آثار سعدی موج می‌زند. اما سعدی آن را چنان بیان می‌کند که اغلب بجز ظاهر آن را، که بیشتر شعر عاشقانه انسانی است، نمی‌بیند ... سعدی را اغلب به غزل‌های عاشقانه او می‌شناسد، اما سعدی استاد غزل عارفانه نیز هست (ص ۱۰۷).

سعدی غزل‌هایی دارد که زبان و سبک آن زبان و سبک سعدی نیست و شاید در ابتدای شاعری یا تحت تأثیر شاعران دیگر سروده باشد (ص ۱۰۸) ... سعدی، غزل‌هایی نیز دارد که در آنها، معشوق انسانی و عرفانی با هم حضور دارند و البته این عجیب نیست. زیرا چنانکه گفتیم سعدی در برابر معشوق انسانی، همان رفتاری را نشان می‌دهد که عارف اشعری در برابر معشوق عرفانی" (ص ۱۰۹).

۱-۱۰-۳. اشاره به غزل‌های پندآموز سعدی (صص ۱۱۲-۱۱۰).

۱-۱۰-۴. بررسی یک قصیده که در آن عشق و نصیحت به هم آمیخته است (صص ۱۱۴-۱۱۲).

۱-۱۱-۱. فصل ششم - تأملاتی در سبک آثار سعدی (صص ۱۱۵-۱۷۹).

۱-۱۱-۱. بررسی راه‌های شناخت درست شعر و از راه آن شناخت اندیشه شاعرانه (صص ۱۱۹-۱۱۵).

۱-۱۱-۲. بررسی واژگان شعر سعدی و شیوه کاربرد این واژه‌ها با توضیحی درباره چگونگی کاربرد واژه‌ها در اشعار پیش از سعدی (صص ۱۱۸-۱۲۵)، از جمله: "از شاعران پیش از سعدی، انوری ماهرترین رام‌کننده این زبان آمیخته است ... نکته مهم در شعر سعدی این است که فاصله زبان با خواننده و شنونده از میان برداشته می‌شود (ص ۱۲۷). در شعر شاعران دیگر همیشه فاصله زبان حس می‌شود، معلوم است که شاعر از دور به زبان نگاه می‌کند، اما در شعر سعدی قدرت القایی و شیوایی و روانی کلام به حدی است که ترکیب‌های عربی طبیعی می‌نمایند و اغلب متوجه شگردهای بیانی او نمی‌شویم (ص ۱۲۹). سعدی در انتخاب واژگان، در نثر، همان دقتی را دارد که در شعر و البته این جز با در نظر گرفتن متنی که هر واژه در آن به کار رفته است، معلوم نمی‌شود" (ص ۱۲۱).

- سنجش یک حکایت از گلستان در دو نسخه مرحوم فروغی و مرحوم یوسفی از دیدگاه واژگانی و اشاره به برخی از تصرفات فروغی در متن گلستان (صص ۱۲۵-۱۲۰).

۱-۱۱-۳. بررسی زبان محاوره در آثار شاعران بزرگ از جمله سعدی (صص ۱۳۹-۱۳۶).

"زبان محاوره فارسی، زبانی است طبیعی و سرشار از عناصر شعری، شاعران بزرگ ایران همیشه در برابر شاعرانی که زبان شعر را با تکلف و تصنع خود به لکنت دچار کرده بودند، به زبان محاوره روی می‌آوردند ... پیش از سعدی، از شاعران بزرگ ایران، انوری این نکته را دریافته بود (ص ۱۳۶). سعدی به اهمیت زبان محاوره وقوف تمام داشته و راز دیگر سهل و ممتنع بودن شعر او استفاده از همین زبان و به کار گرفتن ذخیره‌های بی‌پایان آن است" (ص ۱۳۸).

۱-۱۱-۴. توضیح درباره "تناظر ترتیب نحو و معنی" در آثار سعدی و تأکید بر ترتیب طبیعی کلام و حسن انتخاب واژگان در این آثار (صص ۱۴۲-۱۳۹).

۱-۱۱-۵. بررسی وزن نثر گلستان (صص ۱۵۴-۱۴۲).

"در بررسی سبک گلستان، نخستین چیزی که به ذهن می‌آید موسیقی کلام است ... تا آنجا که اطلاع دارم کسانی که در مورد آهنگ و موسیقی جمله‌های گلستان بحث کرده‌اند، دلیل آن را موزون بودن پاره‌هایی از جمله‌ها و عبارت‌های آن دانسته‌اند و منظور آنان از "موزون بودن" هم موزون بودن به اوزان عروضی است که ویژه شعر است ... اما این نه تنها دلیل درستی نیست، نقض غرض هم هست ... می‌دانیم که بنای وزن عروضی شعر فارسی بر کوتاه و بلند استوار است. بنابراین علت آهنگین بودن نثر گلستان را در جایی که آهنگین است، باید بر اساس همین ویژگی توضیح داد ... [ بدین معنی که ] وزن و آهنگ محصول تکرار و فاصله است. اگر هجاهای کوتاه و بلند را در زبان فارسی به هر شکلی و به هر آرایشی تکرار کنیم به شرط آنکه کمیت هجاهای در هر قریه برای نگهداری در حافظه مناسب باشد، کلام نوعی آهنگ پیدا می‌کند..." (صص ۱۵۰-۱۴۲).

۱-۱۱-۶. توضیح درباره شیوه نگارش مقامات حمیدی و سنجش آن با نثر گلستان (صص ۱۵۸-۱۵۴).

۱-۱۱-۷. توضیح درباره سعدی و ساختار زبان عربی با یادکرد نظر احسان عباس در آن باره (صص ۱۶۲-۱۵۸).

"آنچه درباره تأثیر زبان عربی بر فارسی‌نویسی سعدی گفته‌اند، بیش از هر چیز خلاف این را نشان می‌دهد، یعنی سعدی در عربی‌نویسی هم متأثر از فارسی است. موردهای تأثیر عربی در فارسی‌نویسی سعدی چنان انگشت‌شمار است که انصاف را نباید بر آن انگشت نهاد" (ص ۱۵۸).

۱-۱۱-۸. بازنمود "شعر تصویری و شعر گفتاری" و نگاهی به اشعار سعدی از این دیدگاه: "زبان مجازی یا زبانی که در آن صنایع بدیعی (چه لفظی، چه معنوی) به کار رفته باشد، زبان تصویری نامیده می‌شود (ص ۱۶۳). در ادب فارسی [ از اشعاری که ] در نهایت زیبایی و استواری است، بدون آنکه در آنها تشبیه و مجاز و استعاره و کنایه و از این قبیل به کار رفته باشد، فراوان داریم و سعدی از شاعرانی است که بخش چشمگیری از بهترین شعرهای او همین زبان خالی از صناعت را دارد. در بررسی سبک سعدی، پرداختن به راز شعری این زبان مهم‌تر از پرداختن به انواع صنایع بدیعی آثار اوست که روش‌های مرسوم و شناخته شده‌ای دارد، هر چند در این زمینه هم بررسی دقیقی نشده است." (صص ۱۶۵-۱۶۴).

- بازنویسی تعریف آندره برتون از تصویر و بررسی سروده‌هایی برای تبیین آن نظر (صص ۱۷۱-۱۷۰).

- بررسی شعرهای غیرتصویری سعدی: "مستقیم حرف زدن و بدون کمک تشبیه و استعاره و مجاز شعر آفریدن، توانایی‌هایی می‌طلبد که جز در شاعران فرهیخته نمی‌توان یافت. در شعر گفتاری بار تمام صنایع بدیعی به دوش کلام و اندیشه می‌افتد. شاعری می‌تواند چنین شعرهایی بنویسد که تسلط کامل بر زبان و آگاهی فراوان از ظرفیت‌ها و ریزه‌کاری‌های آن داشته باشد، تا اندیشه خود را شاعرانه بیان کند ... راز سهل ممتنع بودن شعر سعدی در همین است. برای تقلید از شعر سعدی باید به اندازه سعدی بصیرت و دانش در زبان فارسی داشت ... به همین دلیل سعدی تقلید ناپذیرترین شاعر ایران باقی مانده است" (ص ۱۷۲).

۱-۱۱-۹. توضیح درباره "ایجاز" و یادکرد نمونه‌هایی از سخن سعدی که در کمال ایجاز است (صص ۱۷۹-۱۷۵).  
۱-۱۲. فصل هفتم - شاعر قطعه‌سرا (صص ۱۹۲-۱۸۰).

- توضیح درباره ویژگی‌های قالب قطعه: "قطعه به اعتبار محتوا، وحدت موضوع، رفتار با کلام، هنر شاعری، قالبی بسیار پر امکان و غنی است ... شاعری می‌تواند قطعه موفقی بسراید که تربیت ذهنی و کلامی لازم را یافته باشد و بتواند این امکان را به کار گیرد (ص ۱۸۰) شاعر قطعه‌سرا از آنجا که در پی گفتن داستان یا بیان اندیشه‌ای است از زبان فاخر و ادیبانه قصیده و زبان محتاط و محدود در غزل خود به خود دور و به زبان محاوره نزدیک می‌شود" (ص ۱۸۳).

- بررسی سبک سعدی در قطعه (صص ۱۹۲-۱۸۴).

"زبان سعدی در هیچ یک از قالب‌های ادبی به اندازه قطعه به زبان انوری نزدیک نمی‌شود (ص ۱۸۴). سعدی استاد مسلم قطعه‌سرایی است و بیش از هر شاعر دیگر قطعه‌هایی او در دهان مردم افتاده و جزء فرهنگ مشترک فارسی‌زبانان است. گلستان مجموعه‌ای است از قطعه‌های استوار و زیبا ... در کلیات سعدی بجز گلستان، در بوستان نیز قطعه‌های نغز فراوان وجود دارد ..." (ص ۱۸۷).

۱-۱۳. معرفی یازده کتاب و بیست و دو مقاله که درباره سعدی نگاشته شده، برای "مطالعه بیشتر خوانندگان" (صص ۱۹۷-۱۹۳).

۱-۱۴. نمایه فهرست اعلام (صص ۲۰۲-۱۹۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۸. ۲-۲. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۹. ۲-۳. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، به اهتمام بهاء‌الدین خرمشاهی، ۱۳۶۵. ۲-۴. ذکر جمیل سعدی، ۲ جلد، (از مقاله‌های مختلف این کتاب به صورت پراکنده بهره برده شده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۸۴ بار، غزلیات ۷۶ بار، قصاید ۴۴ بار، بوستان ۳۳ بار، قطعات ۵ بار، اشعار عربی ۵ بار، رسائل نثر ۱ بار، ترجیعات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این کتاب از ارزنده‌ترین کتاب‌هایی است که درباره سعدی تدوین شده است. نگارنده با رعایت جانب اعتدال در توضیحات خویش، افزون بر بازشناسی زندگی سعدی، ویژگی‌های سخن او را نیز کاویده و باز نموده است.

۴-۲. بررسی نظرات برخی از سعدی‌پژوهان و نقد بعضی از آنها به ارزش علمی کتاب افزوده است. از جمله در ص ۶۰ می‌نویسند: "نکته قابل تأمل که نه علامه قزوینی که قول او را اغلب و از جمله ذبیح‌الله صفا در تاریخ ادبیات خود پذیرفته، بدان توجه کرده و نه محیط طباطبایی، که قول او را نپذیرفته و ابوالفرج بن جوزی دیگری را به جای او نهاده است، این است که سعدی در داستان گلستان از این‌جوزی به "رحمة‌الله علیه" یاد می‌کند، در صورتی که ابن جوزی علامه قزوینی که محتسب بغداد هم بوده به اجماع آنان در فتح بغداد در سال ۶۵۶ ق. کشته شده است ...". یا در ص ۶۳ می‌نویسد: "بارها شنیده‌ام که می‌گویند در همان زمانی که مسلمانان در فتح بغداد قتل عام می‌شدند، سعدی با بی‌خیالی گفته است: "در این مدت که ما را ..." این انتقاد خاسته از دقت نکردن در تطبیق تاریخ شمسی و قمری است. فتح بغداد در چهارم صفر ۶۵۶ قمری اتفاق افتاده که مطابق با نیمه دوم بهمن ماه است، در صورتی که تاریخ اتمام گلستان، چنانکه در فصل دوم دیدیم، در بهار همان سال یعنی پیش از شش ماه پیش از واقعه بغداد بوده است." در صص ۱۱۰-۱۱۱ درباره کلیات سعدی به تصحیح فروغی می‌نویسد: "فروغی در تدوین کلیات سعدی به گفته خود غزل‌های عرفانی و پندآموز سعدی را از دیگر غزل‌ها جدا کرده و در بخشی با عنوان مواعظ آورده است. ضعف این انتخاب، بخصوص در تفکیک غزل‌های عارفانه از عاشقانه آشکار است. زیرا ... همچنین است ص ۱۴۳ و ص ۱۴۴ نقد نظر محمد تقی بهار و جلال‌الدین همایی و نیز ص ۱۶۶ و ۱۶۷ نقد نظر هانری ماسه.

۴-۳. از دیگر ویژگی‌های سودمند این کتاب نقد و تحلیل برخی از سخنان سعدی است، از جمله: "معلوم است که غزل [ غزلی با مطلع "آن حسن بین که روی بیوشانده ماه را ... ] از سر ناچاری و در نهایت بی‌حالی سروده شده است، با این مقطع که از سست‌ترین بیت‌های سعدی است: و اندر گلوئی دشمن ..." (صص ۶۶-۶۵). یا "در این بیت [ راهی به سوی عاقبت خیر می‌رود راهی به سوء عاقبت اکنون مخیری ]

تأمل کنید که چه راحت و چه پرشگردد است. عجیب آن که در این بیت نصیحتی هم نیست، شعر پند و اندرز معین می‌دهد. اما هیچ فارسی‌زبانی هم نیست که از آن لذت نبرد. لذتی که از این بیت سعدی می‌بریم، گذشته از لحن آن، خاسته از هنر رفتار سعدی با کلام است. "سوی عاقبت و سوء عاقبت" از یک سو و "خیر" و "مخیر" از سوی دیگر، همراه با بافت ساده و روان کلام، این بیت را تبدیل به شیئی هنری کرده است. ما در این بیت از شیرین‌کاری‌های سعدی با زبان لذت می‌بریم، نه از معنای آن که از مقوله توضیح واضح است ..." (ص ۸۳). همچنین است ص ۸۴ و ۸۵ درباره ادبیات پندآموز و شگردد سعدی و ص ۹۲ نقد سروده وحشی بافقی، و از همه بهتر و تازه‌تر، مطالبی که درباره ویژگی‌های قطعه و قطعه‌های سعدی در بخش پایانی کتاب (صص ۱۹۲-۱۸۰) بیان شده است.

۴-۴. برخی از اشاره‌های تازه مانند آنچه که در صص ۱۵۱-۱۴۲ درباره وزن نثر گلستان با نقد نظر کسانی چون مرحوم همایی و مرحوم بهار، توضیح داده شده است و تأکیداتی که با ارائه دلیل و نمونه برای نشان دادن تأثیرپذیری سعدی از غزالی در صص ۵۶-۵۵ صورت پذیرفته و مطالب سودمندی که زیر عنوان "شعر تصویری و شعر گفتاری" در صص ۱۷۵-۱۶۲ آمده بر جذابیت و ارزش کتاب افزوده است. ۴-۵. نگارنده برای کمک به آگاهی خواننده برخی از کتاب‌ها و مقاله‌هایی را که درباره سعدی نگاشته شده، در پایان کتاب معرفی کرده است. اما به راحتی می‌توان دریافت که برای تنظیم این فهرست هیچ کوششی صورت نگرفته و بسیاری از مقاله‌های ارزشمند و کتاب‌های مفید از قلم افتاده است (تنها یازده کتاب و بیست و دو مقاله در فهرست یاد شده، نموده شده است). علاوه بر این، نویسنده در صص ۲۶-۲۵ کتاب می‌نویسد: "مجموعه پژوهش‌های ما در مورد سعدی چنان کوچک است که آن را می‌توان در فهرست کوتاه زیر آورد "نگاه تنها به ۹ کتاب اشاره می‌کنند. با قبول این واقعیت تلخ که پژوهش‌های ما درباره سعدی بسیار اندک و به قول نگارنده "چیزی کمتر از آبروریزی نیست"، اما باید پذیرفت که فهرست ارائه شده در صص ۲۶-۲۵ هم بسیار ناقص است. و کتاب‌های قابل توجهی از نظر ایشان مخفی مانده است. بی‌گمان کتاب‌هایی چون "تعلیم و تربیت از نظر سعدی"، نگاشته محمد جناب‌زاده، حکمت سعدی از کیخسرو هخامنشی، سخن سعدی از قاسم توپسرکانی و مکتب سعدی از کشاورز صدر و ... از برخی کتاب‌های موجود در فهرست یاد شده ارزشمندتر و تحقیقی‌ترند.

۴-۶. این کتاب، با همه آراستگی از اشتباهات چاپی در امان نمانده است، از جمله ص ۳۳، س آخر: نماد بسی (نمانده بسی) و ص ۵۳،

س اول: اتابکی (اتابک) و ص ۷۹، س ۱۲: غیبت (رغبت) و ص ۱۰۷، س ۲: بخشی (ببخشی) و ص ۱۷۴، س ۲: دو چشم انتظارش در (دو چشم انتظارش بر در) و ...

۴-۷. با آنکه نشانی منابع استفاده شده و نشانی نمونه‌های سخن سعدی بخوبی نموده شده، اما برخی از این نشانی‌ها از قلم افتاده است، از جمله: ص ۱۷۲؛ بیت آخر و ص ۱۷۴؛ دو بیت اول و ص ۱۷۹؛ حکایت گلستان و ... .

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. شکر از مصر و سعدی از شیراز، سیمین بهبهانی، دنیای سخن، شماره ۶۳، بهمن و اسفند ۱۳۷۳، صص ۷۰-۶۶. ۵-۲. حد همین است ... ، محمد حقوقی، کلک، شماره ۶۶-۷۰، آبان دی ۱۳۷۴، صص ۲۸۶-۲۶۱.

**سعدی بر مبنای نسخه‌های خطی پاکستان ، احمد منزوی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۲، ۲۳۲ صفحه (۱۴+۲۱۹)، قطع: رفعی، شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه.**

#### ۱. مضامین اصلی: ۱-۱. فهرست مطالب (هفت تا یازده).

۱-۲. گفتاری از مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان (صص: سیزده و چهارده)، از جمله: "اثر حاضر که گوشه‌ای از نفوذ عمیق سعدی را در یکی از وسیع‌ترین و پرجمعیت‌ترین مناطق جهان اسلام، شبه‌قاره نشان می‌دهد، به همین منظور فراهم آمده است ... و این اهمیت را برای ایرانیان دارد که گواهی بر تأثیر فرهنگ اسلامی آنان و زبان و ادب فارسی است در کشورهای همسایه. و چه گواهی از این صادق‌تر که تنها در یک بخش از شبه قاره پاکستان فعلی با وجود همه بلاهایی که بر سر کتاب‌های خطی فارسی آمده است، و با وجود تمام مشکلاتی که در راه شناسایی آن‌ها برای ما وجود دارد، باز هم ما توانسته باشیم هزار و صد و شصت نسخه دست نویس از آثار مربوط به یک شاعر و ادیب و صاحب دل ایرانی را سراغ کنیم که از سه چهار دهه پس از درگذشت وی تا یک دو دهه قبل از این به وسیله مردم این سرزمین کتابت شده و مورد استفاده قرار گرفته است. و اگر نسخه‌های مشابهی که در همین منطقه هست و تاکنون شناخته مانده، به اضافه آنچه در دیگر نقاط شبه‌قاره هند و بنگلادش موجود است به این رقم افزوده گردد ... ابعاد وسیع‌تری از این قضیه نمودار خواهد شد ... " (صص: سیزده و چهارده).

۱-۳. گفتاری زیر عنوان "سعدی بر مبنای نسخه‌های خطی پاکستان".

۱-۴. تأکید بر نفوذ آثار سعدی در هند و پاکستان و فراوانی نسخه‌های دست‌نویس این آثار در آنجا، با اشاره به مجموعه حاضر (صص ۴-۱).

"از یک نظر اجمالی به گسترش آثار او در این سرزمین، و کارهایی که در اطراف آثار او انجام گرفته است، و مقایسه آن با شمار آثار دیگر بزرگان ادب فارسی در این سرزمین، دانسته می‌شود که در اینجا، چهار تن ردیف نخست را دارند. نظامی گنجوی، سعدی شیرازی، حافظ شیرازی، و مولوی بلخی ... منظور از عرضه این جزوه این نیست که بهترین و کهن‌ترین نسخه‌های خطی کارهای این سراینده بزرگ را عرضه داریم. اگر چنین بود، می‌شد با ذکر چند نام و شماره این کار را انجام داد. منظور شناختن و شناساندن عناصری است که فرهنگ و اندیشه مردم این سرزمین را تشکیل می‌دهد. نقشی که هر یک از اندیشمندان ایران در این سرزمین داشته‌اند و حاصل آن کمک به دریافتن فرهنگ مشترک مردم این دو سرزمین همسایه است (ص ۲). فهرست نامه‌ها، تنها برای کسانی که به دنبال کهن‌ترین نسخه هستند و یا دنبال نسخه‌های هنری و یا کتاب‌های کمیاب و ارزنده، برای مقابله و چاپ هستند، سودمند نیست. و دانستن اینکه هر سده چه کتاب‌هایی بیشتر نگاشته شده و یا استکتاب شده است، چه دانش‌هایی بیشتر مورد توجه بوده است، ارزش بسیار دارد. و از رهگذر این جزوه دریافت این که کدامین کار سعدی مورد توجه بیشتر بوده است. و این، ما را به نتایج سودمندی می‌رساند ... " (ص ۳).

۱-۴. گفتاری زیر عنوان "ترجمه قرآن" و توضیح درباره نسخه‌ای از قرآن کریم که ترجمه زیرنویس آن منسوب به سعدی دانسته شده و رد این انتساب، به دلیل ساختگی بودن آن (صص ۷-۵).

۱-۵. معرفی نسخه‌های خطی.

۱-۵-۱. کلیات سعدی ۲۰ نسخه (صص ۹-۱۲).

۱-۵-۲. رسائل سته ۳ نسخه (ص ۱۲).

۱-۵-۳. رساله عقل و عشق ۲ نسخه (ص ۱۴).

۱-۵-۴. سؤال صاحب دیوان ۴ نسخه (ص ۱۵).

۱-۵-۵. مجالس پنجگانه جزو کلیات (ص ۱۶).

۱-۵-۶. نصیحت‌الملوک ۳ نسخه (صص ۱۷-۱۸).

۱-۵-۷. دیوان سعدی ۳۹ نسخه (صص ۱۹-۲۳).

۱-۵-۸. بوستان ۲۸۴ نسخه (صص ۲۴-۵۱).

۱-۵-۹. شرح بوستان ۶۲ نسخه (صص ۵۲-۶۵).

۱-۵-۱۰. فرهنگ واژه‌های بوستان ۲۸ نسخه (صص ۶۶-۷۱).

۱-۵-۱۱. ترجمه‌های بوستان ۲ نسخه (صص ۷۲-۷۳).

۱-۵-۱۲. کریم ۲۴ نسخه (صص ۷۴-۸۶).

۱-۵-۱۳. شرح کریم ۲۶ نسخه (صص ۸۷-۹۲).

۱-۵-۱۴. ترجمه‌های کریم ۶ نسخه (صص ۹۳-۹۶).

۱-۵-۱۵. تضمین کریم ۹ نسخه (صص ۹۷-۱۰۰).

۱-۵-۱۶. گلستان و منتخب گلستان ۳۷۰ نسخه (صص ۱۰۱-۱۳۸).

۱-۵-۱۷. شرح گلستان و فرهنگ واژه‌ها ۱۷۴ نسخه (صص ۱۳۹-۱۷۶).

۱-۵-۱۸. ترجمه گلستان ۴ نسخه (صص ۱۷۷-۱۷۸).

۱-۶. فهرست‌های پنجگانه.

۱-۶-۱. نام کتاب‌ها (صص ۱۸۶-۱۸۴).

۱-۶-۲. نام کسان (صص ۲۰۲-۱۸۷).

۱-۶-۳. نام فهرست نگاران (ص ۲۰۳).

۱-۶-۴. نام جای و کسان دارنده نسخه‌ها (صص ۲۱۸-۲۰۴).

۱-۶-۵. نام شهرها و مراکز نسخه‌ها (ص ۲۱۹).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. نسخه‌های خطی مختلف و فهرست نسخه‌ها.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. معرفی نسخه‌های خطی آثار سعدی است.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این کتاب ارزشمند، نخستین کتابی است که به گونه مستقل نسخه‌های مختلف خطی پاکستان را معرفی کرده است و با اینکه اشتباهات متعدد چاپی در آن راه یافته و نشانه‌هایی از شتاب در تهیه و تدوین آن به چشم می‌خورد، اما ارزش نسخه شناسی آن محفوظ است. آقای احمد منزوی که در شناخت نسخه‌های خطی و تهیه فهرست‌های مختلف، فعالیت‌های ارزشمندی

داشته و آثار گرانقدري را منتشر کرده‌اند، با انتشار این کتاب، برگي دیگر بر دفتر افتخارات خود افزوده‌اند. گفتني است که این کتاب به مناسبت هشت صدمین سالگرد تولد سعدي به همت مرکز تحقیقات ایران و پاکستان چاپ شده است.

۲-۴. فهرست‌هاي پایاني کتاب نیز بر ارزش کاربردي آن افزوده است.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵۰. فهرست چاپ‌هاي آثار سعدي در شبه قاره، سيد عارف نوشاهي، مرکز تحقیقات فارسي ایران و پاکستان، آذر ۱۳۶۳، ص ۲.

**سعدي چه مي‌گويد ، احسان معتقد، چاپخانه شرکت مطبوعات، ۱۳۳۶، ۱۴۸ صفحه، قطع: رفعي، شمارگان: نامعلوم.**

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. توضیح درباره انگیزه تألیف کتاب (صص ۲-۳).
- ۱-۲. گفتاري زیر عنوان "سعدي" (صص ۱۴-۴).
- اشاره به اوضاع اجتماعي زمان سعدي و تولد او در سال پانصدوشتاد هجري (صص ۵-۴).
- توضیح درباره کودكي، تحصیلات، مسافرت‌ها و تجربه‌هاي سعدي از زندگي (صص ۱۴-۶).
- ۱-۳. گفتاري زیر عنوان "هنر سعدي" (صص ۲۴-۱۵).
- تأکید بر ارزش والاي مضامين آثار سعدي، از جمله: " سعدي از بزرگ‌ترین شعرسرایان زبان فارسي است، مربي اخلاق، راهنماي بهترین سیاست، حکيم دانشمند، عارف والامقام، موحد، متدين، عاشق جان سوخته، داراي قلب رقيق، حس لطيف و ذوق سليم است ... سعدي يعني شعر فارسي (ص ۱۵). سعدي جامع همه مراتب و مقامات علمي و عملي است... جهان دیدگي و خموشي، آشفتنگي و شور، همه در وجود سعدي جمع شده است. (ص ۱۶).
- سعدي نه تنها شاعر و نویسنده، بلکه از بزرگان فلاسفه اجتماعي و متفکران جهان است که نظيرش کمتر به دست ملتي افتاده است (ص ۱۷). از مطالعه بوستان و بعضي حکایات گلستان مي‌توان استدلال نمود که سعدي معتقد به تصوف بوده و مشرب عرفان را پسندیده است، وليکن در حقيقت سعدي را نمي‌توان در زمره عام معني تصوف قرار داد... عواطف شاعرانه سعدي و تخیلات زیبای او حد عالي شعر و ادب و موسيقي است (ص ۲۰). زبان سعدي گویاترين و فصیح‌ترین زباني است که زندگاني پرنشيب و فراز ما را در این عالم شرح مي‌دهد (ص ۲۱). اندرزهاي او چکیده حقيقت و فلسفه دقيق زندگاني و محصول آزمایش‌ها و تجربه‌هاي طولاني است (ص ۲۲).
- اگر کتاب حافظ براي ما فال‌نماست، از آن سعدي راهنماست. اگر آثار حافظ ما را بیهوش مي‌کند، از آن سعدي ما را به هوش مي‌آورد... " (ص ۲۴).
- ۱-۴. گفتاري زیر عنوان "نفوذ ادبي سعدي" و تأکید بر نفوذ کلام سعدي در بين همه گروه‌هاي مردم (صص ۲۹-۲۵).
- ۱-۵. معرفي کوتاه آثار سعدي که در کلیات گرد آمده است (صص ۳۱-۳۰).
- ۱-۶. توضیح درباره بوستان: "بوستان يك دفتر جامع اخلاق و کمال انساني است. اشعار این کتاب به شکل حکایاتي مسلسل و در حقيقت حماسه اخلاقي است ... در خلال سطور این کتاب تصوف وسيعي در جريان است ... از نظر ادبي آيتي از فصاحت و بلاغت زبان فارسي است ... " (صص ۳۳-۳۲).
- ۱-۷. توضیح درباره گلستان: "گلستان حاوي حکایاتي به نثر است و اشعار تنها جهت بيان افکار اخلاقي است، نظر شاعر بيشتتر متوجه به مسائل اجتماعي است ... این اثر در مدتي بس کوتاه از فکر شاعر تراوش کرده و به طوري که در مقدمه مي‌گويد در اول اردیبهشت ماه جلالي آن را آغاز و في‌الجمله از گل بوستان هنوز بقيتي موجود که آن را به پايان مي‌رساند (ص ۳۴). گلستان يکي از آن شاهکارهاست که در جهان ذوق و عرفان تأثیر خاصی دارد ... کتابي است در آموزش و پرورش و هدف اغلب حکایات و امثال آن ادب و تربيت و تهذيب نفس است (ص ۳۵). شاعر تجربياتي که از عادات و اخلاق و تمايلات مردمان اندوخته در کتاب گلستان و مشاهدات خود در حالات روحي مردمان را در کتاب بوستان در معرض استفاده عموم قرار داده است ... گلستان به طور تفنن تأليف شده و مي‌نمايد که سعدي آن را از روي ميل و علاقه نوشته است، در حالي که بوستان نماينده يك وظيفه وجداني است" (ص ۳۸).
- ۱-۸. گفتاري زیر عنوان "سعدي و تربيت" (صص ۶۸-۴۰)، بررسی آرای تربيتي سعدي، از جمله: "سعدي از مربيان بزرگ اجتماعي است که تربيت را از لوازم ذاتي و حیات حقيقي و اساس سعادت افراد و هیات اجتماعي مي‌داند (ص ۴۰). تربيت در نظر سعدي وقتي نتيجه بخشي مي‌باشد و تعليم براي تربيت مفيد است که استعداد، اصالت، اجتماع و علم و عمل با آن موافق باشد (ص ۴۳). سعدي با آنکه در تأثیر تربيت عقیده به اصالت داشته معذالك تحصيل دانش را براي همه لازم شمرده و در طلب علم تأکید بليغ نموده است (صص ۴۵-۴۴).
- سعدي خداشناسي را مصدر پيدایش علوم و انوار حکمت و اخلاق مي‌داند و ساختمان فلسفه و اخلاق را بر روي این اصل قرار داده (ص ۵۰). کمال تربيت در این است که تعليم و تربيت بر موازين اخلاق در حدود نیازهاي بشري استوار گردد و بتدريج پرورش مراتب کمال انساني بر صفات ملکوتي بالا آورد. براي حصول این منظور سعدي دين و حکمت و اخلاق را به هم آميخته، يعني ديانت را براي عروج به مقام حقيقي انساني و کسب فيض از انوار آسماني از راه عبادت بر حقيقت خداپرستي ستايش مي‌کند ... و مرتبه خداشناسي را از طريق دانش و کسب علم تأکید مي‌کند و طي مراتب کمال را بدون توجه به علم میسر نمي‌داند" (ص ۵۵).
- ۱-۹. گفتاري زیر عنوان "آگاهی شهان از کار جهان"، بررسی و باز نمود نظرات سعدي درباره اداره امور مملکت و مردم داري حاکمان (صص ۱۰۱-۶۹)، از جمله: "سعدي جهت اداره امور مملکت وجود پادشاه یا شخصي عاري از عنوان شاهي که وظيفه مملکت‌داري را به عهده گيرد، لازم و ضروري مي‌داند ... عظمت و سعادت هیات اجتماعي در اطاعت اوامر و احکام این پیشواست. پادشاه یا پیشوايي که رهبر مردمان است، بايد واجد شرايط متعدده و مجري وظايف متنوعه باشد. تعليم و تربيتش برتر از مردمان عادي باشد (ص ۶۹). شاعر از نظر سياست به شاه اجازه مي‌دهد، در وقتي که مصلحت بيند، درباره خانان نیز اغماض و بخشش روا دارد. شاه بايد لحظه‌اي از مراقبت رعایا غافل نشيند و در شفقت و ملايمت با آنان کوتاهي روا ندارد ... عقايد سعدي را درباره تکالیف شاه مي‌توان به چهار بخش منقسم نمود که عبارتند از: تکالیف شاه درباره رعایا، درباره مملکت، درباره دشمنان و بالاخره درباره خداوند... " (ص ۷۱). شاه بايد اولين فرد محافظ و نگهبان کشور باشد. مزدور ناسپاس جلب و در مقابل ارتکاب جنايت مجازات گردد. سعدي تنها صوفيان و درويشان را مجاز مي‌داند که جور بدسرشتان را با دلي قوي تحمل کنند ولي اگر صوفيان در اعمالشان خدا را شاهد مي‌بينند، شاه بايد کشور و ملتش را در نظر آرد" (ص ۸۹).
- ۱-۱۰. گفتاري زیر عنوان "عالم پاکدامني" و بررسی این موضوع در آثار سعدي (صص ۱۱۴-۱۰۲).
- ۱-۱۱. گفتاري زیر عنوان "عالم مرد خدای" (صص ۱۴۸-۱۱۵)، توضیح درباره عرفان سعدي و مقایسه آن با عرفان عرفاي دیگر، از جمله: "اخلاقيات در نظر وي تنها راه پيمودن سبيل عرفان بوده و این اخلاق را سعدي به کمک عقل سليم و تجربيات بسيار و تکیه کردن بر مباني اخلاقي عاميانه به دست آورده است.
- هر چند سعدي در فلسفه و عرفان رهين منت اساتيد بزرگ تصوف است، وليکن با نبوغ و اعتدال خداداد، در تصوف به مقامات رفيعي نایل آمده که رسيدن به آنها براي سايرين غير مقدور بوده است ... تعليم عرفاي صوفي تا آنجايي مورد پسند سعدي است که در تعديل اخلاق اجتماع نافع واقع شود وليکن به طور کلي تابع عقايد عرفاني نشده، بلکه خواسته است بين علل و عوامل تربيتي با



حصول قدر مشترك روابط مناسب ایجاد کند و فضیلت را در خور مقتضیات زندگانی بشری قرار دهد (صص ۱۱۷-۱۱۶). شاعر بر خلاف عرفا عزلت و کناره‌گیری از اجتماع را دوست ندارد و معاشرت را برای تهذیب عقول لازم می‌شمرد و عبادت مطلق را که بهانه دوری از خلق است، مذموم می‌داند (ص ۱۲۱).

سعدی به قضا و قدر ایمان کامل دارد، تابع مذهب جبر بوده و انعکاس این مسلک در آثار وی دیده می‌شود (ص ۱۲۹). باید دانست راه رسیدن به کمال تنها عبادت و ذکر و مناجات نیست ... از این رو باید در زندگانی از اختیار خود هر لحظه استفاده کنیم. در اینجا شاعر خود را به مذهب اختیار متمایل ساخته و می‌گوید ... (ص ۱۴۳) خلاصه آنکه سعدی زیر نفوذ مذهب جبر روایات و احادیث پیشینیان و مذهب اختیار فکر و روانش قرار گرفته است.

انسان را نمی‌تواند ماشینی انگارد که اعمال نیک و بدش از پیش به او حکم و تلقین شده باشد ... از این رو، زندگانی انسان را از طرفی مقدر شده می‌داند و از جهت دیگر کوشش در نبرد زندگی را گوشزد کرده عمل شخص را در زندگی مؤثر می‌داند (ص ۱۴۵) روی هم رفته اخلاق مذهبی سعدی مانند اخلاق اجتماعی او جنبه عملی دارد، بدین معنی که از نتایج غایبی و نهایی تصوف یعنی ایمان و شناسایی نظری نیک و بدی، سخنی به میان نیاورده است. پاره‌ای از نظریاتش نیز با تعالیم صوفیان مابینت دارد (ص ۱۴۶). در تعالیم تصوف بیشتر به صفای باطن و جمعیت خاطر و بذل عاطفه و ایثار نفس نظر داشته و خواسته است بغض و حسد، کینه و حرص، غضب و خودپرستی، در نهاد بشری بدین وسیله از میان برود ... خلاصه اخلاق سعدی اخلاقی ملایم، مشخص، محقق و عملی است. بدین معنی که در برابر قضا و قدر بایستی بدون امید و بیم تصمیم و اراده شخصی را به کار بست" (ص ۱۴۷).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. سعدی نامه، به اهتمام حبیب یغمایی.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۷۰ بار، بوستان ۱۵۹ بار، قصاید ۲۵ بار، غزلیات ۲۹ بار، قطعات ۲۷ بار، رباعیات ۸ بار، مثنویات ۵ بار، مفردات ۲ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. در این کتاب کوشش بر آن بوده است که شخصیت اجتماعی، ادبی و عرفانی سعدی با تکیه بر آثار او شناسانده شود و با توجه به تقدم آن نسبت به بیشتر پژوهش‌های دیگری که درباره سعدی انجام گرفته، مطالب سودمندی را شامل است. بویژه آنکه بسیاری از مطالب آن مستند به سخنان و سروده‌های سعدی است. با این همه، برخی از آن مطالب در محل تأمل است، موارد زیر از آن جمله است:

- در ص ۶ نوشته‌اند: "سعدی در کودکی درد یتیمی را چشیده و این زهر کشنده که در آن ادوار درمانی نداشته او را به فغان آورده است ... مرا باشد از درد طفلان خبر - که در خردی از سر برافتم پدر ... پدر سعدی تعلیمات او را تا سن بلوغ بر عهده داشت ...". دانسته نیست جمله اخیر را به چه استنادی، متناقض با عبارات بالا و بیت مورد استشهاد، نوشته‌اند.

- در ص ۷، س ۵-۷ نوشته‌اند: "در آنجا [ بغداد ] تحت تربیت اساتید بزرگی چون ابوحامد غزالی و عبدالقادر سهروردی قرار گرفت" (!)

- در ص ۱۲۸ نوشته‌اند: "در کتاب بوستان درباره نعمایی که پروردگار در وجود انسان به ودیعت گزارده است سخن می‌راند ...". و سپس ابیاتی از گلستان را مثال آورده‌اند.

۴-۲. نشانی نقل قول‌ها و مأخذ و نمونه‌های شاهد از سخنان سعدی مشخص نشده است.

۴-۳. متن این کتاب از اشتباهات چاپی در امان نمانده است. موارد زیر برخی از آن جمله‌اند: ص ۸۴، س ۸: آفتاب روی زمینی (آفتاب زمینی) و ص ۱۱۶، س ۲: نخستین (نخستین) و ص ۱۱۷، س ۲۱: عالی‌تری (عالی‌تری) و ص ۱۳۶، س ۱۳: واداشت (پرداخت) و ص ۱۲۸، س ۱: بوستان (گلستان) و ص ۱۴۶، س ۱۲: عطارد (عطار) و ...

**سعدی را بشناسید ، علی‌نقی بهروزی، کتاب‌فروشی معرفت شیراز، ۱۳۵۵، ۷۰ صفحه، قطع: رقعی، شمارگان: نامعلوم.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. فهرست مطالب (ص: الف).

۱-۲. فهرست منابع و مأخذ کتاب (ص: ب).

۱-۳. مقدمه ناشر، توضیحی کوتاه درباره انگیزه تألیف کتاب (ص: ج).

۱-۴. دیباچه، توضیحی کوتاه از مؤلف کتاب درباره انگیزه تألیف کتاب (ص: د).

۱-۵. اشاره‌هایی به خانواده سعدی، تولد، تحصیلات، مسافرت‌ها، بازگشت به شیراز، روابط او با اتابکان شیراز، تصنیف گلستان و بوستان و بالاخره وفات او در سال ۶۹۱ (صص ۱-۱۲).

۱-۶. تأکید بر مقام بلند سعدی در سخن و آوازه او در جهان (صص ۱۶-۱۴).

۱-۷. فهرست آثار سعدی (صص ۱۸-۱۷).

۱-۸. گفتاری زیر عنوان "سخن کلیات و گلستان و بوستان" با تأکید بر چاپ‌های مکرر آثار یاد شده (صص ۲۰-۱۹).

۱-۹. توضیحی درباره خانه منسوب به سعدی در شیراز (صص ۲۲-۲۱).

۱-۱۰. ذکر چند اقدام فرهنگی در مراسم جشن هفت‌صدمین سال تصنیف گلستان (صص ۲۵-۲۳).

۱-۱۱. بررسی موقعیت مکانی و تاریخچه بناي سعدیه از ابتدا تا کنون (صص ۳۷-۳۶).

۱-۱۲. توضیح درباره مجسمه سعدی (صص ۴۱-۳۹).

۱-۱۳. معرفی کتیبه‌های آرامگاه سعدی و متون نوشته شده بر این کتیبه‌ها (صص ۵۲-۴۲).

۱-۱۴. توضیح درباره حوض ماهی (صص ۵۷-۵۳).

۱-۱۵. توضیح درباره کتابخانه آرامگاه سعدی (۶۰-۵۹).

۱-۱۶. توضیح درباره سنگ مزار سعدی (صص ۶۶-۶۱).

۱-۱۷. اشاره به برخی از بزرگانی که در جوار سعدی در سعدیه مدفون شده‌اند (صص ۷۰-۶۷).

**۲. منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. شیراز، علی سامی. ۲-۳. نشریه گشایش آرامگاه سعدی، شماره ۱ و ۲.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱۷ بار، گلستان ۷ بار، قصاید ۵ بار، بوستان ۴ بار.

**۴. اشاره:** ۴-۱. این کتاب در واقع دفتر کوچکی است که حاوی برخی اطلاعات کلی درباره سعدی و آرامگاه اوست و کمتر از بیست صفحه کتاب درباره سعدی و آثار او و بقیه درباره آرامگاه، مجسمه، خانه منسوب به سعدی و ... است. منظور مؤلف کتاب، تهیه جزوه‌ای بوده است که بتواند به عنوان راهنمایی مختصر، برخی اطلاعات مقدماتی را به آگاهی بازدیدکنندگان و زائرین سعدیه برساند و برای این منظور این اثر خالی از فایده نیست.

**سعدی‌شناسی ، دکتر امیراسماعیل آذر، نشر میترا، ۱۳۷۵، ۲۹۶ صفحه، قطع: وزیری، شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه.**

## ۱. مضامین اصلی: ۱-۱. فهرست مطالب (صص ۹-۲).

- ۱-۲. شعری از نیکلسن درباره سعدی به نام "سعدی ای هوراس پارس"، برگردان به فارسی از دکتر حسین الهی قمشه‌ای (ص ۱۱).
- ۱-۳. مقدمه - اشاره‌ای به انگیزه تألیف کتاب، نام و نسب، ولادت، تخلص و تالیفات سعدی و موضوع کتاب (صص ۱۶-۱۳).
- "موضوع این مکتوب، شرح و تحلیل آثار سعدی است. در این رابطه بوستان، گلستان، قصاید و غزلیات شیخ مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است. در این مجلد بوستان مورد نقد و تحلیل قرار می‌گیرد ... مجموعه سعدی‌شناسی از چهار قسمت تشکیل می‌شود: بوستان، گلستان، قصاید و غزلیات که هر قسمت جداگانه نشر و در اختیار صاحب‌نظران قرار خواهد گرفت ..." (ص ۱۵).
- ۱-۴. پیش‌گفتار توضیحی درباره مطالب گلستان با اشاره به نظراتی که در این باره اظهار شده است: "برخلاف آنچه گفته‌اند که: "گلستان یک اندیشه مرکزی و اساسی ندارد که فصول کتاب برای تأیید آن نوشته شده باشد"، این کتاب عزیز محوری مشخص و معین دارد ... محور اصلی حکایت‌های سعدی در گلستان، تربیت اجتماعی افراد برای رسیدن به یک جامعه آرمانی و مسالمت‌آمیز است ... در گلستان نحوه برخورد فرد در مقابل اجتماع، فرد در مقابل خداوند، خلق در ارتباط با دین و فرد با فرد با انحای مختلف بیان می‌شود ... سعدی به واقع از یک تحریک روانی خاصی برخوردار است. وقتی در نقش افراد مختلف یک جامعه صحبت می‌کند، از پوست عاطفی و اجتماعی خود کاملاً خارج شده و در پوستین شخصیت‌های حکایت‌هایش فرو می‌رود، به همین دلیل است که می‌تواند زوایای پیچیده، ارزش‌ها و معیارهای حاکم بر جامعه خود را از طریق حکایت ترسیم کند ... بخش عمده شهرت شکسپیر موقوف همین توانایی است ... سعدی اولین نویسنده‌ای است که به کمک نوع خود توانست نثری بیافریند که ضمن سادگی به بدایع لفظی نیز آراسته باشد. و این از دیگر ویژگی‌های سبکی این کتاب محبوب است ..." (صص ۲۲-۱۹).
- ۱-۵. باب اول در سیرت پادشاهان (صص ۲۵-۲۴).
- ۱-۵-۱. طرح حکایت "یکی از رفیقان شکایت روزگار نامساعد ..."; تقسیم حکایت به پنج قسمت و بررسی کوتاه هر کدام از قسمت‌های پنجگانه (صص ۲۸-۲۴).
- نتیجه‌گیری کلی حکایت و بررسی ویژگی‌های حکایت، از جمله وجود گفتگوهای مکرر بین شخصیت‌ها، آمیختگی نثر با شعر، وحدت موضوع، انطباق حکایت با نام باب مربوط، کاربرد هماهنگ واژه‌های عربی و فارسی، انواع موسیقی درونی و بیرونی، بویژه سجع (صص ۲۸-۳۰).
- ۱-۵-۲. طرح حکایت "مردم آزاری را حکایت کنند که سنگی..."; بررسی شخصیت‌های حکایت و جنبه‌های مثبت و منفی آن؛ برشمردن ویژگی‌های حکایت، از جمله: کاربرد جمله‌های کوتاه، جنبه هشداردهندگی حکایت، استفاده اندک از سجع و نیز ترکیب‌ها و لغات عربی (صص ۳۰-۳۳).
- ۱-۵-۳. طرح حکایت "یکی از ملوک را کنیزک چینی ..."; با نقد حکایت و برشمردن ویژگی‌های آن، از جمله: آوردن ترکیبات عربی، رعایت ادب در بیان مطالب، بهره‌گیری از چند صنعت در حد عالی و استفاده از شعر برای ظرافت و تأکید (صص ۲۵-۳۳).
- ۱-۶. باب دوم در اخلاق درویشان (صص ۵۲-۳۶).
- ۱-۶-۱. طرح حکایت "پادشاهی به دیده استحقار در ..."; و گفتاری زیر عنوان "سعدی و صوفی‌گری" با بررسی تصوف در قرن هفتم و تأثیر آن بر سعدی با این نتیجه‌گیری که: "سعدی تحت تأثیر تعالیم صوفیه قرار گرفته است ولی نه تا جایی که او را زاویه‌نشین کند و یا از خلق جدا سازد، شاخص تصوف و عرفان سعدی همان وحدت وجود است. تأثیر تصوف بر سعدی تا جایی است که تعصبات ناشی از تعالیم اشاعره را از ذهن او سترده است و ..." (صص ۴۱-۳۶).
- بررسی حکایت یادشده از نظر معنا (صص ۴۳-۴۱).
- ۱-۶-۲. طرح حکایت "کاروانی در زمین یونان بزدند ..."; نقد و تحلیل محتوایی حکایت و بررسی ویژگی‌های آن، از جمله: هماهنگ نبودن محتوای حکایت با موضوع باب، انسجام حکایت، ارتباط منطقی مقدمه، بدنه و نتیجه حکایت و رعایت ایجاز در حد عالی و ... (صص ۴۶-۴۳).
- ۱-۶-۳. طرح حکایت "یکی از ملوک، مدت عمر ..."; نقد و تحلیل محتوایی حکایت و بررسی موضوع‌های جانبی و شاخص اصلی حکایت (صص ۴۸-۴۶).
- ۱-۶-۴. گفتاری زیر عنوان "خلاصه‌ای در باب دوم گلستان"، بررسی ارتباط حکایت‌های این باب با عنوان آن و اشاره به حکایت‌هایی که موضوع آنها با باب "در اخلاق درویشان" هماهنگی ندارد و ... (صص ۵۲-۴۸).
- ۱-۷. باب سوم در فضیلت قناعت (صص ۵۶-۵۲).
- ۱-۷-۱. اشاره به سه حکایت از باب سوم که موضوع آن قناعت است و تأکید بر قناعت در طعام "به عنوان یکی از شاخص‌های قناعت در باب سوم و یادکرد پانزده عبارت و شعر از باب سوم که مربوط به "قناعت در طعام" است، اشاره به این موضوع که برخی از حکایت‌های باب سوم ارتباطی با قناعت ندارند و بالاخره خلاصه‌ای از مطالب باب سوم (صص ۵۶-۵۲).
- ۱-۸. باب چهارم در فواید خاموشی (صص ۵۹-۵۷).
- ۱-۸-۱. اشاره به برخی حکایت‌های این باب که در آنها "بیشتر پی‌آمدهای یاوه‌گویی در مقابل محاسن خاموشی" مطرح شده، با نقل عباراتی در همین باره با یادکرد خلاصه باب چهارم، از جمله: آوردن حکایت‌های کوتاه، برشمردن ضررهای پرحرفی و یاوه‌گویی، تناسب موضوع حکایت‌ها با عنوان باب، پایان یافتن حکایت‌های این باب با شعر و ... (صص ۵۹-۵۷).
- ۱-۹. باب پنجم در عشق و جوانی (صص ۶۹-۶۰).
- ۱-۹-۱. اشاره به حکایت نخست از باب پنجم و طرح حکایت "پارسایی را دیدم که به محبت شخصی ..."; بررسی ویژگی‌های آن حکایت، از جمله: "شخصیت اول حکایت پارسایی است که گرفتار شده [ در حالی که ] معمولاً پارسایان با عشق بیگانه‌اند و ... طرح "پارسایی عاشق"، فضای تضاد و طباق زیبایی را خلق می‌کند. خود سعدی "پارسا" را به سخره می‌گیرد ... پاسخ پارسا بدنه حکایت را تشکیل می‌دهد ..." (صص ۶۱-۶۰).
- ۱-۹-۲. طرح حکایت "قاضی همدان" و تقسیم آن به سه بخش و هشت مرحله: بخش اول: عاشق شدن قاضی و تحاشی معشوق. بخش دوم: نصیحت بزرگان عدول و سرپیچی قاضی از نصیحت بزرگان. بخش سوم: خلوت قاضی با معشوق، بازدید حاکم از خلوت قاضی، صدور حکم و لغو حکم (ص ۶۲).
- بررسی شخصیت‌های مثبت و منفی حکایت و نتیجه‌گیری: "در تقسیم شخصیت‌ها به یک تقارن نسبی می‌رسیم." (ص ۶۴).
- برشمردن واژه‌هایی که بار مثبت دارند و تقابل آنها با واژه‌هایی که بار منفی دارند، و نتیجه اینکه: "واژه‌هایی که بار منفی دارند، بیشترند. به این دلیل است که سعدی می‌خواهد قبح کار قاضی را نشان دهد، اگر جز این بود طرف دیگر سنگینی می‌کرد. ما به ۳۶ واژه برمی‌خوریم که حالتی منفی را در ذهن به وجود می‌آوردند و تعداد ۱۶ واژه مبین فضای مثبت می‌باشند" (ص ۶۴).
- تأکید بر چند جمله از این حکایت به عنوان زیباترین قسمت گلستان: "شمع را دید ایستاده و شاهد نشسته و می‌ریخته و قدح شکسته و قاضی در خواب مستی بی‌خبر از ملک هستی ..." (ص ۶۶).
- ذکر موضوعات اصلی حکایت: "سیرت قضات وقت، رسوایی عشق، حاضر جوابی قاضی و از همه مهم‌تر مفهوم عفو بهتر که انتقام" (صص ۶۷-۶۶).

- ۹-۳-۱. بررسی کلی مطالب باب عشق و جوانی، از جمله: "سعدی روی هم رفته در باب عشق و جوانی، نصیحت را برای پرهیز عاشق از عشق بی نتیجه می‌داند ... در اغلب حکایت‌های باب پنجم غلامان زیباروی معشوق، واقع می‌شوند ... شعر و نثر در این باب به اندازه آمده... در این باب توجه خاصی به عشق‌های آسمانی نشده و اکثراً توجه سعدی به عشق‌های زمینی است ... سعدی در این باب کمتر زبان به نصیحت می‌گشاید" (صص ۶۹-۷۱).
- ۹-۴-۱. اشاره به غلام‌یارگی و عشق به پسران جوان در ادب گذشته (ص ۶۹).
- ۱۰-۱۰. باب ششم در ضعف و پیری (صص ۷۲-۷۰).
- ۱۰-۱۰-۱. طرح حکایت نخست از این باب و بررسی برخی از واژگان که متناسب با موضوع حکایت گزینش شده‌اند (صص ۷۱-۷۰).
- ۱۰-۱۰-۲. طرح حکایت "پیرمردی حکایت کنند که دختری خواسته بود ... و "پیرمردی را گفتند چرا زن ... و بررسی مختصر این حکایات (صص ۷۲-۷۱).
- ۱۰-۱۰-۳. گزارشی از خلاصه مطالب باب ششم (صص ۷۲-۷۳).
- ۱۰-۱۱. باب هفتم در تأثیر تربیت (صص ۷۸-۷۴).
- ۱۰-۱۱-۱. نقل عبارتهایی از گلستان درباره تربیت (صص ۷۵-۷۴).
- ۱۰-۱۱-۲. طرح حکایت "حکیمی پسران را پند همی‌داد ... و اشاره به توجه سعدی به موضوع هنر (ص ۷۵).
- ۱۰-۱۱-۳. اشاره به اعتقاد سعدی به تنبیه بدنی در راه تعلیم (ص ۷۶).
- ۱۰-۱۱-۴. نقل دو حکایت طنزآمیز در باب هفتم که ارتباط چندانی با عنوان باب ندارد (صص ۷۷-۷۶).
- ۱۰-۱۱-۵. گزارشی از خلاصه مطالب باب هفتم (صص ۷۸-۷۷).
- ۱۰-۱۲. باب هشتم در آداب صحبت (صص ۸۶-۷۹).
- ۱۰-۱۲-۱. بررسی باب هشتم گلستان و تفاوت آن با باب‌های دیگر و ذکر ویژگی‌های این باب، از جمله: تنوع در موضوع، ایجاز جمله‌ها، استفاده از ضرب‌المثل‌ها، اشعار، احادیث و نقل قول‌ها و توجه به امور زندگی روزمره (ص ۷۹).
- ۱۰-۱۲-۲. تقسیم عبارات باب هشتم در موضوعات زیر با نقل حکایت‌های مربوط: درباره مال، دوستی و دشمنی، دانایی و نادانی، توجه به درویش، روزی، رزق مقسوم، نیکان و بدان، حسود، دروغ، عاقبت به خیری، قاضی رشوه‌خوار، و انسان بخیل (صص ۸۵-۸۰).
- ۱۰-۱۲-۳. نتیجه نهایی: "از مجموعه گفته‌های سعدی چنین بر می‌آید که او گلستان را دارای ویژگی‌های زیر می‌داند:
۱. طرب‌انگیز است.
  ۲. طیب است.
  ۳. دارای موعظه‌های شافی است.
  ۴. به ظرافت آمیخته تا ملامت نیاورد.
  ۵. رسالتش را در نصیحت و حق‌گویی می‌داند" (ص ۸۶).
- ۱۰-۱۳. نثر گلستان در مرز نظم (صص ۹۲-۸۷).
- ۱۰-۱۳-۱. تقسیم جمله‌های گلستان از نظر وزن عروضی به چهار دسته:
- جمله‌هایی که به طور طبیعی دارای وزن می‌باشند.
  - جمله‌هایی که با افزودن يك حرف يا يك مصوت کوتاه یا بلند وزن عروضی پیدا می‌کنند.
  - جمله‌هایی که با کاستن يك حرف و يا يك مصوت کوتاه یا بلند وزن عروضی پیدا می‌کنند.
  - جمله‌هایی که فاقد وزن عروضی می‌باشند" (ص ۸۷).
- ۱۰-۱۳-۲. باز نمود جمله‌هایی که وزن عروضی دارند با تعیین وزن عروضی آنها (صص ۹۲-۸۷).
- ۱۰-۱۴. موسیقی در گلستان - بیان مواضع سعدی در گلستان در برابر موسیقی خوش و صدای نامطبوع و ابیاتی که در آن از واژه‌ها و اصطلاحات موسیقی استفاده شده است (صص ۹۶-۹۳).
- ۱۰-۱۵. تصویر زن در بوستان و گلستان (صص ۱۰۳-۹۷).
- بررسی مواردی از سخنان سعدی در بوستان و گلستان که موضوع آن درباره زن و رفتار او با مرد است، نتیجه اینکه: "روی هم رفته در بوستان و گلستان بیشتر درباره زن‌های آزردهنده بحث شده تا زن‌های خوب و موجه. سعدی بلند صحبت کردن، پوشیده نبودن، نافرمانی کردن در مقابل مرد، عدم تمکین، ناسازگاری در هنگام فقر و تنگدستی و در نهایت گفت و شنود و خنده و شوخی با مردان نامحرم را از عیوب اصلی زن بر شمرده است. زن زیبا اگر بد هم باشد قابل تأمل و تحمل است ولی زنی که هم زشت باشد و هم ترش‌رویی و ناسازگار هیچ‌گونه جایی در دل مرد نخواهد داشت. از جمله نکات مثبت زن در شعر فارسی پارسا بودن و نیک‌خواهی به شمار می‌رود ..." (ص ۱۰۳).
- ۱۰-۱۶. تربیت محور اندیشه سعدی (صص ۱۰۹-۱۰۴).
- بررسی سخنان سعدی درباره تعلیم و تربیت؛ نتیجه اینکه: از نظر سعدی "تربیت اخلاقی باید از کودکی در سطح خانواده شروع شود و واجب است بر والدین که اسباب رفاه فرزندشان را فراهم آورند و به دست آموزگار بسپارند، چون به بلوغ فکری رسید، خدمت پیر طریقت کند و از خردی تا بزرگی از معاشر ناجنس احتراز کند. ماهیت تعلیم و تربیت عبارت است از پرهیزکاری و خدانشناسی از راه علم و معلم با توجه به استعداد متعلم تدریس کند با رعایت درشتی و نرمی و تشویق و تنبیه ..." (صص ۱۰۸-۱۰۹).
- ۱۰-۱۷. سبک گلستان یادکرد سی و دو ویژگی از ویژگی‌های لفظی و معنوی گلستان (صص ۱۱۱-۱۱۰).
- ۱۰-۱۸. مدرسه نظامیه - بررسی انگیزه تأسیس مدارس نظامیه و توضیح درباره نظامیه بغداد، انگیزه سعدی از تحصیل در نظامیه بغداد و زبان و علوم رایج در آن مدرسه ... (صص ۱۲۱-۱۱۲).
- ۱۰-۱۹. مدرسین نظامیه، ذکر نام برخی از مدرسین نظامیه، تأکید بر موضوع وعظ در این مدارس و استفاده سعدی از مواظب به صورت حکایت و اشاره به شاهنامه به عنوان یکی از مآخذ سعدی در آفرینش آثارش (صص ۱۲۶-۱۲۲).
- ۱۰-۲۰. تقارن در حکایت‌های گلستان.
- ۱۰-۲۰-۱. بررسی قرینه‌های نثری گلستان با تقطیع عروضی هر قرینه و مقایسه آن با قرینه مقابل (صص ۱۳۹-۱۳۵).
- ۱۰-۲۰-۲. بررسی برخی از قرینه‌های معنایی در چهار حکایت از گلستان (صص ۱۳۹-۱۳۵).
- ۱۰-۲۱. بوستان.
- ۱۰-۲۱-۱. یادکرد هدف از تألیف بوستان، تأکید بر ارزش آثار سعدی و انگیزه تألیف کتاب: "بوستان شاهکار سعدی است ... تنها سعدی است که در غزل، قصیده، مثنوی و نثر استاد بی‌نظیر است و از عهده چند کار برمی‌آید. ما بوستان را از دو دیدگاه مورد تحلیل قرار می‌دهیم: اول از نظر محتوا در ارتباط با رستگاری انسان ... دوم به شیوه حکایت‌پردازی سعدی در بوستان خواهیم پرداخت و در پایان سبک کار سعدی را در بوستان به دست خواهیم داد" (ص ۱۴۳).
- ۱۰-۲۱-۲. باب اول - عدل و تدبیر رأی: "این باب نوعی دستور الهی است که در آن بیشترین روی سخن به زورمندان و حکام وقت است ... سعدی در تمام اوقات در سرودن اشعار حکمی و تعلیمی به نیک‌نامی می‌اندیشد. اگر حکایت‌های بوستان يك بار مرور شود، کمتر حکایتی یافت می‌شود که در آن نامی از نیک‌نامی به میان نیاید یا محتوای حکایت، انسان را به نیک‌نامی رهنمون نکند" (صص ۱۵۰-۱۴۹).

۲۱-۱. بررسی مختصر برخی از حکایت‌های باب اول (صص ۱۸۲-۱۵۱). حاصل سخن اینکه: "سعدی در حکایت‌های بوستان، بیشترین عنایت را به هدف دارد. اشعار پراکنده‌ای که گاهی مربوط به قسمت‌های اصلی حکایت نمی‌شوند و معمولاً در دنبال حکایت‌ها آورده می‌شوند نوعی تأکید و توجیه بر هدف اصلی دارند (ص ۱۵۹). سعدی در مورد کارزار چنان سخن می‌گوید، گویی سال‌ها در میدان جنگ بوده و همه چیز را تجربه کرده است. در تمام موارد جانب صلح و اعتدال را نگه می‌دارد. در بوستان انسان به عنوان وسیله مطرح نمی‌شود. سعدی سعی دارد در ارائه تدابیر خود انجام عاقبت کار را مد نظر داشته باشد. احساس لطیف و ایجاد روح ترحم در خلق از ویژگی‌های سخن سعدی است." (ص ۱۸۲).

۲۱-۲. باب دوم در احسان، تحلیل سه حکایت از باب دوم - بوستان (صص ۱۸۸-۱۸۴). خلاصه اینکه: "باب دوم بوستان، باب لطف و کرم است. سعدی سعی کرده که در این بخش به معنای کار گراییده و گرد نقش صورت و ظاهر نگردد ... واژه‌ها و ترکیباتی که در این باب به کار رفته گویای "معنی" و "لطف" و "احسان" می‌باشد ..." (ص ۱۸۸).

۲۱-۳. باب سوم - در عشق و مستی و شور (صص ۱۹۲-۱۸۹). بررسی برخی از ابیات باب سوم برای روشن شدن نوع نگرش سعدی به موضوع عشق، حاصل کلام این که: "در بوستان رنگ عشق بیشتر آن سری است تا این سری. گاهی عشق در بوستان در مرز شیفتگی قرار می‌گیرد، ولی با هر نظر که نگاه کنیم آن شوریدگی مولوی یا صلابت حافظ را ندارد. بوستان مدینه فاضله سعدی است. و جنبه حسنی عشق در آن بسیار کم است و بیشتر به عشق‌های معنوی که تا حدی رنگ شریعت هم دارد، توجه می‌شود ... در بوستان عشق از انسان آغاز می‌شود و به خدا خاتمه پیدا می‌کند ..." (ص ۱۹۱).

۲۱-۴. باب چهارم - در تواضع (صص ۲۱۶-۱۹۲). اشاره به معنی تواضع و بررسی مختصر تمثیلی از باب چهارم (یکی قطره باران ز ابری چکید ...).

- موسیقی شعر در بوستان (صص ۲۰۰-۱۹۶). بررسی موسیقی درونی و بیرونی در چند بیت از بوستان و تأکید بر این اصل زیبایی‌شناسانه در سراسر بوستان.

- بررسی قالب و فرم ظاهری حکایت‌ها: "در بوستان به کمتر حکایتی برمی‌خوریم که قابل تقسیم به سه بخش نباشد: الف: مقدمه. ب: ... بدنه حکایت. ج: ... نتیجه‌گیری. حکایت‌های بوستان از نظر قالب در سه گروه قابل بررسی هستند:

۱. حکایت‌های طولانی،

۲. حکایت‌های عادی،

۳. حکایت‌های کوتاه ... حکایت‌های طولانی خود دو گونه‌اند:

۱. حکایت‌هایی که تا آخر یک موضوع را دنبال می‌کنند،

۲. حکایت‌هایی که اول به صورت ایجاز طرح شده ولی تفصیل و تفسیر آنها در پی می‌آید ... " (صص ۲۰۱-۲۰۰).

- بررسی چهار حکایت از باب چهارم بوستان از نظر تحلیل شخصیت و هماهنگی لفظ و معنا و شگردهای ویژه هنری سعدی (صص ۲۱۶-۲۰۱).

۲۱-۵. باب پنجم - در رضا (صص ۲۲۰-۲۱۷). بررسی مضمون رضا در باب پنجم با اشاره به ناموفق بودن سعدی در حماسه‌سرایی در این باب و یادآوری این مطلب که چند حکایت در این باب با "رضا" تناسب ندارند و ...

۲۱-۶. باب ششم - در قناعت (صص ۲۲۲-۲۱۱). اشاره به برخی از ابیات این باب که در موضوع قناعت سروده شده است.

۲۱-۷. باب هفتم - در تربیت (صص ۲۲۷-۲۲۴). اشاره به پیشینه مباحث تربیتی در متون فارسی و نگرش سعدی در این باره و علت توجه زیاد سعدی در باب تربیت، به زن.

۲۱-۸. باب هشتم - در شکر بر عافیت (صص ۲۳۲-۲۲۹). اشاره به مفهوم شکر و شکرگزاری و نگرش سعدی به این مفهوم با اشاره به حکایت بلند: "بته دیدم از عاج در سومنات ..."

۲۱-۹. باب نهم - در توبه و راه صواب (صص ۲۳۶-۲۳۳). بررسی شیوه نگرش سعدی به موضوع توبه در باب نهم.

۲۱-۱۰. باب دهم - در مناجات (صص ۲۳۹-۲۳۷). نگاهی مختصر به شیوه مناجات سعدی در باب دهم.

۲۲-۱. شکسپیر و سعدی (صص ۲۵۷-۲۴۰).

- اشاره به شباهت‌های اندیشه‌ای سعدی و شکسپیر (صص ۲۴۱-۲۴۰).

- خلاصه داستان تاجر ونیزی (صص ۲۴۷-۲۴۱).

- تحلیل داستان تاجر ونیزی با اشاره به برخی از دیگر آثار شکسپیر (صص ۲۵۱-۲۴۷).

- برشماری هفت وجه مشترک داستان‌های شکسپیر و حکایت‌های سعدی (صص ۲۵۷-۲۵۱).

۲۳-۱. لحن کلام در بوستان، توضیح درباره مفهوم لحن و بررسی ویژگی‌های واژگانی سعدی برای تبیین شیوه لحن او در بیان مقصود و توفیق او در این مورد (صص ۲۶۴-۲۵۷).

۲۴-۱. بررسی حکایت‌هایی که تمام ابیات آنها به یک موضوع اختصاص دارد و در آنها مسائل فرعی بیان نشده است (صص ۲۶۶-۲۶۴).

۲۵-۱. اشاره به چند حکایت کوتاه و ویژگی‌های این گونه از حکایت‌ها (صص ۲۶۸-۲۶۶).

۲۶-۱. بررسی حکایت‌های معمولی: حکایت‌هایی که یک موضوع واحد را دنبال می‌کنند و ابیات حکایت به طور نسبی از حکایت‌های نوع اول کمترند (صص ۲۷۴-۲۷۰).

۲۷-۱. بررسی حکایت‌های کوتاهی که از دو یا سه بیت تجاوز نمی‌کنند (صص ۲۷۴-۲۷۰).

۲۸-۱. بررسی ساختار بیرونی حکایات بوستان (صص ۲۹۳-۲۷۵).

- تقسیم حکایت‌ها از نظر ساختار بیرونی به سه گروه:

۱. حکایت‌هایی که سعدی از افواه شنیده یا در کتاب‌ها خوانده است.

۲. حکایت‌هایی که سعدی ضمن بهره‌گیری از شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای، نتیجه‌ای حکمی و تعلیمی می‌گیرد.

۳. حکایت‌هایی که تجربه شخصی سعدی از محیط است. " (ص ۲۷۶).

- بازیافت و بازنمود حکایت‌هایی که در هر کدام از دسته‌های سه‌گانه بالا جای می‌گیرند (صص ۲۸۹-۲۷۶).

- نقل برخی از مضامین غزل در بوستان (صص ۲۹۱-۲۸۹).

- یادکرد بیست‌ونه مورد از ویژگی‌های سبکی بوستان زیر عنوان "سبک حکایت‌پردازی در بوستان" (صص ۲۹۳-۲۹۲).

۲۹-۱. فهرست اعلام (صص ۲۹۶-۲۹۴).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، با مقدمه عباس اقبال آشتیانی، چاپ سوم. ۲-۲. بوستان سعدی، به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. ۲-۳. مدارس نظامیه، نورالله کسایبی.

۲-۴. برخی آثار شکسپیر از جمله: تاجر ونیزی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۶۳۲ بار، گلستان ۳۲۹ بار، غزلیات ۹ بار، قصاید ۷ بار، اشعار عربی ۱ بار، قطعات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این کتاب تنها کتابی است که تا کنون به گونه‌ای گسترده، منحصرأ به نقد و تحلیل حکایت‌های بوستان و گلستان پرداخته و بسیاری از این حکایت‌ها را از نظر ساختار بیرونی و دورنی حکایت، ویژگی‌های زبانی و خصلت‌های هنری کاویده و ارتباط آنها

را با عنوان باب مربوط بررسی کرده است. و از این دیدگاه هم شیوه تازه‌ای به کار بسته و هم مطالب تازه‌ای مطرح کرده است و استناد فراوان به آثار سعدی (نزدیک به ۱۰۰۰ بار) با ذکر نشانی نمونه‌های شاهد نیز بر ارزش کار افزوده است.

- نویسنده کوشیده است در برخی از حکایت‌ها به موارد ضعف نیز اشاره کند، از آن جمله است: ص ۲۸: "نتیجه [این] حکایت نسبت به طرح کل حکایت ضعیف است. نتیجه حکایت می‌توانست در تبلیغ و توجیه عالم درویشی عزت‌نفس و پرهیز از مشاغل دیوانی باشد ...". یا ص ۴۵: "محتوای حکایت با موضوع باب (در اخلاق درویشان) چندان وفق ندارد ...". یا ص ۱۶۹: "مفهوم کلی حکایت چندان ارتباط با نامی که بر این باب نهاده شده، یعنی عدل و تدبیر و رای، ندارد". و همچنین است ص ۳۴ و ص ۱۹۱ و ... اگر این نگرش تقویت می‌شد و در موارد دیگری چون تحلیل برخی حکایت‌های باب پنجم و ششم (درباره امرد بازی و ...) نیز همین گونه عمل می‌شد، بر ارزش انتقادی اثر می‌افزود.

۲-۴. مطالب کتاب یک‌دست نیست؛ هر چند در برخی از فصول نقد و تحلیل خوب و شایسته‌ای انجام گرفته، اما این روش در همه موارد به کار بسته نشده است. به عنوان مثال در صص ۱۳۹-۱۳۵ باز یافت قرینه‌های معنوی در کنار قرینه‌های لفظی برای روشن کردن ارزش سخن سعدی بسیار شایسته است. اما این شیوه بررسی در قسمت‌های دیگر کتاب به چشم نمی‌خورد. نیز در صص ۱۸۲-۱۶۹ برای بررسی باب اول بوستان تنها به باز نویسی حکایت‌ها (به نثر و نظم) پرداخته شده و نقد و تحلیل چندان انجام نگرفته، در حالی که در صص ۱۸۸-۱۸۴ باب دوم - هر چند کوتاه نقد و تحلیل شده است. - تحلیل واژگانی و محتوایی برخی حکایت‌ها بر ارزش انتقادی این کتاب افزوده است، از جمله: صص ۲۰۲-۲۰۱.

- از مواردی که شایسته نقد و بررسی بوده ولی نویسنده محترم از آن‌ها بدون تحلیل گذشته‌اند چند مورد زیر برشمردنی است:  
- باب هفتم گلستان (جدال سعدی با مدعی) درباره این حکایت تنها نوشته شده است: "و پس از آن بحث و جدال سعدی با مدعی در بیان توانگری و درویشی آغاز می‌شود" (ص ۷۸).

- باب هفتم بوستان - با آنکه در آغاز این فصل نوشته‌اند: "یکی از بخش‌های نسبتاً طولانی در بوستان باب تربیت است ... (ص ۲۲۴) اما تنها چهار صفحه به این باب اختصاص داده و به سرعت از آن گذشته‌اند.

- در باب هشتم، حکایت "بت سومنات" - در این باره، به باز نویسی چکیده حکایت بسنده شده است (ص ۲۲۱) و تنها عبارتی که درباره این حکایت نوشته‌اند نیز دچار اشکال است، نوشته‌اند: از ویژگی‌های حکایت یاد شده این است که از اغلب اصطلاحات بت‌پرستان بهره گرفته است "و سپس واژه‌هایی چون تفسیر اوستا، زند، کشیش، دیر، مطران، و ... را نیز به عنوان اصطلاحات بت‌پرستان برشمرده‌اند (ص ۲۲۱). برخی صاحب‌نظران در خصوص پریشانی اصطلاحات در این حکایت بر سعدی ایراد گرفته‌اند و دانسته نیست چرا نگارنده محترم کتاب نیز به همین راه رفته و این اصطلاحات را اصطلاحات بت‌پرستان نامیده است.

۲-۴. در ص ۷۵، در سرآغاز باب هفتم، بعد از توضیحی درباره تربیت و ارتباط آن با "اصل" آدمی چند بیت از سروده‌های سعدی به عنوان شاهد نوشته و افزوده شده: "سعدی خلاف رای خود نیز چنین می‌گوید: با بدان یار گشت همسر لوط ...". و در صص ۱۴۵-۱۴۴ با استناد به نظر آقای دکتر مهدی محقق، سعدی را به دلیل تحصیل در مدرسه نظامیه، پیرو مکتب اشعری دانسته و او را معتقد به "قضای محتوم و قدر ازلی و سعادت و شقاوت ذاتی" انگاشته‌اند.

اولاً سروده‌هایی که در ص ۷۵ به آنها استناد جسته شده، در واقع نقل قول‌هایی است که در خلال یک حکایت (حکایت چهارم از باب اول) از زبان پادشاه و وزیر صادر شده و هر کدام از آنها به تنهایی نظر سعدی نیست. ثانیاً سعدی اگر سروده‌هایی دارد که از آنها بوی حبر و بی‌اختیاری آدمی به مشام می‌رسد، سروده‌های فراوانی نیز دارد که با قاطعیت بر اختیار آدمی پای فشرده است، ابیاتی چون: "راهی به سوی عاقبت خیر می‌رود راهی به سوء عاقبت اکنون مخیری"

"کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، با کوشش و مقدمه بهاء‌الدین خرمشاهی امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۷۵۴" (برای اطلاع بیشتر رک. مقاله قضا و قدر، دکتر مهدی محقق، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، دکتر منصور رستگار فسایی، صص ۲۸۴-۳۶۱ در همین مجموعه).

همان گونه که در نقد مقاله دکتر مهدی محقق نوشته‌ام برای دستیابی به نظر نهایی سعدی در مسئله حبر و اختیار بهتر است به همه سخنان او در مواضع مختلف و بویژه در قصاید او توجه شود. و نه نقل قول‌هایی که در خلال حکایت‌ها و از زبان شخصیت‌های داستان مطرح می‌شود.

۴-۴. برخی از مطالب این کتاب با فصول مربوط تناسب ندارند و از این نظر کتاب به یک ویرایش کلی نیاز دارد، از جمله:  
- در صص ۱۲۶-۱۲۵، مطلب "آثاری که سعدی مورد مطالعه قرار داده است" با عنوان فصل (مدرسین نظامیه، ص ۱۲۲) ارتباطی ندارد و از همه آثاری که سعدی مطالعه کرده تنها به شاهنامه تکیه شده است.

- در صص ۲۶۴-۲۵۷ مطلب "لحن کلام در بوستان" با آنکه بحث مفید و ارزشمندی است در فصل "شکسپیر و سعدی" آمده، که ارتباطی با آن فصل ندارد.

- فصل "موسیقی شعر در بوستان" (ص ۱۹۶) نیز بی‌دلیل در خلال تحلیل باب چهارم بوستان آمده و بهتر است به عنوان بحثی مستقل در پایان کتاب می‌آید و ...

۴-۵. با آنکه دقت زیادی شده تا نشانی همه شاهدهای مثال نوشته شود، برخی از آنها از قلم افتاده است، از جمله ص ۱۸۷: همه ابیات و ص ۲۱۷، بیت اول و ص ۲۲۱ و ص ۲۲۴ و ...

- این کتاب نیز از اشتباهات چاپی بر کنار نمانده است، از جمله: ص ۳۴، س ۲۰: دوستی می‌سندد (دوستی می‌سند) و ص ۶۰، س ۷: می‌سندی را گفت (می‌سندی را گفتند) و ص ۶۶، س ۶: قدم (قدح) و ص ۷۱، سطر اول اضافی است، ص ۸۵، س ۱۱: بوستان (گلستان)، ص ۱۰۱، س ۶: زیبایی (زیبایی) و س ۹: باشد و دیبقی (باشد دیبقی) و ص ۱۰۷، س ۱: رفیق‌آموز (رفیق بدآموز) ضمناً این بیت (در صحبت رفیق بدآموز ...) از قصاید سعدی است، نه گلستان: ص ۱۷۷، س ۱۲: جمله مختل است. ص ۱۶۵، پاورقی: نسخه فزوبنی (نسخه یوسفی) و ص ۱۸۴، جمله پایانی صفحه مختل است، ص ۱۸۸، س ۱۱: نگرردد (نگردد) و ص ۱۸۹، س ۱۳: جمله مختل است، احتمالاً حرف "با" پیش از "عشق" از قلم افتاده است. ص ۲۱۶، س ۱۱: بیفتاستی (بیفتاد سستی) و ص ۲۱۷، س ۹: باب چهارم (باب پنجم) و ص ۲۲۹، س ۱۴: کار هوشیار (کار هوشیار است) و ص ۲۳۵، س ۲: نام‌های دردناک (نال‌های دردناک) و ص ۲۳۷، س ۱۱: به انعام (به انعام) و ص ۲۷۹، س ۱۲: سخن گفتن (سخن گفت) و ...

**سعدی‌نامه ، مجموعه مقالات بزرگداشت سعدی در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی به مناسبت هفت‌صدمین سال تصنیف گلستان و بوستان)، به اهتمام حبیب یغمایی، چاپ خودکار و ایران، اسفند ۱۳۱۶، ۲۲۲ صفحه ، قطع: وزیري، شمارگان: نامعلوم. مجموعه این مقالات در شماره‌های ۱۱ و ۱۲ مجله تعلیم و تربیت در همان سال ۱۳۱۶ نیز چاپ شده است.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. در ابتدای کتاب مقدمه کوتاهی از مجله تعلیم و تربیت چاپ شده است (در شماره‌های ۱۱ و ۱۲ آن مجله نیز تمام مقاله‌های مجلس بزرگداشت سعدی چاپ شده است) در این مقاله کوتاه می‌خوانیم: "به مناسبت تصادف سال ۱۳۱۶ (۱۳۵۶ قمری) با هفت‌صدمین سال تصنیف گلستان و بوستان وزارت معارف وظیفه خود دانست که در راه سپاسگزاری از بزرگ‌ترین

شاعر شیرین‌زبان فارسی، شیخ سعدی شیرازی گامی بردارد و راه را بر روندگان بنماید تا آیندگان این وظیفه ادبی را چنانکه باید و شاید به انجام رسانند ... برای اینکه نسخه‌ای پیراسته از کلیات شیخ در دسترس عموم سعدی‌خوانان و سعدی‌خواهان جهان قرار گیرد به چاپ یک دوره کلیات از روی قدیم ترین و معتبرترین مأخذ اقدام شد و گلستان و بوستان آن از چاپ درآمد." (صص ۱-۲).

- ۱-۲. متن مطالب که شامل مقاله‌ها و اشعار زیر است:
- ۱-۲-۱. برنامه ادای تکلیف نسبت به شیخ سعدی، محمدعلی فروغی (صص ۳-۸).
- ۱-۲-۲. قدردانی از سعدی، حسن اسفندیاری (صص ۹-۱۰).
- ۱-۲-۳. زمان تولد و اوایل زندگانی سعدی، عباس اقبال (صص ۱۱-۲۹).
- ۱-۲-۴. تضمین غزلی از سعدی، ملک‌الشعرا بهار (صص ۳۰-۳۲).
- ۱-۲-۵. بر حکمت سعدی نتوان خرده گرفتن، احمد بهمینیار (صص ۳۳-۴۰).
- ۱-۲-۶. نکاتی چند از زندگانی سعدی، علی اصغر حکمت (صص ۴۱-۵۱).
- ۱-۲-۷. قطعه شعری با عنوان بوستان و گلستان، حسین سمیعی (صص ۵۲-۵۳).
- ۱-۲-۸. نام بلند سعدی، سید فخرالدین شادمان (صص ۵۴-۶۴).
- ۱-۲-۹. نکاتی راجع به گلستان، رزاعده شفق (صص ۶۵-۷۰). ۱-۲-۱۰. سعدی و سهروردی، بدیع الزمان فروزانفر (صص ۷۱-۹۰).
- ۱-۲-۱۱. تربیت در سایه سعدی، ابوالحسن فروغی (صص ۹۱-۹۷).
- ۱-۲-۱۲. ممدوحین شیخ سعدی، محمد قزوینی (صص ۹۸-۱۷۵).
- ۱-۲-۱۳. غزلی با عنوان شیخ اجل سعدی شیرازی، نادری (صص ۱۷۶). ۱-۲-۱۴. چکامه (قصیده)، محمدعلی ناصح (صص ۱۷۷-۱۸۰).
- ۱-۲-۱۵. هفت‌صدمین سال تصنیف گلستان، نصر (صص ۱۸۱-۱۸۹).
- ۱-۲-۱۶. مخمس تضمین غزل شیخ، حسن وثوقی (صص ۱۹۰-۱۹۲).
- ۱-۲-۱۷. آفتاب گویندگان، وحید دستگردی (صص ۱۹۳-۱۹۶).
- ۱-۲-۱۸. حد همین است سخندان و زیبایی را، همایی - جلال‌الدین - (صص ۱۹۷-۲۰۷).
- ۱-۲-۱۹. سعدی و عشق، رشید یاسمی (صص ۲۰۸-۲۱۵).
- ۱-۲-۲۰. مثنوی با عنوان "به یاد سراینده بوستان"، احمد اشتری (صص ۲۱۶-۲۱۷).
- ۱-۲-۲۱. توضیح در خصوص کلمه علکان، محمد قزوینی (صص ۲۱۸-۲۱۹).
- ۱-۲. ده تصویر که به گونه‌ای پراکنده در طول مطالب کتاب چاپ شده است، از جمله: آرامگاه سعدی، چند صفحه از نسخه‌های خطی کلیات و گلستان و بوستان، آرامگاه شهاب‌الدین سهروردی.
- ۲. منابع اصلی:** ۲-۱. رک. بخش مقاله‌ها (منابع اصلی هر مقاله در پایان منابع اصلی همان مقاله آمده است).
- ۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. رک. بخش مقاله‌ها (رویکردهای مربوط به هر مقاله در قسمت "رویکرد" همان مقاله نوشته شده است).

**۴. اشاره:** ۴-۱. این کتاب که در واقع مجموعه‌ای از مقالات ارائه شده در مراسم بزرگداشت سعدی (در سال ۱۳۱۶) است، یکی از نخستین مجموعه‌های مفید و تأثیرگذار سعدی‌شناسی است. برخی از مقاله‌های این مجموعه، از جمله مقاله بلند و عالمانه علامه قزوینی (ممدوحین شیخ سعدی) و مقاله عباس اقبال (زمان تولد و اوایل زندگانی سعدی) در مطالعات و تحقیقات سعدی‌شناسی، بسیار مؤثر و مورد استفاده بوده‌اند. می‌توان گفت انجام مراسم بزرگداشت سعدی در سال ۱۳۱۶ و انتشار مجموعه مقالات آن مراسم، آغاز فصلی تازه و جدی در پژوهش‌های مربوط به سعدی است. این کتاب اگر چه خالی از اشکالات نگارشی و ویرایشی نیست اما با عنایت به زمان چاپ کتاب، می‌توان از این خطاها چشم پوشید. برای آگاهی بیشتر، رک. عنوان هر مقاله در بخش مقاله‌ها، در همین مجموعه.

**۵. تأییرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. سعدی‌نامه یا بوستان سعدی، تصحیح و حاشیه‌نگاری محمدرضا جلالی نائینی و مقدمه محمدمحیط طباطبایی، کتاب‌فروشی و چاپخانه اقبال، آبان ۱۳۱۷، صص ۲۲، ۲-۵. متن‌بی و سعدی، دکتر حسین علی محفوظ، چاپخانه حیدری، ۱۳۳۶، صص ۵، ۶، ۳۰۰، ۳۱۸، ۵-۳. سعدی شیرازی، محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۲، انتشارات کتابخانه خیام، ۱۳۳۹، صص ۱۵۲، ۵-۴. امانت سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، گوهر، سال دوم، شماره سوم، خرداد ۱۳۵۳، صص ۲۲۹-۲۳۰. سعدی، دکتر ذبیح‌الله صفا، کتاب "گنج سخن"، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، صص ۱۸۵، ۵-۶. حکمت سعدی، کیخسرو هخامنشی، امیرکبیر، ۱۳۵۵ (چاپ دوم)، صص ۱۴، ۵-۷. سعدی را بشناسید، علی‌نقی بهروز، کتاب‌فروشی معرفت شیرازی، ۱۳۵۵، صص ۲۴، ۲۵، ۵-۸. شاعر و معلم بزرگ، حبیب یغمایی، یغما، سال بیست و نهم، شماره چهارم، تیر ۱۳۵۵، صص ۱۹۸، ۵-۹. شناختی تازه از سعدی ...، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات نوید، ۱۳۶۲، صص ۲۱۰، ۵-۱۰. تعهد و مسؤولیت در شعر سعدی، سیدمحمد ترابی، روزنامه کیهان، پنجشنبه ۲۹ آذر ۱۳۶۳، صص ۷، ۵-۱۱. جلوه‌های عرفان در آثار منظوم سعدی، اسماعیل حاکمی، ذکر جمیل سعدی، ج ۱، ۱۳۶۴، صص ۳۰۲-۲۹۱، ۵-۱۲. مقایسه افکار متن‌بی و سعدی، دکتر امیر محمود انوار، ذکر جمیل سعدی، ج ۳، ۱۳۶۴، صص ۳۹۷، ۵-۱۳. تاریخ ادبیات ایران، از فردوسی تا سعدی، ادوارد براون، ترجمه غلامحسین صدیقی افشار، انتشارات مروارید، ۱۳۶۶ (چاپ سوم)، صص ۲۷۴، ۵-۱۴. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳-۱، دکتر ذبیح‌الله صفا، انتشارات فردوس، ۱۳۶۶ (چاپ پنجم)، صص ۵۸۵، ۵۸۷، ۵-۱۵. سیاحت یاقوت در گلستان شیخ اجل، فصلنامه هنر، شماره پانزدهم، بهار ۱۳۶۷، صص ۲۳۲، ۵-۱۶. سعدی معلم اخلاق، دکتر رضا مصطفوی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره اول، شماره ۱، بهار ۱۳۶۹، صص ۱۴۸، ۵-۱۷. دامنی از گل، گزیده گلستان سعدی، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۰، صص ۴۶۹، ۵-۱۸. گلستان، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفا، ۱۳۷۰ (چاپ ششم)، صص ۶۹۴، ۵-۱۹. سخن‌دانی و زیبایی‌گرایی سعدی، زیر نظر محمد روایی، (برگ‌های زرین ادبیات فارسی ۳)، انتشارات ناهید، ۱۳۷۱، صص: سیزده، ۵-۲۰. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، صص ۲۶، ۱۹۵، ۵-۲۱. نمونه‌هایی از مضامین قرآن کریم در اشعار سعدی، سید محمدباقر حجتی، مسجد، سال چهارم، شماره ۲۰، خرداد و تیر ۱۳۷۴، صص ۱۹.

**سعدی‌نامه یا بوستان ، با حواشی و تصحیح اسماعیل امیرخیزی، شرکت چاپ کتاب و کتاب‌فروشی‌های ادبیه و معرفت و سعدی، ۱۳۱۷ (چاپ سوم)، ۲۷۹ صفحه (۱۴+۱۰+۲۵۵)، قطع: رقعی، شمارگان: نامعلوم. چاپ اول: ۱۳۱۰، چاپ دوم ۱۳۱۲.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. فهرست مندرجات (صص: ۲-۱۴).

۱-۲. مقدمه (صص: الف تا ز).

- توضیح درباره ارتباط شهرت و مقبولیت با بزرگی و ارزش و تأکید بر مقام والای سعدی و آوازه جهانگیر او (صص: الف تا د).

- توضیح درباره بوستان و مضامین آن (صص: ه تا ز).

"بوستان چکیده قریحه و زاده فکر شاعرانه سعدي است و این منظومه دلنشین اخلاقي و ادبي که نمونه‌اي از ذوق سلیم و معتدل سعدي و بهترین نماینده سمو و مقام و بلندي فکر وي در عالم تربیت و اجتماع است، بي‌شک نفیس‌ترین و گران‌مایه‌ترین تألیفات اوست" (ص: ن).

۱-۳. اشاره‌اي به انگیزه تصحیح و چاپ کتاب حاضر با معرفي نسخه مورد استفاده (صص ز تا ح)، از جمله: "... متأسفانه نسخه‌اي که بسیار قدیم و صحیح باشد به دست نیامد و قدیم‌ترین نسخه‌اي که به دست افتاد در سال ۸۷۱ نوشته شده است و بعد از آن چند نسخه دیگر نیز پیدا شد که هر چند تاریخ ندارد ولي به قراین رسم‌الخطي و نوع کاغذ محققاً قبل از هزار هجری نوشته شده‌اند و صحیح‌ترین همه آنها نسخه متعلق به دوست گرامی‌ام، آقای حاجي حسين آقا نجواني است و نسخه دیگری نیز به سال ۹۷۱ نوشته شده و به تشخیص اهل فن خط میرعلی خوشنویس معروف است متعلق به فاضل محترم آقای میرزا احمدخان اشتری است که لطفاً چند روزی آن را در اختیار بنده گذاشتند ..." (ص: ج).

۱-۴. عبارتی کوتاه درباره چاپ دوم کتاب با اشاره به افزودن فهرست راهنمای حکایات به چاپ دوم (ص: ط).

۱-۵. توضیحی کوتاه درباره چاپ سوم کتاب: "هر چند باز نسخه اساس، همان نسخه آقای نجواني است ولي این بار از دو نسخه صحیح دیگری استفاده شده است که یکی از آنها نسخه شرح بوستان سعدي است که در سال ۱۰۰۴ نوشته شده است و دیگری نسخه‌اي است که در بمبئی در سال ۱۳۳۰ چاپ شده است که هر دو نسخه از حیث صحت و اعتماد، بهترین نسخ موجود تشخیص داده شد، که در دسترس نگارنده بود و تماماً متن و نسخه بدل‌های حاشیه منحصر به نسخه نامبرده است و بس" (صص: ط و ی).

۱-۶. متن بوستان با توضیحاتی در پاروقی (صص ۲۵۵-۱).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. نسخه‌های خطی و چاپی بوستان، یاد شده در بخش مضامین اصلی.

۲. رویکرد به آثار سعدي: ۲-۱. کتاب متن بوستان است.

۴. اشاره: ۴-۱. این کتاب یکی از قدیمی‌ترین چاپ‌های بوستان است که چاپ سوم آن با مقابله چند نسخه فراهم آمده و نسخه بدل‌ها در پاروقی مشخص شده‌اند.

چاپ نخست این کتاب که در سال ۱۳۱۰ به پایان رسیده بر اساس نسخه‌اي است که در سال ۸۷۱ نوشته شده است، اما برای چاپ سوم آن که در سال ۱۳۱۷ سامان یافته از دو نسخه دیگر استفاده و اختلافات در پاروقی نشان داده شده است.

این کتاب بنابر آنچه در صفحه اول آن نوشته شده برای دانش‌آموزان دوره اول دبیرستان در نظر گرفته شده و به همین منظور توضیحات مفیدی نیز درباره برخی از اعلام و معنی برخی از واژه‌ها در پاروقی آمده است.

هر چند نه سطح توضیحات پاروقی یکسان است و نه شیوه استفاده از نسخه بدل‌ها هماهنگی بایسته را دارد و نه نسخه اساس دارای اعتبار کافی است، اما با توجه به زمان چاپ کتاب و تقدم آن نسبت به چاپ‌های دیگر بوستان، این اثر ارزش ویژه خود را داشته است.

**سعدي‌نامه یا بوستان ، تهیه متن انتقادي، تحقيق و توضیح: رستم علي‌يف، انتشارات ابن‌سینا، ۱۳۴۷، ۳۳۱ صفحه (۲۷۴+۵۷)، قطع: رفعی، شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. مقدمه به قلم بدیع‌الزمان فروزانفر (صص ۵-۳)؛ توضیح درباره مفاهیم اخلاقي و اجتماعی بوستان و انسجام و سیلاست آن، با اشاره به مقابله نسخ خطی بوستان و انتشار آن به دست محمدعلی فروغی برای نخستین بار.

- توضیح و تأیید روش رستم علي‌يف در تصحیح بوستان، از جمله: "حای بسی مسرت و ابتهاج است که دانشمند گرامی آقای پروفیسور رستم علي‌يف که از جمله خاورشناسان بسیار فاضل کشور اتحاد جماهیر شوروی است و به زبان فارسی آشنایی تمام دارد، کمر همت بر میان بسته و نسخه‌های کهن و اصیل را از نواحی مختلف گردآورده و بر مبنای صحیح و چنانکه رسم محققان است بوستان سعدي را دور از خار و خاشه تصرفات و تحریفات، مقابله کرده و با کمال دقت و امانت و ذکر مراجع نسخه‌بدل‌ها را در پاروقی آورده است. به طوری که خواننده اکنون می‌تواند این منظومه نوآیین را بدان گونه که در روزگار نزدیک به عصر گوینده آن متداول بوده است، در مطالعه گیرد ..." (ص ۴).

۱-۲. گفتاری از ذبیح‌الله صفا درباره ارزش بوستان و تصحیح رستم علي‌يف از این کتاب (صص ۶-۷).

"مایه کمال خوشوقتی است که دوست و همکار فاضل آقای رستم علي‌يف استاد دانشگاه‌های مسکو و باکو و کارمند فرهنگستان علوم شوروی، چنین خدمت شگرفی را بر عهده گرفته و از این راه کتاب حاضر را به وجود آورده است ... احاطه‌اي که این دوست گرامی به زبان و ادب فارسی دارد و صبر و بردباری خاصی که در پیمودن این راه دشوار به کار برده، وي را چنانکه خواننده مطلع و تیزبین ملاحظه می‌کند، بدان گونه موفق و کامیاب ساخته است، که گمان نمی‌رود دیگر بار به تجدید چنین خدمتی حاجت افتد ..."

۱-۳. کتاب حاضر چهار صفحه افتادگی دارد (صص ۹-۱۲) و در حال حاضر نسخه کاملی از آن در دسترس نیست، ناچار آن را به زمانی دیگر وامی‌نهم.

۱-۴. پیش‌گفتار به قلم رستم علي‌يف (صص ۵۷-۱۳).

۱-۴-۱. اشاره به شهرت جهانگیر بوستان و تکثیر نسخه‌های مختلف آن با تصرفات و تحریفات گوناگون (صص ۱۵-۱۳).

"تحریف متن آثار سعدي در دوران حیات مؤلف از لحظه تکثیر نسخ آغاز شده است. از تحقیق و تحلیل تعداد کثیری رونوشت‌ها، چنین برمی‌آید که حتی آن رونوشت‌هایی که از روی نسخه‌های اصلی استنساخ شده است، حاوی اشتباه و تصرفات است و علل این اغلاط و تحریفات گوناگون است" (ص ۱۳).

۱-۴-۲. نگاهی به تاریخچه چاپ‌های مختلف بوستان و توضیح کوتاهی درباره تصحیح بوستان به وسیله "گراف" به عنوان "نخستین کوشش نسبتاً جدی به منظور تصحیح متن بوستان" (ص ۱۶).

۱-۴-۳. توضیح درباره تصحیح بوستان به وسیله محمدعلی فروغی و طرح اشکالات آن تصحیح با نقل ۵۳ مورد از اختلافات نسخه فروغی و نسخه‌های قدیم (صص ۲۸-۱۶) با این نتیجه‌گیری که: "در بیت‌های بالا [ ضبط نسخه‌های قدیم که با نسخه فروغی متفاوت است ] هم از لحاظ قدمت و صحت و هم از حیث منطق و معنی و سبک قدیم درست و صحیحند و هیچ کدام از آنها در چاپ استاد محمدعلی فروغی قید نشده است" (ص ۲۸).

- توضیح درباره بیت‌های الحاقی در بوستان فروغی با نقل نمونه‌هایی از آن ابیات (صص ۳۳-۲۹).

"مسئله مهمی که باید نظر خوانندگان را به آن جلب کرد عبارت است از اشعار و ابیات و حکایات الحاقی که به متن بوستان چاپ استاد فروغی راه یافته است. روی هم رفته تعداد ابیات این گونه الحاقات از ۷۰۰ مصرع تجاوز می‌کند (ص ۲۹). تعداد چنین ابیات و حکایات الحاقی واقعاً نامأنوس و سست در نسخه‌های خطی متأخر و چاپ‌های متعدد خیلی زیاد است. استاد فروغی در چاپ خود در ترتیب و تنظیم بعضی از قطعات و ابیات بوستان و حذف عنوان‌های حکایات هم، چنانکه خود ناشر در صفحه "ج" مقدمه کتاب اقرار کرده است، تصرفاتی نموده است" (صص ۳۳-۲۳).

۱-۴-۴. توضیح درباره چاپ بوستان عبدالعظیم قریب و اشکالات آن چاپ (صص ۳۴-۳۳)، از جمله: "از مطالعه بعدی دقیق متن بوستان چاپ استاد قریب و مقابله و مقایسه آن با متن مرحوم فروغی و با نسخ خطی قدیمی و متأخر، معلوم شد که ادعای کاتب که بوستان را از روی خط شیخ استنساخ کرده است، یا نوشته مأخذ آن به هیچ وجه به حقیقت تطبیق نمی‌کند ..." (ص ۳۴).

۴-۵-۱. توضیح درباره نسخه‌های قدیم آثار سعدی و علل تغییرات و اختلافات آنها و روش تصحیح متن حاضر (صص ۴۰-۳۴). "... برای این کار ۷ نسخه خطی که سه تا از آنها در اواخر قرن هفتم کتابت شده و به زمان شیخ اجل خلیلی نزدیک می‌باشند و ۴ تا بین سال‌های ۲۰ تا ۷۰ قرن هشتم هجری قمری رونویسی گردیده‌اند، جمع‌آوری کرده، آنها را با نسخه‌های چاپی مرحوم محمدعلی فروغی و علامه عبدالعظیم قریب مطابقت و مقابله و بدین طریق متن حاضر بوستان را که اینک از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد تهیه نمودم" (ص ۳۵).

۴-۶-۱. معرفی مشروح نسخه‌های خطی مورد استفاده در متن حاضر (صص ۵۴-۴۱).

- کلیات سعدی در کتابخانه فرهنگستان علوم تاجیکستان شوروی، شماره ۵۰۳ (صص ۴۶-۴۱).

- کلیات سعدی در کتابخانه ملی پاریس، شماره ۱۲۸۱ (صص ۴۹-۴۶).

- کلیات سعدی در کتابخانه "جیستر بیٹی"، شماره ۱۰۹ (صص ۵۱-۴۹).

- کلیات سعدی در کتابخانه "اینڈیا آفیس" شماره ۱۱۱۷ (صص ۵۳-۵۱).

- کلیات سعدی در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران (ص ۵۳).

- کلیات سعدی در کتابخانه ملی پاریس، شماره ۱۲۸۲ (ص ۵۴).

- کلیات سعدی در کتابخانه مجلس شورای ملی، شماره ۲۰۲۸ (ص ۵۴).

"اساس و اصل متن حاضر بوستان را متون نسخه‌های دوشنبه، چیستریبی و پاریس تشکیل می‌دهد و اختلافات و نسخه بدل‌های رونوشت‌ها و نسخه‌های چاپ را با هیچ‌گونه حذف و کاهش، با ضبط علایم و نشانی‌های آنها سر تا سر کتاب در حاشیه قید کردیم، تا خواننده محترم امکان سنجش و اختیار داشته باشد" (ص ۵۵).

۱-۵. متن بوستان با یادکرد نسخه بدل‌ها و توضیحات مربوط به آنها در پاورقی (صص ۲۶۴-۱، شماره جدید).

۱-۶. فهرست نام‌های خاص (صص ۲۶۸-۲۶۵).

۱-۷. فهرست نام‌های (صص ۲۷۰-۲۶۹).

۱-۸. فهرست قبایل، اقوام، مذاهب و نسبت‌ها و اسامی دیگر (ص ۲۷۱).

۱-۹. فهرست نام کتب (ص ۲۷۲).

۱-۱۰. غلطنامه (صص ۲۷۴-۲۷۲ بدون شماره).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. نسخه‌های خطی یاد شده در مضامین اصلی (۶-۴-۱). ۲-۲. بوستان سعدی، محمدعلی فروغی، ۱۳۱۶.

۲-۳. بوستان سعدی، عبدالعظیم قریب، ۱۳۲۸.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. کتاب متن کامل بوستان است.

۴. اشاره: ۴-۱. بوستان سعدی به تصحیح رستم علی‌یف، نخستین چاپ از بوستان سعدی است که در ضمن مقابله نسخه‌های مختلف خطی و چاپی، اختلاف نسخه‌ها را در پاورقی با یادکرد مأخذ آورده است. چنانچه آقای علی‌یف در متن کتاب به ادعای خود در رعایت امانت وفادار می‌مانند، این نسخه بویژه از نظر قدمت آن در تصحیح علمی بوستان، ارزشمند بود، اما متأسفانه اشتباهات فراوان ایشان در مقدمه و متن کتاب، از ارزش علمی کار او به شدت کاسته است، و تعریفات و تمجیدات استادان بزرگوار، فروزانفر، دکتر صفا و دیگران پرده بر روی اشتباهات فاحش ایشان نمی‌اندازد.

درباره نظرات علی‌یف و شیوه کارکرد او در این کتاب نوشته‌هایی پدید آمده است. از آن جمله نوشته اکبر طرفه گسترده‌تر و موثکافه‌تر است (قسمت اول: یغما، سال بیست و هفتم، شماره سوم، خرداد ۱۳۵۳، صص ۱۷۹-۱۷۵ قسمت دوم: یغما، سال بیست و هفتم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۵۳، صص ۲۶۱-۲۵۲).

ایشان در این مقاله مبسوط بسیاری از اشکالات کتاب مورد نظر را با نقل نمونه‌هایی، برشمرده‌اند که برای روشن شدن مطلب، با رعایت اصل ایجاز بخش‌هایی از نوشته ایشان را باز می‌نگریم:

"مقدمه‌های تعارف‌آمیز دانشمندان ایرانی از جمله استاد فقید بدیع‌الزمان فروزانفر و دکتر ذبیح‌الله صفا در حکم چشم‌بینی است که امر را بر خواننده مشتبه می‌سازد و او را در بادی نظر از تفحص در صحت و سقم متن باز می‌دارد (قسمت نخست، ص ۱۷۵).

ناشر محترم [ رستم علی‌یف ] با آنکه در مقدمه تصریح کرده‌اند که "اساس و اصل متن حاضر بوستان را متن نسخه‌های دوشنبه، چیستریبی و پاریس تشکیل می‌دهد" ... معذالک در مواردی متعدد این اصل را چندان رعایت نکردند و نه فقط ضبط صحیح دو نسخه معتبر و قدیمی "ج" و "پ" را در متن نگذاشتند، بلکه ضبط بقیه نسخ معتبر را نیز محل اعتنا قرار ندادند و به جهات نامعلوم ترجیح دادند که ضبط نسخه "د" را که از لحاظ صورت و مضمون گاه غریب می‌نماید، در متن جا دهند ... ناشر محترم گویی این قصد را داشتند که به پاره‌ای ابیات رنگ غرابیت بدهند تا از این راه قدمت و اصالت نسخه "د" به اثبات برسد ... (بخش نخست ص ۱۷۶).

- آقای اکبر طرفه پس از یادکرد نمونه‌هایی از اشتباهات علی‌یف در ترجیح ضبط نسخه "د" می‌نویسد: "از تمام این نمونه‌ها چنین برمی‌آید که کاتب نسخه دوشنبه به هنگام استنساخ، واژه‌هایی را که شباهت ظاهری به هم داشته‌اند، به یکدیگر درآمیخته و فراخور معلومات خود کلمات را نقاشی می‌نموده است ... ده‌ها نمونه می‌توان آورد که ناشر محترم نه فقط ضبط دو نسخه اصلی "ج" و "پ" بلکه نسخه‌های معتبر دیگر را نادیده گرفته و فقط ضبط نسخه "د" را پذیرفته و در نتیجه سخن سعدی دستخوش غرابیت و ناهنجاری و نارسایبی شده، بدون روش علمی معین حاشیه جای متن را گرفته و اصول ثابتی در مقابله نسخ از ناحیه ناشر محترم اتخاذ نشده است. با این وصف ای کاش (درست یا نادرست) ایشان نسبت به نسخه "د" تا آخر وفادار می‌مانند و نقل متن نسخه "د" را ادامه می‌دادند. متأسفانه ناشر محترم در برخی مواضع بدون هیچ دلیلی از متن نسخه "د" نیز صرف‌نظر کرده و ضبط صحیح آن را به دلخواه تغییر داده‌اند ... (بخش دوم ص ۲۵۲).

- آقای طرفه با رد نظرات علی‌یف درباره فروغی و باز نمود اشتباهات مکرر ایشان در مورد نسخه بوستان فروغی، نوشته‌اند: "ناشر محترم با کمال تأسف در مورد شخص ارجمند محمدعلی فروغی و بوستان چاپ او در موارد متعدد به قلب و تحریف حقایق پرداخته‌اند ... و پس از اظهار نظر درباره این که ذوق و سلیقه فروغی در تصحیح بوستان مداخله تام داشته است، چنین ادامه می‌دهد: برای روشن کردن این اظهار نظر به چند مثال اکتفا می‌کنیم: تمام نسخه‌های قدیم بیت‌های زیر را بدین شکل می‌آورند ... (ایشان در اینجا چندین بیت را به عنوان شاهد و مثال از نسخه‌های قدیمی ذکر می‌کنند و سپس چنین می‌نویسد): "این ابیات بدون هیچ اشاره‌ای به آنکه در تمام نسخه‌های قدیم به شکل بالا آمده است و بدون ضبط نسخه بدل‌های آن در چاپ استاد فروغی چنین آمده است ...". ناشر محترم سپس عین آن ابیات را که گویا در تمام نسخه‌های قدیم به وجه صحیح آمده با معادل آنها در چاپ بوستان فروغی مقایسه می‌کند تا اثبات کند که در چاپ بوستان حاضر کلمه‌ها و اصطلاحاتی آمده که هم از لحاظ قدمت و صحت و هم از حیث منطق و معنی و سبک قدیم درست و صحیحند و هیچ‌کدام از آنها در چاپ استاد محمدعلی فروغی قید نشده است (ص ۲۸ پیش‌گفتار) با ذکر چند مثال موضوع را واضح‌تر شرح می‌دهیم. ناشر محترم می‌نویسد که مثلاً در تمام نسخه‌های قدیم که اساس تصحیح ایشان بوده بیت زیر بدین شکل آمده است (به طریق اولی در چاپ بوستان حاضر).

بهمت بر آر از ستیزنده شور که بازوی همت به از دست زور

بعد این بیت بدون هیچ اشاره‌ای به آنکه در تمام نسخه‌های قدیم به شکل بالا آمده است و بدون ضبط نسخه بدل‌های آن در چاپ استاد فروغی چنین آمده است. پیش‌گفتار، ص ۲۷:

بهمت بر آر از ستیهنده شور که بازوی همت به از دست شور



(كذا في المتن - شعر فاقد قافیه و غلط است)

حالا ببینیم این بیت در بوستان چاپ دکتر علی‌یف چگونه آمده و در بوستان چاپ فروغی چگونه ضبط شده است. بوستان چاپ دکتر علی‌یف را ورق می‌زنیم. در ص ۲۸ سطر اول بیت عیناً چنین آمده است:

بهمت بر آرزو ستیهنده شور که بازوی همت به از دست زور  
ملاحظه فرمایید که ضبط این بیت در بوستان چاپ دکتر علی‌یف و بوستان چاپ فروغی یکسان است و صحبت درباره تمام نسخه‌های قدیمی بی‌اساس است با این تفاوت که ایشان بیت چاپ فروغی را در صفحه ۲۷ مقدمه غلط وارد کرده‌اند!

مثال دیگر: ناشر محترم نوشته‌اند که تمام نسخه‌های قدیم بیت زیر را بدین شکل می‌آورند:  
شنیدم که لقمان سیه پام بود نه تن پرور و نازک اندام بود  
سپس اضافه می‌کنند: این بیت، بدون هیچ اشاره‌ای به آنکه در تمام نسخه‌های قدیم به شکل بالا آمده است و بدون ضبط نسخه

بدل‌های آن در چاپ استاد فروغی چنین آمده است:  
شنیدم که لقمان سیه فام بود نه تن پرور و نازک اندام بود  
به متن‌ها مراجعه کنیم: در ص ۱۵۴، سطر ۱۵ بوستان چاپ دکتر علی‌یف این بیت چنین است:

شنیدم که لقمان سیه پام بود نه تن پرور و نازک اندام بود  
در حاشیه با قید شماره ۲۰ چنین آمده است: (۲۰) چ ل پ ا ف ع سیه فام. به عبارت دیگر نه فقط تمام نسخه‌های قدیم چنانکه ناشر محترم مدعی هستند پام ضبط نکرده‌اند بلکه حتی همین نسخه دوشنبه در جای دیگر در همین بوستان حاضر فام آورده است. بدین ترتیب:

به دیباچه بر اشک یاقوت فام به حسرت ببارید و گفت ای همام  
مثال دیگر: ناشر محترم نوشته‌اند که تمام نسخه‌های قدیم بیت زیر را بدین شکل می‌آورند:

گروهی بماندند مسکین و ریش پس چرخه شستن گرفتند پیش  
بعد اضافه می‌کنند ... این بیت، بدون هیچ اشاره‌ای به آنکه در تمام نسخه‌های قدیم به شکل بالا آمده است و بدون ضبط نسخه بدل‌های آن در چاپ استاد فروغی چنین آمده است:

گروهی بماندند مسکین و ریش پس چرخه نفرین گرفتند پیش  
به متن‌ها مراجعه کنیم: در ص ۳۶، سطر ۱۴ بوستان چاپ علی‌یف این بیت چنین آمده است:

گروهی بماندند مسکین و ریش پس چرخه شستن گرفتند پیش  
با قید شماره ۱۶ در حاشیه چنین آمده است: (۱۶) پ ل پ ا ف ع نفرین.

به عبارت دیگر ضبط چاپ فروغی مطابق است با ضبط اکثر نسخه‌های قدیمی که در دسترس ناشر بوده است. حتی مطابق است با ضبط همین نسخه دوشنبه. زیرا نسخه "د" همین مضمون را (که ناشر محترم بدان التفات نفرموده‌اند) در ص ۵۶، سطر ۵ چنین آورده است:

چه سود آفرین بر سر انجمن پس چرخه نفرین کنان پیر زن  
آیا سزاوار است گفته شود که تمام نسخه‌های قدیم چنان ضبط کرده‌اند و فقط بوستان فروغی چنین ضبط کرده است؟ ...

مثال دیگر: ناشر محترم نوشته‌اند که تمام نسخه‌های قدیم بیت زیر را بدین شکل می‌آورند:  
یکی پنج بیتم خوش آمد بگوش که می‌گفت گوینده خوب دوش

بعد اضافه می‌کند ... "این بیت بدون هیچ اشاره‌ای به آنکه در تمام نسخه‌های قدیم به شکل بالا آمده است در چاپ استاد فروغی چنین آمده است:

یکی پنج بیتم خوش آمد بگوش که در مجلسی می‌سرودند دوش  
اولاً ضبط گوینده بدان صورتی که دکتر علی‌یف نوشته‌اند غلط است باید چنین نوشته شود: گوینده‌ی یا گوینده‌ای. ثانیاً وقتی که به بوستان چاپ فروغی مراجعه می‌کنیم می‌بینیم در ص ۳۲، سطر ۷ در برابر آن بیت با شمار ۲ خواننده را به حاشیه توجه می‌دهد که

نسخه بدل است: "که می‌گفت گوینده‌ای خوب دوش".  
مثال دیگر: ناشر محترم نوشته‌اند که تمام نسخه‌های قدیم بیت زیر را بدین شکل می‌آورند:

نصیحتگری کوشش آغاز کرد که خود را بکشتی در این آب سرد  
بعد اضافه می‌کند: این بیت بدون هیچ اشاره‌ای بدانکه در تمام نسخه‌های قدیم به شکل بالا آمده است و بدون ضبط نسخه بدل‌های آن، در چاپ استاد فروغی چنین آمده است:

نصیحتگری لومش آغاز کرد. به متن مراجعه کنیم. در ص ۱۲۲، سطر ۱۰، چنین است: نصیحتگری کوشش آغاز کرد. با قید شماره ۷ در حاشیه چنین است: (۷) پ ل ت ف ع لومش. به عبارت دیگر ضبط چاپ فروغی مطابق است با چهار نسخه قدیمی و معتبر که در دست ناشر مورد استناد بوده است ...

در حاشیه بوستان فروغی اصلاً علامت استفهام (؟) نیست و نمی‌دانم ناشر محترم چرا علامت استفهام را از خود به عبارت مرحوم فروغی افزوده‌اند؟

۲-۴. یجز آقای اکبر طرفه، آقای دکتر محمود کامیار نیز در سه مقاله (۱. اندر ملحقات بوستان، ۲. و بوستان ۳. سعدی نامه)، رك. بخش تأثیرات و پاسخ‌ها همین کتاب) برخی اشتباهات بوستان چاپ علی‌یف را بر شمرده‌اند که چند عبارت آن را باز می‌نگریم: "... اگر آقای علی‌یف فقط يك نسخه را متن قرار می‌داد، در موضوع مقابله دستنویس‌های آثار سعدی، بهترین نمونه را عرضه کرده بود، معذالك گاهی از همین سه نسخه هم قطع نظر کرده و این دیگر اسباب تعجب فراوان شد ... محقق روسی حداقل در هشت مورد از قاعده خود عدول کرده و ما فقط از لحاظ بررسی راه صحیح مقابله نسخه‌های خطی به ذکر این موارد می‌پردازیم ...

در حقیقت مقابله نسخه‌ها موضوعی است که سلیقه شخصی محقق نباید در آن دخالت داشته باشد و این قاعده‌ای است که شخص آقای علی‌یف بدو عنوان کرده و فوراً نیز آن را زیر پا گذاشته است ... " (و بوستان، رنگین کمان، ۲۹ آبان تا ۶ آذر ۱۳۴۸، ص ۷۸).

آقای کامیار پس از برشمردن موارد متعددی از این گونه اشتباهات بوستان چاپ علی‌یف، ادامه می‌دهد: "این موارد و موارد متعدد دیگری که پروفیسور علی‌یف متن اصیل و معتبر را کنار گذاشته و متون مشکوک را اختیار کرده، نشان می‌دهد که تصحیح اشتباهات منشیان قرون گذشته با علاقه و سلیقه شخصی نباید صورت بگیرد" (همان مأخذ، ص ۴۴).

آقای کامیار با رد ادعای علی‌یف نسبت به الحاقی بودن بیش از ۷۰۰ بیت بوستان، برخی از ابیات مورد نظر را در بوستان چاپ خود ایشان یافته، بازنموده و نوشته‌اند: "در حقیقت اگر محقق روسی قدری بیشتر در کار خود دقت کرده بود متوجه می‌شد که بعضی از این ابیات فقط جابه جا شده، یعنی قسمتی از این همه سر و صدا فقط به خاطر پس و پیش شدن قطعات و اختلاف نسخه‌های مختلف در تنظیم و ترتیب اشعار بوده است! من باب مثال در صفحه ۱۷۳ بوستان چاپ علی‌یف شعری ذکر شده که علی الظاهر فقط

در نسخه پاریس شماره ۱۲۸۲ قید گردیده است.

چو روی پرستیدنت در خداست اگر جبرئیلت نبیند رواست

این شعر که با جمله "نسخه پاریس اضافه دارد" در پاورقی کتاب آمده به زعم آقای علی‌یف از ابیات الحاقی و البته نامأنوس باید باشد! و هم در عین حال نایب‌تری در سایر نسخه‌ها دیده شود. معذالک در صفحه ۱۷۵ آن را در "متن" کتاب می‌یابیم و این بدان معنی است که در تمام نسخه‌های خطی مضبوط بوده و فقط از نظر تیزبین آقای علی‌یف مخفی مانده بوده است!

به همین نحو حکایت "رباخواری از نردبانی فتاد" که در صفحه ۱۸۴ به عنوان حکایت "اضافی" نسخه ایندی‌آفیس لندن در پاورقی آمده قبلاً در صفحه ۱۷۳ و البته در متن ذکر گردیده است! در صفحه ۲۴۲ دو بیت شعر به عنوان اضافات نسخه‌های چاپی در پاورقی آمده، که عیناً در صفحه ۲۵۶ در متن کتاب و البته از نسخه‌های خطی نقل گردیده است!

در این باغ سروی نیامد بلند که باد اجل بیخیش از بن نکند  
قضا نقش یوسف جمالی نکرد که ماهی گورش چو یونس نخورد

دو بیت از متن صفحه ۱۷۳ نیز همین سرگذشت را داشته، زیرا که در پاورقی صفحه ۲۲۷ البته به عنوان اضافات و ملحقات ذکر گردیده است!:

نکو سیرت بی‌تکلف برون به از نیک‌نام خراب اندرون  
به نزدیک من شبرو راهزن به از فاسق پارسا پیرهن

نیز حکایت دوم از باب هفتم که در صفحه ۱۸۷ به عنوان اضافات و ملحقات بوستان در "پاورقی" ذکر شده در صفحه ۱۸۹ در متن آمده است! در پاورقی صفحه ۵۶ شعری از نسخه ایندی‌آفیس ذکر کرده که ظاهراً در بقیه نسخه‌ها مضبوط نبوده:

ازین به نصیحت گری بایدت ندانم پس از من چه پیش آیدت  
معذالک همین شعر در صفحه ۱۷۵ در متن کتاب آمده بنابراین در تمام نسخه‌های خطی مضبوط بوده و جمله "نسخه لندن اضافه دارد" درباره آن مصداق نداشته است.

قطع نظر از موارد فوق، آقای علی‌یف اشعار و قطعات متعددی را در پاورقی بوستان استنساخی خود، البته به عنوان اضافات و ملحقات ذکر نموده که با جستجوی مختصری می‌توان مشابه آنها را در سایر آثار سعدی پیدا کرد.

از محقق دانشمندی مثل پروفیسور علی‌یف خلیلی بعید است که این اشعار را "سست و نامأنوس" و "الحاقی" دانسته باشد، معذالک وی صریحاً تمام ابیاتی را که در نسخه‌های چسترییتی و پاریس ۱۳۸۱ و مخصوصاً نسخه تاجیکستان موجود نبوده، الحاقی و اضافی اعلام کرده و ما هم البته وکیل مدافع ایشان نیستیم!

اگر نسخه کلیاتی که در تاجیکستان شوروی پیدا شده، این طور که آقای علی‌یف می‌گوید از قدیمی‌ترین و معتبرترین نسخه‌هایی باشد که در کتابخانه‌های دنیا موجود است به همین دلیل هم ممکن است نسبت به سایر نسخه‌ها کم و کسر داشته باشد، زیرا سعدی در مدت بیست و چند سالی که بعد از تصنیف بوستان و گلستان در حیات بوده، قطعاً اشعار و قطعاتی به آثار خود اضافه کرده است (اندر ملحقات بوستان، رنگین کمان، شماره ۸۷، از ۹ تا ۱۶ بهمن ۱۳۴۸، صص ۸۸-۸۷).

۲-۴. آقای سعید حمیدیان در مقاله‌ای بلند بوستان چاپ علی‌یف را با بوستان به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی سنجیده و موارد عمده اختلاف این دو کتاب را باز نموده است. در آنجا نیز برخی از اشتباهات علی‌یف باز نموده شده است (حسن روز افزون بوستان، نشر دانش، سال دهم، شماره ۶، خرداد و تیر ۱۳۶۱، صص ۴۹-۳۳).

۴-۴. آیا با وجود این همه اشتباه در بوستان چاپ رستم علی‌یف، سخن آقای دکتر ذبیح‌الله صفا سخنی شایسته است که ضمن دقیق و کامل دانستن این متن گفته‌اند: "گمان نمی‌رود دیگر بار به تجدید چنین خدمتی حاجت افتد" (مقدمه کتاب، ص ۷) و آیا این نظر، سزاوار مرحوم فروزانفر است که فرموده‌اند: "[ آقای علی‌یف ] بر مبنای صحیح و چنانکه رسم محققان است بوستان سعدی را دور از خار و خاشه تصرفات و تحریفات مقابله کرده و با کمال دقت و امانت و ذکر مراجع، نسخه بدل‌ها را در پاورقی آورده است. به طوری که خواننده اکنون می‌تواند این منظومه نوآیین را بدان گونه که در روزگار نزدیک به عصر گوینده آن متداول بوده است در مطالعه گیرد..." (مقدمه کتاب، ص ۴).

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. سعدی نامه، دکتر محمود کامیار، رنگین کمان، شماره ۷۷، ۲۲ آبان ۱۳۴۸، صص ۲۱-۲۰، ۲۳-۲۰، ۵-۲. بوستان، دکتر محمود کامیار، رنگین کمان، شماره ۷۸، ۲۹ آبان تا ۶ آذر ۱۳۴۸، صص ۲۱-۲۰، ۴۴-۵۳. اندر ملحقات بوستان، دکتر محمود کامیار، رنگین کمان، شماره ۸۷، ۹ تا ۱۶ بهمن ۱۳۴۸، صص ۲۱-۱۸، ۳۶-۴۰. بوستان سعدی به تصحیح علی‌یف [ ۱ ]، اکبر طرفه، یغما، سال بیست‌وهفتم، شماره سوم، خرداد ۱۳۵۳، صص ۱۷۹-۱۷۵، ۵-۵. بوستان سعدی به تصحیح علی‌یف (۲)، اکبر طرفه، یغما، سال بیست‌وهفتم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۵۳، صص ۲۶۱-۲۵۲، ۶-۵. گامی‌چند با شارحان بوستان ...، رضا انزابی‌نژاد، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۷، شماره مسلسل ۱۱۴، تابستان ۱۳۵۴، ص ۲۹۹. ۷-۵. نقد و بررسی شرح سودی بر بوستان، ولی‌الله درویدیان، نگین، سال دهم، شماره مسلسل ۱۲۰، سی‌ویکم اردیبهشت ۱۳۵۴، ص ۵۶. ۸-۵. حسن روزافزون بوستان، سعید حمیدیان، نشر دانش، سال دهم، شماره ۴، خرداد و تیر ۱۳۶۱، صص ۴۹-۳۳.

**سعدی‌نامه یا بوستان سعدی، به تصحیح و حاشیه‌نگاری محمدرضا جلالی نائینی و مقدمه محمد محیط طباطبایی، کتاب‌فروشی و چاپخانه اقبال، آبان ۱۳۱۷، ۲۹۶ صفحه (۲۴+۲۷۲)، قطع: رقعی، شمارگان: نامعلوم.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. مقدمه‌ای به قلم آقای محمد محیط طباطبایی (صص ۲۳-۱).

۱-۱-۱. زندگانی سعدی، پرداخت داستان‌گونه‌ای از سرگذشت سعدی، مبتنی بر حکایت‌های بوستان و گلستان، از جمله: "شیخ ابو‌عبیدالله مشرف‌بن مصلح شیرازی متخلص به سعدی در اواخر سده ششم هجری به دنیا آمده است ... با وجود خردسالی روزه می‌گرفت و شب‌زنده‌داری می‌کرد ... ناگاه سایه پدر از سرش برفت و مریه مهربانش دست از جهان فانی بشست و فرزند او از داغ دل یتیمان باخبر شد ... تا آنکه جوانی برومند شده و به مقتضای جوانی و نادانی رفتار می‌کرد، گاهی با جوانان شوخ و خندان همدم و هم‌قدم بود و گاهی بر مادر مهربان به نادانی بانگ می‌زد و خاطر وی را آزرده می‌ساخت ... سالی که محمد خوارزمشاه و ختایان صلح کرده بودند (صص ۶۱۰-۶۵۰) به جامع کاشغر در آمد و با طالب نحوی به گفتگو پرداخت، در راه بلخ بامی با دوست سلحشور گرامی خود دچار حرامی شده ... در بتکده سومنات بت بزرگ هندوان را شکسته و مجبور به فرار شد ... پس از یک‌صد و اندی سال زندگانی شب شنیه بیست و هفتم ذیحجه ۶۹۱ یا ۶۹۴ رخت از سرای فانی بریست و در همان خانقاه خود مدفون گردید ..." (صص ۷-۱).

۱-۱-۲. معرفی کوتاه آثار سعدی (صص ۱۰-۸).

۱-۱-۳. توضیح درباره بوستان، از جمله: "بوستان که از نظر ترتیب تاریخی، زمان تصنیف آن بر غالب آثار سعدی مقدم می‌باشد، یک مثنوی عارفانه‌ای است که زبده و نتیجه کلیه مراحل سیر و سلوک سعدی را در ضمن چهار هزار بیت فراهم آورده ..." (ص ۱۱).

- ذکر ملاقات سعدی و شیخ صفی‌الدین از قول ابن بزاز اردبیلی (صص ۱۴-۱۲).

- اشاره‌ای به برخی از نسخه‌های خطی بوستان (۱۶-۱۵).

۱-۱-۴. معرفی چند نسخه چاپی بوستان: نسخه چاپی گراف (۱۸۵۰ م)، چاپ سنگی (۱۸۹۱ م) در لندن، چاپ امیرخیزی (۱۳۱۰ ش)، چاپ محمدعلی فروغی (۱۳۱۶ ش) و چاپ کتاب حاضر به وسیله سید محمدرضا جلالی نائینی (صص ۱۷-۱۶).

۱-۱-۵. معرفی برخی از شرح‌های بوستان: سروری، شمعی، گراف، سودی و هوالی برسودی و ... (صص ۱۹-۱۸).

۱-۱-۶. معرفی برخی از ترجمه‌های بوستان به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، هلندی، لاتین و ... (صص ۲۱-۱۹).

۱-۱-۷. معرفی چند کتاب که درباره سعدی نوشته شده است (صص ۲۳-۲۲).

۱-۲. توضیحی کوتاه از سید محمدرضا جلالی نائینی درباره تصحیح حاضر از متن بوستان و تشکر از محیط طباطبایی به جهت نگاشتن مقدمه (ص ۲۴).

۱-۳. متن بوستان با نقل نسخه بدله‌ها و توضیح برخی واژه‌ها در پاورقی (صص ۲۶۷-۲۵).

۱-۴. فهرست حکایت‌های بوستان (۲۷۳-۳۶۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. چند نسخه خطی و چاپی بوستان (نشانی مآخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. کتاب، متن تمام بوستان با معنی برخی از واژه‌هاست.

۴. اشاره: ۴-۱. این کتاب یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌هایی است که با مقابله چند نسخه خطی و چاپی به تصحیح متن بوستان پرداخته و نسخه بدله‌ها را (البته بدون یادکرد مآخذ) در پاورقی آورده است. همان گونه که در مقدمه یادآوری شده، این کتاب برای استفاده دانش‌آموزان فراهم آمده و به همین منظور مصحح برخی از واژه‌های دشوار را در پاورقی معنی کرده است. مقدمه ارزشمند محمد محیط طباطبایی نیز بر ارزش این کتاب افزوده است. البته شایسته‌تر بود نسخه‌های مورد استفاده نیز معرفی می‌شد.

۴-۲. اگر چه در توضیحات پاورقی بنای مصحح بر ایجاز بوده است، اما این توضیحات یکدست نیست؛ درباره برخی از واژه‌های ساده و دریافتنی توضیح داده شده، ولی برخی از واژه‌های مشکل که متناسب با بقیه توضیحات نیاز به توضیح داشته رها شده است. برای نمونه:

- ص ۴، در بیت "که خاصان در این ره فرس را ندهاند - به لا احصي ازتك فرو مانده‌اند" تنها فرس (= اسب) معنی شده است. در حالی که دست کم درباره "لا احصي" باید توضیح داده می‌شد.

- ص ۵، در بیت

"کریم‌السجایا جمیل‌الشیم نبی‌البریا شفیع‌الامم"

تنها سجایا (= عادت‌ها) معنی شده، در حالی که بقیه واژه‌های بیت از "سجایا" ساده‌تر نیستند. در همان صفحه واژه‌های صیت (= آوازه)، افواه (= دهن‌ها)، تیه (= بیابان) معنی شده، ولی هیچ کدام از واژه‌های مصرع "قسیم جسیم نسیم و سیم" معنی نشده است.

- در بقیه صفحه‌ها نیز واژه‌های ساده‌ای چون واژه‌های زیر معنی شده است: ص ۲۶: لاجرم (= ناگزیر، ناچار)، ص ۲۷: دژم (= خشمگین)، ص ۲۸: خیره (متحیر، سرگردان)، ص ۳۱: روستایی (= دهقان، برزگر)، ص ۴۰: کلان (= بزرگ)، ص ۷۰: نورد (= جنگ)، ص ۹۳: ایثار (= دیگری را بر خود برگزیدن)، ص ۱۰۰: جغد (= بوم) و همای (= نام مرغی است)، ص ۱۵۶: جلاد (دژخیم) و ... اما واژه‌های مشکل‌تری چون واژه‌های زیر معنی نشده‌اند: ص ۱۸، ب ۲ (هرم) و ص ۲۷، ب ۱۲ (رفع دیوانیان) و ص ۴۹، ب ۵ (نطع) و ص ۹۲، ب ۷ (ادهم) و ص ۲۸، ب ۶ (با نداشتی دوده‌اندوده‌ای) و ...

۴-۳. برخی از توضیحات نیز محل تأمل است، موارد زیر از آن جمله است: ص ۳، در توضیح "ورطه" در بیت "در این ورطه کشتی فرو شد هزار ... نوشته‌اند: "زمین فراخ، موجودات مجرده!"

ص ۲۲، در بیت

"نظر کن چو سوفار داری به دست نه آنگه که پرتاب کردی ز شست"

در معنی سوفار نوشته‌اند: "طرف و اوانی را گویند که از گل پخته شده باشد، مانند کوزه و سبو و طغار و خم و جز آن و دیگر هر سوراخی را گویند بویژه سوراخ سوزن و نیز سوفار را به معنای دهان تیر نیز گفته‌اند و آن جایی باشد که چله کمان را بدان بند کنند." درست این بود که تنها معنی اخیر نوشته می‌شد و یا دست کم معنی اخیر مقدم بر معنای دیگر می‌آمد. ص ۸۰، در بیت:

"گدایی که بر شیر نر زین نهد ابوزید را اسب و فرزین نهد"

نوشته‌اند: "ابوزید: نام شطرنج‌بازی است که بسیار مهارت داشته" [!] و اسب و فرزین نهادن را کنایه از مات کردن دانسته‌اند و ...

۴-۴. متن این کتاب نیز از اشتباهات چاپی در امان نمانده است، هر چند با توجه به قدمت آن (۱۳۱۷) این اشتباهات اندک است، موارد زیر از آن جمله است: ص ۶، س ۸: یخ (به حق) و ص ۱۲، س ۱۱: دست و کرار (دست و کردار) و ص ۲۸، س ۱۱: زشت (رشت) و ص ۸۱،

س ۱۲: رز (زر) و ص ۱۲۰، س ۹: خویش (خویش) و ص ۱۳۷، س ۱۲: افتاد (افتاده) و ص ۱۳۸، س ۹: بینندگان (بینندگان) و ...

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کابویانی، ۱۳۲۸، ص ۲۱۹. ۵-۲. تصوف در نظر سعدی، بدیع‌الله دبیری نژاد، مقالاتی درباره شعر و زندگی سعدی، ۱۳۵۲، ص ۱۹۲. ۵-۳. سعدی و فلسفه زندگی، دکتر حیدر رقابلی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، ۱۳۶۴، صص ۱۳۷، ۱۶۰. ۵-۴. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱-۳، دکتر ذبیح‌الله صفا، انتشارات فردوس، ۱۳۶۶ (چاپ پنجم)، ص ۵۸۵. ۵-۵. گلستان سعدی، با تصحیح و مقدمه محمد محیط طباطبایی، به خط امیر فلسفی، ناشر: سید عبدالله موسوی، دیز کوهی، ۱۳۷۱، ص: بیست‌وپنج.

**سعدی و خسرو، وزیرالحسن عابدی، نشر پیکچرز لمیتد، (لاهور پاکستان)، بدون تاریخ، ۲۰۴ صفحه (۲۵۸+۴۶)، قطع: رقعی، شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه.**

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. پیش‌گفتار - سخنی کوتاه درباره کتاب حاضر (ص ۷).

۱-۲. دیباچه (صص ۲۹-۹).

۱-۲-۱. توضیح درباره کتاب حاضر و نتایج کلی آن: "این مجموعه مشتمل بر تمام غزلیات" هم طرحی "سعدی و خسرو که دارای چهل‌وسه زمینه هم طرحی و شامل نود و هفت غزل می‌باشد، بر اساس متن کلیات شیخ سعدی، تصحیح کرده مرحوم محمدعلی فروغی (چاپ احمدعلی، تهران) و دیوان کامل امیر خسرو دهلوی (چاپ درویش، تهران) تهیه و در موارد احتیاج از روی سه نسخه دیوان خسرو که بسیار گران‌بهاست تصحیح شده است ... (ص ۹).

از تتبع درباره غزل‌های هم طرحی سعدی و خسرو به یک نتیجه مهمی و اکتشاف با ارزشی می‌رسیم و آن این است که بیشتر این غزل‌ها از زمان کمال هنری این دو شاعر بزرگ است ... طبیعت و بدایع مشتمل است بر غزل‌های زمان عروج هنری شیخ اجل سعدی و همین طور اغلب غزل‌های خسرو از دواوین وی می‌باشد که یادگار سن کوهلوت و پیرانه سالی شاعر است و این مطلب از دو لحاظ اهمیت دارد. یکی اینکه غزل‌های طبیعت و بدایع بهترین غزل‌های سعدی شمرده می‌شود و هم طرحی خسرو با سعدی در زمینه این غزل‌ها دارای ارزش فوق‌العاده‌ای است و این مسئله را حل می‌کند که خسرو در زمان عروج هنری خودش زیاد از سعدی استقبال کرده و از طرف دیگر این خیال نیز تقویت می‌شود که سعدی پیرانه سالی برای دیدار خسرو به شبه قاره مسافرت نموده و خسرو با وی شاید در ملتان ملاقات کرده و فوق‌العاده تحت تأثیر وی قرار گرفته است ... همگامی این دو شاعر بزرگ محدود به اتحاد طرح غزل‌ها نیست، بلکه یک وحدت فکری و معنوی و در نتیجه اتحاد مضامین شعری بین این دو غزلسرا به حدی وجود دارد که در خصوص

ارادت خسرو به سعدی شکی را باقی نمی‌گذارد، بلکه دست دادن دیدار همدیگر با این شواهد تازه که از عده غزل‌های هم‌طرحی به دست می‌آید، دیگر مستبعد نمی‌ماند و ما می‌توانیم در این خصوص نظر خاورشناس فرانسوی، هانری ماسه را با دلایل تأیید کنیم که گفته است مسافرت سعدی به شبه قاره و دیدار با امیرخسرو چندان استبعاد ندارد... (صص ۱۲-۱۰).

۱-۲-۲. نقل ابیاتی از سعدی و خسرو که دارای مضامین یا معانی مشترک هستند (صص ۲۹-۱۳).  
۱-۳. گفتاری زیر عنوان "دورنمای زندگانی شیخ اجل سعدی" و نقل سال‌شمار وقایع زندگی سعدی و معاصران و ممدوحان او (صص ۳۳-۳۱).

۱-۴. گفتاری زیر عنوان "دورنمای زندگانی امیرخسرو" و نقل سال‌شمار وقایع زندگی امیرخسرو و آثار او (صص ۳۸-۳۵).

۱-۵. فهرست مصراع‌های نخست غزل‌های "هم‌طرحی" سعدی و امیرخسرو (صص ۴۶-۴۱).

۱-۶. نقل متن غزل‌های "هم‌طرحی" سعدی و امیرخسرو در این بخش ابیات غزل‌های سعدی در صفحه سمت راست، و ابیات غزل‌های امیرخسرو در صفحه سمت چپ نوشته شده و شامل دو گونه از غزل‌هاست:

۱. غزل‌هایی که قافیه مشترک و بحر مختلف دارند.  
۲. غزل‌هایی که بحر و قافیه مشترک دارند. مجموعاً ۴۸ غزل از سعدی و ۴۹ غزل از امیرخسرو در برابر هم نهاده شده است (صص ۳۵-۳۲).

۱-۷. فهرست تصحیحات متن و توضیح چند واژه و ترکیب (هفت صفحه بدون شماره).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، چاپ احمدعلی تهران، ۲-۲. دیوان کامل امیرخسرو دهلوی، چاپ درویش تهران، ۲-۳. کلیات سعدی، مظاهر مصفا.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۹۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این اثر تنها پژوهش مستقلی است که برای بازیافت همانندی‌های غزل‌های سعدی و امیرخسرو دهلوی، به گونه‌ای گسترده، در هیأت یک کتاب منتشر شده است.

در دیباچه کتاب، نتیجه پژوهش و برخی مفاهیم مشترک غزل‌های سعدی و امیرخسرو و سال‌شمار وقایع زندگی آنها باز نموده شده و بر ارزش آن افزوده است.

یادکرد دقیق نشانی نمونه‌ها، تصحیح غلط‌های نوشتاری در فهرست پایانی کتاب و برابر نهادن غزل‌های همگون در صفحه‌های روبه‌رو از ویژگی‌های دیگر این کتاب است.

با این همه، شایسته بود نمونه‌های همانند بازیافته شده، تحلیل و بررسی شود و از نظر ارزش ادبی اختلاف آنها کاویده و از دیدگاه شگردهای شاعرانه با هم سنجیده شوند.

حجم عمده کتاب که به خط "سید ثقلین زیدی" و در کاغذ صد گرمی اعلا به چاپ رسیده، به نقل غزل‌های مورد نظر اختصاص یافته و جای توضیح و تحلیل تطبیقی - انتقادی بایسته‌ای در آن خالی است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. سعدی و خسرو، محمدحسین تسبیحی، وحید، دوره نهم، شماره ۷، مهر ۱۳۵۰، صص ۱۱۴۳-۱۱۴۰.

## سعدی و فلسفه زندگی، دکتر حیدر رقابی، نشر حیران، ۱۳۶۲، ۱۰۴ صفحه، قطع: رقعی، شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. فهرست مطالب (صص ۶-۵).

۱-۲. پیش‌گفتار، به قلم دکتر سیدحسن سادات ناصری، در این پیش‌گفتار سه اثر از دکتر حیدر رقابی معرفی شده و با اشاره به مقاله ایشان در کنگره جهانی بزرگداشت هشت صدمین سال تولد سعدی عباراتی از آن مقاله و این کتاب یادآوری شده و مقام علمی ایشان در فلسفه ستوده شده است (صص ۱۱-۷)، از جمله: "... درک زبان خاص دکتر رقابی، در تشریح مباحث پیچیده فلسفی، اندیشه‌ای فیلسوفانه می‌خواهد و تخصصی لایق فهم این مباحث والای دور از ذهن‌های ساده. ولی این استاد فیلسوف ادیب شاعر ما، با زبان شعر و هنر، بسیاری از دشواری‌های فهم این مطالب متعالی را آسان کرده است. وی سعدی را سخنگوی زندگی و پردازهای تصویرگونه اشعارش را، نقاشی نام نهاده است..." (ص ۱۰).

۱-۳. گفتاری زیر عنوان "سرزمین گل سرخ‌ها" این گفتار در واقع گزارشی است از خاطرات نگارنده در کنگره هشت‌صدمین سال تولد سعدی در شیراز، که با نثری نسبتاً شاعرانه و گاهی تخیلی درباره شهر شیراز، سعدی و خاطرات کنگره نگاشته شده است (صص ۲۵-۱۵). از آن جمله است: "... شب بود و اکنون هشت‌صد سال از آن روز گذشته بود، اما گل سرخ‌ها هنوز هم می‌رویدند و عطر سده‌ها را همه جا با شعر و فلسفه زندگی، همراه می‌ساختند... اکنون از همه جای جهان، برای شنیدن صدای بال کیوتران باغ دلگشا به شیراز آمده‌اند و چه تفاوت می‌کند که بهار باشد یا پاییز. کیوتران سخن‌های سعدی همیشه و همه جا در پروازند. سایه‌های طولانی درختان مانند اندیشه قرن‌ها بر زمین مهرپرور شیراز کشیده شده و با سایه گل‌های پاییزی فرودگاه هم آغوش شده بود... حکمت سده‌ها را در واژه‌های آهنگین سعدی می‌دیدیم... میان فلسفه زندگی و شعر سعدی فاصله‌ای نبود... " بنی‌آدم" سعدی هم شعر است و هم فلسفه. با همین چند واژه، فلسفه شعر می‌شود و شعر فلسفه می‌شود..."

۱-۴. متن اصلی کتاب شامل بخش‌های زیر:

- سعدی فیلسوف زندگی (صص ۳۱-۲۹).

- زبان سعدی، زبان خودآگاهی (صص ۳۶-۳۵).

- سعدی نقاش زندگی است (صص ۴۳-۳۹).

- یک ویژگی بزرگ (صص ۵۰-۴۷).

- از شعر زندگی تا فلسفه زندگی (صص ۵۶-۵۳).

- پیروان فلسفه زندگی چه می‌گویند؟ (صص ۶۱-۵۹).

- اصول فلسفه زندگی (صص ۶۷-۶۵).

- سعدی و خودآگاهی (صص ۷۸-۷۱).

- سعدی و آزادی (صص ۸۶-۸۱).

- جبر یا اختیار؟ (صص ۹۸-۸۹).

- نبوغ، اصالت، آفرینندگی (صص ۱۰۴-۱۰۱).

\* با توجه به اینکه متن اصلی این کتاب به صورت مقاله در کنگره بزرگداشت هشت‌صدمین سال تولد سعدی ارائه و در جلد دوم ذکر جمیل سعدی (صص ۱۶۲-۱۳۱) با نام "سعدی و فلسفه زندگی" چاپ شده است، و ما در بخش مقاله‌ها به آن پرداخته‌ایم برای اطلاع بیشتر از متن نوشته رک. مقاله یاد شده در بخش مقاله‌ها.

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، ۲-۲. سعدی‌نامه با مقدمه محمدمحیط طباطبایی، ۲-۳. مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، دکتر منصور رستگار، ۲-۴. قلمرو سعدی، علی دشتی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۲۹ بار، گلستان ۱۷ بار، بوستان ۱۷ بار، قصاید ۵ بار.

**۴. اشاره:** ۱-۴. بجز پیش‌گفتار این کتاب که به قلم سیدحسن سادات ناصری نوشته شده و نویسنده کتاب را معرفی کرده است و گفتار نخستین آن که در واقع سفرنامه نگارنده است که برای ارائه مقاله در کنگره هشت‌صدمین سال تولد سعدی به شیراز سفر کرده، بقیه مطالب متن همان مقاله‌ای است که در کنگره یاد شده ارائه و در جلد دوم کتاب ذکر جمیل سعدی با نام "سعدی و فلسفه زندگی" به چاپ رسیده است (با تغییر بسیار اندکی) رک. مقاله "سعدی و فلسفه زندگی"، از نامبرده در بخش مقاله‌ها.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. رک. "سعدی فلسفه زندگی"، حیدر رقابی (بخش مقاله‌ها).

**سیمدل مسکین صدویک غزل از سعدی شیرازی، به اهتمام ستراک مانوکیان، انتشارات مؤسسه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران رم، ۱۳۷۰، ۲۱۶ صفحه (۲۶۴+۵۲)، قطع: رفعی، شمارگان: نامعلوم.**

**۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. فهرست مندرجات به زبان ایتالیایی (ص ۵).  
۱-۲. مقدمه به قلم ریکاردو زیبولی، به زبان ایتالیایی (صص ۷-۹).  
۱-۳. مقدمه مؤلف به زبان ایتالیایی (صص ۱۱-۱۴).  
۱-۴. گفتاری زیر عنوان سعدی در متون فارسی به زبان ایتالیایی (صص ۱۵-۳۲).  
۱-۵. گفتاری زیر عنوان سعدی در متون غربی به زبان ایتالیایی (صص ۳۲-۴۱).  
۱-۶. متن فارسی صد و یک غزل از سعدی به همراه ترجمه ایتالیایی آن (صص ۴۲-۲۴۳).  
۱-۷. گفتاری زیر عنوان "سیم دل مسکین" به زبان ایتالیایی (صص ۲۴۵-۲۶۲).  
۱-۸. فهرست منابع و مأخذ به زبان ایتالیایی (صص ۲۶۳-۲۶۴).  
۱-۹. فهرست مطلع غزلیات (صص ۴۸-۵۲).  
۱-۱۰. گفتاری زیر عنوان "سیم و دل مسکین" به زبان فارسی (صص ۱۴-۴۷).  
۱-۱۰-۱. اشاره به چگونگی غزل‌های سعدی و مشکلات ترجمه در این سروده‌ها و بررسی ویژگی‌های آنها: در غزل‌های سعدی که شاید خارج از تجدد و بیرون از فرهنگ غربی باشند، از درون حساسیتی (برای ما متروک) مضامینی می‌آفرینند که گاه نامأنوسند و تطابقی در ذهن نمی‌یابند و چون زبان خاص ابیات را نمی‌دانند، مانند صفتی از زبان بریده‌ها به نظر می‌رسند که دیگر چیزی نمی‌گویند و پیامی نمی‌رسانند ... از میان واژه‌هایی که بسامد بیشتری در غزل سعدی دارند، بخش عمده را کلماتی تشکیل می‌دهند که مربوط به اعضای بدن انسان می‌باشند ... گروه کلمات شعر سعدی کیفیات و صفات زیاد پیچیده و دیر هضم ندارند و موضوع غامض و عجیبی را مطرح نمی‌کنند، همان عناصر و کاراکترهایی هستند که اغلب در سنت شعری به کار برده شده‌اند ... در هزار بیت از غزلیات سعدی ۶۹۰ بار واژه‌هایی آمده‌اند که مربوط به بدن انسان هستند و از میان ۸۵ اسم که بسامد بیش از ۱۰ دارند، بالاترین بسامدها به همین کلمات تعلق دارد ... اما مرکزیتی چنین وسیع، پراکندگی و گستردگی هسته معنایی این واژه‌ها را نیز به همراه دارد. حضور این واژه‌ها در بیت، قابلیت وفق و آمادگی کسب معناها و خصوصیات را که فرینه‌ها و محیط بیت ایجاد می‌کنند، با خود می‌آورد و به خاطر در برگرفتن جنبه‌ها و ویژگی‌ها و معانی چندگانه، هسته در سطح معنایی رقیق می‌شود (صص ۱۹-۱۴).

ترتیب دادن مبحثی که شامل واژه‌ها بوده و معانی و مفاهیم آنان را شرح دهد عملی است که همیشه ناقص و نافرجام می‌ماند و مراد را حاصل نمی‌کند، زیرا این کلمه‌ها در هر بیت معنی و ویژگی جدیدی پیدا می‌کنند و مشترک لفظی برای چندین مفهوم می‌شوند و گاهی اوقات مفهوم برای یک خواننده غربی چنان مجمل می‌شود که شبهه مصداقی را در پی دارد (ص ۲۰). همه مجازها و استعاره‌ها و تشبیهات متعلق به سنت شعر فارسی در غزل سعدی به طرز و شکل مستقیم و متقارن و خاصی در ظرف وزن و قافیه ریخته شده‌اند (ص ۲۵). عشق که توام با رنج و درد است، نشانه آزادگی روح و صفای قلب و صافی باطن و قابلیت و شجاعت انسان و صفات والای او نیز هست (ص ۳۱). درباره شعر سعدی شاید بتوان گفت که شعری است که از حضور واقعیت‌ها سخن می‌گوید، یا شعری است که همواره در "این" و "اکنون" سروده شده. اما اگر چه چنین است، به هیچ وجه انکار حیات دیگری که وراي این زندگی است در شعر سعدی وجود ندارد (ص ۴۱) ... اعتدال محتوا و ظرف، و الفت و هماهنگی عناصر شعر سعدی، به شعر انعطاف‌پذیری و نفوذپذیری و تراوایی و انبساطی می‌دهد، که گاه بیتی را به چندین صورت می‌توان خواند و معنی کرد و یا معنی دلخواه را از آن فهمید ... (ص ۴۴).

۱-۱۱. مقدمه مؤلف به زبان فارسی (صص ۷-۱۳).  
۱-۱۱-۱. توضیح درباره مقام بلند سعدی و نقل قولی از ابوبکر بیستون درباره چگونگی تنظیم غزلیات سعدی (صص ۷-۱۱).  
۱-۱۱-۲. توضیح درباره روش کار در کتاب "سیم دل مسکین" که در واقع پایان نامه تحصیلی نگارنده بوده است و سه بخش را شامل است: بخش نخست خلاصه و منتخبی از نظراتی که درباره سعدی و شعر او در متون قدیم و جدید نوشته شده، در بخش دوم صدویک غزل به زبان ایتالیایی ترجمه شده و بخش سوم فشرده و خلاصه‌ای از بررسی‌های زبان‌شناسی و معنی‌شناسی و موضوع‌شناسی است که روی هزار بیت از سروده‌های سعدی انجام گرفته است (صص ۱۱-۱۲).

**۲. منابع اصلی:**  
۲-۱. کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، ویراسته بهاء‌الدین خرمشاهی، ۱۳۶۷.  
۲-۲. بیش از ۵۰ مأخذ در صص ۲۶۳-۲۶۴ به زبان ایتالیایی معرفی شده است که این مأخذ به صورت کلی مورد استفاده مؤلف بوده است.

**۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. متن کتاب گزیده غزل‌های سعدی و ترجمه آن به زبان ایتالیایی است.

**۴. اشاره:** ۱-۴. ترجمه آثار سعدی به زبان‌های دیگر از اقدامات شایسته‌ای است که برای معرفی سعدی به ملل دیگر بسیار ارزشمند است. ستراک مانوکیان که در دانشکده زبان‌های شرقی دانشگاه ونیز زبان و ادبیات فارسی را آموخته است، این کتاب را به راهنمایی استاد نام‌دارش، ریکاردو زیبولی، تهیه کرده و در آن صد و یک غزل از غزل‌های سعدی را به زبان ایتالیایی برگردانده و متن فارسی و ایتالیایی هر غزل را رویه روی هم نهاده است. افزون بر آن در گفتاری زیر عنوان "سیم دل مسکین" ویژگی‌های غزل سعدی را به دو زبان فارسی و ایتالیایی باز نموده است (این گفتار سیم دل مسکین یک بار با عنوان "کاغذ زر" در مجله ادبستان، شماره سی‌وچهارم، مهر ۱۳۷۱، صص ۴۴-۵۱ و یک بار با عنوان "سیم دل مسکین" در نشریه سیم‌مرغ، شماره ۱۲ و ۱۳، فروردین ۱۳۷۲، صص ۷۶-۹۶ نیز به چاپ رسیده است). گفتارهای "سعدی در متون فارسی" و "سعدی در متون عربی" که هر دو به زبان ایتالیایی نوشته شده بر ارزش پژوهشی کتاب افزوده است. داوری درباره کیفیت ترجمه این کتاب از توان این بنده بیرون است.

شرح بوستان ، دکتر محمد خزائلي، انتشارات جاويدان، ۱۳۶۲ (چاپ چهارم)، ۴۷۹ صفحه، قطع: وزيري، شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. گفتار ناشر، تأکید بر ارزش کتاب حاضر (ص: سه).

۱-۲. فهرست کلي مطالب (ص: چهار).

۱-۳. پيش گفتار چاپ اول (صص: پنج‌وشش)، تأکید بر وظيفه خدمتگزاري ادبي و ارزش بوستان و گلستان از نظر زبان فارسي و يادآوري تحقيقات نويسنده.

۱-۴. مقدمه (صص: هفت تا سي).

- تأکید بر ارزش تعليمي بوستان و گلستان، از جمله: "هر که در مکتب انسان‌پروري خواسته است درسي بخواند، کتاب‌هاي بوستان و گلستان يا ساير آثار استاد شيراز را دفتر راهنماي خود ساخته، و هر گاه کسي خواهان آن بوده است، که در باب انسان‌شناسي و بشر دوستي نظري اظهار دارد، باز کتب شيخ را ورق زده است" (ص: هفت).

- اشاره به نام کتاب: "کتابي که ما امروز بوستان مي‌ناميم، به نام "سعدی‌نامه" نام‌گذاري شده و انتخاب اسم "بوستان" متأخر است ... (ص: هشت).

- بيان انگيزه نظم بوستان و اشاره‌اي به محتواي آن (صص: هشت تا ده)؛ از جمله: "بوستان آميزه‌اي است از عرفان و حکمت و اخلاق و دستوره‌اي زندگاني، با عباراتي بس شيوا و رسا. نظمي است به محکمي ضابطه‌هاي علمي و حقيقي و به رواني نثر و روشني گفتگوهاي روزمره مردم ... (ص: نه) هدف بوستان تربيت روان و تصفيه قواي نفس و تقويت خيال و پرورش شور و عشق و راهنمايي همه انواع عواطف و نيروهايي است که بايد در راه سعادت، دستگير افراد بشر باشد" (ص: ده).

- بررسي تنوع حکايت‌ها در بوستان، از جمله: حکايت‌هاي تاريخي، عرفاني، اخلاقي، اجتماعي و ... (صص: ده تا سيزده).

۱-۴-۱. بررسي تاريخچه حکايت‌پردازي از ادبيات کهن يونان تا ادبيات امروز اروپا و حکايت‌هايي از هند و ايران که درباره داستان‌هاي جانوران پرداخته شده است با اشاره‌اي به حکايت‌هاي صوفيانه و عارفانه (صص: چهارده تا بيست).

- توضيح درباره فضيلت حکايت‌هاي بوستان، از جمله: "سراينده بوستان از جهت انتخاب طريق، در بيان وقايع داستان بر ديگران بسي فضيلت دارد ... با آنکه گوناگوني اندیشه‌ها و رنگ‌ها و زبان‌ها در ديگران اعتقاد به اختلاف طبقاتي را بر مي‌انگيزد، در چشم جهان‌بين و طبع انسان‌پسند سعدي، احساس نوع دوستي و انسانخواهي به وجود آورده است ... سخنور شيراز با نظم بوستان، شيوه‌اي نوين در شعر پارسي ابداع کرده است، که استادان داستان‌سراي پس از او پيروي مثنوي بوستان را مایه افتخار خود شناخته و قصه‌هاي اخلاقي به سبک بوستان پرداخته‌اند ... (صص: هفده و هيچده).

- يادکرد دو قطعه شعر از نيره سعدي و ابراهيم صهبا که در قالب مثنوي و به شيوه بوستان پرداخته‌اند (صص: هيچده تا بيست).

۱-۴-۲. گفتاري زير عنوان "شيخ اجل در بوستان به چه کساني اقتفا کرده است" و معرفي منابع زير به عنوان منابعي که سعدي از آنها تأثير پذيرفته است:

- تأليفات جاحظ، بويژه "التاج"، "طهارت العراق" ابن‌مسکويه، کتاب‌هايي با موضوع سيرالملوک و نصيحت‌الملوک بويژه نصيحت‌الملوک غزالي، و ديگر آثار او، "آداب‌الحرب" ابن‌قتيبه دينوري، تأليفات ابوالفرج عبدالرحمن بن علي بن الجوزي، تأليفات شيخ شهاب‌الدين سهروردي، اشعار متنبی و ابوالعلا معري، فردوسي، عنصری، سنایی و عطار (صص: بيست‌ويک تا بيست‌وهشت).

۱-۴-۳. معرفي مختصر برخي از شرح‌ها و ترجمه‌هايي که بر بوستان نوشته شده است (صص: بيست‌ونه تا سي).

۱-۵. متن بوستان به همراه شرح واژه‌ها، ترکيبات و ابیات (صص ۲۸۳-۲۳).

۱-۶. راهنماي فهرست‌هاي شرح بوستان (صص ۴۷۹-۳۸۵).

۱-۶-۱. فهرست آیات قرآني که در شرح بوستان به طريق حل يا درج اقتباس شده است (صص ۴۰۰-۳۸۷).

۱-۶-۲. فهرست احاديثي که در شرح بوستان به طريق حل يا درج اقتباس شده است (صص ۴۰۲-۴۰۱).

۱-۶-۳. فهرست ابیاتي که در شرح بوستان آمده است (صص ۴۰۴-۴۰۳).

۱-۶-۴. فهرست امثال (ص ۴۰۵).

۱-۶-۵. فهرست حکايات (صص ۴۱۴-۴۰۷).

۱-۶-۶. فهرست لغات (صص ۴۴۴-۴۱۵).

۱-۶-۷. فهرست اعلام اشخاص و قبایل (صص ۴۵۴-۴۴۵).

۱-۶-۸. فهرست اسم‌هاي خاص حيوان (ص ۴۵۵).

۱-۶-۹. فهرست اعلام اماکن (صص ۴۶۰-۴۵۷).

۱-۶-۱۰. فهرست کتب (صص ۴۶۳-۴۶۱).

۱-۶-۱۱. فهرست اعلام مقدمه (صص ۴۶۹-۴۶۵).

۱-۶-۱۲. فهرست غلطها (صص ۴۷۹-۴۷۱).

۲. منابع اصلي: در شرح اين کتاب از منابع گوناگوني استفاده شده که موارد زير از آن جمله است: ۲-۱. قرآن کریم ۲-۲. کتب حديث (نشاني مآخذ مشخص نشده است). ۲-۳. لغت نامه‌ها و فرهنگ‌ها (نشاني مآخذ مشخص نشده است). ۲-۴. نسخه‌هايي از بوستان، از جمله نسخه فروغي، شوریده، علي‌يف، ميرخاني، سودي و ... ۲-۵. شرح گلستان، دکتر محمد خزائلي.

۲. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. همه کتاب درباره بوستان و متن و شرح آن است.

۴. اشاره: ۴-۱. اين کتاب يکي از ارزشمندترين و کاربردي‌ترين کتاب‌هايي است که در آن واژه‌ها، ترکيب‌ها و بيت‌هاي بوستان شرح و توضيح داده شده است و موارد زير از ويژگي‌هاي ارزشمند آن است:

۱. استناد فراوان به آیات، احاديث، ابیات، امثال و ... براي تکميل توضيحات.

۲. استفاده از نسخه‌های مختلف بوستان و بررسی مواردی از ضبط واژه‌ها که مورد اختلاف است، از جمله نسخه‌هایی که در طول شرح از آنها استفاده و به آنها اشاره شده موارد زیر برشمردنی است: الف: نسخه محمدعلی فروغی: صص ۵۸، ۶۸، ۷۷، ۱۷۵، ۲۵۴، ۲۵۹، ب: نسخه شوریده: صص ۶۰، ۹۹، ۱۴۱، ۱۷۵، ج: نسخه علی‌یاف: صص ۷۹، ۱۲۲، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۰۹، ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۷۸، د: نسخه سودی: صص ۲۵۵، ۲۶۰، ۲۸۱ و ...

۳. توضیح درباره ریشه برخی از واژه‌ها و بررسی تطور آنها از جمله: ص ۷۶، پ ۶ (هیکل) و ص ۷۸، پ ۸ (سجل) و ص ۸۷، پ ۶ (بلورین) و ص ۹۴، پ ۸ (کیوان) و ص ۱۱۳، پ ۸ (تاج) و ص ۱۴۳، پ ۳ (دمار) و ص ۱۶۳، پ ۵ (گبر و مجوس) و ص ۱۹۱، پ ۲ (فانید) و ص ۲۵۱، پ ۶ (طنبور) و ...

۴. نقل نظرات و آرای برخی شارحان دیگر (هر چند اندک) از جمله: ص ۲۱۸، پ ۵ (درباره واژه سمیلان) و ص ۳۰۲، پ ۵ (درباره واژه طبقری) و ...

- با این همه برخی از توضیحات هر چند ارزنده و مفید است اما برای شرح بیت اضافی است و موجب افزایش حجم کتاب شده است و با ایجاز بایسته آن سازگاری ندارد، از آن جمله موارد زیر برشمردنی است: ص ۵۷، پ ۷ (برنا)، ص ۷۶، پ ۲ (عمان)، ص ۱۶۳، پ ۵ (گبر)، ص ۱۷۷، پ ۹ (عطارد)، ص ۱۹۱، پ ۶ (یونان)، ص ۲۴۶، پ ۴ (شقایق)، ص ۲۶۷، پ ۶ (تبریز)، ص ۳۳۶، پ ۳ (بحث حروف) و .. از مواردی که شایسته دقت و تصحیح است موارد زیر را می‌توان برشمرد:

۱. برخی از بیت‌ها (متناسب با بیت‌های دیگر که توضیح داده شده)، نیاز به توضیح داشته، اما بدون توضیح رها شده‌اند، از جمله: ص ۱۱۷، پ ۸ و ص ۱۴۳، پ ۲ و ص ۱۶۸، پ ۶ و ص ۲۰۰، پ ۴ و ص ۲۰۵، پ ۵ و ص ۲۰۷، پ ۴ و ص ۲۱۵، پ ۱۶ و ص ۲۲۶، پ ۹ و ص ۲۹۷، پ ۶ و ص ۳۰۱، پ ۱۶ و ص ۳۰۳، پ ۳ و ص ۳۴۶، پ ۸ و ص ۳۵۸، پ ۱۱ و ص ۳۶۵، پ ۱۴ و ...

۲. نشانی شواهد مثال نوشته نشده است، از جمله: ص ۷۲، پ ۲ و ص ۱۲۷، پ ۲ و ص ۱۷۹، پ ۱ و ص ۱۹۶، پ ۲ و ص ۲۱۸، پ ۴ و ص ۲۲۸، پ ۲ و ص ۲۸۵، پ ۱ و ص ۳۱۵، پ ۱ و ص ۳۴۹، پ ۲ و ص ۳۵۳، پ ۷ و ص ۳۶۵، پ ۴ و ...

۳. برخی از توضیحات در محل تأمل است و موارد زیر از آن جمله است: الف: در ص ۵۸، پ ۱، درباره بیت (نیامد برش دردناک از غمی - که نهاد بر خاطرش مرهمی) نوشته‌اند: "در نسخه فروغی دردناک غمی ضبط شده است و این ضبط درست نیست، زیرا بنابر آن باید یاء غمی یاء نسبت باشد و یاء نسبت را با یاء نکره مرهمی قافیه نشاید کرد." در حالی که "ی" در ترکیب "دردناک غمی" به همان صورت نیز نکرده است و هیچ معنی برای قبول این معنی وجود ندارد. ب: در ص ۶۱، پ ۶ درباره بیت (عجب نیست این فرع از آن اصل پاک - که جانش بر اوج است و جسمش به خاک) نوشته‌اند: "جان سعد زنگی در فرزندش بویگر سعد گویی حلول کرده و تنها سعدبن زنگی در زیر خاک است و روح او در پیکر فرزندش منشأ اعمال پاک است."

این اشتباه از آنجا ناشی شده که در مصراع دوم بر اساس نگارش قدیم فعل "است" به واژه اوج متصل شده و به صورت "او جست" در آمده و بیشتر نسخه‌ها نیز همین گونه ضبط کرده‌اند: "که جانش بر او جست و جسمش به خاک" و موجب دریافت اشتباه برخی از شارحان شده و البته ضبط "که جانش برون جست و جسمش به خاک" تصحیف دیگری از آن ضبط است که در نسخه حاضر آمده است. سعدی در این مصراع می‌گوید جان سعدزنگی به اوج رفته و جسمش در خاک است.

ج: در ص ۷۳، پ ۱ در توضیح بیت (ندیمان خود را بیفزای قدر - که هرگز نیاید ز پرورده غدر) نوشته‌اند: "از کسانی که از قدیم به نعمت تو پرورده شده‌اند، بی‌وفایی بر نمی‌آید."

توضیح آنکه برخی از نسخه‌ها به جای "ندیمان" در مصراع اول "قدیمان" ضبط کرده‌اند و شارح محترم بدون اشاره به این ضبط، با آنکه در متن واژه "ندیمان" ضبط شده، اما توضیح را بر مبنای واژه "قدیمان" نوشته‌اند. د: در ص ۷۸، پ ۵ درباره بیت (ملك با دل خویش در گفتگو - که دست وزارت سپارد به او) نوشته‌اند: "دست وزارت: اضافه استعاری است و گویا وزارت به عروس تشبیه شده باشد." در حالی که "دست" در این مصراع به معنی "تخت" است و با توجه به اینکه تخت از اسباب و متعلقات وزیر است، نیازی نیست که وزارت به عروس تشبیه شده باشد. ه: در ص ۱۱۳، پ ۳ در مورد مصراع: "جو شیراز در عهد بویگر سعد" معلوم نیست چرا بخش دوم "شیراز" را با "در" جمع کرده و واژه "از در" را به معنی لایق از آن بیرون آورده است. و: در ص ۲۸۶، پ ۹ بیت (از این دست کو آب رز می‌خورد - عجب دارم از شب به پایان برد) معلوم نیست چرا آب رز را به معنی "زهر هلاهل" داشته‌اند ... ز: اشتباهات فراوان چاپی شایسته این شرح ارزشمند نیست. در پایان فهرست‌ها (صص ۴۷۹-۴۷۱) به تعداد زیادی از این اشتباهات اشاره شده، اما اغلاط کتاب بسیار بیش از این فهرست است، از جمله موارد اشتباهی که در فهرست اغلاط نیامده به چند مورد اشاره می‌شود: ص ۷۷ پ ۶: بخت (بخت) و ص ۱۰۵، س ۱۲: دستوار (دوستوار) و ص ۱۲۰، س ۱: نخفت (نخفته است) و ص ۱۳۰، س ۸: نام (بام) و ص ۲۳۲، س ۵: که است (درکه است) و ص ۳۳۴، س ۳: آویدت (آویدت) و ص ۳۳۶، س ۱۶: حزف (حرف) و ص ۳۶۳، س ۲۹: تسنیه (تسمیه) و ... ج: در بخش فهرست‌ها نیز موارد زیادی از قلم افتاده که با توجه به فراوانی آنها برای پرهیز از درازای سخن از نقل موارد خودداری می‌شود ... ط- در قسمت مقدمه دو بخش جداگانه زیر يك عنوان (شیخ اجل در بوستان به چه کسانی اقتفا کرده است) آمده، که باید اصلاح می‌شد (صص ۲۱ و ۲۷).

۴-۲. آقای محمدعلی صادق‌یان برخی دیگر از توضیحات این کتاب را نقد و بررسی کرده‌اند، برای آگاهی بیشتر، رك. نقدي بر شرح بوستان دكتر محمد خزائلي، محمدعلی صادق‌یان، خرد و كوشش، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۵۲، صص ۱۶۴-۱۵۷.

**۵. تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۱-۵. فردا گوید تربی از اینجا برکن، اسماعیل رفیعیان، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال بیست‌ویکم، تابستان و پاییز ۱۳۴۸، شماره مسلسل ۹۱-۹۰، صص ۲۳۳-۲۳۲، ۲-۵. بوستان سعدی، پس از مقابله ...، نورالله ایران‌پرست، دانش، سعدی، ۱۳۵۲، در ص: ت به عنوان یکی از نسخه‌های مقابله شده، معرفی شده است. ۳-۵. مضمون‌گیری سعدی از شاعران عرب، دکتر جعفر مؤید شیرازی، گوهر، سال اول، شماره ۹، مهر ۱۳۵۲، ص ۸۲۰، ۴-۵. معنی بی‌تی از بوستان، دکتر مظاهر مصفا، گوهر، سال اول، شماره ۸، شهریور ۱۳۵۲، ص ۷۶۲، ۵-۵. نقدي بر شرح بوستان دكتر محمد خزائلي، خرد و كوشش، شماره ۱۱ و ۱۲، دوره چهارم، دفتر دوم و سوم، بهار و تابستان ۱۳۵۲، صص ۱۶۴-۱۵۷، ۶-۵. عذرا-انداختی، رشید عبوضی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۶، شماره مسلسل ۱۱۰، تابستان ۱۳۵۳، صص ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۷، ۷-۵. تأثیر قرآن و حدیث بر آثار سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، گوهر، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۵۴، ص ۹۱۹، ۸-۵. سال‌شمار سفرهای سعدی، جان بویل، ترجمه اوانس اوانسیان، راهنمای کتاب، سال هیجدهم، شماره ۱۲-۱۰، دی - اسفند ۱۳۵۴، صص ۷۹۷-۷۹۴، ۹-۵. گامی چند با شارحان بوستان در گل‌گشت سعدی، رضا انزابی‌نژاد، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۷، شماره مسلسل ۱۱۴، تابستان ۱۳۵۴، صص ۳۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۳، ۱۰-۵. شعری از بوستان، حسین لسان، سخن، دوره بیست‌وپنجم، شماره دوم، تیر ۱۳۵۵، ص ۲۲۸، ۱۱-۵. هدیه‌ای از هدیه‌ای به استاد یوسفی، بهاء‌الدین خرمشاهی، نشر دانش، سال دوم، شماره اول، آذر و دی ۱۳۶۰، ص ۷۱، ۱۲-۵. بوستان سعدی به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، دکتر سعید حمیدیان، نشر دانش،